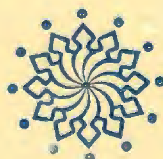
آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی

دکتر مهدی غروی



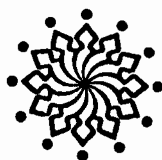
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

بسم الله الرحمن الرحیم

آرامگاه در گسترهٔ فرهنگ ایرانی

تألیف

دکتر مهدی غروی



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

شمارهٔ ۱۷۴

تهران ـ خیابان ولی‌عصر ـ پل امیربهادر ـ خیابان سرگرد بشیری (بوعلی) شماره ۱۰۰
تلفن ۳ـ۵۳۷۴۵۳۱، دورنویس ۵۳۷۴۵۳۰

نام کتاب: آرامگاه در گسترهٔ فرهنگ ایرانی

تألیف: دکتر مهدی غروی

مدیر امور فنی: حسین ایوبی‌زاده

نوبت چاپ: اول، ۱۳۷۶

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شابک ۱ ـ ۱۹ ـ ۶۲۷۸ ـ ۹۶۴ ISBN 964 - 6278 - 19 - 1

مقدمهٔ ناشر

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برای معرفی و بزرگداشت عالمان و متفکران عرصهٔ فرهنگ و تمدن و احیاء انتشار آثار گرانقدر اندیشمندان و نیز نمودن جلوه‌های فرهنگی اسلام و ایران، نقش و سهم ایرانیان در رشد و بالندگی آن پای به عرصهٔ حیات نهاده است، می‌کوشد به‌معرفی تاریخ فرهنگ اسلام در ایران به ویژه سهم ایرانیان در پربار شدن نهال برومند فرهنگ و تمدن اسلامی و میراث اسلامی ایران بپردازد. بخشی از اهداف انجمن نیز چاپ و انتشار کتابهای باارزش و ماندنی در زمینهٔ تاریخ و فرهنگ است، از این‌رو، درصدد برآمد تا سلسله انتشارات انجمن آثار ملی قدیم را که آثاری شایسته و درخور تأمل‌اند و زوایایی از بینش و اندیشه مردمان این دیار را باز می‌تاباند، با حفظ امانتداری، پس از بررسی و تجدیدنظر محتوایی تجدید چاپ کند.

آرامگاه درگسترهٔ فرهنگ ایران، در نوع خود کار جدیدی است که بنا به گفته آقای دکتر مهدی غروی مؤلف کتاب تلاش ده سال کار شبانه‌روزی ایشان می‌باشد. در این کتاب آرامگاه تمام شخصیت‌هایی که از لحاظ دینی، مذهبی، علمی، سیاسی، فرهنگی وکسانی راکه به نحوی در تاریخ ایران چه قبل از اسلام و چه بعد از آن نقش داشته‌اند جمع‌آوری شده و پیشینهٔ تاریخی مقبره در ایران را بنا به هر نوع شرایط تاریخی مورد بررسی و تحقیق قرار داده است.

پژوهش در این زمینه بسیار لازم بود و جای خالی آن به وضوح احساس می‌شد. تا اینکه به عون خدا و با تلاش خستگی‌ناپذیر آن محقق ارجمند این کار تحقق یافت، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که ارزش کار را دریافته بود همت به انتشار آن گمارد که اینک در دسترس علاقه‌مندان به فرهنگ و تاریخ این مرزبوم می‌باشد. در آخر آرزوی موفقیت برای علاقه‌مندان به این کتاب داریم و از خدای منان طول عمر آن پژوهشگر کوشا را آرزومندیم تا با زحمات شبانه‌روزیشان هرچه بیشتر در غنای علمی فرهنگی ایران عزیز بکوشند.

دکتر کمال حاج سید جوادی
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

آغاز سخن

نشانه‌ها*

آثار: آثار ایران به‌زبان فرانسه‌ای
ATH ĀR-É Ī RĀN
Anndles Du Service Archéoloyique de L IRAN
چاپ پاریس در سالهای ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸ به‌مدیری آندره گدار Andre Godard ـ عدد پس از آثار شماره مجله شماره سال است مثلاً آثار ۱ـ۱/۴۸ یعنی شماره ۱ از جلد اول سال ص ۴۸.

آثار باستانی آذربایجان آثار و ابنیه تاریخی شهرستانهای: اردبیل، ارسباران خلخال، سراب، مشکین شهر، مغان، سیدجمال ترابی طباطبائی، تهران انجمن آثار ملی (مفاخر) ۱۳۵۵.

آثار ایران: آثار ایران نشریه اداره کل باستانشناسی ایران به‌مدیری آندره گدار فرانسه‌ای در سالهای ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ ترجمه فارسی عدد ذکر شده پس از آثار ایران شماره صفحه ترجمه فارسی به صورت کتاب است.

آثار صنادیه: آثار الصنادیه به‌اردو از دکتر سر سید احمد خان بهادر، دهلی ۱۹۶۵.

آثار ملی: آثار ملی نشریه انجمن آثار ملی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) از سال ۱۳۵۵

آخ: آثار باستانی خراسان، عبدالحمید مولوی جلد اول آثار و ابنیه تاریخی جام، نیشابور و سبزوار، انجمن آثار ملی (مفاخر)، تهران ۱۳۵۵.

آذ: آثار باستانی آذربایجان، آثار و ابنیه شهر تبریز، عبدالعلی کارنگ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (آثار ملی) ۱۳۵۱ تهران آذ ۲.

---

* در این مجموعه از آن روی که نام بعضی از مراجع بارها آمده است به جای مراجع، نشانه‌ای از نام کتاب ذکر شده گرفته شده که این فهرست به ترتیب الفبایی بر این مبنا تنظیم شده، و در جایی که نام کتاب کوتاه یا تعداد ارجاع بدان محدود است نام کتاب ذکر شده و نشانه و نام یکی است.

در این فهرست، برخی از کتابهای انگلیسی بابریان هند را مغول و یا مغال ذکر می‌کند که البته با مغول، اقوام ساکن در مغرب چین متفاوت‌اند ما در این مجموعه همه جا بابریان را ذکر آورده‌ایم.

آس ۱: از آستارا تا استارباد (جلد اول) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش، دکتر منوچهر ستوده انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۴۹.

آس ۲: از آستارا تا آستارباد (جلد دوم) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش، دکتر منوچهر ستوده انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۵۱.

آس ۳: از آستاراتا آستارباد (جلد سوم) آثار و بناهای تاریخی مازندران دکتر منوچهر ستوده انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۵۵.

آس ۴: از آستارا تا آستارباد (جلد چهارم) آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی بخش اول. دکتر منوچهر ستوده. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۵ وزارت ارشاد ۱۳۶۶.

آس ۵: از آستارا تا اِستارباد (جلد پنجم) آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی بخش دوم دکتر منوچهر ستوده، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۵ وزارت ارشاد ۱۳۶۶.

آسمنان: آثار تاریخی سمنان، محمدعلی مخلصی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (آثار ملی) ۱۳۳۶ تهران.

آش: آثار شهرهای باستانی و سواحل و بنادر خلیج‌فارس و دریای عمان، احمد اقتداری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۵ (انجمن آثار ملی)... تهران.

آص: آثار ملی اصفهان ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی (آثار ملی) آثار و مفاخر فرهنگی تهران ۱۳۵۲.

آط: آثار تاریخی تهران مجلد اول اماکن متبرکه سید محمد صادق مصطفوی به‌کوشش... محدث تهران ۱۳۶۲.

آق: سرزمین قزوین، دکتر پرویز ورجاوند، سابقه تاریخی و آثار باستانی و بناهای تاریخی سرزمین قزوین انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۴۹ تهران.

آکن: آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، حسن نراقی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی)... تهران.

آگـاهینامه: آگاهینامه نشریه‌سازمان ملی حفاظت آثار ملی، انتشار در سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ تهران توسط همین سازمان.

آل: آثار تاریخی لرستان در دو جلد حمید ایزدپناه، (انجمن آثار ملی) تهران ۱۳۵۵ آگاه همین کتاب آل ۲ جلد دوم انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (انجمن آثار ملی).

آینده: ۱ـ مجله به‌مدیری دکتر محمود افشار ۲ـ مجله به‌مدیری ایرج افشار از سال ۱۳۵۸.

آیین اکبری: آیین اکبری جلد سوم اکبر نامه‌کتاب دایرةالمعارف‌گونه که توسط ابوالفضل علامی تدارک و با تصویرها در قطع بزرگ در ۱۸۸۳ در نوول کیشور لکنهو به‌چاپ رسید.

ابدیت ایران: ابدیت ایران، دکتر سید تقی نصر تهران ۱۳۵۴.

ارداویراف: ارداویـرافـنامه بـه‌زبان پـهلوی و ترجمهٔ منظوم آن به‌فارسی توسط بهرام پژدو بـه‌نام زرتشت‌نـامه بـمبئی ۱۹۰۲ تـوسط جاماسب‌آسا.

از شهریور: از شهریور ۱۳۲۰، ج ۱ و ۲ حسین کوهی کرمانی. تهران ۱۳۲۹.

از صـبا: از صـبا تـانیما در سـه جـلد یـحیی آرین‌پور تهران ۱۳۵۰-۱۳۵۷ و ۱۳۷۴.

اشکانیان: اشکانیـان از م. م. دیاکونو تـرجـمه کریم کشاورز، تهران ۱۳۴۴ انجمن فـرهنگ ایران باستان.

اطلاعات: روزنـامهٔ اطـلاعات، نشـریه عـصر تهران که از ۱۳۰۴ تاکـنون در حـال انـتشار است.

اِق: اقلیم پارس، سید محمدتقی مـصطفوی انجمن آثار و مفاخر فـرهنگی ۱۳۷۵ (آثـار ملی)... تهران.

امپراتوری مغول (بابریان):

The Mughul Empire

مجلد هـفتم از مـجموعه تـاریخ و فـرهنگ مردم هند بمبئی ۱۹۷۰

History And Gullūre of the pearte

انجمن: مجموعه انتشارات قدیم انجمن آثار ملی (انجمن آثار و مفاخر فـرهنگی) تـهران ۱۳۵۱.

انگلو: انگلیسیها در میان ایـرانـیان سـردنیس رایت سفیر سابق انگلیس در ایـران تـرجـمه اسکندر دلدم. تهران ۱۳۶۴ کاوش.

ایب: ایران باستان، حسن پـرنیا مشـیرالدوله به‌کـوشش دکـتر مـحمد ابـراهـیم بـاستانی پـاریزی چـاپ اول ۱۳۱۱، چـاپ سـازمان کتابهای جیبی تهران ۱۳۴۱.

ایران قـدیم: ایـران قـدیم بـه‌روایت تـصویر ریحانه شهرستانی، تهران سروش ۱۳۶۶.

ایران یک: کتاب در باب معماری ایران مصور از آنتوبی هوت ولئونارد هارو لندن

IRAN 1: Anlthony Hutt, leonard Harrow ،London 1977

باب کیست: باب کیست و سخن او چـیست، نورالدین مدرس چهاردهی تهران ۱۳۶۶.

بازیگران: بازیگران عصر پـهلوی در دو جـلد محمود طلوعی، تهران ۱۳۷۲.

باستانشناسی: نشـریه مـرکز نشـر دانشگـاهی، پـاییز ۱۳۷۳ بـه‌مدیری دکـتر نـصراللـه پورجوادی، تهران ۱۳۷۳.

بـافت شـیراز: تـاریخ بـافت قـدیمی شـیراز، کـرامت‌اللـه افسـر، انـجمن آثـار و مـفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثارملی) ۱۳۵۲ تهران.

بحث ۲: تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تـحولات آن در صـدر اسـلام تـا عـصر حاضر، دکتر قـاسم غـنی چـاپ اول ۱۳۳۳

تهران ۱۳۶۶ زوار.

بحث حافظ: بحث در آثار و افکار و احوال حافظ جلد اول تاریخ عصر حافظ، تاریخ استان فارس و مضافات وایالات مجاور در قرن هشتم، دکتر قاسم غنی، تهران ۱۳۶۶ زوار.

بریتانیکا: انسیکلوپدی بریتانیکا چاپ ۱۹۷۸.

بناکتی: تاریخ بناکتی، روخته اولی‌الالباب فی معرفت‌التواریخ والانساب، به‌کوشش جعفر شکار تهران ۱۳۴۸.

بناهای تاریخی آسیای مرکزی بخارا و سمرقند به زبان روسی با عنوان انگلیسی.
ARCHITECTURAL
MONUMENTS
OF MIDEL ASIA
BOKHARA, SAMARKAND
By: V.voronia لنیگراد ۱۹۵۳

بناهای تاریخی: بناهای تاریخی آسیای مرکزی، بخارا و سمرقند، به رنال لوسی و عنوان انگلیسی Architectural Monuments of Midel Asia Bokhara, Samarkand By V. vornima لنینگراد ۱۹۵۳.

پارتیان: پارتیان از مالکولم کالج ترجمه مسعود رجب‌نیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۵۵.

پارتیان: پارتیان از مالکوم طالج ترجمه مسعود رجب‌نیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۵۵.

پارسی کشمیر: پارسی‌سرایان کشمیر دکتر گ. ل. تیکو، انجمن ایران‌وهند تهران ۱۳۴۲.

پاسارگاد: پاسارگاد قدیمی‌ترین پایتخت ایران، علی سامی شیراز معرفت ۱۳۳۰.

ت: تقریرات، مطالبی که نویسنده در کلاس درس یا در سخنرانی‌ها از استادان و معلمان مورد اطمینان شنیده است.

تا ۱: تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج اول تهران ۱۳۵۶ امیرکبیر.

تا ۲: تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۲ تهران ۱۳۵۶ امیرکبیر.

تا ۳: تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۳ تهران ۱۳۵۷ امیرکبیر.

تا ۴: تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۴ در دو بخش تهران ۱۳۵۹ امیرکبیر.

تا ۵: تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۵ تهران ۱۳۶۴ امیرکبیر.

تا ٦: تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۶ تهران ۱۳۷۱ امیرکبیر.

تا ۷: تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۷ تهران ۱۳۶۸ امیرکبیر.

تا ۸: تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۸ در دو بخش تهران ۱۳۷۴ امیرکبیر.

تابها: تاریخ جامع بهائیت، نوماسونی، بهرام افراسیابی، تهران ۱۳۶۸ انتشارات سخن.

تاییداری: تاریخ بیداری ایرانیان ناظم‌الاسلام کرمانی به‌کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی تهران ۱۳۶۲.

تاج: تاریخ جراید و مجلات ایران محمد صدر هاشمی. اصفهان ۱۳۶۳ (اول ۱۳۳۷) انتشارات کمال در چهار جلد

تاج محل:

THE TAJ MAHAL

By David Carroll and the

Editors of the News week N.Y

چاپ مؤسسه ریدرز دایجست لندن ۱۹۵۳.

تاخ: تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از ایران عباس مهرین شوشتری، تهران ۱۳۵۲.

تاد: تاریخ ادبی ایران، ادوار براون

A Literary History of Persi By: Edward Brawn

چاپ دانشگاه کامبریج ۱۹۶۲ چاپ اول ۱۹۰۲ با ترجمه‌های فارسی تادف.

تادر: تاریخ ادبیات در ایران در پنج جلد، جلدهای سوم و پنجم هر یک در دو بخش سه بخش دکتر ذبیح‌الله صفا جلد اول از آغاز مهد اسلامی تا دوره سلجوقی.

تادر ۲: جلد دوم از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم هجری.

تادر ۴: جلد چهارم: از پایان قرن ششم تا اوایل قرن دهم هجری.

تادر ۳ الف: جلد سوم یک: از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم هجری.

تادر ۵ الف: جلد پنجم یک از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری.

تادر ۵ ب: جلد پنجم دو از آغاز سدهٔ دهم تا میانه سدهٔ دوازدهم هجری.

تادر ۵ ج: جلد پنجم سه از آغاز سدهٔ دهم تا میانه سدهٔ دوازدهم هجری.

تادغ: تاریخ دیالمه و غزنویان، عباس پرویز، تهران ۱۳۳۶.

تاریخ ایلام: تاریخ ایلام پیر آمیه ترجمه دکتر شیرین بیانی، دانشگاه تهران ۱۳۴۹.

تاریخ بلعمی: تاریخ بلعمی ترجمه تاریخ طبری ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، به‌کوشش ملک‌الشعرای بهار و پروین گنابادی، تهران اداره کل نگارش وزارت فرهنگ ۱۳۴۱.

تاریخ طبری: تاریخ طبری، ترجمه و تحقیق دکتر محمد جواد مشکور... تهران ۱۳۳۷.

تاریخ گزیده: تاریخ گزیده حمدالله مستوفی به‌کوشش عبدالحسین نوایی، تهران امیرکبیر ۱۳۳۶.

تاس: تاریخ سیاسی ساسانیان (ایران باستان جلد چهارم) در دو جلد دکتر محمد جواد مشکور، تهران ۱۳۶۶ خانه کتاب.

تاسخ: تاریخ سلاجقه و خوارزمشاه عباس پرویز، تهران ۱۳۵۰.

تـــاسین: تـاریخ سـینمای ایـران از ؟ ۱۳۵۷ مسعود مهرابی، تهران ۱۳۶۵.

تاض: تاریخ نهضت‌های ملی ایران عبدالرفیع حقیقت تهران ۱۳۵۴.

تاط: تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک محمد بن وزیرطبری ترجمه ابوالقاسم پاتین در ۱۵ جلد تهران بنیاد فرهنگ ۱۳۵۲.

تـــاع: تـاریخ عـضدی، تـاریخی از وضـع اجتماعی دربار عصر قاجار عضدالدوله، در چاپ سنگی تهران ۱۳۰۶ ق.

تاغ: تاریخ مغول بـه‌تاریخ مـفصل ایـران از استیلای مغولان تا اعلان مشروطیت عباس اقـبال فـقط جـلد اول از حـملهٔ چـنگیز تـا تشکیل دولت تیموری تهران ۱۳۴۱ (چاپ دوم).

تافض: تاریخ نهضت‌های فکری ایـرانیان در دورهٔ قـاجاریه عـبدالرفـیع حـقیقت، تـهران ۱۳۵۴.

تاک: تاریخچهٔ سـاختمانهای ارگ سـلطنتی تـهران یـحیی ذکـاء تـهران ۱۳۴۱ وزارت فرهنگ هنر.

تان: تاریخ نظم و نثر در ایران در زبان فارسی در دو جلد سعید نفیسی به ۱۳۶۳ فروغی.

تان (...) همین مرجع در صورتی که با عکس همراه باشد.

تاهنر: تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی عـبدالرفـیع حـقیقت تـهران ۱۳۶۹ شـرکت مؤلفان و مترجمان.

تأثیر هنر ساسانی: تأثیر هنر ساسانی بـر هـنر اسلامی دکـتر عـباس زمـانی، تـهران ۱۳۵۵ وزارت فرهنگ، و هنر.

تلاش: تلاش آزادی محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله پریسا محمد ابراهـیم، بـاستانی پاریزی چاپ چهارم ۱۳۵۶ تهران، نوین.

تمدن ساسانی: تمدن ساسانی علی سامی در دو جلد شیراز ۱۳۴۲ مؤلف ناشر جلد دوم ۱۳۴۴.

تمدن هخامنشی: تمدن هخامنشی علی سامی در دو جلد شیراز ۱۳۴۱ مؤلف.

تورات فارسی: کتاب مقدس ترجمه از عبرانی ـ یونانی لندن ۱۹۳۰

ث: المآثـــر و الآثـــار، مـــحمدحسن اعتمادالسلطنه به‌کوشش ایرج افشار، تهران ۱۳۶۳.

جب: جغرافیای مـتصل ایـران در سـه جـلد: طبیعی، انسانی، اقتصادی دکتر ربیع بدیعی، اقبال، تهران ۱۳۶۲.

جب ۲: دکتر ربیع بدیعی جلد دوم.

جب ۳: دکتر ربیع بدیعی جلد سوم.

جغ: جغرافیای کامل ایران در دو جلد بـزرگ گروه مؤلفان وزارت آمـوزش و پـرورش و کارشناسان جغرافیا در تهران ۱۳۶۶.

جک: جغرافیایی مفصل ایـران در سـه جـلد

صنعتی و سیاسی و اقتصادی مسعود کیهان، تهران ۱۳۱۱.

چهره‌ها: چهره‌هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران، فرهنگسرای نیاوران تهران ۱۳۵۷.

چهرهٔ ایران: چهرهٔ ایران به‌راهنمای سیاحتی و مسافرتی طرح و نشر از گیتاشناسی، تهران نوروز ۱۳۷۴.

خطای نامه: شرح مشاهدات سیدعلی اکبر خطائی در سرزمین چین به‌کوشش ایرج افشار مرکز اسناد فرهنگی آسیا تهران ۱۳۷۲.

خوش: احوال و آثار خوشنویسان و نستعلیق‌نویسان در ۴ مجلد دکتر مهدی میانی در تهران ۱۳۴۵ چهار جلد.

خوش معاصر: فهرست رسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری قمری فیروز منصوری تهران ۱۳۶۶ گوته.

خیابانی: خیام شیخ محمد خیابانی در تبریز علی آذری در تهران ۱۳۶۲.

د: دائرةالمعارف فارسی در سه مجلد غلامحسین مصاحب، تهران جلد اول در ۱۳۴۵ کتابهای جیبی.

د: جلد دوم ۱۳۵۶ کتابهای جیبی.

د: جلد دوم بخش دوم ۱۳۷۴ کتابهای جیبی.

دارالخلافه: دارالخلافه تهران ناصر نجمی، تهران ۱۳۶۲ همگام.

داستان رضاشاه: داستانهای عصر رضا شاه محمود حکیمی، تهران ۱۳۷۱.

داستانها: داستانهایی از پنجاه سال حکومت پهلوی معزالدین مهدوی، تهران ۱۳۴۸.

دان: دانشنامه ایران و اسلام فقط حرف ال، از حرف ب تحت عنوان دانشنامه جهان اسلام زیرنظر احمد طاهری عراقی و... تهران ۱۳۶۹ احسان‌یار شاطر، تهران ۱۳۴۵.

دب: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی محمد کاظم بجنوردی، تهران مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ۱۳۶۷.

دت: دائرةالمعارف تشییع احمد صدر حاج سید جوادی... تهران بنیاد اسلامی طاهر تهران ۱۳۶۶.

درویشی: درویشی دروغین، سفرنامه آرمینوس و امیری مجارستانی ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تهران ۱۳۷۰.

دس: دائرةالمعارف سرزمین و مردم ایران عبدالحسین سعیدیان تهران چاپ سوم ۱۳۶۴ علم و زندگی.

دش: دیار شهر یاران اکنون آثار و بناهای تاریخی خوزستان در دو بخش، احمد اقتداری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۵۷ (انجمن آثار ملی)... تهران.

دموکراسی هند: دموکراسی و آزادی در هند، سیف آزاد، تهران ۱۳۲۹.

دهلی و آگرا: Dehli Ban Agra از توم چاپ

سن ویپتی‌گورا Tom Ehapman and Erika Petigurg نیویورک، توکیو، سانفرانسیسکو، بدون تاریخ چاپ.

ر: رضائیه (ارومیه) سرزمین زرتشت اوضاع طبیعی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تاریخی از علی دهقان، تهران ۱۳۴۸ ابن‌سینا.

دهلی و اطراف: دهلی و اطراف آن از دکتر ی. د. شرما.
دهلی ۱۹۶۴ Delhi And Neig Ghbour Hood
DR. Y. D. Sharma

راهنما: راهنمای کتاب ماهنامه، صاحب امتیاز احسان یار شاطر، مدیر ایرج افشار، از سال ۱۳۵۱ در تهران، پس از اینها عدد اول سال انتشار، عدد دوم صفحه نشریه است راهنما ۶/۱۲ = سال ۱۲ صفحه ۶.

رج: شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری مهدی بامداد در شش جلد، تهران ۱۳۶۴ زوار.

رجا: رجال دورهٔ قاجار، حسین سعادت نوری، تهران ۱۳۶۴.

رجال: رجال وزارت خارجه ایرج افشار، تهران ۱۳۶۶.

رجال ناصری: رجال عصر ناصری دوستعلی‌خان‌معیرالممالک، تهران ۱۳۶۱.

رستم: رستم‌التواریخ محمد هاشم آصف به‌کوشش محمد مشیری تهران ۱۳۵۲ (اول ۱۳۴۸) امیرکبیر.

روزشمار: روزشمار تاریخ ایران دو جلد از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، دو جلد باقرعاملّی، ۱۳۶۹ تهران.

رهبر: رهبران مشروطه در دو جلد، ج اول ۲۴ سرگذشت ابراهیم صفایی تهران ۱۳۶۴ جاودان.

رهبر ۲: ابراهیم صفایی، تهران ۱۳۶۳ ج دوم ۱۸ سرگذشت.

ری: ری باستان در دو جلد دکتر حسین کریمان تهران ۱۳۴۵ انجمن آثار ملی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی).

ز: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ - ۱۳۳۰ ح) حسن موساوند تهران ۱۳۶۹، الوند ج ۱.

ز ۲: حسن موساوند تهران ۱۳۷۳، الوند ج ۱.

ز ۳: حسن موساوند تهران ۱۳۷۳، الوند ج ۱.

س: سرزمین‌های خلافت شرقی لسترنج، تهران ۱۳۳۷ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مجموعه ایرانشناسی ترجمه محمؤد عرفانی.

سخنوران: سخنوران نامی ایران در تاریخ معاصر ۲ جلد محمد اسحاق، کلکته ۱۳۵۱ ق (تهران ۱۳۷۱).

سرگذشت: سرگذشت موسیقی ایران روح‌الله خالقی: تهران ۱۳۵۲

سمریه: رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند ابو طاهر خواجه سمرقندی به‌کوشش ایرج افشار تهران، ۱۳۶۷

سهم: سهم ایران در تمدن جهان به‌انگلیسی و فارسی حمید نیرنوری تهران ۱۳۴۵.

سیاستگر: سیاستگران دورهٔ قاجاریه، در دو جلد خان ملک ساسانی - سرگذشت شش نفر جلد دوم سه نفر تهران ۱۳۳۸ بابک.

سیراف: سیراف (بندر طاهری)، غلامرضا معصومی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۵۲ تهران.

سیما: سیمای جمهوری اسلامی ایران (تلویزیون دولتی).

سیمرغ: فصلنامه به‌مدیریت مهران اکبریان در تهران شمارهٔ مخصوص آسیای مرکزی مرداد - آبان ۱۳۶۹.

ش: شاهنامه چاپ مسکو جلد اول

ش ۲: شاهنامه چاپ مسکو جلد دوم...

شاع: زندگانی شاه عباس اول در پنج جلد نصرالله فلسفی، تهران ۱۳۶۴.انتشارات علمی.

شاهنامه آخرش: شاهنامه آخرش خوش است محمد ابراهیم باستانی پاریزی تهران ۱۳۷۲.

شاهنامه در ۵۰: شاهنامه در پنجاه سال دودمان حکومت پهلوی‌ها مهدی غروی ۱۳۵۵ وزارت فرهنگ و هنر.

ش مهل: شاهنامه مهلِ، چاپ پاریس.
بار اول در ایران در ۱۳۴۵ توسط بنیاد کتابهای جیبی در ۱۱ جلدکوچک و بار دیگر بامقدمه دکتر محمد امین ریاحی در ۴ جلد به‌سال ۱۳۷۳ طبع و نشر شد.

شهر: نظری اجمالی به‌شهرنشینی و شهرسازی در ایران، مجموعه مقالات به‌کوشش محمدیوسف کیانی تهران ۱۳۶۵ با همکاری هما (هواپیمایی ملی ایران).

شهرها: شهرهای ایران (مجموعه مقالات) به‌کوشش محمد یوسف کیانی با همکاری جهاد، تهران ۱۳۶۶.

شهرها ۲: جلد دوم همین کتاب.

شهرها ۳: جلد سوم همین کتاب.

شهرها ۴: جلد چهارم همین کتاب.

شهرهای مغولی: شهرهای مغولی (بابری) در هند، کتاب به انگلیسی دهلی آگرا و فتحپور سیکری...
Cities of Mughal India By Gavin Hambly
مؤلف گاول‌های ملی ۱۹۶۸ دهلی به‌طبع انگلستان.

شیرازنامه: شیرازنامه احمد ابی‌الخیر زرکوب شیرازی به‌کوشش بهمن کریمی، ۱۳۳۰ خ، تهران.

صدا: صدای جمهوری اسلامی (بنگاه رادیو).

عکس: عکس‌های قدیمی ایران، رجال، مناظر، بناها، و محیط اجتماعی، قاسم صافی، دانشگاه تهران ۱۳۷۰.

عکس آلبوم: فهرست آلبومهای عکس کتابخانه گلستان (سلطنتی) بدری آتابای تهران ۱۳۵۷.

ف: فرهنگ فارسی (متوسط) دکتر محمد معین، تهران ۱۳۵۶ امیرکبیر شش جلد، با چابهای جدید، پس از انقلاب.

فارسنامه: فارسنامه ابن بلخی به‌کوشش سیدجلال‌الدین تهرانی، ۱۳۱۳ تهران.

فج: فرهنگ جغرافیایی ایران در ده جلد حسنعلی رزم آرا همکاران، تهران ۱۳۳۲.

فرآفرم: فرهنگ آبادیهای ایران و مکانهای مذهبی کشور (فرم) لطف‌الله مفخم پایان و دکتر محمد حسین پابلی یزدی و همکاران مشهد ۱۳۶۷ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.

فرجال: فرهنگ رجال قاجار جورج ب. چرچیل به‌کوشش غلامرضا صالحیار تهران ۱۳۶۹.

فرخا: فرهنگ خاورشناسان زندگی و کتابشناسی ایرانشناسان اسلام‌شناسان مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) تهران ۱۳۷۲ وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

فرم ← فرآ

فرنفیسی: فرهنگنامه فارسی سعید نفیسی، تهران ۱۳۱۹ (فقط بخش اول).

فرهنگ ایران باستان: ابراهیم‌پور داود تهران ۱۳۲۶.

قدیم نقش: کتاب قدیم نقش ایران به‌فارسی، انگلیسی و گجراتی از کاوسجی و نشاجی کیاس، بمبئی ۱۳۵۸ یزد جردی ۱۳۰۶ هجری، ۱۸۸۹ م.

قم: فهرست مقالات فارسی ایرج افشار پنج مجلد آن مقالهٔ که نامشان در این فهرست نیست، نام مجله همراه با سال انتشار و شماره صفحه ذکر شده است.

قندیه: رساله در تاریخ مزارات و جغرافیایی سمرقند، محمدبن عبدالجلیل سمرقندی به‌کوشش ایرج افشار تهران ۱۳۶۷.

کارنامه: کارنامهٔ انجمن آثار ملی (اکنون انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) حسین بحرالعلومی، تهران ۱۳۵۵، انجمن آثار ملی.

کاروند: کاروند کسروی مجموعه مقالات سید احمد کسروی به‌کوشش یحیی ذکاء تهران ۱۳۵۶م (اول ۱۳۵۲) جیبی.

کاشان: تاریخ کاشان، حسن نراقی، تهران ۱۳۶۵.

کف: کتابشناسی فردوسی فهرست آثار و تحقیقات دربارهٔ فردوسی و شاهنامه ایرج افشار، تهران انجمن اثار ملی (انجمن آثار و

مفاخر فرهنگی) تهران ۱۳۴۷.

کوی سرخاب: کوی سرخاب تبریز مقبرةالشعرا، دکتر ضیاءالدین سجادی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۵ (انجمن آثار ملی) ۱۳۵۱.

کیهان: روزنامهٔ عصر که از سال ۱۳۲۰ خ در حال انتشار است.

گل: گلستان هنر میراحمد منشی قمی به‌کوشش احمد سهیلی خوانساری در تهران ۱۳۵۲.

گنجینه: گنجینه دانشمندان حاج شیخ محمد شریف رازی، تهران ۱۳۵۲.

گوهرشاد: قیام گوهرشاد، سینا واحد، محجوبه تهران ۱۳۶۴.

لْ: لغت‌نامه دهخدا زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر جعفر شهیدی تهران از ۱۳۲۵ سازمان لغت‌نامه وابسته به‌دانشگاه تهران.

مازندرانی: مازندران و استراباد هـ. ل. رابینو، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی تهران ۱۳۶۵ شرکت انتشارات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مجمل: مجمل‌التواریخ و القصص. تألیف در ۵۲۰ از نویسنده‌ای نامعلوم به‌کوشش ملک‌الشعرا محمدتقی بهار، تهران ۱۳۱۸ کلاله خاور.

مجمل فصیحی: مجمل فصیحی فصیح احمدبن جلال‌الدین محمدخوانی محمود فرخ ۱۳۴۱، باستان مشهد.

مجموعه اقبال: مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی (۱۰۱ مقاله) به‌کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی تهران، خیام ۱۳۵۰.

مردان موسیقی: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران حبیب‌الله نصیری فرد، تهران ۱۳۷۲.

مسافر: مسافران تاریخ مسعود نوربخش درباره سفرنامه‌ها، تهران ۱۳۶۴.

معماری: معماری ایران دورهٔ اسلامی (مجموعه مقالات) به‌کوشش محمد یوسف کیانی با همکاری جهاد، تهران ۱۳۶۶.

معماری ۲: معماری ایران دوره اسلامی فهرست بناها با همکاری جهاد به‌کوشش محمد یوسف کیانی با همکاری جهاد تهران ۱۳۶۸.

معماری ایران: آرتورپوپ، ترجمهٔ غلامحسین صدری افشار، تهران ۱۳۶۴.

معماری ایلخانی: معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان دونالد، ن: ویلبر ترجمه عبدالله فریار شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۵ (چاپ اول ۱۳۴۶).

معماری چین: معماری اسلامی در چین، لیوجی بینگ ترجمهٔ مریم خرم بهار ۱۳۷۴ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

معماری هند: معماری هند از پرسی‌براون در دو مجلد: هندی و اسلامی.

INDIAN ARCHITECTURE

(ISLAMEC PERIOO)

Borey Percy

بمبی تاراپوروالا ۱۹۴۳

معین: مجموعه مقالات دکتر محمد معین، تهران ۱۳۶۴ به‌کوشش مهدخت معین.

مغولان بزرگ: مغولان (بابریان) بامبرگاسکنی

THE GREAT MOGHULS

Bamber Gascoigne

لندن ۱۹۷۳.

مکارم: مکارم الآثار و احوال رجال قرن ۱۳ و ۱۴ علی حبیب‌آبادی، تهران ۱۳۶۲.

میراث ایران: میراث ایران اثر سیزده تن از خاورشناسان زیر نظر ۱ . ج. آربری ترجمه شش نفر از دانشمندان، فصل چهارم ایران و هند از هرمان Goetz از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر زیر نظر احسان یار شاطر تهران ۱۳۴۶.

میراث جاودان: سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌های فارسی در پاکستان سید کمال حاج سید جوادی، در دو جلد ج اول پنجاب ج دوم، استانهای دیگر، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران اسلام‌آباد ۱۳۷۰.

ناسخ: ناسخ‌التواریخ میرزا محمدتقی لسان‌الملک سپهر به‌کوشش جهانگیر قائم مقامی تهران ۱۳۳۷.

نام‌گیل: نام‌ها و نامداران گیلان جهانگیر سرتیپ‌پور، تهران ۱۳۷۰.

نسخ: نسب‌نامهٔ خلفاء شهریاران، زامباور به‌کوشش دکترمحمدجوادمشکور، تهران ۱۳۵۶.

نظرآذر: نظری به‌تاریخ آذربایجان دکتر محمد جواد مشکور، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۴۹.

نقاشان: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی محمدعلی کریم‌زاده تبریزی، لندن ۱۳۶۳ نقاشان ۲ و نقاشان ۳ جلدهای دوم و سوم.

نقد حال: مجموعهٔ مقالات مجتبی مینوی تهران ۱۳۵۱.

نقش پارسی: نقش پارسی علی‌اصغر حکمت، تهران ابن‌سینا چاپ دوم تهران، ۱۳۳۷.

ویلدورانت: تاریخ تمدن، گاهوارهٔ تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران ۱۳۳۷

هزار مزار: تذکره هزار مزار ترجمه شد الازار (مزارات شیراز) عیسی بن جنید شیرازی به‌تصحیح و تحشیه دکتر نورانی وصال، ۱۳۶۴ تهران

هنر: بررسی هنر ایران، آرتوراپهام پوپ در ۸ جلد

A SURVEY OF PERSIAN ART

Arthur Upham Pore

آکسفورد لندن و میجی شبو Meizi Shobo توکیو.

هنر و مردم: ماهانه هنر و مردم به‌مدیری دکتر

آغاز سخن

از دوران کودکی می‌دانستم که برخلاف بیشتر دین‌های رایج جهان، اسلام دینی است استوار بر پایهٔ دانش و بینش و نیز شنیده بودم که ایرانیان ملتی با دانش و فرهنگ بوده‌اند و پیامبر بزرگ ما ایرانیان را از این لحاظ ستوده است. با این سابقهٔ ذهنی و آشنایی با فلسفه پراگماتیسم آمریکایی، در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ از سوی وزارت فرهنگ و آموزش دانمارک برای آشنایی با مدارس عامهٔ دانمارک (فولکاهای اسکول) به‌آن کشور بروم، چنین کردم و دو سال از بهترین سالهای زندگی من همان سالها بود که با صبرو حوصله و شور و علاقه به‌پژوهش دربارهٔ این مدرسه‌ها پرداختم. این مدرسه‌ها ویژهٔ اسکاندیناوی است، اگر چه در برخی از کشورهای دیگر نیز این گونه مدرسه تأسیس شده، اما بنیانگذار این مدارس یک معلم سادهٔ دانمارکی بوده به‌نام گروندوی که معتقد بود برای رسیدن به‌مدینهٔ فاضله باید دانش و بینش عامهٔ مردم را ترقی داد و به‌حدی رساند که دموکراسی را در نهاد جامعه خود متبلور سازند و به‌جای اعمال زور و قدرت متکی به‌علم و دانش باشند، نه فقط علم و دانش محض بلکه آن علم و دانشی که در خدمت بشر است و کلاً بدان فرهنگ گفته می‌شود.

گروندوی و شاگردانش در یک انبار یا طویله در آن اقلیم سرد و جانکاه زمستان کار خود را آغاز کرد، این کشیش متعهد که معلم تاریخ بود عده‌ای از مردم عادی را به‌دور خود گرد آورد تا در آن مکان نامناسب به‌بحث، درس و گفتگو بپردازند. کم‌کم شمار این‌گونه مدرسه‌ها زیاد شد و گروندوی نیز به‌وکیلی مجلس شورا رسید.

اکنون تعداد این مدرسه‌ها در دانمارک از صد بیشتر است، همه با ساختمانهای خوب و مناسب و هم به‌صورت شبانه‌روزی و مختلط برای هر گروه سنی که به‌دانش بشری پایبند و علاقه‌مند باشند، از هشت تا هشتاد ساله بدون پرداخت شهریه و هزینه‌های دیگر. این جامعه همان جامعه‌ای بود که من در نهاد خود بدان می‌اندیشیدم و همین که به‌تهران بازگشتم چون

دستگاه وزارت فرهنگ برایم شغلی مناسبی در نظر نداشت. مدت دو سال ضمن سردبیری ماهنامهٔ آموزش و پروش، در کتابخانهٔ وزارت خانه استقرار یافتم و بسیاری از کتابهای مهم فارسی به‌ویژه کتابهای عرفانی را بررسی کرده یادداشت برداشتم و معتقد شدم که عالمان و عارفان با چنین روش و فلسفه‌ای کار خود را پیش می‌بردند و با خلق آثار گرانبهای مکتوب از خود آن یادگارهای عظیم را ساختند.

متأسفانه در ایران پس از رویداد ۲۸ مرداد فرهنگ ظاهر آراو مصرف‌گرای آمریکایی در حال نفوذ بود و کسی جرأت نداشت این مطلب را ارائه کند، تا اینکه انقلاب اسلامی ایران باشکوه خاص خود رویداد و تحولی عظیم در جامعه متحول ما به‌وجود آورد و من هنگاهی که در سال ۱۳٦۳ از پاکستان به‌ایران بازگشتم دیدم که مردم عوض شده و گرایش به‌علم و دانش در آنها زیاد ورو پیشرفت است. در حقیقت علاقه‌مندی به‌دائرةالمعارف نویسی و توجه مردم به‌دانشنامه‌ها یکی از مظاهر این نهضت بود.

اما به‌نظر من این مطلب مایه نگرانی بود، که دائرةالمعارف‌ها همه کپیه‌ای از نظایر آن در فرنگ بود و با ذوق و استعداد خواننده ایرانی که کم حوصله و شتابزده است هم‌آهنگی نداشت و در این میان لغت‌نامه که یک اثر جاودانی کاملاً ایرانی است بیشتر مطابق میل و خواست ایرانیان بود، البته مقصود مردم عادی است نه دانشمندان که به‌سنت دائرةالعمارفی اصیل معتقد و پایبندند. بدیهی است این کتاب نیز با همهٔ جامعیت دارای تضادهایی بود که درد مردم عادی را دوا نمی‌کرد و نیاز به‌ساده‌سازی داشت. در این باب با استادم شادروان دکتر زریاب گفتگو کردیم و او حق به‌جانب من داد اما گفت که اقدام به‌این کار جسارت می‌خواهد و این جسارت در هرکس پیدا نمی‌شود. من در خود این جسارت را یافتم و مصمم شدم که بر مبنای لغت‌نامه تفصیل‌گرا این اثر را تدارک کنم، کتابی محتوی مطالب مختصر و مفید با ارجاع برای کسانی که بیشتر می‌خواهند.

مدت ده سال تمام کلیه کارهای تحقیقی مطالعات متفرقه را کنار گذاشتم و با خواندن صدها کتاب، هزاران برگه ساختم و بخش آ و الف آن را در سه جلد، گردآوری و گزینش کردم و نام کامل این مجموعهٔ جامع را *لغت‌نامهٔ تاریخ و فرهنگ ایران* زمین نهادم و به‌این سه کتاب به‌نامهای آبادان و ابن‌سینا و امیرکبیر دادم، برمبنای طرح کلی بقیه کتاب می‌بایستی شامل چهار کتاب گردد که البته از عهده این ضعیف تدارک برگه‌های آن مقدور نخواهد بود... حتی در مورد این سه کتاب نیز بسیار کارها مانده است که باید با مرور زمان تدارک شود.

اگر گفته شود که در این ده سال این بنده از هر فرصت، گرچه بسیار کوتاه برای ارضای این حس دانشوری خود استفاده کرده‌ام سخنی به گزاف نیست. اما دوستان و آن کسان که به‌بنده لطف داشتند وادارم کردند که در برخی از جلسه‌های بحث و مذاکره در باب شبه‌قاره در مرکز تحقیقات بین‌المللی وزارت ارشاد مشارکت داشته باشم... در همین زمان بود که دانشمند کوشا و پرکار، آقای دکتر سید کمال حاج سید جوادی بنده را برای شرکت در جلسه‌ای که در فرهنگستان زبان و ادب فارسی تشکیل می‌شد دعوت کردند در این گردهم‌آیی استاد احمدمنزوی نیز که مدت شش سال در پاکستان باهم همنشینی داشتیم حضور داشت، موضوع جلسه عبارت بود از تنظیم دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی در شبه قاره، بنده در این باب همان سخن همیشگی خود را برزبان آوردم که با تمام وجود سرگرم کار خود هستم و سرانجام با پیشنهادی که آقای دکتر صوتی ارائه داد مشکل حل شد و بنا گردید که مشارکت ما درین جلسه‌ها فقط هفته‌ای شش ساعت در سه جلسه باشد و در ضمن به‌همت آقای دکتر حاج سید جوادی مقدمات طبع نشر فهرستوارهٔ استاد منزوی و برخی از لغت‌نامه تاریخ و فرهنگ این جانب فراهم شود و در همان جلسه فصل آرامگاه‌ها انتخاب شد که بنده آن را تکمیل و آماده برای چاپ سازم به‌شکلی که خود کتابی مستقل باشد و این بود سرگذشت این اثر و تولد این مجموعهٔ محدود.

کار روی آرامگاه درگسترهٔ فرهنگ ایرانی را در تابستان ۱۳۷۳ آغاز کردم و در عمل ناچار شدم که علاوه بر تکمیل در خیلی از موارد مطالب موجود را اصلاح و کوتاه‌سازی کنم و مقدمه‌ای جامعتر از آنچه در آغاز فصل آرامگاه نوشته شده بود بنویسم و همانند یک بدنهٔ اصلی از دو بدنه کتاب به‌اول آن بیفزایم، آرامگاه در متن اصلی لغت‌نامه شامل ۱۸ دفتر است و برای ارائه در یک مجموعه یک جلدی ترتیب دفترها به هم خورده و سرفصل‌های بخش دائرةالمعارفی کتاب کلید نظم دائرةالمعارفی آن نیز هست.

چنین ادعایی نمی‌کنم که در این مجموعه همهٔ آرامگاه‌ها را معرفی کرده‌ام و بدون شک بسیاری عنوان جدید هست که به‌خواست خدا در تکمله‌ای که در جلد دوم خواهد آمد، به‌این جمع افزوده خواهد شد و از سوی دیگر این مجموعه شامل آرامگاه‌های اکثر قدیسین بزرگوار و عالمان و فقیهان بزرگ نیست و تدارک این کمبود نیاز به‌تألیفی دیگر دارد، فعلاً در این مختصر پژوهش درباره آرامگاه و سپس متن دائرةالمعارفی آرامگاه درگستره فرهنگ ایرانی آمده است و امیدوارم که در جلد دوم کتاب، کتابچه عکس شامل تصویرهای آرامگاه‌ها با

زیرنویس کافی که معرف کامل محتوای تصویر باشد با شماره صفحه ارجاعی به‌این جلد همراه با تکمله و نامنامه مفصل و جامع نیز ارائه شود.

در پایان این مختصر لازم است که از ریاست محترم هیئت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی جناب آقای دکتر حاج سید جوادی که با نظر موافق دستور طبع و نشر کتاب را دادند و در موارد دیگر نیز از هیچ نوع راهنمایی و کمک دریغ نکردند سپاسگزاری کنم، و از کمک و راهنمایی دو همکار عزیزم در هیئت علمی گروه شبه قاره آقایان استاد منزوی و دکتر سلیم اختر و دیگر همکارانمان درین گروه سپاسگزار هستم.

در انجمن دوست عزیزم آقای حسین ایوبی‌زاده که از هیچ کوششی برای تدارک مقدمات چاپ کتاب و تصحیح آن دریغ نکردند ممنونم و در پایان این سرآغاز وظیفه خود می‌دانم که از همکاری همسر عزیزم در پاکنویس مطالب و فراهم ساختن جو مساعد برای خلق و ارائه این تحقیق نهایت درجه کوشش به‌عمل آورد سپاسگزار باشم.

دکتر مهدی غروی

تابستان ۱۳۷۶

آرامگاه در گسترهٔ فرهنگ ایرانی

آرامگاه و مراحل تطور و تکامل آن
در گسترهٔ فرهنگ ایرانی

در چهار مرحله

مرحلهٔ نخست: عصر کهن: پیش از مادها
مرحلهٔ دوم: عصر باستان: از مادها تا ظهور اسلام
مرحلهٔ سوم: عصر اسلامی یک: از آغاز اسلام تا ترکتازی مغولان
مرحلهٔ چهارم: عصر اسلامی دو: از ترکتازی مغولان تا ظهور شاه عباس

پیشگفتار

آرامگاه و مراحل تطور و تکامل آن در گسترهٔ فرهنگ ایرانی

ای انسان بر گور من حسد مبر*

در گسترهٔ فرهنگ و تمدن ایرانی، در بررسی بناهای برجای مانده در سده‌ها و هزاره‌ها، هیچ بنا و عمارتی با مسجد قابل قیاس نیست. در جهان اسلام از آغاز پیدایش مسجد و پی‌افکندن نخستین نمازگاه اسلامی در عصر پیامبر(ص) تا عصر ما که مسجد بزرگ اسلام آباد باگسترش بی‌مانند بدین مجموعه افزوده می‌شود، همیشه در همه حال مسجدالحرام خانه کعبه چون دری یکتا درخشش داشته است و به‌جرأت می‌توان آن را بزرگترین و مهمترین بنای ساخته شده به‌دست بشر دانست. در ایران نیز، در میان میراث فرهنگی گونه گون ما، مسجد مقام نخستین را دارد. استاد محمد یوسف کیانی در این باب نوشته است:

«احداث نیایشگاهها در دوران اسلامی بیش از هر نوع بنای دیگر مورد نظر بوده، تا جایی که اگر شهری فاقد مسجد جامع یا آدینه بود، نمی‌توانست به‌عنوان یک شهر معرفی‌شود. معماران‌ایرانی باسبکهای‌گونه گون و نقشه‌های متفاوت و بالاخره تزیینات

---

* آریان مورخ یونانی در کتاب اسکندر هنگام توصیف پاسارگاد و ورود اسکندر به‌این شهر و آرامگاه کوروش می‌نویسد: در آنجا سنگ‌نوشته‌ای به‌خط پارسی دیده می‌شد بدین مضمون: ای مرد فانی من کوروش پسر کمبوجیه هستم. من امپراتوری پارس را بنا کردم. من حکمران آسیا بودم، به‌این آرامگاه من رشک مبر. ایران باستان ۱۸۷۱. پلوتارک نیز روایتی مشابه دارد منتها این جمله را هم اضافه کرده است: این کلمات در اسکندر اثر غریبی کرد زیرا به‌خاطر آورد که عظمت انسان چقدر مشکوک است. ایران باستان ۱۹۷۲.

باشکوه، خانه‌های خدا را شکوه و جلالی دیگر بخشیدند. نیایشگاههایی چون تاری‌خانه دامغان، مسجد کبود تبریز، گوهرشاد مشهد و مسجد شیخ‌لطف‌الله اصفهان از یادگارهای با ارزش معمارانی است که هنرشان را با عشق و جذبه درآمیخته‌اند.»[۱]

در دفتری که پیش روی شما گسترده‌ایم از آرامگاه سخن خواهیم گفت، مجموعه بناهایی که پس از مسجد مقام دوم را داراست[۲] و حتی به‌عقیده برخی از دانشمندان پس از مسجد بیش از هر بنای دیگر مورد توجه عام بوده است.[۳]

آرامگاهها نیز در اجتماع ایران دارای برتریهای خاص خود می‌باشند و به‌جرأت می‌توان گفت که توجه مردم به‌آستان قدس رضوی و حضرت معصومه و هزاران امامزاده دیگر پدیده‌ای است بی‌نظیر در سراسر جهان و این سبب شده است که در این گستره، آرامگاهها از گونه گونی ویژه‌ای برخوردار بوده و در مقابل مسجد که ویژگیهای هماهنگ و یکنواختی را با خود دارد، خودنمایی کنند.

آرامگاهها در سه گروه: امام و امامزادگان، عارفان و مفاخر ملی در حقیقت واسطه‌هایی هستند که مردم ایران از آنان به‌عنوان واسطهٔ ارتباط باگذشته و در نهایت با خدا بهره‌جویی می‌کنند. امامزاده‌ها علاوه بر اینکه در همه‌جا هستند و می‌توانند مشخصهٔ یک آبادی باشند، نام رسمی صدها و هزارها آبادی در این پهنای مورد بحث، نیز هستند: مشهد مقدس، مزار شریف، آستانه اشرفیه، حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم و امامزاده هاشم و...

ویژگی دیگر آرامگاهها در برابر مسجدها این است که نیایشگاهها در ایران عموماً مساجدند که پس از ظهور اسلام در ایران پدید آمده‌اند، چه آنها که ساخته شده‌اند و چه آنها که قالبی مناسب برای خود یافته‌اند، در حالی که آرامگاهها در گسترهٔ فرهنگ ایرانی از اقدم ازمنهٔ تاریخی تا عصر ما هویت خود را حفظ کرده‌اند، از چغازنبیل گرفته تا آرامگاه امام خمینی (ره). خصیصه دیگر امامزاده‌ها و آرامگاهها این است که در ایران اسلامی امامزاده یا یک‌بنای آرامگاهی، مشخصه ونمایانگر خصوصیات هویتی یک‌آبادی‌است وبسیاری‌ازاعمال مذهبی چون‌زیارت شب‌جمعه وشبهای‌مقدس‌دیگر درامامزاده (دَرِ امامزاده) انجام می‌شود و علاوه‌براینکه دیدن مقابر وگور عزیزان ازدست‌رفته یک‌انتباه‌است، ایجاد وحدت وهماهنگی می‌کند و در رخدادهای نظامی و سیاسی نیز برای ساکنان آبادی پناهگاهی مطلوب است.

در این دفتر نه بررسی فنی بناهای تاریخی آرامگاهی مورد نظر است و نه توصیف دایرة‌المعارفی بزرگوارانی که در گوشه و کنار این سرزمین به‌خاک خفته‌اند، بلکه هدف ارائه

فهرستی است از آرامگاههای موجود که در این‌باره نیز تذکر سه نکته لازم است:

۱ـ هویت آرامگاهی گروه بی‌شماری از عزیزان موردنظر، به‌ویژه عالمان و شاعران ما معلوم نیست و در زندگینامه آنان نیز بدان اشاره نشده و حتی در بسیاری موارد، تاریخ فوت و محل فوت نیز مورد توجه قرار نگرفته است. البته اگر روزی یک آمار توصیفی دقیق از سنگهای گور نوشته‌دار و کتابنامه‌های مدون درباره کتابهای فارسی تدارک و تهیه شود می‌توان امیدوار بود که هویت بسیاری آرامگاههای جدید که اکنون مجهول است معلوم شود. مؤلف نیز ادعا ندارد که در این مجموعه، حتی کل آرامگاههای معلوم را هم ارائه کرده باشد چه، این رشته سردراز دارد.

۲ـ در تدارک این مجموعه بسیاری از کتابهای مربوط به‌وفیات گذشتگان مرور و بررسی شد، اما آوردن همه این مزارها (آرامگاه شاعران و قدیسین به‌ویژه عارفان) امکان نداشت و حتی، امامزادگان را نیز به‌مجموعه‌ای دیگر ارجاع داده‌ایم که آن خود کاری‌است بسیار دامنه‌دار. هدف این بوده است که بین این گروهها هماهنگی وجود داشته باشد.

۳ـ یافت نشدن آرامگاهها دلیل بر آن نیست که یاد بزرگی را به‌این بهانه به‌دست فراموشی بسپاریم، چه در این صورت می‌توان به‌جای آرامگاه بنای یادبود ساخت و تعمیر یا ساختن آرامگاه را به‌بعد موکول کرد، مثلاً نیافتن آرامگاه منوچهری دامغانی نباید مانع از تجلیل منوچهری در دامغان باشد. اگر روزی این بناها و آثار آرامگاهی دقیقاً مورد بررسی و پژوهش قرار گیرند، مطالب اساسی و مهمی در رابطه با تاریخ اجتماعی سرزمین ما که هنوز گنگ و مبهم است به‌دست خواهد آمد، مثلاً تفکر در این پدیده که چرا و چگونه یک بنای آرامگاهی هزاران سال برجای مانده و مصالحش برای عمارت دیگر به‌یغما نرفته است و یا اینکه قربانی کینه‌توزی و تعصبات کور مردم هیجان زده نشده است و یا چگونه می‌توان به کمک بناهای آرامگاهی به یافته شدن حلقه‌های مفقوده در معماری سنتی ایران کمک کرد، مثلاً مطالعه و بررسیهای آرامگاهی برجی، گنبد قابوس، برج لاجیم، برجهای خرقان و آرامگاه امیراسماعیل سامانی و آتشکده‌های اکثراً چهار طاقی دوره‌های پیش از اسلام، مطالب مهمی را ارائه می‌دهد و از آن مهمتر اینکه گاهی آتشکده‌ای با اخذ نام جدید و هویت نوین از تخریب و انهدام در امان مانده است.

ایجاد ارتباط میان ساکنان یک آبادی و سرزمینی که آن آبادی را دربرگرفته است، برای حفظ آن سرزمین با تمام ویژگیهای نژادی و تمدنی‌اش ضرورت دارد و همان‌گونه که یک

کشاورز از مشاهده گیاهانی که خود پرورانده و بری که از آن می‌خورد، شادمان و راضی می‌شود و میان خود و دست‌پروردگان خود ارتباط ایجاد می‌کند، جمع شدن مردم آبادی به‌هنگام نیایش و زیارت در این مکانها علاوه بر ایجاد همخونی و هموطنی، میان آن مردم و خداوند نیز ارتباط برقرار می‌کند و آن بزرگواران متعلق به‌دوران گذشته، ارتباط میان انسانها و خداوند را تقویت می‌کنند و در نهاد زیارت کنندگان شادمانی و آرامش به‌وجود می‌آورند، در حقیقت در طی قرون و هزاره‌ها این شاهدان ناپیدا در ایجاد ارتباطهای اجتماعی نقش مهمی را بر عهده داشته و دارند.

از این مسایل که بگذریم بیشتر این بناها ویژگیهای خاص خود را دارند و علاوه بر افزایش آگاهی در باب خود بنا و بانیان آن و بزرگواران مدفون در آن بنا، عصر آنان را نیز بشناسانند. این دانستنیها اثرات اجتماعی عمیق در روحیه زیارت‌کنندگان برجاگذاشته و سبب می‌شود مردمانی که در این عصر پرتنش به‌رسانه‌های دروغ‌پرداز و گمراه کننده شبکه جهانی توجه دارند به‌خود متوجه شوند. آرامگاه باباطاهر از آن جمله است که هزاران نفر در طی یک سال از آن دیدن می‌کنند و کمتر کسی از زیارت‌کنندگان است که تحت تأثیر جذبه آن بنا و شعرهای شاعر که به‌در و دیوار حک شده یا توسط خوانندگان غیرحرفه‌ای خوانده می‌شود، قرار نگیرد. البته سخن اول در این باب را شهیدان در خاک خفته می‌زنند که چون رابطی مابین حال و گذشته به‌تقویت اعتقادات دینی، غرور ملی و علاقه وطنی کمک می‌کنند.

آنچه در بدنه اصلی کتاب ارائه شده فهرست گونه‌ای است از آرامگاههایی که با تمام وجود مفاخر فرهنگی ایران زمین را ارائه می‌کنند، بدون اینکه ادعا شود شامل کل همه آرامگاههای موجود است.

از آن روی که بدنه اصلی کتاب را بر مبنای نظم الفبایی مرتب ساخته‌ایم در این مقدمه اشاره‌ای به‌سیر تحول و تکامل آرامگاه و آرامگاه‌سازی در گستره فرهنگ ایرانی در چهار مرحله خواهیم داشت:

مرحله نخست: آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر کهن، پیش از مادها

مرحلهٔ دوم: آرامگاه و آرامگاه سازی در عصر باستان از عصر مادها تا ظهور اسلام

مرحلهٔ سوم: آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر اسلامی یک از آغاز تا ترکتازی مغولان

مرحله چهارم: آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر اسلامی دو از ترکتازی مغولان تا ظهور شاه‌عباس

فصل اول

آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر کهن

(بخش اول از مرحله نخست)

«در سراسر جهان گذشته و حال، هیچ بنایی از حیث حجم و عظمت و تعداد بیشمار نیروی انسانی که در آن به کار رفته با هرم بزرگ مصر، خئوپس، قابل قیاس نیست و این بنای سنگی که به‌حقیقت کوهی است دست‌ساز، آرامگاه یک انسان خودخواه خودپرست بوده است که هنوز هم درکنارهٔ نیل به‌عنوان عجیب‌ترین عجایب جهان خودنمایی می‌کند.»

ویل دورانت*

سرآغاز حیات با وحشت و ترس همراه بوده است و جهان را انبوهی از مجهولات فرا گرفته بوده است، بشر نخستین که عوارض طبیعی را به‌زیان خود می‌دید، چاره‌ای جز ادای احترام و تملق‌گویی به‌این عوارض طبیعی نداشت، کم‌کم این حالت دگرگون شد و بشر به‌تصور خود، خدایانی را خلق کرد که عامل اصلی این تغییرات و خطرات را به‌آنان نسبت می‌داد. کوشش بعدی بشر ایجاد ارتباط بین خود و خدایان بود و در برخی سرزمینهای کهن آن زمان چون مردم نمی‌توانسته‌اند ارتباط و تشابهی میان انسانها و خدایان بیابند، آلات تناسلی را به‌عنوان مهمترین وجه تشابه و نشانه خلاقیت پذیرفته به‌پرستش آن پرداختند، و ایرانیان از معدود مللی هستند که چنین نبودند، در حالی که کل ملل مهم قدیمه به‌این رویه غلط تمایل داشتند، از جمله مصریان و هندیان و مردم بابل و آشور و یونان و روم.[۴] علت عدم توجه ایرانیان به‌این مذهب کجراهه را باید در تعالیم زرتشتی یافت، چه آیین زرتشتی آیین عمران و آبادی بوده است و برداشت محصول و باروری زمین، از این‌روست که آناهیتا یا ناهید در میان ارباب و انواع مظاهر قدرت پروردگار مقامی چنین سرفراز و منیع داشته است.

---

* **تاریخ تمدن**، ج اول، صص ۲۲۳ و ۲۲۵، نقل به‌اختصار.

دوران بعد، دوران پرستش روح و شبح است، چه در آن اعصار مردم تصورشان از مرگ فقط یک انتقال بود و باور داشتند که اشباح مردگان همیشه در اجتماع وجود داشته و نمی‌میرند، ویل دورانت می‌نویسد:

«پرستش اشباح به‌تدریج پیش رفت تا صورت دین نیاکان را به‌خود گرفت و همه مردم از مردگان می‌ترسیدند [هنوز هم این ترس کم و بیش به‌خصوص در آبادیهای کوچک از جمله در نطنز که خود شاهد و ناظر بوده‌ام وجود دارد] و می‌کوشیدند وسایل خشنودی آنان را فراهم آورند تا مبادا زندگان را مورد لعنت قرار داده زندگی را بر ایشان تلخ سازند. این نوع پرستش نیاکان چنان تکوین و تنظیم شده بود که از یک سو باعث تحکیم مقامات اجتماعی شده از سوی دیگر روح محافظت از جریانات و نظامات قدیم را زنده نگاه می‌داشت. و به‌همین ترتیب در سرتاسر جهان انتشار یافت. در مصر و یونان و روم به‌اوج خود رسید و هنوز باکمال قوت در چین برقرار است. به‌علاوه بسیاری از ملل هستند که جز نیاکان خود چیزی را نمی‌پرستند و خدایی را نمی‌شناسند.»[۵]

ترس از مردگان به‌تدریج تغییر شکل یافت و به‌صورت محبت درآمد و پرستشی که نسبت به‌اسلاف به‌عمل می‌آمد و از ترس آغاز شده بود جای خود را به‌حس احترام و تقدیس مردگان سپرد و در آخر کار به‌صورت ورع و تقوای دینی درآمد. در آن روزگارها روش همه خدایان (به‌اعتقاد آن مردم) چنین بوده است که به‌صورت غولان پدیدار می‌شوند و در آخر کار به‌شکل پدری مهربان در می‌آیند و علت اینکه خیلی دیر این هیولاهای وحشتناک مهربان می‌شوند و مورد علاقه قرار می‌گیرند، کندی سیر تکامل مدنیت است. به‌عقیدهٔ ویل دورانت توجه به‌خدایی بشر آخرین مرحلهٔ یک تطور و تکامل طولانی به‌شمار می‌رود که پس از پرستش ارواح و اشباح تکوین شده است و به‌عبارت بهتر، بشر پس از پرستش قوای مبهم و اسرارآمیز، متوجه قوای آسمانی و نباتی و جنسی گردید، پس از آن نوبت به‌حیوانات و در آخر کار زمان پرستش نیاکان رسید، مع‌هذا خدا به‌عنوان پدر نیز از پرستش آبا و اجداد سرچشمه گرفته و مفهوم ابتدایی آن چنین بوده است که انسانها به‌معنای وظایف الاعضایی کلمه از خدا متولد شده‌اند و تنها روحشان مخلوق خدا نبوده است، یونانیان قدیم نیاکان خود را خدا و خدایان را نیاکان خود می‌دانستند.[۶]

اما این مطلب در مورد ایران و ایرانیان درست نیست و هیچ‌گاه در ایران، پیش از اسلام و بعد از اسلام و عصر مزدیسنایی و زردشت یا اسلام به‌خدایی موجودات توجه نداشتند و

احترام به‌درگذشتگان از این نقطه‌نظر نبوده است که بشر حالت خدایی دارد یا می‌تواند داشته باشد. درباره دوران مهرپرستی چیزی نخواهیم گفت چه این آیین اگر چه در ایران خلق شد، اما به‌اروپا رفت و در اروپا جان گرفت و اثری عمیق بر آیین مسیحیت گذاشت و به‌جایِ خدای یگانه مقتدر آیین موسی، خدای مهربان نشست و تثلیث جای وحدت را گرفت. سخنان مورخ بزرگ ویل دورانت با توجه به‌این مطلب قابل قبول و قابل توجیه است که ایرانیان چه در اعصار پیش از اسلام و چه در عصر اسلامی، توجه به‌نیاکان خود داشته‌اند و این توجه که آمیزه‌ای است از خداشناسی و ترس از مرگ و علاقه و محبت به‌پدر و مادر و نیاکان، هیچ وقت به‌مرحلهٔ پرستش مردگان نرسیده و اینکه امروز برخی از فرق مسلمان ادعا می‌کنند که ساختن آرامگاه بر گور مردگان شرک است در مورد ایران صادق نیست، چه این پدیده آمیزه‌ای است از احترام و علاقه به‌نیاکان و کوشایی در حفظ میراث دینی فرهنگی و تکوین شناسنامه ملی برای خود و قدرشناسی از کسانی که ایشان را در زیر چتر حمایت خود پرورانده‌اند.

اکنون عصر کهن را بررسی می‌کنیم:

الف: عصر آغازین آرامگاه‌سازی در ایران

ادامه بحثی که در پیش داریم بدون اشاره به‌بزرگ‌ترین و معروف‌ترین بناهای آرامگاهی جهان، هرمهای مصر، میسر نیست، اهرام مصر و آرامگاههای موجود در دره شاهان در کنارهٔ غربی رود نیل.

کلمهٔ «پیرامید» یک لغت مصری است[۷]. با بررسی نوشته‌های پاپیروسی به‌این مفهوم که ابزار اندازه‌گیری ریاضی بوده است و آن را برای نامیدن این اجسام هیولایی به‌کار برده‌اند، برمی‌خوریم. اهرام بناهای آرامگاهی و نیایشی بوده‌اند که در مصر و تقریباً سراسر جهان از جمله سودان، حبشه، آسیای غربی، یونان، قبرس، ایتالیا، تایلند و مکزیک به‌یادگار مانده و همه در سلک بناهای مقدس آرامگاهی ـ نیایشی قرار دارند.

اهرام مصر در یک دوران ۲۷۰۰ ساله، از آغاز تاریخ مصر (سلسله نخست) تا عصر بطلمیوس، ساخته شده‌اند، در مصر اهرام جزیی از بافت شهرها و مراکز جمعیت به‌شمار می‌رفته‌اند و جمعاً، ۸۰ هرم در این سرزمین وجود دارد که بلندترین آنها هرم خئوپس است با

۱۴۶/۵۹ متر بلندا.[۸]

اهمیت هرمهای آرامگاهی در تاریخ مصر به‌حدی بوده است که نام سرمهندس آن ایم‌هُتِپ*، مشاور اول شاه، نخستین شخصیت تاریخی مصر است که نخستین خانه سنگی را ساخت، هرمی که وی طراحی کرد کهنه‌ترین بنای مصری است که امروز سرپاست، یعنی هرم پله‌پله سقاره که چندین قرن مدل و الگوی ساختمان مقابر بوده است. اما دربارهٔ هرم خوفو یا خئوپس، آنچه را که کاهنان مصری درباره این هرم و جور و ستمی که بر مردم هنگام ساختن آن روا شد، به‌نوشته‌های هرودت نگاه می‌کنیم که خود از کاهنان مصری شنیده است:

«پیش از خئوپس همه جا عدالت حکمفرما بود و آسایش و فراوانی در همه جای مصر دیده می‌شد ولی چون خئوپس به‌سلطنت نشست به‌همه کارهای پلید دست یازید درهای معابد را بست... به‌همه مصریان فرمان داد که برای او بیگاری کنند به‌بعضی دستور داد که از کوههای عربستان سنگ بکنند و به‌درهٔ نیل بیاورند و گروهی دیگر را بر آن داشت که سنگها را با کشتی بر روی رودخانه جابه‌جا کنند... در هر نوبت صدهزار نفر ناچار بودند برای مدت سه‌ماه بیگاری کنند، مدت دو سال طول کشید تا راه را ساختند و سنگها را به‌پایین هرم رسانیدند...»[۹]

سپس نویسنده به‌بحث خود ادامه داده نتیجه می‌گیرد که بدون شک منظور شاهان از این کار برپاکردن یک اثر بزرگ معماری نبوده است و ساختن چنین بنایی تنها برای مقاصد سیاسی ـ دینی صورت گرفته است، اهرام مصر گورهایی بوده که رفته‌رفته از صورت ابتدایی خود ترقی کرده به‌این شکل درآمده است... و چون مردم آن زمان مصر همانند دیگر مردمان برای هر موجود زنده یک همزاد (کا) قایل بودند که مانند خود شخص نمی‌میرد و هر چه بیشتر به‌وی خوراک بدهند از فساد محفوظ‌تر خواهد ماند. در مورد پادشاه می‌پنداشتند که هر چه بیشتر ارتباط «کا» را با خارج قطع کنند امید به‌زنده ماندن وی بیشتر است. متن نوشته محقق آمریکایی این است:

«برای اینکه استحکام بنا بیشتر شود با صبر و حوصلهٔ فراوان آنها را به‌یکدیگر اتصال داده‌اند و تو گویی چنان بوده است که این سنگها همه در نزدیکی دست کارگران بوده و آنها را از صدها فرسنگ راه به‌پای اهرام نیاورده‌اند. هرم خوفو یا

* Imhotep

خئوپس* دارای دو میلیون و نیم پاره‌سنگ است که وزن برخی از آنها به‌یکصد و پنجاه تن می‌رسد ولی وزن متوسط پاره‌سنگها دوتن و نیم است این هرم زمینی به‌وسعت چهل و شش هزار مترمربع را می‌پوشاند و صد و چهل و شش متر ارتفاع دارد. سنگها همه درست به‌هم پیوسته است و به‌داخل راه و منفذی نیست جز در چند نقطه که به‌عمد، چند پارچه سنگ آزاد گذاشته‌اند تا راه سرّی برای داخل کردن تابوت شاه باشد. دیدارکننده را راهنمای کارکشته از راهی که سی‌متر از قاعده هرم بالاتر است چهاردست و پا، با حال لرزان داخل دل هرم می‌کند، و در این نقطهٔ تاریک خاموش نمناک دور از دسترس آدمیزاد است که پیش از این استخوانهای شاه خوفو (خئوپس) و همسرش جای داشته و تابوتهای مرمرین فرعون هنوز در جای خود باقی ولی شکسته و خالی است، چه این سنگ با همه بزرگی که داشته نتوانسته است جسد را از دستبرد دزدان محفوظ دارد و لعنت خدایان نیز قادر به‌چنین کاری نبوده است.»[۱۰]

مراحل آرامگاه‌سازی و خاک‌سپاری در جهان قدیم به‌اینجا خاتمه نمی‌یابد باز هم از مصر سخن گوییم، سخنی که کم و بیش در باب همه گروههای بشر پا به‌تاریخ نهاده صادق است.

یک ضرب‌المثل مصری می‌گوید همهٔ عالم از زمان می‌ترسد، زمان از اهرام ترس دارد... برای اینکه همزاد (کا) شخص مدفون به‌زندگی ادامه دهد باید برایش خوراک و پوشاک تدارک شود و حتی برایش مستراح ساخته شود که احیاناً مدفوع خود را نخورد، باید اسلحه مرد جنگی را برای استفاده همزادش در آرامگاهش بگذارند و همانند هندوان که زنان و خدمتکاران مرد فوت شده را در گورش می‌گذارند. به‌جای زنان و بردگان خدمتگر، مجسمهٔ کوچک ایشان ساخته شده در گور شاه نهاده می‌شد و باگذشت زمان جای همه این زاد و توشه و سلاح و خدمه، همراه میت، نقاشیهای گوناگون کشیده آن را به‌جای اصل در آرامگاه مرده به‌خاک می‌سپردند، از مومیایی کردن که خود حرفه‌ای مهم و معتبر بوده است و ویژه مصر هم نبوده سخنی نخواهم گفت.[۱۱]

* cheops یا Khufu و به‌قول: هرودت خِفرِن Chephren

فصل دوم

آرامگاه و آرامگاه‌سازی در ایران پیش از باستان

(بخش دوم از مرحله نخست)

آرامگاه و آرامگاه‌سازی در ایران را باید از خلق و ابداع زیگورات* یا هرم مطبق در ایلام قدیم مورد بررسی قرار داد با این آغاز که بزرگترین زیگورات جهان در خوزستان کنونی (ایلام قدیم) قرار داشته و دارد: زیگورات چغازنبیل در هفت‌تپه که در اصطلاح محلی و بومی به‌معنای زنبیل وارونه است.

پیش از ورود به‌اصل مطلب، هنگام معرفی این نخستین بنای آرامگاهی در سرزمین ایران، که در نوع خود بزرگترین و سالم‌ترین نیز هست، باید نظری به‌بابل داشته باشیم چه معروف‌ترین زیگورات جهان زیگورات یا برج بابل است. گرچه برخی از کارشناسان برج بابل را جدا از زیگوراتها مورد بررسی قرار می‌دهند. در بابل برخلاف مصر مردم از احساس جاودانگی شدن به‌هیچ وجه ابراز خشنودی نمی‌کردند. روحیات این مردم و اخلاقیات ایشان در کل مشابه بود با روحیات یونانیان قدیم یا انسان غربی متمدن در عصر حاضر. دین بابلی یک دین خاکی و زمینی و عملی بود. بابلی در آن هنگام که نماز می‌خواند و نماز می‌گذاشت درخواست پاداشی در بهشت نمی‌کرد بلکه خیرات زمینی را طلب می‌کرد، نمی‌توانست به‌خدایان خود در آن سوی گور اعتقاد داشته باشد و این در حالی است که در یکی از متنهای بابلی، مردوک به‌عنوان زنده کننده مردگان وصف شده و در داستان طوفان چنان آمده که نجات یافتگان از طوفان زندگی جاودانه خواهند داشت. در آن جامعه اعتقاد بر این بود که

---

* زیگورات Zigurat چیست؟ زیگورات یک هرم پله کانی است، یک برج نیایشی که در شهرهای بزرگ میانرودان ساخته می‌شده است، از سال ۲۲۰۰ تا ۵۰۰ پیش از میلاد. حدود ۲۵ زیگورات در بین‌النهرین می‌شناسیم که تقریباً به‌طور تساوی میان سه دولت قدیم سومر و بابل و آشور تقسیم شده است و دو زیگورات هم در ایران است (ایلام قدیم) این بناها را با آجر و خشت خام می‌ساخته‌اند با بلندی متوسط ۵۲ متر و قاعدهٔ ۳۸ × ۵۲ متر. هیچ یک از این زیگوراتها سالم به‌دست ما نرسیده و در این میان زیگورات اور از همه سالمتر است و زیگورات چغازنبیل از همه بزرگتر و معروف‌ترین زیگورات‌ها برج بابل است که هرودت آن را توصیف کرده است بریتانیکاج ۲۴ ص ۹٦٦.

مردگان از قدیسان و بدکاران و هوشمندان و ابلهان، همه بدون تفاوت به‌جایگاه تاریکی در شکم زمین فرو می‌روند و هیچ یک از ایشان پس از این روی روشنایی را نخواهند دید. به‌بهشت اعتقاد داشتند، اما بهشتی ویژه خدایان، در آن سوراخ تاریک که انسانها را پس از مرگ می‌بلعید، جای نعمت و خوشگذرانی نبود و بیشتر مردم در آن کیفر و عذاب می‌دیدند. مردگان ابدالدهر دست و پا بسته و درمانده بودند، از سرما می‌لرزیدند و گرسنه و تشنه به‌سر می‌بردند مگر آنکه فرزندانشان در اوقات معین خوراکی در گورشان می‌گذاشتند، هر کس در زمین بیشتر گناه کرده بود در آنجا عذاب فراوان‌تر می‌چشید، بر این گونه اشخاص بیماری جذام چیره می‌شد و یا اراده خدا بانوی آن سوراخ و خواجه دستیارش در عذاب دادن به‌ایشان ابتکارات جدید کرده برایشان عذاب ابدی فراهم می‌ساختند.[۱۲]

در این شک نیست که عمر اهرام از عمر زیگوراتها بیشتر است، زیگوراتها را می‌توان اهرام ساده شده پنداشت که به‌جای آوردن و نصب آن همه سنگهای عظیم غول‌آسا عمارتی پلکانی ساخته شود، با خصوصیاتی مشابه با اهرام و با مصالحی بی‌دوام‌تر و به‌همین دلیل زیگوراتها سالم نمانده و دچار خرابی و انهدام شده‌اند.

وولی(۱۳) درباره زیگوراتها عقیده خاص خود را دارد:

«از شواهد تاریخی چنین برمی‌آید که مردمان مشرق زمین از ابتدا کوهها و بلندیها را نشانه‌ای از قدرتهای ماورای طبیعت دانسته و آنها را ستایش می‌کردند. گفته شده که ساختمان زیگوراتها (و اهرام) که از لحاظ ساختمانی و حجم شباهتی به‌کوهها داشته‌اند و در فلات ایران و میانرودان می‌توانسته‌اند در ذهن مردم آن زمان جایگزین قدرت کوهها باشند، براین اساس انجام گرفته است.»[۱۴]

دکتر مهدی فرشاد که این مطلب را در کتاب خود تاریخ مهندسی نقل کرده است می‌نویسد:

«سومریان نخستین ملتی بودند که به‌ساختن زیگوراتها دست بردند، در سومر زیگوراتهایی که در ۲۲۰ پیش از میلاد ساخته شده بود جهت انجام پژوهشهای ستاره‌شناسی نیز، به‌عنوان یک نقطهٔ بلند و مسلط به‌اطراف استفاده می‌شده است.»

یکی از بزرگترین زیگوراتها زیگورات ایلامی چغازنبیل است که در زمان شکوفایی تمدن ایلامیان، در اونتاشی نزدیک شوش در ۱۲۵۰ پیش از میلاد توسط اونتاش گال فرمانروای ایلام ساخته شده است.[۱۵]

این زیگورات یک نیایشگاه ـ آرامگاه به‌شمار می‌آمده است. دیوارهای این زیگورات با

آجر پختهٔ لعابدار به‌رنگ آبی و سبز، نماسازی شده بود و کل زیگورات از قسمتهای پنجگانه به‌صورت برجهای مربع و متحدالمرکز و به‌بلندیهای مختلف که روی هم قرار گرفته بودند تشکیل یافته بوده است. در داخل این آرامگاه قرنیسها، آبروها و پله‌ها و تونلهایی قرار داشته و در بالای آن عبادتگاهی ساخته شده بوده است با موزاییکهای عاجی.[۱۶]

در جهان باستان ۲۵ زیگورات ساخته شد که دو دستگاه آن در ایران قرار داشت، سرزمین ایلام که از آن جمله بود زیگورات چغازنبیل بزرگترین در نوع خود.[۱۷]

ویل دورانت هنگام توصیف بابل بر مبنای نوشته‌های باستانی برج بابل چنین می‌نویسد:

> مسافری که به‌این شهر نزدیک می‌شد. چنان می‌دیده است که بر بالای کوهی از ساختمان برج مدرج یا زیگورات هفت طبقه‌ای قرار دارد که دیوارهای آن از کاشی منقش درخشنده پوشیده شده و نوک این برج نزدیک ۲۰۰ متر از سطح زمین بلندتر است، بر بالای برج ضریحی بود و در آن میز بزرگ زرین و تخت مزینی جای داشت که هر شب زنی در آنجا انتظار مشیت الاهی را می‌کشید. گمان بیشتر آن است که این بنای رفیع از اهرام مصر و از بناهای تمام دوره‌ها جز آنچه به‌روزگار ما ساخته شده بلندتر بوده است. این بنا را برج بابل می‌خوانند.[۱۸]

بابل، مدت چند قرن یکی از استانهای شاهنشاهی پارس بوده است و اکنون در اینجا پیش از آنکه درباره چغازنبیل سخن بگوییم اشاره‌ای به‌آرامگاههای مهم بابل می‌کنیم: بابلیان بیشتر اجساد مردگان را در زیرزمینهای سقف‌دار به‌خاک می‌سپردند و گاهی مردگان را می‌سوزاندند و خاکستر آن را در گلدانهای محفوظ نگه می‌داشتند [عیناً شبیه گورستان هنرمندان در هالیوود] مردگان را با مواد خاصی تحنیط نمی‌کردند ولی کسانی بودند که کارشان مرده‌شویی بود، پس از شستن مرده لباس نیکو بر وی می‌پوشاندند و گونه‌هایش را رنگین و مژه‌هایش را سیاه می‌کردند و انگشترهایی بر انگشتان او می‌نهادند و لباسهای زیرپوش اضافی با وی به‌خاک می‌سپردند. اگر مرده‌زن بود شیشه‌های عطر و شانه وگردها و روغن‌های آرایش درگور او می‌گذاشتند تا بوی خوش و زیبایی چهرهٔ خود را در جهان دیگر حفظ کند. معتقد بودند که اگر مرده چنانکه باید و شاید به‌خاک سپرده نشود به‌زندگان آسیب و گزند خواهد رسانید و اگر او را اصلاً دفن نکنند روحش در کنار مستراحها و ناودانها برای دست یافتن به‌خرده‌های طعام سرگردان می‌ماند و ممکن است تمام یک شهر را گرفتار وبا و طاعون کند.[۱۹]

اکنون آرامگاههای ایرانی پیش از باستان را بررسی می‌کنیم:

۱ـ آرامگاههای ایلامی ـ ایرانی

دکتر عیسی بهنام دانشمند باستان‌شناس می‌نویسد:

«امروز، وقتی از دولت جهانی ایران یاد می‌کنیم بلافاصله تخت‌جمشید به‌خاطرمان می‌آید. برای اینکه در تخت‌جمشید قسمتی از ستونهای سنگی کاخ آپادانای داریوش هنوز سر به‌آسمان دارند و نقوش برجستهٔ پلکانهایش با ما رازهای نهفته را حکایت می‌کنند، ولی در شوش چیزی جز یک انبوه خاک باقی نمانده، با این حال باید متوجه بود که تخت‌جمشید در واقع یکی از پایتختهای دولت گسترش یافته ایران بود که از املاک خصوصی خاندان داریوش به‌شمار می‌رفت. در حالی که حکمرانان هخامنشی بیشتر در پایتخت اصلی هخامنشی یعنی شوش اقامت داشتند و از آنجا بود که مقدمات لشکرکشی به‌یونان آماده می‌شد و در شوش بود که پادشاهان هخامنشی سفیران یونان را می‌پذیرفتند، یونانیها تنها شهر شوش را به‌عنوان پایتخت دولت هخامنشی ایران می‌شناختند و هردوت حتی از آرامگاه کوروش در پاسارگاد سخنی به‌میان نیاورده و ندانسته است که مؤسس شاهنشاهی ایران در آنجا مدفون است...»[۲۰]

استاد از این مقدمه نتیجه‌گیری می‌کند که پایه و اساس حکومت هخامنشی بر تمدن و فرهنگ و گسترهٔ جغرافیایی ایلام و پایتختش شوش استوار شده بوده است و بنابراین شکی نیست که روشن شدن تاریخ شوش به‌روشن شدن تاریخ ایران کمک مؤثری خواهد کرد و اهمیت شوش از نظر تاریخی از ویرانه‌های عظیم تخت‌جمشید بیشتر است.[۲۱]

فراموش نکنیم که پیش از گسترده شدن تمدن ایران در این صفحات آشوربانی‌پال شوش را تصرف و آن را لگدکوب سم ستوران خود کرد و سراسر آن سرزمین را به‌منطقه‌ای غیرقابل استفاده مبدل ساخت. حتی از دزدیدن استخوان پادشاهان ایلام و حمل آن به‌آشور کوتاهی نکرد، او خود می‌نویسد ۲۲ مجسمه شاهی از طلا و نقره را به‌انضمام استخوانهای شاهانی که گورهاشان را شکافته بود به‌نینوا برد. دکتر بهنام برای اینکه اهمیت شوش را در تاریخ ایران و عظمت تمدن باستانی ایران را در صحنه جهانی ارائه کند، می‌نویسد:

سالامون ریناک دانشمند معروف فرانسه‌ای گفته بود: «اگر یک مشت سرباز اسپارتی در تنگهٔ ترموپیل در برابر میلیونها سرباز ایرانی فداکاری نکرده بودند امروز جهان ما رنگ دیگری داشت» و گوبینو دوست واقعی ایران که کشور ما را از چشم یک انسان بی‌طرف، بدون بغض و کینه می‌نگریسته، در جواب دانشمندان هموطن خود گفته است: «البته اگر یک مشت اسپارتی در برابر لشگریان خشایارشا در تنگهٔ

ترموپیل مقاومت نکرده بودند امروز سرنوشت دنیا خیلی بهتر از آن بود که هست.»[۲۲]

با همهٔ آن هجومهای وحشیانه آشوریها، و انبوه، نامرادیها آنچه از ایلام بر جای مانده بسیار غنی است و امروز با غرور و سربلندی اعلام می‌داریم که از آغاز کار ژاک دمورگان فرانسوی در شوش تا سال ۱۹۶۵، سی و هشت جلد کتاب قطور در باب کشفیات شوش منتشر شده است همه به‌زبان فرانسوی که حتی یک جلد از آن نیز به‌فارسی برگردانده نشده است، موزه ملی ایران یک دورهٔ کامل از این کتاب را در اختیار دارد، که باید روزی به‌فارسی برگردانده شود.

پی‌یر آمیه، محقق فرانسوی کارشناس آثار باستانی ایلام پس از اظهار تأسف از انهدام کامل تمدن ایلامی توسط همسایگان سلطه‌گر می‌نویسد:

«با این همه آنچه مانده پر معنی و غنی است و با بررسی مجموعه‌های نفیس ۳۸ جلدی خاطرات باستان‌شناسی شوش و تصاویر آن به‌این ادعا مهر تأیید می‌خورد و با ملاحظه سر آدمکهای گلی که در قبرهای شوشی ایلام می‌گذاشتند، خود را با ایلامیهای تابع شاهان بزرگی روبه‌رو می‌یابیم که زمانی در میانرودان به‌تاخت و تاز پرداخته‌اند و مجسمه‌ها و آثار افتخارآمیزی نه تنها از تمدن بلکه از قدرت بابلی به‌غنیمت آورده‌اند، مانند لوح سنگی نرمسین، شاه آگاده و لوح سنگی قوانین حمورابی، شاه بابل.»[۲۳]

در ارتباط با آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر ایلامیان به‌مجسمه‌ای ۲۱ سانتیمتری اشاره می‌کنیم که نگارنده مقاله دکتر [نگهبان] تصویرش را در مقاله خود آورده است و می‌نویسد که این مجسمه متعلق است به‌سال ۱۲۵۰ یعنی ۳۲۵۰ سال پیش و این نکته را ارائه می‌کند که مردم آن زمان عقیده داشتند که اگر مجسمه‌ای از این نوع در گورشان یا در کنار آرامگاهشان وجود داشته باشد روحشان می‌تواند در موقع لزوم در آن حلول کند و به‌همین سبب هرگاه که برایشان میسر می‌شد به‌ساختن مجسمهٔ مردگانشان می‌پرداختند و آن را در آرامگاهشان قرار می‌دادند.

حفاری در هفت تپه و کشف آثار مهم آرامگاهی این منطقه به‌همت و کوششهای دانشمند معاصر دکتر عزت‌الله نگهبان صورت‌پذیر شد. در حقیقت وی به‌تکمیل عملیات باستان‌شناسی دانشمندان فرانسوی و ادامه راهی که ایشان آغاز کرده بودند پرداخت، این کاوشها به‌پایمردی دکتر نگهبان توسط وزارت فرهنگ و هنر از ۱۳۴۴ آغاز شد و نکات

تاریخی مهمی را روشن ساخت که ما فقط به‌آرامگاه سلاطین هفت‌تپه و زیگورات چغازنبیل اشاره خواهیم داشت.

۲ـ آرامگاههای سلاطین هفت‌تپه

در این آرامگاه که از آجر ساخته شده است و در حدود ۳٫۵ × ۱۰ متر درازا و پهنا دارد سکویی دیده می‌شود که در وسط محوطه ساخته شده و سه بخش دارد، در بخش شرقی هفت اسکلت به‌موازات همدیگر خاکبرداری شد، این مردگان پس از تطهیر در پوششی از گل اُخرا قرار داده شده بودند و این لایهٔ گل اُخرا در حدود ده سانتیمتر ضخامت داشت، در بخش دوم سکو اسکلتی وجود نداشت ولی در بخش سوم، دو اسکلت آشکار شد و در انتهای سکو دوازده اسکلت بدون نظم و ترتیب خاص بر روی هم انباشته شده بودند. سقف این آرامگاه که به‌سبک ضربی بیضی شکل هلالی ساخته شده بود. یکی از قدیم‌ترین نمونه‌های این نوع طاقهای هلالی را نمایش می‌دهد.

در ابتدا تصور می‌رفت که قدمت این آرامگاه و سقف هلالی آن به‌سدهٔ سیزدهم پیش از میلاد می‌رسد و با طاقهای هلالی مکشوفه در چغازنبیل، همزمان است ولی با ادامهٔ حفاری مسلم شد که آرامگاه مکشوفه در هفت‌تپه قدیم‌تر بوده و تاریخ آن در حدود هزاره دوم پیش از میلاد است، این آرامگاه به‌وسیلهٔ راهرویی به‌معبد آرامگاه متصل می‌شود.

در گوشهٔ شمالی معبد آرامگاه دیگری که با آجر ساخته شده بود (ساختمان خود معبد از خشت بوده است) خاکبرداری شد. این آرامگاه نیز دارای طاقی هلالی شکل است، در این آرامگاه اسکلت ۲۳ نفر که ۱۴ نفر آنها به‌موازات یکدیگر با نظم و ترتیب و نه نفر دیگر روبه‌روی آنها بدون نظم و ترتیب دفن شده بودند آشکار شد. به‌نظر می‌رسد که در اثر رویدادی ناگوار همه با همدیگر جان سپرده و در کنار هم، در یک آرامگاه دفن شده‌اند.

در فاصله میان معبد آرامگاه و تپهٔ زیگورات، آثار ساختمانی زیادی از خاک خارج ساخته‌اند که از آن جمله است یک مکان مقدس، معبد یا آرامگاه و یک قصر سلطنتی.

۳ـ زیگورات چغازنبیل

ساختمان عظیمی که تمامی آن از خشت ساخته شده است، آثار و بقایای این هرم پرستشگاه ـ آرامگاهی در نخستین تپه مورد کاوش کشف شد. بر مبنای محاسبه‌ای که شده است بلندی

مجموع طبقه‌های بنا ۴۴ متر می‌شود که با احتساب نه متر بلندی معبد زیرین به ۵۳ متر می‌رسد. در این ساختمان تالارهای بزرگ وجود دارد که برخی از آنها ۹ × ۷ متر و در بیشتر آنها آثار آتش‌سوزی هویداست. در گزارش دکتر نگهبان به‌تفصیل در مورد این تالارها و اشیایی که در آن یافت شده از جمله سنگ‌نوشته‌های میخی ایلامی سخن گفته شده که در این مختصر از نقل آن جزییات خودداری می‌شود و به‌نکاتی دربارهٔ اهمیت این بناهای نیمه‌خراب اشاره می‌کنیم.

کشف چغازنبیل و بناهای اطراف آن در روشنگری تاریخ گنگ و مبهم ایلام کمک بسیار کرده و خواهد کرد.

استاد نگهبان در گزارش خود می‌نویسد:

«بررسی این آرامگاه از نقطه‌نظر معماری از اهمیت شایانی برخوردار است و ثابت می‌کند که این طاق هلالی که در نزدیک معبد آرامگاهی چغازنبیل یافته شده هزار و سیصد سال پیش از طاق هلالی رومیان ساخته شده و بدین روال افتخار ساختمان اولین طاق هلالی نصیب ایرانیان می‌شود. مطلب دیگر کشف کتیبه‌ای است از تپتی‌آهار که درباره‌اش در هیچ یک از مدارک مکشوفه قبلی، معرفی‌نامه‌ای به‌دست نیامده بود، عصر تپتی‌آهار را ۱۵۰۰ تا ۱۳۵۰ پیش از میلاد دانسته‌اند و کتیبه حاوی این معرفی‌نامه ۱۰۵ در ۷۰ سانتیمتر است. جز این کتیبه‌های دیگر نیز در این مکان یافته شده که محتوای آن در حال ترجمه است. برای کسب اطلاعات بیشتر در باب این آثار و روشنگری آن در باب تاریخ ایلام به‌منابع قابل دسترس که اینجانب از آن استفاده کرده‌ام رجوع شود.»

استاد نگهبان گزارش تحقیقی خود را این چنین به‌پایان می‌برد و نتیجه‌گیری می‌کند:

آثار ارزنده هنری و وسایل و ادوات دیگری که در بقایای شهرها و ساختمانهای ایلامی به‌دست آمده پیشرفت این تمدن عظیم را از نظر هنر و صنایع به‌خوبی معرفی و ثابت می‌کند که در اعصار باستان ایران زمین چه سهم بزرگی در پیشرفت تمدن بشری داشته و در این راستا چه نقش مهمی را ایفا کرده است.[۲۴]

دانشمند خوزستان‌شناس استاد احمد اقتداری در باب معبد آرامگاهی چغازنبیل گزارش یکی از دانشمندان فرانسوی را که خود در کار حفاری دست‌اندرکار بوده، در کتاب خود نقل می‌کند، خلاصه این نقل قول این است که ساختن زیگورات در سرزمین میانرودان آغاز شد، سومریان در این راه پیشگام بودند پس از آن بابل و آشور و ایلام. اما قدر مسلم این است که

تاکنون در باب ایلام و زیگورات چغازنبیل کندوکاو علمی صورت نگرفته است (این گزارش پیش از بررسیهای استاد نگهبان ارائه شده) این دانشمند می‌گوید که بدون شک در آخرین اشکوب بنا معبدی وجود داشته و به‌احتمال قوی این معبد یک بنای آرامگاهی است.*

دانشمند فرانسوی در باره زیگورات چغازنبیل می‌نویسد: این زیگورات که توسط اونتاش هوبان ساخته شده است (در صورتی که با بررسی و استدراک استاد احمد اقتداری سازنده بنا، اونتاش بوده است) و می‌توان آن را بزرگترین زیگوراتی دانست که تاکنون شناخته شده احتمالاً بهتر از زیگوراتهای دیگر هم حفظ شده است.

به‌منظور تأکید این نکته که زیگوراتها بناهای آرامگاهی بوده‌اند به‌روایت استرابون اشاره می‌کنیم که می‌نویسد زیگورات بابل مقبره خدای بل بوده است و نیز روایت دیودور سیسیلی که این زیگورات را آرامگاه نینوس همسر سمیرامیس می‌داند. البته شباهت بسیار زیگوراتها به‌اهرام مصر نیز خود دلیل این ادعاست.[۲۵]

۴ـ میلهای مضرس، گنبدهای دندانه‌ای یا زیگوراتهای کوچک

آقای اقتداری استدلال و اظهارنظری جالب در این باب دارد که می‌توان از آن به‌عنوان مهر تأیید بر آرامگاهی بودن زیگوراتها بهره‌یابی کرد. نامبرده پس از اشاره به‌میلهای مضرسی که در سفرنامه‌های مهم معرفی شده‌اند** می‌نویسد که در قدیم تعداد این میل یا گنبدهای دندانه‌ای زیاد بوده است و آنچه امروز موجود است نیز کم نیست و می‌توان آنها را در محدوده‌ای واقع در یک سه گوش یافت، سه گوشی که از اتصال شهرهای شوشتر و بروجرد و جزیره خارک به‌همدیگر ترسیم می‌شود (در حقیقت قلمرو اصلی ایلام قدیم) سپس فهرست این آرامگاههای با گنبد یا میل دندانه‌ای را این چنین ارائه می‌کند:

امامزاده جعفر بروجرد، دانیال شوش، امامزاده عبدالله شوشتر، امامزاده میرمحمد خارک، امامزاده شیرمرد ممسنی، امامزاده ربیع بن یعقوب در کنار کارون، امامزاده شاه ابوالقاسم در شاه‌آباد خوزستان، بقعه ابراهیم خلیل در هویزه، آرامگاه سلیمان بن علی در **گناوه**، و در بغداد گنبد سلطان زبیده، مزار شیخ عمر سهروردی و گنبد توئیل. در این گنبدها

* اگر زیگوراتها را با اهرام مصر مقایسه کنیم متوجه خواهیم شد که این بنا پیش از آنکه یک معبد معمولی باشد یک آرامگاه است آرامگاه ـ پرستشگاه.

** در زبان انگلیسی Pineapple Domes و در زبان فرانسه‌ای Domes Aveleś

نقشه اولین طبقه با ابعاد کوچکتر آن‌قدر تکرار می‌شود تا هرمی که ازبام آرامگاه ساختنش آغاز شده به‌پایان برسد. دونکته جالب‌که نامبرده پس‌ازاشاره به‌گنبدهای‌دندانه‌ای در خارج از قلمرو ایلام قدیم ارائه می‌کند این است که اولاً در میان بناهای دندانه‌ای موجود فقط چهار بنا دارای تاریخ است، سده‌های هفت و هشت و آرامگاه دانیال که در ۱۲۸۷ بنای قدیم را خراب و بنای کنونی را ساخته‌اند. در اینجا نیز آن بنای پیشین، دارای گنبدی از همین نوع بوده است. دوم اینکه درست معلوم نیست که واقعاً دانیال نبی در کجای شوش به‌خاک سپرده شده است و در زیر سایر میلهای دندانه‌ای این منطقه نیز قبری دیده نشده[۲۶] و این خود نظام قرار گرفتن برج زیگورات و آرامگاههای سلاطین هفت‌تپه را تداعی می‌کند و نکته جالب اینکه در شیرمرد ممسنی و میرمحمد خارك و امامزاده جعفر بروجرد و امامزاده عبدالله شوشتر، مرقد در اتاق دیگری است که گنبد مدور دارد و گور در زیر گنبد دندانه‌ای نیست که خود یادآور اتاق فوقانی زیگورات است که یک معبد آرامگاه بوده است و در این محفظه زیرگنبد مسجد بوده است.

بحث درباره زیگورات را با ارائه فشرده بررسیهای استاد اقتداری در باب گنبد یا میلهای دندانه‌ای به‌پایان می‌رسانم:

«نقشه ساختمانی میلهای مضرس با نقشه ساختمان برجهای معابد هندی شباهت دارد (در جنوب ایران نمونه‌هایی از این گونه برجها ساخته شده و هم اکنون وجود دارد) نقشه اصلی برجهای معابد هند که بدان «سی‌کارا» گویند با برجهای دندانه‌ای جنوب غربی ایران همسان است، تکرار نقشه زیرین بنا با کم کردن تدریجی ابعاد و اجزای سازنده برج، برای هندوان این روال دارای ارزش نمادی است و این ارزش نمادی در گسترش معماری هند در خاور دور به‌آن سرزمینها نیز رفته است، در بناهای مقدس ودایی هند بالا رفتن تدریجی طبقات و کم شدن ابعاد آن نمودار شوق فانی است برای وصال ابدی و کم شدن اندازه این ابعاد نمودار تمایل ابدی است برای وصال به‌فنای محض، در چین هر یک از طبقات نمودار مرحله‌ای از مراحل عرفانی است و گنبد آخرین نمودار بهشت جاودان خداوندی است.»

آقای اقتداری در این باب سخن خود را درباره آتشدانهای هخامنشی که با نقشه میلهای دندانه‌ای همسانی دارند به‌پایان می‌رساند، این نقش را در سکه‌های سلوکیها و کنده کاریهای غارهای بغ هندوستان (برجای مانده از سده پنجم تا هفتم میلادی، دوران پادشاهی پارتها و ساسانیان) نیز می‌توان یافت.[۲۷]

خلاصهٔ کلام اینکه اگر بناهای هرمی شکل را نخستین پدیده آرامگاهی بدانیم زیگوراتها ساده شده آن و گنبدهای دندانه‌ای علامت و نشانه یا ساده شده همان آرامگاهها هستند و بدین روال تداوم آرامگاه‌سازی باستانی حفظ شده است.

فصل سوم

آرامگاه در تمدنهای پیش از تاریخ ایران

(بخش سوم از مرحلهٔ نخست)

تا چندی پیش تصور بر این بود که تمدن باستانی بین‌النهرین، به‌ویژه عصر سومریها همانند فرهنگ باستانی مصر پایه و اساس تمدنهای امروزی است، اما اکنون معلوم شده است که گذشته از کانونهای بزرگ تمدن سومر و ایلام و در درجه دوم کلده و آشور، در گوشه و کنار ایران نیز تمدنهای معاصر، با آن کانونهای کهن، چون واحه‌های پراکنده وجود داشته، که کم و بیش تحت تأثیر آن کانونهای تمدنی هم بوده‌اند. اما نمی‌توان آنها را یک رده جداگانه به‌حساب نیاورد. لازم به‌یادآوری است که تمدنهای باستانی شبه قاره (هاراپا ـ موهنجودارو) نیز مایه اصلی تمدنی خود را از بین‌النهرین و از راه ایران بزرگ دریافت داشته‌اند البته، با بهره‌مندی از این واحه‌های تمدنی گوناگون.

اکنون این مراکز تمدنی پیش از تاریخ را بررسی می‌کنیم:

۱ـ تپه‌های سیلک کاشان

این مرکز تمدن در جنوب غربی شهر کاشان و در راه کاشان به‌باغ فین واقع شده است و خود شامل دو تپه جنوبی و شمالی است: تپه شمالی کوچکتر ولی باستانی‌تر است این تپه شامل دو طبقه سیلک ۱ و ۲ می‌باشد و تپه جنوبی شامل سیلک ۳ و ۴ و دو گورستان مربوط به‌این طبقه‌ها یکی در بلندترین قسمت تپه و یکی در دشت به‌نامهای سیلک ۵ و ۶ خوانده می‌شوند.

در سیلک ۱ و ۲ آرامگاهها در داخل منازل و محوطه مسکونی در زیرخانه‌ها قرار گرفته است. بدن مردگان از گل اُخرا پوشانده شده و مرده را به‌پهلو خوابانده‌اند با پاهای خم شده.

سیلک ۱ مربوط به‌هزاره‌های پنجم و ششم پیش از میلاد است و سیلک ۲ از هزاره پنجم است.

در سیلک سوم فقط جمجمه مردگان را از گل اُخری پوشانده‌اند و اشیای سفالی و تزیینی در گور مردگان بالغ قرار داده شده است. سیلک ۳ از اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم برجای مانده و سیلکهای ۴ و ۵ و ٦ از هزاره سوم و دوم و اول پیش از میلاد با تمدن سومری هم‌عصرند.[۲۸]

۲ـ تپه حصار

تپه حصار در حاشیه شهر دامغان واقع شده و شامل سه طبقه است. در طبقه اول ۴۲۰۰-۳۵۰۰ پیش از میلاد، گورها عموماً در محوطه مسکونی واقع شده و محل خاصی برای گورستان وجود ندارد. گورها ساده و بدون هیچ اثر ساختمانی از گل و سنگ و حصیر است و برخی اشیا از قبیل اسلحه و تزیینات و ظرف سفالی در قبرها گذاشته شده است.

در طبقه دوم از ۳۵۰۰-۳۰۰۰ پیش از میلاد، در این طبقه مقدار گورها بیشتر شده است و تعداد اجساد مرد و زن برابر است و در گورها ظروف سفالین و تزیینات قرار داده شده است.

در طبقه سوم ۳۰۰۰-۲۰۰۰ که در اثر آتش‌سوزی منهدم شده، آرامگاهها با طبقه دوم مشابه است و با مرده‌ها اشیای قیمتی نیز دفن شده است.[۲۹]

۳ـ تل ابلیس (بلیس)

این واحد تمدنی در سه کیلومتری جنوب دشتکار در مسیر بردسیر کرمان قرار گرفته و شامل هفت لایه اصلی از هزاره پنجم تا هزاره دوم است. گورهای یافت شده در این منطقه عموماً در داخل اتاقهای خانه‌های دهکده بوده‌اند. با مرده برخی اشیا و آثار نیز دفن کرده‌انـد و ایـن وضعیت تا اندازه‌ای بازتاب عقاید مذهبی آن مردم است که چون به‌دنیای دیگر معتقد بوده‌اند برای رفع نیاز در آن دنیا، اشیای گوناگون با مردگان به‌خاک سپرده‌اند.[۳۰]

۴ـ گودین تپه

گودین تپه در منطقه‌ای بین همدان و کرمانشاه در دل رشته کوهسار زاگرس در شش کیلومتری کنگاور کشف شده است.

در طبقه سوم این مجموعه که از هزاره دوم پیش از میلاد برجای مانده است، گورهایی

به‌دست آمده که همه با سنگ ساخته شده‌اند. در این محل یک آرامگاه بزرگ سنگی ۵ر۳×۳ متر یافت شده است که سقف آن کاملاً فرو ریخته است... در داخل این آرامگاه دو جسد یکی مرد و یکی زن به‌دست آمد که بر مبنای اشیای کناری ایشان این حکم راکردیم، اسکلت مرد کاملاً منظم و درگوشه جنوب غربی بر روی پهلو قرار داده شده بود. در اطراف این اسکلت هدایا و ظروف ساده و استخوان حیوانات که دلیل بر وجود غذاست به‌چشم می‌خورد. در اطراف جسد دیگر وسایل تزیینی و ظروف سفالی پیدا شده است. نمی‌دانیم که آیا دو جسد در یک زمان دفن شده‌اند یا با فاصله زمانی.[۳۱]

۵ـ موشه‌لان (اسماعیل‌آباد)

موشه‌لان (اسماعیل‌آباد) در شش کیلومتری شمال غربی تهران بین کرج و هشتگرد قرار دارد. از هزاره چهارم پیش از میلاد در این منطقه نیز گورهای ساده با اشیای درکنار مردگان کشف شده که نشان‌دهنده حالت مردگان در گور است.[۳۲]

۶ـ خوروین برغان

خوروین برغان در قزوین شامل دو تپه گنج تپه و سیاه تپه است. گذشته از گورستان قدیمی که در دامنه جنوبی این محل قرار دارد، در تپه مورد بحث شش گور سالم سنگ چین شده پیدا شد، اسکلتها همراه با برخی اشیا است. در دامنهٔ شرقی این تپه سه مجموعه کشف شده حاوی ۱۶ گور، در این گورها مردگان به‌پهلوی راست یا چپ خوابانده شده‌اند به‌طوری که صورتشان به‌طرف خورشید باشد و دستها بر روی سینه و پاها جمع بوده است. اجساد را با لباس به‌خاک سپرده بودند و این امر با یافتن دکمه‌های مفرغی که در روی سینه بعضی از اجساد پیدا شده، و نیز با یافتن تعدادی سنجاق وگردنبند درگورهای زنان و خنجر و وسایل نبرد درگورهای مردان، تشخیص گور مرد و زن از هم میسر شد. در این گورها تعدادی ظرف سفالی مخصوص تشریفات، عزاداری وبه‌خاک‌سپردن مردگان که محتوی خوراک ونوشیدنیها بوده است، یافته شده. در داخل برخی از ظرفهای سفالی که به‌صورت کاسه‌های بزرگ ساخته شده‌اند استخوان حیواناتی از قبیل گوسفند و پرندگان به‌دست آمد. در بالای سر مردگان نیز ظرفهای سفالی به‌شکل قوری با لوله‌های بلند پیدا شده که این هر دو دلیل بر این است که برای مرده غذا و نوشیدنی می‌گذاشته‌اند و به‌زندگی دوباره پس از مرگ عقیده داشته‌اند.[۳۳]

۷ـ تورنگ‌تپه گرگان

در مجموعه بررسی هنر ایران، دانشمند باستان‌شناس آمریکایی فردریک وولسین* این تپه مهم باستان‌شناسی را معرفی کرده است. این تپه در ۱۸۴۱ توسط بارُن دوبُد کشف شد و اهمیت آن در مشابهت آثار یافته شده در آن با سومر است، محل آن در شرق استرآباد است در ۵ر۶ کیلومتری شهر، در اینجا مرده‌ها را دفن می‌کرده‌اند و بدن مرده را با نظم خاصی قرار می‌داده‌اند و برایش غذا و خوراکی و مجسمه‌های گونه گون سفالین، سنگی، فلزی می‌گذاشته‌اند. فعلاً آنچه در کند وکاوهای ما یافت شده ظروف و اشیا بوده است. اما در سابق چند مجسمهٔ طلا نیز از این تپه کشف شد که به‌خارج از ایران برده شده. از سه بخش A و B و C، در اولی هیچ گوری یافت نشده. در دومی تنها یکی و در سومی بسیار. گویا این بخش گورستان آبادی بوده است.[۳۴]

۸ـ شهر سوخته سیستان

آثار به‌دست آمده از شهر سوخته نشان داده است که این شهر مهمترین مرکز استقرار و در حقیقت مرکز اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه شرقی فلات ایران در طی هزاره‌های دوم و سوم پیش از میلاد بوده است. از داخل حدود سیصد گوری که در گورستان بیست و پنج هکتاری شهر سوخته حفاری شده اطلاعات زیادی درباره مسایل فرهنگی و اجتماعی هزاره سوم به‌دست ما رسیده و بسیاری مسایل مهم دیگر از جمله سن متوسط در آن عصر و این نکته که فقط دو درصد مردم به‌مرز پنجاه‌سالگی می‌رسیده‌اند. بر مبنای محاسبات انجام شده تعداد گورهای پیدا شده در این شهر از مرز ۲۲۰۰۰ می‌گذرد، این گورها را به‌پنج دسته تقسیم کرده‌اند.

گورهای ساده، آرامگاههای دو خانه‌ای، یک خانه برای همراه مرده، آرامگاههای سردابه‌ای که در زیر اطاق آرامگاه ساخته می‌شد، گورهای سردابه‌ای کاذب، گورهای خشتی که برای سرداران ساخته می‌شده است و بزرگتر از انواع دیگر آرامگاهها بوده است.[۳۵]

---

*ـ Frederick R. Wulsin

۹ـ غیاث‌آباد و چراغعلی مارلیگ

باکشیدن یک خط منحنی مورب از شهر رودبار درکنار سفیدرود به‌رود سروکلاچای در مصب پلرود، منطقه‌ای مشخص می‌شود که از نقطه‌نظر باستانشناسی روزگاران پیش از تاریخ بسیار غنی و با اهمیت است. در هر دو منطقه کند وکاوهای بسیار و بیشتر غیرقانونی و جاهلانه و برخی جستجوهای قانونی و علمی به‌عمل آمده است. برای اینکه در این مختصر اشاره‌ای به‌این دو منطقه داشته باشیم از مقاله باستان‌شناس ایرانی سیف‌الله کامبخش فرد در شماره ۱۷ مجله باستانشناسی و تاریخ بهره‌جویی کرده و فقط اشاره‌ای خواهم داشت به‌غیاث‌آباد در منطقه بزرگتر که در شمال‌شرقی منطقه کوچکتر قرار دارد و چراغعلی مارلیک در جنوب غربی منطقه بزرگتر، چندکیلومتری شرق رستم‌آباد رودبار درکنار سفیدرود.

نویسنده درباره گورهای یافته شده در این منطقه می‌نویسد: با وجود اشیا و کیفیت استقرار آنها در گور راز و رمزهای فراوانی داشت، یکی از آنها خاک فشرده‌ای داشت، اسکلت به‌صورت طاق‌باز و پاهاگشاده و دستها به‌طرف سینه متمایل بود چندین لاوک سفالین نزدیک اسکلت و در اطراف قرار داشت، چهار قبضه قمه برنزی در چهار کنج گور در حالی که نوک آنها به‌طرف آسمان و عمودی بود و درگوشه‌ای ازگور لاک‌پشتی شقه شده، وجود داشت...

گروه علمی مأمور دچار دردسرهای فراوان شد .، اما دردسرها هنگامی به‌اوج رسید که هیأت توانست درگورهای، واقع در تپه چراغعلی اشیای بسیارگرانبهایی را به‌دست بیاورد، طی نامه‌ای که در حاشیه گزارش به‌چاپ رسیده است، فهرستی از اشیای مکشوفه در این تپه به‌قرار زیر بوده است:

۱ـ گرز مفرغی کله آدم با چشمان سنگ قیمتی ۳ عدد.
۲ـ ظرف کوچک طلای منقوش ۴ عدد.
۳ـ شتر مفرغی با یک ساربان ۷ عدد.
۴ـ مجسمهٔ طلایی انسان یک عدد.
۵ـ گاو مفرغی باگوساله یک عدد.
۶ـ ظرف بزرگ طلا سه عدد.
۷ـ لول عقیق منقوش و ساده دو طرف طلا در حدود دو کیلو.
۸ـ انار طلایی بزرگ ۳۲ عدد.

۹ـ انار طلایی کوچک و طلای ریز در حدود یک کیلو.
و در متن مقاله آمده است که از درون گورهای مارلیک انواع و اقسام قمه‌ها، شمشیرها و سرتیرها، نیزه‌ها، گرز و سپر و سایر آلات قتاله و نیز ماکتهایی از ابزار کشاورزی (گاوآهن)، مجسمه‌ها و نمادهایی از زن و مرد یا مفهوم باروری و نیز در زمینه حاصلخیزی زمین و نمادهایی از گاوهای سفالین کشف شدند که برخلاف گاوهای سفالین املش دارای شکلی واقعی هستند .... انواع جانوران شکاری و غزال و آهو در حالتهای هجوم و ستیزه و گریز به‌صورت سفالین و برنز و ریخته گری شده از گورهای مارلیک به‌دست آمد.[۳۶]

فصل چهارم

آرامگاه قدیسین بنی‌اسرائیل
(بخش چهارم از مرحلهٔ نخست)

«چون هابیل، قابیل را بکشت بترسید که پدرش ببیند او را به‌پشت برگرفت و همی برد و گرد جهان همی گردانید و ندانست که او را چگونه پنهان کند. پس خدای عزوجل دوکلاغ را بفرمود تا چنانکه او همی دید، یکی یکی را بکشت و به‌منقار مغاکی بکند و آن کشته را اندر آن مغاک پنهان‌کرد. قابیل چون آن بدید گفت مرا چندان خرد و دانش نبود که این کلاغ را و اکنون مرا نیز این چنین باید کردن. برخاست و مغاکی بکند و برادر را بدانجا نهاد و خاکش بر سر کرد.»
تاریخ بلعمی.[۳۷]

این قدیم‌ترین خاک‌سپاری است که در کتابهای تاریخ و سیر می‌خوانیم در تورات به‌این مطلب اشاره‌ای نشده و حتی درباره خود آدم نیز، فقط به‌مردن وی پس از نهصد و سی سال زندگی اشاره دارد.

سخن را با خاک‌سپاری آدم بدان صورت که بلعمی نوشته است آغاز می‌کنیم و پس از آن به‌ارائه دیگر مطالب می‌پردازیم.

آداب خاک‌سپاری آدم علیه‌السلام

«خدای عزّ و علا جبرئیل را بفرستاد و سوی شیث (پسر و جانشین آدم که خود نیز پیامبر بود) با پیغامهای خویش، و او را بفرموده که آدم را بشوی و کفن کن و به‌گور کن تا آن سنت بماند به‌فرزندان آدم و جبرئیل آدم را بشست، تا شیث بیاموخت، و خدای تعالی از بهشت آدم را کفن فرستاد و جبرئیل او را به‌جامه‌های بهشت اندر پیچید و بنهاد، و شیث را فرمود که بر او نماز کن، شیث بر جبرئیل گفت تو نماز کن، جبرئیل گفت وصی پدر تویی تو را باید نماز کردن، شیث بر او نماز کرد و سی تکبیر کرد و چار آن است که سنت ماند و دیگر [تکبیرها] فضل آدم را [بود.] پس جبرئیل شیث را بفرمود که آدم را به‌گور کن و به‌میان خاک اندر نهان کن، و این سنت را کار بند اندر همهٔ فرزندان آدم. و علما اختلاف کردند اندر گور آدم، گروهی گفتند گور آدم به‌هندوستان است و زیر کوه سراندیب آنجا که از آسمان فرود آمد و گروهی گویند که گور او به‌زمین مکه است به‌زیر کوه ابوقبیس و ایدون گویند که از پس آدم حوا یکسال بزیست و پس بمرد و شیث او را با آدم به‌یک جای به‌گور کرد، و به‌خبر اندر چنین آمده است که چون خدای تعالی نوح را طوفان فرستاد نوح گور آدم وحوا را باز کرده و استخوانهای ایشان برگرفت و با خویشتن اندر کشتی نهاد، چون از کشتی بیرون آمد باز هردو را به‌بیت‌المقدس به‌گور کرد واکنون‌گورهای‌ایشان آنجاست.»[۳۸]

اشتراک قدیسین مذکور در تورات، با قدیسین مسلمان سبب شده است که در ایران جنوب غربی، بیش از جاهای دیگر اماکن مقدس منسوب به‌این قدیسین یافت شود، بدون تأکید بر صحت این انتساب، به‌بررسی خود ادامه می‌دهیم.

۱ـ آرامگاه دانیال پیامبر

آرامگاه دانیال پیامبر، در شهر شوش و درکنار رودخانه شاوور، بنایی شکوهمند، زیبا و بسیار مشهور است که سالیان دراز شوش را بدان باز می‌شناختند. در برخی متون به‌شوش دانیال گفته شده است... دربارهٔ گور این پیامبر روایات مختلف است، مهمترین نظر وجود آرامگاه در زیر آن گنبد است، برخی گور را در میان آب رود کرخه یا شاوور دانسته‌اند و برخی گور وی را در زیر پلی که بر روی رود شاوور بسته‌اند می‌دانند.[۳۹] با توجه به‌آنچه درباره زیگوراتها و گنبدهای دندانه‌ای زیگوراتی گفتم، این احتمال که گور دانیال نبی در جایی دیگر باشد و زیر گنبد خالی باشد هست. از آنجاکه دانیال و روایات مربوط به‌آزادسازی بابل توسط ایرانیان از فصول برجسته تاریخ باستانی و سند توجه پارسیان به‌قوم مظلوم بنی‌اسرائیل (در آن عصر)

است، برخی از نوشته‌های باب پنجم کتاب دانیال نبی را از تورات نقل می‌کنیم:

«بلشصر پادشاه ضیافت عظیمی برای هزار نفر از امیران خود برپا داشت و در حضور آن هزار نفر شراب نوشید ـ بلشصر در کیف شراب امر فرمود که ظروف طلا و نقره را که جدش نبوکد نصر از هیکل اورشلیم برده بود بیاورند تا پادشاه و امرایش و زوجه‌ها و متعه‌هایش در آنها بنوشند ـ آنگاه ظروف طلا را... آوردند و پادشاه و امرایش و زوجه‌ها و متعه‌هایش در آنها شراب نوشیدند و خدایان طلا و نقره و برنج و آهن و چوب و سنگ را تسبیح می‌خواندند، در همان ساعت انگشتهای دست انسانی بیرون آمد و در برابر شمعدان بر گچ دیوار قصر پادشاه نوشت و پادشاه کف دست را که می‌نوشت دید، آنگاه هیئت پادشاه متغیر شد و فکرهایش اورا مضطرب ساخت و بندهای کمرش سست شده زانوهایش به‌هم می‌خورد ـ پادشاه به‌آواز بلند صدا زد که جادوگران و کلدانیان و منجمان را احضار نمایند. پس پادشاه حکیم بابل را خطاب کرده گفت هر که این نوشته را بخواند و تفسیرش را برای من بیان نماید به‌جامه ارغوان ملبس خواهد شد و طوق زرین بر گردنش نهاده خواهد شد و حاکم سوم در مملکت خواهد بود ـ آن‌گاه جمیع حکمای پادشاه داخل شدند اما نتوانستند نوشته را بخوانند یا تفسیری برای پادشاه بیان نمایند ـ پس بلشصر پادشاه بسیار مضطرب شد... اما ملکه به‌سبب سخنان پادشاه و امرایش به‌میهمانخانه درآمد و متکلم شده گفت ای پادشاه تا به‌ابد زنده باش، فکرهایت را مضطرب نساز و هیئت تو متغیر نشود ـ شخصی در مملکت تو هست که روح خدایان قدوسی دارد و در ایام پدرت روشنایی و فطانت و حکمت، مثل حکمت خدایان در او پیدا شده و پدرت نبوکدنصر پادشاه یعنی پدر تو ای پادشاه او را رییس مجوسان و جادوگران و کلدانیان و منجمان ساخت ـ چون که روح فاضل و معرفت و فطانت و تعبیر خوابها و حل معماها و گشودن عقده‌ها در این دانیال که پادشاه او را به بلشصر مسمی نمود یافت شد ... و پس از اینکه دانیال را به‌حضور آوردند و وی مشکل خود را با وعده لباس ارغوان و طوق طلا و نفر سوم در مملکت شدن به‌وی گفت:

«پس دانیال به‌حضور پادشاه جواب داد و گفت عطایای تو از آن تو باشد و انعام خود را به‌دیگری بده و لکن نوشته را برای پادشاه خواهم خواند و تفسیرش را برای او بیان خواهم نمود ـ اما ای پادشاه خدای تعالی به‌پدرت نبوکدنصر سلطنت و عظمت و جلال و حشمت عطا فرمود و به‌سبب عظمتی که به‌او داده بود جمیع قومها و امتها و زبانها از او لرزان و ترسان می‌بودند هر که را می‌خواست زنده نگاه می‌داشت و هر که را می‌خواست بلند می‌نمود و هر که را می‌خواست پست می‌ساخت لکن چون دلش مغرور و روحش سخت گردیده تکبر نمود، آن گاه از کرسی سلطنت خویش به‌زیر

افکنده شد و حشمت او را ازو گرفته...»

آنگاه دانیال نبی شرح پست شدن و حیوان شدن پدر را برای پسر بیان کرد و به‌خود وی نیز تذکر داد که به‌سوی حیوان شدن گام برمی‌دارد و ظهور این نوشته طلیعه آن دوران قهقرایی و هلاکت است و این گونه به‌سخن خویش ادامه داد:

«پس این کف دست از جانب او فرستاده شد و این نوشته مکتوب گردید ـ و این نوشته که مکتوب شده این است مناً منا ثقیل و فَرِسین و تفسیر کلام این است: مناء خدا سلطنت تو را شمرده و آن را به‌انتها رسانیده است ـ ثقیل در میزان سنجیده شده و ناقص درآمده ـ فرس به‌سلطنت تو تقسیم گشته و به‌مادیان و فارسیان بخشیده شده است ـ آن‌گاه بلشصر امر فرمود تا دانیال را به‌ارغوان ملبس ساختند و طوق زرین برگردنش نهادند و درباره‌اش نداکردند که در مملکت حاکم سوم می‌باشد ـ در همان شب بلشصر پادشاه کلدانیان کشته شد.» [۴۰]

دانشمند ارجمند احمد اقتداری پس از ختم نقل کامل آیه‌های یکم تا سی‌ام کتاب دانیال نبی به‌سرنوشت و آرامگاه دانیال پرداخته می‌نویسد:

«... و در همان شب بابل گشوده شد دانیال و یهودیان آزاد شدند بنابراین با قرب جوار شوش و بابل محتمل است که دانیال به‌رهبری جماعتی از یهودیانی که به‌اسارت در بابل بوده‌اند به‌شوش آمده باشد تا به‌اورشلیم باز گردد یا در آن شهر بماند و می‌توان اندیشید که در همان شهر بدرود زندگی گفته باشد و چنانکه مشهور است، قبرش یا تابوتش را در کنار آب کرخه و شاوور امروزی قرار داده باشند. اما چون دانیال پیامبری پر آوازه بوده که در تورات یک کتاب با دوازده باب به‌او اختصاص دارد. در خصوص جای گور و کرامات هیکلش و تابوتش روایات و اخباری بر سر زبانها افتاده و به‌مورخین و جغرافی‌نویسان رسیده و در بعضی از کتب مسطور افتاده است.» [۴۱]

چون سخن از آرامگاههای قدیسین بنی‌اسرائیل در ایران است اولین نکته‌ای که جلب توجه می‌کند این است که بیشتر این آرامگاهها در خوزستان سرزمین ایلام، که جزیی از ایران قدیم بوده است، قرار دارند، ولی آیا این امکان عقلی هست که این قدیسین در این منطقه که هم از سرزمین سنتی بنی‌اسرائیل دور است و هم با در نظر گرفتن وسایط نقلیه آن روزگار به‌بابل قرب جوار ندارد، در خوزستان دفن شده باشند. استدلال استاد درباره دفن دانیال در شوش به‌این دلیل که وی به‌رهبری جماعتی از یهودیان که به‌اسارت در بابل بوده‌اند به‌شوش آمده باشد تا به‌اورشلیم باز گردد یا در آن شهر بماند مورد تأیید نمی‌تواند باشد، چه در آن

روزگار اگر چه جوانان از بابل دل نمی‌کندند و حاضر نبودند به‌فلسطین بازگردند، اما دانیال از این گروه نبوده و بدون شک باید جزو نخستین گروه مهاجر به‌سوی اورشلیم باشد و در این صورت لزومی نداشته که برای رفتن به‌فلسطین و یا ماندن در شوش، بدین گونه عمل کند که این دومی مورد قبول نمی‌تواند باشد. بنابراین می‌توان گفت که اساساً تامدارک قابل اطمینان‌تری به‌دست نیامده باید با شک و تردید به‌این آرامگاه و آرامگاههای دیگر قدیسین بنی‌اسرائیل در ایران، نظر انداخت. در این میان تنها آرامگاهی که در اصالت آن شک کمتری می‌توان کرد آرامگاه استر و مردخای است.

در مورد آرامگاه دانیال باید گفت که چون دانیال آمدن و تسلط ماد و پارس را پیش‌بینی کرد، این پیش‌بینی وی بیشتر در قلمرو دولت ماد و پارس خریدار داشت. ایلامیان که ساکنان اصلی قلمرو هخامنشیان پیش از تکوین شاهنشاهی هخامنشی بوده‌اند مسئله مرگ یا قتل و دفن دانیال در این نقطه را ابداع کرده به کرسی نشانده‌اند. استاد اقتداری در توصیف آرامگاه اصلی دانیال، عالمانه دلایل اصالت آرامگاه را بر شمرده‌اند، اما واقعاً در این مورد هنوز دلیل قاطعی که اصالت آرامگاه و انتساب آن را به‌دانیال نبی به‌اثبات برساند در دست نیست و این پدیده را هم باید یکی از گامهای مؤثر نیاکان خود بدانیم برای حفظ بناهای از پیش مانده و ایجاد ارتباط نسل حاضر با نسل‌های گذشته و پوشاندن ریشه‌های اختلاف نژادی، زبانی و مذهبی.

در مجمل‌التواریخ از قول شعبی می‌خوانیم:

«چون ابوموسی اشعری شهر شوش بگشاد در عهد عمر ... و اندر قلعهٔ شهر رفت که آن را ماذونیال خواندندی و همی‌گردید در خانه‌ها و خزینه‌ها را قبض همی‌کرد و عرض (عوض) همی‌داد تا به‌در خانه‌ای برسید پرده بر او آویخته اثر روغن بر او بود و درِ خانه بسته بود، بفرمود تا باز گشایند، آن گروه سوگند عظیم خوردند که در این خانه هیچ مال و نعمت نیست. ابوموسی گفت علی‌الحال باز باید گشادن تا بنگرم، باز گشادند به‌ضرورت آبزنی* دید از رخام مانند حوضی و در آن جای مردی پیر

* چیزی که امروز از چینی یا آهن سازند و در آن شست وشو کنند، حمام دستی، این آبزن‌ها در حفاریهای شوش پیدا شده و معلوم می‌دارد که در این آبزنهای سنگی جسد مردگان یا استخوانهای او را با زیور در آن می‌خوابانیدند. نمونه‌ای از آن در موزه لوور هست و در کتاب دمورگان نیز معرفی شده، یادداشت ملک‌الشعرا بهار در مجمل‌التواریخ.

رسم زرتشتیان بوده است که استخوانهای مرده را پس از آنکه گوشت آن را مرغان خوردند و از کثافت پاک شد طوری به‌قفا می‌خوابانیده‌اند که زانوها خم و سر محاذی زانو و بر دیوار یا بر آبزنی تکیه داده باشد و رسم نبوده است که مانند مسلمین میت را بخوابانند. یادداشت‌های ملک‌الشعرای بهار.

همی‌خوابانیده بر قفا و زنخ بر زانو نهاده و پوست بر استخوان خشک شده، ابوموسی پرسید از حال وی گفتند این شخص دانیال پیغامبرست از جمله اسیران بخت‌نصر و در این شهر بمرد، و وی را در این آبزن نهادند و هر وقتی که به‌باران حاجت افتد بیرون برندش و دعا کنند به‌وی، پس همان وقت باران ببارد و در آن آبزن کتابی عبرانی بیافتند و آن را مردی از بنی سهم بخرید از قسمت غنایم به‌چهار درهم... حاوی همهٔ سیر خلفا و قصه‌ها و هر چه خواهد بودن در عالم تا روز قیامت... ابوموسی خطاب را خبر داد و عمر از جهودان تهامه باز پرسید او را از قصه دانیال خبر دادند. پس عمر بفرمود ابوموسی را که او را غسل مکن همچنان کفن سازش و حنوط و به‌دست معتمدی دفن کن چنانکه کس نداند و او را رنجه دارد...»

ابوموسی پیرو این دستور فرمان داد که آب را از رودخانه (در متن به‌نام ابوران) برگرداندند سپس گوری در کف رودخانه تدارک دیدند و استخوانهای دانیال را در آن به‌خاک سپردند. پایان کار آرامگاه را این چنین ارائه می‌کند:

«آب بر آن فروگذاشتند و بر بالای آب بعد از آن مسجد و شهر کردند و آب در زیر آن همی‌گذرد و ماهیان عظیم بی‌اندازه ملازم سر گور باشند پیوسته و کس ایشان را نگیرد. مراتب دهند هر روزی ایشان را بسیاری نان و این سخت عظیم عجایب و طرفه است و من آن را برای العین دیده‌ام و زیارت کرده‌ام.»[۴۲]

در میان پیغمبران بنی‌اسرائیل دانیال دارای اهمیت خاص است، از این نقطه‌نظر که معاصر با پادشاهان نخستین هخامنشی و نیز پادشاهان کیانی بوده و این تقارن ممکن است در آینده کلیدی باشد برای روشنگری این دو سلسله و فصول مشترک تاریخی ایشان:

«بعد از آنکه مادها و پارسیان بابل را فتح کردند، داریوش هخامنشی که بعد از بلشصر سلطنت کرد، دانیال را به‌صد و بیست نفر از شاهزادگان ریاست داد و بدین سبب ایشان حسد بردند و باعث شدند که در مغارهٔ شیران انداخته شود ولی تدبیر فاسد آنان بر خودشان بازگشت و سبب هلاک ایشان شد.»[۴۳]

دانیال از پیامبران بنی‌اسرائیل و همزمان کوروش کبیر و داریوش بزرگ هخامنشی بوده است. در کودکی پس از گشوده شدن اورشلیم به‌دست نبوکدنصر در سال ۵۸۶ ق. م در میان گروهی از یهودیان به‌بابل فرستاده شد و در آنجا می‌زیست.[۴۴]

سال درگذشت دانیال معلوم نیست، وی معاصر با عُزیر پیغمبر بوده است و پس از درگذشت بخت‌نصر از جانب بهمن پسر اسفندیار به‌بیت‌المقدس برگردانده شد و از آنجا به‌اهواز رفت و در شوش دیده از جهان بربست، علم رمل و گزاردن خواب را از او دانند.»[۴۵]

دانیال بعد از مرگ بهمن پسر اسفندیار به‌بیت‌المقدس آمد و عمارات کرد و بنی‌اسرائیل را بیاورد.»[۴۶]

عین عبارت فارسنامه این است:

> بهمن‌بن اسفندیار پس از عزل بخت‌النصربن نمرود کیرش‌بن اخشوارشن بن کیرش‌بن جاسب‌بن لهراسب راکه مادرش دختر یکی بود از بنی‌اسرائیل به‌نام اواشین، بهمن بنی‌اسرائیل را نواخت و رییس بر ایشان گماشت که دانیال نام داشت.[۴۷]

برای دانیال پیامبر آرامگاه دیگری هم ارائه می‌کنیم و آن زیارتگاه کوچکی است در آبادی دانیال از آبادیهای لنکای تنکابن در چهار کیلومتری جنوب جاده شهسوار به‌چالوس. تنها تاریخی که در این مکان مقدس یافت می‌شود، **۱۲۲۰** است در پایان نام استاد محمد فرزند استاد عباسعلی کلج. ضمناً استاد بزرگوار دکتر منوچهر ستوده که این آرامگاه را معرفی کرده‌اند، می‌نویسند: در تعطیلات نوروز **۱۳۵۲** که از این بقعه بازدید کردم، بنای آن را با گچبریهای ظریف خراب کرده بودند وگنبد و بارگاهی به‌جای آن ساخته بودند اما صندوق که قسمتی ازآن به‌سرقت رفته‌است برجای‌بود. دولنگه‌در قدیمی‌بقعه‌نیز ظاهراًدزدیده‌شده‌است.[۴۸]

در فیض آباد محولات از توابع تربت حیدریه دهی به‌نام دانیال وجود دارد که معلوم نیست به‌چه علت این نام را یافته چون زیارتی به‌نام دانیال در این آبادی وجود ندارد.[۴۹]

۲ـ آرامگاه استرومردخای در همدان

اما مهمترین و معروفترین و قدیم‌ترین آثار آرامگاهی از این قبیل در ایران آرامگاه اِسترو مردخای است که از نقاط دیدنی همدان است و ما در این مجموعه آن را معرفی کرده‌ایم، اما خود ایجاد این آرامگاه، آن هم از دو نفر با اختلاف سنی زیاد و موقعیت سیاسی و اجتماعی چشمگیر قابل تردید است، چه جای آن رخداد، یعنی نجات یهودیان از قتل‌عام در عصر خشایارشا، در شوش بوده است و همدان در آن عصر، پس از پیروزی پارسیان بر مادها دارای جنبه پایتختی نبود و حال چگونه آرامگاه این دو نفر به‌همدان رفته و در نتیجه همدان از مراکز یهودیان شده جای بحث دارد.

متن تورات راکه بسیار گویاست و گوشهٔ مهمی است از تاریخ عصر باستان ایران مرور می‌کنیم، و با ارائه این متن بنی‌اسرائیلی ـ هخامنشی میان دو فصل از این مقدمه پل می‌زنیم: قصه استر بر مبنای کتاب ایران باستان مشیرالدوله و تورات، کتاب اِستر در ده باب ـ باب اول

از صفحه ۷۷۱ (عیناً نقل شده بدون دخل و تصرف):

«در ایام اَخشورُش (خشایارشا) این امور واقع شد ـ این همان اَخشورُش است که از هند تا حبش بر صد و بیست و هفت ولایت سلطنت می‌کرد. در آن ایام حینی که اَخشورش پادشاه بر کرسی سلطنت خویش در شوش نشسته بود، در سال سوم از سلطنت خویش، ضیافتی برای جمیع سروران و خادمان خود برپا نمود و محتشمان فارس و مادی از امرا و سروران ولایت‌ها به‌حضور او بودند پس شاه به‌مدت مدید یکصد و هشتاد روز جلال سلطنت خویش و حشمت و عظمت سلطنت خویش را جلوه می‌داد، بعد از انقضای آن روزها پادشاه برای همه آن کسانی که در دارالسلطنه شوش از خُرد و بزرگ یافت شدند، ضیافت هفت روزه در عمارت باغ قصر برپا کرد. پرده‌ها از کتان سفید و لاجورد با ریسمانهای سفید و ارغوان در حلقه‌های نقره بر ستونهای مرمر سفید آویخته و تخت‌های طلا و نقره بر سنگ فرشی از سنگ سماق و مرمر سفید و دُر و مرمر سیاه بود. آشامیدن از ظرفهای طلا بود و ظرفها را از اشکال مختلفه و شرابهای ملوکانه برحسب کَرم پادشاه، دربارهٔ همهٔ بزرگان خانه‌اش، چنین امر فرموده بود که هر کس موافق میل خود رفتار نماید. و وَشتی ملکه نیز ضیافتی برای زنان خانه خسروی اَخشورُش پادشاه برپا نمود. در روز هفتم چون دل پادشاه از شراب خوش شد، هفت خواجه‌سرا یعنی مهومان و بِزتا و حربونا و بِغتا و اَبغَتا وزاَتر و کَرکَس* راکه در حضور پادشاه خدمت می‌کردند امر فرمود. که وشتی ملکه را با تاج ملوکانه به‌حضور پادشاه بیاورند تا زیبایی او را به‌خلایق و سروران نشان دهد زیراکه نیکو منظر بود. اما وَشتی ملکه نخواست که برحسب فرمانی که پادشاه به‌دست خواجه‌سرایان فرستاده بود بیاید، پس پادشاه بسیار خشمناک شده غضبش در دلش مشتعل گردید. آن‌گاه پادشاه به‌حکمایی که از زمانها مُخبر بودند تکلم نموده (زیراکه عادت پادشاه با همهٔ کسانی که به‌شریعت و احکام عارف بودند چنین بود. و مقربان او کَرشَناو شیتار و اَدماتا و ترشیش و مَرَس و مرسا و مموکان هفت رییس فارس و مادی بودند که روی پادشاه را می‌دیدند و در مملکت به‌درجهٔ اول می‌نشستند) گفت مطابق شریعت به‌وشتی ملکه چه باید کرد چون که به‌فرمانی که اَخشورُش پادشاه به‌دست خواجه‌سرایان فرستاده است عمل ننموده. آنگاه مموکان به‌حضور پادشاه و سروران عرض کرد که وَشتی ملکه نه تنها به‌پادشاه تقصیر نموده بلکه به‌همهٔ روسا و جمیع طوایفی که در تمامی ولایتهای اَخشورُش پادشاه می‌باشند. زیرا چون این عمل ملکه نزد تمامی زنان شایع شود آنگاه شوهرانشان در نظر ایشان خوار خواهند شد حینی که

* به‌جای بغتا و اَبغتا، بگَشا و ابگَشا و به‌جای زاتر زی بژ. ایران باستان ۸۹۸.

مُخبر شوند که اَخشورُش پادشاه امر فرموده است که وَشتی ملکه را به‌حضورش بیاورند و نیامده است. و در آن وقت خانمهای فارس و مادی که این عمل ملکه را بشنوند به‌جمیع روسای پادشاه چنین خواهند گفت و این مورد بسیار احتقار و غضب خواهد شد. پس اگر پادشاه این را مصلحت داند فرمان ملوکانه از حضور وی صادر شود و در شرایع فارس و مادی ثبت کردند تا تبدیل نپذیرد که وَشتی به‌حضور اَخشورُش پادشاه دیگر نیاید و پادشاه رتبهٔ ملوکانه او را به‌دیگری که بهتر ازو باشد بدهد. و چون فرمانی که پادشاه صادر گرداند در تمامی مملکت عظیم او مسموع شود آن‌گاه همهٔ زنان شوهران خود را از بزرگ و کوچک احترام خواهند نمود و این سخن در نظر پادشاه و رؤسا پسند آمد و پادشاه موافق سخن مموکان عمل نمود. و مکتوبات به‌همهٔ ولایتهای پادشاه به‌هر ولایت مطابق خط آن و به هر قوم موافق زبانش فرستاد تا هر مرد در خانه خود مسلط شود و در زبان قوم خود آن را بخواند. باب دوّم بعد از این وقایع چون غضب اَخشورُش پادشاه فرونشست وَشتی و آنچه را کرده بود و حکمی که دربارهٔ او صادر شده بود به‌یاد آورد و ملازمان پادشاه که او را خدمت می‌کردند گفتند که دختران باکره نیکومنظر برای پادشاه بطلبند. و پادشاه در همهٔ ولایتهای مملکت خود وکلا بگمارد که همهٔ دختران باکرهٔ نیکومنظر را به‌دارالسلطنهٔ شوش در خانهٔ زنان زیردست هیجای که خواجه‌سرای پادشاه و مستحفظ زنان است جمع کنند و به‌ایشان اسباب طهارت داده شود. و دختری که به‌نظر پادشاه پسند آید در جای وَشتی ملکه بشود. پس این سخن در نظر پادشاه پسند آمد و همچنین عمل نمود. شخصی یهودی در دارالسلطنه شوش بود که به‌مُردخای بن یائیربن شِمعی مسمی بود. و او از اورشلیم جلای وطن شده بود با اسیرانی که یِکُنیا پادشاه یهودا جلای وطن شده بود که نَبوکدِ نَصر پادشاه بابل ایشان را به‌اسیری آورده بود. و او هَدَسَّه یعنی اِستَر دختر عموی خود را تربیت می‌نمود چونکه وی را پدر و مادر نبود و آن دختر خوب صورت و نیکو منظر بود و بعد از وفات پدر و مادرش مردخای وی را به‌جای دختر خود گرفت. پس چون امر و فرمان مادر پادشاه شایع گردید و دختران بسیار در دارالسلطنهٔ شوش زیردست هیجای جمع شدند اِستَر را نیز به‌خانهٔ پادشاه زیردست هیجای که مستحفظ زنان بود آوردند. و آن دختر به‌نظر او پسند آمده در حضورش التفات یافت پس به‌زودی اسباب طهارت و تحفه‌هایی را به‌وی داد و نیز هفت کنیز را که از خانه پادشاه برگزیده شده بودند که به‌وی داده شوند و او را با کنیزانش به‌بهترین خانهٔ زنان نقل کرد. و استر قومی و خویشاوندی خود را فاش نکرد زیرا که مُردخای او را امر فرموده بود که نکند. و مُرد خای روز به‌روز پیش صحن خانهٔ زنان گردش می‌کرد تا از احوال اِستر و از آنچه به‌وی واقع

شود اطلاعی یابد...*

... پس از یکسال تربیت و مالش بدن دختر با مُرّ و عطریات گرانبها در روز معین او را نزد شاه بردند و شاه وی را به‌سایر زنان ترجیح داد و تاج بر سر او نهاد. پس از آن او را اِستر نامیدند که به‌پارسی به‌معنای ستاره است. مقارن این احوال مُردخای کنکاشی را که دو نفر از خواجه‌سرایان، بَغتان و تارِس نامان برضد شاه ترتیب داده بودند کشف کرده، قضیه را توسط اِستر به‌اطلاع شاه رساند. شاه آن دو نفر را به‌دار آویخت. در دربار هامان نامی مورد توجه شاه بود و از این جهت که مُردخای به‌او تعظیم نمی‌کرد، کینهٔ او را در دل گرفت و وقتی که دانست مُردخای یهودی است در صدد برآمد که او و تمام یهودی‌ها را بکشد.

برای اینکه در کدام ماه به‌این کار مبادرت کند، قرعه انداخت و قرعه به‌ماه دوازدهم درآمد. بعد هامان به‌شاه چنین گفت: مردمی هستند در مملکت تو که در اطراف و اکناف آن پراکنده‌اند، قوانین جدید و آداب مخصوص دارند و فرامین تو را اطاعت نمی‌کنند، اجازه بده آنها را بکشند. من ده هزار وزنه نقره به‌تو می‌دهم. شاه انگشتر خود را از انگشت بیرون آورده به‌او داد و گفت نقره و هم این مردم را به‌تو دادم هر چه خواهی بکن. پس از آن هامان پسر هَمَداتای اَجاجی به‌تمام ایالات فرمان صادر کرد که در روز معین تمام یهودی‌ها را از مرد و زن بزرگ و کوچک بکشند. مُردخای از قضیه آگاه و سخت اندوهگین گردید. بر اثر غم و الم زیاد لباسهای خود را کنده کیسه‌ای در بر کرد و خاکستر بر سر ریخت. اِستر چون حال او را چنین دید جهت آن را پرسید او سواد فرمان شاه را برای اِستر فرستاد و گفت. این است سبب غم و اندوه من. حالا آنچه توانی برای نجات همکیشان خود بکن. اِستر جواب داد رسم این است که هر کس داخل اطاق درونی عمارت شاه شود محکوم به‌اعدام می‌گردد، مگر اینکه شاه دست خود را به‌طرف او دراز کند با وجود این من این کار را خواهم کرد ولی لازم است یهودیها سه روز تمام برای نجات من دعا کنند و روزه بگیرند. روز سوم اِستر لباس‌های ملوکانهٔ خود را در بر کرده به‌اتاق درونی شاه داخل شد، شاه دست خود را به‌طرف او دراز کرده گفت: اِستر ترا چه می‌شود، اِستر گفت من از شاه خواستارم که امروز با هامان میهمان من باشند. شاه پذیرفت و پس از اینکه در میهمانی ملکه شراب زیاد نوشید، رو به‌اِستر کرد و گفت خواهش تو چیست؟ بگو تا به‌جا آورم، اگر نصف مملکتم را بخواهی می‌دهم، اِستَر اجازه خواست مطلب خود را در میهمانی روز دیگر بگوید و هامان را باز دعوت کرد. اما هامان سپرده بود داری برای

* تا اینجا از روی تورات فارسی چاپ لیدن ۱۹۳۰ استنتاخ شد و از این به‌بعد برای گرایش به‌اختصار از صفحه ۸۹۹ کتاب ایران باستان نقل می‌شود.

به‌دار آویختن مردخای به‌بلندی ۵۰ آرش تهیه کنند. شب شاه را خواب نبردو فرمود تا سالنامه‌های سلطنتش را بخوانند. خواننده رسید به‌جایی که درباره کشف کنکاش بَغتان و تارِس بود. شاه پرسید که چه پاداشی به‌مُردخای در ازای این خدمت دادم. خدمه گفتند پاداش ندادی. در این وقت هامان وارد شد. شاه از او پرسید چه باید کرد دربارهٔ چنین کسی که شاه می‌خواهد سرافرازش کند. هامان به‌تصور اینکه مقصود شاه خود اوست، گفت چنین کس را باید بفرمایی لباس شاه را بپوشد بر اسب شاه سوار شود، تاج شاهی بر سر گذارد و اول مرد دربار در پیش او حرکت کرده به‌مردم بگوید: چنین کند شاه چون بخواهد کسی را سرافراز بدارد. شاه گفت در حال برو و همین چیزهایی که گفتی دربارهٔ مُردخای بکن. هامان چنان کرد و بعد بی‌اندازه مهموم و مغموم به‌خانه برگشت. پس از آن خواجه‌سرایان آمده او را به‌میهمانی ملکه بردند. شاه بعد از صرف غذا و شراب باز از ملکه پرسید مطلبت چیست؟ آنچه خواهی بخواه. ملکه گفت: اگر من مورد عنایت شاه هستم، حیات من و ملتم را تأمین کن. چه ما دشمنی بی‌رحم داریم. شاه پرسید که این دشمن کیست؟ ملکه هامان را نشان داد. هامان نتوانست کلمه‌ای بگوید و چشمان خود را به‌زیر انداخت. پس از آن شاه غضبناک برخاست و داخل باغ شد. هامان نیز برخاست و از ملکه تمنا کرد او را از مرگ نجات دهد زیرا دانست که شاه قصد کشتن او را کرده پس از لحظه‌ای شاه برگشته و دیدکه هامان به‌بستری که استر بر آن بود افتاده. شاه گفت عجب او در خانهٔ من و در حضور من به‌ملکه زور می‌گوید، همین که این سخن از دهان شاه بیرون آمد روی هامان را با پارچه‌ای پوشانیدند، این علامت حکم اعدام بود. یکی از خواجه‌سرایان به‌شاه گفت: چوبهٔ داری هست که هامان برای مُردخای تهیه کرده. شاه جواب داد: الان او را به‌همان چوبهٔ دار بکشید. در همین روز مردخای به‌حضور شاه آمد. چه اِستر اعتراف کرد که این مرد از اقربای اوست. پس از آن اِستر به‌پای شاه افتاد با چشمان پر از اشک درخواست کرد که از اجرای فرمانی، که هامان صادر کرده بود، جلوگیری کند. شاه گفت حکمی، چنانکه خواهی، خطاب به‌یهودی‌ها بنویسان و به‌مهر من برسان. معمول مملکت این بود که کسی نمی‌توانست در مقابل چنین حکمی، که به‌اسم شاه صادر شده و به‌مهر او رسیده بود مقاومت کند. بعد بی‌درنگ دبیران را خواسته گفتند، حکمی به‌یهودی‌ها و بزرگان و حکام ۱۲۷ ولایت که تابع شاه و از هند تا حبشه بودند بنویسند. این حکم را به‌زبانها و خطهای گوناگون نوشتند تا در ولایات بتوانند بخوانند. حکم را چابک‌سوارانی که براسبهای ممتاز سوار بوده حرکت می‌کردند و به‌ایالات مختلف رسانیدند و یهودی‌ها انتقام خود را از دشمنانشان کشیده عدهٔ زیادی از آنها را در شوش کشتند.» [۵۰]

۳ـ آرامگاه پیامبران دیگر که در متن آمده است

- ابراهیم خلیل در سوسنگرد.* ص ۲۱۳
- اسحاق و اسماعیل در جاده دزفول به‌هفت تپه. ص ۳۶
- اشعیای نبی در اصفهان. ص ۲۲۷
- اشموییل در خرقان ساوه. ص ۲۲۷
- الیاس، آرامگاه صمصام‌الدین محمود از اتابکان لر کوچک. ص ۲۳۱
- ایوب پیامبر در دهکده بندبن لکنای تنکابن . آ س. ص ۲۴۲
- پیغمبران، سام و لام، پسران نوح، شمال شرقی سمنان. آ سمنان ۱۳۵
- پیرارم یا میرارم، امروز پیرچل گزو، آرامگاه فرزند سام پسر نوح در دشتستان. ص ۲۵۵
- حُبقوق نبی در تویسرکان. ص ۲۷۰
- حزقیال (حزقیل) در کوفه. ص ۲۷۰
- حزقیل پدر دانیال در دزفول. ص ۲۷۱
- صالح پیامبر در شوشتر. ص ۳۴۸
- نوح در دزفول که اخیراً خراب شد و اکنون اثری از آن نیست فقط جای آن، دره نوح موجود است.
- یوشع در اصفهان تخت فولاد. ص ۴۵۲

برای بررسی بیشتر باید به کتاب مقدس (تورات) و کتابهای تاریخ از جمله طبری و بلعمی مراجعه کرد مثلاً درباره یوشع در تورات آمده است که:

> یوشع چون صد و دهساله شد مردم او را در حدود ملک خودش در تمنه سارح که در کوهستان افرایم به‌طرف شمال کوه جاعش است دفن کردند.» (تورات صحیفه یوشع ص ۳۷۳).

۴ـ آرامگاه پیامبران بنی‌اسرائیل از قرار نوشته مجمل‌التواریخ[۵۱]

- هابیل که به‌دست قابیل کشته شد: حدود سراندیب
- آدم به کوه سراندیب، همان جا که از بهشت بدان جا افتاد و آن را راهون گویند، پس از

* ص ۲۱۱ بدان معناست که برای یافتن نام شخصیت موردنظر و معرفی‌نامه وی باید به‌این صفحه متن اصل کتاب نگاه کرد.

طوفان نوح استخوانهای آدم را به‌بیت‌المقدس آوردند.

▣ حوا در کنار آدم

▣ شیث در کنار آدم

▣ ادریس یا اخنوخ در بهشت به‌تعبد مشغول است.

▣ نوح، سام پسرش وی را در جوار آدم دفن کرد.

▣ سام در شام بود و همان کس است که به‌دعای عیسی(ع) زنده شد.

▣ هود در ری... در این باب صاحب مجمل‌التواریخ حکایتی را نقل می‌کند که به‌اختصار این است: شخصی نزد علی(ع) آمد و مسلمان شد و آن حضرت از او پرسید شهر خویش و علم احقاب و وی گفت:

«همانا ازگور هود پیغامبر می‌پرسی؟ گفت نعم، گفت در عهد جوانی به‌حظیره ری رسیدم و آن را به‌طمع همی‌شکافتم تا چه پدید آید پس اَزَجی پیداگشت از سنگ خاراکنده و سریری رُخام در میان نهاده و شخصی را دیدم عظیم خلقت بر آنجا خوابانیده بر دست راست چنانکه بدان بزرگی... پس امیرالمؤمنین... گفت راست می‌گویی که گور هود پیغامبر علیه‌السلام آنجاست.*»

▣ صالح در حجاز و یا در میان رکن و مقام که در آنجا نود و نه گور است از آن پیغامبران و از جمله گور صالح و شعیب و اسماعیل(ع).

▣ ابراهیم، اسحاق و یعقوب و الاسباط(ع) از آن سوی بیت‌المقدس فرود قله، گور ایشان است و بسیاری از پیغامبران و اندر کتاب دلایل‌القبله سنگ گور ابراهیم و اسحاق هردو با نوشته توصیف شده.

▣ یوسف او را به‌مصر میان رود نیل دفن کردند در تابوت آبگینه و موسی او را به‌وقت خویش پیش ابراهیم و یعقوب و خویشان برد به‌بیت‌المقدس.

▣ لوط و ایوب و شعیب و خضر: لوط پیغامبر بعد از هلاک قومش سوی ابراهیم باز آمد و گور او همان جایگاه تواند بود اما ایوب را دفینه به‌شام اندر روایت کنند به‌دهی که مقام او بود و هنوز به‌جایگاه است، تربت ایوب خوانند. و شعیب را ذکر کرده شد و خضر هنوز به‌جای است تا خدای تعالی خواهد.

---

* عیناً از مجمل‌التواریخ نقل شده بدون دخل و تصرف اَزَن به‌معنی آبژن یاوان.

▣ موسی و هارون(ع): در بیابان تیه به‌فلسطین. هارون فرمان یافت بر آن تخت که خدای تعالی پیداکرد و فرش عظیم بر آن افکنده بود، پس هارون موسی راگفت من ایدر بخسبم گفتا رواست. چون بر آنجا خفت بمرد و خدای تعالی آن تخت را ناپیداکرد... بعد از آن موسی(ع) از کنار یوشع‌بن نون غایب گشت...

▣ یوشع‌بن نوح و حزقیل و الیاس و یسع(ع). یوشع را جای معین نشده است و هم به‌جانب شام و بیت‌المقدس و آن حدود تواند بود اما حزقیل ذوالکفل است و گور او میان کوفه و رحله مشهدی است و من آن را زیارت کرده‌ام... یهود آنجا بسیار نشسته و الیاس هنوز به‌جایست با خضر و یسع را ذکر مفرّد نخواندم مگر به‌بیت‌المقدس به‌قبور انبیا(ص).

▣ اشموئیل و داوود و سلیمان(ع). اشموئیل و داوود را دفینه به‌بیت‌المقدس است، و سلیمان را از پیغمبر ما(ص) روایت است که دیوان و آدمیان جمع شدند و در میان جزیرهٔ اندر بحرقلزم جای از سنگ خاره برآوردند و بکندند و سلیمان همان جا بر تخت بنهادند و هرگز کسی آنجا نرسیده است... وگویند به‌بیت‌المقدس او را دفن کردند پنهان.

▣ اِسا و شعیا و زکریا و ارمیا و یحیی و عیسی. ارمیا پسر سلیمان در بیت‌المقدس، شعیا و زکریا را با درختی که در میانش پنهان شده بود با اره بریدند وکشتند و همان جا در بیت‌المقدس به‌خاک سپردند و یحیی و ارمیا را در بیت‌المقدس کشتند و همان جا دفن کردند و عیسی به‌آسمان رفت و چون باز گردد مایه قوت دین پیغمبر ما گردد.

▣ یونس در کوفه دفن شد و آن محل اکنون شهری است آبادان.

▣ شمسون و جرجیس، شمسون جایگاه معینی ندارد و جرجیس در موصل بود و در خوزستان به‌خاک رفت.

در این فهرست نامی هم از مادر سلیمان نیست، اما به‌عللی در ایران آن هم در قلب سرزمین پارس آرامگاهی را منتسب به‌مادر سلیمان می‌شناسیم.

آرامگاه مادر سلیمان: درباره آرامگاه معروف به‌مادر سلیمان که همان آرامگاه کوروش و همسرش کاساندان است باز سخن خواهیم گفت، اما تذکر این نکته لازم است که هر انسان عاقلی می‌داند که گذر مادر سلیمان به‌این منطقه از ایران نیفتاده است، اما وجود یک زن در این آرامگاه که زبان به‌زبان از عصر اسکندر به‌اطلاع این مردم رسیده بوده است، به‌تدریج به‌جای مادر کمبوجیه یا بردیا مادر سلیمان نشسته و بنا را از تخریب کامل حفظ کرده است. اما با تمام این تدابیر در عصر اتابکان محوطه آرامگاه را تبدیل به‌مسجد کرده و تاریخ این تعبیه

راکه سال ٦١٢ است همراه با نام اتابک سعدبن زنگی بر روی سنگها می‌توان خواند. در عهد شاه شجاع (۷۷۰-۷۷٦) سنگهای کاخ و بناهای عصر کوروش را برداشته با آن کاروانسرا و خانقاه و عبادتگاه ساخته‌اند. محمد مفید مستوفی در اثر معروفش مختصر مفید گوید:

«شهر مادر سلیمان را خود حقیر دیده که پادشاه مطاع شاه شجاع مظفری در حوالی مشهد کاروانسرایی ساخته که تمامی دیوارها از سنگ مرمر تراشیده است.»[۵۲]

فصل پنجم

آرامگاه پادشاهان پیشدادی و کیانی

(بخش پنجم از مرحلهٔ نخست)

«سیامک چشم بازکرد و دید او راکه همی‌گریست، او نیز بگریست گفت ای پدر این فرزند را من به‌زینهار خدای به‌تو سپارم او را از دشمنان نگاه دار و کین من بخواه... پس بسی درنگ نه بود تا سیامک بمرد و کیومرث او را به کوه بلخ بر آن کرانهٔ شهر... ستودانی کرد و آنجاش بنهاد و خود هم بر آن حال بنشست... و آن گروه دشمنان که او را هلاک کرده بودند بیامدند که کالبد او ببرند...»*

بدیهی است به‌همان نحو که درگذشته باگذاشتن نام قدیسین بنی‌اسرائیل بر بقعه‌های بازمانده از قرون قدیم این بناها را ازگزند بدمنشان حفظ می‌کرده‌اند در برخی نقاط نیز این انگیزه و عوامل دیگر سبب می‌شد که بر این آرامگاهها نام شاهان افسانه‌ای را بگذارند و یا اینکه اصولاً این نامها را با نقاط تاریخی تطبیق دهند که بهترین نمونه آن تخت‌جمشید است و نقش رستم که در هر دو محوطه آرامگاه پادشاهان هخامنشی نیز حضور دارند. اما نامگذاری به‌خاطر این آرامگاهها نبوده. احتمالاً این نوع آرامگاه را در آن زمان نمی‌شناخته‌اند. در میان شخصیت‌های تاریخی سنتی ایران دو نام از محبوبیت خاص برخوردار است،که هیچ وقت در

* تاریخ بلعمی، طبری، ملک‌الشعرا و پروین گنابادی، ص ۱۲٦.

سراسر تاریخ ایران با این دو ضدیت و کینه خاصی وجود نداشته و ندارد. این دو نام عبارت‌اند از فریدون و رستم و به‌همین دلیل اسامی جغرافیایی اسطوره‌ای بسیاری به‌نام این دو شخصیت مهم هم اکنون وجود دارد. ولی نسبت به‌این نامها نیز در سده‌های اسلامی حتی اعصار نزدیک به‌عصر خود ما بدرفتاری می‌شده است و برای نمونه آرامگاه فریدون را در ساری از قرار نوشته رابینو در کتاب مازندران و استراباد مرور می‌کنیم:

مسجد عمدهٔ شهر یا مسجدجامع* در روزگار باستان معبدگبرها بوده است. می‌گویند قبر فریدون در نزدیک آن واقع است ولی اثری از آن دیده نمی‌شود، بنای دیگری در آنجا بود که محل آن معلوم است ولی اثری از خود بنا نیست. آنجا گنبد سلم و تور بود که می‌گفتند برج مخروطی شکل با پوشش سمنتی (آهکی) به‌ارتفاع صد پا و به‌قطر سی‌پا دارد، فریزر می‌گوید:

«به‌گفتهٔ اهالی کتیبه‌ای داشت حاکی از اینکه حسام‌الدوله** از فرمانروایان دیالمه که در سده پنج هجری درگذشته در آنجا مدفون شده و بنابراین معلوم می‌شود که گنبد سلم و تور مذکور، بنای اصلی که ابن‌اسفندیار و ظهیرالدین نوشته‌اند نبوده و به‌قدری محکم بوده که با وجود چندین زلزله از بین نرفته بوده است.

آغا محمدخان سعی کرد آن را خراب کند. اما نتوانست و بالاخره در زلزلهٔ سال ۱۲۲۵ هجری درهم شکست و به‌فرمان ملک‌آرا محمدقلی‌میرزا فرزند فتحعلی شاه که حاکم مازندران بود، آن را خراب کردند. وقتی که استورات، سیاح انگلیسی، به‌ساری رفت اثری از آن ندید. فقط در محل سابق بنای مزبور چاله‌ای مشاهده کرد.»[۵۳]

۱ـ بناهای آرامگاهی منسوب به‌پیشدادیان و کیانیان

اگر چه هنوز نمی‌توان دربارهٔ دین و آیین پیشدادیان و کیانیان اظهارنظر قطعی کرد اما می‌توان با بررسی بناهای آرامگاهی بر جای مانده ازیشان و بررسی کتابهای مهم تاریخ، به‌زرتشتی بودن و دست کم مزدیسناگروی ایشان صحه گذاشت، آرامگاههای منسوب به‌ایشان در قلمرو

---

* مترجم کتاب غلامعلی وحید مازندرانی در باب این مسجد می‌نویسد: «در تاریخ مازندران ظهیرالدین مذکور است که مسجد جامع ساری را در زمان خلافت هارون الرشید یحیی‌بن یحیی بنیاد نهاد و قارن به‌اتمام رسانید.» زیرنویس ۲، ص ۹۴.

** این باید بی‌شک یکی از اسپهبدان آل باوند مازندران باشد رجوع کنید به «سفرها و ماجراها در استانهای ایران در جنوب شرقی دریای خزر» اثر فریزر، چاپ لندن ۱۸۶۶، ص ۴۲-۴۴. زیرنویس ۳، ص ۴۴.

فرهنگ ایرانی هم به‌طور کلی بناهای آرامگاهی بعد از اسلام‌اند که برای محفوظ نگهداشته شدن آنها را به‌اعصار کهن منسوب می‌کرده‌اند که یک نمونه از آن را در باب فریدون دیدیم. همان‌گونه که در اساطیر بنی‌اسرائیل، هابیل اولین نفر بود که پس از استقرار آدم در زمین کشته شد. در اساطیر ایرانی سیامک یا میشنگ پسر کیومرث اولین قربانی بود، اما نه به‌دست برادر بلکه به‌دست دیوان و بدین روال نخستین خاک‌سپاری در تاریخ اسطوره‌ای ایران خلق شد که یک روایت آن را از زبان بلعمی نقل کردیم و اینک روایت دیگر را از قول طبری که خود از ابن مقفع گرفته است، مرور می‌کنیم:

«پس کیومرث بر کوه دماوند بسیار بگریست و دعا کرد به‌خدای عزوجل تا او را روشن گرداند که فرزند او را که کشت و ندانست که آن فرزند را چگونه (دفن) کند که تباه شده بود، خدای تعالی چاهی پدید آورد بر سر کوه و او آن فرزند را بدان چاه فروهشت به‌جای گور.

مغان اندر آن گفتارها گویند که کیومرث آن چاه کند تا به‌آب سوراخ کرد و آن فرزند را آنجا افکند، پس چون بدانست که آن فرزند را مَرده (در نسخهٔ دیگر دیوان) هلاک کردند. آتش آورد و بر سر آن چاه برافروخت. آتش بدان چاه اندر افتاد و از آن روز باز تا امروز هر روز ده بار و پانزده بار از آن چاه آتش زبانه بر زند و به‌هوا بر شود و باز بدان چاه فرو شود و مغان گویند آن آتش کیومرث است. که دیوان را و مَرده را از آن فرزند او باز می‌دارد و دور می‌کند، پس چون فرزند را به‌گور کرد، کیومرث سه روز بر سر آن چاه همی‌گریست و دعا همی‌کرد و همی‌گفت یارب مرا بنمای که این پسر را که کشت.»[۵۴]

اکنون به‌ارائه چند بنای آرامگاهی مربوط و منسوب به‌این دوره می‌پردازیم:

◘ منسوب به‌ایرج و برادرانش در ساری:

بعضی گفته‌اند این همان محلی است که در کتابهای یونانی فناکَرتَ یا زدرِکَرتَ یا سیرینکس نام داشته و وقتی که منوچهر برای انتقام قتل ایرج پدر خود، سلم و تور را کشت آنها را در ساری کنار قبر ایرج مدفون کرد و بر هر قبری گنبدی ساخت که در زمان ظهیرالدین به‌سه گنبد معروف و به‌قدری محکم بود که امکان نداشت آن را بتوان خراب کرد.[۵۵] ص ۲۴۰.

◘ منسوب به تهمورث در اصفهان. ص ۸۰

◘ منسوب به‌سهراب در ساری ـ رستم بعد از نبرد شومی که با پسر خود سهراب کرد، ابتدا

می‌خواست نعش فرزند را به‌زابلستان بفرستد، ولی به‌واسطه گرمی هوا او را در همان ساری در محلی موسوم به‌قصر تور به‌امانت گذاشت که گویا بعدها در همان جا مدفون شد.[۵۶] ص ۱۹

سرپرسی سایکس در سفرنامه خود به‌آرامگاه کیانیان در بلوچستان اشاره دارد و می‌نویسد: نگارنده قبور جمعی از آن‌ها را که بلوچ‌ها می‌گفتند مقبرهٔ ملوک کیانی است در محل دیده است. اخلاف کیانیان تا به‌امروز در سیستان سکونت دارند.

سایکس ضمناً به کشف چند بنای آجری قدیمی و چند سد سنگی در چهل میلی کوادر توسط کلنل ماکلر ارجاع می‌دهد و می‌نویسد ماکلر در این محوطه کند و کاوهای باستان‌شناسی محدودی انجام داده مقداری استخوان و ظرفهای سفالین و کاردهای سنگی و خانه‌های سنگی به‌نام دنبه کوه که احتمالاً آرامگاه‌اند، یافته است.[۵۷]

۲ـ آرامگاه و دخمه و تابوت در شاهنامهٔ فردوسی

فردوسی در شاهنامه بر مبنای مرجع و منبع اخباری که به‌دستش رسیده بوده است اشاراتی بسیار کوتاه و مختصر به‌درگذشت، مراسم تکفین و تدفین، تابوت کردن و دخمه گذاری دارد، اما در هیچ کجا سخن از آرامگاه به‌میان نمی‌آورد و در چند جای معدود سخن از خاک‌سپاری با تابوت بسته و میخ‌کوب شده دارد، و یک جا نیز از دخمه‌ای که در آن بسته و به کلی متروک شده به‌میان می‌آورد. شاهنامه را برهمین مبنا بررسی می‌کنیم:

کشته‌شدن سیامک به‌دست دیوان که اولین اشاره است.[۵۸]

در باب کیومرث فقط به‌مرگ وی پس از شکست دادن و کشتن دیوی که پسرش سیامک را کشته بود گوید:

چو آمد مر آن کینه را خواستار — سرآمد کیومرث را روزگار[۵۹]

سپس به‌مردن هوشنگ و طهمورث و به‌اره شدن جمشید توسط ضحاک اشاره دارد و سرانجام نحوه کشتن و آویختن ضحاک توسط فریدون را در کوه دماوند توصیف می‌کند:

به کوه اندرون جای تنگش گزید — نگه کرد غاری بنش تا پدید
بیاورد مسمارهای گران — به‌جایی که مغزش نبود اندرآن
فروبست دستش بدان کوه باز — بدان تا بماند به‌سختی دراز
بماند او بدین گونه آویخته — وزو خون دل بر زمین ریخته[۶۰]

منوچهر جانشین فریدون شد و فریدون نخستین پادشاه سنتی کهن است که بدنش را در

دخمه گذاردند:

منوچهر بنهاد تاج کیان — ببستش به‌زنار خونین میان
به‌آیین شاهان یکی دخمه کرد — چه از زر سرخ و چه از لاژورد
نهادند زیر اندرش تخت عاج — بیاویختند از بر عاج تاج
به‌بدرود کردنش رفتند پیش — چنان چون بود رسم آیین و کیش
در دخمه بستند بر شهریار — شد آن ارجمند از جهان زار و خوار[۶۱]

این مختصر یادآور کالبد انوشیروان مستقر در دخمه مجلل وی است که در بخش ساسانیان بدان اشاره خواهیم کرد.

در شاهنامه مطلبی در مورد تابوت و دخمه انوشیروان ذکر نشده است.

از منوچهر و نوذر و گرشاسب و کیقباد فقط نام ذکر شده و مردنشان[۶۲]. یکی از جامع‌ترین شرحها در باب تابوت و دخمه و آرامگاه در شاهنامه شرحی است در باب سهراب پس از آنکه به‌دست پدرش رستم کشته شد:

بفرمود تا دیبهٔ خسروان — کشیدند بر روی پور جوان
همی آرزوگاه شهر آمدش — یکی تنگ تابوت بهر آمدش
از آن دشت برداشت تابوت اوی — سوی خیمه خویش بنهاد روی
به‌پرده‌سرای آتش اندر زدند — همه لشگرش خاک بر سر زدند

سپس تابوت پسر را با عزت و احترام به‌زابلستان بردند.

پس آنگه سوی زابلستان کشید — چو آگاهی از وی به‌دستان رسید
همه سیستان پیش باز آمدند — به‌رنج و به درد و گداز آمدند
سپه پیش تابوت می‌راندند — بزرگان به‌سر خاک بفشاندند

رستم در یک مجلس رسمی که در زابلستان دایر شده بود:

دگر باره تابوت سهراب شیر — بیاورد پیش مهان دلیر
از آن میخ برکند و بگشاد سر — کفن زو جدا کرد پیش پدر
تنش را بدان نامداران نمود — تو گفتی که از چرخ برخاست دود
بپوشید بازش به‌دیبای زرد — سر تنگ تابوت را سخت کرد
همی‌گفت اگر دخمه زرین کنم — زمشک سیه گردش آگین کنم

سپس فردوسی به‌تفصیل برخورد مادر با بدن سهراب را مجسم ساخته داستان را بدون ذکر

این که سهراب در کجا و چگونه دفن و یا به‌دخمه سپرده شد، به‌پایان می‌رساند و دربارهٔ مادرش می‌آورد:

به‌روز و به‌شب نوحه‌کرد و گریست   پس از مرگ سهراب سالی بزیست
سرانجام هم در غم او بمرد   روانش بشد سوی سهراب گرد[۶۳]

در باب خود رستم و برادرش زواره نیز، فردوسی شرحی مشابه این گفتار دارد، که چند بیت آن نقل می‌شود:

کفن دوز بر وی ببارید خون   به‌شانه زد آن ریش کافور گون
یکی نغز تابوت کردند ساج   برو میخ زرین و پیکر زعاج
همه درزها را گرفته به‌قیر   بر آلوده بر قیر مشک و عبیر

و چند سطر پایین‌تر:

به‌باغ اندرون دخمه‌ای ساختند   سرش را به‌ابر اندر افراختند
برابر نهادند زرین دو تخت   بدان خوابگه شد گو نیک بخت[۶۴]

۳ـ آرامگاه پادشاهان پیشدادی و کیانی از قرار نوشته مجمل‌التواریخ و القصص

در کتاب یاد شده ذکر این آرامگاهها آمده که ساده شده و کوتاه شده آن این چنین است:

ذکر دوم اندر نواویس* ملوک عجم و بعضی ملوکان و معروفان چنانکه معلوم گشت و ذکر آن کرده شد و جایگاهی که رسیده است.

◘ کیومرث: او را در کتب فارسیان آدم شمرند و گفته‌اند که او را به کوه هندوان مرگ رسید.

◘ هوشنگ: چیزی زیادت معلوم نیست جز آنکه به‌زمین پارس بمرد و آنجا ستودان ساختند.

ـ طهمورث: حمزه در کتاب اصفهان چنین آرد که این کوه را که اکنون آتشگاه خوانند از جمله بیوتات عبادت بوده است در عهد طهمورث و آن را مینودز خوانده‌اند و بتان نهاده بودندی بسیار، چنانکه از جمله شهرهای مشرق آنجا آمدندی به‌حج کردن تا روزگار گشتاسف و اسفندیار به‌فرمان پدر آن را از بتان خالی کرد و آتشگاه کرد و هم بر آن بماند تا شاه اسکندر

* نواویس جمع ناوس و آن دخمه یا گنبدی است که به گور کسی بسازند و به‌پارسی ستودان گویند.

آن را خراب کرد و چنان آورده‌اند که طهمورث آنجا نهاده است ص ۲٦۲.

◘ جمشید: ضحاک در بابل او را به‌اره به‌دونیم کرد و بسوزانید و اثرش نماند.

◘ ضحاک: فریدون او را ببست بر سر کوه دماوند و به‌مسمارهای گران بـه‌دیوار چـاه بدوخت و سنگی به‌افسون بر سر وی ببست که چون قصد برآمدن کردی، بر سرش آمدی و همچنان بماند و خدای تعالی داناست به‌حال او.

◘ افریدون تخت و خوابگاه و ناوس خویش بفرمود به‌زمین تمیشه* و طبرستان و بسیار سالها بماند و مدروس گشت ص ۳۷۷.

◘ منوچهر: به‌زمین فارس اندر بمرد و ستودانِ آنجا گویندِ و بعضی به‌اصفهان ص ۳۰٦.

◘ نوذر: ناوس او به گرگان ساخته بودند.

◘ افراسیاب: کیخسرو او را با برادرش گرسیوز و جهن پسرش و بسیاری از خویشان او به‌آذرگشنسب در حد حس (شیز) و اَرّان بکشت و بعد از آن کفن بفرمود و ستودان ساخت آنجا.

◘ زاب: به‌استخر بمرد و ستودان به کوه پایه ساختند.

ذکر نواویس کیانیان:

◘ کیقباد: به‌دارالملک پارس بمرد. آنجا ستودان کردند و به‌روایتی دیگر به‌بلخ.

◘ کیکاوس: به‌استخر از دنیا برفت و آنجا به‌ستودان پدرش نهادند.

◘ سیاوش و کیخسرو: سیاوش را به ترکستان کشتند و به‌بهشت گنگ که خود ساخته بود و از خون وی گیاهی برست که آن را خون سـیاووشان گـویند و کـیخسرو چـون پـادشاهی به‌لهراسب داد، ناپیدا شد.

◘ طوس و بیژن و فریبرز: با کیخسرو بودند نبیرهٔ افراسیاب [چون کیخسرو ناپدید شد، آنجا به‌برف‌اندر] کشته شدند و آنها را همان‌جا نهادند.

◘ بهمن او را اژدها بیو بارید به‌درکجین [اژدها بلعید به‌دیرگجین بر سر راه اصفهان به‌ری از کویر] و به‌روایتی به‌شهر بلخ مرد.

◘ گرشاسف و نریمان را ستودان به‌سیستان ساختند.

---

* محلی بوده است میان ساری و اشرف (بهشهر کنونی) که فردوسی نیز از آن یاد کـرده است. (تـوضیح ملک‌الشعرای بهار) و نیز مازندران و استرآباد رابینو که آن را قسمتی از مازندران شرقی می‌داند ص ۱۳۱.

▣ سام به‌زمین هندوستان.

▣ رستم را به‌سیستان باز بردند از آن چاه که برادرش ساخت و فرامرز ایوانی عظیم بساخت برابر ستودان گرشاسف.

▣ فرامرز چون کشته شد به‌دست بهمن به‌هندوستان، او را به‌ستودان پدر باز آوردند.

▣ زال در عهد دارای بن داراب بمرد و هم به‌ستودان خاندانش باز آوردند.

▣ همای چهرآزاد: بعضی گویند به‌شام نهاده است و اهل فارس گویند به‌پارس نهاده است.

▣ داراب بن داراب هم به‌پارس نهاده است.

▣ جاماسب حکیم: بر پانزده فرسنگی شیراز شهری است که آن را خور (خفر) خوانند، بر سر تلی گنبدی ساخته‌اند و او را آنجا دفن کردند. ص ۲۶۳

▣ اسکندر: به‌شهر زور بمرد و او را به‌اسکندریه بردند.[۶۵]

فصل ششم

آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر مادی و اورارتویی

(بخش نخست از مرحله‌ی دوم)

۱ـ آرامگاه‌سازی در عصر مادها

دوران حکومت مادها از شروع پادشاهی دیوکس پسر فرااورتس (۷۰۸-۶۵۵ پیش از میلاد) آغاز می‌شود تا از هم پاشیدن این دولت توسط کوروش در ۵۵۰ پیش از میلاد، در حقیقت دولت بزرگ جهانی در ایران از عصر مادها آغاز می‌شود.

شادروان استاد ابراهیم پورداود که اصولاً با تبدیل سال شمسی با سال شاهنشاهی مخالف بود می‌گفت، اگر قرار باشد مبدأ سال را ایرانی کنند باید از آغاز حکمرانی دیوکس (سال ۷۰۸ پیش از میلاد) حساب کنند که مثلاً در ۱۹۶۰ می‌شود ۲۶۶۸=۷۰۸+۱۹۶۰، در حالی که به‌عقیدهٔ وی سال سقوط نینوا در ۶۰۸ پیش از میلاد مبدأ بهتری می‌توانست باشد، چه آغاز سلطنت کوچک ماد و یا آغاز سلطنت کوروش که در حقیقت ادامهٔ حکومت مادها بود، مبدأ تاریخ نمی‌توانست باشد.

اما سقوط حکومت آشور که سقوط ظلم و ستم و استکبار بی‌رحم جهان قدیم بود می‌توانست مهم قلمداد شود و خود مقدمه‌ای باشد برظهور کوروش که بنیانگذار حکومت عدل و و انصاف در جهان قدیم است . ظهور اسلام و به‌ویژه رویداد هجرت پیامبر نیز خود مهر خاتمه‌ای بود که برحکومت‌های جبار جهان زده شد و تغییر این مبدأ لزومی نداشت.

دربارهٔ آرامگاه و آرامگاه سازی میان مادها و هخامنشیان یک مشابهت و هماهنگی وجود داشته است و می‌توان گفت که به کارگیری دخمه، آرامگاههای سنگی به‌دو دلیل در این عصر معمول شد، یکی شمالی و کوهستانی شدن ایران باستان و انتقال حکومت از شوش به‌هکمتانه (همدان)، و یکی شکوفایی و اقتدار آیین مزدیسنا و عرضه کردن بدنهای مردگان در دخمه برای اینکه توسط جانوران خورده شوند و زمین و آب و آتش را آلوده نسازند.

معروفترین اثر آرامگاهی عصر مادها که آن هم از قطعیت برخوردار نیست بنای معروف گور دختر است. اصولاً این بنا را از آن جهت مادی می‌دانند که بر آرامگاه کوروش بزرگ از لحاظ زمان تقدم دارد و سالها پیش از آن و پیش از تکوین حکومت جهانی هخامنشی توسط کوروش ساخته شده، وگرنه باتوجه به‌اینکه حکومت محلی هخامنشی در ایلام قدیم سالها پیش از پیروزی کوروش بر هووخشتره و انقراض خاندان ماد، موجودیت داشته، باید این بنا را نیز هخامنشی دانست.

تفاوت اصلی این بنا با آرامگاه کوروش بزرگ در پاسارگاد در نحوهٔ ساختن و تعبیه کردن بخش بالایی عمارت است که در هر دو مورد جایگاه نهادن بدن مرده در بخش بالایی آرامگاه بوده است، در آرامگاه گور دختر یک سنگ ناودانی بزرگ را بر سقف بنای سنگی نصب کرده‌اند و در زیر این سقف ناودانی محفظه‌ای برای قرار دادن بدن مرده ساخته و پرداخته‌اند، این محفظه راهی به‌خارج ندارد، در حالی که محفظهٔ بالایی آرامگاه کوروش جای دو نعش کنده شده، بدن کوروش و همسرش کاساندان، محل قرار دادن نعش‌ها نیز به کلی ارتباطش با خارج مسدود نشده است.[1]

آرامگاه گور دختر را به‌چیش‌پش هخامنشی نسبت می‌دهند اما دانشمند بلژیکی پروفسور واندنبرگ که تا حدودی نیز خود کاشف آرامگاه است.دلیل کافی براین ادعا ندارد. زیرا هیچ‌گونه اثر نوشتاری در این بنا نیست و چون بر سر راه و در مقابل دید قرار نگرفته است تا سال ۱۳۲۹ خورشیدی دانشمندان باستان‌شناس برایش شناسنامه‌ای تنظیم نکرده بودند، و تا اندازه‌ای که بر اینجانب با بررسی اقلیم پارس معلوم شد نام دو دانشمند فقید ایرانی: سید

محمدتقی مصطفوی و فریدون توللی را نیز باید با به‌نام واندنبرگ به‌عنوان کاشف بنا افزود. نخستین عکس را نیز این باستانشناس بلژیکی از این بنا گرفته است.[۲]

شناسنامه‌ای که بر مبنای اطلاعات سه نفر نامبرده و محتوای کتاب ایران باستان برای این بنا می‌توان تنظیم کرد، چنین است: آرامگاهی از عهد هخامنشیان، پیش از تشکیل دولت جهانی، منسوب به‌چیش‌پش پسر هخامنش مؤسس سلسله محلی هخامنشی. با در نظر گرفتن نیاکان کوروش به‌این ترتیب: کوروش سوم یا کوروش بزرگ پسر کبوجیه دوم، پسر کوروش دوم، پسر چیش پش دوم پسر کوروش اول پسر کبوجیه اول پسر چیش‌پش اول پسر هخامنش. چیش‌پش دوم را که نیای بزرگ کوروش و داریوش و از مؤسسان سلسله هخامنشی پیش از جهانی شدن بوده باید صاحب آرامگاه بدانیم و این همان کس است که ایلام را به‌قلمرو شاهان محلی هخامنشی در پارس افزود و با تمدن ایلامی یا تمدن هخامنشی مؤانست بیشتر یافت و در نتیجهٔ این بنا پلی رسا میان بناهای آرامگاهی ایلامی و هخامنشی، به‌وجود آمد. این آرامگاه که بنایی است مشابه با آرامگاه کوروش بزرگ، در زمستان ۱۳۳۹ خورشیدی در جنوب حسین‌آباد و جنوب غربی جرّه فارس کشف شد، و چون در یک منطقه کوهستانی سخت واقع شده رسیدن به‌آن دشوار بود. این بنا با تخته‌سنگهایی ساخته شده که بدون ملاط بر روی هم استوار گردیده* و عبارت است از بنایی مستطیل با بام مورب (شیروانی) برفراز سکوی سه‌پله‌ای (آرامگاه کوروش بر سکوی شش پله‌ای) به‌بلندی ۴/۵ متر.

هرچند در تعلق داشتن آرامگاه گور دختر به‌دوران هخامنشی جای کمترین تردید نیست، لکن انتساب آن به‌یک پادشاه معین نیز دشوار است، چون این بنا نوشته ندارد و به‌احتمال باید که آرامگاه یکی از نیاکان کوروش: چیش پش یا کوروش اول باشد. کوروش اول بنا بر نوشته آشوربانی پال در سال ٦۳۹ پیش از میلاد پادشاه پارسواش یا پارسه بوده است و بنابراین تطابق است که بنا را مادی دانسته‌ایم، البته عصر مادی (۷۰۸-٦۵۵) نه معماری مادی. کوروش اول نیای کوروش بزرگ (کوروش دوم) است. ازین بنا که بگذریم، به‌چند آرامگاه مادی نیز باید اشاره داشته باشیم:

- دکان داود در سر پل ذهاب، دخمه‌ای که در سنگ کنده شده است و مردی را نشان می‌دهد که به‌سبک زرتشتیان برسوم به‌دست دارد و این خود می‌رساند که مادها پیرو آیین

---

* سطح تماس سنگها را به‌قدری صاف می‌کردند که بدون ملاط به‌هم جفت می‌شد و می‌چسبید.

مزدیسنا بوده‌اند.[۳]

ـ دخمه‌ای سنگی در صحنه نزدیک کرمانشاه همانند دکان داود که بر بالای آن نقش فروهر دیده می‌شود.[۴]

ـ آرامگاه فَرَوَرتیش دومین شاه ماد **۶۵۵ـ۶۳۳** مهاباد در آذربایجان غربی[۵] در متن ص ۱۰۴.

ـ دکان فرهاد، دخمه‌ای در لرستان که ناتمام مانده است.[۶]

ـ دخمه‌ای در ده نواسحاق وند نزدیک کرمانشاه که صورت شخصی را در حال پرستش نشان می‌دهد.[۷]

در انتساب این بناهای آرامگاهی به‌مادها نیز شک وجود دارد و اصولاً تفکیک آثار معماری مادی و هخامنشی از یکدیگر امکان‌ناپذیر است. معماری مادی تحت تأثیر معماری اورارتویی نیز قرار داشته است که بدان اشاره می‌کنیم.[۸]

۲ـ آثار آرامگاهی اورارتویی

اورارتو سرزمینی بوده است شامل مناطق کوهستانی اطراف دریاچه وان در ترکیهٔ امروز در سده‌های نهم تا هفتم پیش از میلاد، قوم اورارتوی ساکن این ناحیه امپراتوری بزرگی تشکیل دادند، در جغرافیای امروز، بخشهایی از امپراتوری اورارتو نواحی مرزی میان ارمنستان و ترکیه برخی از قلمرو ایران و عراق و سوریه نوین بوده است. نام عبری این سرزمین آرارات است که اکنون به کوهی گفته می‌شود که در اساطیر بنی‌اسرائیل، محل به‌خاک نشستن کشتی نوح بوده است.[۹]

اورارتوها هنگام اوج عصر حکمرانی مادها به‌نواحی شمالی آذربایجان لشکرکشی کردند و تا نزدیک اردبیل را درنوردیدند و چند دهه در این سرزمین ماندند. یادگاری که امروز از ایشان مانده، سه سنگ‌نوشته است به‌خط میخی و زبان اورارتویی، در این سنگ‌نوشته‌ها مطلبی دربارهٔ آرامگاههای اورارتویی نوشته نشده اما در منطقه‌ای که این سنگ‌نوشته‌ها را دربرگرفته، آرامگاههای سنگی فراوانی از اعصار گوناگون به‌ویژه عصر اورارتویی برجای مانده که از آن جمله است سنگ‌نوشته‌های قرخ قزلر (چهل دختران)، رازلیق و دیزج سنقدل[۱۰] در ایران تاکنون ۱۰۱ منطقه اورارتویی مشخص شده است،[۱۱] ولی گورستانی به‌آن صورت که آن را بتوان به‌طور مستند اورارتویی دانست پیدا نشده. در منطقه ورزنان اهریک

سنگ‌نوشته اورارتویی که در صخره‌های کوه زاغی (اوقیه) کنده شده دیده می‌شود، با چند اثر از تمدن و شهرسازی اورارتی از جمله گورهای گرد (مدور).[۱۲]

نویسنده کتاب آثار تاریخی آذربایجان (جلد دوم) از گورستانی به‌نام تیکلی تاش واقع شده در یک کیلومتری شمال قریهٔ نرمیق سراب سخن گفته است که در آن روی گورها را با سنگ‌های بزرگ به‌قطر ۰/۵ متر و بلندی ۳ و پهنای ۱/۵ متر پوشانده‌اند. همه گورها را گنج‌یابان بی‌انصاف خراب و غارت کرده‌اند.[۱۳]

در این کتاب نمونه‌هایی از سنگ‌نوشته اورارتی، که مشابه با هردو کتیبه آشوری و هخامنشی است و پلی است میان این دو نوشته، ارائه شده است. برای آگاهی بیشتر باید به کتاب تاریخ اورارتو ترجمه شادروان محمد جواد مشکور، تهران ۱۳۴۵، نگاه کرد.[۱۴]

فصل هفتم

آرامگاههای عصر هخامنشی
(بخش دوم از مرحله دوم)

با توجه به آنچه درباب گور دختر، قدیم‌ترین آرامگاه هخامنشی در بخش آرامگاههای مادی گفته شد، آرامگاه کوروش را اولین و مهمترین آرامگاه هخامنشی می‌شناسیم. مهمترین ازین نقطه‌نظر که این بنا آخرین و یکی از پرمعناترین آرامگاههای جهان قدیم است و به‌عنوان آخرین بنای زیگوراتی و نشانه‌ای از تداوم آرامگاه‌سازی جهان باستان ارائه می‌شود، حال چه شد و چگونه این تحول صورت گرفت که آرامگاههای صخره‌ای عظیم جانشین آرامگاههای زیگوراتی شد، نیاز به‌بررسیهای بیشتر دارد. آنچه در این باره در نخستین وهله می‌توان گفت، این است که انضمام قلمرو مادها به‌قلمرو هخامنشیان و گسترش به‌سوی شمال، دور شدن از تمدن ایلام و جنوب بین‌النهرین، می‌تواند عاملی مهم برای احداث و پیدایی آرامگاههای صخره‌ای هخامنشی باشد. از سوی دیگر باید به‌یاد داشت که آنچه از مادها برجای مانده آرامگاههای صخره‌ای است در مقیاس کوچکتر، برخی با نقش و برخی بی‌نقش، اما همه بدون نوشته.

آرامگاههای هخامنشی را بررسی می‌کنیم:

۱ـ آرامگاه کوروش و جانشینانش

پیش از ورود به‌اصل مطلب و معرفی آرامگاه کوروش بزرگ یک رویداد مهم تاریخی عصر کوروش را در این رابطه بررسی می‌کنیم:

یکی از مهمترین عملیات جنگی کوروش، لشکرکشی به‌لیدیه و تصرف سارد پایتخت این دولت بود. آبراداتاس پادشاه شوش که یکی از سرداران همراه کوروش بوده، همسر زیبایی داشت به‌نام پان‌ته‌آ که شوهر را بسیار دوست داشت، اما وی را به‌خدمتگزاری کوروش و جنگ با دشمنان وی تشویق می‌کرد. سرانجام آبراداتاس در جنگ کشته شد. در جنگی که کوروش به‌پیروزی رسید، لیدیه شکست خورد و کرزوس پادشاه لیدی تسلیم شد و تا آخر عمر مشاور و همراه و یار غار وی گردید. آنچه برسر آبراداتاس آمد، نمایشگر وضع خاکسپاری و آرامگاه‌سازی عصر هخامنشی است. هرودت می‌نویسد:

> کوروش از ندیدن آبراداتاس اظهار حیرت کرد و یکی از خدمهٔ او گفت: آقا آبراداتاس در جنگ با مصریها کشته شد و سپاه او به‌جز چند نفر رفقایش همه فرار کردند، زنش جسد او را یافته و بر ارابهٔ او گذارده به‌کنار رود پاکتول برده و در آنجا خدمه‌اش زیر یکی از تپه‌های همجوار مشغول کندن قبر شده‌اند. زنش روی خاک نشسته سر آبراداتاس را روی زانو گرفته. بهترین لباس شوهرش را به‌جسد او پوشانده است. کوروش چون این بشنید دستش را به‌ران خود زده روی اسب جست و با هزار سوار به‌محل مزبور شتافت. پیش از حرکت به‌گاداتاس و گبریاس امر کرد که بهترین لباس و زینتها را بیاورند تا جسد دوست خود را با آن بپوشاند و عدهٔ زیادی اسب، گاو و حشم دیگر آماده سازند تا برای او قربانی کنند. چون کوروش به‌پان‌ته‌آ رسید و دید که او روی خاک نشسته و جسد شوهرش در جلو اوست، اشک زیاد از چشمانش سرازیر شد و با درد واندوه چنین گفت: افسوس ای دوست خوب و باوفا ما را گذاشتی و درگذشتی، این بگفت و دست مرده را گرفت. ولی این دست در دست کوروش ماند، زیرا یک نفر مصری آن را با تبر از بدن جدا کرده بود، این منظره بر تأثر کوروش افزود و پان‌ته‌آ فریادهای دردناک برآورده، دست را از کوروش گرفت و بوسید و به‌ساعد آبراداتاس چسباند و گفت: آخ کوروش تأسف تو چه فایده برای او دارد، من سبب کشته شدن او شدم و شاید تو هم شده باشی. دیوانه بودم که همواره او را تشجیع می‌کردم لایق دوستی تو باشد. او هیچ‌گاه در فکر خود نبود، بلکه

می‌خواست همواره به‌تو خدمت کند، او مرد و بر او ملامتی نیست. ولی من که به‌او این پندها را می‌دادم هنوز زنده‌ام و پهلوی او نشسته‌ام. وقتی که پان‌ته‌آ این سخنان را می‌گفت، کوروش ساکت بود و همواره اشک می‌ریخت. بالاخره خاموشی را قطع کرد و چنین گفت:

(بلی با بزرگترین نام درگذشت. او فاتح از دنیا رفت. چیزی راکه من به‌تو می‌دهم برای جسد او بپذیر. در این وقت گاداتاس و گبریاس وارد شده مقدار زیادی زینت‌های گرانبها آوردند.

بعد کوروش سخن خود را دنبال کرده گفت:

افتخارات دیگری برای او ذخیره شده، برای او آرامگاهی خواهند ساخت که درخور مقام تو و او باشد و قربانیهایی خواهند کرد که درخور یک نفر دلیر است، اما دربارهٔ خودت باید بدانی که بی‌کس نخواهی بود. من به‌عقل و سایر صفات حمیده تو با احترام می‌نگرم، من کسی را می‌گمارم که به‌هرجا می‌خواهی بروی، راهنمای تو باشد. همین‌قدر بگو که کجا می‌خواهی بروی. ولی پان‌ته‌آ جواب داد: کوروش بیهوده به‌خود رنج مده من از تو پنهان نخواهم داشت که کجا میل دارم بروم.)

با رفتن کوروش پان‌ته‌آ برنامه نهایی سوگواری برای شوی محبوب را تنظیم و اجرا کرد برنامه‌ای که هیچ‌کس از آن مطلع نبود. نخست خواجه‌اش را به‌این بهانه که می‌خواهد تنها برای شوهر خود سوگواری کند، دور کرد. فقط دایه‌اش را نگهداشت و به‌او گفت:

پس از اینکه من مردم، جسد من و شوهرم را با یک قالی بپوش، دایه‌اش هرچند کوشید که او را از خودکشی بازدارد، موفق نشد و چون دید که سخنانش نتیجه‌ای نخواهد داشت جز آنکه خانمش را آشفته‌تر می‌کند، نشست و به‌گریه و زاری پرداخت. پان‌ته‌آ در حال خنجری راکه از دیرگاه با خود داشت کشیده ضربتی به‌خود زد و سرش را بر سینه شوهرش گذاشته جان تسلیم کرد. دایه فریادهای دردناک برآورد و بعد جسد زن و شوهر را، چنانکه پان‌ته‌آ گفته بود پوشاند. بزودی خبر این اقدام پان‌ته‌آ به‌کوروش رسید و او با حال اضطراب بتاخت آمد، تا مگر بتواند علاجی بیندیشد، خواجه‌های پان‌ته‌آ هر سه خنجرها راکشیده در همانجا که بودند خودکشی کردند. پس از این منظره دهشتناک کوروش با دلی دردناک و پر از حس تقدیس پان‌ته‌آ به‌منزل بازگشت. بعد با مراقبت او مراسم دفن باشکوهی برای زن وشوهر به‌عمل آمد و مقبرهٔ وسیعی برای ایشان ساختند. گویند این مقبره که برای زن وشوهر و خواجه‌ها بنا شده است، امروز هم برپاست و بر ستونی نام زوج و زوجه به‌زبان سُریانی نوشته شده و نیز بر سه ستون کوتاه‌تری هنوز هم این کتیبه را می‌خوانند:

حاملین عصای سلطنت (که تقریباً به‌معنای آجودان مخصوص پادشاه بوده است.[۱۵])

حال می‌پردازیم به‌معرفی آرامگاه کوروش که از بناهای بسیار مهم جهان باستان است. در کتاب ایران باستان درجایی که به‌آخر کار کوروش می‌رسد فقط به‌این جمله اکتفا می‌کند که وفات یا کشته شدن وی مصادف بود با سال هشتم پادشاهیش و در این‌حال نعش وی را به‌پاسارگاد برای دفن بردند و شرح آن را به‌فصل مربوط به‌تمدن هخامنشی ارجاع می‌دهد در کتاب ششم این مجموعه (ایران باستان) جایی که آثار برجای مانده از هخامنشیان موردبحث است، پس از معرفی پاسارگاد که در عصر اسلامی مشهد مرغاب، مشهد مادر سلیمان (ام‌النبی) نام داشته است، چنین می‌نویسد:

(آرامگاه کوروش که چون در بالا به‌دو شیب منتهی می‌شود و از این حیث شباهتی با قبر زنها دارد، اهل محل آن را قبر مادر سلیمان نامند. همه این بنا را آرامگاه کوروش می‌دانند ولی دیولافوا عقیده دارد که این بنا آرامگاه کاساندان زن کوروش است.)

این بنا عبارت است از اطاق کوچکی که روی یک پایه شش طبقه‌ای قرارگرفته، هر طبقه علیاکمتر از طبقه سفلاست و بدین‌ترتیب پایهٔ مزبور از هر طرف پله‌هایی به‌وجود آورده. تمام بنا از سنگی ساخته شده که شبیه مرمر و بلندی آن ۱۱ متر است. این بنا سابقاً در محوطه‌ای بود که دیواری بلند و دری بسته شدنی داشت. از دیوارها فقط آثار مختصری مانده و نیز از آثار حوض و چیزهای دیگر دانسته می‌شود که در این باغ یا چنانکه آن زمان می‌گفتند پردیسی بوده که بعدها از میان رفته. اطاق مقبره درکوتاهی داشته که از آن داخل می‌شدند.

به‌قول تاریخ‌نویس یونانی آپ‌بیان نعش بلسان شده کوروش را روی لوحهٔ بزرگی از طلا قرار داده و البسه گرانبهای او را بر مبنای وصیت خودش روی میزی از طلا گذارده یا به‌دیوارها آویخته بودند. نزدیک مقبره اطاقی هم ساخته بودند که مغ‌هایی که در آن زندگی می‌کردند، مقبره را حفظ و همه‌روزه قربانی می‌کردند. به‌مغ‌ها روزی یک گوسفند و مقداری آرد وشراب می‌دادند وماهی یک‌اسب. گوسفند جیرهٔ آنها و اسب برای قربان‌کردن بود... این بنا در جهان باستان بی‌نظیر بوده و محققان تصور می‌کنند که این اطاق که بر بلندی روی مرتبه ششم ساخته شده است، نظیر اطاق‌هایی بوده که در ایران باستان برای زندگی عادی می‌ساخته‌اند.[۱۶]

این آرامگاه، نخستین آرامگاهی است که برای یک زوج که یعنی کوروش و کاساندان

همسر وی، ساخته شده در اینجا پیش از اینکه به‌حضور اسکندر در آرامگاه کوروش بپردازیم به‌خود آرامگاه از نقطه‌نظر کند وکاوهای باستان‌شناسی و کشف مطالب جدید در این باره می‌پردازیم، نخست ارائه آنچه در کتاب اقلیم فارس آمده:

در این کتاب پس از مشخص کردن محل آرامگاه برای مسافری که از تهران یا شیراز می‌رسد خصوصیات آرامگاه را مشابه آنچه در بالا ذکر شد ارائه می‌کند، اما این مطلب را که چون اطاق آرامگاه در بالا به‌دو شیب منتهی می‌شود و باید آرامگاه زنی باشد بازگو نمی‌کند و به‌راستی معلوم نیست این نتیجه گیری مرحوم مشیرالدوله چه مبنا و مرجعی داشته است. مطلب دیگر اینکه برمبنای آنچه نوشتیم آرامگاه کوروش در همان اطاق یا روی میز در کف زمین بوده، ولی در کتاب اقلیم پارس چنین نیست، آن را می‌خوانیم:

> از زیر سقف اطاق تا سطح بالای بام آرامگاه در حدود سه متر فاصله دارد و در دل این فاصله محل دو قبر تعبیه گردیده است که یکی را خوابگاه ابدی کوروش کبیر و دیگری را مدفن همسر اوکاساندان مادر کبوجیه دانسته‌اند. اندازه‌های دو قبر با هم متفاوت است، یکی دو متر در یک متر و دیگری ۱۹۵ در ۹۵ سانتیمتر است که به‌وسیلهٔ دهلیز باریکی به‌درازای یک متر و پهنای ۳۵ سانتیمتر به‌یکدیگر مربوط می‌شوند و بلندی قبرها و دهلیز یکسان بوده و بالغ بر ۸۷ سانتیمتر است. تا پیش از تعمیرات سال ۱۳۳۷ خورشیدی در بام آرامگاه، مسافران یک بوته انجیر کوهی را می‌دیدند که از رشد مناسبی نیز برخوردار بوده است. اما هنگامی که خواستند بنا را تعمیر کنند و به‌ناچار ریشه‌های درخت را که موجب خرابی شده بود، بکنند، متوجه گردیدند که این محفظه میان اطاق مقبره و بام شیب‌دار در سده‌ای گذشته کشف و از همین سوراخ مورد دستبرد قرار گرفته است و اجساد و استخوانها نیز از میان رفته است. کارشناسان هنگام تعمیر از همین سوراخ به‌داخل محفظه راه یافتند و آنگاه این مطلب کشف شد که اصولاً آرامگاه در کف اطاق نبوده و در سقف آن‌جای داشته است، همانند آرامگاه جدش که بدان اشاره داشتیم و یادگاری بود از اعصار کهن، عصر هرمهای مصر و زیگوراتهای ایلام و بابل.

محفظه را از خاک و خاشاک تهی کردند و از پی‌آمد این رویداد که ممکن بود روزی منجر به‌ویرانی کامل بنا شود، جلوگیری شد.

یادآوری می‌شود که در دوران اتابکان فارس، یعنی سده هفتم، دشت مرغاب آبادی بیشتری یافته بود محوطه آرامگاه کوروش را به‌مسجد تبدیل کرده بودند و نوشته‌ها و سال تاریخ این رویداد رمضان ۶۱۱ و نام اتابک سعدبن زنگی در نوشتارهای روی سنگها درین

مکان هنوز موجود است و بر آستانهٔ سنگی در جانب غربی، محاذی مدخل آرامگاه هم نوشتهٔ مفصلی با ذکر سال تاریخ ۶۲۰ یا ۶۲۱ در این باره دیده می‌شود.

با کندوکاوهای اداره کلّ باستانشناسی، آثار یک کاروانسرا و خانقاه در شمال آرامگاه پیدا شد و معلوم گردید که در عصر شاه شجاع (۷۷۶ـ۷۷۰) از بقایای مصالح بناهای محوطه آرامگاه کوروش این بناها را ساخته‌اند که به‌مرور زمان ازبین رفته است، اما نخواسته یا نتوانسته‌اند از سنگهای بنای اصلی بدین منظور بهره یابند.[۱۷]

برای اینکه این فصل آرامگاهی را بیشتر معرفی کنیم، باید به‌برخورد اسکندر با این آرامگاه و رویدادهای آن روزگار اشاره‌ای داشته باشیم:

اسکندر چون به‌پاسارگاد درآمد خواست داخل مقبره شود، امر کرد در آن را گشودند، بعد وقتی که اسکندر به‌باختر و آسیای وسطا و هند رفت، اغتشاشی در محل روی داد و تجملات مقبره را از جواهر و اشیاء زرین و قالی‌های گرانبها ربودند ولی نتوانستند خود جسد را بدزدند. اسکندر پس از مراجعتش از راه بلوچستان به‌پارس و پاسارگاد رفته امر کرد سردارش آریستوبول به‌درون مقبره داخل شود و باقی مانده جسد کوروش را جمع کرده به‌جای خود بگذارد بعد در مقبره را به‌امر او با خشت تیغه کردند و اسکندر این تیغه را مهر کرد تا کسی جرأت نکند مقبره را بگشاید.[۱۸]

اما برخلاف تصور اسکندر، در غیاب او قبر کوروش را شکافته و اموال موجود در گور وی را به‌غارت برده بودند. هرودت پس از اشاره به‌این مطلب چنین ادامه می‌دهد:

این آرامگاه در وسط باغهای سلطنتی پاسارگاد واقع است و آن را از هر طرف انبوه درختان و نیز جویبارها و چمن‌های پرپشت احاطه کرده بود. بنا روی پایه‌ای از سنگهای بزرگ قرار گرفته و به‌طاقی منتهی می‌شود که مدخلش خیلی کوچک است نعش کوروش را در تابوتی از زر گذارده، تابوت را روی میزی که پایه‌هایش نیز از زر چبود قرار دادند و آن را با پارچه نفیس بابلی و قالی‌های ارغوانی وردای سلطنتی و لباسهای مادی و جامه‌های رنگارنگ از رنگ یاقوت زرد و غیره و با طواقها و قمه‌ها و یاره‌ها و زینت‌هایی از زر و سنگهای گرانبها پوشانده بودند. پله‌های درونی به‌اطاق کوچکی که اطاق مغ‌ها بود می‌رسید و خانوادهٔ این مغ‌ها از زمان فوت کوروش پاسبان نعش بودند و این امتیاز به‌ایشان تعلق داشت... دراینجا کتیبه‌ای به‌خط پارسی نوشته بودند: ای مرد فانی من کوروش پسر کبوجیه هستم. من دولت پارس را بنا کردم و حکمران آسیا بودم. به‌این مقبره من رشک مبر.

اسکندر بر مبنای کنجکاوی خواست درون آرامگاه را ببیند. با عملی کردن این تصمیم، دانست که تمام اشیاء را جز میز و تابوت دزدیده‌اند و معلوم گشت که دزد

می‌خواسته جسد کوروش را هم بدزد و به‌این مقصود تابوت را شکسته ولی بالاخره نتوانسته جسد را ببرد و انداخته و رفته است.

مورخی دیگر می‌نویسد که اسکندر دستور داد باقیمانده جسد را گردآوری کرده در تابوت بگذارند و روی آن پارچه‌ای بکشند و در مقبره را هم تیغه کرده مسدود سازند و مهر اسکندر را بر آن بزنند.

حدود یکسال بعد در ۳۰۳ پیش از میلاد، خود وی در بابل درگذشت و وصیت کرد که نعشش را به‌معبد آمون ببرند.[۱۹]

پس از مرگ کوروش پسر بزرگش کمبوجیه بردیا راکشت و خود عازم مصر شد، درست نمی‌دانیم که آرامگاه بردیا در کجاست. خود کمبوجیه نیز پس از بازگشت از سفر مصر خودکشی کرد یا کشته شد، درباره مدفن وی دو نظر ارائه شده است: یکی در جوار پیکر پدرش در پاسارگاد و دیگری در صفهٔ نیمه‌تمام سنگی به‌نام تخت رستم نزدیک تخت جمشید. دکتر اشمیت که یکی از عالی‌ترین کتابها را درباب تخت‌جمشید نوشته معتقد است که گئومات یا بردیای دروغی را داریوش در سرزمین ماد قدیم کشت و در همانجا، در محلی به‌نام سکاوند یا سیکایو و اتیش دفن کرد. این دخمه هنوز هم در ۱۵ کیلومتری هرسین بین مغرب و جنوب غربی آن وجود دارد که درکتابهای مختلف بدان اسحاق وند و ده نو و فرهاد تاش نیز خطاب شده است.[۲۰]

۲ـ کعبهٔ زرتشت

کعبه زرتشت بنایی است بی‌مانندکه از آسیب کینه‌توزان نادان نیز به‌دور نمانده. این بنا چهاربر است و با سنگ ساخته شده، سنگها را بسیار استادانه تراش داده و جزم یکدیگر کرده‌اند. برخی معتقدند که این بنا یک بنای آرامگاهی است وگروهی آن را مخزن نگه‌داری آتش مقدس می‌دانند. زاره دانشمند آلمانی می‌گوید که این سازه سنگی آتشکده‌ای بود که در آن پرچمهای مهم را نیز نگه‌داری می‌کرده‌اند، آیا احتمال اینکه این ساختمان محل نگهداری اوستا، همان اوستایی که بر ۱۲ هزار پوست گاو نوشته شده بود نیست. به‌خصوص ازین نقطه‌نظر که محلی بوده است مستحکم و محفوظ و از دستبرد دزدان و غارتگران به‌دور.[۲۱]

بدون شک عنوان کعبه زرتشت که بدان داده شده است نیز از عوامل حفظ و حراست آن از دستبرد کینه‌توزان جاهل می‌بوده است به‌خصوص اطلاق کعبه می‌توانسته است که مانع

بی‌احترامی نسبت بدان از سوی معاندان باشد اما شادروان علی سامی نظر دیگری دارد وی می‌نویسد که نامگذاری این بنا به کعبهٔ زرتشت مبنای صحیحی ندارد و مانند نام نقش رستم است بر جایگاهی که این بنا در آن قرار گرفته و تصور می‌رود وجود سنگهای سیاه به کار رفته در نمای خارجی سه طرف این بنا شبیه به‌حجرالاسود کعبهٔ مسلمانان به‌اینجا را به‌نام کعبه زرتشت مشهور ساخته باشد.*

مرحوم سامی پس از این اظهارنظر طی یک لایحه ۹ ماده‌ای به‌اثبات رسانده که این بنا یک آرامگاه‌است واحتمالاً داریوش بزرگ برای پدر وجدش ویشتاسپ یا آرشام ساخته‌است.

اما بهترین و دقیق‌ترین حدس را مرحوم سامی در ماده ششم لایحه‌اش ارائه می‌کند.[۲۲] که با نظریهٔ هرودوت و فلاندن نیز هم‌آهنگی دارد:

(... شاید قبر موقتی و محل امانت گذاردن و یا اجرای مراسم مذهبی و کارهایی از قبیل مومیایی کردن جسد شاه بوده است، فلاندن نیز بر این عقیده است و می‌نویسد: هرودوت گوید ایرانیان رسم داشتند مردگان را بشویند سپس اعمالی می‌کردند که یکی از آن مومیایی نعش پیش از کفن کردن بود. محلی را که برای این کار مذهبی معین می‌ساختند باید معین و ممتنع‌الوصول باشد، مرده مومیایی شده را در آن قرار می‌دادند. این محفظه درش باید بلندتر از کف زمین باشد که در دسترس و دستبرد قرار نگیرد. این در به‌فضای کم وسعتی باز می‌شود که چیز جالبی ندارد و دیوارهایش اگر تزئیناتی داشته، امروز از بین رفته و نیز می‌توان تصور کرد که چنانکه حین فوت، آرامگاه شاه هنوز تمام نشده بود جسد را در آنجا نگاه‌داری می‌کردند و پس از اتمام آرامگاه بدانجا منتقل می‌نمودند، زیرا دست‌کم ده سال طول می‌کشید تا حفره‌های درون و تزئینات مجاریهای درون آرامگاههای شاهان هخامنشی ساخته و پرداخته گردد.[۲۳]

نتیجه گیری که ازین بحث می‌کنیم این است که این بنا در حقیقت یک برج یا یک دخمه سلطنتی بوده است که جسد را نخست بدان حمل کرده به‌امانت می‌گذاشتند، سپس به آرامگاه ابدی انتقال می‌دادند.** به‌طوری که خواهیم دید حتی پس از اسلام نیز برجهای از این قبیل

* ظاهراً علت اطلاق حجرالاسود به‌خانه‌کعبه وجود یک سنگ سیاه آسمانی در داخل کعبه است، به‌خود بنا فقط کعبه گفته می‌شود، چون مکعب است و علت خطاب کعبهٔ زرتشت به‌این بنا نیز همین مسئله می‌تواند باشد: بنای مکعب منسوب به‌زرتشت.

** هم‌اکنون نیز در بمبئی در کنار برج خاموشان محل ویژه‌ای برای قرار دادن موقت جسد و به‌مدت سه روز وجود دارد. بدن مرده را پس از این مدت باز به‌برج یا دخمه منتقل می‌کنند.

در برخی جاهای ایران وجود داشته که احتمالاً درین محفظه که با پله به‌خارج مربوط بود استودان یعنی محل انبار کردن استخوان نیز وجود داشته که همه را دزدان ویرانگر از میان برده‌اند در اردشیر خوره فارس نیز برجی از این‌گونه بناها وجود داشته که تصویر کنونی و اصلی (خیالی) آن را در ص ۱۹۴ کتاب نظر اجمالی به‌شهر و شهرسازی شهرهای ساسانی می‌توان دید.

۳ـ آرامگاه داریوش بزرگ و جانشینانش

پیش از معرفی آرامگاه داریوش، بنایی که پس از مجموعهٔ تخت‌جمشید عظیم‌ترین بنای تاریخی پیش از اسلام ایران است. به‌بنای آرامگاهی دیگری اشاره می‌کنیم که به‌صورت گمنام و گنگ، به‌نام دخمه سنگی داودختر در انتهای شمال غربی خاک ممسنی قرار دارد و تقریباً مهجور و ناشناخته است و در محل بدان دی و دو در یعنی مادر و دختر گویند. این بنا در منطقه‌ای کوهستانی و بسیار بد راه قرار گرفته و در اقلیم پارس بدین‌گونه معرفی شده است:

> دخمه داودختر در بلندای ۳۰ متری قرار دارد هیئت خارجی آن مانند دخمه‌های هخامنشی مرکب از سطحهٔ پهن بلندی است که بخش زیرین آن را صاف کرده‌اند. مدخل دخمه در بالای این قسمت و در وسط آن قرار دارد و هر جانب دوستون آن را نمایانده‌اند، بر بالای ستونها حاشیه صاف و مسطحی بوده برفراز آن شکل کنگره‌های دندانه‌دار هخامنشی را به‌سنگ کوه به‌طور برجسته تراشیده‌اند و روی‌هم‌رفته نمای خارجی آن به‌خوبی وضع دخمه‌های پادشاهان هخامنشی را در نقش رستم و تخت‌جمشید به‌خاطر می‌آورد. بسیاری از کارشناسان این دخمه را منسوب به‌دوره ماد دانسته چنین اظهار عقیده می‌کنند که بین سالهای ۶۵۰ تا ۵۵۰ پیش از میلاد ساخته شده است و برخی دانشمندان هم آن را متعلق به‌یکی از شهریاران هخامنشی پیش از کوروش می‌دانند، یعنی هنگامی که هخامنشیان سلطنت محلی پارس را داشته‌اند.

به‌هر تقدیر این بنا را که هم خام است و هم تا حدودی ناتمام مانده می‌توان الگو و نمونه پیشین آرامگاه صخره‌ای داریوش بزرگ دانست، حال چرا و چگونه داریوش آرامگاه خود را بر خلاف کوروش و کبوجیه به‌نقطه‌ای دورافتاده برد جای بحث دارد، همان‌گونه که ساخته شدن آرامگاه چند شاه هخامنشی دیگر در صفهٔ بالای تخت‌جمشید نمی‌تواند بدون علت و انگیزه باشد. این شاهان جانشینان داریوش بودند و پس از او آمدند.

آرامگاه داریوش، بزرگترین آرامگاه صخره‌ای در چهارکیلومتری کوه حاجی آباد قرار

دارد و مجموعه‌ای است متشکل از مظاهر تمدنی ایلامی و هخامنشی وساسانی که از قرار نوشته فلاندن که در ۱۸۴۱ به‌ایران سفر کرد سابقاً بدان قبرستان گبرها می‌گفتند و سپس نامش مبدل به‌نقش رستم شده است[۲۴]، به‌عقیده استاد مصطفوی به‌مناسبت بلندی و شگرفی آثار و نقوش آن را نقش رستم دانسته‌اند، اما بهتر است یادآوری شود که نهادن این قبیل نامها برین بناها که آن روز برای مردم ناشناخته بود سبب می‌شد که مردم با دیده احترام بدان بنگرند و از ویران کردن آن خودداری کنند. تخت‌جمشید و آرامگاه مادر سلیمان نمونه خوب این قبیل بناهای هخامنشی شمرده می‌شوند، امروز هرکس می‌تواند شاهد این مدعا در پاسارگاد باشد، همهٔ عمارات و آثار هخامنشی در این شهر از میان رفته ولی مقبره مادر سلیمان (آرامگاه کوروش) برجای مانده است در نقش رستم آرامگاه چهار نفر از شاهان هخامنشی جای گرفته است، داریوش بزرگ، خشایارشا، اردشیر اول و داریوش دوم، آرامگاه اردشیر دوم و اردشیر سوم و داریوش سوم در خود تخت‌جمشید است و این آخری نیمه تمام است.

آرامگاه داریوش کبیر در محلی قرار دارد که پیش از دوران هخامنشی مکانی متبرک بوده و نقش برجستهٔ مذهبی عهد ایلام که ذکر آن بعد خواهد آمد از لحاظ مذهبی در آنجا احداث گردیده بود. درین مجموعه نقوش برجسته ساسانی در قسمت پایین کوه و آرامگاههای پادشاهان هخامنشی بر بالای کوه قرار دارند. کتیبه‌هایی که داریوش درین پهنه نویسانده بسیار مهم و مفصل است، مشتمل بر نیایش اهورامزدا و مضامین بسیار عمیق روحانی و معنوی، ملی و مذهبی. داریوش کبیر معتقدات دینی و اندرزهای گرانبها و نام کشورهای تابع خود را در آن بیان داشته و از خدای متعال برای کشور و ملت خود نیکویی و راستی و برکت خواسته است. شکل کل آرامگاه همانند صلیب است که دکتر تقی نصر آن را جلوه‌ای از آیین مهرپرستی ایرانیان می‌داند[۲۵] و مرحوم مشیرالدوله آن را صلیب یونانی می‌شمرد، اما احتمالاً هیچ‌یک ازین عوامل سبب و علت این شکل‌گیری نبوده، بلکه این ترکیب و انتخاب فضای مناسب برای آرامگاه ایجاب می‌کرده است که آرامگاه به‌شکل صلیب باشد، بخش زَبَرین برای نشان دادن خود پادشاه که در بالای تخت بر سریری که سه پله دارد ایستاده است به‌دست چپ کمانی گرفته و به‌زمین تکیه داده دست راست را به‌طرف آتشدانی به‌علامت عبادت دراز کرده و در بالای سرش نقش فروهر و خورشید را کنده‌کاری کرده‌اند. تخت داریوش را نمایندگان ملل تابعه نگه داشته‌اند و هفت نفر نمایندگان هفت ایالت در شاهنشاهی داریوش: پارسی، مادی،

خوزی، پارتی، سکایی، بابلی، آشوری و مکیا.[٢٦]

قسمت میانی یا بخش دوم آرامگاه که در حقیقت اصل آرامگاه است باید دخمه‌ای داشته باشد وسیع و ایوانی که بتوان در پهنه آن کتیبه‌ای نویساند. ایوان دارای چهار ستون است و در داخل آن نه قبری کنده شده و نه هیچ‌گونه اثر نوشتاری یا نگارگری وجود دارد. مرحوم مشیرالدوله می‌نویسد که احتمالاً داریوش که با کبوجیه به‌مصر رفت این سبک آرامگاه‌سازی را با تماشای آرامگاههای مصری طرح کرد و ساخت.[٢٧] در ورودی دخمه در وسط ایوان قرارگرفته و در دو طرف آن چهار سنگ نوشته دیده می‌شود. حاوی نوشتارهای پارسی ٦٠ سطر ایلامی ۴۳ سطر آرامی ۲۵ و بابلی ۳۹ سطر.

قسمت زیرین یا بخش سوم آرامگاه شامل یک ایوان است که در نصف راه بین زمین و ایوان بزرگ آرامگاه قرار دارد و زیر ایوان صخره‌ای است که پادشاهان ساسانی در عصر خود بر روی آن سنگ نگاره‌هایی تراشیده‌اند.[٢٨]

فاصله دخمه از زمین بدان جهت بود که آرامگاه از شر دزدان و جانوران محفوظ و مصون بماند.

فصل هشتم

آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر سلوکی و پارتی

(بخش سوم از مرحلهٔ سوم)

دوران تسامح مذهبی و رواج سنتهای خارجی در سازه‌های آرامگاهی

با غلبه اسکندر و درهم فروریختن امپراتوری هخامنشی نفوذ یونانی‌گرایی (هلنیسم) در سراسر ایران آغاز گردید، با اینکه جانشین اصلی اسکندر در ایران‌زمین حکمرانی می‌کرد، بخش‌های مهمی از آن امپراتوری عظیم که اسکندر فراهم ساخته بود از بخش مادر مستقر در ایران جدا شد. بررسی دوران حکومت سلوکی‌ها در ایران از نقطه‌نظر بحثی که ما پیش کشیده‌ایم فصل مهمی نیست، چه عصر سلوکی‌ها و تا حدودی عصر اشکانیان دوران نفوذ و رسوخ تمدنی بود که ساختن بناهای تجملی سلطنتی و آیینی را خوش نداشت، اگر چه در

دوران طلایی یونان بناهای مهمی در یونان ساخته شد، اما نتیجه‌ای که مشیرالدوله درین باب می‌گیرد این است که عصر سلوکی ـ اشکانی دوران رکود و انحطاط معماری ایرانی از جمله آرامگاه‌سازی بوده است.[۲۹] از زمان آمدن اسکندر و تا روی‌کار آمدن ساسانیان در تاریخ معماری و حجاری شرق یکنوع جای خالی دیده می‌شود، به‌استثنای چند مورد، این دورهٔ طویل که پنج قرن ونیم است، تقریباً از شاهکارهای معماری عاری است. در دنبال صنایع آسوری و بابلی صنایع هخامنشی می‌آید و دنباله آن برای پنج قرن ونیم قطع شده پس از آن صنایع ساسانی شروع می‌شود.»[۳۰]

پس از آن به‌بحث ادامه داده سرانجام نتیجه می‌گیرد که علت این امر سادگی و بی‌تکلف بودن قوم پارت و دور بودن سرزمین ایشان از مراکز تمدن قدیم است: از حیث ابنیه و قصور و قبور و غیره آنها را نمی‌توان در ردیف پادشاهان بابل و آسور، ایران قرار داد، تا حدی که عدم تناسب و خامی کارشان بیشتر شبیه به‌آثار پیش از تاریخ است.[۳۱]

نتیجه کلی اینکه، هلنیسم تداوم جهان قدیم را از نقطه‌نظر معماری برهم زده. همان‌گونه که تمدن آشوری در تکمیل و گسترش معماری هخامنشی مؤثر بود تمدن یونانی نیز در خلق و توسعه معماری اشکانی عامل زیربنایی محسوب می‌گردید و چون در یونان هنوز حکومتهای مردمی (دولت شهر) وجود داشت یا اثراتش برجای بود، در ایران سلوکی و اشکانی نیز عمارات عامه جانشین عمارات مجلل مذهبی سلطنتی گردید. اما با همهٔ این عوامل، وجههٔ خاص معماری هخامنشی در ردیف اول قرار داشت، دیاکونف معتقد است:

در هلنیسم که خود یک تمدن التقاطی بود پس از ظهور اسکندر معماری کاخ‌سازی رواج یافت و حال آنکه در دولت شهرهای یونانی از این نوع معماری خبری نبود، هلنیسم این سبک نوظهور سنن و شکوه و جلال و طمطراق معماری باستانی شرقی را که نه‌تنها در ساختمان غیرمذهبی (طاقها) بلکه در معابد نیز تجلی می‌نمود، پذیرفت.[۳۲]

بحث درباره برخورد تمدنها در عصر اشکانیان و حتی سلوکیان را به همین جا پایان می‌دهیم و به‌عنوان نمونه بارز به‌آرامگاه آنتیوخوس اول کماژن (۶۹-۲۴ پیش از میلاد) اشاره می‌کنیم که معرف یک فرهنگ نوین آرامگاه‌سازی در مشرق زمین است، نشان دهنده آئین طبیعت‌گرای یونانی ـ آهورامزدا و مهر ایرانی.

در صفهٔ شرقی آرامگاه آنتیوخوس اول در نمرود داغ و جنوب آناطولی، پیکره‌های غول‌آسای خدایان نگهبان که اندازه آنها بسیار درشت‌تر از انسان طبیعی است برجای مانده که

با تکه‌های بسیار بزرگ سنگ ساخته شده‌است خودنمایی می‌کند. از سمت چپ به‌راست: خود، آنتیوخوس کماژن، وتیخ خدای خوشبختی، زئوس، آهورامزدا، آپولو، مهر، هلیوس، هرمس و آرتاگِنِس، هرقل و آرِس.[۳۳] با توجه و بررسی و استدراک همین دانشمند برای اینکه به‌نفوذ هخامنشیان درمعماری آئینی یونانیان ووارثان‌ایشان درآسیا، یعنی پارتهامهر تأکیدزده‌می‌گوید:

«در پرستشگاه آرامگاهی پدر آنتیوخوس، مهرداد کالینیکوس در ساموزات به‌ارائه نقش‌های برجسته‌ای مبادرت شده است که یادآور نقوش برجسته به‌یادگار مانده از داریوش بزرگ است. مجسمه‌های موجود درین پرستشگاه آرامگاهی، کلاه ایرانی، شنل یونانی و لباس ارمنی، التقات فرهنگ معماری اشکانی را که ثمره گسترش هلنیسم بود ارائه می‌کند، فراموش نکنیم که آناطولی از سوی دیگر وارث فرهنگ معماری خاص حِتّی‌ها هم بوده است.»

از آنجا که آرامگاه یک پدیده آیینی است و برجای ماندن آن منوط به‌شرایط آب و هوایی و سنتهای مذهبی است نخست باید اشاره‌ای به‌دین اشکانیان داشته باشیم.[۳۴]

بدون شک یونان‌گرایی به‌نفوذ و گسترش آیین زرتشتی لطمه زد، با توجه به کتیبه‌های داریوش و تاکید بر وجود و توانمندی آهورامزدا می‌توان گفت که در دولت هخامنشی نقش آئین مزدیسنا از استواری ویژه برخورداری داشته است. اگرچه ظهور یک مغ برای تصرف تاج وتخت پادشاهی از هخامنشیان از قدر و منزلت روحانیت بسیار کاست، اما لطمه واقعی به‌آئین مزدیسنا را باید ظهور و ترکتازی اسکندر دانست.

اشکانیان پیش از مهاجرت به‌جنوب و در آن زمانها که با سکاها بودند خدایان طبیعی آسمانی را می‌پرستیدند و به‌مرور با آیین مزدیسنی و ایزدان مهر و ناهید، آشنا شدند اما جز در موارد استثنایی محدود، شاهان اشکانی ترجیح می‌دادند که خود و امتشان همان قدیسین پیشین را در مدنظر داشته باشند و پرستش کنند. بزرگترین خدای ایشان مهر بود ـ مظهر آفتاب و روشنی و حامی خاندان سلطنت و مظاهر دیگر، از جمله پیکره‌های سفالین نیاکانشان.[۳۵] پس‌از اینکه اشکانیان آیین هرمزپرستی را پذیرفتند این خدایان معاونین و یا وزیران آهورامزدا گردیدند، اما شاهان اشکانی و اعضای خانواده‌شان به‌مهر بیش از هرعامل دیگر توجه داشتند در حالی که عامه مردم اجدادشان را می‌پرستیدند و هیکلهای نیاکان خود را در جای محترمی در خانه نگه‌داری می‌کردند. از این‌رو است که از اشکانیان پیکره‌های کوچک فراوان به‌دست آمده است. در گنج‌خانه نسا، شمال خراسان، اشیای بسیار ازین قبیل یافته شده و این در حالتی است که این اشیای گرانقدر در دسترس دزدان و غارتگران عتیقه قرار داشته

است و جزیی از آن محفوظ مانده و به‌ما رسیده.

گذشته از آن اصول آیینی به‌شکل سنت‌های قومی که در میان اشکانیان به‌جای مانده بود، مذهب مزداپرستی نیز که عبارت بود از اعتقاد به‌خدای خوبی و بدی یا هرمزد و اهریمن و محترم داشتن مغ‌ها و نیاز دادن به‌آنها، تقدیس آتش و آب مخصوصاً رودها، دفن نکـردن مردگان تا اینکه وحوش وطیور آنها را بدرند و بخورند، جای خود را یافت.

روی‌هم‌رفته می‌توان گفت که عصر اشکانیان یک عصر آزادی مذهب بود، خود شاهان اشکانی، باکاستن در نفوذ مغ‌ها که در مجلس مهستان دارای قدرت فراوان بودند، به‌مذهب قدیم روی آوردند و حتی به‌سوزاندن مرده، که از سنتهای قدیم قوم پارت بود و مزداپرستی آن را منع کرده بود، مبادرت می‌کردند. اما در نقاط گوناگون آن شاهنشاهی، اقوام تشکیل دهنده آن اجتماع عظیم، در مذهب آزادی داشتند تا به‌جایی که کوشش تبلیغ برای مذاهب گوناگون وجود داشت، و حتی برخی ازدانشمندان به‌نفوذ فرهنگ هندی در ایران اشاره دارند:

> سوزاندن مردگان در آتش از کجا که تقلید پارتی‌ها از مـقدونی‌ها و سـلوکی‌ها نباشد زیرا از سوی دیگر می‌دانیم که اشکانیان و پارتی‌ها به‌آسانی سنتها و نـظامات دیگر ملتها را می‌پذیرفتند و نیز می‌توان گفت که این پدیده مرده سوزانی از اثـرات نفوذ هندیها بوده و معتقدات هندیها به‌ایران سرایت کرده بوده است.[۳۶]

این مطلب را مشیرالدوله هنگامی ارائه می‌کند که بازگشت به‌سوزانـدن جسـد در ایـران اشکانی را برای تضعیف مغان و مذهب زرتشتی دانسته‌اند، درباب احتمال سـرایت تـمدن هندی به‌ایران نیز باید درنظر داشت که پس از شکست هخامنشیان از اسکـندر، گـروهی از ایرانیان به‌هند رفته تمدنی نوین راکه بر مبنای تمدنهای ایرانی ـ هندی ـ یونانی استوار بود تأسیس کردند و با سلوکی‌ها روابط بسیار نزدیک دائر نمودند.

استاد حسین کریمان در اثر معروف خود ری باستان، هنگامی که می‌خواهد از گورستان ری سخن به‌میان بیاورد می‌نویسد:

> (ری منتسب به‌زرتشت و شهر مقدس زرتشتیان است، به‌اعتقاد این فرقه دفن مرده در خاک، و یا انداختن آن در آب رودخانه و یا سوزاندن در آتش حرام است، چون عناصر چهارگانه را مقدس و آلودن آن را به‌لاشه مرده ناروا می‌دانستند. از اینرو جسد را در دخمه و یا در مکان بلندی می‌گذاردند تا طعمه حیوانات گردد و استخوان آن را پس از جدا شدن از گوشت و خشک شدن در استودان که بخش اول آن بـه‌معنای استخوان است و کل کلمه به‌معنای استخوان‌دان، می‌گذاردند و استودان از سنگ یا

آهگ یا گل ساخته می‌شد، این کار طبق دستور وندیداد صورت‌پذیر بود.[۳۷]

آنگاه تمام بندهای ششگانه وندیداد را می‌آورد که در اینجا تنها دو بند آن را آورده‌ایم:

بند ۴۴: ای آفرینندهٔ جهان جسمانی و ای مقدس، بگو ببینم جسد مرده را باید به‌کجا حمل کنیم و در کجا جای دهیم؟

بند ۴۵ آهورامزدا پاسخ داد و گفت جسد را باید هرچه بیشتر در ارتفاعات و بلندیها جای داد، ای اِسپی تمَه زرتشت هرکس می‌داند که سگهای گوشخوار و پرندگان لاشخور همه وقت در بلندیها آمد ورفت دارند[۳۸]

بنابراین ظهور زرتشت و ارائه بخشی از اوستا به‌نام وندیداد را باید آغاز اجرای این سنت آرامگاهی دانست[۳۹]، در کتاب مزداپرستی می‌خوانیم:

زبان و سبک نویسندگی در وندیداد، با این فرض که همهٔ کتاب از دورهٔ اول عهد اشکانیان است، کاملاً سازگار است. یعنی اطلاعات مربوط به‌آداب دینی که می‌توان از وندیداد بیرون کشید درست به‌همین زمان ارتباط پیدا می‌کند. مثلاً در دوره هخامنشیان گذاشتن اجساد مردگان در دخمه‌ها فقط در میان مغان معمول بود و هرودت به‌این نکته اشاره دارد (کتاب اول بند ۱۴۰) در حالی که جسد شاهان هخامنشی به‌خاک سپرده می‌شد، اما بنا بر احکام وندیداد قرار دادن اجساد در دخمه‌ها برای همه زرتشتیان اجباری بود.[۳۹]

البته این مطلب را سند دیگری که بسیار معتبر است تأیید می‌کند و آن سند تربیت کوروش کزنفُن است، که متن وصیت کوروش را برای دفن می‌آورد[۴۰]:

پس وقتی که مرا زمان مرگ دررسید جسد مرا نه در طلا و نه در نقره و نه در هیچ‌چیز دیگری دفن منمایید. بلکه مرا فوراً به‌خاک بسپارید و آیا چه ازین سزاوارتر است که مرا به‌این مادر عمومی که تمام جانداران عالم را پرورش می‌دهند سپارند.[۴۱]

درباره سنت‌های آرامگاهی اشکانیان مطالب دیگری را نیز به‌آنچه گفته شده است بیفزاییم دیوکونف می‌نویسد:

کندوکاوهای باستان‌شناسی ثابت کرده است که اشکانیان به‌جای آنکه مُردگان را طبق آیین زرتشت طعمه ددان و مرغان لاشخور کنند، آنان را با لوازم خانه به‌خاک می‌سپردند و این خود گواه برآن است که زرتشتی‌گری کیش رسمی و دولتی آن دوران نبوده است و با گذشت زمان، سنتهای خاک‌سپاری زرتشتی در سالهای پایانی سده نخست و آغاز سده دوم، رسم سرزمین هیرکانیا (محتملاً بر اثر ظهور شاخه جدید هیرکانی اشکانیان که با ارتبان سوم آغاز می‌گشته) رواج یافت، به‌این معنی که می‌گذاشتند نخست گوشت مردگان از استخوان جدا شود و سپس تنها استخوانها را

دفن می‌کردند. ظاهراً این روش مقدمه یا آغازی بوده است برای انتقال به‌تشریفات ویژه زرتشتی به‌انتقالی که اندکی بعد صورت گرفت.[۴۲]

آنچه مسلم است اینکه پرستش یا قابل احترام دانستن نیاکان، از مظاهر مهم مذهبی عقیدتی پارتها بوده است. در نسا واقع در شمال خراسان خرابه‌هایی از قصر و بنای آرامگاهی وابسته بدان یافته‌اند که در دورتادور ایوان آرامگاه شاهان پیکره‌های سفالین این نیاکان تاجدار را گذاشته‌اند. عکس این کاخ یا قلعه آرامگاهی را با تصویر خیالی نو ساخته آن آرامگاه را در کتاب اشکانیان می‌توان دید.[۴۳]

در متن کتاب می‌خوانیم که آرامگاه شاهان و بزرگان اشکانی در قلعه‌ای واقع در جنوب شرقی نسا، شمال خراسان جای داده شده بوده است که اقامتگاه ایشان نیز بوده است و بخشی در اربیل. رومیان در عهد کاراکال به‌سال ۲۶۰ میلادی پس از تصرف شهر اربیل آرامگاه را ملوث و خراب کردند.[۴۴]

استاد کریمان با استفاده از منابع دیگر این مطلب را این‌چنین ارائه می‌کند:

در روزگار شاهان اشکانی، ری گرچه پایتخت بوده، لکن ظاهراً استودانی مربوط به‌بزرگان این دودمان در آنجا شناخته نشده است. شاهان اشکانی نسبت به‌مذهب زرتشت بی‌قید بوده‌اند و به‌حفظ آن اعتنایی نداشتند. از این‌رو مرده‌های خود را در زمین دفن می‌کردند. دلیل این ادعا آنکه کاراکال، امپراتور روم در روزگار اردوان پنجم، گور شاهان اشکانی را بشکافت. استخوانهای آنها را به‌دور انداخت، نیلسون دوبوار نیز در این باره آورده است که از کارهای ننگینی که کاراکال کرد یکی هم اینست که در آربل (اربیل) استخوانهای شاهان اشکانی را بیرون آورده دور انداخت. از این قضیه معلوم می‌شود که اشکانیان اموات خود را دفن می‌کردند اگر چه خبری هم هست که شاهان آخری اشکانی مردگان خود را می‌سوزاندند.[۴۵]

آنچه درباره آرامگاههای سلوکی و اشکانی گفته شد روشنگر مطالب زیر است:

ـ نفوذ معماری یونان‌گرای عصر اسکندر را در پرستشگاه ـ آرامگاه کنگاور به‌خوبی می‌توان دید.[۴۶]

ـ نفوذ هنر و معماری هخامنشی در پرستشگاه ـ آرامگاه بسیار بزرگ آنتیوخوس رول در نمرود باغ جنوب آناطولی هویداست.[۴۷]

ـ در سنتهای آرامگاهی پارت به کار بردن گورهای خمره‌ای که در آن مرده را ایستاده دفن می‌کردند معمول بوده است.[۴۸]

ـ نهادن مجسمه‌های سوفالین در گورهای اشکانی مربوط بوده است به‌اعتقادات ایشان به‌اهمیت پرستش نیاکان و قدرت ایشان پس از مرگ.

ـ نمونه تصویری آرامگاه اشکانی را در ص ۳۷۰ ری باستان می‌توان دید که از تاریخ ایران گیرشمن گرفته است، در این صفحه سه تصویر ارائه شده است اول یک تابوت تقریباً سالم و دست نخورده پارتی دوم یک تابوت شکسته برای نشان دادن شکل داخلی آن و سوم یک آرامگاه ساده، محل گذاردن تابوت یا تابوتها.[۴۹]

ـ تصویر خیالی یک تابوت منقوش و اعیانی را در ایران باستان ص ۲۷۱۷ می‌توان دید درین کتاب تابوتهای اشکانی این‌چنین توصیف شده است:

> این تابوتها کلی ولی صاف و صیقلی و به‌رنگ سبز روشن بوده شبیه کفش راحتی است به‌درازای یک تا دو متر، جسد را از دهانه باز تابوت داخل می‌کرده‌اند و با درب پهنی که همانند خود تابوت تزیین شده بوده است دهانهٔ آن را می‌بسته‌اند و با گل خاصی آن را به‌کلی مسدود می‌کرده‌اند و در بخش پایینی آن سوراخی برای خروج هوای فاسد و گاز تعبیه می‌کرده‌اند.
>
> در نقاشی کردن روی تابوت و گذاردن مجسمه‌های گوناگون، هنر اشکانی در حد اعلای ترقی و پیشرفت بوده است. تصویر یک نمونه از این هیکلها را در ایران باستان می‌توان دید.[۵۰]

یک نمونه از این شکلهای کوچک را بررسی می‌کنیم:

یکی از این مجسمه‌های بسیار عجیب هیکل یک نفر پارتی جنگجو را مجسم می‌سازد، این نظامی درازکشیده و مشغول نوشیدن از جامیست که در دست چپ خود دارد، تمام هیکل او با زره پوشیده شده در سر دارای کلاه خود و در پا دارای زنگال است... و مجسمه‌های زنانه که بسیار ظریف حتی ظریف‌تر از مجسمه‌های آسوری ساخته شده‌اند.[۵۱]

نمونه دیگری از این تابوتها را به‌شماره ۲۲ در تصاویر کتاب پارتیان می‌توان دید، با نقاشیها و کنده کاریهای فراوان.[۵۲]

ـ برج گورستانی در پالمیر یکی از بناهای آرامگاهی بسیار معدود برجای مانده از عصر اشکانی است که در درون آن تالار آراسته‌ای است و یک پلکان که به‌بام برج می‌رود؛ با حفره‌هایی برای جای دادن تابوت، در هر طبقه چند برج دیگر نیز به‌همین خوبی حفظ شده است، در بیرون برج تاریخ ۱۱۳ م قید شده است.[۵۲]

ـ گورستانهای بسیار از عهد اشکانی به‌جای‌مانده و این خود دلیل آن‌است که در عصر اشکانی،

سوزاندن به‌روش یونان وهند و درمعرض جانور قراردادن به‌سبک زرتشتیان، در درجه دوم و سوم اهمیت قرار داشته واقوام ساکن درامپراتوری‌اشکانی بیشتر به‌دفن مردگان راغب بوده‌اند.

در پایان این فصل فهرستی از گورستانهای اشکانی را ارائه می‌کنیم:

- گورستان اشکانی چَمِشک در می‌چاکو، ملاوی لرستان.[۵۳]
- گورستانهای پارتی در دره قشلاق خلخال با تصویرها.[۵۴]
- گورستان زیرزمینی پالمیر که دالان آن برجای مانده است.[۵۵]
- گورستان قصر البیاض در پالمیر.[۵۶]
- گورستانهای باستانی سیراف.[۵۷]
- گورهای یافته شده در دیوار دفاعی گرگان که اشکانی است.

پادشاهان و بزرگان دارای آرامگاههای اختصاصی بوده‌اند و در این میان به‌آرامگاههای مجلل نسا و اربل اشاره داشته‌ایم.

فصل نهم

آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر ساسانیان

(بخش چهارم از مرحلهٔ دوم)

«ثعالبی گوید جسد این پادشاه نگون‌بخت (یزدگرد سوم) را به‌رود مرغاب افکندند و آب او را همی برد تا به‌جدولی که ازیق (زریک) نام داشت به‌شاخه درختی گیر کرد. اُسقف مسیحیان نسطوری این شهر که الیاس نام داشت آن جسد را از آب برگرفت و آن را شناخت و با احترام در طلیسانی مُشک‌آلود پیچیده و در باغی در شهر مرو به‌خاک سپرد»*

درباره آرامگاه پادشاهان ساسانی خبر بسیار محدود است چه اینان به‌رسم زرتشتیان سنت‌گرا جسد را در دخمه می‌گذاردند و بنابراین آرامگاه‌سازی معمول گردید. درباره عبارت

* تاریخ ساسانیان از دکتر جواد مشکور ص ۱۲۸۳.

بالا نیز مورخی دیگر چنین اظهارنظر می‌کند:

مورخ میکائیل می‌نویسد این سخن که جسد وی را زیرنظر کشیشی از رودخانه برگرفتند و قاتل او را کشتند و آن جسد را در استخر پارس به‌دخمه سپردند. افسانه‌ای است که از احساسات ملی مردم ایران نشأت گرفته است.[۵۸] یعنی این مورخ به‌این اعتبار که زرتشتیان بدن درگذشتگان را در گور به‌خاک نمی‌سپردند این روایت را کلاً رد می‌کند.

در وندیداد کتاب آسمانی زرتشتیان ترتیب عرضه کردن بدن مرده به‌ددان و مرغان هوا آمده است و طی دو بند از این کتاب دستور اکید صادر شده که باید این جسد را در جای بلندی قرار داد تا در دسترس ددان و مرغان هوا باشد، این دو بند را از آن جهت که ارائه وندیداد در عصر اشکانیان بوده و بر همین مبنا دو روش غالب دیگر، دفن و سوزاندن متروک یا متزلزل شد، در بخش مربوط به‌اشکانیان عیناً نقل کردیم و اکنون از آن جهت که در عصر ساسانیان که حکومت و حاکمیت زرتشتیان جریان داشت و بحث ما درباره آرامگاه و آرامگاه‌سازی بر همین اصل استوار شده چهار بند دیگر را نیز نقل می‌کنیم:

بند ۴۶: در این مکان است که مزداپرستان باید جسد را از پاها یا از مو به‌وسیله فلز، به‌وسیله سنگ یا سنگ‌ریزه در زمین محکم نمایند، والا ممکن است استخوان آنها به‌وسیله سگان گوشتخوار و پرندگان لاشخور در زمین کشیده شود و آبها و گیاهان آلوده گردند.

بند ۴۹ـ ای آفرینندهٔ جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم استخوان جسد مرده باید به‌کجا برده شود و در کجا نگهداری شود.

بند ۵۰ـ اهورامزدا پاسخ داد و گفت: برای نگهداری استخوان مرده باید ظرف مخصوص ساخته شود و این ظرف از دسترس سگ، روباه و گرگ خارج و از آب باران به‌دور باشد.

بند ۵۱ـ مزداپرستان هرگاه مقدور باشد می‌توانند ظرف نگاه‌داری استخوان مرده را از سنگ یا از گل آهک و یا از گل تنها بسازند. هرگاه تهیه چنین ظرف مقدور نباشد می‌توانند جسد را در زمین روی لحاف و بالش خود بگذارند به‌حالتی که نگاه وی به‌سوی خورشید باشد و از روشنی آسمان بهره‌مند شود.[۵۹]

با توجه به‌آنچه در وندیداد آمده است اختلاف میان خاک‌سپاری در ایران باستان و پیش از آن و عصر زرتشتی‌گری آن‌قدر که ما تصور می‌کنیم نبوده است. در خاک‌سپاری بدن مرده را در خاک می‌گذاشتند تا حشرات و جانداران ریزتر از حشرات مواد آلی و فاسد شدنی آن را بخورند و استخوان بماند و این استخوان بود که به‌عنوان بازمانده جسد آدمی مورد توجه

بود و حتی سالها و مدتها بعد از درگذشت یک شخصیت تاریخی استخوانهایش را جابه‌جا کرده و می‌کنند که از آن جمله بوده است استخوان فردوسی و بوعلی‌سینا. بر مبنای آیین زرتشت این وظیفه پاکسازی محیط‌زیست به‌عهده مرغان گوشتخوار هوا و جانوران وحشی گذاشته شده است و دیدیم که بر بستن و ثابت نگه داشتن بدن مرده تأکید شده که جانوران نتوانند بدن یا بخشی از بدن مرده را به‌داخل آبادی بکشانند که هم باعث ترس و وحشت و ناراحتی زندگان را فراهم سازند و هم آن بخش از بدن راکه باید بماند آسیب برسانند، از سوی دیگر تکه‌های بی‌آزار و پاک شده بدن مرده در جایی به‌عنوان یادگار وی محفوظ بماند. خاک‌سپاری از آغاز پیدایش تمدن معمول بوده، تنها در برخی از جوامع پیشرفته به‌روش مومیایی و غیره جسد را نگه می‌داشتند و روایتی نیز هست که جسد پادشاهان هخامنشی را در حوضی از عسل می‌گذاشتند و این نکته را می‌دانسته‌اند که در عسل هیچ‌چیز نمی‌گندد و تجزیه نمی‌شود و شدت تبخیر عسل نیز بسیار کند است.[۶۰]

اما هرودوت و مورخان دیگر یونانی که جریان بازدید اسکندر از آرامگاه کوروش را نوشته‌اند به‌این مطلب اشاره‌ای ندارند و احتمالاً این جسدها را بـه‌طرق مـختلف، از جـمله مومیایی سالم‌سازی کرده در گوشه‌ای می‌گذاشتند و چون مسئله زندگی پس از مرگ یا زنده شدن دوباره مطرح بوده این استخوانها را حفظ می‌کرده‌اند و به کارگیری استودان از همان زمانها معمول شده بوده است. در نقش رستم بر بدنه همان کوهی که آرامگاه داریوش و برخی شاهان دیگر هخامنشی را دربر گرفته استودانهای کوچک و معمولی می‌توان دید که از آن جمله است یک گروه هفت‌تایی استودان که برای نخستین‌بار مرحوم مصطفوی آنها را طی مقاله‌ای معرفی کرد.[۶۱]

اگر نوشته‌های گزنفون قابل اعتماد باشد، کوروش خود وصیت کرده بود که بدون استفاده از بستر زرین و سیمین و بدون تجمل وی را به‌خاک بسپارند، عیناً روش مسلمانان از آغاز تا امروز و به‌همین دلیل وی را در محفظهٔ بالایین آرامگاه به‌خاک سپردند و همانطور که گفتیم در این محفظه سوراخ بوجود آمد و ازین سوراخ حشرات به‌داخل محفظه نفوذ کرده و جز استخوانها، مواد آلی آن دو جسد را خورده و نابود کرده‌اند و به‌جای آن درخت انجیر کوهی روئید که بدان اشاره شد.

در اینجا لازم است اشاره‌ای نیز به‌سوزاندن داشته باشیم که هیچوقت در ایران مـعمول نبوده است، در حالی که یونانیان این سنت را داشتند و خاکستر بزرگان قوم را پس از سوزاندن

حفظ می‌کردند، یعنی در شیشه‌ای ریخته در کنار آرامگاهها می‌گذاردند، رویه‌ای که هم‌اکنون در آمریکا و اروپا کم وبیش معمول است و من خود از گورستانی در هالیوود بازدید کرده‌ام. دیده‌ام که چندگرم خاکستر در شیشه ریخته شده، حامل نام هنرپیشه معروفی است که بدنش را آتش زده و سوزانده‌اند.

بدیهی است وضع آب وهوا و موقعیت جغرافیایی نیز همان گونه که در ایجاد و گسترش آیین‌های گوناگون مؤثر است، در نحوهٔ خاک‌سپاری هم مؤثر خواهد بود. آب وهوای جنوب اروپا که مسکن نخستین آریاییها بوده در اثر هوای مرطوب و بارانی و تغییرات بسیار مداوم و ناگهانی، نمی‌توانسته است اندیشه وحدت و یکتاپرستی را به‌وجود بیاورد، درین میانه خورشید و باد و باران و ماه در یک سطح قرار داشته‌اند، درحالی که در سرزمین موعود و عربستان و تا حدودی ایران حرف اول را همیشه خورشید می‌زند و خورشید خود می‌تواند کلیدی باشد برای توجه به‌یکتاپرستی و اعتقاد به‌خدای واحد، همان‌گونه که ابراهیم راه خداشناسی را طی کرد و اهمیت و قدرت خورشید وی را به‌سوی حق رهنمون گردید.

برادران هندی ما که در آسیای مرکزی از ما جدا شدند، بدون توجه و اعتقاد به‌آیین مزداپرستی به‌هند رفته و با خیل خدایان ودایی روبه‌رو شدند و به‌سادگی آن مذهب را پذیرفتند. مذهبی که از لحاظ اقلیمی و منطقه‌ای نیز مناسب می‌نمود. اعتقاد به‌خدایان متعدد و متنوع، یعنی در هردو مورد، اروپای جنوبی و سرزمین هند پرستش ارباب و انواع وجود داشت و به‌خصوص اعتقاد به‌تناسخ در هند مؤجد مسائل دیگر گردید. سوزاندن مرده‌ای که در ظهور بعدی مسلماً قالب دیگر خواهد داشت امری است ساده و بدون ضرر، به‌خصوص که در سرزمین هند به‌علت رطوبت، گاه از بین رفتن مواد آلی جسد به‌کندی صورت می‌گیرد و توصیه وندیداد دربارهٔ دور نگه‌داشتن بدن مرده از باران نمی‌تواند مورد توجه قرار گیرد. تفاوت کار در اینجاست که در هند خاکستر مرده سوخته را دیگر نگه‌داری نمی‌کنند، بلکه آن را معدوم می‌سازند، در صورت امکان به‌رود گنگ و در غیر این صورت به‌دریا می‌ریزند. گاندی وصیت کرده بود که خاکسترش را با هواپیما در سراسر خاک هند پخش کنند که این خود یک بدعت بود.

در عصر ساسانیان برخلاف دوران اشکانی تدفین به‌طریقه زرتشتی یک حکم و یک سنت محترم شمرده می‌شد از این‌رو قبرستانهای زرتشتی را اغلب به‌شکل مجموعه‌ای از استودانها

ملاحظه می‌کنیم درحالی که آرامگاه پادشاه (استودان اختصاصی) در نقاط دورافتاده است و تاکنون هم بنای آرامگاه معتبری راکه بر گور این شاهان ساخته شده باشد سراغ نداریم.

فرودسی از قول انوشیروان می‌گوید:[۶۲]

چو من بگذرم زین جهان فراخ　　برآورد باید مرا خوب کاخ
بجایی کزو دور باشد گذر　　نپرد برو کرکس تیز پر
دری دور بر چرخ ایوان بلند　　به‌بالا برآورده چون ده کمند

و در مجمل‌التواریخ می‌خوانیم:

نوشیروان عادل بر کوهی گویند گنبدی ساخته و او را به‌طلسم بر تخت نشانده.

در این مورد به چند نکته جالب اشاره می‌کنیم: درحالی که می‌دانیم دخمه یا برج خاموشان باید درجایی باشد که کرکسان برآن راه‌یاب باشند چرا انوشیروان خواسته است که در کاخ آرامگاهی وی کرکس تیزپر نپرد و در متن منقول از مجمل‌التواریخ: «گنبدی ساخته او را به‌طلسم بر تخت نشانده» آیا می‌توان چند استخوان بازمانده از سفره حیوانات را بر تخت نشاند؟ البته در هردو مورد توصیه وندیداد عمل شده است که بقایای جسد را در بلندی می‌نهاده‌اند.

اکنون آرامگاههای عصر ساسانی را مرور می‌کنیم:

۱ـ آرامگاه و برجهای آرامگاهی ساسانی ـ اسلامی

استاد کریمان می‌نویسد:

گویا از میان شاهان ساسانی استخوان هرمز پسر یزدگرد دوم و سه تن از خاندان او در ری نهاده شده است.

سپس از ابن اثیر و طبری و مسعودی (در مروج‌الذهب) شاهد می‌آورد که در هیچ‌یک از سه روایت عربی منقول درباره مدفون شدن هرمز و سه تن از خاندان او در ری، مطلبی ارائه نشده است، اما استاد پس از نقل این روایات می‌پرسد:

آیا تواند بود که دخمهٔ هرمز پسر یزدگرد دوم و خاندان وی را در کوه ری که بعدها به‌نام آرامگاه بی‌بی شهربانو دختر یزدگرد سوم شناخته باشند[۶۳]، و در جای دیگر درباب آرامگاه بی‌بی شهر بانو می‌نویسد:

چون در تاریخ حوادث ری، تا آنجا که عرصهٔ تتبع بر نگارنده فراخ بوده نام

بانویی بدین صورت مشهود نیفتاده، تا احتمال خلط اسم برود، از این‌رو شاید بتوان گفت که: این محل دخمه‌ای از بزرگان زردشتی بوده است و برای آنکه مسلمانان آنجا را خراب نکنند، آن را به‌عروس ایرانی خاندان نبوت نسبت داده‌اند و به‌بنای آن نیز درافزوده‌اند. وجود دخمه گبرها در آن نزدیکی در شمال مزید این نظر است و چنانکه در صفحه ۳۷۹ اشارت رفت، تواند بود که آن محل دخمهٔ فرزندان یزدگرد دوم، هرمزد و خانواده وی بوده است که در ری به‌دست فیروز کشته شده‌اند.[۶۴]

هردو دانشمند (محمدتقی مصطفوی و حسین کریمان) اثر مهم دیگری را در ارتباط با مرقد بی‌بی شهربانو معرفی می‌کنند بدین شرح:

اثر تاریخی بسیار مهم و قابل توجه دیگر در مجاورت کارخانه سیمان، چهاربنای مکعب شکل سنگی و ساده است که در پشت کارخانه سیمان به‌مسافت چندصد متری مشرق آن قرار دارد. طول و عرض و ارتفاع هریک از این چهاربنای مکعب شکل استوار، در حدود چهارمتر است و وسط آنها مانند تنور یا چاه حفره‌ای خالی وجود دارد، و به‌نظر نگارنده این ساختمانهای مرموز آرامگاههای ایرانیان صدراسلام است که دفن امواتشان مرحلهٔ تحولی را بین طرز دفن زرتشتیان با مراسم تدفین در آیین اسلام نشان می‌دهد و از نظر مطالعه در این قسمت بسیار قابل توجه می‌باشد و غیر از یکی از آنها که از وسط منهدم شده سه بنای دیگر کم وبیش صورت محفوظی دارد.[۶۵]

جز این اظهارنظر مرحوم مصطفوی که این بناها آرامگاه ایرانیان صدر اسلام است، هیچ اظهارنظر دیگری از سوی آن دو استاد نشده است درحالی که به‌احتمال قوی این بناهای سنگی ساده استودان‌های ساده‌ای بوده‌اند که در میان دخمه (برج خاموشان کوه بی‌بی شهربانو) و بنای آرامگاهی شهربانو قرار داشته‌اند، و اگر قبول کنیم که این بنا ساسانی است، و در عصر اسلام فقط عنوانش اصلاح شده و تغییر یافته است، به‌سادگی می‌توان گفت که پس از پاک شدن استخوانها در دخمه آنها را به‌این استودانها منتقل می‌کرده‌اند و از آنجا به‌بنای آرامگاهی، از همان قبیل که درباره آرامگاه خسرو انوشیروان بدان اشاره شده می‌برده‌اند. آنچه مسلم است اینست که این بناها از آرامگاههای پیش از اسلام نیستند، زیرا در عصر ساسانی بنایی که با آرامگاه به‌معنای عصر باستان و عصر حاضر جور دربیاید نداریم، چون که دفن کردن در خاک یا در تابوت پوشیده و مسدود، باید مرسوم باشد که آرامگاه به‌وجود

بیاید. از آن گذشته گوری که در میان این پایه‌ها احداث شد به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند گور باشد و بر مبنای همه سنتهای باستانی قدیم و جدید، بدن مرده مدفون شده باید پوشیده و پنهان باشد.

استاد مصطفوی با ارائه این مطلب یعنی اشاره به‌قدمت و ساسانی بودن آرامگاه بی‌بی شهربانو معتقد است که بقعهٔ بی‌بی شهربانو هم از نظر اینکه آرامگاه بی‌بی شهربانو همسر امام‌حسین است و هم از این نقطه‌نظر که منسوب به‌دختر آخرین شهریار ساسانی است مورد احترام است، یعنی به‌طور خلاصه تنها بقعه‌ای است که هم از نظر زوجهٔ بسیار عزیز حضرت سیدالشهدا(ع) نزد تمام شیعیان، مخصوصاً ایرانیان محترم بوده و هم از نظر ارتباطی که با خانواده شهریاران بزرگ ساسانی به‌آن نسبت داده می‌شود، از لحاظ ایرانیان محل بسیار مقدسی به‌شمار می‌رود. از این حیث هم که با مطالعهٔ آن تجلی مخصوص روح ایرانیان در حفظ سنن قدیمی خود، ضمن رعایت آداب و قواعد اسلامی به‌خوبی مشهود است، نمونهٔ ممتاز و تقریباً منحصر به‌فردی به‌شمار می‌رود که جنبه قدمت و تاریخی آن نیز درنهایت اهمیت باقی و محفوظ مانده است.[۶۶]

دانشمند فرزانه دکتر پرویز ورجاوند در کتاب سرزمین قزوین وقتی سخن از آثار تاریخی ناحیه رودبارالموت است، آرامگاههای واقع در گورستان شاه کوه حسن‌آباد را معرفی می‌کند، که با سنگ‌خام، سنگ لاشه و ملاط ایجاد شده‌اند، قاعدهٔ این آرامگاهها که به‌نظر استاد از عهد ساسانیان برجای مانده است، چهاربر به‌بلندی حدود دومتر است، بر روی این پایه سنگی، یک گنبد سنگی به‌بلندی چهارمتر ساخته شده و کل بنا، فقط با یک در و یک پنجره با خارج ارتباط دارد. این بنای ساسانی که حتماً آتشکده نیست چه می‌تواند باشد، خود استاد ورجاوند نیز این بناها را تحت عنوان آرامگاه عرضه کرده است، از دوره ساسانی ولی چون از دوره ساسانی آرامگاهی بدان مفهوم که ما امروز داریم برجای نمانده، این بناها هم می‌توانند استودان باشند، منتها از نوعی دیگر نه از آن نوع سه مرحله‌ای، استودان بدون برج خاموشان. بدن مردگان را در لفافی پیچیده در این بناهای مستحکم، ولی دور افتاده می‌گذاشته‌اند و به‌همین دلیل در کف این بناها که مورد کندوکاو دزدان عتیقه قرار گرفته چیزی یافت نشده است. ازین دو آرامگاه واقع در رودبار یکی دارای گنبدی مخروطی و یکی دارای گنبدی گرد است که این دومی، ساسانی معرفی شده است[۶۷] استاد ورجاوند بنای آرامگاهی دیگری را هم در صوفی‌آباد سرپل ذهاب کرمانشاه ارائه می‌کند که بسیار با آن گنبد نخستین شاه کوه شباهت دارد، یعنی بنا سنگی است، سنگ لاشه، با گنبدی مخروطی، در

گورستان شاه کوه گنبدی دیگر نیز از این گروه وجود دارد که متأسفانه گنبدش فرو ریخته است.

در همین اثر تحقیقی مهم، برج دیگری به‌نام باراجین، واقع در ۱۲ کیلومتری شمال قزوین، معرفی شده است، استاد تاریخ این بنا را سده‌های چهارم یا پنجم می‌داند، آنگاه هنگام توصیف بنا، آن را از طول به‌دو بخش می‌کند بخش پایه که از خارج با نیم ستونهای سنگی تقویت شده و بخش بالایین، حدود یک‌متر به‌بالای برج مانده یک رده سنگ خارای تراش‌دار، که با دقت خاص تراش داده شده دورتادور برج قرار گرفته است، به‌نحوی که حدود ده سانتیمتر لبهٔ آن از بدنهٔ برج بیرون آمده است. بر روی این لبهٔ سنگی شش رج آجر قرمزرنگ به‌ابعاد ۲۶/۵×۲۶ سانتیمتر چیده شده، سپس روی برج آخر با سنگ قلوه ولاشه با ابعاد کوچکتری از بدنهٔ برج، حدود سی‌سانتیمتر دیوار برج بالابه‌راه شده است. بار دیگر بر روی این قسمت، دو رج آجرچینی صورت پذیرفته و سپس آخرین قسمت بالای برج با کمک سنگ‌های لاشه و ملاط به‌بلندی نیم‌متر صورت گرفته است، با توجه به‌توضیحات استاد ورجاوند و دقت در تصویر می‌توان به‌این نتیجه رسید که در بالاترین قسمت برج یک محفظه خالی وجود داشته است. از سوی دیگر استاد درباره وضع داخل برج می‌نویسد: داخل برج را در سالهای اخیر عده‌ای به‌امید یافتن گنج کنده‌اند و داخل آن را مخدوش ساخته‌اند و مشکل می‌توان گفت که آیا در زیر آن سردابی بوده یا اینکه کف داخلی آن پائین‌تر از سطح خارجی بوده یا خیر. وسط برج در حال حاضر در طول آن خالی نیست بلکه آثار سنگی درهم گشته‌ای خودنمایی می‌نماید که در اصل می‌بایست پله مارپیچ سنگی داخل برج بوده باشد.[۶۸]

پس تا اینجا می‌توان گفت که در صحن برج آثار قبر یا سردابه‌ای برای نهادن تابوت وجود ندارد، اما پله‌ای از صحن برج تا بالای آن از داخل وجود داشته است که به کلی خراب شده و درهم ریخته و احتمالاً گنج‌یابان ابتدا کف را کنده و کاویده‌اند و چون چیزی گیرشان نیامده پله سنگی را هم از جا کنده و در پی یافتن گنج خراب کرده‌اند. آیا این پله کجا می‌رفته است؟ جز اینکه بگوییم در بالای برج محفظه‌ای به‌عنوان استودان وجود داشته و بر مبنای سنتهای کهن گذاردن جسد در بالاترین نقطه (همانند اهرام وزیگورات و آرامگاه کوروش و به‌طوری که خواهیم دید گنبد کاووس) ساخته شده بوده است.

در جای دیگر می‌خوانیم که برای ورود به‌برج بیش از یک در ورودی وجود ندارد و در

سمت چپ این در اطراف چند نیم ستون سنگی مدور، تزیبناتی مشاهده می‌شود که استاد پس از توضیح کامل درباب این تزئینات اشاره به‌طرح یک محراب می‌کند.[۶۹] محدود بودن در و پنجره دلیل بر این است که این بنا، آرامگاه از نوع اسلامی نبوده است و ارائه طرح محراب در خارج از بنا هم برای این منظور صورت گرفته که رهگذران را وادار به‌احترام بدان سازد و از تخریب بنا جلوگیری کند.

درباره این‌گونه برجهای آرامگاهی اگر سخنی از برجهای تارم در حوالی دریاچه سرسفید رودگفته نشود، مطلب ناقص خواهد ماند چه این دو بنای آرامگاهی یعنی برج سنگی کوچک شمیران و برج سنگی بزرگ یا قلعه ساسان، از بناهای مهم عصرنخستین اسلام در ایران‌زمین است و آرامگاه بزرگ یا قلعه ساسان به‌علت سخت بودن راهش تقریباً سالم مانده است و فقط به‌گنبد آن آسیب رسیده و احتمال اینکه با وجود در ورودی و پلکان، این برج نیز درگذشته استودان بوده، ابتدا برای نگهداری استخوانها و پس از ظهور اسلام برای نگهداری جسد، بسیار است. با درنظرگرفتن وضع آب و هوای این منطقه و دورافتادگی آن احتمال پیدا شدن جسد سالم بسیار است، استاد ورجاوند می‌نویسد:

> بنا بر گفته اهالی محل و متولی امامزاده قاسم در حدود ۷ سال پیش در داخل این آرامگاه، دزدان عتیقه دست به‌حفاری می‌زنند (وضع آشفته کف آرامگاه در حال حاضر مؤید این مطلب است) و درنتیجه دو جسد سالم و کامل مربوط به‌یک زن و یک مرد به‌دست می‌آید که داخل کفنی به‌رنگهای سفید و زرد پیچیده شده بودند این مطلب با توجه به‌آنچه که حدود پنجاه سال پیش از حفاریهای قلعه گبری در شهر ری به‌دست آمده انطباق دارد و می‌توان گفت که به‌دلیل کندن قبر در داخل سنگ کوه و کف برج و سپس مسدود ساختن آن به‌طور کامل، امکان سالم ماندن جسد که شاید با محلول خاصی نیز از متلاشی شدن آن جلوگیری می‌نموده‌اند وجود داشته است.[۷۰]

در برخی از کتابهای آرامگاهی بنای گور دختر و کعبهٔ زرتشت را نیز در عداد دخمه‌ها یا استودانهای عصر هخامنشی به‌حساب می‌آورند که در این‌صورت می‌توان گفت برجهای مورد بحث تحت تأثیر استودانهای زرتشتی‌اند که پس از گذشت چند قرن تغییر قیافه داده به‌جای ساخته شدن با سنگهای بزرگ که جابه‌جائی آن بسیار سخت است، با سنگ و ملاط ساخته و پرداخته شده‌اند.[۷۱]

برگردیم به‌عصر ساسانیان و مسئله آرامگاه پادشاهان ساسانی. در کتابهای تاریخ عصر ساسانی کمتر جایی است که نامی از آرامگاه پادشاهان ساسانی به‌میان آمده باشد، علت آن نیز این بوده است که در دوران حکومت ساسانیان، دین زرتشتی با سنتها و قانونهای جدید و سختگیر مانع می‌شده است که برای بزرگان آرامگاهی ساخته شود. اما استودانها بدون اینکه خود نامی داشته باشند و یا نام بزرگان مدفون در خود را داشته باشند موجود بوده‌اند، اگرچه شادروان علی سامی در جلد اول تمدن ساسانی آورده است که در کوههای تخت‌جمشید، استخر حاجی‌آباد و گرم‌آباد حفره‌هایی است که اندازه دهانهٔ آنها از ۳۰x۴۰ تا ۴۰x۶۰ سانتیمتر است و جای استخوان مردگان در ادوار پیش از اسلام بوده، در بالا یا زیر این استودانها یا خطوط درشت پهلوی نام کسی که در آنجا مدفون گردیده نوشته شده است، عدهٔ این استودانها زیاد و بیش از صد است، در کتیبه‌ای دیگر واقع در کوه مقصودآباد، دنباله کوه رحمت، یعنی صفهٔ تخت‌جمشید، شخص متوفی معرفی شده است که فقط نام پدرش گشوات برجای است.[۷۲]

در مقاله شهرهای ساسانی دکتر دیتریش هوف، هنگامی که سخن از بیشاپور است می‌نویسد که بر مبنای کاوشهای هیأت فرانسوی در سال ۱۹۲۵ و در دنباله آن باستانشناسان ایرانی، می‌توان گفت که بیشاپور مجلل‌ترین شهر بین شهرهای ساسانی است، معروف بودن این شهر به‌علت چند سنگ‌نوشته و نقش برجسته و نیز وجود غاری است که امروز غار شاپور خوانده می‌شود و مجسمه سنگی بزرگتر از حد طبیعی شاپور در جلو آن گذارده شده، این مجسمه یک پیکره منحصر به‌فرد است و غار مذکور نیز به‌احتمال آرامگاه شاپور است.[۷۳]

نمی‌دانیم که بر چه مبنایی دانشمند مذکور غارشاپور را آرامگاه شاپور می‌داند چه شاهان ساسانی هیچ‌یک دارای آرامگاه به‌آن صورت که در ذهن ماست نبوده‌اند. دربارهٔ غارشاپور نیز باید گفت که این غار یک پدیدهٔ آهکی طبیعی است که در حدود ۴۰۰ متر درازا دارد و به‌هیچوجه برای آرامگاه شدن صلاحیت ندارد، چه بسیار مرطوب است و برخلاف سنت آرامگاهی زرتشتی که توصیه می‌کند، بدنهای مرده را در جاه‌های بلند قرار دهید که گوشت و مواد فاسدشدنی آن توسط مرغان لاشخور و سگان وحشی خورده و پاک شود. آنچه معقول به‌نظر می‌رسد این است که این غار یک پناهگاه نظامی سیاسی بوده است و وجود مجسمه

شاپور در مدخل آن نیز دلیل بر آرامگاه بودن آن نیست.*

در همین مقاله درباره برج بیشاپور که بنایی است مشابه و قابل قیاس با کعبه زرتشت می‌نویسد:

(یک برج عظیم چهارگوشه به‌اندازهٔ تقریبی ۲۰×۲۰ و بلندی ۴۰ متر در مرکز شهر یعنی در مرکز نقشه کلی و در منطقه تقاطع مشترک همهٔ خطوط محورها قرار دارد که در این برج پلکانی مارپیچ بازدید کننده را به‌بخش بالایین هدایت می‌کرده است امروزه دیوارهای خارجی و پله‌ها خراب شده‌اند و فقط اطاق چهار گوشه، پلکانها به‌بلندی ۳۰ متر و پهنای ۹ متر شبیه یک ستون باریک باقیمانده است. کاربرد این برج تاکنون دقیقاً روشن نشده است به‌احتمال زیاد آن را باید در ارتباط با سعی و کوشش اردشیر که قدرت شاه ـ خدایی را معرفی می‌کرد جستجو نمود، سعی می‌شود این اثر عجیب و منحصر به‌فرد به‌عنوان مقر سمبولیک شاه در مرکز حکومتش قلمداد گردد که کنایه‌ای برای قرار دادن قانون آهورامزدا در مرکز دنیاست. به‌علاوه برج می‌بایستی کاربرد عملی هم داشته باشد به‌طوری که در.هنگام ایجاد شهر به‌عنوان نقطه اندازه‌گیری و بعداً به‌عنوان برج مراقبت برای محاصره قلعه دختر، در کوهستان شمال غربی شهر به‌کار برده شده است.[۷۴]

در تصویری که از این بنا در ص ۱۹۴ همین کتاب ارائه شده، علاوه بر حالت کنونی برج مزبور، هنرمندی طرح بازسازی این برج را کشیده است. حال با کوچکترین توجه انسان بی‌اختیار متوجه شباهت این برج (پس از بازسازی) با کعبه زرتشت واقع در نقش رستم می‌شود و ما این بنا را در بخش هخامنشیان معرفی کرده‌ایم و از قرار نوشته شادروان علی سامی این بنا یک بنای آرامگاهی است، آرامگاه شاهی، استودان، محل نگه‌داری استخوانهای مانده از جسد شاهان.

یافتن دخمه یا برج خاموشان ویژه پادشاهان ساسانی، باید در آینده صورت گیرد، اضافه می‌شود که در مقاله بالا اصولاً اشاره‌ای به‌دخمه و استودان یا هر نوع بنای آرامگاهی دیگر در عصر ساسانیان نشده است. در کتاب احیای مجدد ایران تصویر نوسازی شده برجی را می‌بینیم که در پایکولی کردستان واقع بوده و به کلی ویران شده و از میان رفته است، این بنا همانند کعبه زرتشت چهاربر است و با سنگ سفید و سیاه ساخته شده است. نویسنده کتاب در زیرنویس

---

* این پدیده طبیعی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی توسط منوچهر مهران، پدر کوهنوردی ایران کشف شد و این بنده نویسنده نیز در نوروز ۱۳۳۱ دقیقاً از آن بازدید کردم، در آن هیچ اثری از کنده کاری و نوشته و گور یا استودان وجود نداشت.

عکس این برج را بنای یادبود نرسه (نرسی) ساسانی می‌داند و می‌دانیم که نرسی یکی از زرتشتی‌ترین پادشاهان ساسانی و در حقیقت احیاکننده این آیین بوده است. حال می‌پرسیم این برج چیست؟ آیا در زمان ساسانیان نیز برای تجلیل از یک پادشاه (همانطورکه در آمریکا و اروپا اکنون معمول است) بنای یادبود می‌ساختند یا این بناکاربرد دیگری داشته است.

نویسنده نقش برجسته چهرهٔ نرسی راکه در چهار طرف بنا تعبیه شده بوده است دلیل بر این مدعا می‌داند و ظاهراً هنرمندی که تصویر نوسازی شده راکشیده توجه نداشته که این بنا باید در یا پنجره‌ای داشته باشد (همانندکعبه زرتشت که دری در بلندا داردکه دسترسی بدان برای غیرمتولیان ناممکن است.)

با توجه به‌این نکته که در آن اعصار بنای یادبود برای کسی نمی‌ساختند بهتر است قبول کنیم که این هم خود یک بنای آرامگاهی، یک استودان سلطنتی است که در مغرب ایران ساخته شده، مغرب که در مجاورت روم قرار داشته و تحکیم سنتهای زرتشتی را طلب می‌کرده است. این مسئله یعنی توجه به‌مغرب در طی چند قرن حکمرانی مذهبی ساسانیان بدان حد مورد توجه قرارگرفت که خسروپرویز مقر حکمرانی خود را به‌مغرب در محور مداین - کردستان قرار داد.

اُسکار رویتر* در بررسی هنر ایران ابتدا تصور می‌کردکه این بنا یک بنای اشکانی است اما به‌مرور زمان و یافته شدن شواهد نوین، این دانشمند نیز تغییر عقیده داد و آن را یک بنای ساسانی دانست. از قرار نوشته بررسی هنر ایران، این بنا بتخانه نام داشته است و در اصل بنای یادبود پیروزی نرسی بر بهرام سوم بوده است. اُسکار رویتر نویسنده این گفتار به‌این نکته نیز اشاره کرده است که احتمالاً این بنا، یک بنای آرامگاهی است که تحت نفوذ بناهای آرامگاهی اشکانی ساخته شده‌که خود آن بناهای اشکانی نیز احتمالاً در اثر نفوذ معماری هلنی (یونانی) ساخته شده بوده‌اند.

نویسنده‌کوشش داردکه این بنا را غیرساسانی قلمدادکند و برین مبنا آن را مشابه با بناهایی که در قلمرو شرقی جهان اسلام و هند برپای می‌دانسته‌اند می‌داند و دست‌کم کوچکترین اشاره‌ای به‌نکات مشترک این بنا باکعبه زرتشت و برجهای مشابه باکعبه زرتشت ندارد. اما آن را با برجی که خرابه‌های آن در خاک ممسنی مانده و بدان میل اژدر می‌گویند مقایسه

* Oscar Revther

می‌کند، این بنای ویران شده از عهد ساسانیان مانده است.[۷۵]

شواهدی هست که استفاده از دخمه و استودان در عصر غلبه اسلام نیز معمول بوده است. نویسنده کتاب سیراف که محور تحقیقاتش بر روی آثار بناهای یافته شده در سیراف است، سیراف را با میمند مقایسه کرده است که خلاصه‌ای از آن را می‌آوریم: شهر میمند در دوره ساسانی بنا شده و با اینکه در عصرهای گوناگون پس از اسلام همیشه دچار گرفتاری و دردسر بوده، سنت‌ها و عادات و آداب و رسوم باستانی خود را حفظ کرده است و تا قرن ششم در مقابل تمدنهای برتر مقاومت کرده است... آنگاه از قول دانشمند باستان‌شناس علی اکبر سرافراز که در این جاها کندوکاوهای باستان‌شناسی به‌انجام رسانده است، دربارهٔ آرامگاه این مردم می‌نویسد: ساکنین دره میمند جسد را در فراز کوهستان و در فضای آزاد قرار می‌دادند و پس از متلاشی شدن جسد و ریختن گوشت آن استخوان باقیمانده را در استودانهای حاشیه کوهستان به‌دژ و دخمه منتقل و دفن می‌کردند... مردمان عصر تاریخی مسکون در این محل در سراشیبی کوهستان معروف به‌راهزن و در بین تخته‌سنگهای کوه، آرامگاههای خود را اغلب به‌صورت دخمه‌های مدور از سنگ ساخته و اشیایی درون قبر گذاشته و با خاک آن را پر کرده‌اند. این گورها بیشتر به‌استودان شبیه است تا به‌قبر. قطر این استودانهای مدور یک متر و گودی آن حدود ۷۰ سانتیمتر است، که در درون برخی از آنها اصلاً اسکلتی نیست و فقط چیزهایی در درون آنها چیده شده است از جمله ظرفهای سفالی یا سنگی، نویسنده پس از بحث مفصل نتیجه گیری می‌کند که تحول با مرور زمان و با فشار تدریجی کسانی که به‌اسلام گردیده بودند استودانها را مبدل به‌گورهای اسلامی کردند.[۷۶]

۲ـ آرامگاه شاهان ساسانی از قرار نوشته مجمل‌التواریخ: (عیناً نقل شده)

هیچ نمی‌دانیم که مؤلف مجهول *مجمل‌التواریخ* از کجا محل آرامگاه پادشاهان ساسانی را یافته اما آنچه مسلم است اینست که بیشتر آنها را به‌حدس و قیاس در محل کشته شدن یا حوالی آن محل دانسته است به‌شرح زیر:

اردشیر بابک به‌استخر مدفون است و هرمزد شاپور به‌پارس نهاده است. بهرام ابن هرمزد قومی به‌پارس گویند نهاده است و بعضی به‌شام، بهرام ابن بهرام معلوم نیست، نوسر* ابن بهرام

---

* باید نرسه (نرسی) باشد.

به‌پارس، بهرام بهرامیان به‌پارس، هرمزد بن نوسه گروهی به‌شام گویند و گروهی بـه‌پارس، شاپور بن هرمزد به‌طیسفون مدفون است، اردشیر بن هرمزد به‌زمین یعسان، شاپور این شاپور معلوم نیست، بهرام بن شاپور به‌مداین، یزدجرد بهرام به‌طوس، بهرام گور گویند در شکارگاه به‌چاهی فرورفته چندانک پاک کردند از او اثری نیافتند و گویند به‌شیراز، یزدجرد ابن بهرام به‌شام و گویند به‌عراق، فیروز ابن یزدجرد به‌زمین هیاطله، بلاس ابن فیروز به‌مداین، نوشیروان عادل بر کوهی گویند گنبدی ساخته و او را به‌طلسم بر تخت نشانده هرمزد [...] روین ابـن هرمزد به‌مداین مدفون است، قباد ابن شیرویه مداین، اردشیر ابن شیرو، به‌مداین شهر بـراز معلوم نیست، بوران دخت و آذرمیدخت دختران پرویز به‌مداین، کسراهم به‌مداین، یزدجرد به‌ولایت مرو کشته شده و آنجا مدفون است.[۷۷] در این میان فقط انوشیروان است که گفته شد برای آرامگاه خود گنبدی ساخت و قصه‌ای نیز از دخمهٔ وی موجود است.

پیش از اینکه دخمهٔ انوشیروان را معرفی کنیم به‌نقل مطلبی از مجمل‌التواریخ می‌پردازیم که تا حدودی می‌تواند به‌مسئله استودان، دخمه و آرامگاه در عصر ساسانیان مربوط باشد و نقاط تاریک آن را روشن سازد.

۳ـ قصه دخمه به‌روایت پسر پادشاه حمیر

چون عبدالملک پسر مروان در سلسله امویان به‌خلافت نشست و خیال کشف شهر رویین افتاد که منسوب بوده است به‌اسکندر و به‌قولی حضرت سلیمان. چه در خزانه کتابی درین باره یافته بود. ازین روی وزیر خود را با چهار هزار سوار و یکساله برگ راه پیش پادشاه حمیر (از شبه‌جزیره عربستان) فرستاد و وی با پادشاه حمیر و پسرش که بعد جانشین وی شد ملاقات کرد و این پسر داستانی برای وزیر عبدالملک گفت کـه مـحتوای آن مـوردنظر، است، از این‌روی که حکایت مربوط است به‌عصر ساسانیان و بخش بزرگی از عربستان نیز در عصر ساسانیان جزو قلمرو ایران بوده است.

پادشاه جوان داستان خود را چنین آغاز کرد:

> چون از پدر پادشاهی با من افتاد و مدتی برآمد و کارها نظام گرفت مرا دیگرباره هوس بازرگانی خاست، ملک به‌وزیر سپردم و کشتی‌ها راست بکردم...

دنباله قصه را کوتاه شده ارائه می‌کنیم:

کشتیها دچار طوفان شده و وی با وضع معجزه‌آسایی نجات می‌یابد.* مرغی بزرگ می‌آید و بر درخت (درخت بزرگی که پایش گردابی بوده و کشتیها را می‌بلعیده است) می‌نشیند و وی به‌امید نجات همان شب یا شبی دیگر دستار خود را گشوده در آن هنگام که مرغ خفته است برپای مرغ استوار کرده و یک سر دستار را بر کمر خود محکم می‌کند، بامداد مرغ پرواز کرده او را به‌هوا می‌برد و پس از دیرزمانی که مرغ به‌هوای طعمه به‌زمینی فرود می‌آید وی خود را از مرغ جدا ساخته به‌زمین می‌افتد عاقبت به‌سرزمینی می‌رسد که مردم آن شهرستان سرهاشان چون سر اسب است و به‌شهری از آن سرزمین می‌رود. مردم آن دیار با وی مهربانی می‌کنند و رییس شهر با وی دل خوش کرده زنی به‌او می‌دهند و رسم چنان بوده است در آن شهر که اگر یکی از زوجین بمیرند دیگری را با وی در دخمهٔ عمیقی که برای این کار در دامن کوهی مهیاست و سر آن با سنگی عظیم پوشیده زنده به‌گور کنند و نان و آب سه روزه نیز با جسد مرده فروگذارند و سر چاه را بدان سنگ بپوشند. از اتفاق بد زن مرد جهانگرد مرد و او را با نعش زن و آب و نان در آن حفره فرومی‌گذارند و سنگی بر سر چاه استوار می‌کنند. مرد مسافر دخمهٔ وسیعی می‌بیند که پراز استخوانهای مردگان است. وی خود را نباخته آب و نانی راکه دارد به‌کمال اقتصاد و صرفه‌جویی مصرف می‌کند و جای آسایش برای خود می‌سازد و کاردی تدارک دیده مترصد می‌شود تا هر زنده‌ای راکه فروگذارند کشته آب و نان او را متصرف شود. اینجاست که کتاب گوید از قول آن مرد که جایی برای خواب و راحت از استخوان مردگان خالی کردم.

و دنباله مطالب از *مجمل‌التواریخ*:

رخت بنهادم و بهردو روز هرکسی راکه زنده در آنجا افکندند حالی بدان کارد بکشتمی و نان و آب سه‌روزه برگرفتمی تا یک روز زنی راکه زن خواهر (خواهرزن) من بود زنده با شوهر مرده در آنجا افکندند و چون او مرا بدید باز شناخت و من به‌رضای وی با وی عقد بستم و او را بخواستم و هم بر آن قاعده می‌رفتم و مرا از وی فرزندان آمدند و بعد از آن درایستادم و درگوشهٔ چاه همه‌روزه نقیب می‌گرفتم بدان کارد تا آخر سوراخی برکنار دریا کردم...

استاد بهار در پانویس کتاب این یادداشت را افزوده‌اند... در *الف لیله* حکایت زن

* یادداشت روانشاد ملک‌الشعرا بهار: از اینجا ظاهراً ورقی یا بیشتر افتاده و ادامه آن براساس سندباد بحری تدارک شده است مجمل ۵۰۵.

گرفتن نیست و سبب نجات را چنین گوید:

روزی در آن تاریکی حِس حرکتی وهمی کردم و شبحی دیدم آن را دنبال کردم حیوانی دیدم که به‌طمع مردگان در آن دخمه راه یافته بود پی او را برگرفتم سوراخی یافتم که از پشت کوه که دخمه زیر آن است به‌سبب حیوانات کنده شده است، آن سوراخ را بشکافتم و مدتی رنج بردم تا از آن بیرون آمدم...»*[78]

نویسنده کتاب سیراف برمبنای شایعه‌ای که در بین مردم سیراف دهان به‌دهان گردش کرده و به‌ما رسیده است دخمه‌های جدیدی را ارائه می‌کند که تابه‌حال نظیرش را در جایی ندیده و نشنیده‌ایم، خلاصه مطلب ارائه شده این است: این نوع دخمه‌ها و مغاره‌ها را در محل به گویش محلی سیراف خونه گوری (خانهٔ گبری) می‌گویند زیرا معتقدند که گبرها (انسان‌های پیش از اسلام) را در این دخمه‌ها می‌گذاشتند و به‌همین دلیل به آن دخمه خونه گبری گویند... امروز در میان مردم سیراف چنین گفته می‌شود که در زمان قدیم پیرمردها و پیرزنها را که سنی از آنها گذشته بود و قدرت کار کردن نداشتند و حتی نمی‌توانستند بایستند و راه بروند به‌درون این دَخمه‌های تاریک که اغلب در دامنه ارتفاعات و مسیر رودخانه‌های خشک شده ایجاد گردیده‌اند، می‌بردند و در آنجا می‌گذاشتند و می‌آمدند. فقط روزانه یک بار برای این پیران فرسوده غذا می‌بردند و آن انسانهای سالخورده بدبخت در همانجا می‌خوردند و در همانجا نیز کثافت می‌کردند و دچار بیماریهای گوناگون می‌شدند و به‌زندگی رقت‌بار خود پایان می‌دادند و جسدشان در همانجا می‌ماند تا پوسیده شود یا طعمه ددان و لاشخوران پرنده گردد.[79]

درباب تبدیل یک دخمه گبری به‌یک بنای اسلامی به‌نقل حکایتی می‌پردازیم که نظام‌الملک در سیاستنامه آورده است بدین شرح:

در شهر ری به‌روزگار فخرالدوله که صاحب عباد وزیر او بودگبری بود توانگر که او را بزرجومید گفتندی و برکوه طبرک ستودانی کرد از جهت خویش و امروز برجایست و اکنون آن را (دیدهٔ سپاه سالاران) خوانند، بر بالای گنبد فخرالدوله نهاده است و بسیار رنج و زر هزینه کرد بزر جومید تا آن ستودان به‌دو پوشش برسد آن کوه تمام کرد، و مردی بود که محتسبی کردی، او را با خراسان گفتندی. آن روز که

---

* احتمال وجود چنین نظامی که زن یا شوهر را با همسر زنده در دخمه می‌انداختند، با توجه به‌ارتباط فرهنگی اقتصادی جنوب عربستان و هند و رسم سنتی سوزاندن زن با شوهر مرده، هست.

آن ستودان تمام شد، به‌بهانه‌ای بر آنجا شد و بانک نماز بکرد بلند و ستودان باطل گشت و بعد از آن ستودان را دیده سپاه‌سالاران نام کردند.[۸۰]

استاد کریمان بر مبنای پژوهشها و نوشته‌های شادروان مصطفوی برج نقاره‌خانه را که بنایی دیلمی ـ سلجوقی است همان ستودان برج امید می‌داند و یکی از دلایل وی وجود کاشیهای معروف به‌طلایی در حاشیه بالای برج بوده است که حدود ۶۰ سال پیش کنده و برده‌اند، این کاشیها به گفته نظام‌الملک که درباره بزرجومید نوشت: بسیار رنج و زر هزینه کرد، مطابقت دارد.

مؤلف کتاب سیراف نیز پس از اشاره به‌تخت کیقباد در سه کیلومتری مغرب اوشان که تصادفاً معلوم شد یک گورستان یا مجموعهٔ استودانی زردشتی ساسانی است این بحث را این‌چنین ادامه می‌دهد:

با توجه به‌آنچه دربارهٔ دفن اموات پیش از اسلام در کوهستان‌ها ذکر نمودیم معلوم می‌شود که ترتیب مقابر اسلامی در عهد دیلمیان و سلجوقیان در کوهستان کنار شهر ری و خارج آن نمونه‌ای از تأثیر آداب و سنن ایرانیان پیش از اسلام در قرون اولیه اسلام بوده است و بدین قرار مردم ایران یکباره عادت دفن زرتشتیان را ترک نکرده‌اند، بلکه تا مدتی اموات را در کوه دفن می‌کرده‌اند، منتهی چگونگی سپردن آنها و جهت مقبره مطابق آیین اسلام صورت می‌گرفته است و این طرز تدفین که برخی آداب پیش از اسلام را توأم با موازین اسلامی دربرداشته در کوههای مجاور شهری به‌خوبی نمودار است و بقعه بی‌بی شهربانو نمونهٔ موجود و محفوظ آن است که جنبه تبرک هم دارد و مورد احترام عموم و زیارتگاه مردم صاحب اعتقاد است.[۸۱]

در پایان این بخش مربوط به‌آرامگاه ساسانیان روایتی را ارائه می‌کنیم که گرچه به‌ظاهر خیالی و افسانه‌ای است اما در آن مطالب و نکات مهمی نهفته است که جز به‌خواندن و اندیشه کردن آنها را درک نتوان کرد.

۴ـ حکایت دخمهٔ انوشیروان

«گویند مأمون خواست که بنای مداین و آن قصرها و کاخهای انوشیروان ببیند، حسن ابن سهل کاتب و احمد ابن خالداحول را با خود ببرد و آن کاخها و بناها می‌دیدند و تعجب می‌نمودند. بعد از آن گفت مرا باید که زیارت انوشیروان کنم گفتند: فلان جای مردی است پیر و او داند که دخمهٔ انوشیروان کجاست. او را بیاوردند. چون پیش مأمون آمد به‌زبان عجم بر مأمون ثنا گفت، پس گفت: پدر من دخمه‌بان انوشیروان

بود و به‌میراث به‌من رسیده است و اندرزنامهٔ او من دارم، گفته است که پادشاهی از پادشاهان عرب از خویشان پیغمبر مرا زیارت کند و نشان‌ها داده است و توبه آن کس می‌مانی. مأمون را عجب آمد و بفرمود تا او را سه روز مهمان داشتند. پس پیر را پیش خواند و گفت: دخمهٔ انوشیروان بمانمای، پیر گفت: در کوهی است و از اینجا تا آنجا پنجاه فرسنگ است و چون آنجا روی دره‌ای است، بالای آن دوازده فرسنگ بر بالای آن کوهی است هفت‌فرسنگ و دخمه بر سر آن کوه است. خانه‌ای است از سنگ خاره تراشیده و کوشکی سیصدگز، زمین اودرسیم گرفته. سقف آن به‌زر و گوهرهای قیمتی آراسته و تختی از زر و مروارید در پیشگاه نهاده و جامه‌های زربفت به‌جواهر آراسته بر آن تخت افکنده و شاهنشاه بر آن تخت است که به‌زندگانی داشت و تاج بر سر بالین آویخته و تن او را به‌داروها اندوده‌اند که هرگز تباه نگردد و متغیر نشود و در آن کوشک طلسم‌ها ساخته است که کس در آنجا نتواند رفت مگر آن پادشاه تازیان که او نشان داده است و من این نشانها هم در تو می‌بینم.

مأمون گفت: تو را رنجه باید شدن و راهنمایی کردن، پیر گفت: راه آن کوه ویران کرده‌اند تا کسی بر آنجا نتواند شد، تدبیر آن باید کرد تا آن راه آبادان کنی. مأمون فرمود تا آلت و استادان و کارگران و چوبها جمع کردند و بر شتران نهادند و مأمون و خاصگینانی چند و آن پیر برفتند. چون به‌پایان کوه رسیدند آن راهها بساختند. چون تمام شد مأمون با سه کس و خادمی جُنیبَتی در دست گرفته روان شدند و بیست تا جامهٔ زربفت و چندمن کافور و مشگ و عنبر با خود ببردند و چون به‌نزدیک دخمه رسیدند، مأمون پیاده شد تا به‌در دخمه رسید. پیر گفت اگر تو آنی که او نشان داده است حلقهٔ در بگیر و بجنبان، مأمون حلقهٔ در بگرفت و بجنبانید. کلیدی از بالای دربیفتاد. پیر گفت: درست شد که تو آنی که او نشان داده است. دربگشادند چند سوار دیدند با سلاح تمام به‌طلسم کرده، بر خود بجنبیدند و حمله کردند. پیر مأمون را گفت تازیانه از دست بیفکن، بینداخت، ایشان ساکت شدند. از آنجا درگذشتند به‌میان سرا رسیدند بر گوشه صفه چهار شیر بدیدند که آهنگ ایشان کردند. پیر گفت: آستین خود بر ایشان افشان، بیفشاند ایشان ساکن شدند. چون به‌دخمه رسیدند چهارپاره شمشیر نیز از بالای درآویخته بود، می‌آمد ومی‌شد که کس را زهره نبود که بدان نزدیکی شدی. پیر گفت دستار از سر فروگیر گستاخ درآی. دستار از سر فرو گرفت. شمشیرها ساکن شدند درآمد و آن عجایب‌ها از بساط و فرش و آلت‌های زرین، و میان سراخشتهای زرین و سیمین افکنده و دیوارها به‌جواهر قیمتی مرصع کرده بدیدند و پنج غلام به‌طلسم با سلاح از دست راست تخت ایستاده و پنج از چپ و پنج از پیش و پنج از پس همه بر خویشتن

بجنبیدند و آهنگ ایشان کردند.

پیر گفت: یا امیر آواز ده و بگوی که من کیستم. مأمون آواز داد و از هیبت بیهوش گشت و چنان پنداشت که او زنده است بعد از آن مأمون به‌سه جایگاه خدمت کرد و تواضع نمود و بر گوشهٔ تخت رفت و نبشت و حسن سهل و احمد خالد بر پای ایستادند. مأمون در روی شاهنشاه می‌نگریست و جامه‌های او را می‌دید بعضی تباه شده بود. مأمون جامه‌های نو بر وی افکند و تخت او بپوشانید و کافور و مشک و عنبر بر آنجا پراکند و از هردو جانب سفیدی در محاسن انوشیروان درآمده بود و عصابه از دیبای بر سر وی بسته، چهار سطر از مروارید بر آنجا دوخته بر شکل کتابت. مأمون در وی می‌نگریست و این آیت می‌خواند که: (إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ)

بعد از آن پیر گفت: این نوشته که بر این عصابه است برخوان، برخواند یک سطر این بود: (گیتی که یزدان کرد مرا چه کوشش) دوم نوشته بود: (عمر تمام نیست مرا چه خواهش) سیوم (گیتی جاوید نیست مرا چه رامش) (چه شاید کرد که نشاید دانست) و هر دو دست بر سینه نهاده و انگشترین گوهری در وی نشانده که هزار روزن از او روشن بود. مأمون به‌تعجب به‌هر طرفی می‌نگریست، لوحی دید از زر به‌خطی روشن نوشته بود که پس از مرگ من به‌چندین سال پادشاهی از پادشاهان عرب بیاید و زیارت ما کند و ما را جامهٔ نو پوشاند و خوش‌بوی گرداند. صفت او چنین بود و نام نسب او تا دم آخر چنین ـ نگاه کردند این خود صفت مأمون بود، هرچند در کالبد ما جان نباشد که عذر او خواهیم و او را مهمان داریم، اما این نوشته که در زیر زانوی من است پای مزد اوست، برگیرد و عذر ما بپذیرد. و دیگر آنکه سه کس با وی باشند: یکی ناقص بود با ما خیانت کند. پادشاه تازیان باید که سزای او بدهد.

مأمون چون آن لوح برخواند، دست در زیر زانوی او کرد. سنگی دید بر آنجا نوشته که در این کوه به‌فلان جایگاه ده گنج از زر و جواهر و سیم است بردارد و ما را معذور دارد. مأمون آن خط برداشت و زانو و دست او ببوسید. خدمت کرد و بازگشت. چون بیرون آمد خادم خواهش کرد تا زیارت کند. چون باز می‌گشت انگشتری انوشیروان بیرون کرد و پنهان داشت. چون در راه شدند مأمون با حسن و احمد گفت: بزرگوار پادشاهی که او بوده است دانا به‌همه‌چیز. اما این سخن مشکل است که گفته است ناقصی با من خیانت کند و سخن او دروغ نباشد. اندیشه کنید تا این چه تواند بود. گفتند: ناقص خادم است، ندانیم تا او چه کرده است. خادم را

پرسیدند و در وی بجستند، انگشتری انوشیروان با او یافتند. مأمون پیاده بازگشت و کنار تخت او بوسه داد و انگشتری در انگشت او کرد. چون نگاه کرد بر چهار گوشهٔ تخت چهار سطر نوشته بود: (هر که را پادشاهی نیست کامرانی نیست، هر که را زن نیست کدخدایی نیست، هرکه را فرزند نیست شادمانی نیست، هر که را این هر سه نیست بیماری نیست).

پس مأمون بیرون آمد و این آیت می‌خواند: وماالحیوة الدنیا الامتاع‌الغرور و چون به‌این گنجها رسید چنانکه نشان داده بود برگرفت و شتران و چهارپایان پر از زر و جواهر کرد. و گویند توانگری مأمون و فرزندان او و اسبالی که ساختند جمله از آن بود. و چون به‌مداین رسید فرمود تا خادم را مثله کردند و بر درختی درآویختند تا مردم عبرت گیرند و آن راه که بر آن کوه کرده بود فرمود تا خراب کردند و آن پیر عجمی را بسیار نواخت.[۸۲]

در اینجا حکایت دخمهٔ انوشیروان به‌پایان می‌رسد و اگرچه نمی‌توان بدان تحقق داد اما از آن مطالب بسیار استدراک می‌شود.

حمید ایزدپناه مؤلف دانشمند آثار تاریخی لرستان در فصل دهم در جلد دوم کتاب، تحت عنوان: آیا غار یا دخمهٔ محل دفن(؟) انوشیروان پادشاه ساسانی در لرستان است، پس از ارائه حکایت دخمه انوشیروان و اشعار فردوسی در این‌باره نتیجه می‌گیرد که در کوه گور در جنوب لرستان، در شصت فرسنگی تیسفون در کول کنی ماژین گور و به‌عبارت بهتر دخمه انوشیروان برجای مانده و به‌تفصیل درین باره و درباب سفرهای علمی برای کشف این دخمه توضیح می‌دهد که نقل آن درین مقدمه ضرور نیست.[۸۳]

سه بیت از اشعار فردوسی درباره دخمهٔ انوشیروان را در صفحات گذشته نقل کردیم و اکنون در پایان این فصل بیتهای دیگر آن را نیز ارائه می‌کنیم:

نبشته برو بارگاه مرا / بزرگان و جنگی سپاه مرا
وزان پس برآرید درگاه را / نباید که بیند کسی شاه را
دگرگون بود کار آن بارگاه / نیابد کسی نزد ما نیز راه
ز فرزند و از دودهٔ ارجمند / کسی کش زمرگ من آید گزند
بیاساید از بزم و شادی دوماه / که این باشد آیین پس از مرگ شاه
فراوان برآن عهد هرکس گریست / پس‌ازعهد یکسال کسری بزیست[۸۴]

فصل دهم

آرامگاه و آرامگاه‌سازی از آغاز عصر اسلامی تا دوره سلجوقی
(بخش نخست از مرحله سوم)*

(صاحب را چون مرگ دررسید به‌نمازگاه بردند، فخرالدوله و همگی اعیان دیلم پیشاپیش جنازه می‌رفتند و زاری می‌کردند مرقدش را با زنجیر از سقف خانه‌ای درآویختند و تختی در زیر آن نهادند...**[۱]

در آغاز این پیشگفتار به‌اهمیت بناهای آرامگاهی ایران اشاره شد و اکنون نظر یک دانشمند بزرگ در سطح جهانی را که با شادروان پوپ در تألیف کتاب بررسی هنر ایران همکاری داشته است ارائه می‌کنیم: این دانشمند یعنی ارنست دیز*** می‌نویسد:

در سراسر جهان اسلام، بناهای تاریخی برجای مانده در ایران را باید مهمترین مجموعهٔ آثار تاریخی در جهان دانست و این اهمیت مرهون غنا و تنوع و عظمت خود بناهاست که براساس دو عامل مهم تکوین شده و استواری یافته است.

یکی استعداد و نبوغ معماران ایرانی که ریشه‌های آن را باید در جهان پیش از درخشش اسلام جستجو کرد، دوم اختراع و به‌کارگیری آجر در آب و هوایی مساعد و غنای شگرف ایران‌زمین در تدارک مواد اولیه آجر. فراموش نکنیم که درین میان آرامگاهها دارای مقامی شایسته هستند، چه این بناها در میان همه بناهای تاریخی پس از مسجد در زمره مهمترین‌اند.[۲]

عامل سوم که، بدان می‌افزایم عشق، علاقه باطنی و ایمان پابرجای استادکاران سازنده بنا بوده است.

---

* عصر اسلامی یک (از آغاز اسلام تا ترکتازی مغولان)

** و پس از مدتی به‌اصفهان نقل کردند، مردم ری تا چند روز در دکانها هستند و به‌سوگ نشستند... از تاریخ گزیده ۴۲۵. محل آویختن جنازه کتابخانهٔ صاحب بود و پس ازین به‌روضهٔ صاحب معروف گردید. ری ۳۵۹.

*** Ernst Diez

برخلاف تصور اولیه هر محقق که تصور می‌کند باید آرامگاه‌سازی را در ادوار گوناگون و به‌اشکال مختلف مورد مطالعه قرار داد، با توجه به‌آنچه تاکنون گفته‌ایم به‌این نتیجه می‌رسیم که تفکیک اعصار آرامگاهی به‌سادگی امکان‌پذیر نیست و همانطور که تغییر روشهای حکومت و روی‌کار آمدن سلسله‌ها و نظامات جدید درین تغییرات مؤثرند، خود مسئله تطور و تکامل بناها نیز بر مبنای اعتقادهای سنتی و جدید را نیز باید در مدنظر داشت، مثلاً از عصر کوروش تا عصر داریوش فاصله زمانی چندانی نیست اما چطور شد که مرده ریگ کوروش از اعصار زیگوراتها و اهرام به‌طور مشخص در آرامگاهش تجسم یافت، اما در عصر داریوش به‌کلی شکل و قیافه و ماهیت آرامگاهها عوض شد.

ظهور آیین زرتشتی و منع سوزاندن و به‌خاک سپردن بدن مرده‌ها به‌حدی درکار آرامگاه و آرامگاه‌سازی مؤثر بود که دامنه گذاردن مرده در دخمه به‌جای گور که از زمان اشکانیان آغاز شده بود تا قرنهای نخستین پس از اسلام ادامه یافت، بگذریم از اینکه به‌نحوی افسانه‌ای، دخمه انوشیروان که در تاریخ بناکتی آمده است، می‌تواند خود یک نوع ارائه‌کردن آرامگاه مجلل و مفصل شاهانه باشد که بعد زمانی آن از عصر خسرو انوشیروان است تا عصر مأمون عباسی. ما در فصول گذشته این تحقیق به‌دخمه‌ها و استودانها و آرامگاههای دست‌ساز حاوی بقایای جسد مردگان در عصر اسلامی اشاره کرده‌ایم و اکنون توجه شما را به‌این نکته معطوف می‌داریم که در تمام قرنهای حکمرانی اشکانیان و ساسانیان و چند قرن اول درخشش اسلام، این سنت مهم گذاشتن مرده در دخمه با قدرت جریان داشت و فقط نظامات سخت و بهداشتی اسلام بود که نه‌تنها موفق شد خاکسپاری ساده را که از عصر پیامبر برجای مانده بود همه‌گیر سازد، دست‌کم در ایران مسئله برج خاموشان یا دخمه و استودان را نیز منسوخ گرداند، به‌طوری که امروز فقط در شهر بمبئی یک برج خاموشان فعال وجود دارد که آن‌هم موجودیتش مورد اعتراض مردم بمبئی قرار گرفته است و دیر یا زود متروک و منسوخ خواهد شد.

نکته‌ای را که باید درین مقدمه بدان اشاره داشته باشیم مسأله سپردن بدن مرده است به‌طور موقت، که خوشبختانه در عصر حکومت جمهوری اسلامی ممنوع و منسوخ شده است. در عصر قاجاریه که این رویه ادامه داشت خود یکی از بهانه‌های استعمارگران برای سرکوفت و سرزنش مسلمانان شیعی ایران بود و ازین رویه انتقادهای سخت شد، و حتی در

عصر پهلوی‌ها نیز با وجود مخالفت گروهی از روحانیون ادامه داشت، البته بسیاری از سپردگان در گورهای موقت همان‌گونه می‌ماندند و این سنت نگه‌داری در سردابه‌ها و برجهای دورافتاده یک تبلور دخمه گذاری ساسانی و همزیستی با آئین شیعی ایران بوده است.

اکنون آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر اسلامی متقدم را بررسی می‌کنیم.

آرامگاه‌سازی در صدر اسلام مرسوم نشد، پیامبر بزرگ اسلام با خاکسپاری مجلل مخالف بود همان‌گونه که با شیون و زاری فراوان نیز موافقت نداشت، این سنت شبیه‌سازی وندبه یادگار اعضای پیش از اسلام ایران است و ایرانیان که همیشه از نفوذ مداخله بیگانگان و ظلم و ستم ایشان در عذاب بودند خاطرهٔ فداکاریهای دینی و ملی خود را زنده نگاه می‌داشتند. خاطره کشته شدن سهراب و قتل فجیع سیاوش و مبارزه و کشته شدن اسفندیار و پشوتن و برادرش در راه حفظ ایران و گسترش آیین زردشتی، به‌سادگی و با اصالتی باور نکردنی به‌اسلام شیعی انتقال یافت. حفظ این خاطره‌ها در ذهن جامعه ایرانی برای اذعان به‌حضور خداوند و قدرشناسی از کسانی که خود را فدای منافع و تمنیات دینی و ملی خویش کرده‌اند طی قرنها به‌شکل یک سنت دینی و ملی تکوین یافت و حفظ شد.

حضرت محمد(ص) را طبق وصیتش در خانه خودش به‌خاک سپردند وصیت رسول اکرم حاوی نکات مهمی بود، از جمله برجسته نبودن سطح گور از زمینهای اطراف و به‌خاک سپردن بدن مرده فقط با یک کفن سفید ساده در اولین فرصت.

دکتر هیلن براند که مقاله‌ی تحقیقی مهمی درباب آرامگاه دارد درین باره می‌نویسد:

> برمبنای سنتهای اسلامی جسد مرده را باید در گوری، همسطح زمین بلافاصله پس از مرگ بدون تشریفات فقط با کفنی سفید به‌خاک سپرد... اما این سخت‌گیریها با رویهٔ عمومی کارهای تدفینی مرسوم بین اعراب آن زمان در تضاد بود، شیون بسیار برای مرده پاره کردن لباس، کندن موی و خراشیدن صورت و پاشیدن خاک و خاکستر بر روی عزاداران، عملی رایج در میان اعراب بود. اما پاره‌ای از این رسوم نیز انعکاسی از محیط ایران باستان را در خود داشت مثلاً آداب و شعایر رسمی شیون و زاری برای مرگ سیاوش به‌طرز شگفت‌آوری آینده آیین شیعه را پیشگویی کرده است...)[۳]

در ارداویرافنامه که کتابی است مربوط به‌آیین زرتشتی، مشابه کمدی الهی دانته، موبدی به‌نام ارداویراف به‌جهان دیگر می‌رود از بهشت و دوزخ و برزخ و پل چینوت بازدید می‌کند و

به‌جایی می‌رسد که گناهکاران را مجازات می‌کنند و ملاحظه می‌کند که یکی از سخت‌ترین مجازاتها را نسبت به گروهی عملی می‌کنند که در مویه وزاری و موی سرکندن و لباس دریدن اقدام و افراط می‌کنند[۴].

می‌دانیم که در آیین زرتشت جایی به‌نام آرامگاه وجود ندارد و بدن مرده باید دراختیار ددان و مرغان هوا قرار گیرد که گوشتهای آن را بخورند و استخوانها در جایی گردآوری و با احترام نگه‌داری شود و هرگز نباید آب و آتش و خاک با بدن انسان مرده آلوده گردد. بدیهی است روش خاک‌سپاری سنتی اسلامی به‌مراتب از روش سنتی زرتشتی، نهادن در دخمه، ساده‌تر و بهتر بوده است و بدین‌روی مورد استقبال ایرانیان قرارگرفته و عمومیت یافته است، چه به‌مرور زمان و باگذشت قرنها و هزاره‌ها هرچه بر تعداد مردمان افزوده شد از تعداد ددان و مرغان هواکاسته شده و بدنها می‌مانده و اشکالاتی ایجاد می‌کرده است که تحولی و تغییری اساسی را می‌طلبیده است.

در اینجا لازم است اشاره‌ای به‌روش سنتی زرتشتیان در عصر حاضر کرده شود در ایران، درکوه بی‌بی شهربانو از قدیم یک برج خاموشان وجود داشته است برای عرضه کردن بدن مرده به‌مرغان هوا که امروز این روش در ایران متروک شده است. اما در بمبئی هنوز برج خاموشان هست و آن عبارت است از محوطه‌ای کاملاً مسدودگرد، با دیوارهای بلند که فقط مرغان هوا بدان راه یابند، درین فضای دایره‌وار یک ردیف کامل محفظه سنگی گود شده برای مردان، یک ردیف کوچکتر برای زنان و یک ردیف کوچک برای بچه‌ها درست شده و در محوطه وسط این دائره، محفظه‌ای است که استخوانها در آنجا جمع می‌شود، یعنی بارانهای موسمی سطح این دائره بزرگ را شست‌وشو می‌کند. جز چهار روحانی زرتشتی که به کمک نردبان جسد را به‌داخل محوطه می‌رسانند هیچ‌کس حق ندارد که از برج خاموشان بازدیدکند. منطقه‌ای که این برج در آن قرار دارد در قلب شهر بمبئی در روی یک بلندی است با باغی بزرگ از درختان کاج که تقریباً هیچ مشرفی ندارد، مالکیت این منطقه متعلق است به‌پارسیان اما شهرداری بمبئی سالهاست که مدعی شده و وجود این دخمه را در چین محلهٔ مرغوب و سکونتی زیان‌بار می‌داند. فعلاً در حدود چندصد کرکس و عقاب هستند که می‌توانند روزانه سه چهار نفر مرده پارسی را بخورند، اما افتادن گوشت مرده‌ها در نقاط مختلف بمبئی مورد اعتراض مردم است و تصور می‌شود که ادامه این ترتیبات در آینده غیرممکن باشد.

سخن از تداوم و تطور و تکامل آرامگاهها بود و دیدیم که در عصر آغازین اسلام آرامگاه‌سازی در گستره تمدن و فرهنگ ایرانی با دو منع شدید روبه‌رو بود، نخست سیره پیامبر اکرم و منع هر نوع تجمل‌گرایی، دوم منع اکید آیین زرتشتی که اصولاً تاسیس بنای آرامگاهی را غیرشرعی به‌حساب می‌آورد، اگرچه درگذشته بناهای آرامگاهی تنها بدون قبر، در جهان آن روز ایران زرتشتی و اسلامی وجود داشت، آرامگاههایی که در حقیقت استودانهای مجلل بود.

دکتر هیلن براند درباب تداوم سنت‌های آرامگاهی و تکامل فن آرامگاه‌سازی اسلامی چنین اظهار عقیده می‌کند:

> همانگونه که انتظار می‌رفت مدفن خود پیامبر که در درون خانه‌ای واقع شده بود مورد احترام قرار داشت و به‌ویژه هنگامی که آن خانه، در عصر حکمرانی ولیدبن عبدالملک از خلیفه‌های اموی به‌مسجدالنبی تبدیل شد، محرابی در آن ساخته شد که خود یادآور مکان قبر بود. در سده نخستین اسلام همان‌گونه که قابل پیش‌بینی بود، قبرهای دیگر از آن مقامات عالیه مذهبی چون اصحاب پیامبر یا اهل بیت مشخص شدند و برای اینکه محل خاک‌سپاری ایشان معلوم باشد آن را با فروکردن چوبی عمودی مشخص می‌کردند، عملی که در خیلی از جوامع حتی هنوز هم معمول است و نمونه‌هایی از آن در آسیای مرکزی در عصر حاضر موجودیت و استمرار دارد. این عمل را این‌گونه توجیه می‌کردند که سایه از برکات بهشتی است و این سایه‌بانهای روی قبر می‌تواند تفسیری بر قرآن درین مورد بخصوص باشد.[۵]

شاید بتوان گفت که نصب سنگ‌های دراز نوشته دارد یا بدون نوشته نیز در این مورد باید بیشتر مورد توجه و بررسی قرار گیرند. سنگهای افراشته و سنگهای خوابیده، که هریک مشخص خصوصیات سنتی یکی از شاخه‌های فرعی اسلام است. البته نباید فراموش کرد که این سنگ‌افراشتهای بدون دستکاری، در بیشتر جاهای ایران یافته می‌شوند و احتمالاً قدمت آن به‌اعصار پیش از باستان می‌رسد که در دوره اسلامی نیز موجودیت خود را حفظ کرده با تزیینات و تراش‌کاریها عرضه شده‌اند.[۶]

سپس هیلن براند چنین ادامه می‌دهد:

> بدین نحو منع اصلی، به‌گونه‌ای محسوس مورد تجاوز قرار گرفت، لکن این کار در زمینه‌های مذهبی، به‌صورتی معصومانه انجام پذیرفت و تنها مسئله گذشت زمان بود که این سایه‌بانهای کوچک پارچه‌ای روی قبرها را به‌شکل بناهای باشکوه آرامگاهی درآورد، به‌نوعی که در نزد دانشمندان غربی گورهای سایه‌بانی نام

گرفته‌اند. باز درین حال آن محدودیتی که پیغمبر فرموده بود با تعبیه‌هایی که طعم مغالطه داشت، کنار گذاشته شد و چنین استدلال می‌شد که چون زمین بالای گور در معرض باد و باران قرار دارد، احداث سایه‌بانی جایز است. با گذشت زمان وسیلهٔ دیگری برای محترم ساختن آرامگاه پیدا شد محرابی بدان افزوده گردید و بدین‌ترتیب مدفنی (که اغلب یکی از مشاهیر غیردینی در آن به‌خاک سپرده شده بود نه شخص مذهبی) به‌عبادتگاهی مبدل می‌شد و این عمل را حدیث مستحکم، هر جا می‌تواند مسجد شود، صحنه‌گذاری می‌کرد. بسیاری از امامزاده‌ها امروز دارای محراب‌اند و نماز خواندن در صحن آرامگاهها ثواب فراوان عاید نماز خوان می‌کند.[۷]»

آغاز آرامگاه‌سازی اسلامی در ایران را نمی‌توان دقیقاً شناخت و ارائه کرد درحالی که خاک‌سپاری پیامبر اکرم(ص) در مدینه را می‌توان آغاز آرامگاه‌سازی اسلامی دانست، بحث درین که این اقدام تا چه حد مورد قبول و رضایت آن حضرت بوده است، در این مختصر ضرور نیست، زیرا می‌دانیم که این حرکت، آرامگاه‌سازی اسلامی به‌هر حال رشد کرد و به‌قولی: بی‌گمان آرامگاه به‌استثنای مسجد بیشتر از هر نوع بنای معماری در ایران در روزگار اسلام مورد توجه بوده و در بافت جامعه و فرهنگ ایرانی ریشه دوانیده وکمتر شهری درین کشور است که سهمی از چنین بناهایی نداشته باشد.[۸]» اما این آغاز کی بود و آرامگاه‌سازی اسلامی کی شروع شد پرسشی است که نمی‌شود بدان جواب قطعی داد اگرچه در تاریخ آرامگاه و آرامگاه‌سازی ایران به‌آرامگاه چندتن از صحابه و تابعین برمی‌خوریم و چند امامزاده نیز که از لحاظ زمانی بر حضرت رضا(ع) تقدم دارند که آرامگاهشان در ایران است اما درین مختصر، آغاز آرامگاه‌سازی را تدفین هارون در خراسان می‌دانیم که خود زیربنای کوچکی بود برای آغاز تکوین بزرگترین بنای آرامگاهی اختصاصی شیعیان جهان مشهد رضا(ع).

هارون رشید (۱۴۸-۱۹۳) خلیفه عباسی در سال ۱۹۳ در خانه حمید بن قحطبه مرد و به‌خاک سپرده شد این خانه در سناباد نزدیک نوغان از توابع طوس قرار داشت. توسعهٔ سناباد در سالهای پس از خاک‌سپاری حضرت رضا(ع) سبب شد که فاصله آن را از طوس میان ۲ تا ۴ فرسخ بنویسند. مأمون تا سال ۲۰۲ در مرو بوده است و در این سالها بر گور پدرش گنبد و بارگاهی بنا کرده است و همین‌که حضرت امام‌رضا(ع) در ۲۰۲ رحلت فرمود، به‌دستور مأمون آن حضرت را در همان چهار دیواری گنبددار هارون در محوطه بالاسر وی به‌خاک

سپردند، که این هردو نمایشگر نهایت درجه احترام مأمون نسبت به‌حضرت رضا(ع) است. در دانشنامه جهان اسلام می‌خوانیم: این قبه (آرامگاه هارون) که بعداً روضه امام شد تقریباً مربع است زیرا که اضلاع آن ده متر و چهل سانتیمتر در ده متر و شصت سانتیمتر است و گور هارون را در وسط قبه قرار داده‌اند. گل دیوار قبه گل چینه یادای است که عبارت است از گل رسیدهٔ ورزدیده، مانندِ گلی که برای تنور و خمره تهیه می‌شود، و گفته‌اند در گل دیوار قبه برای استحکام بیشتر موی بز و شیره به‌کار برده‌اند. پهنای دیوار بیش از دو متر است به‌این جهت دیوار قبه سخت و محکم است و چنین به‌نظر می‌رسد که به‌اسلوب معماری آن عهد، سقف ضربی عرق‌چینی و فاقد گنبد بالا بلند بوده است.[۹]

نتیجه‌ای که تا اینجا گرفته می‌شود این است که این بنا یک بنای ساسانی و مشابه یا چهاردیواریهای آن عصر است که در ایران در دو نوع گونه‌گون برجای مانده است، نخست چهاردیواریهای کوچک که آذران یا آتشکده بوده‌اند و بسیاری از آنها در طی قرون مبدل به‌یک بنای اسلامی شده از خطر انهدام رسته‌اند، دوم سرسراها و طالارهای اقامتی، کاخهای سلطنتی که بهترین نمونه آن در فیروزآباد فارس برجای مانده است. بنابرین، این بنا که اکنون شکل و شمایلش را می‌توان از لابه‌لای دیوارها و زوایای رواق مقدس حضرت رضا(ع) تشخیص داد بنای واسطه می‌تواند باشد، واسطه میان آن بناهای غیرآرامگاهی ساسانی و بناهای آرامگاهی عصر غزنوی و شاید آل بویه، که بهترین نمونهٔ آن رباط سنگ بست در راه مشهد به‌تربت جام است

در دانشنامه می‌خوانیم:

> شهادت حضرت رضا(ع) در ۲۰۲ یعنی نه سال پس از مرگ هارون اتفاق افتاد. در سفری که مأمون از مرو با حضرت رضا عازم بغداد بود چون به‌سناباد رسید آن حضرت را مسموم کرد. جنازه را در بالا سر گور هارون نزدیک به‌ضلع غربی قبه مدفون ساختند. پس از اینکه خاک سناباد مدفن امام شد قبهٔ هارونی رفته‌رفته به‌مشهد (محل شهادت) مشهور شد و شهری که در سده‌های بعد در اطراف مرقد به‌وجود آمد مشهد نام گرفت.[۱۰]

نکته قابل ذکر در اینجا این است که تا عصر هارون، احتمالاً دو عامل بازدارنده مانع از آن بود که بنای آرامگاهی ساخته شود اول منع ضمنی آن در بعض روایات و احادیث، دوم، بی‌توجهی و حتی مخالفت ایرانیان زرتشتی درباب ساختن آرامگاه، اما مأمون که یک نوآور و در بدعت‌گذاری با جرأت و شجاع بود، به‌ایران توجه فراوان داشت، زیرا می‌دانست که

خلافت را نه تنها خودش بلکه مؤسس سلسله‌اش نیز باهمت وکمک ایرانیان به‌دست آورده است.

مأمون برای پدر آرامگاهی ساخت و دستور داد که وی را در آن به‌خاک بسپرند، در آن عصر توجه به‌امامان شیعه، به‌ویژه حضرت رضا(ع) که مدتی نیز ولیعهد مأمون شده، قرار بود رهبری مسلمانان را از شاخه عباسیان تحویل بگیرد، بسیار قوی بود، به‌طوری که دعبل بن علی خزاعی شاعر عربی سرای معاصر با مأمون، شعری در رثای امام سروده و در دو بیت آن با اشاره به‌مرقد امام‌رضا(ع) او را بهترین مردم و هارون را بدترین مردم دانسته است و این در حالی بود که مأمون در اوج قدرت اداره جهان اسلام را برعهده داشت. در حقیقت این شروع آرامگاه‌سازی با جرأت و جسارت فوق‌العاده مأمون قرین بوده است و اگر این جرأت و جسارت نبود این آغاز را به‌این صورت نداشتیم.

در بنای جدید که پس از تخریب بنای نخستین ساخته شد، از بنای چهارطاقی قدیم، فقط دو متر حفظ شده است و بقیه بنا روی همان دیوار قرار دارد.

اولین جهانگردی که این بنا را دیده و آن را توصیف کرده است مقدسی (۳۴۵-۳۸۱) در احسن‌التقاسیم است، در این کتاب از حرم امام‌رضا(ع) به (مشهد) تعبیر کرده است و بنابراین، نظر اعتمادالسلطنه در مطلع‌الشمس، که گفته است مقدسی از مشهد ذکری ننموده بی‌اساس است.[۱۰]

دیلمیان به‌ویژه عضدالدوله به‌حرمین شریفین در بین‌النهرین و حرم مطهر حضرت رضا توجه داشتند و بقعهٔ نخستین را به‌پاره‌ای تزئینات آراستند.[۱۱]

سبکتکین (۳۸۷-۳۶۶) که امیری ترک و متعصب و تابع خلیفه بغداد بود و با شیعیان و شیعی‌گری و امیران شیعی دیلمی، و هر نوع حرکتی که موجب تقویت ایران و ایرانیان گردد مخالف بود، در نیمهٔ دوم قرن قرن چهارم، این بنا را خراب کرد و تمام سقف و قسمت عمده دیوار بنا، به‌این ترتیب از بین رفت.

سبکتکین زیارت امام را نیز ممنوع ساخت اما از کار خود نتیجه‌ای نگرفت و چیزی از علاقه مردم به‌تربت پاک امام‌رضا(ع)، کاسته نشد، تا حدی که محمود پسرش، که همانند پدر ضد شیعیان بود، به‌اصرار دخترش ترکان زمرد مجبور شد بقعه را دوباره‌سازی کند و همانطور که ذکر شد، همان چهار طاقی را که قسمتی از آن هنوز برجای بود ساختند و به‌قول اعتمادالسلطنه در مطلع‌الشمس: «بارگاهی نیک پرداخت» منتها این‌بار دیوار آجری بود سقف را نیز با آجر ضربی زدند.

تعمیرات و رفع خرابیهای آرامگاه حضرت رضا(ع) به‌همت حکمران خراسان، سوری بن مُعتز یا مُعز مشهور به‌صاحبدیوان صورت گرفت. بیهقی نخست سوری را اینچنین معرفی می‌کند: «سوری مردی مشهور و ظالم بود چون دست او را گشاده کردند، بر خراسان اعیان و رؤسا را برکندومالهای بی‌اندازه بستند و آسیب ستم او به‌ضعفا رسید و از آنچه ستد از ده درم پنج سلطان را داد. آن اعیان مستأصل شدند.»

سپس چند سطر بعد می‌نویسد:

سوری با ستمکاری مردی نیکو صدقه و نماز بود و آثارهای خوش وی را به‌طوس هست از آن جمله آنکه مشهد علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام که (... بوبکر شهمرد، کدخدای فائق‌الخادم خاصه آبادان کرده بود، سوری در آن زیارتهای بسیار فرموده بود و مناره‌ای کرد و دیهی خرید فاخر و بر آن وقف کرد.[۱۲]»

در اینجا دو مطلب قابل توجه ارائه می‌شود یکی مناره‌سازی آرامگاهی در ایران و دیگر وقف اموال بر مزار اولیاء الله و مرقدشان.

محمدرضا مخلصی در مقاله تحقیقی خود مناره‌ها پس از بحث مفصل دربارهٔ مناره و مناره‌سازی در اسلام درباب اولین مناره در معماری اسلام می‌نویسد:*

شاید بتوان گفت که کهن‌ترین منار آجری موجود با تمام خصوصیاتش منارهٔ ایاز یا ارسلان جاذب واقع در ۳۶ کیلومتری شهر مشهد می‌باشد. این بنا که به‌صورت میل آجری است، از آثار دوره سلطان محمود غزنوی (۴۲۱-۳۸۹) به‌حساب می‌آید.[۱۳]

عده‌ای این بنا را به‌ارسلان جاذب حکمران طوس در عصر غزنویان نسبت می‌دهند، برخی دیگر آن را به‌سلطان محمود غزنوی منتسب می‌دانند که به‌خاطر علاقهٔ زیادی که به‌غلام خود ایاز داشته، به‌نام وی احداث کرده است. این منار در ابتدا به‌صورت منفرد ساخته نشده بود بلکه در قسمت جنوب شرقی آن، آثار دیواری که به‌منار تکیه داشت دیده می‌شود و این می‌رساند که منار به‌بنایی متصل بوده است.

اهمیت این بنا از آن جهت است که شاید یگانه اثر معماری دوره غزنوی در خاک ایران کنونی باشد. همزمان با این بنا می‌توان از مناره سلطان محمود غزنوی در غزنه نام برد که در سالهای ۳۸۸ تا ۴۱۲ ساخته و پرداخته شده است.[۱۴]

از مطلب بالا این نکته روشن می‌شود که نویسنده یا به‌وجود مناری در جوار مرقد حضرت

---

* پروفسور پوپ این بنا را نخستین آرامگاه گنبددار ایران می‌داند که ملکی بر آن وقف شده است.

رضا آگاهی نداشته و یا اینکه آن را مقدم بر بنای سنگ‌بست (آرامگاه ارسلان جاذب) نمی‌دانسته است. بنابراین اگر مناره جنب بارگاه رضوی را اولین مناره در ایران ندانیم، باید آن را دست‌کم نخستین منار آرامگاهی به‌حساب بیاوریم چون بر منار مجموعه سنگ‌بست تقدم دارد.

آرامگاه حضرت معصومه(ع) در قم نیز از نخستین آرامگاههای ساخته شده در ایران است و بر همین مبنا بدان اشاره‌ای خواهیم داشت (ضمناً باید دانست که نام آن حضرت فاطمه بوده است و قدیم‌ترین مدرکی که وی را معصومه نامیده، فرمانی است از جهانشاه قره قویونلو در سدهٔ نهم.)[۱۵]

حضرت معصومهٔ(ع) خواهر حضرت رضا(ع) و فرزند حضرت امام موسی کاظم(ع) ۱۸ ساله بود که در ۲۰۱ عازم خراسان شد و در ساوه بیمار گردید، از ساوه به‌قم آمد و ۱۷ روز بعد درین شهر رحلت فرمود، بدنش را در باغ بابلان که اکنون روضهٔ اوست به‌خاک سپردند.

آنچه درباره پی‌افکندن آرامگاه آن بزرگوار، که اکنون پس از آستان قدس رضوی بزرگترین بنای آرامگاهی شیعیان در داخل ایران است، می‌دانیم این است که اشعریان پس از فوت آن بزرگوار سایبانی از بوریا بر سر تربت او برافراشتند، این سایبان برجای بود تا اینکه زنی زینب نام قبه‌ای بر سر تربت او نهاد.[۱۶] محل خاک‌سپاری آن حضرت باغ بابلان در کنار رودخانه قم بوده است، از آن موسی اشعری، حسن قمی آن را مقبره بابلان نامیده است یعنی این محل نیز پیش از آنکه آرامگاه حضرت معصومه گردد، آرامگاه بابلان بوده است. موسی بن خزرج این باغ را پس از اینکه آرامگاه آن حضرت شد برای گورستان عمومی وقف کرد و این خود یک نقطه تحول در آرامگاه‌سازی محسوب می‌شود، چه تا آن زمان معمول نبود که باغی در وسط یا کنار شهر را گورستان کنند و احتمالاً، به‌علت پیروی از سنتهای دیرین است گورستانها در خارج از شهر و در نقاط دورافتاده قرار داشته است.

سومین بنای آرامگاهی مهم ایران که باید در این جریان مورد مداقه قرار گیرد، آرامگاه حضرت عبدالعظیم(ع) است در ری، نام کامل آن بزرگوار حضرت عبدالعظیم بن عبدالله است، از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) است که در حدود سال ۲۵۰ برای زیارت مرقد حضرت امام رضا(ع) عازم خراسان شد و چون بیمار بود، در این شهر در باغی واقع در خارج شهر ری، از سوی مغرب که از آن عبدالجبار فرزند عبدالوهاب بود منزل کرد و مدت کوتاهی پس از آن، در همین شهر و در همین باغ، درگذشت و وی را نزدیک یک درخت سیب در این

باغ به‌خاک سپردند. ازین روی بود که آرامگاهش به‌مشهدالشجره معروف گردید. به‌روایتی صاحب باغ خود مذهب تسنن داشت و در پی خوابی که دید. این باغ را برای دفن حضرت عبدالعظیم و دیگر شیعیان وقف کرد.[۱۷]

چهارمین آرامگاه مهم که در این تاریخچه باید موردتوجه قرارگیرد، آستانهٔ اشرفیه است که نامش را به‌شهر کُچان داده است یعنی آستانه فعلی شهرستانی همسایه لاهیجان. تاریخ بنای آرامگاه را در دست نداریم، رابینو محقق انگلیس تاریخ بنا را به‌دلایلی که قابل اعتماد نیست ۲۹۱ یا ۳۹۱ می‌داند، البته گنبد و ضریح و درهای نفیس این زیارتگاه همه در سده‌های بعد ساخته و پرداخته شده‌اند.[۱۸]

بررسی آرامگاههای اسلامی سده‌های نخست اسلامی، در ایران به‌منظور تنظیم و تحریر تاریخ آرامگاهها و سیر تطور و تکامل آن‌کاری است پیچیده و دشوار و در عین حال مهم، از این نقطه‌نظر که در حقیقت تاریخ آیین شیعی است و در طی این تاریخ مفصل، به‌یک نکته مهم برخورد می‌کنم و آن اینکه هر دو فرقه شیعی و سنی در طی سده‌های متمادی نسبت به‌اعتقادات همدیگر یک احترام متقابل داشتند. درکتاب النقض می‌خوانیم: در بیشتر بقاع که تربتهای سادات است سنیان خواب دیده‌اند چنانکه بیارکرقب و ساوه و بناهق و باطان ری و برزقا و فارس و بصره و خوزستان، و از سوی دیگر توجه شیعیان به‌آرامگاههای عارفان سنی از جمله بایزید بسطامی.[۱۹]

نویسنده مقاله مقابر با توجه به‌نکات بالا نتیجه‌گیری می‌کند که رشد آیین شیعه وگسترش آرامگاه‌سازی و تزیین آرامگاه قدیسین و دایر نگه داشتن آن، از اسبابهای مهم تکوین و رشد وگسترش آیین شیعه در این قلمرو موردبحث ما بوده است:

> روشن است که رشد آیین شیعه نقطه اوج در همه تحولات مربوط به‌آرامگاه‌سازی شیعی بود. در میان مکانهای مقدس، مقابر امامان شیعه و بستگان آنها در کربلا و نجف و مشهد و قم و سامره، کانونهای طبیعی اشتیاقات مردم شیعی گردید و طولی نکشید که این اشتیاق، بخش پیوسته و بنیادی مراسم عاشورا شد. همین که این مراسم و شعایر تکامل یافت و پیچیده‌تر و مجلل شد طبیعی بود که آرامگاهها نیز باید همگام با این مراسم تبدیل به‌آرامگاههای مجلل شوند، رشد سریع رسم زیارت قبور ائمه و خواندن نماز و ادعیه و اجرای حکم قرآن در این مکانهای مقدس و به‌خاک سپردن عزیزان درین جاها و اهدای هدایا و وقف کردن اموال غیرمنقول برین زیارتگاهها و همه و همه عواملی بود که وجود آرامگاهها را در

آن اجتماعات ضروری می‌ساخت.[۲۰]

مسأله تعاون و توجه داشتن اغنیا به‌فقرا، یک خصیصه قدیمی ذاتی برای ایرانیان است و شاید بتوان سرچشمه فیاض این روحیه را از ظهور و درخشش کوروش بزرگ پی‌گیری کرد که محبت و ملایمت را جانشین مرگ و خشونت ساخت، در آیین زرتشتی نیز این روحیه خیررسانی به‌شدت وجود داشت و در عصر ما اقلیت زرتشتی هند نمونه‌ای کامل از این روحیه را ارائه می‌کنند. البته امروز مسئله تعاون یک پدیده اجتماعی مهم انسانی اقتصادی است و مسئله تصدق و کمک بلاعوض مطرح نیست، اما تعاون باید آن‌چنان زیربنایی داشته باشد تا بتواند رشد کند و شکوفا شود. در آیین زرتشتی پنج روز آخر سال شمسی را روز از دنیا رفتگان می‌دانند و به‌اطعام آن عزیزان از دست رفته می‌پردازند که این خود یک مرحله از احسان و نیکوکاری است. در اسلام نیز این روحیه به‌شدت تحسین و تبلیغ می‌شود، اما در میان ملل گوناگون که اسلام آوردند هیچ قومی چون ایرانیان به‌مسئله تعاون و احسان و اطعام معتقد نبوده‌اند و نیستند، اعتقادی بنیادی و بسیار مستحکم.

حال باید محلی برای عرضه کردن این نیکوکاری و تعاون یافت این مکان البته می‌تواند مسجد باشد، اما مسجد خانه خداست و نمی‌توان در مسجد سفره برای اطعام مستمندان گسترد، امامزاده‌ها و مکانهای متبرک از جمله حسینیه و تکیه بهترین جا برای عرضه این نیکوکاری است، بسیاری از نیکوکاران به‌جای انداختن سفره آبادیها و املاک خود را به‌عنوان وقف دراختیار این مکانهای مقدس قرار می‌دادند. در حقیقت می‌توان گفت همان‌گونه که مسجد سنگر اسلام است، در آیین شیعه این مرقدهای متبرک، پشتوانه‌ای استوار برای آیینی است که درایران موجد وحدت و همزیستی و حسن سلوک و دفاع در برابر دشمنان خارجی شده است. فراموش نکنیم که در غیاب امامزاده‌ها، حسینیه‌ها و تکیه‌ها، همان نقش امامزاده‌ها را برعهده داشتند و در بسیاری نقاط علاوه بر امامزاده حسینیه‌ها و تکیه‌ها تأسیس و دایر می‌شدند.

برای خاندان عباسی، خلافت موهبتی بود که با همت و پشتکار ایرانیان، به‌خصوص مردم غیور خراسان به‌ایشان رسید و در این میان مأمون بیش از همه این قدر شناسی را داشت، زیرا علاوه بر کل سلسله، در مورد خود وی نیز این مسئله صادق بود و در حقیقت، پیروزی مأمون بر امین پیروزی دیگر ایرانیان بر اعراب مسلمان بود. سلسله طاهریان که سرسلسله‌اش طاهر ذوالیمینین، بنیانگذار خلافت مأمون نیز بود، در عصر این خلیفه تشکیل شد و این سلسله امیرانی خود مختار و ایرانی، در قلمرو خلیفه عباسی داشت. مقبره عبدالله بن طاهر در حظیره

نیشابور را می‌توان قدیم‌ترین آرامگاه امیران و شاهان ایرانی پس از اسلام دانست. دراین گورستان عده‌ای از اجله‌ی سادات علوی و عشیره خود امیر عبدالله آسوده‌اند.[۲۱]

دومین آرامگاه امیران و شاهان ایرانی که ارائه می‌شود، گور یعقوب لیث صفاری است، یعقوب که به‌راستی پایه‌گذار حکومت مستقل ایران در قلمرو مشرقی عباسیان است، در شوال ۲۶۵ درگذشت در زین‌الاخبار دراین باره می‌خوانیم:

«پس یعقوب فارس و اهواز بگرفت و قصد بغداد کرد و خواست که به‌بغداد رود و معتمد را از خلافت باز کند و موفق را بنشاند و موفق این حال با معتمد بگفت. و یعقوب اندرسِرّ نامه‌هایی (نامه‌ها) به‌سوی موفق همی نوشتی و موفق آن رقعه‌ها معتمد را همی عرضه کردی، تا یعقوب به‌دیرالعقاقول رسید نزدیک بغداد، بر منفذ آب فرات، و لشگر آنجا فرود آورد. موفق فرمود تا آب دجله بروی بگشادند و لشکر یعقوب بیشتر هلاک شدند و او هزیمت شده بازگشت و از آن ننگ او را زحیر گرفت و چون به‌جندی شاپور رسید از آن علت زحیر بمرد، و او هرگز از خصمان هزیمت نشده بود و مکر هیچ کس بر او روا نشده بود. مرگش اندر روز چهارشنبه دهم شوال سنه خمس وستین و مایتن بود.[۲۲]

استاد احمد اقتداری با پژوهشی دقیق و مستند به‌اثبات رسانده است که آرامگاه یعقوب در شهر جندی شاپور بوده و هست، که آثار آن در جنوب شرقی دزفول دیده می‌شود و باید در یکی از نقاط زیر باشد: شاه آباد دزفول، سیا منصور دزفول، چغاسور دزفول، چغاسرخ دزفول، چغامیش، کلایا در دزفول، و اگر بعد از کاوشهای بسیار اثری از گوریا سنگ گور یعقوب یا حکایتی و قرینه‌ای و نشانه‌ای از مدفن این سردار بزرگ تاریخ اسلام و اولین شهریار ایران پس از اسلام، درین پهن دشت به‌دست نیاید، قبول بقعه شابوالقاسم شاه آباد دزفول به‌نام و نشانه‌ی آرامگاه یعقوب لیث صفاری به‌طور سمبلیک دور از صواب نیست.[۲۳]

اما امام شوشتری مقاله‌ای که در نشریه ایران‌شناسی نوشته تقریباً به‌اثبات رسانده است که گنبد و بارگاه شابوالقاسم در جنوب شرقی دزفول، آرامگاه یعقوب است. در این باره سخن را در همین جا به‌پایان می‌رسانیم و پژوهشگران را به‌مطالعه تحقیقات عالمانه استاد اقتداری توصیه می‌کنیم.[۲۴]

پیش از اینکه به‌عصر سامانیان و غزنویان برسیم این توجیه مستدل یک محقق غیرایرانی را درباره شکوفایی آرامگاههای عصر سامانیان و غزنویان ارائه می‌کنیم:

روشن است که رسوم تدفین در ایران را نمی‌توان جدا از بقیه جهان اسلام مورد

> بررسی قرار داد. منابع کتبی مقرر می‌دارد که در سراسر اسلام، از سدهٔ دوم هجری به‌بعد آرامگاههایی ساخته می‌شده است بنابرین کاملاً امکان دارد که ایرانیان مسلمان این اندیشه را از همکیشان خویش در مصر و سوریه و عراق گرفته باشند.[۲۵]

علت این توجیه دانشمند مزبور و احتمال شدید وارداتی بودن آرامگاه‌سازی در ایران، از آن لحاظ در مدنظر این دانشمند است که به‌تصور وی در سده‌های طولانی عصر اشکانی و ساسانی در ایران آرامگاه‌سازی متروک بود و به‌جای آرامگاه برج خاموشان و دخمه و استودان به‌کار گرفته می‌شده درحالی که ما در طی این بحث دیدیم که دخمه‌ها و استودانها کم‌کم حالت آرامگاه به‌خودگرفت و شواهدی داریم که حتی تا سده گذشته در دخمه‌های واقع در جوار آرامگامها مرده‌ها را می‌سپردند و در ایران اسلامی چندین برج آرامگاهی، با استودانهای ساخته شده در بالای این برجها سراغ داریم، ضمناً بسیاری از بناهای آرامگاهی و مساجد ایران بر الگوی آتشکده‌های ساسانی و آذران‌ها (چهار طاقی ساده) ساخته و پرداخته می‌شده است و یا اینکه آتشکده‌ها مبدل به‌مسجد و آرامگاه می‌شده است سپس دانشمند مزبور این‌چنین ادامه می‌دهد:

> صرفنظر از این موضوع که این اندیشه چگونه به‌ایران رسید کمتر تردیدی وجود دارد که در این دیار رونق به‌سزایی یافت. در سده‌های دهم و یازدهم میلادی یعنی روزگاری که در آن معماری آرامگاهی نخستین شکوفایی را به‌خود دید تنها ناحیه‌ای که در آن تعداد آرامگاهها قابل مقایسه با ایران بود مصر معاصر خلافت فاطمیان می‌باشد. در این منطقه اخیر تطابق بین آیین تشیع و بناهای قدیمی را می‌توان ملاحظه نمود که هنوز روشن‌تر از آن عهد است، یعنی امروزه هم این تطابق وجود دارد.[۲۶]

فراموش نکنیم که ایران تحت نفوذ آیین زرتشت و نژاد ترک نیز قرار داشت.

سامانیان که از آسیای مرکزی برخاسته بودند، از نقطه‌نظر فرهنگ ایرانی عصری ممتاز را خلق و ارائه کردند و به‌جرأت می‌توان گفت بانی اصلی و نخستین آرامگاه‌سازان در ایران (گذشته از آستانه‌ها و امامزاده‌ها) امیران سامانی بودند و در عصر ایشان بود که یکی از زیباترین بناهای آرامگاهی جهان اسلام ساخته و پرداخته شد: «آرامگاه امیراسماعیل سامانی در بخارا».

آرامگاه امیراسماعیل در بخارا را اگر نخستین بنای مهم آرامگاهی اسلامی در گسترهٔ فرهنگی ایران بدانیم دومین بنا بنای گنبد کاووس است در گرگان که با اینکه از دوگونه و سبک آرامگاهی حکایت می‌کنند، یک نزدیکی و تشابه معنوی نیز باهم دارند. آرامگاه

امیراسماعیل در بخارا که تاریخ آن به‌پیش از سال ۹۴۳ می‌رسد فقط نسخهٔ مجلل سبک متداول (آتشکده چهارطاقی) دوره ساسانی است، این اظهارنظر اغلب پژوهشگران درباب این آرامگاه است که ماقول هیلن براند را آورده‌ایم. این دانشمند دربارهٔ آرامگاه قابوس می‌نویسد:

> در گنبد کاووس (مورخ ۱۰۰۶ م) که سرآغاز درست تعدادی مقبره برجی ایرانی است، روح آرامگاه‌سازی زرتشتی در قالب جدیدی خودنمایی می‌کند، فراموش نکنیم که در این بنا تاریخ یزدگردی نیز همراه و همگام تاریخ هجری ارائه شده است (و این خود می‌تواند یک هویت زرتشتی به‌بنا بدهد که داده است) طبق روایت‌الجنابی جسد شاه را در یک تابوت شیشه‌ای از سقف آویزان شده بود گذاشتند، درحالی که سر تابوت را متوجه تنها روزنی کرده بودند که در برابر آفتاب طالع قرار داشت. اگر بتوان این شرح را معتبر دانست، که اجتناب دقیق از به‌خاک سپردن جسد در خاک را ارائه می‌کند و دستورهای موکد آیین زرتشتی را به‌خاطر می‌آورد، هر آینه چنین خلجانی نیز در دین پدید می‌آید که انتخاب مصرانه ستیغ تپه‌ها برای محل تعداد زیادی از آرامگاههای اولیه نموداری از دخمه‌های زرتشتی است.[۲۷]

زیبایی و صلابت این دو بنا که هردو در سبک خاص خود اولین شمرده می‌شوند یادآور این نکته است که آرامگاه‌سازی در این دوره مسیر خود را یافته و اولین‌ها را به‌نمایش گذاشته است، هر دو ایرانی و هردو بر مبنای بناهای سنتی ایران، و به‌طوری که خواهیم دید در آینده نیز هیچ بنای آرامگاهی خلق و ابداع نشد که از جذبه و شکوه این‌چنین توانا و دلپذیر بهره‌مند باشد و تحت تأثیر یکی از این دو بنا قرار نگرفته باشد.

اِریک شرودِر محقق معاصر بر مبنای بررسی همین بناهاست که می‌نویسد:

> غزنویان وارثان فرهنگ و تمدن ساسانی در آسیای مرکزی، یکی از درخشانترین ادوار معماری ایران را خلق کردند عصری که از لحاظ مقایسه مشابه عصر اوگوست در رم، کنستاتین در قسطنطنیه و امیر تیمور در آسیای مرکزی بوده است. سپس از دو بنای غزنوی یاد می‌کند: برج یا مناره محمود و آرامگاه سبکتکین در غزنه.[۲۸]

درست است که نویسنده به‌معماری غزنوی ارج می‌نهد و آنان را می‌ستاید اما فراموش نکنیم که حق است این ویژگیها را به‌عصر سامانی نسبت دهیم که این هردو اثر، آرامگاه امیراسماعیل و گنبد کاووس متعلق بدان عصر است و بسیار آثار دیگر که با تشکیل حکومت ترکان در خراسان ویران گردید و ناپدید شد.

همین محقق، اریک شرودِر می‌نویسد:

به‌کارگیری و استفاده وسیع از آجر در بناهای تاریخی به‌ویژه آرامگاهها را سلطان محمود، مدت کوتاهی پیش از مردن به‌ایرانیان ارائه کرد و سلجوقیان بودند که آن را تعمیم و گسترش دادند.[۲۹]

اما باید به‌خاطر داشته باشیم که آن دو بنای آرامگاهی، آرامگاه امیراسماعیل و گنبد کاووس هردو آجری هستند و از هر لحاظ به‌بنای سنگ‌بست،که آن هم دارای زیربنای سامانی است اما متعلق به‌عصر غزنونیان است برتری دارند. بنابراین به کار بردن آجر اگر پاداشی داشته باشد این پاداش از آن سامانیان است و به‌خصوص این بنای موردبحث ما، نه آن بنای منسوب به‌محمود و عصر وی، اینکه نویسنده می‌نویسد که وی یعنی محمود غزنوی در سالهای آخر عمر آجرکاری را به‌ایرانیان ارائه کرد درست نیست. نویسنده اساساً به‌بنای سنگ‌بست در این استدراک خاص خودش اشاره ندارد، ولی اینکه می‌نویسد سلجوقیان آن راگسترش و تعمیم دادند درست است و به‌عبارت بهتر می‌توان گفت: در عصر سلجوقیان این هنر در معماری ایران ترویج و تکمیل گردید.

این محقق سیر تکاملی آجرکاری را در بناهای تاریخی ایران بعد از اسلام این‌چنین پی‌گیری می‌کند:گنبد قابوس، برج رادکان نیکا، مزار پیرعلمدار و چهل دختران دامغان و چند بنای دیگر که اتفاقاً همه آرامگاه‌اند. تاریخ بنای این آرامگاهها به‌طوری که در کتاب بررسی هنر ایران پوپ آورده شده بدین قرار است:

گنبد قابوس ۱۰۰۶ م / ۳۹۷ برج زادگان نیکا ۱۲۸۱ م / ۶۸۰ مزار پیر علمدار ۱۰۲۶ م / ۴۱۸ چهل دختران دامغان ۱۰۵۶ م / ۴۴۸.[۲۸]

در این فهرست اشاره به‌آن دو بنای آرامگاهی مهم: آرامگاه امیراسماعیل و رباط سنگ‌بست نشده و بلافاصله پس از گنبدقابوس، برج رادکان نیکارا که تاریخش ۶۸۰ (۱۲۸۱ م) است آورده با یک فاصله نزدیک به‌سیصد سال سپس مزار پیر علمدار ۴۱۸ (۱۰۲۶) و چهل‌دختران، نامی هم از برج لاجیم نیست. بررسی خود درباره آرامگاههای برجای مانده از روزگار سامانیان و غزنویان را در اینجا به‌پایان رسانده یادآوری می‌کنیم که دوران حکومت دیلمیان و سامانیان والبته صفاریان و طاهریان که هریک به‌نوعی ایران‌دوست و طرفدار استقلال ایران، اما مسلمان بودن و مسلمان ماندن ایرانیان بودند، با روی کار آمدن ترکان: غزنویان، غزها و سرانجام سلجوقیان به‌پایان رسید. این پایان، پایان یکی از

درخشانترین عصرهای فرهنگی و تمدنی ایران زمین بود اگر ممتازترین آنها نباشد.

روند تکاملی آرامگاه و آرامگاه‌سازی اسلامی ایران بدون ارائه فهرستی از این بناها به‌ترتیب تاریخ ساختمان، کامل نخواهد بود از این‌رو با انتخاب گروهی از این آرامگاههای قابل طرح و مهم این فهرست‌ها را ارائه می‌کنیم، برخی از این بناها دارای تاریخ بنایند که مشکلی را ایجاد نخواهند کرد و برخی فقط با سده یا عصر مشخص‌اند، در این صورت حق تقدم را به‌بناهای تاریخ‌دار می‌دهیم: به‌عنوان مثال آرامگاه عمیدالدین شمس‌الدوله در ابرقو با تاریخ ۴۸۸ بر بنایی که ممکن است از سده پنجم و در سالهای نخستین ۴۰۰ باشد، اما فقط می‌دانیم که از سده پنجم است، تقدم دارد.

نکته دیگر اینکه حدود فاصل مشخصی بین بناهای آرامگاهی سلسله‌های نخستین: طاهری، صفاری، آل بویه، آل زیار، سامانی و غزنوی با بناهای عصر سلجوقی وجود ندارد از این‌رو کل بناهای سده پنجم و بناهای تاریخ‌دار نیمه اول این سده را پیش از آرامگاههای عصر سلجوقی ارائه می‌کنیم. یادآوری می‌شود که آرامگاه امیراسماعیل سامانی و برج گنبد کاووس، متعلق به‌روزگاران پیش از سلجوقی، الگو و نمونه بناهای سلجوقی نیز قرار گرفتند، از این‌رو تعیین تاریخ دقیق بناهای بدون نوشته به‌سختی امکان‌پذیر است، اگر غیرممکن نباشد.

جدول‌های نمایشی بناهای آرامگاهی ایران در عصر اسلامی از آغاز تا سلجوقیان:

۱ـ آرامگاه از آغاز اسلام تا پایان سده سوم

(ارائه نام آرامگاه و سنه و یا سده آن بر مبنای متن کتاب است با ذکر صفحهٔ متن و در صورتی که در متن نباشد مهمترین مرجع ذکر می‌شود.)

⧈* بی‌بی شهربانو در کوه بی‌بی شهربانو، شهر ری. یک بنای ساسانی بویه‌ای سلجوقی ص ۶۸ دربارهٔ این بنا شادروان مصطفوی و استاد کریمان هردو نظر دارند که بنا از پیش از اسلام مانده است، کریمان نتیجهٔ بررسیهای خود را این‌چنین ارائه می‌کند:

چون در تاریخ حوادث ری تا آنجاکه عرصهٔ تتبع بر نگارنده فراخ بوده، نام بانویی بدین صورت مشهود نیفتاده تا احتمال خلط اسم برود، ازین رو شاید بتوان گفت که این محل

* همانند بدنه اصلی کتاب ⧈ به‌جای آرامگاه به‌کار رفته است.

دخمه‌ای از بزرگان زرتشتی بوده است و برای آنکه مسلمانان آنجا را خراب نکـنند. آن را به‌عروس ایرانی خاندان نبوت نسبت داده‌اند و به‌بنای آن نیز درافزودند. وجود دخمه‌گبرها در آن نزدیکی، در شمال آن مؤید این نظر است و چنانکه در صفحه ۳۷۹ [ری باستان] اشارت رفت، تواند بود که آن محمل دخمهٔ فرزندان یزدگرد سوم (هرمزد و خاندان وی) که در ری به‌دست فیروز کشته شده‌اند بوده است، و برای محفوظ ماندن آن را به‌فرزند یزدگرد نسبت داده‌اند، بلندی محل این بقعت نیز درکوه ری یادآور دستور وندیداد است.[۳۰]

▫ سلمان پاک در مداین از سدهٔ اول سالهای ۳۵ تا ۳۶، ص ۳۰۵
▫ شعیاً در اصفهان از دوران اولیه اسلام. ص ۳۰۳
▫ اویس قرنی در شمال غرب کرمانشاه، از سده اول تا عصر سلجوقی. ص ۲۴۲
▫ فرازی منجم، ابواسحاق ـ منجم منصور عباسی، قلعه طبرک ری، سده دوم، ص ۳۷۵
▫ جبلیه در کرمان، ساسانی ـ سلجوقی. ص ۲۶۴
▫ هارون پایه وزیر بنای آستان قدس رضوی در سناباد طوس مشهد کنونی، آخر سده دوم. ص ۹۹
▫ حضرت معصومه(ع) در قم نخستین سالهای سده سوم. ص ۲۷۳
▫ عبدالله طاهر، نیشابور، نیمه نخست سده سوم. ص ۳۶۰
▫ حضرت عبدالعظیم(ع) در ری، نیمه دوم سده سوم. ری ص ۳۹۱
▫ فضل بن شاذان در نیشابور، سده سوم. ص ۳۷۸
▫ شیخ جنید بغدادی در بغداد، ایرانی‌الاصل سالهای پایانی سده سوم. ص ۳۳۷
▫ یعقوب لیث سیستانی، جندی شاپور خوزستان، سده سوم. ص ۴۵۱

۲ـ آرامگاههای سده چهارم تاریخ‌دار از سال ۳۰۱ تا ۴۰۱

(ص به‌علامت صفحه ارجاع به‌متن کتاب است)

▫ داعی صغیر، آمل از ۳۱۵. ص ۲۸۳
▫ ابوجعفر کلینی درکلین از قرای فشافویه، ۳۲۹ ص ۲۱۸
▫ ابن بابویه، ابوالحسن علی بن حسین، ۳۲۹ قم. ص ۲۱۴
▫ عمادالدوله دیلمی، علی مؤسس سلسله آل بویه، استخر از سال ۳۳۴. ص ۳۶۷
▫ فارابی، ابونصر ـ دمشق از سال ۳۳۹. ص ۳۷۲

- شیخ کبیر، شیراز از ۳۷۱ ص ۳۴۳
- ابن بابویه، ابوعبدالله حسین بن علی در ری از سال ۳۷۸. ص ۲۱۴
- حسن بن علی معروف به‌ابی احمد صغیر، شیراز از ۳۸۴. ص ۲۷۱
- فخرالدوله دیلمی در شهر ری اکنون ناپیدا از سال ۳۸۷. ص ۳۷۴
- محمدبن موسی کاظم و خواهرش در قوشه امام قزوین، احتمالاً آل بویه. ص ۳۱۹
- مرداویج زیاری در امین آباد شهر ری از سال ۳۲۳. ص ۴۰۷
- امیراسماعیل سامانی در بخارا، تاریخ بنا ۳۹۵. ص ۲۳۵
- قابوس وشمگیر در گرگان (مرکز شهرستان گنبد) از سال ۳۹۷، ص ۳۸۰

۳ـ آرامگاههای سده چهارم بی‌تاریخ

(ص به‌علامت صفحه ارجاع به‌متن کتاب است)

- ارسلان جاذب، رباط سنگ‌بست در راه مشهد به‌تربت جام، از سده چهارم. ص ۲۲۵
- بابا توکل در بجنورد از سده چهارم. ص ۲۴۳
- باراجین، برج آرامگاهی در قزوین از سده چهارم یا پنجم. ص ۲۴۶
- برجی گِلک در جزیرهٔ هرمز از سده چهارم. ص ۲۴۸
- رودکی در رودک تاجیکستان، از سده چهارم. ص ۲۹۰
- سمیران یا آرامگاه کوچک، در دهستان تارم کنار سد سفیدرود بنایی از قرن دهم میلادی (ایران یک) باگچ‌بریهای حاوی نقش گل وبوته، مشابه باگچ‌بریهای دوره آل بویه، از جمله گچ‌بریهای در مسجد حکیم اصفهان بنایی از سده چهارم. آق ۴۲۱.
- سنقر، برج آرامگاهی در سنقر کردستان مانده از سدهٔ چهارم ص ۳۰۶
- سنگی باکتیبهٔ کوفی (که می‌توان آن را آرامگاه سوم سمیران نامید).

این بنا را نیز استاد ورجاوند معرفی کرده‌اند، بنایی است نیمه‌ویرانه که بیش از دو بنای دیگر، سمیران و قلعه ساسان، آسیب دیده است، ظاهراً دوکلمه ازکتیبهٔ کوفی این بنا که در ۱۹۶۳ توسط ویلی مورد مطالعه قرارگرفت و معرفی شد بر جای مانده است، با خطی بسیار زیبا. از سده چهارم. ص ۳۰۶

- شاهزاده عبدالله در ساوه، سلجوقی. ص ۳۲۰
- شاهزاده عبدالله، در گودرز اراک، بنا از سده چهارم، ص ۳۲۰

◘ شیخ ابوبکررازی یا ارموی، ارومیه درقبرستانی‌به‌نام‌خود وی، از سده چهارم. ص ۳۳۴
◘ شیخ ابوشجاع، در مزار شیخ منصور، شیراز، از سده چهارم. ص ۳۳۴
◘ شیخ احمد نساج در شیراز، کنار شهید امکلثوم، سده چهارم. ص ۳۳۵
◘ شیخ رضی‌الدین علی در غزنین از سده چهارم. ص ۳۳۸
◘ شیخ کبیر در شیراز از سده چهارم. ص ۳۴۳
◘ شیخ مفید در کاظمین، از سده چهارم. ص ۳۴۵
◘ بزرگ یا قلعه ساسان.

برای معرفی این بنا برخی از نوشته‌های دانشمند بزرگ دکتر ورجاوند را می‌آوریم:

شیوهٔ ساختمانی این دو برج آرامگاهی (آرامگاه کوچک سمیران و آرامگاه بزرگ سمیران یا قلعه ساسان) و از جمله به‌کار بردن مصالحی چون سنگ لاشه و ملاط گچ ـ ستونهای مدور واقع در گوشه‌ها و بر روی نمای بنا و همچنین تزیینات روی اضلاع خارجی آنها، می‌توان به‌این نتیجه رسید که بناهای مزبور، مربوط به‌آثار اولیه بعد از دوره ساسانی و دوران آل بویه می‌باشد و ازین‌رو حایز کمال اهمیت هستند.

شیوهٔ ایجاد آرامگاه در بالای ارتفاعات و به‌خصوص بر روی صخره‌های سنگی، دنبالهٔ همان سنتی است که در دوران ساسانی رواج داشته و در دورهٔ آل بویه با قبول اسلام با جزیی تغییر ادامه یافت. به‌این اعتبار که با وجود دفن اجساد، به‌علت احترامی که برای پاک نگه‌داشتن خاک قایل بودند آنها را به‌خاک نمی‌سپردند، بلکه داخل سنگ راگود می‌ساختند و جسد را نظیر دخمه‌های هخامنشی و استودانهای ساسانی درون آن قرار می‌دادند. نمونهٔ آن گذشته از دو برج آرامگاهی موردبحث در گورستان قلعه‌گبری ری نیز دیده می‌شود. بنایی از سده چهارم ص ۳۴۹

◘ علمبردار آمل از سده چهارم ص ۲۱۰

۴ـ آرامگاههای بی‌تاریخ (حدود سده پنج) که نمی‌توان آنها را به‌سلسله یا عصر خاصی منسوب دانست

◘ امامزاده قاسم درکنار دریاچه سد سفیدرود. احتمالاً از عصر آل بویه. آق ص ۲۳۴
◘ پنجه شاه، کاشان خیابان بابا افضل، آل بویه ـ سلجوقی ـ صفوی. ص ۲۵۴
◘ نقاره خانه برج آرامگاهی در شهر ری: آل بویه، سلجوقی. ص ۴۳۸
◘ سلطان عطابخش کاشان در راه اصفهان از آل بویه تا سده ۱۱. ص ۳۰۲

◙ حضرت عبدالعظیم در شهر ری آل بویه، صفوی، قاجاری. معماری ۷۶/۲
◙ امامزاده حمزه رضا در شیروان، به‌احتمال غزنوی. ص ۲۳۳
◙ برجی گلک در جزیرهٔ هرمز و سامانی ـ سلجوقی. ص ۲۴۸

۵ـ آرامگاههای تاریخ‌دار نیمه اول سده پنجم، از سال ۴۰۱ تا ۴۵۱

◙ امامزاده عبدالله یا برج لاجیم در سوادکوه، یکی از سه آرامگاه قدیمی در کوهستانهای البرز که توسط حکمرانان محلی مازندران ساخته شده، این مطلب تأکید می‌شود با کتیبه‌ای پهلوی که در بالای کتیبه و پی بنا به‌یادگار مانده است از سال ۴۱۳. ص ۳۹۷
◙ پیر علمدار در دامغان از سال ۴۱۸. ص ۲۵۸
◙ ابوعلی مسکویه در امامزاده باقر، خواجوی اصفهان از ۴۲۰. ص ۲۱۹
◙ مشهدی سره در لنکای تنکابن از سال ۴۲۱. ص ۴۰۸
◙ شیخ ابواسحاق در کازرون از ۴۲۶. ص ۳۳۳
◙ دوازده امام یزد از سال ۴۲۹. ص ۲۸۵
◙ شمس‌الدوله در ابرقو از سال ۴۴۸. ص ۳۲۹
◙ چهل دختران در دامغان از ۴۴۸. ص ۲۶۷
◙ علی، گنبدعلی در ابرقو از ۴۴۸. ص ۳۶۵

۶ـ آرامگاههای برجای مانده از سده پنجم بی‌تاریخ

◙ ابن فورک ابوبکر محمد بن حسن، گورستان حیرهٔ نیشابور سده پنجم. ص ۲۱۶
◙ ابوسعید ابوالخیر در مهنهٔ خراسان، از سده پنجم. ص ۲۱۹
◙ ابوالفتوح رازی، ری سده پنجم. ص ۲۱۷
◙ ابونصر ایرآبادی در طبس، از سده پنجم. ص ۲۲۰
◙ پیر در تاکستان، بنای سلجوقی مانده از سده پنجم. ص ۲۵۵
◙ پیر حمزه سبزپوش در ابرقو از سده پنجم. ص ۲۵۵
◙ حسین در ترمذ، مجموعهٔ بناهای سلطان سعادت از سده پنجم. ص ۲۷۲
◙ خواجه عبدالله انصاری در هرات گازگاه از سده پنجم. ص ۲۸۰
◙ خواجه عزیزالله در تربت جام از سده پنجم. ص ۲۸۰

◙ رادگان، برج آرامگاهی در کردکوی گرگان، از سده پنجم. ص ۲۸۷
◙ رِسِکت برجی در دو دانگه ساری، از سده پنجم ص ۲۸۸
◙ شبلی برجی در دماوند، مانده از سده پنجم.

احمد کسروی مقاله‌ای درباب این بنا در مجله نوبهار، هفتگی شماره ۲۵ حوت ۱۳۰۱* دارد که خواندنی است و به‌اختصار نقل می‌شود: در طرف شرقی دماوند گنبدی واقع است که آن را به‌اشکال گوناگون می‌خوانند: مقبره شیخ شبلی، گنبد طغرل و دخمهٔ قدیمی که گنبدی است، هشت‌گوش و پهنای هر بر آن سه ذرع می‌شود... تاریخ بنای این گنبد راکسی سراغ ندارد، شاید از پیش از اسلام مانده است و با این وجود از استحکام کامل برخوردار است.

در درون گنبد چیزی پیدا نیست فقط در زیر آن آثار دخمه دیده می‌شود، پیش از ما مرحوم صنیع‌الدوله نیز از این بنا بازدید کرده است. پیرمردان محل به‌نقل از پدران خود می‌گفتند که در نخستین سالهای پادشاهی ناصرالدین شاه مأمور مخصوص از طرف دولت فرستاده شده بود، که زیر گنبد را حفر کردند تا چنانچه دفینه یا چیز قیمتی دیگری پیدا شود درآورند، چون شروع به‌کندن کردند به‌دخمه رسیده وارد شدند معلوم گردید که آنجا مقبرهٔ زرتشتیها (گبرها) بوده است و مرده‌ها را دورتادور روی سکوها نشانده‌اند. مثل مجمعی که حاضرین اطراف اطاق را تماماً اشغال کرده باشند. لیکن همین که روزنه باز شد و هوایی از خارج داخل دخمه گردید سکونشینان که استخوانی بیش نبودند همگی از هم پاشیده افتادند... این قصه را هم شنیدیم که چند سال قبل مرحوم مختارالسلطنه به‌دماوند آمده و خرابی راکه در موقع حفر به‌دخمه و اطراف گنبد وارد آمده بود تعمیر کرده، وی گفته است که اینجا مقبره شبلی معروف است و من از طرف پیرو مرشد خودم آمده‌ام که اینجا را تعمیر بکنم.[۳۱]

◙ ضیاءالدین ابوالمعالی در نیشابور از سده پنجم. ص ۳۵۳
◙ سنگان بالا*[۱] در خراسان، از سده پنجم. ص ۳۰۶
◙ شاهزاده محمد در اراک، بنایی از سده پنجم. ص ۳۲۱
◙ شاهزاده سید نورالدین در جنوب اردکان فارس، از سده پنجم. ص ۳۲۰
◙ شاهزاده کبیر در ابهر زنجان، بنایی از سده ششم. ص ۳۲۱

* نقل از کاروند کسروی به‌اهتمام استاد یحیی ذکا. ص ۴۱.
* در لغت‌نامه سنجان و شاه سنجان.

◻ شیخ ابوالحسن جوری در بسطام، قلعه نو از سده پنجم. ص ۳۳۳

◻ شیخ زاهد در مزار شیخ حسن کیا در شیراز. ص ۳۳۹

◻ نازنین فرشته در آرامگاه شوهرش عمیدالدین شمس‌الدوله هزار اسب در ابرقو، از سده پنجم. ص ۴۳۲

◻ ناصرخسرو علوی شاعر نامدار از سده پنج، در یمگان خراسان از سده پنجم. ص ۴۳۳

◻ امامزاده یحیی در محلات از سده پنج وشش. معماری ۸۱/۲

◻ خجندیان در اصفهان از سده ۵۴ تا ۷. ص ۲۷۷

◻ امامزاده جعفر در خیابان امام‌خمینی دامغان از سده‌های ۵ تا ۱۰، ص ۲۳۲

این فهرست را با افزودن سه بنای آرامگاهی دیگر که برای نخستین بار در کتاب سرزمین قزوین و به کوشش استاد ورجاوند معرفی شده‌اند، پایان می‌دهیم. علت آوردن این معرفی‌نامه به‌پایان بحث از آن نقطه‌نظر است که برخی از این بناها را دکتر ورجاوند ساسانی، برخی را ساسانی ـ آل بویه دانسته اما به‌احتمال قوی بناهای سنگی مزبور را می‌توان پلهای شایسته‌ای میان آتشکده‌های چهارطاقی و آرامگاههای آغازی عصر اسلامی دانست. چون در جای دیگر اشاره‌ای به‌قدمت آنها نشده، هر سه بنا را به‌بهانه مشکوک بودن در پایان قرار دادیم.

◻ حسن آباد ـ بنای آرامگاهی سنگی در ده حسن‌آباد در طرف راست جاده شاهرود قزوین، استاد درباره‌اش می‌نویسد:

> دربارهٔ زمان بنای این اثر اظهارنظر قطعی نمی‌توان نمود ولی با توجه به‌نوع مصالح و شکل پوشش آن می‌توان این اثر را مربوط به‌دورهٔ ساسانی و یا آل بویه دانست. آق ۱۳۶

◻ های سنگی شاه کوه. در آن سوی شاهرود در دامنه شاه کوه، قبرستانی کهن وجود دارد با دو آرامگاه سنگی که یکی از آن دو نیمه ویران است، دکتر ورجاوند درباره این دو بنا می‌نویسد:

> دو بنای سنگی شاه کوه از نظر کلی و نحوهٔ ساختمانی آنها، از جمله آثار منحصر به‌فرد ناحیهٔ رودبار، بلکه کل سرزمین قزوین به‌شمار می‌روند و می‌توان آن دو را با آرامگاه سنگی حسن‌آباد (آن‌هم در همین منطقه) مقایسه نمود، با این فرق که این دو از نظر شیوه کار و هنر معماری معرف تکامل بیشتر و تکنیک پیشرفته‌تری می‌باشد. به‌طورکلی این آرامگاههای سنگی را می‌توان از جمله آثار بسیار کهن منطقه و به‌احتمال قوی مربوط به‌دوران ساسانی دانست.

◙ سنگی صوفی در آبادی صوفی، سر پل ذهاب کرمانشاه نیز بنایی است مشابه آرامگاههای سنگی کنار شاهرود در قزوین و آن را نیز می‌توان از عصر آل بویه یا ساسانیان دانست.[۳۲]

در ص ۱۹۴ نظری اجمالی... در مقاله مربوط شهرهای ساسانی، برج مرکزی (نیمه ویرانه) اردشیر حوزه در کنار طرح بازسازی شده آن ارائه شده است، درین طرح بازسازی شده محفظه بالایین برج به‌طور مشخص و مجزا دیده می‌شود و قابل قیاس است با برجهای نیمه ویرانه‌ای که استاد ورجاوند معرفی می‌کند.

۷ـ آرامگاههای شاهان و امیران ایرانی، پیش از سلجوقیان

از قرار نوشته مجمل‌التواریخ صفحه ۴٦۴

اندر تربتهای ملوک و سلاطین: سامانیان بیشتر به‌ماوراءالنهر و خوزستان نهاده‌اند. سبکتگین به‌غزنین نهاده است، سلطان محمود به‌غزنین، محمد و مسعود و مودود هم آنجا مدفون‌اند.

ذکر مقابر آل بویه:

عمادالدوله در جمادی‌الاول سنه ثمان و ثمانین و ثلث مائه به‌شیراز بمرد و آنجا مدفون است، رکن‌الدوله بعضی گویند به‌ری مدفون است و بعضی گویند به کرمان (کرمان در متن) معزالدوله به‌بغداد بمرد و آنجا مدفون است.

عزالدوله در جنگ عرب کشته شد و موضع دفن معلوم نیست.

عضدالدوله، او را به‌بغداد وفات رسید بعضی گویند به‌عراق دفن گردید.

مؤیدالدوله بر گرگان فرمان یافت در شعبان سنه سبع و ثمانین (ثلثمایه؟).

فخرالدوله، در ری وفات یافت و همانجا مدفون است.

مجدالدوله، شاهنشاه به‌ری به گنبد شاهنشاه نهادست.

شمس‌الدوله به‌ظاهر همدان مرد و هم آنجا مدفون است.

سلطان‌الدوله به‌شیراز مرد و آنجا مدفون است.

فصل یازدهم

آرامگاههای عصر سلجوقی
(بخش دوم از مرحلهٔ سوم)*

تا اینجا خلق و تکوین و تکمیل و تطور آرامگاه‌سازی در گسترهٔ فرهنگی ایران را موردبحث قرار داده به‌عصر سلجوقی، که به‌حق از اعصار بسیار مهم آرامگاه‌سازی در این گستره است، رسیده‌ایم.

اکنون پیش از اینکه وارد بحث اصلی شویم لازم است به‌نکته‌ای که کارشناسان غیرایرانی توجه داشته‌اند اشاره کنیم، آن نکته عبارت است از تأثیر روشهای خاک‌سپاری و آرامگاه‌سازی خاور و باختر (رومیان بیزانس و ترکان آسیای مرکزی) در آرامگاه سازی ایرانی.

هیلن براند که معتقد است که در سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه در ایران یک نوع مقاومت در برابر پدیده آرامگاه وجود داشته است. در جهان اسلام منع آرامگاه‌سازی و اکتفا به‌دفن مردگان در گوری ساده به‌توصیه پیامبر و در ایران، بر مبنای مخالفت آیین سنتی زرتشت به‌شست‌وشوی مرده و دفن وی در خاک یا سوزاندن وی که باعث آلودگی آب و خاک و آتش می‌شود.

هیلن براند چنین ادامه می‌دهد:

باید درباره دو مأخذ احتمالی دیگر آیین پرستش آرامگاه نیز توجه شود، در هر دو مورد نفوذ خارجی مطرح است در مقابل پدیده‌های داخلی که ممکن است مانند جهاد و اثرات آن خودجوش و داخلی باشند**، و در ایجاد مقبولیت عام آرامگاهها نقش سازنده داشته باشد. یکی از این نظریه‌ها، نقش نفوذهایی را از سوی غرب پیش می‌کشد، خواه این نفوذ از راه آرامگاههای رومی، یعنی برجهای مقبره‌ای پالمیری باشد، و یا شهدای اولیه مسیحی، از فرقه‌های مختلف در ناحیهٔ خاور نزدیک واقع در

---

* عصر اسلامی یک (ازآغاز اسلام تا ترکتازی مغولان)

** وی معتقد است که ساختن آرامگاه شهیدان به‌خصوص در مرزها و نقاط نزدیک مرز دشمنان باعث تقویت روحیه جهادگران می‌شود.

غرب رودخانه فرات، که اکنون ما شاهد تعداد نسبتاً زیاد از این‌گونه بناها هستیم، بناهایی که در شکل و هدف، قرابت آشکاری با آرامگاههای ایرانی داشته، و در سده‌های نخستین اسلام نکات مشترک آنها با یکدیگر بسیار افزون‌تر بوده است. قبةالصخره یادآور این حقیقت است و شاهدی بر تأثیر چنین معماری در جهان اسلامی است، با وجود این باید پذیرفت که هر حلقه مفروضی، از سرمشق‌هایی که قبةالصخره یا هریک از الگوهای دیگر پیش از اسلام آن با آرامگاههای نخستین اسلامی ایران پیوند داده، بیشتر شامل حلقه‌های مفقوده است.[۳۳]

استاد اقتداری نیز از نفوذ و آثار پالمیریان در جزیرهٔ خارک مطالبی ارائه کرده می‌نویسند که بازرگانان پالمیری در سده‌های اول میلادی تا عصر اسلامی تجارت میان بین‌النهرین و هند را در دست داشته و مانند هر بازرگان دیگر خلیج مجبور بودند که در جزیره خارک توقف داشته باشند. علاوه بر پالمیریها مسیحیان دیگری نیز از بین‌النهرین شمالی به‌خارک آمده زندگی می‌کردند، که می‌توانستند حامل نفوذ فرهنگی همسایگان غربی ایران باشند استاد اقتداری یک آرامگاه پالمیریی را نیز معرفی و توصیف کرده‌اند*.[۳۴]

دکتر ورجاوند در کتاب مهم خود، سرزمین قزوین به‌این نکته اشاره دارند که برجهای خرقان تحت‌تأثیر نفوذ معماری آسیای مرکزی ساخته شده‌اند و علت اینکه این برجها و نیز برجهای تارم در نقاط خالی از سکنه ساخته شده و امروز تک وتنها در یک منطقه بدون آب و آبادی منزوی شده‌اند، این اعتقاد ترکان است که مرده‌ها را در نقاط دورافتاده و خالی از سکنه دفن می‌کرده‌اند در این باب هیلن براند، نیز این‌چنین اظهارنظر می‌کند:

فرضیه دیگر تأثیرات اساسی آثاری را از جهان دشتهای هموار واقع در شمال و شرق آسیای مرکزی به‌میان می‌آورد. با این حساب مردان ترک‌نژاد بیابان‌گرد، اندیشهٔ آرامگاه را به‌سرزمین ایران آورده‌اند و نزدیکی جغرافیایی آنان به‌همان ناحیه‌ای که نخستین آرامگاههای اسلامی ایران یافت می‌شود، البته دلیلی نیرومند به‌سود این اندیشه است. در روزگار پیش از اسلام مردم ساکن بیابانهای آسیای مرکزی و شرقی، رسوم تدفینی کاملاً پیچیده‌ای را معمول می‌داشتند که پاره‌ای از آنها در زمانهای معاصر به‌جای مانده است... آرامگاهها را از مواد پردوام و بسیار بزرگ و هیولایی می‌ساختند و دورتادور آن را دیوار می‌کشیدند...[۳۵])

محقق مزبور در آخر نتیجه می‌گیرد که با وجود پذیرفتن نفوذ معماری ترکان بر

* عین عبارت ترجمه است، می‌خواهد این نکته را برساند که نفوذ معماری مغرب را نیز باید در مدنظر داشت.

آرامگاه‌سازی ایران، باید درمدنظر داشت که برجهای آرامگاهی باقی مانده اولیه، پیش از روزگار سلجوقی را بیشتر پادشاهان ایرانی ساخته‌اند تا فرمانروایان ترک، آن وقت نتیجه دومی که ارائه می‌کند این است که ایرانیان مسلمان این اندیشه را باید از همکیشان خود در مصر و سوریه و عراق گرفته باشند. آنچه مسلم است این است که البته فرهنگ معماری و نظام آرامگاه‌سازی ایران تحت تأثیر سبکهای معماری همسایگان واقع شده و از آن آثار اقتباساتی نیز کرده است. اما آنچه در این مقدمه تابه‌حال نوشته شد این مطلب را تأئید می‌کند که هیچیک از عوامل اثرگذار خارجی قابل اعتنا نبوده‌اند. بهترین نمونه و مثال در این مورد دو بنای آرامگاهی امیراسماعیل سامانی و قابوس وشمگیر است. دو بنای هم عصر که باهم تفاوتهای اساسی و بنیادی دارند.

آرامگاه امیراسماعیل در بخارا مربوط است به‌سال ۹۴۳/۳۳۳ م و آرامگاه قابوس در ۱۰۰٦/۳۹۷ ساخته شده است، آرامگاه امیراسماعیل ٦۴ سال پیش از آرامگاه قابوس ساخته شده است و در آن زمان میان بخارا و گرگان ارتباط وجود داشته و آمد وشد فراوان صورت می‌گرفته، پس چرا اثری از آن آرامگاه که در حاشیه و یا خارج از قلمرو ایران ساسانی و صدر اسلام قرار داشته، درگنبد قابوس مشاهده نمی‌شود. فراموش نکنیم. در سده‌های پیش از اسلام و نخستین سده‌های اسلامی آسیای مرکزی بیشتر زیر نفوذ بوداییان بوده است و زرتشتیان و این بنای آرامگاه سامانی نمونه کامل یک چهارطاقی (آتشکده) است و مسئله جالبتر اینکه، چند دهه بعد از پی‌افکندن آرامگاه امیراسماعیل در همین منطقه، آرامگاههای دیگر مشابه با آرامگاه امیراسماعیل ساخته شد، مانند آرامگاه میرسید بهرام در سده ۴، این بنا بسیار شبیه آرامگاه امیراسماعیل سامانی است، فقط گنبد آتشکده‌ای و کوتاه آن آرامگاه چند دهه بعد بزرگتر و بلند شده و شکل گنبدهای اسلامی به‌خود گرفته است[۳٦]، در این مورد، ریشه‌یابی معماری آرامگاهی نیازمند بررسی و مطالعه بیشتر است.

هیلن براند کوشش دارد که این برجهای آرامگاهی را با خیمه و خرگاه ترکان آسیای مرکزی مقایسه کرده مرکز الهام را این خیمه و خرگاهها و آداب و رسوم ترکها بداند. عباس اقبال نیز با وی همصدا است.[۳۷]

تأثیر رسوم ترک‌نژادان که در بالا اجمالاً ذکر گردید، در روزگار کمی دیرتر تجلی می‌یابد، همانند مقابر واقع در خرقان مربوط به‌سالهای ۱۰٦۲ و ۱۰۹۳ م، در این مورد حتی یک دهکده هم نزدیک قبرها وجود ندارد. گزینش محل، که آنها را در دشتی هموار، تنها رها

ساخته است، به‌خوبی مورد توجه بودن فلات خرقان را به‌عنوان سرزمین چراگاه صحرانشینان نمودار می‌سازد: ساختمان اصلی این مقابر چنین می‌نماید که همان وجوه معمولی مواد بی‌دوامی است که در ساخت خیمه‌ها به‌کار می‌رفته در قالب آجر بازسازی شده است:

ترکه‌بافی که طرحهای مشبک را به‌وجود می‌آورد و دنده‌های چوبین که چون چارچوبی برای سقف نمدین چادرها به‌کار می‌رود، الگویی برای آجرکاری این مقابر بوده است. برخی مانند رادکان شرقی مورخ ۱۲۸۱/۶۸۰ که در برابر دشت باز بی‌انتهایی نهاده شده باز هم توجهاتی روشن‌تر از خیمه شاهانه ترکی است. در مصالح آجری که دامن ساده مسطح آن درست از بالای زمین تا بام مخروطی شکل آن کشیده شده و دسته‌های تیرکها در فواصل منظم استخوان‌بندی همه ساختمان را تشکیل داده‌اند. حتی نسج بافته دیوارهای خارجی یورت در تزیین آجرکاری تزیین گردیده است.[۳۸]

هیلن براند مطلب دیگری را درباب آرامگاه ارائه می‌کند که مایه شگفتی است:

همانطور که در بالا خاطرنشان شد وجود یک سردابه یا اطاقی در بالای آن در بسیاری از چنین مقابر، به‌طور تلقین کننده یک عمل متداول در میان چادرنشینان غیرمسلمان ترک‌نژاد در عملکردهای معماری ظهور یافته است. در موقع مرگ یک‌خان و یک فرد مشهور قبیله، نخست بدنش در مدت کوتاهی در چادرش در معرض دید عموم گذاشته می‌شد و فقط پس از آن، آن را دفن می‌کردند و یا به‌طریق دیگری به‌دفع آن می‌پرداختند. برجهای مقبره‌ای مانند رادکان شرقی، می‌توانند اتحاد این دو مرحله ممتاز را در یک بنای واحد توضیح دهند.[۳۹]

اظهارنظر این دانشمند، در این مورد نیز درخور شک و تردید است، اولین بنای آرامگاهی با سقف هرمی شکل در پهنه فرهنگی ایران آرامگاه قابوس است که می‌دانیم محفظه بالایی آن آرامگاه قابوس بوده است، وی را درگور ننهادند بلکه تابوت شیشه‌ای وی را به‌سقف آن محفظه آویختند. تا اینجا آنچه قابل ذکر است اینکه این بنا سالها پیش از نفوذ ترکان به‌خراسان ساخته و پرداخته شده‌است و اگر بخواهیم هرمی‌شکل بودن آن را به‌بنایی آرامگاهی یا غیر آرامگاهی تشبیه کنیم نخست باید متوجه گنبدهای مخروطی زیگوراتی (مضرس یا دندانه‌ای) شویم که در زیگوراتهای باستان، چنانکه دیدیم در بالای بنا محفظه‌ای برای گذاردن تابوت یا جسد مومیایی شده، وجود داشت و این با تقلیدکردن از چادر و خیمه صحرانشینان ترک جور درنمی‌آید، به‌ویژه هنگامی که می‌بینیم محقق مزبور برج رادکان را به‌عنوان مثال ذکر می‌کند، در برج رادکان چیزی از آن قبیل که هیلن براند می‌نویسد وجود

ندارد و از آن گذشته این بنا متعلق است به‌سال ۶۸۰/ ۱۲۸۰[۴۰] یعنی ۶۲ سال پس از یورش چنگیز بر ایران.

واما اینکه می‌نویسد جسد مرده را مدتی نگه‌داری می‌کردند تا افراد قبیله بیایند وآن را برای آخرین‌بار ببینند، آیا نمی‌توان به‌طور قطع گفت که در این حال جسد را در صحن خیمه و خرگاه سلطنتی می‌نهادند که امکان مشاهده آن برای افراد قبیله باشد، نه در یک محفظه‌ای دیگر که معلوم نیست کجاست. این را هم باید به‌این فرضیه افزود که زرتشتیان هند یعنی پارسیان، پیش از اینکه جسد را به‌برج خاموشان انداخته طعمه مرغان هوا سازند، چند روز جنازه را در ساختمان خاص موجود در کنار برج خاموشان می‌گذارند و سپس در برج خاموشان قرار می‌دهند.

از اینکه معماری ایرانی به‌ویژه آرامگاه‌سازی در عصر سلجوقیان به‌اوج ترقی و پیشرفت رسید شکی نیست و البته در این مختصر، هدف ما معرفی این بخش از تمدن عالی و درخشان ایران پس از اسلام نیست، تنها یادآوری این نکته است که عصر سلجوقیان یک عصر سازندگی درخشان بود.

سلجوقیان در حقیقت موفق شدند که یک حکومت نمونه و ایده‌آل‌ایرانی اسلامی را خلق و ارائه کنند و در این میان نقش اصلی برعهده وزیر بزرگ آل سلجوق خواجه نظام‌الملک طوسی است که خود مردی دانشمند و دانش‌دوست بود و از وی نمونه‌هایی عالی از هنر و معماری عصر اعتلا برجای مانده است، مسجد جامع‌های بازمانده از این عصر و پس از آن بناهای آرامگاهی و استفاده بسیار عاقلانه و مطلوب از آجرکاری گویای این مطلب است. خواجه نظام‌الملک علاوه بر بخش مهم مسجد جمعه اصفهان در شهرهای بزرگ ایران عصر سلجوقی مدرسه‌های معروف نظامیه را بنیاد نهاد که متأسفانه با هجوم و تخریب ظالمانه و وحشیانه مغول این بناها، به‌ویژه آنهاکه در خراسان بود از میان رفت.

پیش از آنکه فهرست بناهای سلجوقی را ارائه کنیم لازم است به‌ادعای هیلن‌براند که تا حدودی نیز موردتأیید استادم عباس اقبال است اشاره‌ای مجدد داشته باشیم و آن اینکه اگر بنا بود بناهای آرامگاهی مخروطی تقلید از خیمه و خرگاه ترکان و مغولان بوده باشد، درباره بناهای پیش از هجوم ترکان چه باید گفت، استاد ورجاوند چند بنای از این قبیل راکه البته با مصالح خشن ساخته شده معرفی کرده‌اند و ما دقیقاً به‌این بناها اشاره داشته‌ایم که برجهای آرامگاهی به‌سبک اعصار پیش از اسلام بوده‌اند، حال تفاوتی ندارد که این بناها از عصر

ساسانی مانده باشد و یا در عصر اسلام یک* ساخته شده باشد. با یادآوری این نکته که آرامگاه‌سازی با اهرام و زیگوراتها آغاز گردید، این اظهارنظر یکی از کارشناسان ممتاز تاریخ معماری ایران را ارائه می‌کنیم، استاد کریم پیرنیا طرحی را به‌عنوان بنای اولیه آستانه حضرت عبدالعظیم تدارک کرده‌اند که شادروان محمدتقی مصطفوی آن را در صفحه ۱۷۱ آثار تاریخی تهران به‌چاپ رسانده است، در این طرح گنبد اولیه حضرت عبدالعظیم یک گنبد مخروطی است که هیلن‌براند و عده‌ای از دانش‌پژوهان غربی آن را ایلخانی می‌دانند.

حال با توجه به‌این بنا و برج‌شبلی و چند برج دیگر از نواحی کوهستانی اطراف دریای خزر، آیا نمی‌توان گفت که این آرامگاههای باگنبد مخروطی یادگار عصری بوده‌اند که این برجها را به‌عنوان استودان مورداستفاده قرار می‌داده‌اند، در بیشتر این بناهای برجی، این محفظه را در بلندای برجها می‌توان یافت، شاهد دیگر این ادعا آنکه پس از مغولان و با گسترش تدریجی آیین شیعی در ایران گنبدهای مخروطی جایش را به گنبدهای گرد داد، گنبدهایی که دیگر بهره‌برداری استودان از آن نمی‌شد.

اکنون برای آشنایی بیشتر با روند پیدایش و تکامل این بناهای آرامگاهی فهرست آنها را بر مبنای زمان پیدایش ارائه می‌کنیم.

۱ـ آرامگاههای تاریخ‌دار نیمهٔ دوم سده پنجم از ۴۵۱ تا ۵۰۱

- قطران در تبریز آرامگاه شعرا** بنایی از ۴۶۵. ص ۳۸۶
- سید طاووس در فهادان یزد از ۴۷۴. ص ۳۱۲
- خواجه نظام‌الملک طوسی در اصفهان، از ۴۸۵ به‌بعد. ص ۲۸۱
- امامزاده حواخاتون در توت آباد اراک، بنایی از ۴۸۵۰. ص ۲۳۳
- چهل دختران دامغان، از سال ۴۸۸. ص ۲۶۷
- خواجه عبدالله انصاری هرات گازرگاه سال ۴۸۱. ص ۲۸۰
- حمیدالدین شمس‌الدوله ـ در ابرقو مورخ ۴۸۸. ص ۳۲۹
- مهماندوست در دامغان بنایی از سال ۴۹۰. ص ۴۲۰

---

* در این کتاب عصر اسلامی را در دو بخش بررسی کرده‌ایم، اسلام یک و اسلام دو پیش از حمله مغول و پس از حمله مغول.

** همه‌جا آرامگاه شعرا به‌جای مقبرةالشعرای تبریز.

◙ المظفر محمدبن ثابت خجندی، مسجد جامع ری از سال ۴۹۶. ص ۲۱۸

◙ های خرقان، برجهای آرامگاهی ـ در یک کیلومتری آبادی حصار قوشه امام یا حصار ارمنی در خرقان قزوین. دو برج در فاصله ۲۹ متر از یکدیگر، برج شرقی قدیم‌تر از برج غربی است، اختلاف زمان ساخت آنها بر مبنای کتیبه‌هایشان ۲۶ سال است استاد ورجاوند درباره این دو برج می‌نویسند:

> برجهای دوگانه را می‌توان به‌خصوص از نظر آجرکاری با برج شبلی دماوند که به‌نظر نگارنده اثری است از دورهٔ آل بویه با تعمیرات و تزییناتی از دوره سلجوقی قابل مقایسه دانست. از آن گذشته می‌توان این دو برج را با بناهای آجری ارزنـده و جالب دورهٔ سامانی چون مقبره امیراسماعیل در بخارا مورد بررسی قرار داد.[۴۱]

تاریخ بنای برج قدیمتر را از این کتیبه که بر روی دیواره خود گنبد نوشته شـده است، درمی‌یابیم: به‌تاریخ سنه‌ستین و اربعمائه (۴۶۰)[۴۲] و تاریخ بنای برج جدیدتر ازین کتیبه که بر سردر بنا منقوش است برآورده می‌شود: ... عمل ابوالمعالی بن بکرالزنجانی ـ سـنه سـته و ثمانین و اربعمائه (۴۸۶)

در سطر بعد نامی ذکر شده که نام صاحب بقعه باید باشد و از قرارگفته استادکریم پیرنیا آلسیزین تگین ترک است که نامش به کلی فراموش شده است و بـه‌جایش هـردو آرامگـاه منسوب شده است به‌محمد فرزند حضرت موسی کاظم(ع) و سیده خاتون فرزند امام موسی کاظم(ع)، یعنی دو خواهر و برادر با دو ضریح که یکی از ضریحها به کلی مفقود شده و یکی در اطاقی نگه‌داری می‌شود. علاوه بر صلابت و زیبایی و عظمت و ظرافت این بنا، آثار هنری به‌خصوص نقاشیهای زیبا ازگل و پرنده که در دیوارهای داخل بناها ارائه شده بسیار دیدنی و قابل مطالعه و بررسی است.[۴۳] ص ۴۴۴

۲ـ آرامگاههای سلجوقی بی‌تاریخ از نیمه اول سده پنجم تا آخر سدهٔ هفتم*

◙ ابراهیم خلیل در هویزه، بنای سلجوقی. ص ۲۱۳

◙ ابودجانه در ریجاب کرمانشاهان، بنای سلجوقی. ص ۲۱۹

◙ الراشدبالله در اصفهان. جی بنای سلجوقی. ص ۲۳۱

◙ امامزاده اسحاق در گرگان سلجوقی. معماری ۸۲/۲

---

* آرامگاههایی که تاریخ ندارند و کارشناسان آنها را سلجوقی می‌دانند.

◘ اینانج، برج آرامگاهی در ری بنای سلجوقی. ص ۲۴۲
◘ بی‌بی زبیده ـ سلجوقی، عصر برکیارق فرزند وی در ری. ص ۳۵۱
◘ پیرشمس‌الدین در خرم‌آباد شمال دهستان تشکن. بنای سلجوقی. ص ۲۵۷
◘ جبلیه کرمان، بنای سلجوقی. از یک بنیاد اصلی ساسانی. ص ۲۶۴
◘ خواجه اتابک در کرمان نزدیک مسجد بازار، سلجوقی. ص ۲۷۸
◘ دارالبطیخ در اصفهان آرامگاه خواجه نظام‌الملک، ملکشاه و چند نفر دیگر بنای سلجوقی. ص ۲۸۳
◘ سلطان خدابخش در کاشان بنای سلجوقی. ص ۳۰۱
◘ سلیمان و فضل و موسی در ساوه آوه، بنای سلجوقی. ص ۳۰۶
◘ سیدابراهیم در یزد، ابرقو سلجوقی به‌بعد. ص ۳۰۹
◘ شاهزاده عبدالله در ساوه نزدیک آوه، بنای سلجوقی. ص ۳۲۰
◘ شهرستان در کنار زاینده‌رود، مشرق اصفهان، سلجوقی. ص ۳۳۱
◘ مقام علی، در دزفول بنای سلجوقی. ص ۴۱۲
◘ مهدی خلیفه عباسی در ایلام، بنای سلجوقی. ص ۴۱۹
◘ نظام‌الدین در تربت حیدری، بنای سلجوقی. ص ۲۳۶
◘ یله‌گنبد در کیلومتر ۲۷ راه قزوین به‌رشت، سلجوقی. ص ۴۵۲
◘* امامزاده عبدالله و عبیدالله در دماوند، سلجوقی مغول. معماری ۷۷/۲
◘ علویان، گنبد علویان در همدان، بنای سلجوقی ایلخانی. ص ۳۶۵
◘ امامزاده یحیی در ورامین، سلجوقی ایلخانی. ص ۲۳۴
◘ مالک، برج آرامگاهی در سنقر بنای سلجوقی یا تیموری. ص ۳۹۸
◘ مقوو، بیرون شهر دزفول، بنای سلجوقی ـ صفوی. ص ۴۱۲
◘ شیخ احمدجامی، احمد ژنده‌پیل در تربت جام، سلجوقی به‌بعد. ص ۳۳۴
◘ سیدابراهیم در سه راه یزد ابرقو، سلجوقی به‌بعد. ص ۳۰۹
◘ علاءالدوله امیرعلی ـ در یزد بنای سلجوقی. ص ۳۶۳
◘ برج ری که اکنون وجود ندارد، تا ۱۸۱۸ بوده است، اواخر سلجوقی ری ۴۵۸

* ترتیب الفبایی به‌هم خورده چون بناهای بعدی، سلجوقی محض نیستند.

◙ سلیمان و فضل و موسی در آوه، ساوه سلجوقی ـ ایلخانی. ص ۳۰۶

۳ـ آرامگاههای تاریخ‌دار مانده از سده ششم، سالهای ۵۰۱ تا ۶۰۱

◙ پیر حمزه سبزپوش در ابرقو، بنایی از سال ۵۱۰. ص ۲۵۶

◙ بایزید در بسطام، بنایی از ۵۱۴. ص ۲۴۷

◙ سنایی غزنوی در غزنین از سال ۵۲۵. ص ۳۰۶

◙ بوزان، اصفهان امامزاده کرار، بنایی از ۵۲۸. ص ۲۵۰

◙ ابن ابی توبه، ابوالقاسم نصیرالدین وزیر سلطان سنجر ۵۳۰ ص ۲۱۴

◙ آرامگاه طغرل در ری، برج طغرل.

استاد کریمان درباب تعمیر برج طغرل می‌نویسد: تعمیر این بنا به‌دستور ناصرالدین شاه به‌دست امین‌السلطان وزیر ابنیه صورت گرفت و به‌یادبود این بنا لوحه‌ای مرمری برسر در آن نصب کردند که متن آن در تصویر روزنامهٔ شرف در زیرعکس ثبت است. این تعمیر هرچند بنا را از خرابی نجات بخشید، لکن آثار قدمت و ظرافت کاریهای قدیم و بقیهٔ کتیبه کوفی آن را ازبین برد، بنایی از ۵۳۴. ص ۳۵۵

◙ شهاب‌الدین ابوعبدالله، سنگ قبر در موزهٔ سیاتل آمریکا مورخ ۵۳۴. ص ۱۶۶

◙ طبرسی، ابوعلی در مشهد، بنایی از سال ۵۳۴. ص ۳۹۵

◙ احمد ژنده‌پیل تربت جام از ۵۳۶. ص ۲۲۲

◙ گنبد سرخ در مراغه، درباره این بنا دکتر هیلن براند نظری دارد که در مورد خیلی از بناهای تاریخی ایران صادق است: آراگامها تحت‌تأثیر محیط اطراف جنبهٔ تقدسی کسب می‌کردند... و چه‌بساکه هویت به‌خاک خفته اصلی، فراموش می‌گردید و به‌شخصیت کسی که بیشتر نیازهای دینی محل را رفع می‌کرد تبدیل می‌شد و تغییر هویت می‌داد، بدین‌سان برج لاجیم واقع در لاجیم مازندران که به‌یادبود بانوی مجلله‌ای احتمالاً از سلالهٔ آل باوند بنا گردید، اکنون به‌نام امامزاده عبدالله شهرت دارد و در مراغه خاطرهٔ احمدیلی سرانجام دچار گمنامی شد و اکنون گور او خاطره هیچ‌کس را دربر ندارد و اسم او مدیون رنگ آجر بنای آن است که آن راگنبد سرخ می‌نامند بنایی از ۵۴۲ یا ۵۴۶[۴۴]، ص ۵۴۸

◙ ابی سعدبن احمد گدوک، فقط سنگ آن در موزه متروپلیتن آمریکا، از ۵۴۵. ص ۲۲۵

◙ سلطان سنجر در مرو بنایی از ۵۵۲. ص ۳۰۱

◙ سید اشرف‌الدین غزنوی در غزنه از سال ۵۵۷. ص ۳۰۹
◙ گنبد مدور در مراغه، بنایی از ۵۶۳. و یا ۵۶۲ معماری ۸۴/۲
◙ امامزاده احمد در اصفهان، بنایی از ۵۶۳. ص ۲۳۲
◙ سید حسن غزنوی در آزادوار جوین خراسان، از ۵۶۵. ص ۳۱۱
◙ امام طلحه در کوی سرخاب تبریز، از سال ۳-۵۷۱. ص ۲۳۴
◙ سه گنبد در ارومیه مانده از سال ۵۸۰. ص ۳۰۷
◙ مومنه خاتون، برج نخجوان، بنایی از ۵۸۲. ص ۴۱۹
◙ قتلغ اینانج در ری از سال ۵۹۲. ص ۳۸۲
◙ کبود، برج کبود در مراغه بنایی از ۵۹۳. ص ۳۸۸
◙ تکش در اورگنج آسیای مرکزی مانده از ۵۹۷. ص ۲۶۱
◙ فاریابی در آرامگاه شعرای تبریز از ۵۹۸. ص ۳۷۲
◙ شاهپور نیشابوری در کوی سرخاب از ۵۹۸. ص ۳۱۷

۴ـ آرامگاههای مانده از سده ششم بی‌تاریخ

◙ حبقوق نبی در جنوب غربی تویسرکان، از اوایل سده ششم. ص ۲۷۰
◙ امامزاده عبدالله در فارسجین ضیاءآبا قزوین، از سده ششم. ص ۲۳۳
◙ امامزاده موسی بن جعفر در تویسرکان از سده ششم. معماری ۹۵/۲
◙ امامزاده یحیی در سبزوار در سده ششم. ص ۲۳۸
◙ بابا پیر در خوانسار از سده ششم. ص ۲۴۳
◙ باباطاهر در همدان از سده ششم. ص ۲۴۴
◙ بایزید در بسطام از سده ششم. ص ۲۴۷
◙ بی‌بی، گنبد بی‌بی در تفرش از سده ششم. ص ۲۵۱
◙ پیراحمد در ابهر بنایی از سده ششم. ص ۲۵۵
◙ پیر سبزپوش در ابرقو از سده ششم. ص ۲۵۷
◙ پیرمراد در یزد، سده ششم. ص ۲۵۹
◙ جبل سنگ در کرمان از سده ششم. ص ۲۶۴
◙ چهل دختران یزد از سده ششم. ص ۲۶۷

- حضرت رضا(ع) از سده ششم. ص ۹۹
- خواجه رشیدالدین وطواط در خیوه از سده ششم. ص ۳۷۹
- خواجه سعد در اصفهان از سده ششم یا هشتم. ص ۲۷۹
- سبز، گنبد سبز در قم از سده ششم. ص ۲۹۴
- سلطان سنجر در مرو از سده ششم. ص ۳۰۱
- سلطان علی بن محمد باقر، مشهداردهال کاشان در سده ششم. ص ۳۰۲
- سلطان قیس پاویس در دهستان کوهپایه قزوین، استاد ورجاوند در پایان بخش مربوط به‌این بنا می‌نویسند: بنای مقبره را با توجه به‌شکل طاق‌بندی و سقف آن در داخل و نمای قسمت ورودی آن می‌توان به‌سده ششم نسبت داد.[۴۵] ص ۳۰۳
- سلطان محمدتکش در خوارزم از سدهٔ ششم. ص ۳۰۳
- سهروردی، شیخ اشراق در بغداد از سده ششم. ص ۳۰۸
- سیدناصر در دَرچشم سبزوار از سده ششم. ص ۳۰۵
- شاهزاده کبیر در ابهر بنایی از سده ششم. ص ۳۲۱
- شعرا (مقبرةالشعرا) در تبریز از سده ششم. ص ۳۲۷
- شهرستانی شافعی اشعری در نسا، سده ششم. ص ۳۳۱
- شیخ طبرسی در مشهد سده ششم. ص ۳۳۱
- شیخ محمد بن ناصر یزدی، در بیابان طبس در سده ششم. ص ۳۴۳
- علی‌بن جعفر صدیق، قم سده ششم. ص ۳۶۵
- عماد کاتب در دمشق از سده ششم. ص ۳۶۸
- عمادی تهرانی در شهریار از سدهٔ ششم. ص ۳۶۸
- عین‌القضات همدانی در همدان، از سده ششم. ص ۳۶۹
- غازی‌الدین خان در دهلی از سده ششم. ص ۳۷۰
- غزالی، احمد در قزوین از سده ششم. ص ۳۷۰
- غیاث‌الدین محمد غوری در هرات بنایی از سده ششم. ص ۳۷۱
- فخرالدین رازی، مانده از سده ششم در اورگنج. ص ۳۷۴
- فلکی شیروانی در شماخی از سده ششم. ص ۳۷۸
- قربان، برج آرامگاهی در همدان از سده ششم یا هفتم. ص ۳۸۳

◫ قطب‌الدین حیدر در تربت حیدریه، ۶۱۸. ص ۳۸۴

◫کافر گنبد در دهستان کوه‌پایه قزوین، استاد ورجاوند درباره این بنا می‌نویسند: چنانچه عملیات خاکبرداری در این محل صورت گیرد احتمال می‌رود که در زیربنا، آثار سردابی که محل اصلی مرقد باشد به‌دست آید. این بنا با توجه به‌شکل قوسهای خارج و طاقنماهای داخل و نحوهٔ طاق‌بندی زیر گنبد می‌تواند مربوط به‌قرن ششم یا هفتم هجری باشد[47] ص ۳۸۷

◫ شاهزاده کبیر در ابهر، از سده ششم. ص ۳۲۱

◫ مجیرالدین بیلقانی در آرامگاه شعرای تبریز یا در اصفهان، از سده ششم. ص ۴۰۰

◫ معین‌الدین چشتی در اجیمر هندوستان، از سده ششم. ص ۴۱۱

◫ میدانی نیشابوری در نیشابور از سده ششم. ص ۴۲۰

◫ نظامی گنجوی در گنجه آذربایجان، سده ششم. ص ۴۳۸

◫ های دوگانه دهستان رامند قزوین به‌نام امامزاده صالح و امامزاده سلیمان در انتهای ده نهاوند، استاد ورجاوند درباره این دو بنا می‌نویسند:

> دو بنای مزبور با توجه به‌وضع سردابهابه آثار سده ششم شباهت دارند با این فرق که نقشه آنها نظیر برجهای شمالی در سده‌های چهارم و پنجم دایره شکل می‌باشد. آجرکاری این دو بنا با وجود سادگی و نداشتن هیچ‌گونه کار تزیینی از یک تکنیک تکامل یافته بی‌بهره نیست[48] بناهایی از سده ششم.

◫ هفتادو دوتن در ساروق عراق از سده ششم. ص ۴۴۹

◫ بابا پیر از خوانسار، از قرن ۶ و ۷. ص ۲۴۳

◫ خواجه سعد در اصفهان از سده ۶ یا ۸. ص ۲۷۹

◫ خیاو، برج خیاو، آرامگاه سلطان حیدر صفوی. تاریخ اجرای کارهای اصلی ساختمانی این بنا روشن نیست، ظاهراً در سال ۸۹۳ که سلطان حیدر، پدر شاه اسماعیل به‌شهادت رسید وی را در این برج به‌خاک سپردند. سیدجمال ترابی طباطبایی، مؤلف کتاب آثار باستانی آذربایجان ج ۲، کاملاً متوجه این نکته شده است که بنا قدیمتر از عصر سلطان حیدر است و آن را با امامزاده جعفر اصفهان، مقبره چلبی اوغلو و... مقایسه می‌کند و آن را متعلق به‌سده‌های هفتم و هشتم می‌داند، درحالی که در کتاب بررسی هنر ایران در زیر تصویر صفحه ۳۴۳ در جلد هشتم، آن را برج آرامگاه در خیاو (مشکین‌شهر کنونی) می‌داند و سال ساخته شدن آن را با علامت سؤال اواخر قرن دوازدهم میلادی می‌نویسد که می‌توان آن را با سالهای

آخر ۵۰۰ (قرن ششم هجری) تطابق داد و بر این منبا در سلسله مراتب سنواتی ما نیز، این برج را در پایان این جدول آورده‌ایم. ص ۲۸۲

۵- آرامگاههای تاریخ‌دار سده هفتم، ۶۰۱ تا ۷۰۱

- شیخ نجم‌الدین کبری در زمخشر از ٦١٨. ص ۳۴۵
- باباحسن در سرخاب تبریز، از سال ٦١٠. ص ۲۴۳
- عطار، شیخ فریدالدین ـ نیشابور از ٦١٨. ص ٣٦٣
- شاه چراغ از ٦٢٨ یا ۶۵۸ در شیراز. معماری ایلخانی ص ۳۱۸
- امامزاده عبدالله در شوشتر. از سال ٦٢٩. ص ۱۱۷
- لنبانی، رفیع‌الدین مسعود، لنبان اصفهان از سال ٦٣٠. ص ۳۹۷
- اوکتای قاآن از سال ٦٣١، این آرامگاه خارج از حدودگستره فرهنگی ایران است و از آن روی در این مجموعه آورده شده است که از نخستین آرامگاههای ساخته شده عصر ایلخانی شمرده می‌شود با اصالت مغولی که به‌تدریج بامراوده هنری میان ایران و سرزمینهای شرقی امپراتوری چنگیز، به‌ایران کشیده شد و هنر و معماری ایران را تحت‌تأثیر قرار داد. آرامگاههایی که در این عصر در ایران ساخته می‌شد، سالها ادامه همان روال سلجوقی بود، در این سالها مغولان فقط خراب کننده بودند، اصولاً حد فاصلی میان دو عصر سلجوقی و ایلخانی وجود ندارد.
- معین‌الدین چشتی در اجمیر از سال ٦٣٣.. ص ۴۱۱
- سبز، قبه سبز درکرمان، بنایی از ٦۴٠که تا سال ١٨٩٦ وجود داشته و در این سال دراثر زلزله به کلی مهندم شده است (از قرار نوشته سایکس. معماری ایلخانی) ص ۲۹۴
- شهریار بن زین‌الدین در شیراز، سنگ قبر وی درکنارهٔ شمالی شهر از ٦۴١. ص ٣٣١
- پیرحسین در حوالی باکودبه چسبیده به‌خانقاه وی از ٦۴١. ص ٢٥٦
- نزاری قهستانی در بیرجند، سال ٦۴۵. ص ۴۳۵
- چهار پادشاه (چهار اولیا) در لاهیجان، از سال ٦۴٧. ص ٢٦٧
- عبدالرحیم اژه‌آبادی یا اچابادی مرید بابامزید. م ٦۵۵. سرخاب ۳۵۹
- امامزاده یحیی در ورامین. از سال ٦٦٣ سلجوقی ـ ایلخانی ص ۲۳۴
- جزیرهٔ شاهی و آرامگاه منسوب به‌هولاگو از سال ٦٦۴. ص ۴۵۰

◙ بهاءالدین زکریا مُلتانی در مُلتان پاکستان از سال ٦٦٦. ص ۲۵۱
◙ امامزاده جعفر در قم مزدی جان از سال ٦٦٧. ص ۲۳۳
◙ حبیب ابن موسی (آرامگاه شاه عباس بزرگ صفوی) در کاشان از ٦٦٨. ص ۲۷۰
◙ فریدالدین گنج شکر در مُلتان در سال ٦٦٣. ص ۳۷۷
◙ پیرحیران، یوسف دهخوارقانی در آذرشهر از سال ٦٧۰. ص ۲۵۷
◙ مولوی، جلال‌الدین بلخی در قونیه ٦٧۲. ص ۴۱۸
◙ صدرالدین محمد بن اسحاق قونیوی کنار جلال‌الدین مولوی در ٦٧۳. ص ۳۴۳
◙ شیخ عثمان مروندی در سیحون سند از ٦٧۳. ص ۳۴۲.
◙ امامزاده احمد در اسدآباد همدان، محلهٔ سیدان از سال ٦٧۳. معماری ۲/۹۵
◙ علاءالدین، برج آرامگاهی در ورامین مانده از ٦٧۵ یا ٦٨٨. ص ۳٦۳
◙ شاه شمس‌الدین سبزواری، مُلتان در ٦٧۵. ص ۳۲۳
◙ سیداسحاق، سلطان سید ـ در ساوه از سال ٦٧٦. ص ۳۰۹
◙ شیخ یوسف سروستانی، در سروستان جنوب شیراز بنایی از ٦٨۰. ص ۳۴۵
◙ رادکان، میل یا برج آرامگاهی، رادکان شرقی در برابر رادکان غربی در ٦٨۰ (نظر هرتسفلد). ص ۲۸۷
◙ اوحدالدین بلیانی، کازرون، از سال ٦٨۳. ص ۲۴۱
◙ خواجه شمس‌الدین محمد جوینی، تبریز ٦٨۳. ص ۲۷۹
◙ حمیدالدین لوبکی در سنام هند از ٦٨۳. ص ۲۱۴
◙ پرواز شاه، در شمال بمبئی از ۹۸۵. ص ۲۵۳
◙ مجدالدین اسعد رومی در مدرسهٔ مجدرومی از ٦٨٦. ص ۳۹۹
◙ سرخپوش، سیدجمال‌الدین، در بهاولپور از ٦۹۰. ص ۲۹۷
◙ مخدوم جهانیان در مانیرپّتنا از ٦۹۰. ص ۴۰٦
◙ موسی مبرقع در قم، بنایی از ٦۹۱. ص ۴۱۷
◙ غازان، شنب غازان در کنار شهر تبریز، متأسفانه از این بنا چیزی نمانده است اما نویسندهٔ کتاب معماری ایلخانی معتقد است که اصل بنای مقبره به‌شکل برج، برجی شبیه برجهای مراغه یا گنبدی همانند آرامگاه سلطان سنجر بوده است، و ما می‌دانیم که این بناها هر دو، سلجوقی‌اند. بنابراین، بنای آرامگاه این ایلخان، اگرچه در عصر خود وی ساخته شده،

شدیداً تحت تأثیر معماری بومی سلجوقی قرار داشته است. و نقشه آن بر مبنای معماری اصیل ایرانی، عصر متأخر سلجوقی، توسط خود خواجه رشیدالدین طرح شده و معمار آن تاج‌الدین علیشاه بوده است، در معماری ایلخانی می‌خوانیم:

عملیات ساختمانی این بنا چندین سال ادامه یافت تا اینکه آشکار گشت که این ساختمان مجلل‌تر و با عظمت‌تر از مقبرهٔ سلطان سنجر سلجوقی در مرو خواهد شد که تا آن تاریخ بزرگترین بنای دنیا محسوب می‌گردید، چهارده هزار کارگر در ساختمان بنا شرکت داشتند، تاریخ آغاز بنا ۶۹۴ است.[۴۹] ص ۳۳۰

▣ ابن حامد، افضل‌الدین محدث تبریزی از سال ٦٧٧. ص ۲۱۵

▣ شیخ محمود سقله در ایوان منارجنبان اصفهان از سال ٦۹۵. ص ۳۴۴

▣ کاشمر یا کشمار، برج یا منار آرامگاهی در پنجاه کیلومتری مغرب تربت حیدری از ٦۹۹. ص ۳۸۷

۶ـ آرامگاههای سلجوقی بی‌تاریخ در سده هفتم

چنگیز در سال ٦١٧/۱۲۱۹ پس از فتح سراسر آسیای شرقی متوجه مغرب شد، وی جز خرابی کاری نکرد و جانشینان نخستین وی نیز آن‌قدرها به‌معماری توجه نداشتند. از این‌رو ما در این بررسی و فهرست‌آرایی سراسر سده هفتم را دنباله عصر سلجوقی و دیگر حکومتهای پیش از حمله مغول به‌حساب آورده‌ایم. درحالی که بسیاری از بناهای سده هفتم را ممکن است در فهرست‌های دیگر، بنای ایلخانی یا مغولی جا داده باشند.

دونالد ویلبر از جمله آن کارشناسان نیست که کوشش می‌کند معماری ایلخانی را در برابر معماری سلجوقی گسترده‌تر و وسیع‌تر ارائه کند اما خود وی در دیباچه کتابش می‌نویسد:

غالب بناهایی که در این دوره بنیاد یافت، ساختهٔ دست مردم بومی این سرزمین است که در روزگار آرامش داخلی، بدون توجه به‌فرمانروایان زمان، آنها را بنا نهادند، ایلخانان ایران تا اواخر دوران فرمانروایی خود شخصاً به‌معماری عنایت چندانی نکردند، به‌عبارت دیگر، شخصاً برای ایجاد یا بنای ساختمانهای جدید یا تعمیر و تغییر بناهای پیشین پیشقدم نگشتند، اقدام آنان محدود به‌صدور احکام و فرمانهایی بود که وزرای ایرانی آنان تهیه می‌کردند...»[۵۰]

با توجه به‌این پیچیدگی و ابهام در زمان‌بندی فهرست بناها، در این بخش نیز بناهای سده هفتم را بر مبنای ترتیب الفبایی ارائه می‌کنیم:

- آخوند در کرمان، کوهبنان از سده هفتم. ص ۱۹۹
- اَبش خاتون و اتابک ابوبکر و اتابک سعد. در شیراز از سدهٔ هفتم. ص ۲۱۴
- ابوالمعالی مظفر باغ نوشیراز سدهٔ هفت. ص ۲۱۸
- استرومُردخای در همدان، بنایی از سدهٔ هفتم. ص ۲۲۶
- اشموئیل پیامبر در ساوه، بنایی از سدهٔ هفتم. ص ۲۲۷
- اَلتوتمیش در دهلی از بناهای سدهٔ هفتم. ص ۲۳۱
- امام رافعی از بناهای سدهٔ هفتم در قزوین. ص ۲۳۴
- امامزاده اباذر در ۳کیلومتری کرج به‌قزوین، از سدهٔ هفتم. ص ۲۳۲
- امامزاده محمود یا امامزاده بسطامی در بسطام، از سدهٔ هفتم. ص ۲۴۹
- پیربابا مسافر در شهداد کرمان، بنایی از سدهٔ هفتم. ص ۲۵۵
- پیرجاسوس در کرمان از سدهٔ هفتم. ص ۲۵۶
- پیر جان‌سوز (در متن جارسوز) در بردسیر کرمان، از سدهٔ هفتم. ص ۲۵۶
- پیرمراد، اراک سدهٔ هفتم و هشتم. معماری ۸۱/۲
- جوی برج در مراغه از سدهٔ هفتم. ص ۲۶۵
- چلبی، حسام‌الدین در قونیه جوار مولوی، سدهٔ هفتم. ص ۲۶۶
- چهل دختران سراب از سدهٔ هفتم. ص ۲۶۷
- چهل دختران در ثلاث سمنان، بنایی از سدهٔ هفتم. ص ۲۶۷
- چهل دختران در کاشان از سدهٔ هفتم. ص ۲۶۷
- خواجه امیرالدین هگلی وال، در سری‌نگر کشمیر از سدهٔ هفتم. ص ۲۷۸
- خواجه شمس‌الدین محمد در تبریز، سدهٔ هفتم. ص ۲۷۹
- خواجه عمید کججانی در اسکوی آذربایجان، سدهٔ هفتم. ص ۲۸۰
- دختر ارغون آقا در سجاس زنجان، سدهٔ هفتم. ص ۲۸۴
- ذوالفقار شروانی در سرخاب تبریز، سدهٔ هفت. ص ۲۸۶
- روزبهان در شیراز از سدهٔ هفت. ص ۲۹۰
- زکریا قزوینی در بغداد از سدهٔ هفت. ص ۲۹۱
- زکریا ملتانی در مُلتان پاکستان از سدهٔ هفتم. ص ۲۹۱
- گنبد سبز، آرامگاه قراختائیان، کرمان سدهٔ هفتم. ص ۲۹۵

- سرخپوش در بهاولپور پاکستان از سدهٔ هفت. ص ۲۹۶
- سیف‌الدین باخرزی در فتح‌آباد بخارا، سدهٔ هفت. ص ۳۱۶
- سیف‌اسفرنگی در بخارا، سدهٔ هفت. ص ۳۱۶
- سید شرفشاه در طوالش اول گیل دولاب، سدهٔ هفت. ص ۳۱۲
- شاهزاده اسحاق، ساوه از سدهٔ هفتم. ص ۳۱۹
- شاهزاده قاسم درفین کاشان از سدهٔ هفتم. ص ۳۲۱
- شاه هادی در تاکستان از سدهٔ هفت. ص ۳۲۵
- شاه هادی در نراق کاشان از سدهٔ هفت. ص ۳۲۵
- شاهزاده یحیی در نراق کاشان از سدهٔ هفت. ص ۳۲۲
- شروانی، سید قوام‌الدین در تبریز. از سدهٔ هفت. ص ۳۲۷
- شاهزاده هارون در ده کیلومتری ساوه، از سدهٔ هفتم. ص ۳۲۱
- شاهزاده یحیی در نراق کاشان از سدهٔ هفت. ص ۳۲۲
- شمس‌الدین سجاسی در قید ارزنجان، سدهٔ هفت. ص ۳۲۹
- شیخ احمدخندان در بدایون هند از سدهٔ هفتم. ص ۳۳۴
- شیخ احمد فهادان در فهادان یزد از سدهٔ هفتم. ص ۹۲/۲
- شیخ بهاءالدین سمنانی در سمنان از سدهٔ هفتم. ص ۳۳۷
- شیخ فاضل بوریا بادی در تربت حیدریه بوریا باد، سدهٔ هفت. ص ۳۴۲
- شیخ یوسف سروستانی، سروستان از سدهٔ ۷ و ۸. ص ۳۴۵
- صلاح‌الدین نخجوانی بلغاری در تبریز از سدهٔ هفت. ص ۳۵۱
- عثمان مروندی، در سیحون سند میراث ۴۸۹/۲
- عراقی، فخرالدین ـ در دمشق، از سدهٔ هفت. ص ۳۶۱
- علامه قطب‌الدین محمود کازرونی در تبریز از سدهٔ هفت. ص ۳۶۴
- علی بن سهل، آثار آن در اصفهان از سدهٔ هفت مانده است. ص ۳۶۵
- عوض‌الخواص در کلخوران اردبیل، سدهٔ هفت. ص ۳۶۸
- فخر فارسی در قاهره، سدهٔ هفت. ص ۳۷۷
- فریدالدین گنج شکر در مُلتان پاکستان، سدهٔ هفت. ص ۳۷۸
- فلک‌الدین در ده فلک‌الدین در شمال غربی خرم‌آباد، سدهٔ هفت. ص ۳۷۶

◻ قاسم (امامزاده) در کاشان از سدهٔ هفتم. ص ۳۸۰
◻ قاضی سراج‌الدین در قونیه، در جوار مولوی، سدهٔ هفت. ص ۳۸۱
◻ قاضی محی‌الدین در کوی سرخاب تبریز، سدهٔ هفت. ص ۳۸۲
◻ قربان، برج آرامگاهی در همدان از سدهٔ هفت. ص ۳۸۳
◻ قِثم ابن عباس در سمرقند از سدهٔ هفت. ص ۳۸۴
◻ کورائیم اردبیل از سدهٔ هفت. معماری ۸۳/۲
◻ کمال‌الدین اسماعیل در اصفهان از سدهٔ هفتم. ص ۳۹۰
◻ مادر هولاگو در مراغه از سدهٔ هفتم. ص ۳۹۸
◻ مجدالدین بغدادی، دجله، سدهٔ هفتم. ص ۳۹۹
◻ محقق اول درحله عراق، سدهٔ هفت. ص ۴۰۱
◻ مولوی، جلال‌الدین در قونیه، سدهٔ هفت. ص ۴۱۸
◻ میدانک در راه چالوس نزدیک گچسر، سدهٔ هفت. ص ۴۲۰
◻ نجم‌الدین دایه در بغداد، سدهٔ هفت. ص ۴۳۴
◻ نجم‌الدین زرکوب در شیراز، سدهٔ هفت. ص ۴۳۴
◻ نخجوانی صلاح‌الدین ـ در تبریز از سدهٔ هفتم. ص ۴۳۴
◻ نصیرالدین طوسی، خواجه ـ در کاظمین، سدهٔ هفت. ص ۴۳۵
◻ نظام‌الدین اولیاء در دهلی، سدهٔ هفت. ص ۴۳۶
◻ هادی ابن علی (امامزاده) همدان پارک باباطاهر، سدهٔ هفت.
◻ هارونیه در طوس سدهٔ هفت. ص ۴۴۳
◻ امامزاده احمد در لواسان از سدهٔ ۷ یا ۸. ص ۲۳۲
◻ امامزاده سلطان مطهر در دماوند، بومهن سدهٔ ۷ یا ۸. ص ۳۰۴
◻ امامزاده صالح در تهران شمیران از سدهٔ ۷ و ۸. ص ۲۳۳
◻ امامزاده علی در سادات بویراحمدی از سده‌های ۷ و ۸. ص ۲۳۳
◻ امامزاده یحیی در صایین قلعهٔ زنجان از سده‌های ۷ و ۸. ص ۲۳۴
◻ پیرمراد در مشهد میغان اراک از سده‌های ۷ و ۸. ص ۲۳۴
◻ شیخ محمد ابن اسماعیل در آذربایجان از سده‌های ۷ و ۸. ص ۳۴۳

- طبیب شیرازی، نجم‌الدین در شیراز، از سدهٔهای ۷ و ۸. ص ۳۵۵
- قربان، برج آرامگاهی در همدان از سدهٔهای ۷ و ۸. ص ۳۸۳
- امامزاده عسگری در کیفان بجنورد از سدهٔ هفت تا صفویه ص ۲۳۳
- معین‌الدین چشتی در اجمیر هندوستان از سدهٔ هفت تا سدهٔ ۱۱. ص ۴۱۱

۷ـ آرامگاههای پادشاهان و امیران سلجوقی

در مجمل‌التواریخ ص ۴٦۵ ذکر حفایر آل سلجوق:

- سلطان طغرل بیک به‌شهر ری وفات رسید و تربتش آنجا برجاست.
- الب ارسلان، او به‌جانب مرو مدفون است.
- سلطان محمود به‌همدان مرد و به‌اصفهان مدفون است پیش سلطان محمد.
- سلطان محمد بن ملکشاه به‌اصفهان.
- سلطان طغرل بن محمد به‌همدان در مدرسهٔ طغرلیه.
- سلطان مسعود به‌همدان در مدرسه مدفون است.
- سلطان محمد ابن محمود در مدرسهٔ سلطان طغرل.
- سلیمان هم به‌همدان مدفون است.
- سلطان طغرل بن ارسلان، به‌شهر ری در تربت سلطان طغرل بیک.
- ارسلان به‌همدان مدفون است.

فصل دوازدهم

آرامگاههای عصر ایلخانی، مغول و تیموریان

(بخش نخست از مرحله چهارم، عصر اسلامی دو*)

(در دورهٔ ایلخانی هنر معماری ایران راه کمال پیمود و غالب بناهایی که در این دوره بنیاد یافت، ساخته پنجهٔ هنرمند بومیان کشور بود. بزرگی این بناها این نیاز را پیش آورد که معماران ورزیده از سراسر کشور به کار دعوت شوند و هر استاد فوت‌وفن هنر خود را بر دیگران عرضه داشت و پس از ساختمان بنا به‌دیار خود رفت. سبک عالی معماری دوران ایلخانان یادگار این اهتمام است.

دونالد ویلبر**

خواجه نظام‌الملک طوسی، معمار اصلی طرح و اجرای نظامات سیاسی اجتماعی امپراتوری سلجوقی بود و تمدنی را پی‌افکند، که حاصلش سالها رفاه و آسایش مردم و ترقی علم و هنر در سایه عدالت و امنیت بود. آرامگاه‌سازی و به‌طورکلی معماری عصر سلجوقی نیز پیشرفت کلی کرد به‌طوری که آن را باید در تاریخ هنر ایران بزرگ یک اوج دانست و این اوج در حد خودش متوقف بود و خوارزمشاهیان چیزی براین اعتلا نیفزودند، شاید چنین امکانی اصلاً وجود نداشت.

ویرانی از آن زمان آغاز شد که چنگیز در ۶۱۷ قشون خود را به‌سوی ایران به‌حرکت درآورد، چنگیز که نام اصلی وی تموچین است در همان سال بخارا را تصرف کرد و سوار بر اسب داخل مسجد بزرگ شهر شد، در آنجا مجلس عیش برپا کرد، اول کتب مقدسه، بعد شهر را به‌آتش کشید تا مدتی که اثری از تقدس دینی و گرایش به‌اسلام در مغولان وجود نداشت،

* از ترکتازی مغولان تا ظهور شاه عباس

** دانشمند معاصر از همکاران پروفسور پوپ که از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۸ بارها به‌ایران سفر کرد و با استفاده از این فرصتهای مطالعاتی و دسترسی به‌عکسها و تجربیات پروفسور پوپ، موفق شد کتاب معروف خود معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان را تألیف کند، این کتاب توسط استاد فقید عبدالله فریار به‌فارسی برگردانده و در ۱۳۴۶ و ۱۳۶۵ توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی در تهران طبع ونشر شد.

این تخریب هم بدون درنگ ادامه یافت و می‌توان گفت یکی از علل برجای ماندن برخی از بناهای مذهبی در آن روزگار استحکام فوق‌العاده آنها بوده است. در برابر بناهای اشرافی و سلطنتی، و البته این مسئله را هم نباید فراموش کرد که سرداران مهاجم و جنگجویان بزرگ سراسر وجودشان از کینه نسبت به‌شاهان پیشین انباشته است، رفتار چنگیز و فرزندانش نسبت به‌جسد محمد خوارزمشاه، بهترین شاهد مثال است در این مورد، و در عصر پس از صفویه رفتار آغا محمدخان نسبت به کریم خان. چنگیزیان جسد سلطان محمد خوارزمشاه را پس از دوبار جابه‌جایی از گور درآورده آتش زدند.[1]

از میان بناهای مانده و تخریب نشده مسجدها و آرامگاهها، با بناهای نشیمنی سلطنتی قابل قیاس نیستند و از این گروه بناهایی برجای مانده که ۱۱۹ باب آن را مؤلف معماری ایلخانی معرفی کرده است آرامگاهها مقام اول را دارند بدین قرار:

متفرقه ۱۳ و امامزاده ۱۹، مسجد ۳۳ و آرامگاه ۵۴ باب، اما برمبنای بررسی و شمارش خود نویسنده کتاب سی ونه عدد از آثار مندرج در فهرست را مقبره‌ها تشکیل می‌دهند که وی درباره این سی ونه عدد می‌نویسد:

> آنها خود به‌دو دسته تقسیم می‌شوند، یک دسته آنها که شبستان مربع شکل گنبددار دارند و تعداد آنها دوازده است و دستهٔ دیگر مقبره‌های برجی است. مقبره‌های برجی اشکال مدور و مربع و چند وجهی دارند و تفاوت آنها با شبستانهای گنبددار ارتفاع خیلی زیادتری است که نسبت به‌ابعاد کلی بنا دارند و اینها را می‌توان به‌ساختمانهای گنبددار و ساختمانهایی که گنبد چندوجهی خیمه‌وار و یا سقف مخروطی دارند تقسیم کرد.
>
> در همهٔ مقبره‌ها برروی اطاق مقبره یک گنبد داخلی دیده می‌شود و جنبه دینی آنها از آنجا معلوم می‌شود، که بیش از نیمی از آنها محراب دارند. در این مقابر جسد یا در تابوتی سنگی و منقش که در مرکز اطاق قرار دارد دفن شده است و یا در دخمهٔ طاق‌داری که در زیرِ اطاق قرار دارد و از گوشه‌ای از ساختمان می‌توان بدان راه یافت جای داده شده.[2]

به‌این نکته اشاره شد که بناهای غیردینی بیشتر از میان رفته‌اند، دونالدویلبر نیز که فهرستی از بناهای معدوم شده دارد می‌نویسد که بناهای غیردینی قصرهای مجلل را از چوب می‌ساختند، اصولاً این قوم چادرنشین زمستان و تابستان زیر چادر بوده‌اند و حتی بیشتر محققان اظهارنظر می‌کنند که معماران برای ساختن آرامگاههای مخروطی شکل نیز از

خیمه‌های نوک‌تیز[۳] مغولی الهام گرفته‌اند، که ما بدان اشاره کردیم و گفتیم که هیلن براند نیز همین نظر را درباره بناهای سلجوقی دارد. عباس اقبال هم در این باره می‌نویسد:

بعضی از بناهایی که از عصر ایلخانان باقی مانده از دور هیئت چادرها یعنی یورتهای مخصوص ایلات را دارد و از این جهت بنای ظریفی که هنوز قسمت عمدهٔ آن در مراغه باقی است و به‌مقبره دختر هولاگو* شهرت دارد از همه نمایان‌تر است.[۴]

هجوم مغولان نه‌فقط روند آرامگاه‌سازی را متوقف ساخت بلکه بسیاری از آرامگاههای ساخته شده را نیز این اقوام خونخوار وحشی معدوم کردند، که برخی از آنها در اثر استحکام فوق‌العاده قابل خراب شدن نبود و ماند.

در بدو امر چنین به‌نظر می‌رسد که با هجوم قومی چادرنشین و مخرب نباید دیگر بنایی در این عصر ساخته شود، درحالی که به‌جرأت می‌توان گفت عصر ایلخانی از این نقطه‌نظر یکی از درخشان‌ترین اعصار تمدنی ایران است. با ایلغار مغول بسیاری از بنایان و معماران ممتاز ایران، درنتیجه عدم امنیت و عدالت در ایران، از منطقه کوچ کردند یا فراری شدند، به‌خصوص که در بدو امر به‌نظر می‌رسید این جنگجویان غیرمسلمان، دیگر اجازه نخواهند داد مسجدی ساخته شود. از لحاظ آرامگاه نیز باید متوجه بود که مغولان برای بزرگان خود آرامگاه نمی‌ساختند و بدنهای بزرگان خود را در جاهای دورافتاده به‌خاک می‌سپردند، در حقیقت آنها را سربه‌نیست می‌کردند. هم‌اکنون گور ایلخانان مسلمان نشده را نمی‌دانیم که در کجاست اما پس از مسلمان شدن غازان، که هم اسلام در جامعه مغولان تقویت شد و هم مدت سلطنت ایلخانان مسلمان از دورهٔ ایلخانان نخستین طولانی‌تر شد، ایلخانان نیز به‌تقلید از شاهان پیشین ایران و تشویق وزیرانشان به‌بنای مقبره و گنبد مخصوص اقدام نمودند، تا حدی که برای نشان دادن تعلق خود به‌اسلام، به‌ساختن و تعمیر ابنیه اخیر دیگر نیز از قبیل مساجد و جوامع علمی و مدارس پرداخته و آثار مهمی از خود به‌یادگار گذاشتند.

اگرچه قبل از ایلخانان مسلمان ایلخانان دیگر هم کلیساها و معابد بودایی در ایران ساخته بوده‌اند که بعدها مسلمانان آنها را برانداخته و نام و نشانی از آنها به‌جا نگذاشته‌اند. به‌همین دلیل است که بیشتر ابنیه و آثاری که از دورهٔ مغول باقی مانده از عهد غازان خان به‌بعد است.

مرحوم اقبال پس از اشاره به‌مطلب آثار به‌جای مانده از ایلخانان را در سه گروه

*ـ این بنا منسوب به‌مادر هولاگوست که آن را نیز آندره گدار باستان‌شناس فرانسوی رد کرده است. آثار ۲۸۷/۳.

برمی‌شمارد: آبادیها، شهرها، ابنیهٔ مذهبی و مقابر یعنی گنبد شنب غازان مقبره ابن ایلخان و دوگنبد سلطانیه مقبره اولجایتو و ابوسعید.[۵]

به‌این نکته نیز باید توجه داشت که فاتح مغولی هم همانند هر فاتح دیگر، به‌تاریخ و ثبت و ضبط وقایع عصر خودش که دربرگیرنده پهلوانیها و نبوغ نظامی و فرماندهی خود وی و اجدادش است، علاقه‌مند بوده است و به‌جرأت می‌توان گفت، با ظهور مغولان، تحول بزرگی در تاریخ‌نویسی ایرانی اسلامی به‌وجود آمد و درست است که این ویرانگران خونخوار بخش بزرگ میراث فرهنگی ما را از میان بردند، اما پس از تشکیل حکومت و مسلمان شدن، خود مبلغ و مروج همین فرهنگ شدند. علاوه بر کتابهای مهم تاریخ که از این دوره برجای ماند بناهای بزرگ مانند شنب غازان و ربع رشیدی و رصدخانه‌ای مهم ساخته شد. نقطه اوج معماری هنرمندانهٔ عصر ایلخانی ساختن آرامگاه سلطانیه است، در وسط شهری که در مقابل صدها شهر خراب شده توسط مغولان، به‌دست ایشان پی افکنده شد. اما به‌علل گونه‌گون از جمله تنفر ذاتی مردم ایران از این مهمانان ناخوانده، شهر سلطانیه دوام نیاورد و با اینکه در یکی از بهترین جلگه‌های حاصلخیز ایران بنا شده بود، پس از افول ستارهٔ اقبال مغولان، ویرانه شد و از میان رفت، فقط گنبد بزرگش باکاشیکاری بسیار زیبا و عظمت چشمگیر برجای مانده که چند قرن بعد، مدلی باشد برای معماران و بنایان اصفهانی در ساختن آن بناهای خاص و شکوهمند عصر صفوی.

به‌فرار یا مهاجرت هنرمندان ایرانی به‌شبه قاره اشاره کردیم و باید اضافه کنیم که سالهای سال آرامگاه‌سازی ایرانی در شبه قاره سرمشقی پربرکت بود و آثار مهمی را در آن سرزمین خلق کرد، که در همین فصل بدان اشاره خواهیم داشت اکنون نظر مرحوم اقبال را درباب نفوذ هنر و معماری ایران در مغرب ایران ارائه می‌کنیم:

> استیلای مغول در آغاز نه‌تنها موجب ویرانی آبادیها و خرابی عمارات و ابنیه گردید، بلکه جمع کثیری از استادان صنایع مستظرفه و هنرمندان را از میان برد و از این مردم عده‌ای نیز مثل فضلا از ایران گریختند و به‌بلاد دیگر اسلامی از جمله به‌سرزمین روم و مصر مهاجرت نمودند و در پناه امرا و سلاطین آن نواحی، به‌بروز هنر و استادی خود پرداختند و همین مسئله، همچنان که ادبیات فارسی را در خارج ایران منتشر ساخت، صنایع ظریفه و سبک معماری خاص ایرانی را نیز در بلاد روم و مصر داخل نمود و یک عده از ابنیهٔ مصر و شام و روم در آن ایام به‌دست ایرانیان مهاجر بنا شد.[۶]

البته این تأثیر متقابل بوده است و از سوی دیگر وقتی که عصر عمران و آبادی فرا رسید و ایلخانان با فرهنگ ایرانی آشنا شدند، به‌تشویق هنرمندان پرداختند، بار دیگر این هنرمندان از گوشه و کنار ایران سر برآوردند و در شهرهای جدید ایلخانی ایران گرد آمدند، که سلطانیه مهمترین آن شهرها محسوب می‌گردید. اولجایتو واقعاً مرد عمران و آبادی بود و مانند برادرش غازان خان به‌ساختن عمارات بزرگ دست یازید که بزرگترین این عمارات آرامگاه خودش بود.

غازان خان نخستین ایلخان در ایران بود که رسماً برای خود آرامگاه ساخت و رسم سربه‌نیست کردن جسد ایلخانان و خانان مغولی را منسوخ ساخت. غازان خان که مسلمان شده بود می‌خواست پایش را جای پای پادشاهان مسلمان غیرمغول بگذارد. در حیات خویش مقبره‌ای جهت خود بنا نماید و اوقافی جهت آن قرار دهد تا صلحا و زهاد و عباد از ممر آن زندگی کنند و او را پس از مرگ به‌ذکر خیر یاد نمایند. از این‌رو در محل شام تبریز که بعدها شنب غازان یا شاه غازان خوانده شد و در سه ربع فرسنگی جنوب تبریز واقع است قبه‌ای ساخت که از عجایب ابنیهٔ اسلامی و بزرگترین و عظیم‌ترین قبه‌ای بوده است که تا آن تاریخ در ممالک اسلامی ساخته شده است. بنای قبه در سال ۷۰۲ پایان یافت، ضخامت دیوارها برابر با سی وسه آجر چسبیده به‌هم بود و هرکدام از آن آجرها نیز ده من وزن داشته است و ۱۴۰۰۰ عمله که ۱۳۰۰۰ نفر آنها مستمراً و ۱۰۰۰ نفر دیگر به‌عنوان کمک استخدام شده بودند، در ساختن آن شرکت کرده‌اند. بلندی قبه ۱۲۰ گز و طول دیوارها ۸۰ گز و کتیبه و شرفات قبه ۱۰ گز و طاس قبه ۴ گز و محیط آن ۱۵۳۰ گز بوده است و شکل دوازده ضلعی داشته و بر هر ضلع آن صورت برجی را نقش کرده بودند.

کتیبه‌ها در داخل و خارج قبه، به‌نقوش و خطوط بسیار نیکو مزین، و تنها سیصد من لاجورد در نقش سقف آن به کار رفته بوده و در اندرون قبه، هشتاد قندیل زرین و سیمین که وزن هریک از آنها به‌پانزده من می‌رسیده آویخته بودند که یکی از قندیلهای طلای آن هزار مثقال وزن داشت. این آرامگاه در حقیقت مرکز و قلب این مجموعه بود و در اطراف بناهای بسیار از مسجد و مدرسه و دارالسیاده و رصدخانه و بیت‌الکتب و بیت‌القانون... و حوضخانه و حمام و مقبره برای چند حافظ قرآن ساخته با موقوفات بسیار. و وقفنامه و شروط وقفنامه که در حبیب‌السیر ج ۲ صفحه ۱۰۸ آمده است.[۷]

غازان خان خیال داشت که در سلطانیه کنونی نیز شهری بسازد که عمرش کفایت نکرد و

برادرش الجایتو آن را به‌انجام رساند. مغولان به‌این سرزمین قُنقُور آلانگ می‌گفتند که آلانگ یا اُلنگ به‌معنی چمن است و هم‌اکنون در شمال خراسان به‌مرغزار اُلنگ می‌گویند. این محل را سرداران مغول خوب می‌شناختند که مرتعی بسیار خوب با آب وهوای مفرح و سرزمین دورود ابهر و زنجان است، که اولی به‌سوی قزوین و دومی به‌سوی میانه در جریان است تا به‌قزل اوزون بپیوندد.

اولجایتو در ۷۰۴ ساختن این شهر را شروع کرد، گام نخستین این بود که دورتادور محوطه اصلی شهر بارویی مربع شکل کشیدند، دیواری که درازای آن سی هزار قدم بود و ضخامت دیوارهای آن به‌اندازه‌ای بود که چهار سوار پهلوی یکدیگر می‌توانستند روی آن حرکت کنند و در وسط آن، اولجایتو قلعه بزرگی ساخت که از جهت عظمت به‌شهری می‌ماند و در آن گنبدی جهت آرامگاه خود بنا کرد که همان گنبد معروف شاه خدابنده یا سلطانیه است که بعد از وفات، وی را در آن به‌خاک سپردند، و آن از مهمترین بناها و از نمونه‌های عالی معماری عهد مغول است. سلطان خدابنده در اطراف این آرامگاه به‌بنای هفت مسجد امر داد و یکی از آنها را خود به‌خرج خویش از مرمر و چینی ساخت و بناهای دیگر از دارالشفا، داروخانه، دارالسیاده و خانقاه برپا شد و اولجایتو علاوه بر بنای قصری جهت اقامت خویش، مدرسه بزرگی نیز در آن شهر از روی گردهٔ مدرسهٔ مستنصریه بغداد پی افکند و از هر طرف مدرسین و علما و اهل بحث و درس را به‌آنجا خواند. در این باب متنی را از نفایس‌الفنون می‌آوریم:

اولجایتو جهت مرقد خود گنبدی بسی عالی با هشت منار بر سر آن ساخت و در حوالی آن ابواب خیر از جامع و خانقاه و مدارس و دارالسیاده که هرگز مثل آن در جهان کس ندیده و نشنیده بساخت، و بسیاری از املاک نفیسه بر آنجا وقف کرد. چنانچه حاصل آن در عهد دولت او به‌صد تومان می‌رسید و چون این جمله به‌تعلیم و ارشاد وزیر عالم و عادل صاحب سعید شهید، خواجه رشیدالدین طاب ثراه بود، نیابت تولیت بدو داد و در آنجا ده مدرس و بیست معبد و صدنفر از طلبهٔ علم و بیست صوفی و دوازده حافظ قرآن و هشت مؤذن و چهار معلم تعیین فرمود و جهت هر مدرس هزار وپانصد دینار مرسوم کرد و جهت هر معبد هفتصد وپنجاه دینار و از آن هر طالب علم وصوفی و حافظ و مؤذن و معلم صدوبیست دینار. هر روز جهت آینده و رونده که در دارالضیافه آنجا صرف کنند سیصد دینار تعیین فرمود و مخارج دارالسیاده و دارالشفا زیاده از صدهزار دینار.»[۸]

اولجایتو نهایت کوشش را به‌خرج داد که این شهر بزرگترین شهر عالم اسلام گردد، اما از آنجا که مردم ایران این تعبیه‌ها را مصنوع دست و فکر خودخواهانه مغولان می‌دانستند، توجهی به‌این شهر جدیدالولاده نداشتند، در حالی که دولتمردان دربار ایلخان با وی کمال همکاری را داشتند، مثلاً خواجه رشیدالدین یک محله تمام از سلطانیه را که بر هزارخانه مشتمل بود به‌انضمام مدرسه و دارالشفا و خانقاهی به‌خرج خود ساخت. اولجایتو در نقاط دیگر هم شهرهایی ساخت اما از سلطانیه که گل سرسبد بلاد اسلامی در آن عصر بود، امروز تنها آرامگاه وی، گنبد سلطانیه نیمه ویران برجای است و به‌قول مرحوم اقبال:

> سلطانیه پس از اولجایتو و ابوسعید خان یکباره از اهمیت افتاد وبه‌همان سرعت که ایجاد شده بود رو به‌خرابی گذاشت و امیر تیمور نیز که در ویران کردن بلاد، مهارتی داشت ومثل آتیلا وچنگیز و دیگر سرکردگان تاتارنژاد، دشمن آبادی بود آنچه را که ازسلطانیه برپا بود باخاک یکسان‌کرد واین شهر ازآن‌تاریخ به‌بعد دیگر جایی نگرفت.

اصولاً مردم ایران‌که با آن خرابیها مخالف بودند، اکنون نیز با این گونه آبادی‌که انگیزه آن میل دیکتاتور مآبانه این سلطانها بود موافقت نداشتند، شاهد مدعا این خبر تاریخی است: در اوایل عهد ابوسعید موقعی که به‌امر این پادشاه مبالغ خطیری در سلطانیه صرف بنای مسجدی شد و در حین عمل، طاقی که جهت مسجد به‌ارتفاع زیاد برپا شده بود خلل پذیرفت و مسجد ناتمام و متروک ماند، جمعی این پیشامد را بر آن حمل کردند که چون سلطان و وزرای او وجهی گزاف از عایدات مملکت را تنها برای تفنن و آرایش، نه در راه حق و اظهار اخلاص به‌او صرف کردند عمل ایشان حسن‌ختام نپذیرفت و اتمام نیافته راه زوال پیموده شاعری در همان عهد گفت:

جزای قبح عمل بین که روزگار هنوز   تمام ناشده طاقی همی کند ویران[9]

اکنون از پایان این مقال می‌رسیم به‌ارائه فهرستی از بناهای ایلخانی یا مغولی که از لحاظ تعداد بزرگترین گروه است. اگر به‌طورکلّی تعداد بناها را در نظر داشته باشیم، عصر صفوی با عصر ایلخانی می‌تواند رقابت کند اما در مورد آرامگاهها، عصر ایلخانی بزرگترین گروه را دربرگرفته و علت این امر یکی توجه مردم به‌عارفان و صالحان مردم‌دوست بود، و یکی هم آزادی یافتن بیشتر شیعه‌ها به‌علت تمایل برخی از ایلخانان مسلمان به‌آیین شیعه، از جمله اولجایتو

جدول نمایشی آرامگاهها در این عصر:

۱ـ آرامگاههای تاریخ‌دار سدهٔ هشتم از ۷۰۱ تا ۸۰۳

- امامزاده علی بن جعفر در سالهای ۷۰۰ تا ۷۰۵، قم. ص ۲۳۳
- ربع رشیدی در تبریز از سال ۷۰۰، فقط آثار آرامگاه خواجه رشیدالدین. ص ۲۷۹
- شیخ محمود در آستارا نزدیک مرز ایران و روسیه ۷۰۰. ص ۳۴۴
- امامزاده ابوالفضل و یحیی در محلات بالا، فقط محراب از ۷۰۱ـ۷۰۸. معماری ایلخانی. ص ۲۳۲
- پیربکران لنجان اصفهان از ۷۰۳. ص ۲۵۵
- شیخ نورالدین بیمارستانی، کوی سرخاب تبریز از ۷۰۳. ص ۳۴۵
- شیخ عبدالصمد نطنزی، نطنز مجموعه شیخ عبدالصمد از ۷۰۴ تا ۷۷۰ آرامگاه و منار و خانقاه. ص ۳۴۰
- امامزاده قاسم در نور از سال ۷۰۶. معماری ۸۲/۲
- امامزاده یحیی در ورامین از ۷۰۷ به‌نظر دیولافوا برج سلجوقی است و محراب آن را دزدیده‌اند. ص ۲۳۴
- سلطانیه، آرامگاه سلطان محمد اولجایتو خدابنده از ۷۰۷. ص ۳۰۴
- غیاث‌الدین محمد، در هرات مسجد جامع از ۷۰۷. ص ۳۷۱
- ربیعه خاتون از ۷۰۷ در اشترجان اصفهان. ص ۲۸۸
- امامزاده احمد بن قاسم در قم از ۷۰۸. ص ۲۲۲
- سیدجمال‌الدین مهدی، نقیب تبریزی. آرامگاه شعرا در تبریز از ۷۰۹. ص ۳۱۰
- امامزاده جعفر در اصفهان مانده از ۷۱۰. ص ۲۳۲
- چلبی اوغلو در سلطانیه از ۷۱۰. ص ۲۶۶
- بابابرکی در آذرشهر آذربایجان ۷۱۲. ص ۲۴۲
- بایزید بسطام از ۷۱۳ در بسطام. ص ۲۴۷
- بسطام، برج آرامگاهی از ۷۱۳، بسطام. ص ۲۴۹
- امامزاده کرار در بوزان اصفهان از ۷۱۳. ص ۲۳۴
- گار لادان اصفهان در ایوان زیرمنار جنبان، شیخ عمو در ۷۱۵. ص ۳۴۲
- غُفاریه، برج آرامگاهی مراغه، از سال ۷۱۶. ص ۳۷۱
- حزقیال نبی نزدیک کوفه در سال ۷۱۶. ص ۲۷۰

- حسن کیخسرو و دخترش بی‌بی. آرمگاه طاووس در ابرقو از ۷۱۷. ص ۲۷۲
- میرخاتون، برج آرامگاهی سلماس، سابقاً میرخاتون حدود سال ۷۲۰. ص ۴۲۱
- نزاری قهستانی در قوارج بیرجند از ۷۲۰، بنای جدید از ۱۳۵۴ خ. ص ۴۳۵
- امامزاده ابراهیم در حومه شهر قم در یک مجموعه آرامگاهی از سال ۷۲۱. ص ۲۳۲
- امامزاده جعفر در اصفهان خیابان هاتف از سال ۷۲۵. ص ۲۳۳
- امامزاده محسن، همدان در چهارده کیلومتری مغرب آن از ۷۲۵. ص ۲۳۴
- حارث بن احمد در مشرق شهر قم از ۷۲۵. ص ۲۶۹
- سید رکن‌الدین در یزد از ۷۲۵. ص ۳۱۱
- امامزاده شاه حسین ورامین از ۷۲۸. ص ۲۳۲
- امامزاده ابراهیم در قم از سال ۱۳۳۰ م/۷۳۱. ص ۳۱۷ (شاه ابراهیم)
- تربت شیخ جام قسمتی از بنای زیارتگاه در تربت جام از ۷۳۰. ص ۲۶۱
- جوی برج مراغه بنایی از حدود ۷۳۰. ص ۲۶۵
- دو منار در دردشت و اطاق مقبره، اصفهان از ۷۳۰. ص ۲۸۶
- سبز، گنبد سبز قم در حدود ۲۹۴
- سیدون و سیدون گل سرخی در ابرقو از ۷۳۰. ص ۳۱۶
- مرند، برج آرامگاهی از سال ۷۳۱. ص ۴۰۷
- حضرت رضا(ع)، اطاق مقبره ۷۳۵. ص ۱۰۳
- شیخ صفی‌الدین در اردبیل آغاز بنا ۷۳۵. ص ۳۴۰
- رکن‌الدین سمنانی در خانقاه خود در سمنان، از سال ۷۳۶. ص ۲۸۹
- علاءالدوله سمنانی در صوفی آباد سمنان از سال ۷۳۶. ص ۳۶۳
- ابن حسام خوافی، مولانا جمال‌الدین، هرات ۷۳۷. ص ۲۱۵
- اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین، مراغه از ۷۳۸. ص ۲۴۱
- حمدالله مستوفی قزوین، ۷۴۰. ص ۲۷۴
- میرمحمد در خارگ، از ۷۴۰. ص ۴۳۰
- باباقاسم، اصفهان از سال ۷۴۱. ص ۲۴۵
- تاج‌الدین علیشاه در تبریز کنار ارک علیشاه، سال ۷۴۴. ص ۲۵۹
- ابن یمین، بنای نیمه ویران قدیم از ۷۴۵ در فریومد. ص ۲۱۶

- شاه قاسم انوار در لنگرفریمان (خراسان) از ۷۴۶. ص ۳۲۴
- شاهزاده قاسم در هرات از ۷۵۰. ص ۳۲۱
- مشیرز، اطاق گنبد در بردسیر کرمان از ۷۵۷ به‌بعد. ص ۴۱۰
- بابا لقمان، شیخ محمد بن محمد در سه کیلومتری شمال سرخس از ۷۵۷. ص ۲۴۵
- سلطان بخت آقا در دشت اصفهان از ۷۵۹. ص ۳۰۰
- امامزاده علی بن ابوالمعالی در قم از ۷٦۱. ص ۲۳۳
- گنبد سبز در قم از ۷٦۱. ص ۳۹۵
- خضر نبی در شوشتر بنایی از ۷٦۲. ص ۲۷۷
- خواجه سعد در اصفهان، حدود ۷٦۵. ایلخانان، حدود ۱۳٦۵ م، معماری ایلخانی ص ۲۷۹
- بهاءالدین محمد نقشبند، بخارا ۷٦٦. ص ۲۵۱
- سید شمس‌الدین در یزد بنایی از ۷٦۷، در جوار خانقاه وی. ص ۳۱۲
- بابارکن‌الدین تخت فولاد اصفهان از ۷٦۹. ص ۲۴۴
- بردع، مقبره برجی در بردعه شمال رود ارس از ۷۷۲. ص ۲۴۸
- عماد فقیه کرمانی در کرمان از ۷۷۳. ص ۳٦۸
- روشن چراغ دهلی، دردهلی، حدود ۷۷۵. ص ۲۹۰
- امامزاده اسماعیل در قم حدود ۷۷٦. ص ۲۳۲
- اویس ایلکانی، تبریز ۷۷٦. ص ۲۴۲
- درویش امیر درکجور از سال ۷۸۰. ص ۲۸۴
- میر سید قوام‌الدین مرعشی در آمل از سال ۷۸۱. ص ۴۳۰
- امیرشمس‌الدین قره سنقر در غفاریه مراغه حدود ۷۸۲. ص ۲۳۷
- بابا اسماعیل در سرخاب تبریز، حدود ۷۸۳. ص ۲۴۳
- مخدوم جهانیان جهان‌گشت در بهاولپور پاکستان از ۷۸۵. ص ۴۰٦
- خواجه بهاءالدین نقشبندی بخاری در قصر عارفان بخارا، سال ۷۹۱. ص ۲۷۸
- خواجه جمال‌الحق در قم، از ۷۹۲. ص ۲۷۹
- امامزاده خواجه عمادالدین در قم دروازه کاشان، سال ۷۹۲. ص ۲۳۳
- شیخ کمالی در یزد، ۷۹۲. ص ۳۴۳

۲ـ آرامگاههای بی‌تاریخ برجای مانده از دوران اتابکان، ایلخانان و تیموریان:

◙ بی‌بی حکیمه خاتون در شهرکرد، از عصر اتابکان. ص ۲۵۱

◙ شاه‌چراغ شیراز از عصر اتابکان. ص ۳۱۸

◙ اَبش خاتون در شیراز، ایلخانان. ص ۲۱۴

◙ امامزاده اطهر، در جزین رزن همدان مغول، ایلخانان. ص ۲۳۲

◙ امامزاده شعیب دوزال در اهر، ایلخانان. ص ۲۳۳

◙ امامزاده میرمحمد در خارگ، ایلخانان. ص ۲۳۴

◙ امامزاده هود، در جزین همدان، ایلخانان. ص ۲۳۴

◙ حمدالله مستوفی در قزوین، ایلخانان. ص ۲۷۴

◙ زیارت در بجنورد، این بنا از بناهای آرامگاهی قابل بحث است. در معماری ایلخانی نوشته شده از این بنا تاکنون ذکری نشده است و در حقیقت این ساختمان حلقهٔ دیگری در تکامل یک دگرگونی ساختمانی می‌باشد که عبارت است از تبدیل مقبرهٔ محصور دورهٔ سلجوقی به‌مقبرهٔ کلاه فرنگی مانند دورهٔ صفوی، کتیبه تاریخ‌دار در این بنا به‌دست نیامده و احتمال می‌رود که در حدود سال ۷۰۰/۱۳۰۰ (عصر ایلخانان) بنا شده باشد. در پنجاه کیلومتری مشرق بجنورد در جادهٔ شمالی خراسان و مازندران ایلخانی ص ۱۴۲. ص ۲۹۲

◙ سید حمزه در تبریز محلهٔ سرخاب، ایلخانان. ص ۳۱۱

◙ سید علاءالدین در شیراز، از عصر ایلخانان. ص ۳۱۳

◙ صحن مسجد جامع شیراز، ایلخانان. ص ۳۴۹

◙ غازان خان، گنبد آرامگاهی در بسطام شاهرود، ایلخانان. ص ۳۷۰

◙ کبود، برج آرامگاهی در مراغه، منسوب به‌مادر هولاگو، ایلخانان. ص ۳۸۸

◙ امامزاده حسین در ورامین، مغول (ایلخانان). ص ۲۳۳

◙ امیر عبدالله، اصفهان منارجنبان بنای مغولی (ایلخانان). ص ۲۳۷

◙ اولجای خاتون دختر ارغون خان، نزدیک زنجان مغولی (ایلخانان). ص ۲۴۲

◙ امامزاده ابراهیم در قم، مغولی (ایلخانان). ص ۲۳۲

◙ سید علاءالدین در شیراز، مغولی (ایلخانان). ص ۳۱۳

◙ صدر جهان زنجانی در قزوین، مغولی (ایلخانان). ص ۳۴۹

◙ گنبد دشتی در شمال اصفهان، بنای مغولی (ایلخانان). ص ۳۹۵

◙ مقام عباس در شوشتر، بنای مغولی - تیموری. ص ۲۱۲
◙ اُرخنجان، میل یا برج آرامگاهی در ۲۳ کیلومتری شمال مشهد، عصر تیموریان «به این بنا آهنگان هم گفته می‌شود، در فهرست ما هردو نام آمده است» ص ۲۱۰
◙ امامزادگان، در شمال کاشان، آران بنای تیموری. معماری ۹۲/۲
◙ امامزاده غلام رسول در چابهار بلوچستان، تیموریان. ص ۲۳۳
◙ امامزاده یحیی در سمنان انتهای بازار، تیموریان. ص ۲۳۴
◙ امامزاده یونس در لواسان، تیموریان. ص ۲۳۴
◙ پیر فراش در دزفول، تیموری. ص ۳۵۶
◙ شاهرخ میرزا در دامغان کنار امامزاده جعفر، تیموریان. ص ۳۱۸
◙ شهشهان، بقعه در محله شهشهان اصفهان، تیموریان. ص ۳۳۱
◙ شیخ عطار. در ۶ کیلومتری مشرق نیشابور، تیموریان. ص ۳۶۳

۳ـ آرامگاههای بی‌تاریخ سدهٔ هشتم

◙ ابوالوفا، گنبد آرامگاهی از سدهٔ هشتم بدون تاریخ. ص ۲۱۸
◙ ابولولو در کاشان، از سدهٔ هشتم به‌بعد. ص ۲۱۹
◙ امامزاده پلنگ آباد اشتهارد، در جاده کرج اشتهارد، سدهٔ هشتم. ص ۲۳۲
◙ ارس برج آرامگاهی در روستای فارلوجا، جاده اصلاندوز به‌خمارلو، سدهٔ هشت. ص ۲۲۵
◙ امامزاده بیوک (موسی بن جعفر) در سراب، سدهٔ هشتم. معماری ۸۳/۲
◙ امامزاده سیدالسادات در گلپایگان، از سدهٔ هشتم. ص ۲۳۳
◙ امامزاده شاه بانو در سوادکوه، از سدهٔ هشتم. ص ۲۳۳
◙ امامزاده شاه سلیمان مسیر جاده کرج اشتهارد سدهٔ هشتم. آق ۹۳
◙ امامزاده قاسم، قم نزدیک دروازه قلعه، از سدهٔ هشتم. ص ۲۳۴
◙ امامزاده قاسم، یزد در جنوب شهر، سدهٔ هشتم (تیموری). معماری ۹۳/۲
◙ امامزاده محمود بسطام میرزا، بسطام آغاز سدهٔ هشتم معماری ایلخانی ۱۰۹
◙ امامزاده یحیی، در گنبد کاووس، سدهٔ هشتم. ص ۲۳۴
◙ گورکانیان (امیر تیمور) در سمرقند مجموعه گور امیر از سدهٔ هشتم. ص ۳۹۶

◘ امیر خسرو، دهلی در کنار نظام‌الدین اولیاء، سدهٔ هشتم. ص ۲۳۶
◘ امیرحسن دهلوی، دهلی نظام‌الدین، سدهٔ هشتم. ص ۲۳۶
◘ امین‌الدین جبرئیل در کلخوران، آرامگاه هفت برادران اردبیل، سدهٔ هشتم. ص ۲۳۹
◘ بی‌بی، گنبد آرامگاهی در تفرش، بنایی از سدهٔ هشتم. ص ۲۵۱
◘ بی‌بی فاطمه دختر شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی، مجموعه شیخ‌صفی سده‌هشت ونه. ص ۲۵۲
◘ بی‌مره در گناوه، سدهٔ هشتم. ص ۲۵۲
◘ پیر بکران در اصفهان، از سدهٔ هشتم. ص ۲۵۵
◘ پیر جاسوس در قلعه مشیز کرمان، آغاز سدهٔ هشتم. ص ۲۵۶
◘ پیر مرتضی، اردستان سدهٔ هشتم. ص ۲۵۹
◘ پیر نجم‌الدین در سمنان خیابان پیر نجم‌الدین، سدهٔ هشتم. ص ۲۵۹
◘ حارث بن احمد در قم از سدهٔ هشتم. ص ۲۶۹
◘ خواجه اصیل‌الدین در قم ابتدای جاده کاشان، سدهٔ هشتم. ص ۲۷۸
◘ چلپی اوغلو در سلطانیه از سدهٔ هشتم. ص ۲۶۶
◘ چهل دختران از سدهٔ هشتم در قم. ص ۲۶۷
◘ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در تبریز، از سدهٔ هشتم. ص ۲۷۹
◘ خواجه شمس‌الدین محمد تبریزی، عصار، تبریز سدهٔ هشتم. ص ۲۷۹
◘ خواجه علی صفی‌الدین در قم دروازه کاشان، سدهٔ هشتم ایلخانی ۲۰۲. ص ۲۸۰
◘ درویش محمود در سمنان، موسی آباد از سدهٔ هشتم. ص ۲۸۵
◘ دمشق خواجه در تبریز در آرامگاهی که وی برای خواهرش بغداد خاتون ساخت سدهٔ هشتم. ص ۲۸۵
◘ چلبی اوغلو در سلطانیه از سدهٔ هشتم. ص ۲۶۶
◘ رکن جهان در یزد از سدهٔ هشتم. ص ۲۸۹
◘ رکن عالم در مُلتان پاکستان، سدهٔ هشتم. ص ۲۸۹
◘ سبز، گنبد آرامگاهی در قم، دروازه کاشان، سدهٔ هشتم. ص ۲۹۴
◘ سبز، گنبد آرامگاهی شاهان تیموری در هرات از سدهٔ هشتم. ص ۲۹۴
◘ سلطان اویس ایلکانی نزدیک شاه‌گلی تبریز از سدهٔ هشتم. ص ۳۰۰
◘ سلطان بخت آقا دختر کیخسرو اینجو در اصفهان از سدهٔ هشتم. ص ۳۰۰

- مهدی صالح در روستای ماژین ۱۲۵ کیلومتری خرم‌آباد لرستان، سدهٔ هشتم. ص ۴۱۹
- میرخاتون در برجی که اکنون نیمه ویران است به‌نام برج سلماس، آن‌هم به‌احتمال، بنایی از سدهٔ هشتم. ص ۴۲۱
- میرخواند، سید محمد فرزند امیر برهان‌الدین، هرات خانقاه اخلاصیه، سدهٔ هشتم. ص ۴۲۱
- میرسید علی همدانی، شاه همدان. تاخلی تاجیکستان، سدهٔ هشتم. ص ۴۲۹
- میر قوام‌الدین مرعشی در آمل، بنا از سده‌های ۸ و ۹. ص ۴۳۰
- نظام‌الدین یحیی غوری در تبریز، سدهٔ هشتم. ص ۴۳۶
- نورالدین ولی در کشمیر از سدهٔ هشتم. ص ۳۳۸
- نیشابوری، لطف‌الله ـ در اسفراین که امروز قدمگاه نام دارد، سدهٔ هشتم. ص ۳۳۹
- هولاگوخان مغول به‌احتمال کوه شاهو مقابل دهخوارخان، سدهٔ هشتم*. ص ۴۵۰
- امامزاده جعفر در یزد محله عتیق از سدهٔ هشتم به‌بعد. ص ۲۳۳
- بابا رکن‌الدین، تخت فولاد اصفهان از سده‌های ۸ و ۱۱. ص ۲۴۴
- بی‌بی فاطمه دختر شیخ صفی‌الدین اردبیلی، سده‌های هشتم و نهم. ص ۲۵۲
- بی‌مره (بی‌بی مریم) درگناوه، سده‌های هشتم و نهم. ص ۲۵۲
- چهار امامزاده، قم حسن‌آباد از سدهٔ های ۸ و ۹. ص ۲۶۷
- سیدعلی کیا در شرق نوشهر، از سده‌های هشتم و نهم. ص ۳۱۳
- شاهزاده محسن در فراهان اراک، از سدهٔ هشتم و نهم. ص ۳۲۱
- شاه میر حمزه در شیراز، بنایی از سدهٔ هشتم به‌بعد. ص ۳۲۵
- شیخ زین‌الدین ابوبکر خوافی در هرات از سدهٔ هشتم ونهم. ص ۳۳۹
- میر قوام‌الدین مرعشی در آمل بنایی از سده‌های هشتم و نهم. ص ۴۵۰

۴ـ آرامگاههای تاریخ‌دار سدهٔ نهم از ۸۰۱ تا ۹۰۱

- شیخ اسحاق مراغی درکوی سرخاب تبریز از سال ۸۰۵. ص ۳۳۵
- مغربی، محمد بن عزالدین ـ در آرامگاه شعرا، تبریز از سال ۸۱۶ ص ۴۱۲

*ـ تا اینجا با نظم الفبایی برای سدهٔ هشت مطلق

- علامه میرسید شریف جرجانی در دارالشفای تبریز از سال ۸۱۶. ص ۳۶۴
- سید محمدرضا کیا، بقعه در نور شش کیلومتری کجور از ۸۲۰ معماری ۸۳/۲
- نسیمی شیرازی، در زرقان فارس از سال ۸۲۱. ص ۴۳۵
- شیخ داود در نصرآباد ابرقو مورخ ۸۲۵. ص ۳۳۸
- شاهزاده علی بلیمان در یزد از ۸۲۶. ص ۳۲۱
- عمادالدین محمود در شیراز، سال ۸۲۸. ص ۳۶۷
- نبی آقا موسوی در اسکوی آذربایجان از ۸۲۸. ص ۴۳۳
- گوهرشاد آغا همسر شاهرخ تیموری، هرات گازرگاه از ۸۳۹ در امامزاده معصوم گرگان. ص ۳۹۶
- احمد شاه‌ولی در اشطور، بیدر هند از ۸۴۰، میراث ۱۷۲
- خوارزمی، کمال‌الدین ۸۴۰ در آرامگاه ابوالوفا، خوارزم. ص ۲۸۱
- شاه نعمت‌الله ولی، ماهان کرمان در سال ۸۴۱. ص ۳۲۵
- پیرلیفی در سرخاب تبریز از ۸۴۱ ص ۲۵۸
- شاه علاءالدین در شهشهان اصفهان از سال ۸۵۰. ص ۳۲۴
- جمشید کیا در علمده نوشهر، از سال ۸۵۱ ص ۲۶۳
- سودایی ابیوردی در روستای سنگان خراسان از سال ۸۵۳. ص ۳۰۷
- طالب جاجرمی در شیراز نزدیک آرامگاه حافظ از ۸۵۴. ص ۳۵۳
- امیر شاهی سبزواری، ۸۵۷ یا ۸۵۹ در آرامگاه خانوادگی، سبزوار. ص ۲۳۷
- پیرچنداحسینی در شهر گوکی در دکن مورخ ۸۵۸. ص ۲۵۶
- محدث کازرونی در گازرگاه هرات، از ۸۲۸. ص ۴۰۱
- ناصرالدین کوسویی، هرات آرامگاه امام فخر رازی از سال ۸۲۸. ص ۴۳۲
- خدیجه خاتون در میبد ـ مهرجرد از ۸۳۱. ص ۲۷۷
- گازرگاه مرقد خواجه عبدالله انصاری در هرات، نوسازی توسط شاهرخ تیموری، ص ۸۳۲. ص ۳۹۴
- درویش فخرالدین در بابل از سال ۸۳۳ ص ۲۸۵
- شیخ ابواسحاق شیرازی، در تکیه چهل‌تنان شیراز ۸۳۰ یا ۸۳۷. ص ۳۳۳
- تاج‌الدین محمود فقط سنگ گور وی که آن هم در آمریکاست با تاریخ ۸۶۰. ص ۲۵۹

◻ دختران تاج‌الملک در آرامگاه نصرآباد اصفهان از ۸۶۱. ص ۲۸۴
◻ طاهر و مطهر در دهکده هزارچال کجور از سال ۸۶۳. ص ۳۵۴
◻ قاضی‌زاده رومی در سمرقند از ۸۶۵ (سدهٔ نهم). ص ۳۸۱
◻ آذری‌طوسی، فخرالدین حمزه پسر سیدعلی ملک‌اسفراینی، دراسفراین‌از ۸۶۶. ص ۲۰۱
◻ غیاث‌الدین فضل‌الله رادکانی مانده از ۸۶۷، در هرات جنب مزار امیرحسینی. ص ۳۷۱
◻ پیر مرتضی در خانقاه خودش در اردستان در جوار پیرجمالی از ۸۷۰. ص ۲۵۹
◻ مظفرالدین جهانشاه آق قویونلو، در تبریز از سال ۸۷۲. ص ۴۱۰
◻ سلطان محمد طاهر در بابل از ۸۷۵. معماری ۸۲/۲ ص ۳۰۳
◻ پیرجمالی در خانقاه مرشدش پیرمرتضی در اردستان از ۸۷۹. ص ۲۵۶
◻ ملاعلی قوشچی، زین‌الدین یا علاءالدین در اسلامبول از سال ۸۷۹. ص ۴۱۵
◻ خواجه عماد، میرعماد، در انتهای خیابان میرعماد در کاشان سال ۸۸۲. ص ۲۸۰
◻ امیر غیاث‌الدین ملکشاه در مشهد از سال ۸۸۵. ص ۲۳۸
◻ کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، هرات ۸۸۷. ص ۳۹۱
◻ شاه برهان در شهر آشتی، جنوب هند از ۸۸۸: ص ۳۱۷
◻ سید محمد سیاه‌پوش، تبریز کوچه علی سیاه‌پوش از ۸۹۲ معماری ۸۳/۲
◻ عبیدالله احرار، ناصرالدین سمرقندی، سمرقند از ۸۹۵. ص ۳۶۱
◻ قنبری نیشابوری در نیشابور از ۸۹۶. ص ۳۸۵
◻ لطفی هروی در هرات از ۸۹۶. ص ۳۹۷
◻ ولی‌قلندر خراسانی، شیراز، از سال ۸۹۶. ص ۴۴۲
◻ جامی، عبدالرحمان‌درهرات‌از ۸۹۸، مزاروی‌امروزبه‌تخت‌مزار معروف‌است. ص ۲۶۳

۵ـ آرامگاههای بی‌تاریخ سدهٔ نهم

◻ آقابالو زاهد در نور، سدهٔ نهم. ص ۲۳۳ شاه بالو
◻ ابو مسعود رازی در اصفهان از سدهٔ نهم. ص ۲۲۰
◻ ابونصر پارسا در سمرقند از سدهٔ نهم. ص ۲۲۰
◻ اطعمه، ابواسحاق اطعمه با سنگی از سدهٔ نهم در چهل تن شیراز. ص ۲۲۸
◻ امامزاده ابراهیم، در قم بیرون دروازه کاشان از سدهٔ نهم. ص ۲۳۲

◫ امامزاده زید قم در کنار چهل دختران از سدهٔ نهم. معماری ۷۸/۲
◫ امامزاده صالح در ساری قریه مرز رود از سدهٔ نهم معماری ۸۳/۲
◫ امامزاده صفورا در شمال شرقی قم در کنار امامزاده احمد سدهٔ نهم معماری ۸۳/۲
◫ امامزاده عبدالله اطرب در نکا روستای اطرب سدهٔ نهم. معماری ۸۳/۲
◫ امامزاده علی‌اکبر در جاده‌سازی گرگان روستای دارابکلاه، سدهٔ نهم. معماری ۸۳/۲
◫ امامزاده علی شکرناب در جاده تهران ـ قزوین از سدهٔ نهم. معماری ۷۷/۲
◫ امامزاده عیسی بن کاظم در ساری قریه خارمیان سدهٔ نهم. معماری ۸۲/۲
◫ امامزاده یحیی در ساری، سدهٔ نهم. معماری ۸۲/۲
◫ امامزاده یونس در ساوه از سدهٔ نهم. معماری ۸۳/۲
◫ امیر تیمور، گورامیر، مجتمع آرامگاهی گور امیر تیمور از سدهٔ نهم. ص ۲۳۶
◫ امیر سید کمال‌الدین در بهشهر از سدهٔ نهم. ص ۲۳۶
◫ اوزون حسن آق قویونلو در اصفهان از سدهٔ نهم. ص ۲۴۱
◫ اولجای خاتون دختر ارغون خان، زنجان از سدهٔ نهم. ص ۲۴۲
◫ ایوب انصاری در تکاب آذربایجان از سدهٔ نهم. ص ۲۴۳
◫ بی‌بی مریم در جزیرهٔ قشم از سدهٔ نهم بدون نوشته. ص ۲۵۲
◫ تومان آغا، در مجموعهٔ آرامگاهی شاه زنده سمرقند، سدهٔ نهم. ص ۲۶۲
◫ خواجوی کرمانی در گورستان نزدیک دروازه قرآن شیراز، سدهٔ نهم. ص ۲۷۸
◫ خضر، بقعه در بندرعباس سدهٔ نهم به‌بعد. معماری ۹۶/۲
◫ خواجه ابوالوفا خوارزمی در خوارزم، از سدهٔ نهم. ص ۲۷۸
◫ خواجه تاج‌الدین در کاشان از سدهٔ نهم. ص ۲۷۸
◫ خواجه صاین‌الدین ترکه در هرات، سدهٔ نهم. ص ۲۷۹
◫ زکریا، بقعه در کلاردشت روستای شکرکوه، سدهٔ نهم. معماری ۸۳/۲
◫ زین‌الدین بابا، در تاشکند سدهٔ نهم. ص ۲۹۲
◫ سبز، گنبد سبز در کرمان، آرامگاه قراختائیان، سدهٔ نهم. ص ۲۹۴
◫ ستی فاطمه در یزد، از سدهٔ نهم. ص ۲۹۵
◫ سَرَست، گنبد ـ بابل روستای سَرَست از سدهٔ نهم. ص ۸۳/۲
◫ سلطان حیدر صفوی در اردبیل از سدهٔ نهم. ص ۳۰۰

- سلطان زین‌العابدین در مدنی کشمیر از سدهٔ نهم. ص ۳۰۰
- سلطان محمد شریف در قم درِ محله از سدهٔ نهم. ص ۳۰۳
- سلطان محمد طاهر در بابل از سدهٔ نهم. ص ۳۰۳
- سلطان محمود شاه در بندرآباد یزد، سدهٔ نهم. ص ۳۰۴
- سه سید در آمل از سدهٔ نهم. ص ۳۰۷
- سیدواقف، نطنز از سدهٔ نهم. معماری ۹۲/۲
- شاهزاده احمد درکوهین تفرش، از سدهٔ نهم. ص ۳۱۹
- شاهزاده فاضل در یزد، از سدهٔ نهم. ص ۳۱۹
- شاهزاده فضل بن موسی در جهرم، سدهٔ نهم. معماری ۸۸/۲
- شاه عطا، دبی‌کوت بنگاله، از سدهٔ نهم. ص ۳۲۴
- شاه علاءالدین در آرامگاه شهشهان اصفهان، از سدهٔ نهم. ص ۳۲۴
- شاه نعمت‌الله ولی، در ماهان کرمان در خانقاه خودش که اکنون دارای گنبد و بارگاه است، سدهٔ نهم. ص ۳۲۵
- شاه ولی در تفت از سدهٔ نهم. ص ۳۲۵
- شریف‌الدین عبدالقهار سمرقندی در هرات از سدهٔ نهم. ص ۳۲۷
- شهدا، بقعه سلطان ابراهیم نزدیک ده بید، از سدهٔ نهم. ص ۳۳۱
- شیخ جنید نواده شیخ صفی‌الدین در اردبیل، از سدهٔ نهم. ص ۳۳۸
- شیخ نورالدین ولی درکشمیر، از سدهٔ نهم. ص ۳۴۵
- فیروزشاه درگلبرگه، سدهٔ نهم. میراث ۱۷۴
- مبارکشاه سید در دهلی، سدهٔ نهم. ص ۳۹۸
- معصوم در جنوب مراغه، از سدهٔ نهم. ص ۴۱۱
- محمد غوث درگوالیور از سدهٔ نهم. ص ۲۰۳
- ملاجمالی در هند، دهلی نزدیک قطب منار از سدهٔ نهم. ص ۴۱۳
- موسی مبرقع، قم پهلوی چهل دختران (اختران) از سدهٔ نهم. ص ۴۱۷
- ویس، محمدامین ـ در سری‌نگر کشمیر از سدهٔ نهم. ص ۴۴۲
- سادات لودی در دهلی سده‌های نهم و دهم. ص ۲۹۳
- سید ابواحمد در قم بیرون دروازه شمال شرقی قم، از سدهٔ نهم و دهم. ص ۳۰۹
- سلطان محمد شریف، قم دَرِ محله از سدهٔ نهم و دهم ۷۸/۲. ص ۳۰۳

فصل سیزدهم

آرامگاهها در پایان کار تیموریان تا ظهور شاه عباس

(بخش دوم از مرحلهٔ چهارم، عصر اسلامی دو)*

(عظمت و صلابت بناهای سنتی ایران هخامنشی در طی قرنها روبه‌کاهش گذاشت و این کاهش در دوران پادشاهی شاه طهماسب صفوی به‌بیشترین حد رسید و به‌ناگاه پس از وی در دوره فرمانداری شاه عباس شکوه و جلال خود را باز یافت و درخشیدن گرفت.

آرتور ابهام پوپ**

پوپ از آن لحاظ به‌این مطلب اشاره دارد که در عصر شاه عباس مسجدامام (شاه سابق) و و مسجد شیخ لطف‌الله و چهلستون و عالی قاپو و از همه مهمتر خود میدان نقش جهان ساخته شد، تعبیه‌های ساختمانی بسیار باعظمت بدون کوچکترین نقص و در حد اعلای زیبایی، اما آوردن این گفته در سرفصل این بخش از بررسی، که در پیش‌رو داریم از آن لحاظ است که واقعاً در تاریخ ایران، جز یک مورد استثنا از عصر شاه طهماسب به‌بعد آرامگاه مهمی ساخته نشد و آن یک مورد نیز مربوط می‌شود به‌آرامگاه نادر که خود ساخت و آنکه امروز می‌بینیم ساخته و پرداخته میراث‌خواران عصر پهلوی‌ها است، برای بهره‌مندی از عظمت تاریخی وی، والا به‌این بنا، آرامگاه نادر در این سلسله‌ای که ما مرتب کرده‌ایم جا دارد اما جایش اینجا نیست مربوط است به‌عصر پهلوی‌ها.

شاه اسماعیل را در آرامگاه اختصاصی‌اش درکنار آرامگاه جدش شیخ صفی‌الدین اردبیلی به‌خاک سپردند و این آخرین بنای آرامگاهی سلطنتی بود، در آخرین مجموعه آرامگاهی سرزمین ما، چرا چنین شد و چرا مثلاً شاه عباس همانند طغرل سلجوقی و سنجر و سلطان محمد خدابنده و تیمور گورکان و جدش شیخ صفی‌الدین برای خود آرامگاه انفرادی مجلل و پرشکوه نساخت و پس از وی حتی فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه نیز به‌ساختن آرامگاه برای خود نپرداختند. پروفسور پوپ در ریشه‌یابی خود به‌این نتیجه می‌رسد:

---

* از دوران ایلخانان تا ظهور شاه عباس

**بررسی هنر ایران، مجلد سوم ص ۱۱۷۹ متن انگلیسی چاپ جدید.

انحطاط حاصله در معماری صفوی را در این عصر باید در خصوصیات اخلاقی و اجتماعی خود شاه طهماسب جستجو کرد و به‌نتیجه رسید، برخی از محققان وی را در خصوصیات اخلاقی نظیر لوئی چهاردهم فرانسه می‌دانند... وی تعلل و رفع خستگی کردن را از کار و فعالیت برتر می‌دانست و بسیاری از سرزمین‌های شیعهٔ ایران را که می‌توانست با جنگ کوچکی به‌سرزمین صفوی ملحق سازد از دست داد. وقتش در حرم‌سرا و با زنان می‌گذشت و سلیقه هنری وی نیز یک سلیقه و درک زنانه بود... به‌مینیاتور و نقاشی، کتابسازی و تهیه فرش و پارچه‌بافی علاقه داشت تا آن حد که گاه خود را یک نقاش و خطاط و مینیاتوریست معرفی می‌کرد و وانمود می‌ساخت. به‌تصویرهای (ص ۲۳۳۴ و ۱۸۷۵) بررسی هنر ایران نگاه کنید جایی که عملکرد وی را به‌سادگی با عملکرد یک نقاش و طراح قالی یا نقاش مینیاتوریست می‌توان مقایسه کرد، در حقیقت در این عصر بناهای مهم ساخته شد... بناهایی که از لحاظ تزیینات و ریزه‌کاریها ممتاز بودند اما نه از لحاظ عظمت و شکوه معماری.[۱۰]»

اما با توجه به‌آنچه در این مقدمه آورده شد و بازگویی این نکته که این سیر تحول در خاک‌سپاری و آرامگاه‌سازی، خود پی‌آمد رویدادهای سیاسی و اجتماعی نظامی مهم بوده است، یک نمونه کاملاً مشخص این حرکت تحولی است که در زمان جانشینان کوروش رخ داد و به‌ناگاه روش آرامگاه‌سازی سنتی کشور انزان یا ایلام، که در سرزمین محدود خوزستان، بختیاری و لرستان قلمرو داشت، تغییر کرد و جهانی شد، آرامگاه کوروش را خوب می‌شناسیم، اما آنچه در زمان داریوش ارائه شد، چیزی نوظهور بود، شاید داریوش با پی‌گیری هدفهای خاص این تغییر را ضرور می‌دانست و در اجرای آن می‌کوشید. نمونه دیگر که چندان مورد تأیید نویسنده این سطور نیست، ورود ترکان و مغولان و تحول آرامگاه و آرامگاه‌سازی با توجه به‌خیمه‌های این کوچ‌نشینان است.

آنچه که باید به‌مطالب بالا افزوده شود این است که خاک‌سپاری و آرامگاه‌سازی در گستره فرهنگی و اجتماعی ایران، بیش از هرچیز تابع آیین‌ها و سنتهای گوناگون حکمفرما براین سرزمین بوده است. فراموش نکنیم که این هردو آیین ایران، زرتشتی و اسلام با بناهای آرامگاهی آنهم برای شاهان و دولتمردان موافق نبوده‌اند... بر این دو عامل، عامل سومی را هم می‌توان افزود و آن نفوذ هلنیسم یا یونان‌گرایی بود، موجی که از مغرب به‌سوی ایران یورش برد و خزید و قرنها نفوذ خود را حفظ کرد و با سنتهای پیشین مقابله نمود.

آرامگاه‌سازی سنتی ایران که ریشه آن در ایلام و سومر آبیاری شد و در عصر داریوش

به‌نهایت درجه عظمت رسید، با ورود مهاجمان یونانی سست شد و فروریخت و نه‌تنها سلوکی‌ها، اشکانیان نیز سنت آرامگاه‌سازی هخامنشی را ادامه ندادند، اینان دارای تعصب مذهبی نبودند و در مقابل هر سه طریق خاک‌سپاری، مرده سوزانی و دخمه گذاری بی‌تفاوت ماندند و البته در طی آن سده‌های حکومتگری ایشان، با تغییرات عقیدتی شاهان اشکانی، یک تغییر وتحول نامحسوس نیز در این سنت دیرین خلق گردید.

پادشاهان ساسانی که مطلق‌گرا بودند و اساس سیاست آنان آیینشان بود از خود آرامگاهی برجای نگذاشتند و تنها یادگار برجای مانده از ایشان در این مورد دخمه‌هاست به‌اشکال گوناگون.

اسلام، ژرف‌اندیشی و ساده‌گرایی پیشه کرد و دیدیم که پیامبر اکرم وصیت نمودند که بدون تشریفات و تأسیسات بدن مبارکشان در همان اطاق زندگیشان به‌خاک سپرده شود.

آنچه مسلم است این است که سنت آرامگاه سازی ایران نه ریشه‌های اسلامی دارد و نه ضداسلامی است، خواسته‌های مردم در طی زمانهای طولانی در ارائه بناهایی متبلور شد که ظاهراً از دوران ساسانی برجای مانده بودند با مجوز اسلامی: آتشکده و دخمه (استودان) به عنوان آرامگاه.

در این مقدمه به‌تفصیل در این باره سخن گفته‌ایم که دو نوع بنای آرامگاهی برج مدور و چهارطاقی یادآور دخمه‌های استودانی و آتشکده است و شواهد بسیاری نیز از این قبیل ارائه کردیم که بارورترین نمونهٔ آن برج گنبدکاووس و چهارطاق سامانی (آرامگاه امیراسماعیل) است. با ورود ترکان سلجوقی تحولی رخ داد که می‌توان آن را تحولی در ادامه سیر تکاملی آرامگاه‌سازی ایرانی دانست. این ترکان و پس از ایشان مغولان نه تعصب اسلامی داشتند و نه خون آغشته با سنتگرایی ساسانی در رگهاشان روان بود، برپا شدن برج طغرل نمونهٔ جالبی است که می‌توان در این مورد ارائه کرد.

اما سلجوقیان در تکوین و ارائه معماری اسلامی بیش از هر بنا به‌مسجدسازی توجه داشتند و شاید حضور خواجه نظام‌الملک که عاملی تعدیل کننده در سنت‌گرایی ترکان به‌حساب می‌آید، سبب شد که نیرو و قدرت سازندگی سلجوقیان متوجه مسجدسازی شود و ما می‌دانیم که مهمترین عصر مسجدسازی ایران همین عصر است.

در طی این روند مقدس مسجدسازی، ایوان و گنبد نیز ارائه شد اگرچه پایه و بنیاد مسجدهای کوچک نیز آتشکده‌های ساسانی بود اما مسجدهای عظیم و با صلابت باگنبدهای

آجری مستحکم، در آرامگاه‌سازی ایران اسلامی نیز اثرگذاری کرد و سلطان سنجر در آرامگاهی به‌خاک سپرده شد که گنبد آن بنا بر برخی روایات نه تنها در عصر خود، بلکه در دوره‌های بعدی نیز از بزرگترین گنبدهای جهان اسلام به‌شمار آمده و می‌آید، و بدین روال و با ارائه آرامگاه امیراسماعیل سامانی، گنبد کاووس و آرامگاه سلطان سنجر در مرو، دورانی آغاز شد که می‌توان گفت درخشان‌ترین دوران آرامگاه‌سازی ایرانی اسلامی است، اما همان‌طور که گفته شد ارائه این بناها پشتوانه‌ای کفرآمیز داشت و آن علاقه پادشاهان ترک و مغول به‌آرامگاههای باعظمت بود.

در دوران اولجایتو، که مسلمان شده بود، این نهضت به‌اوج خود رسید و وی که مسلمانی متعصب بود، به‌ظاهر نه برای خود بلکه برای حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) چنان آرامگاهی ساخت که در سراسر تاریخ در نوع خود بی‌نظیر بود. اما مشاوران و وزیرانش با این ابتکار چندان موافق نبودند و کوشش داشتند که وی را از این تصمیم برحذر دارند. معروف است که وی سرانجام در خواب دید که آن حضرت به‌ترکی خیلی ساده به‌وی می‌گویند «منیم کی منده سنین کی سَنده» یعنی مال من مال خودم و مال تو مال خودت* شیعی‌گری سلطان محمد خدابنده دوامی نیافت اما از دوران وی به‌بعد نفوذ شیعیان بیشتر شد تا ظهور شاه اسماعیل صفوی و تشکیل یک حکومت شیعی مقتدر در ایران.

برای نتیجه‌گیری از این مقدمه درباب رکود آرامگاه‌سازی به‌مطلب دیگری توجه می‌کنیم، که چگونگی آن می‌تواند مورد علاقه و پرسش هر پژوهنده‌ای در این باب باشد و آن اینکه در صورت انحطاط آرامگاه‌سازی در عصر صفویه، ماهیت و فلسفه وجودی مجموعه آرامگاهی

---

* این مطلب را از استادم عباس اقبال شنیده‌ام و در جایی نخوانده‌ام، نویسنده کتاب معماری ایلخانی (معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان) در این‌باره می‌نویسد: اولجایتو به‌قدری به‌مذهب شیعه دلبستگی داشت که دستور داد سکه به‌نام علی(ع) زده شود و به‌همه حکمرانان نامه‌هایی نوشت و فرمان داد که همه به‌آیین شیعه بگروند. در بغداد و اصفهان و شیراز سنی‌ها از اطاعت امر امتناع کردند، اولجایتو فرمان داد که قاضی‌های مسلمان آن شهرها را به‌نزد وی به‌اردوگاه تابستانی قراباغ بفرستند... قاضی شیراز را به‌میدان گشاده‌ای گذاشتند و سگهای وحشی را به‌جان او انداختند. وقتی سگها به‌جای حمله به‌آن مرد مقدس دور او راگرفتند و نوازشش کردند، اولجایتو یقین حاصل کرد که اشتباه کرده و فرمان داد که از مذهب تسنن پیروی گردد... اولجایتو پس از آن از آوردن بدن حضرت علی(ع) و حضرت حسین(ع) به‌سلطانیه منصرف شد و تصمیم گرفت آرامگاه بزرگ را به‌خود اختصاص دهد ص ۲۶، شاید وی که نمی‌خواست با ساختن آرامگاه مجلل برای خود مسلمانان را از خود برنجاند این مسئله، ساختن آرامگاه برای حضرت علی(ع) را عنوان کرد و اقدام نمود و پس از پایان آن را به‌خود اختصاص داد.

شیخ صفی‌الدین چیست و چرا جز شاه اسماعیل هیچ پادشاه صفوی دیگری در این مجموعه به‌خاک سپرده نشده است.

برای پاسخگویی به‌این پرسش نخست باید توجه داشت که گذشته از شاهان و دولتمردان سیاسی نظامی، برای عارفان و قدّیسین و اولاد و احفاد امامان نیز آرامگاه ساخته می‌شد، اما در عصر سلجوقیان و ایلخانان و تیموریان بیشترین آرامگاهها را عارفان به‌خود اختصاص دادند شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز از همین عارفان بود و وی سالها پیش از آغاز انحطاط آرامگاه‌سازی، در اردبیل به‌رحمت خدا رفت و در خانقاه خودش، در جوار همسرش بی‌بی فاطمه دختر شیخ زاهد گیلانی به‌خاک سپرده شد. بی‌بی فاطمه را در مسجدی قدیم، از سدهٔ هفتم به‌خاک سپردند. سال وفات وی ۷۳۵ است و پس از آن طی سالهای ۸۹۷ تا ۹۰۶ این مجموعه ساخته شد و راه تکامل پیمود. ۹۰۶ سال آغازین پادشاهی شاه اسماعیل صفوی است.

پیش از اینکه به‌معرفی بناهای آرامگاهی این عصر بپردازیم به‌این نکته اشاره می‌کنیم که ساختن آرامگاه برای قدسین در آیین اسلام، دست‌کم در آیین شیعه دارای منع مستحکمی نیست و اکنون بنیادهای سنتی این آیین پویا و شکوفا چنان با سنت‌های آرامگاه‌سازی برای امامان پیوند یافته که این پیوند خود مجوز بنای آرامگاه برای این عزیزان اکثراً شهید است و این آرامگاه‌سازی خود بهترین گام برای زنده نگهداشتن نام این شهیدان شمرده می‌شود. پیدایش آرامگاه حضرت رضا و تحت‌الشعاع قرار دادن آرامگاه هارون که بر وی از لحاظ زمان تقدم داشت در تاریخ اسلام شیعی بسیار مهم و پرمعنا است، و در حقیقت جواز ساختن آرامگاه برای امامان و امامزادگان و دیگر قدیسین از این زمان صادر گردید و به‌همین دلیل بود که از آن همه آرامگاه سرداران ترک و مغول که در ایران پیش از صفوی ساخته شد، چند بنای سالم به‌ما رسیده و بیشتر آن بناهای مستحکم ویران یا نیم ویران شده‌اند و این در حالی است که بناهای زیارتی مشهد و قم و شهر ری، باشکوه و عظمت بی‌نظیر خود برپای ایستاده، و روزبه‌روز بر شکوه و عظمتشان افزوده می‌شود.

صفویه قبول کردند خود تاحدی که سلطنت می‌کنند قدّیس قابل احترام نیستند یا دست‌کم در مقابل امامان و امامزادگان و دیگر روحانیون شیعی دارای عظمت معنوی و روحانی نیستند. به‌عبارت دیگر سلطانهای صفوی همانند پادشاهان شیعی بویه‌ای ترجیح می‌دادند که در کنار یکی از اعضای خاندان عصمت و طهارت به‌خاک سپرده شوند. اینان شیخ صفی‌الدین

را نیز از قدّیسین طراز اول محسوب می‌داشتند اما نه در قیاس با امامان و امامزادگان. با یادآوری این نکته که وجود این زیارتگاههای مقدس و محترم برای ملت ایران در طی سده‌های متمادی یک نیاز بوده است و اکنون نیز هست، و هزاران مرکز جمعیت از برکت وجود این آرامگاهها تکوین و تشکیل شده، پی‌گیری بررسی آرامگاههای این دوران را از بررسی بزرگان در خاک خفته اردبیل، مجموعه شیخ صفی‌الدین آغاز می‌کنیم.

آرامگاههای موجود در این مجموعه عبارت‌اند از آرامگاه شیخ صفی باگنبد خاص به‌نام الله‌الله، گنبد آرامگاهی شاه اسماعیل صفوی و حرمخانه با گنبد آجری بزرگ شامل هفت آرامگاه:

۱ـ دختر شیخ زاهد، بی‌بی فاطمه همسر شیخ صفی‌الدین، درگذشته در ۷۳۵ هجده روز پس از مرگ شوهرش. ص ۲۵۰ (ارجاع به‌صفحه متن)

۲ـ دختر شیخ صفی با صندوق منبت‌کاری. ص ۲۸۲

۳ـ سید موسی پسر سید حیدر درگذشته در ۷۹۲. آذ ۱۸۱/۲

۴ـ سلطان بایزید پسر خواجه حسین صفوی درگذشته در ۹۰۸. آذ ۱۸۱/۲

۵ـ سلام‌الله فرزند خلیل‌الله صفوی درگذشته در ۹۰۹ آذ ۱۸۱/۲

٦ـ مرشدقلی فرزندالله قلی آقاایشیک آقاسی از نزدیکان خاندان صفوی (تاریخ ذکر نشده)

۷ـ دو قبر در راهرو و دو قبر در هشتی (بدون ذکر نام صاحب قبر)

آخرین مجموعه آرامگاهی در این مکان، شهیدگاه یا حیاط مقابر است در محوطه جنوبی بقعه که در آن شهیدان جنگ شیخ حیدر پدر شاه اسماعیل با فرخ سیر، شروانشاه، دفن شده‌اند. در سال ۹۰۵ شاه اسماعیل پس از غلبه بر فرخ سیر بدن این شهیدان را به‌اردبیل آورد و به‌خاک سپرد.[۱۱]

بنابراین آخرین نفری که درکل مجموعه به‌خاک سپرده شده، شاه اسماعیل است در سال ۹۳۰ و پیش از وی و در سالهای نخستین پادشاهی وی فقط دو تن در سالهای ۹۰۸ و ۹۰۹ در اینجا به‌خاک رفته‌اندکه نامهایشان را آوردیم شخصیت‌های دیگری نیز در این مجموعه دفن شده‌اندکه آرامگاهشان تاریخ مشخصی ندارد از آن جمله است: مقبره مادر شاه طهماسب اول متصل به‌حرم شیخ صفی «در محلی که به‌پنجه حضرت علی(ع) منسوب بوده است.» این آرامگاه در حرم شیخ صفی‌الدین اردبیلی است.[۱۲]

۸ـ در اطاقی واقع در ضلع جنوبی صحن، سنگ قبری است متعلق به‌خان احمدبیگ با

تاریخ ۹۹۴، ظاهراً آخرین شخصیت مهم مدفون در این مجموعه.[۱۳]

۹ـ متصل به‌دیوار گنبد الله‌الله (آرامگاه شیخ صفی‌الدین) آرامگاه کوچکی وجود دارد، با گنبدی کوتاه که آن را اخیراً برچیده‌اند، ظاهراً این بنا آرامگاه حلیمه خاتون ملقب به‌تاج خاتون (اسم اصلی او مارتا) و عالمشاه بیگم دختر اوزون حسن آق قویونلو و مادر شاه اسماعیل است. که نویسنده کتاب آثار باستانی آذربایجان این روایت را تکذیب و باطل می‌سازد.[۱۴]

۱۰ـ در داخل حرم شیخ صفی‌الدین آرامگاه سه نفر دیگر از سلاله شیخ صفی درکنار قبر شیخ صفی‌الدین. در گنبد الله‌الله به‌خاک سپرده شده‌اند که عبارت‌اند از: صدرالدین موسی فرزند وی وبانی بقعه، شیخ ابراهیم معروف به‌شیخ شاه فرزند خواجه علی و سلطان حیدر پدر شاه اسماعیل صفوی که در جنگ شهید شد.[۱۵]

پیشرفت و شکوفایی عرفان در ایران اسلامی با هجوم وحشیانه مغولان و تنگ شدن عرصه بر مردم بی‌گناه به‌حداعلای خود رسید، کشته شدن عارفان بزرگ و هجرت بسیاری از ایشان به‌دورترین نقاط گستره فرهنگی ایران، جهانی نوین را ارائه کرد که در آن صوفیان و عارفان نقش مهمی را برعهده داشتند. عارفان در هر جا که می‌ماندند، به‌راهنمایی مردم سرگرم می‌شدند، خانقاهی برای خود ترتیب می‌دادند که محل زندگی، بیتوته و ارشاد مردم فراری و بی‌سر و سامان می‌گردید. بدن ایشان را نیز پس از مرگ در همان خانقاه یا در اطاقی کنار خانقاه به‌خاک می‌سپردند. در عصر حکمرانی مغولان قدرت و نفوذ حکام این عارفان و صوفیان افزون شد و کارشان به‌جایی رسید که حتی ایلخانان مغول از ایشان حساب می‌بردند و در سرزمین شبه‌قاره نیز قدرت صوفیان به‌حداعلای خود رسید. میرسید علی همدانی از همدان به‌سوی هند رفت و وقتی به کشمیر رسید، عده پیروان همراهش از ۸۰۰ نفر بیشتر بود و اطلاق لقب شاه بر وی دلیل بر نفوذ و قدرت سیاسی فوق‌العاده وی است. در ایران نیز به‌بسیاری از این عارفان لقب شاه داده می‌شد.

ظهور شیخ صفی‌الدین و استقرار وی در اردبیل در تاریخ پیش از صفویه ایران یک نقطه عطف بود و قدرت و نفوذ این سلاله تا به‌آنجا رسید که سرانجام حاکمیت یافت. شاه اسماعیل به‌فعالیت نیم‌بند سلسله‌های کوچک پایان داد و ایران را برای مقابله با قدرتهای بزرگ همسایه آماده ساخت و این اوج تصوف ایرانی بود با پشتوانه‌ای مستحکم، مجموعه آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی.

اما شاهان صفوی پس از اشغال کرسی سلطنت، ملتفت شدند که دیگر با اندرزهای عارفانه و ریاضتهای صوفیانه، نمی‌توان کشوری پهناور را اداره کرد، به‌خصوص که بیشتر صوفیان مایل به‌تسنن بودند و قدرت پویا شدن برای احراز خصیصه‌های سیاسی و نظامی را نداشتند. شاه اسماعیل که به‌عنوان یک پادشاه شیعی به‌تخت نشست در طول حیات خود توجه خاص به‌امامان شیعی داشت و به‌امامزادگان احترام می‌ورزید و ارادت داشت. این توجه در عصر شاه طهماسب افزون شد و نفوذ و قدرت تصوف رو به کاستی نهاد. پادشاهان صفوی بیشتر مایل بودند که یک سردار مجاهد اسلام باشند تا یک صوفی بردبار.

مورخ معروف و استاد بزرگوارم نصرالله فلسفی در آغاز کتاب معروفش شاه عباس، در مبحث شاه اسماعیل دوم می‌نویسد که وی، شاه اسماعیل دوم از حسینعلی خان روملو که منصب خلیفةالخلفایی داشت و نایب شاه بود و در مملکت شخص دوم محسوب می‌شد دلخوش نبود، و مصمم به کشتن وی گردید، اما از متابعان بی‌شمار وی که همان عارفان و صوفیان قزوین و اطراف قزوین بودند بیم داشت، چه به‌فرمان وی بود که هنگام اعلام ولیعهدی شاه اسماعیل دوم، ۱۲ هزار صوفی از جان‌گذشته در قزوین جمع شدند، اما شاه اسماعیل دوم سرانجام خلیفه‌الخلفا را معزول و تبعید کرد و کشت و بر صوفیان نیز به‌بهانه اختلاف کوچکی که بین ایشان و داروغه قزوین پیش آمد خشم گرفت و سران قزلباش را مأمور کشتن ایشان کرد و در یک روز ۱۲۰۰ تن از ایشان را به‌قتل آورد.[۱۶]

پس می‌توان گفت، با ظهور صفویه کم‌کم آرامگاه‌سازی صوفیانه در قلمرو صفویه به‌پایان خود رسید تا آن حد که شاه عباس به‌روایتی وصیت کرد که وی را در جایی دورافتاده و گمنام به‌خاک بسپرند و به‌روایت دیگر که اکنون مورد قبول است در کاشان و در جوار حضرت حبیب بن موسی دفن کنند، در حالی که وی با داشتن آن‌همه امکانات مالی و آن‌همه هنرمند و صنعتگر، می‌توانست بزرگترین آرامگاهها را برای خود بسازد.

صفویه با مهارت، صوفی‌گری موروثی خود را به‌شیعی‌گری مبدل کردند، صوفی بردبار شیعی پویا شد. بدین روال دوران آرامگاه‌سازی برای صوفیان به‌پایان رسید و عصر امامزادگان فرا رسید و بسیاری از امامزاده‌های موجود در ایران در عصر صفویه موجودیت فراموش شده خود را بازیافتند. به‌طوری که دیدیم از تمام شاهان صفوی فقط شاه اسماعیل، در گنبدی جداگانه در کنار جدش شیخ صفی‌الدین به‌خاک سپرده شد و این برای همه شاهان صفوی امکان‌پذیر بود که با هیچ یک بدان مبادرت نکردند، یعنی این شاهان که رهبری جهان

شیعه را برعهده داشتند ترجیح دادند که در کنار امامان و امامزادگان به‌خاک سپرده شوند، نه اجداد بسیار معروف و سرشناس خود.* بدیهی است این شاهان منتهای توجه را به‌این مجموعه آرامگاهی داشتند و برای تکمیل و تزیین این ساختمانها هزینه‌های بسیار کردند. توجه شاهان صفوی به‌آستانه‌های شیعی در کربلا و نجف و کاظمین و دیگر نقاط عراق و مشهد و شیراز و قم و اصفهان و جاهای دیگر ایران، خود موضوع تحقیق دیگری است درباب آستانه‌ها و امامزاده‌ها، که امید است در آینده صورت‌پذیر گردد، آنچه که در این مجموعه از امامزاده‌ها و آستانه‌ها آورده شده عبارت بوده از آن بناهای آرامگاهی که قدمتی بیش از چند قرن داشته و از نظر معماری نیز متعلق به‌عصرهای پیش از صفوی بوده‌اند و البته بسیاری از این بناها که در این کتاب بدان اشاره شده در آن تحقیق بعدی معرفی می‌شوند.

هیلن براند پیش از آنکه به‌بخش پایانی مقاله مقابر برسد می‌گوید: آرامگاههای دورهٔ صفوی و روزگار پس از آن، در دنباله آن معماری آرامگاهی دورهٔ قرون وسطایی، سیر قهقهرایی پیمودند. در این هنگام مقابر غیرمذهبی به‌طور قطع جای خود را به‌قبور مقدسین دادند.

جایگاه طبیعی چنین آرامگاهها که اغلب بزرگ و مجلل بوده بناهای فرعی و صحنهای مجاور و باغهای وسیعی را شامل می‌شد که برای نمونه از مجموعهٔ اردبیل نام می‌بریم که چندین آرامگاه را شامل می‌شود. این عصر بقاع بزرگ مذهبی ایران را به‌خود دید که بیش و کم به‌هیبت ظاهری قطعی خود رسیدند... مجموعهٔ ماهان و تربت‌جام دو نمونه از این‌گونه بناهاست... بناهای مذهبی شیعی در عتبات و مشهد و قم نمونه‌های بزرگتر این نوع بناهای آرامگاهی است.[۱۷]

ملاحظه می‌شود که این دانشمند علت امر را پی‌جویی نمی‌کند، شاید به‌این سبب که وی به‌معماری و ساختمانهای آرامگاهی فقط از نظر شکل ظاهری و معماری توجه دارد و به‌تحولات تاریخی و اجتماعی و نقش آن در سنتهای خاکسپاری و زیارت بقاع و آرامگاه‌سازی توجه چندانی ندارد. این دانشمند در پایان مقال می‌نویسد:

بدین‌سان سنت غرورآمیز آرامگاهی قرون وسطایی ایران پس از ظهور سلسلهٔ صفوی دچار انحطاط جبران‌ناپذیری گردید، این موضوع تأسف‌بار است، لیکن

* شاه طهماسب را در شاهزاده حسین به‌امانت گذاشتند تا به‌مشهد ببرند و این نقل و انتقال تا پایان پادشاهی اسماعیل دوم ادامه یافت. شاه عباس ۴۶۴.

اندیشهٔ اینکه این سنت ایرانی در هندوستان دورهٔ مغول (بابری) بر اثر پیدایش تعدادی آرامگاههای بزرگ بی‌نظیر که آزادانه در محوطه‌های باغ مانند قرار گرفته و در عراق عثمانی که در آنجا بقاع شیعی نجف و کربلا و سامره دارای گنبدهای طلا و ایوانهای بلند نظیر آنچه در ایران است، هستند این تأسف تخفیف می‌یابد...»

نویسنده پس از اشاره به‌نفوذ معماری آرامگاه‌سازی ایرانی به‌ویژه برجهای سلجوقی در آناطولی مقاله خود را چنین به‌پایان می‌رساند:

در سراسر جهان اسلام هیچ سنت بناهای آرامگاهی را نمی‌توان یافت که از چنین عمر درازی و چنان مقبولیت ریشه‌دار عامی در قرون وسطی و چنین سطح عالی پابرجایی در تعالی معماری برخوردار بوده باشد).[18]

همان‌طور که پیش از این گفته شد هیچ‌یک از این عصرهای آرامگاه‌سازی ایرانی را نمی‌توان دقیقاً از عصرهای پیش و پس از آن جدا کرد و خواهی نخواهی بین آنها مرز معینی نیست، ولی ما در این بررسی تحولات آرامگاه‌سازی، فقط تا آخر سدهٔ دهم را که مصادف است با آغاز قدرت شاه عباس، در مدنظر داریم و معرفی آرامگاههای پس از آن و بررسی تحولات مربوط بدان را به‌تحقیقی دیگر محول می‌سازیم.

جدول نمایشی آرامگاهها در این عصر:

۱ـ آرامگاههای پس از ایلخانان تا آغاز عصر صفوی

- ابولولو در جاده فین کاشان، پیش از صفوی. ص ۲۱۷
- امامزاده ابوالحسن در بروجرد از عصر قراقوینلوها. معماری ۲/۹٦
- امامزاده تکیه کلهر در کاشان میدان کهنه، پیش از صفویان. معماری ۲/۸۰
- امامزاده زید، گذر قبرستان دَرِ باغ کاشان پیش از صفویان. معماری ۲/۹۱
- امامزاده ضیاءالدین در کاشان دروازه عطا پیش از صفویان. معماری ۲/۹۱
- امامزاده کلهر در کاشان پشت مدرسه سلطانی پیش از صفویان، معماری ۲/۹۱
- امامزاده کوی کریچه، کاشان کوی کریچه پیش از صفویان، معماری ۲/۹۱
- امامزاده میدان کهنه کاشان میدان کهنه، پیش از صفویان، معماری ۲/۹۱
- بی‌بی شرف خاتون در آبادی قزوین ساوه، پیش از صفویان. ص ۲۵۲
- پیر محمد در رودسر، پیش از صفویان. ص ۲۵۸

۲ـ آرامگاههای سدهٔ دهم، ۹۰۱ تا ۱۰۰۱، عصر نخستین صفوی

- گنبد سرخ در مشهد از ۹۰۴. ص ۳۹۵
- دوانی، جلال‌الدین، در دوان فارس از ۹۰۸. ص ۲۸۵
- افضل کرمانی در هرات مجاور گازرگاه از ۹۱۰. ص ۲۳۰
- سیدالسادات در بیدر هند، از سال ۹۱۰. ص ۳۰۹
- سیدمحمد در اراک، مشهد میغان. سده‌های ۷ و ۸ و ۹. معماری ۸۱/۲
- آرامگاه دو کمال (بهزاد و کمال خجندی) تبریز، از ۹۱۴. ص ۳۸٦
- روزبهان نسوی، فریدالدین در مصلای شیراز از سال ۹۱۸. ص ۲۹۰
- هارون ولایت در اصفهان از سال ۹۱۸. ص ۴۴۳
- آکاشاه در رود بردهٔ سنگر رشت از سال ۹۲۰. ص ۲۰۹
- ابن حسام قهستانی در خوسف خراسان از سال ۹۲۰. ص ۲۱۵
- آصفی هروی، گازرگاه هرات ۹۲۳. ص ۲۰۳
- کمال‌الدین ادریس مورخ ایرانی مقیم دربار عثمانی م ۹۲٦. ص ۳۹۱
- قاضی اختیار در تربت حیدریه از سال ۹۲۸. ص ۳۸۱
- ابراهیم لودی در دهلی متأثر از معماری ایرانی از سال ۹۳۲. ص ۲۱۳
- زرندیان در یزد از سال ۹۳۴. ص ۲۹۱
- خواندمیر، خواجه غیاث‌الدین، دهلی بارگاه نظام‌الدین، از سال ۹۳۷. ص ۲۸۱
- فخرالدین علی در هرات از سال ۹۳۹. ص ۳۷۴
- لسانی شیرازی، مولانا وجیه‌الدین، تبریز کوی سرخاب از ۹۴۱. ص ۳۹۷
- پیر قطب‌الدین در آستارا از ۹۴۲. ص ۲۵۸
- امام ضامن، محمدعلی مشهدی، دهلی قطب منار از ۹۴۴. ص ۲۳۴
- خواجه قطب‌الدین بختیار کاکی، دهلی ۹۴۸. ص ۲۸۰
- علاءالدین نور تاج دهلی از ۹۴۸. ص ۳٦۴
- زید بن علی در خرم‌آباد لرستان از سال ۹۵۰. معماری ۹۷/۲. ص ۲۹۲
- امامزاده حمزه در سوریان بوانات از سال ۹۵۳. معماری ۸۷/۲
- پیر پینه‌دوز در اصفهان از سال ۹۵۵. ص ۷۴
- شیخ یوسف گردیزی از عارفان سدهٔ پنج و شش آرامگاه از ۹۵۵. ص ۳۴٦

◘ عاشق بخارایی مولاناکمال‌الدین، بخارا در جوارا حمد خضرویه از ۹۵۸. ص ۲۰۲
◘ بایزید خلخالی و فضل نواده‌اش در قزوین از ۹٦۷. (سال فوت خلخالی) ص ۲۴۷
◘ پیر مسگران در احمدنگر هند از ۹٦۷. ص ۲۵۹
◘ آشیخ نیکه در رزن تَترستاق مازندران، احتمالاً ۹٦۴. ص ۲۰۳
◘ اتکه‌خان در جوار مرقد نظام‌الدین اولیا، دهلی ۹٦۹. ص ۳۲۱
◘ سیدخلیل در یزد از ۹٦۹. به‌بعد ص ۳۱۱
◘ عون ابن علی در فومن، اسوله از ۹٦۹. ص ۳٦۸
◘ خان شهید در احمدنگر هند، ۹۷۰. ص ۲۷٦
◘ شیخ زین‌الدین در یزد ـ ندوشن، ۹۷۷. ص ۳۳۹
◘ سلیم چشتی در فتحپورسیکری نزدیک آگرای هند از ۹۷۹. ص ۳۰۵
◘ سیدگل سرخ در یزد از ۹۷۹. ص ۳۱۴
◘ سلطان محمد عابد در کاخَک گناباد از ۹۸۰. ص ۳۰۳
◘ میرزا محمدقلی تکلومیلی هروی، مشهد ۹۸۵. ص ۴۲٦
◘ علی برید در بیدردکن مانده از ۹۸۷. ص ۳۴۸
◘ خواجگی درویش در بارگاه نظام‌الدین اولیا، دهلی از ۹۹۰. ص ۲۷۷
◘ سید ناصرالدین، تهران از ۹۹۳. ص ۳۱٦
◘ شاه فتح‌الله شیرازی در سری‌نگر کشمیر از ۹۹۵. ص ۳۲۴
◘ سید پرنور در هِرزِویل منجیل مانده از ۹۹۸. ص ۳۱۰
◘ سیدمحمود مرندی در هرزویل منجیل مانده از ۹۹۸. ص ۳۱۵
◘ شاهزاده علی ابن عبدالله، یزد ۹۹۸. ص ۳۲۱
◘ باباولی در دیلمان گیلان از ۹۹۹. ص ۲۴٦
◘ ملافتح‌الله کاشانی، کاشان از ۹۹۹. ص ۴۱۴

۳ـ آرامگاههای بی‌تاریخ سدهٔ دهم

◘ امامزاده باوره، قم روستای باوره، سدهٔ دهم. و پیش از آن. معماری ۲/ ۸۰
◘ امامزاده ندید تهران بازار سدهٔ دهم. معماری ۲/ ۷٦
◘ امامزاده ضیاءالدین در کاشان دروازه عطا، معماری ۲/ ۹۱

▣ امامزاده محمد محروق در شمال نیشابور سدهٔ دهم. معماری ۲/۸۹
▣ امامزاده میر نشانه در کاشان گذر سرسوک از سدهٔ دهم. معماری ۲/۹۱
▣ امیراویس در اردستان از سدهٔ دهم. ص ۲۳۵
▣ اهلی شیرازی در مزار حافظ شیراز سدهٔ دهم. ص ۲۴۲
▣ باباافضل کاشانی در روستای مرق کاشان از سدهٔ دهم. معماری ۲/۹۲. ص ۲۴۳
▣ بابا یادگار، در کرمانشاه روستای بان زرده از سدهٔ دهم. ص ۲۴٦
▣ بی‌بی سکینه در جاده کرج اشتهارد، از سدهٔ دهم. ص ۲۵۲
▣ خان شهید در احمدنگر هند از سدهٔ دهم. ص ۲۷٦
▣ خواجگی درویش در دهلی درگاه نظام‌الدین اولیاء، سدهٔ دهم ص ۲۷۷
▣ خواندمیر، خواجه غیاث‌الدین مورخ نامور، درگاه نظام‌الدین اولیاء، سدهٔ دهم. ص ۲۸۱
▣ درویش رستم در زانوس کجور، مازندران از سدهٔ دهم. ص ۲۸۵
▣ روزبهان نسوی در مصلای شیراز از سدهٔ دهم. ص ۲۹۰
▣ زید بن علی در خرم‌آباد لرستان از سدهٔ دهم. ص ۲۹۲
▣ سلطان شهاب‌الدین اهری، اهر در شمال آذربایجان از سدهٔ دهم. ص ۳۰۲
▣ سلطان علی مشهدی، مشهد از سدهٔ دهم. ص ۳۰۲
▣ سید نصرالدین در یزد از سدهٔ دهم. ص ۳۱٦
▣ شاه اسماعیل اول صفوی، اردبیل، سدهٔ دهم. ص ۳۱۷
▣ شاه خلیل‌الله در یزد از سدهٔ دهم. ص ۳۱۸
▣ شایلان در کاشان، بازار بزرگ. در سدهٔ دهم. ص ۳۲٦
▣ شیخ ابوالقاسم در تربت حیدریه از سدهٔ دهم. ص ۳۳۴
▣ شیخ حیدر در کَدکَن از سدهٔ دهم. ص ۳۳۸
▣ شیخ‌زین‌الدین علی در یزد از سدهٔ دهم. ص ۳۳۹
▣ علاءالدین نورتاج در مهرولی دهلی از سدهٔ دهم. ص ۳٦۴
▣ علامه دوانی در دوان فارس از سدهٔ دهم. ص ۳٦۴
▣ عیسی خان دهلی سدهٔ دهم. ص ۳٦۹
▣ غزالی مشهدی در احمدآباد گجرات، سرگنج از سدهٔ دهم. ص ۳۷۰
▣ قاسم بن موسی، کاشان از سدهٔ دهم. ص ۳۸۱

- قاضی شرف‌الدین در شاهزاده حسین قزوین، سدهٔ دهم. ص ۳۸۱
- قاضی مجدالدین در کوی سرخاب تبریز، سدهٔ دهم. ص ۳۸۱
- قطب‌الدین حیدر در تربت حیدریه سدهٔ دهم. ص ۳۸۴
- قفال چاچی در تاشکند، از سدهٔ دهم. ص ۳۸۴
- کاشفی ملاحسین واعظ در سبزوار از سدهٔ دهم. ص ۳۸۷
- کلامی بخاری در بلخ از سدهٔ دهم. ص ۳۹۰
- کمال‌الدین بهزاد در تبریز آرامگاه شعرا سدهٔ دهم. ص ۳۹۱
- گردیزی جمال‌الدین نقش پارسی؟ میراث ص ۳۹۴
- لامعی برسوی در بروسهٔ آناطولی از سدهٔ دهم. ص ۳۹۷
- مجدالدین کوزه کنانی تبریز، آرامگاه شعرا از سدهٔ دهم. ص ۳۹۹
- محتشم کاشانی در کربلا از سدهٔ دهم. ص ۴۰۰
- ابوالهادی قزوینی، قزوین از سدهٔ دهم. ص ۲۱۸
- مولانا جمالی در دهلی در آرامگاه قطب‌الدین کافی، سدهٔ دهم. ص ۴۱۸
- مولانا قضایی هروی در آرامگاه احمد خضرویه بلخ از سدهٔ دهم. ص ۴۱۸
- میرحسین معمایی در هرات از سدهٔ دهم. ص ۴۲۰
- میرعلی حسینی هروی در فتح‌آباد بخارا، سدهٔ دهم. ص ۴۲۹
- میر مرتضی شریعتمداری شیرازی، مشهد سدهٔ دهم. ص ۴۳۰
- میر معزالدین فیضی، کربلا سدهٔ دهم. ص ۴۳۰
- شاه زنده در جنوب شرقی قم از سدهٔ دهم. ص ۳۲۲
- وفائی، شیخ زین‌الدین در آگره سدهٔ دهم. ص ۴۴۱
- یاری هروی در هرات از سدهٔ دهم. ص ۴۵۰
- امامزاده زید تهران بازار. سدهٔ دهم. قاجاریه ۷۶/۲

۴ـ آرامگاههای عصر صفویان که دارای تاریخ معینی نیستند

- ابوالعلی در تفرش، صفوی. ص ۲۱۷
- اسماعیل آقا قلعه‌سی، ارومیه قریه اسماعیل آقا، صفوی. معماری ۸۴/۲
- امام رضا در ارجان بهبهان، صفوی. ص ۴۴

◫ امامزاده ابراهیم در اصفهان محلهٔ مستهلک، صفوی. معماری ۲/ ۹۱
◫ امامزاده اسحاق در هرند اصفهان، صفوی. معماری ۲/ ۹۱
◫ امامزاده اسماعیل در شناط ابهر صفوی. معماری ۲/ ۹۴
◫ امامزاده اسماعیل در قزوین، خیابان شهدا، صفوی. معماری ۲/ ۹۴
◫ امامزاده اسماعیل نوبران در نوبران ساوه، صفوی. معماری ۲/ ۸۲
◫ امامزاده اشرف در محله زاوعان سمنان و صفوی. معماری ۲/ ۹۵
◫ امامزاده جعفر در ارّجان بهبهان، صفوی. معماری ۲/ ۸۵
◫ امامزاده جعفر در نور، حومه کجور بنای صفوی. معماری ۲/ ۸۳
◫ امامزاده جعفر ورامین در پیشوا بنای صفوی. معماری ۲/ ۷۷
◫ امامزاده حسن در کرج، بنای صفوی. معماری ۲/ ۷۷
◫ امامزاده سید ابوجعفر در رشت محله استاد سرا، صفوی. معماری ۲/ ۸۱
◫ امامزاده سیدمحمد در نیشابور، بنای صفوی. معماری ۲/ ۸۷
◫ امامزاده سید منصور بن موسی در زرند ساوه، صفوی. معماری ۲/ ۸۱
◫ امامزاده شاه قاسم، در ساغند یزد، صفوی. معماری ۲/ ۹۳
◫ شهاب‌الدین اهری در اهر اوایل دوران صفوی. معماری ۲/ ۸۳
◫ امامزاده شهرضا در شهرضا (قمشه) صفوی. معماری ۲/ ۹۰
◫ امامزاده عبدالقهار در شمال غربی کرج، صفوی. معماری ۲/ ۷۷
◫ امامزاده عبدالله در بافق، صفوی. ـ قاجار معماری ۲/ ۹۳
◫ امامزاده عطاءالله در مراغه، صفوی. معماری ۲/ ۸۴
◫ امامزاده علوی در سمنان، محلهٔ زادغان، صفوی. ـ قاجار معماری ۲/ ۹۵
◫ امامزاده فاطمه بنت شجاع در ساوه، صفوی. معماری ۲/ ۸۱
◫ امامزاده فضل‌الرضا در محلات، صفوی. معماری ۲/ ۸۰
◫ امامزاده قاسم در تهران شمیران صفوی و پس از آن معماری ۲/ ۷۷
◫ امامزاده قاسم فرزند امام علی‌النقی(ع) در راه کاشان ـ اران، صفوی. معماری ۲/ ۹۰
◫ امامزاده نوح بن موسی در نوبران ساوه، صفوی. معماری ۲/ ۸۱
◫ امامزاده هاشم در آبعلی، گردنه امامزاده قاسم در راه پلور، صفوی. معماری ۲/ ۷۷
◫ امامزاده یحیی، همدان بلوار عارف معماری ۲/ ۹۴

- امین‌الدین جبرئیل در کلخوران اردبیل، صفوی. ص ۲۳۹
- بی‌بی گزیده در دزفول، صفوی. ص ۲۵۲
- بابا مسافر در قم، باغشاه در شمال شرقی شهر، صفوی. ص ۲۴۶
- بی‌بی شاه زینب در راه کاشان به‌قم، صفوی. معماری ۹۲/۲
- پنجه شاه در کاشان خیابان بابا افضل، صفوی. معماری ۹۱/۲
- پیرداوود کاشان پایین‌تر از قمصر، صفوی. معماری ۹۲/۲
- پیرعباس در شوش سه‌راهی جاده اهواز، صفوی. معماری ۸۶/۲
- پریزاد در اسطهبانات، صفوی. ص ۲۵۴
- چهار پادشاهان در لاهیجان، صفوی. معماری ۸۲/۲
- حبیب بن موسی در کاشان پشت مشهد، صفوی. معماری ۹۱/۲
- حلیمه خاتون قم، دستجرد، صفوی. ص ۲۷۲
- (گنبد) خشتی در مشهد خیابان طبرسی، صفوی. ص ۳۹۵
- درویش امیر، بقعه در نوشهر ـ لاشک کجور، صفوی. معماری ۸۳/۲
- ساریه خاتون در قم روستای دوکوهک، صفوی. ص ۲۹۳
- سبز، گنبد سبز در مشهد گورجکیم مؤمن، صفوی. معماری ۸۹/۲
- سلطان شیخ احمد دربلدهٔ نور، صفوی. معماری ۸۲/۲
- سلطان میراحمد در کاشان، صفوی. ص ۳۰۴
- سکینه خاتون در قم سه کیلومتری شرق زالون‌آباد، صفوی. معماری ۷۹/۲
- سید حمزه در ساوه، صفوی. معماری ۸۱/۲
- سید دانیال در خلخال آبادی خانقاه، صفوی. معماری ۸۳/۲
- سید شمس‌الدین بر سرراه داراب به‌فسا، صفوی. معماری ۸۷/۲
- سید علاءالدین در شیراز میدان آستانه، صفوی. معماری ۸۷/۲
- سید معزالدین، یزد، صفوی. ص ۳۱۵
- سید محمد اوسط در جوشقان کاشان، صفوی. ـ زندیه معماری ۹۲/۲
- سید محمد بازار در شوشتر، صفوی. ص ۳۱۴
- سید محمد ماهرو، شوشتر، صفوی. ص ۳۱۵
- سید محمد کاشی، در کازرون، صفوی. ص ۳۱۴

◙ سید محمود سیداحمد در ابرقو آبادی مهرآباد، صفوی. ص ۳۱۵
◙ شاه ابراهیم در قم روستای شاه ابراهیم، صفوی. معماری ۲/۷۹
◙ شاه ابوالقاسم در ۱۲ کیلومتری دزفول، صفوی. معماری ۲/۸۵
◙ شاهزاده ابراهیم در قم روستای دستجرد، صفوی. ص ۳۱۹
◙ شاهزاده ابراهیم و محمد در ۱۵ کیلومتری جنوب شهرضا، صفوی. معماری ۲/۹۰
◙ شاهزاده اسحاق و ایوب در ابیانهٔ نطنز، صفوی. ص ۳۱۹
◙ شاهزاده اسماعیل در برز نطنز، صفوی. معماری ۲/۹۰
◙ شاهزاده اسماعیل در کاشان آبادی بیدگل، صفوی. معماری ۲/۹۲
◙ شاهزاده حسین در همدان نزدیک میدان امام‌خمینی معماری ۲/۹۵
◙ شاهزاده حسین در کرمان آبادی جوپار ۱۸ کیلومتری ماهان، صفوی. معماری ۲/۸۸
◙ شاهزاده حسین در جهرم، صفوی. معماری ۲/۸۷
◙ شاهزاده سلیمان در قم قریه روانج، صفوی. معماری ۲/۷۹
◙ شاهزاده طاهر در تق رود خلجستان قم. ص ۳۲۰
◙ شاهزاده عبدالله در بیدگل کاشان، صفوی. ص ۳۲۰
◙ شاهزاده موسی در محلات بنای صفوی ـ قاجار معماری ۲/۸۰
◙ شاهزاده هادی در کاشان بین آران و بیدگل، صفوی. ص ۳۲۱
◙ شاهزاده هلال بن علی در کاشان بین آران و بیدگل، صفوی. ص ۳۲۲
◙ شاه زنده قم از سدهٔ دهم. ص ۳۲۰
◙ شاه سلطان حسین مجاور شهر اردهان کاشان، صفوی. ص ۳۲۲
◙ شاه سید علی‌اکبر در ۵ کیلومتری شمال شهرضا، صفوی. معماری ۲/۹۰
◙ شریف کاشانی، ملافتح‌الله در کاشان، صفوی. ص ۳۲۷
◙ شیخ صفی‌الدین در اردبیل، صفوی. معماری ۲/۸۳
◙ شیخ عبدالله در طرشت تهران، صفوی. ص ۳۳۹
◙ صاحب‌الامر، بقعهٔ، تبریز میدان صاحب‌آباد، صفوی ـ قاجاری معماری ۲/۸۳
◙ عبدالخیر در ۲۵ کیلومتری مغرب قروه، صفوی. ص ۳۵۹
◙ علی بن مهریار اهواز نزدیک پل چهارم، صفوی. ـ سدهٔ چهاردهم. معماری ۲/۸۵
◙ عمه کبرا و عمه صغرا در اشتهارد، صفوی معماری ۲/۷۷

فصل چهاردهم

نظری به‌شبه‌قاره و چین

۱ـ آرامگاههای اسلامی ـ ایرانی شبه قاره

«معماری در هند مسلمان هنگامی شکل گرفت که معماران ایرانی به‌آن سرزمین رفتند و پدیده گنبد و سردر را به‌شبه‌قاره بردند... با ظهور و اوج‌گیری بابریان همه‌چیز از جمله معماری و آرامگاه‌سازی به‌قالب ایرانی ریخته شد "Perseanization" و نتیجهٔ این اعتلا و الهام، ساخته شدن تاج محل بود که در حقیقت یک بنای صفوی است و هرکس، که برای زیارت آن به‌آگره برود تصور می‌کند که به‌اصفهان و تبریز آمده است.»

پرسی براون* [۱۹]

از آنجاکه درکتاب معتبر میراث ایران فصل مهمی را با سرفصل ایران و هندوستان پس از فتوحات محمود، به‌نفوذ هنر ایرانی در شبه‌قاره اختصاص داده و در طی آن ازگروهی از بناهای آرامگاهی که میراث مشترک ایران و شبه‌قاره است یادکرده، ضرور بودکه در پایان

---

* Perscy Brown محقق و هندشناس انگلیسی.

این مقدمه اشاره‌ای نیز به‌این بناهای آرامگاهی که زیباترین بنای آرامگاهی غیرمذهبی یعنی تاج‌محل را نیز شامل است، داشته باشیم. نویسنده مقاله هرمان گوتز.* بیست وچهار سال از عمر خود را در شبه‌قاره گذرانده و در این مدت علاوه بر مدیریت موزه‌های آن سامان به‌تحقیق درباب هند و روابطش با همسایگان سرگرم بوده است.[۲۰]

وی مقاله خود را با این جمله آغاز می‌کند:

> در طی تاریخ ثابت شده است که نفوذ ایران بر هندوستان قوی‌تر از نفوذ هندوستان بر کشورهای قارهٔ ایران بوده است.

سپس این‌چنین ادامه می‌دهد:**

> آرامگاه‌سازی در شبه‌قاره هند معمول نبود چون مرده‌ها را می‌سوزاندند و نیازی به‌آرامگاه نبود. فاتحان مسلمان در طی حکمرانی خود بر این سرزمین با مرده‌سوزانی موافقت نداشتند اما جلو اجرای این سنت بسیار مستحکم و جاافتاده را هم نمی‌توانستند بگیرند، حتی از رسم ساتی یعنی سوزاندن زن شوهر مرده با شوهر تازه درگذشته نیز نمی‌توانستند جلوگیری کنند و این رسم ناپسند به‌مقیاسی بسیار محدود هنوز هم ادامه دارد.

نخستین بنای آرامگاهی هند متعلق به‌غزنویان، با سبک و روش سلجوقی است اما دوران آرامگاه‌سازی به‌سبک سلجوقیان به‌طور واقع را باید از آغاز پادشاهی سلطان محمد غوری م ۵۹۶ (تاریخ درگذشت) تا پایان پادشاهی سلطان ایلتوتمیش ۶۳۳ دانست، و ادامه غیرخلاقه آن تا عصر علاءالدین خلجی (۶۹۵-۷۱۵) فیروزشاه تغلق، (۷۵۲-۷۹۰) و اسکندر لودی م ۹۰۸.

مشکل اساسی در احداث آرامگاههای بزرگ در شبه‌قاره مواد و مصالح ساختمانی بود، بسیاری از بناها از جمله آرامگاه سلطان قاری پسر ایلتوتمیش حکمران بنگال م ۶۲۸ با مصالح به‌دست آمده از خرابه‌های معابد هندی ساخته شد. اما این تدبیر نمی‌توانست پردوام باشد چه از یک‌سو تعداد بتخانه‌ها محدود بود و از سوی دیگر سلطانهای مسلمان هند ناچار بودند با هندوها مدارا کنند و از خراب کردن معبدها دست نگه دارند.

به‌تدریج استفاده از سنگ در ساختن بناهای اسلامی هند آغاز شد و سبکی که بدان سامانی ـ تغلق گفته می‌شود خلق شد، سامانی از آن لحاظ که الگوی این بناها آرامگاه امیراسماعیل

---

* Herman Goetz

** نقل به‌اختصار

سامانی بوده است.

دردکن که از ایران به‌دور بود و در مقابل دولت تجاوزگر هندو، ویجایانگر می‌بایستی مقاومت کند وضع با هند شمالی متفاوت بود. زیرا در این منطقه مهاجران ایرانی و ترکستانی با آغوش باز پذیرفته می‌شدند، از این روی هنر برهمنی چنان از هنر ایرانی الهام گرفت که باید آن را شاخه مستعمراتی هنر ایران دانست. فقط آرامگاه کوچک مؤسس سلسله یعنی حسن ظفرخان به‌سبک تغلق و سنن آن بنا شده ولی از آن به‌بعد تمام مقابر سلطانها و اشراف در گلبرگه و اشطور نزدیک بیدر، از نوع ایرانی اواخر قرن هشتم هجری است، یعنی گلبرگه دو طبقه که درگاههای آن تیغه شده و گنبدش کمی از نیم‌دایره بیشتر و نوک‌دار است. زیباترین این آرامگاهها، آرامگاه فیروزشاه تغلق (م ۸۵۲) در گلبرگه و مقبره احمدشاه ولی (م ۸۴۰) در اشطور است.[۲۱]

در شمال هند در ناحیه ماندو آرامگاههای هوشنگ و محمود خلجی و آرپاخان انشعاب ظریفی از آرامگاه سامانی محسوب می‌شوند.[۲۲] فیروز شاه تغلق م ۷۹۰، به‌ساختمان کردن علاقه فراوان داشت، اما در هزینه کردن بسیار هوشیارانه عمل می‌کرد. از این‌رو اصل بنای آرامگاهش برجای است ولی نقاشیها و تزیینات درونی دیواری از این جهت که با مواد ارزان تدارک شده بود از بین رفته است، این بنا را می‌توان با گنبد جبلیه کرمان مقایسه کرد، گوتز معتقد است که این بنا تقلیدی است از گنبد جبلیه.[۲۳]

آرامگاههای سادات لودی (۹۳۱-۸۵۵) در دهلی، و چند آرامگاه مشابه با این آرامگاهها، مکتب خاص خود را دارند، یعنی همانند بناهای گلبرگه و بیدر در چهار سمت دارای درگاههای تیغه شده هلالی هستند و می‌توان گفت که الگوی اصلی این بناها، گنبد و بارگاه محمد خدابنده در سلطانیه است.

در ملتان که در پنجاب پاکستان واقع شده است، چهار آرامگاه معروف سبک ایران وجود دارد که بر روی خرابه‌های شاه بهارالحق، شمس‌الدین، شادناشا و شاه رکن عالم ساخته شده است. همهٔ این بناها کاشی معرق دارند و تاریخ ساختمان آنها سده‌های هفتم و هشتم هجری است، چند آرامگاه دیگر نیز در این منطقه وجود دارد که تحت‌تأثیر معماری و آرامگاه‌سازی ایرانی ساخته شده‌اند.[۲۴]

درباره بناهای کشمیر که از عصر اسلامی برجای مانده، گوتز معتقد است که اگرچه این بناها تحت‌تأثیر مسجد و آرامگاه سلطان زین‌العابدین، که در مدنی قرار دارد و آرامگاه مادر

سلطان که در خودسری‌نگر است و بر پی‌های معابد هندویی برپا شده، اما الگوی بناهای آرامگاهی کشمیر نیز، همان بنای بسیار مهم و اساسی سامانی در آسیای مرکزی است. آرامگاه زین‌العابدین نخستین بنای کشمیر است که به‌اسلوب ایرانی با کاشیهای معرق زینت یافت.

شیرشاه سوری که رقیب همایون بود پس از اینکه همایون را از هند گریزاند، همایون به‌ایران پناهنده گردید. شیرشاه، خود متوجه مصر شد و در بناهای خود الگوی مصری را برگزید. شاید این یک حرکت سیاسی ظریف بوده است که پاسخی باشد بر ملاقات و پناهنده شدن همایون به‌شاه طهماسب صفوی.[۲۵]

در دکن دولت امپراتوری بهمنیان منقرض شد و رقیبش دولت ویجایانگر نیز ازهم پاشید، به‌جای این دو حکومت دولتهایی با سلطان‌نشینهای کوچک تأسیس گردید و جوی مساعد برای فعالیتهای هنری ایجاد شد، در این مورد نیز عنصر قالب که ایرانی بود، در هنر و معماری جنوب اثر هنری قاطع اعمال کرد که بهترین نمونه آن گل گنبد در بیجاپورست، این بنا که در ۱۰۶۶ ساخته شد، در معماری جهان‌گستر ایرانی ـ هندی یک شاهکار است با گنبدی که تا آن تاریخ از لحاظ بلندی و جلال بی‌نظیر یا کم‌نظیر بود. گوتز معتقد است که البته ظاهر گنبد و بنای آرامگاهی شناسنامه استانبولی دارد، اما اسکلت و چهارطاقی آرامگاه و طرح کلی آن، آرامگاه اسماعیل سامانی را در خود متبلور ساخته است. صرفنظر از گل‌گنبد در شهر بیجاپور بناهای مذهبی تاریخی دیگری نیز هست که همه از معماری ایرانی، سبک سلجوقی متأثرند.

با تشکیل سلسله بابری روال معماری آرامگاه‌سازی ایرانی شبه‌قاره وارد پرشکوه‌ترین ادوار تاریخ خود شد، باید به‌یاد داشته باشیم که تیموریان هند نیز مانند ایلخانان ایران و تیموریان ایران از انگیزهٔ مخالفت ذاتی با آرامگاه‌سازی تهی بودند و همانند سلجوقیان ایران، مغولان و تیموریان، نه در آیین اسلام به‌اندازهٔ ایرانیان پای برجا بودند و نه سنتهای ضدخاکسپاری در وجدان مغولشان مرکوز بود.

بناهای نخستین عصر بابریان، بابر و همایون آنچه ساخته شد، توسط شیرشاه دشمن قسم‌خورده ایشان خراب شد. اما همایون پس از بازگشت از ایران با دست پر آمد و بسیاری از معماران و نقاشان و خطاطان و دیگر نخبگان فرهنگ و هنر را با خود به‌هند آورد، و این هنرمندان بودند که با همکاری هنرمندان بومی و کارگران بسیار ارزان، بلکه رایگان، توانستند بنای زیبا و بزرگ آرامگاه همایون را تحت‌نظر حمیده بانو همسرش پی‌افکنند. حمیده و همایون در سفر ایران هم بناهای قزوین را دیدند و هم مجموعه شیخ صفی‌الدین در اردبیل را

زیارت کردند و البته از آرامگاه شیخ جام و بناهای وابسته بدان نیز بازدید کردند، چه حمیده بانو خود از فرزندزادگان شیخ بود و همایون در روی تخته‌سنگی که تا چندی پیش در تربت‌جام موجودیت داشته، یک رباعی به‌خط خود نوشته و خود را به‌عنوان آواره‌ای سرگردان معرفی کرده است. اما بنای آرامگاه همایون با مقایسه با مجموعه‌های شیخ جام و شیخ صفی‌الدین و دیگر بناهای آرامگاهی، چیز تازه‌ای بود که با بناهای آرامگاهی ایران مشابهت چندان نداشت، درحالی که گوتز می‌نویسد:

> و این سبک دوم مغول (بابری) در روزهای اول خود تقریباً ایرانی خالص است... آرامگاه همایون با باغی به‌سبک چهار باغ اصفهان، آرامگاه همایون در کوی دین پناه، محوطه میان نظام‌الدین و قلعه کهنه دهلی، زیباترین و ایرانی‌ترین بنای آرامگاهی هند است، البته پس از تاج‌محل. در این منطقه چند بنای آرامگاهی دیگر نیز ساخته شده: آرامگاه بایرام خان نایب‌السلطنه واتقی‌خان برادر امپراتور اکبر و آرامگاه بسیار زیبای عیسی‌خان.[۲۶]

دوران حکمرانی اکبر از این لحاظ اهمیت دارد که وی برخلاف همه پادشاهان شبه‌قاره از یک تسامح مذهبی نوظهور و بی‌سابقه پیروی می‌کرد، و این مایه رنجش مسلمانان شده بود، تا حدی که شاهزاده سلیم ولیعهدش، که بعدها با لقب جهانگیر جانشین وی شد، طغیان کرد و بر پدر شورید و برای غنی‌سازی نهضتی که خود رهبری آن را برعهده داشت، به‌فرهنگ و هنر ایرانی توجه یافت و به‌قول محققان فرنگی، یک رنسانس از هنر ایرانی به‌وجود آورد. اگرچه خود وی پس از جلوس به‌تخت پادشاهی تا حدودی سیاست نزدیکی به‌هندوان را پیشه کرد و نیرو بخشید.

عصر جهانگیر ویژگی دیگری نیز داشت و آن حضور میرزا غیاث تهرانی اعتمادالدوله و پسرش آصف‌خان و دخترش نورجهان در دربار و دستگاه حکومتی جهانگیر بود، خاندانی که در تمام دوره پادشاهی جهانگیر و عصر زمامداری شاه جهان، دربار هند را تحت تسلط داشتند.

گوتز با تایید و تأکید این مطلب ادامه می‌دهد:

> نمی‌توان به‌آسانی گفت تا چه حد سبک معماری و بنایی زمان شاه عباس کبیر در ایجاد معماری جدید هند یعنی ساختمانهای سنگ‌مرمر سفید، مزین به‌سنگهای قیمتی مؤثر بوده است. ذوق شخصی ملکهٔ نور جهان و سبک ساختمان با مرمر سفید که معماری گجرات و مالوه را به‌یاد می‌اندازد، و حتی نفوذ فرنگی‌ها را دراین مورد باید

در مدنظر داشت. دراین دوران بناهای آرامگاهی مهمی خلق و ارائه شد که از آن جمله است بنای معروف، چن صدخیمه، آرامگاه میرزا عزیز پسر اتقی خان از سال ۱۰۳۲ که در محلهٔ نظام‌الدین به‌طور آزمایشی آغاز شده بود و مملو است از نفوذ هنری ایرانی: ستونهای ایرانی، سرستونهای آویزدار و ضربی‌های پخ و پنجره‌های مشبک ایرانی و طرحهای زیبای دیگر که همه از روی طرحهای آرامگاه شیخ صفی و آستان قدس رضوی و مسجدامام (شاه) اصفهان الگوبرداری شده‌اند.[۲۷]

در این زمان به‌علت بهبودی روابط ایران و شبه‌قاره و افزایش نفوذ هنری فرهنگی ایران در آن امپراتوری آرامگاههایی ساخته شد که در همه آنها اثری از نفوذ ایران دیده می‌شود و به‌عبارت دیگر، همه نمونه‌های عالی این سبک لطیف ایرانی هستند، به‌چند باب از آنها اشاره می‌کنیم:

آرامگاه فهیم خان معروف به‌میله گنبد نزدیک آرامگاه همایون از ۱۰۳۴

آرامگاه آصف خان، ابوالحسن آصف‌الدوله در لاهور از ۱۰۵۱ و آرامگاه زیب‌النسا مخفی، در تاوانکوت.

آرامگاههای علی مردان ۱۰۶۷ و دایی اَنکه ۱۰۸۱ در لاهور و آرامگاه علامیرافضل خان شیرازی معروف به‌چینی کاروضه در آگره ۱۰۴۹

نویسنده هنگام اقامت در هند بارها به‌زیارت تاج محل رفته و بنا بر توصیه صاحب‌نظران در شبی مهتاب در اوایل پاییز از این بنای عظیم و رؤیایی عکس برداشته‌ام و نتیجه مطالعات خود را نیز در مقاله‌ای که در هنر و مردم شماره ۸۱ به‌چاپ رسید ارائه کرده‌ام اما از آنجا که سردلبران باید در حیث دیگران گفته شود. اظهارنظر دانشمند باستان‌شناس و شرق‌شناس آلمانی گوتز را درباره این بنا نقل می‌کنم:

«معروفترین ساختمان سبک ایران در هندوستان بنای معروف تاج‌محل (روضه ممتاز محل) در آگره می‌باشد، این بنا آرامگاه ارجمند بانو بیگم برادرزاده (در متن به‌اشتباه خواهرزاده آمده است) نورجهان و شوهرش شاه جهان می‌باشد که از عالی‌ترین هنر و ذوق دوران صفوی سرچشمه گرفته و به‌وسیله دو معمار ایرانی مقیم پنجاب نادرالعصر استاد احمد معمار لاهوری و برادرش استاد حمید لاهوری ساخته شده است.

در دو طرف آن مسجد و تالار و دروازه‌ای به‌سبک ایران و خارج از ساختمان، دو مقبره کوچکتر به‌همان سبک برای ندیمه‌های ملکه ساخته شده است. تاج محل، جز در به کار بردن

مرمرهای عالی مکران که روحیهٔ شاداب و پرزرق وبرق ایران را به‌صورت روحیهٔ خواب‌آلود و بی‌حال هنر دوره‌های بعدی مغول (بابری) درآورده است، تقلید کلی از سبک صفوی است و انحرافات بسیار کمی نسبت به‌سنت معماری صفوی دارد، چهار آلاچیق راجپوتی در اطراف گنبد وتفاوت نسبت گنبد به‌بدنهٔ آن (که در دکن هم عادی بود) و همچنین تفاوت نسبت مناره‌ها (که شاید ازگنبد مقبره محمود خلجی درماندو اقتباس شده) اختلاف عمدهٔ تاج‌محل با یک بنای صفوی است... این بنا که یکی از عجایب جهان شناخته شده به‌عنوان نمونهٔ کلاسیک و مظهر تمدن بابری هند معرفی شده، کمتر دارای اختصاصات مغولی (مقصود گورکانی یا تیموری هند یا بابری) می‌باشد. در حقیقت می‌توان گفت که این بنا مظهر هنر ایرانی در سرزمین شبه‌قاره و به‌قول رنه گروسه:

روح ایرانی در پیکر هند است.[۲۸]

اورنگ زیب جانشین شاه جهان که مانع شد پدرش برای خود نیز یک آرامگاه مجلل بسازد. برای زن خود بی‌بی رابعه دورانی در اورنگ آباد آرامگاهی ساخت که می‌توان آن را سایه کم‌رنگی از تاج‌محل دانست. در حالی که این بنا با اختلاط سبکهای گوناگون هویت مبهمی به‌خودگرفته است می‌تواند به‌عنوان آخرین بنای آرامگاهی ایران در هند شناخته شود، اگرچه بنای آرامگاهی صفدر جنگ در دهلی راکه چند دهه پس از آن ساخته شده، باید آخرین بنا بدانیم. تاریخ این بنا **۱۱۱۳** است، بنای تاج در حسین‌آباد لکهنو نیز تقلیدی است از بنای اصلی تاج. درپایان این گفتار درباره بنای تاج، ویژگی دیگر تاج را هم یادآوری می‌کنیم، آنچه نه‌تنها در شبه‌قاره بلکه در سراسر جهان نظیری برای آن نمی‌توان یافت، و آن خطاطی و کتیبه‌نویسی امانت‌خان شیرازی است، کتیبه‌ای که به‌سبک سحرآمیزی فاصله مکانی را که گه گاه نوشته‌کتیبه‌ها را محو و ناخوانا جلوه گر می‌سازد، از میان برده است و خواننده‌ای که در کف بنا ایستاده، حروف زیرین کتیبه را نیز با حروف زیرین مساوی می‌بیند. یک شاهکار هنری برمبنای علم. امانت خان همانند معمار اصلی بنا عیسی خان بزرگترین حقوق را در ارائه این کتیبه‌ها دریافت می‌داشته است. این مطلب در کتابی خطی که حاوی تاریخچه و اختصاصات ساختمانی بنای تاج می‌باشد و نسخه‌ای از آن دراختیار این‌جانب، دست آمده، در این سندکل هزینه بنا روزبه‌روز درج شده است و من در نگارش مقاله تاج‌محل خودم در هنر و مردم از آن بهره‌وری داشته‌ام.

۲ـ آرامگاههای اسلامی ـ ایرانی در چین و ترکستان شرقی*

نفوذ معماری ایرانی ـ اسلامی در آرامگاه‌سازی شرقی را نمی‌توان نادیده گرفت، چه ایرانیان از روزگاران باستان با همسایه‌های شرقی خود ارتباطهایی داشته‌اند و در تاریخ ساسانیان این ارتباط مبحث مهمی است[۲۹]. پس از سقوط سلسله ساسانی و عزیمت یزدگرد سوم به‌سوی خاور این ارتباط وارد مرحله نوینی شد و حتی چند تن از شاهزادگان ساسانی در قلمرو حکمرانان ترکستان شرقی و چین به‌تخت نشسته. ارتباط هنری همگام با ارتباط سیاسی اقتصادی از این به‌بعد رو به گسترش نهاد، در مقدمه شاهنامه منثور از نقاشان چینی سخن به‌میان آمده است که کتاب کلیله و دمنه را در عصر سامانی مصور می‌سازند.

اما گسترش واقعی روابط ایران و چین از عصر مغولان آغاز شد و برای نخستین‌بار متون تاریخی مهمی به‌فارسی درباره چین و مغولستان و ترکستان نوشته شد.

بازرگانی میان چین و جهان اسلام نیز از عوامل زیربنایی اثرات هنر و معماری اسلامی به‌معماری چین، در ساخت وساز آرامگاههای اسلامی چین است. مسلمانان که به‌دفن ساده اموات معتقد بودند از مشاهده همین وضع در چین خشنود شدند و با این‌همه بناهای مهمی از این قبیل در چین خلق شد. سنتهای خاکسپاری مردگان در آیین اسلام با آنچه در ایران زرتشتی رواج داشت متفاوت بود اما در چین چنین نبود.[۳۰]

بررسی روابط ایران و چین به‌ویژه از نقطه‌نظر معماری و آرامگاه‌سازی در تاریخ روابط دوکشور فصلی است جدید که بدان پرداخته نشده است و نیاز به‌بررسیهای جدی دارد. در این مورد بر مبنای کتابی نو پرداخته[۳۱] اشاراتی به‌نقاط مشترك آرامگاههای اسلامی و معماری آرامگاهی ایران خواهیم داشت، در این کتاب درباره ماهیت آرامگاههای اسلامی آمده است که اغلب آرامگاههای اسلامی چین خانوادگی یا خصوصی و یک نفره‌اند و گاهی نیز به‌آرامگاههایی برمی‌خوریم که افراد فرقه‌های گوناگون در آنها دفن شده‌اند در حالی که هر فرقه برای خود آرامگاه خاص دارد.[۳۲]

آرامگاههای اسلامی در سین کیانک، مرکز ترکستان شرقی که نزدیکترین شهر بزرگ چینی به‌آسیای مرکزی و غربی در جهان اسلام است، از نظر معماری دارای ویژگی خاص خود هستند و از جمله این ویژگیها وجود گنبد است که در بیشتر آنها وجود دارد.

---

* دربارهٔ آسیای میانه و قفقاز مبحث جداگانه‌ای ارائه نشده و در متن گنجانده شده است.

گنبدهای آرامگاهی چین تنها تفاوتی که با گنبدهای ایرانی دارد، موجودیت بنای کوچکی است، که در نوک گنبد تعبیه شده و فقط حالت تزیینی دارد. اگرچه در ظاهر گنبد پلکان‌واره‌ای هم برای رسیدن به‌این چهار دیواری استوانه‌ای گنبددار وجود دارد، اما در طرحی که ارائه شده به‌خوبی مشخص است که حتی این پدیده، نقش هواکش را هم نمی‌تواند برعهده داشته باشد.[۳۳]

قدیمترین بنای آرامگاهی اسلامی چین آرامگاهی است در کانتون که با ملاحظهٔ تصویر آن[۳۴] انسان بی‌اختیار به‌یاد آرامگاه امیراسماعیل سامانی می‌افتد، بنایی که نمونه و سرمشق هزاران بنای مذهبی در جهان اسلام شد و خود از لحاظ معماری از آتشکده‌های ساسانی معروف به‌چارطاقی تقلید شده است.

این بنای ساده عبارت است از یک چهارطاقی بزرگ باگنبد پخ وکوتاه که در وسط قرار دارد، گنبد بسیار شبیه گنبد سامانی است با این تفاوت که در نوک آن باز هم آن چهارطاقی گنبددار تزیینی تعبیه شده است و دورتادور چهارطاقی اصلی بنا روی دیوار کنگره‌های سه بر تعبیه شده که یادآور دژهای آسیای مرکزی است.[۳۵]

مرکز مهمترین وگسترده‌ترین بنای آرامگاهی چین مجموعهٔ آرامگاهی آفاق خواجه، در کاشغر سین‌کیانگ است، در ده کیلومتری شهر کاشغر، این بنا عبارت است از یک بنای چهارگوش که چهارسر در ایواندار در چهار برآن قرار دارد و در دو طرف این سردرها، چهار درگاه بزرگ با چهار پنجره ساخته شده است در چهارگوشهٔ بنا، چهار مناره افراشته شده که مناره‌ها به‌اسلوب بناهای اسلامی شبه‌قاره از یک سویه دیوار بنا چسبیده‌اند، به‌طوری که حالت لوله‌ای گلدسته‌ها حفظ شده است. اثرات جنبی معماری شبه‌قاره و آسیای مرکزی به‌روی این بنای چینی کاملاً هویداست، درحالی که اصل بنا باکاشیهای سبز و آبی و زرد یادآور بناهای گنبددار ایران و مزار شریف بلخ در افغانستان است.

گلدسته‌ها به‌یک محفظه با چهار پنجره خاتمه می‌یابند و زایده‌ای شبیه این پایانه را در انتهای گنبد و حتی در دو طرف سردرها (در اندازه کوچکتر) می‌توان یافت، این زایده زیبا در برخی بناهای آسیای مرکزی نیز دیده می‌شود. پنجره‌های چهارگانه مناره‌ها با پوششهای مشبک زیبا با نقشهای هندسی زیبا همه از نقوش مشابه در بناهای ایرانی ـ اسلامی اقتباس شده.[۳٦]

بنای قابل ذکر دیگر که کاملاً هویت اسلامی ایرانی دارد، آرامگاه یوسف خدایارخان، یا

یوسف خاص حاجب است که طبق برخی روایات مهمترین مبلغ دین اسلام در چین و مبارزه با بوداییان بوده و در سال ۴۳۸ در کاشغر از دنیا رفته است[۳۷]. این آرامگاه نیز با گنبد کاشیکاری شده و بلندتر از گنبد آفاق خواجه، نشان‌دهنده این حقیقت است که پس از آن بنا ساخته شده، با سردرهای بلند، همانند سردر بناهای آرامگاهی هند و با غرفه‌ها و حجره‌های آجرچینی شده و مسدود که در دو سوی بلندای آن همانندگنبد و مناره‌ها به‌آن بنای چارطاقی کوچک تزیینی افزوده شده است. از خصوصیات این آرامگاه که خود یادآور آرامگاه سامانی بخاراست. دیوارهای آجری بسیار بلند با آجر چینی پاکیزه و زیباست، نقش کاشیها نقوش هندسی مستقیم است.[۳۸]

سومین آرامگاه گنبددار که باید پس از معرفی دو مجموعه آرامگاهی آفاق خواجه و یوسف خدایارخان بدان اشاره شود آرامگاه طغرل تیمورخان فرزندزاده چنگیز در نسل هفتم است که سردار مجاهداسلام بوده و آرامگاهش در پنج کیلومتری شهر خویانگ قرار دارد، تاریخ فوت یوسف و بنای آرامگاه ۱۳۲۵ م است.

بنا آجری است با گنبد زیبای کاشیکاری، بنایی مشابه با ساختمانهای آرامگاهی آسیای مرکزی، در این آرامگاه همانند برخی آرامگاههای چینی پدر و مادر و فرزندان صاحب مقبره نیز درگورهای جداگانه که از گور خود وی کوچکتر است به‌خاک سپرده شده‌اند.[۳۹]

آنچه گفته شده اشاره‌ای بود به‌حد شرقی پیشرفت معماری و سنت آرامگاه‌سازی ایران و البته در صورتی که وقت اجازه بدهد و منابع به‌حد کافی در دسترس قرار گیرد در این باب می‌توان بیش از این نوشت و رساله‌ای جالب و غرورآمیز فراهم ساخت.

پیوست

مزارات

برای هریک از سه گروه شیعی و سنی و صوفی که درگستره فرهنگی ایران زندگی می‌کرده‌اند نگه‌داری و ارائه احوال گذشتگان به‌نحوی مهم و حیاتی بوده است، شیعیان از لحاظ حفظ سلسله گرامی پیامبر و علی(ع) در ایران زمین و سرزمینهای پیوسته بدان، اهل سنت از جهت نگه‌داری زنجیره سنت که مبدأ و منشأ آن رسول اکرم و خلفای راشدین بوده‌اند و صوفیان از

نقطه‌نظر نگه‌داری سلسله و حفظ آداب طریقت، به‌بیان بهتر هیچ‌یک از سه گروه مزبور حاضر نبوده‌اند که ارتباطشان باگذشته بریده شود.

بر مبنای آنچه گفته شد طی این ۱۴ سدهٔ عصر اسلام در ایران و دیگر جاها در پهنه فرهنگی ایران اسلامی، صدها کتاب درباب هزاران قدیس به‌ویژه اقطاب عارفین نوشته و تدوین و تکثیر شده است. در شبه‌قاره نیز کتابها و رساله‌های بسیار در این باب نوشته شده که بررسی کل این کتابها در تهیه این تألیف امکان نداشت، از سویی نیز محتوای کتابها تقریباً تکراری است و مربوط به‌شبه قاره، اگر چه به‌زبان فارسی است. کوشش شده است که عارفان و دولتمردان پارسی‌گوی و پارسی‌نویس که آثاری مهم از ایشان برجای مانده یا آرامگاهشان دارای نوشته فارسی است در این فهرست گنجانده شوند. و بناهای آرامگاهی نیز در صورتی که نفوذ معماری ایرانی به‌ویژه الگوهای آرامگاهی در آن قابل رویت و توجیه باشد معرفی شده و برای کسانی که خواهان اطلاعات بیشتر باشند ارجاع داده شده است. دوست دانشمندم استاد احمد منزوی به‌اهمیت مزارات در تحقیقی که بدان سرگرم هستم اشاره کرده برخی از آنها را جوانمردانه دراختیارم قرار دادند که عیناً نقل می‌شود:

مزارات رساله در مدفن امامزادگان معصوم در عراق و خراسان و مازندران و آذربایجان از نورالدین محمد فرزند ابوالقاسم حبیب‌الله واعظ خطیب مدرس اصفهانی به‌روزگار عباس یکم صفوی در یک مقدمه در نسب صفویان، نسب امامزاده‌ها و خاکجایشان. نشریه ۱۲۵/۸ فهرستواره ۸۷/۲.

مزارات امامان و امامزادگان. قاسم انوار، معین‌الدین علی فرزند نصیر ۷۵۷-۸۳۷. ذریعه ۸٦۱/۹. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات بخارا در تاریخ بخارا و مناقب مزارات بخارا. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات تبریز. حشری ← روضة‌الاظهار. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات تبریز. کربلایی ← روضات‌الجنات. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات هرات پنج اثر: از اثیرالدین کاشانی، از هروی سیاوشانی، از عبیدالله یا عبدالله فرزند سعید، از معین‌الدین محمد هروی از معین‌الدین محمد با عنوان روضات‌الجنات فی اوصاف مدینة‌هرات و نسخه عکسی از یک نشریه محفوظ در استانبول فهرستواره ۸۸/۲

مزار شریف. رساله در بیان ظهور مزار شریف حضرت علی در شمال افغانستان. فهرستواره ۸۸/۲

مزارنامه قهستان. ابن حسام حسامی. فهرستواره ۸۸/۲

منظرالاولیاء تبریزی. محمدکاظم معروف به‌اسرار علی شاه، به‌نام ناصرالدینشاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳) مزارات تبریز و توابع در یک حدیقه و ۵ روضه و یک بوستان، حدیقه حالات عارفان قدیم و پنج روضه درباب آرامگاههای امامزادگان، اولیا، پادشاهان وزیران فحول شعرا و مشایخ شاه نعمت اللهی. قم اشکوری ۸۷/۱۰. فهرستواره ۹۵/۲

مزارات تبریز. محمد کاظم ← منظرالاولیاء. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات خراسان. کاظم مدیر شانه‌چی. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات سمرقند. فهرستواره ۸۷/F

مزارات شهر کابل. محمد ابراهیم خلیل. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات شیراز. جنید شیرازی: شدالازار، تذکره هزارمزار از پسرش

مزارات شیراز. دشتکی شیرازی. اصیل‌الدین م ۸۸۳ قب، گورستان شیراز و کسانی که در آنجا خفته‌اند. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات کرمان: تذکرةالاولیاء. محرابی کرمانی سعید. فهرستواره ۸۸/۲

مزارات کرمان. به‌دستور سید محمد هاشمی به کوشش حسین کوهی کرمانی. فهرستواره ۸۸/۲

مزارات هرات: مقصد (مرصد) الاقبال السلطانیه و مرصد (مقصد) اعمال‌الخاقانیه از اصیل‌الدین عبیدالله حسینی دشتکی شیرازی ۸۸۳۳ به‌دستور غیاث‌الدین ابوالفتح سلطان ابوسعید گورکانی (۸۵۵-۸۷۳) در یک مقدمه و سه باب و یک خاتمه، حاوی سرگذشت ۲۰۹ تن از عارفان در سه مرحله، آنان که پیش از امیر تیمور می‌زیسته‌اند و یادشان در کتابها آمده است، عارفان پیش از وی که یادشان در جایی نیامده است و آنان که پس از او می‌زیسته‌اند. فهرستواره ۹۲/۵

وسیلةالشفاعات هروی. جلال‌الدین عبدالجلیل (سدهٔ ۱۰) فرزند محمدصافی (عبدالجمیل یا عبدالحمید) همان مقصدالاقبال اصیل‌الدین دشتکی است با اندک کاستن و افزودگی، افزودن درگذشتگان در هرات پس از ۸٦۴ تا عصر نویسنده در یک مقدمه و سه باب مقدمه در باب فواید رفتن به‌مزارات اولیا و علما و... و سه باب درباره مراقد جمعی از اکابر و اولیا که در قبةالاسلام هرات و توابع مدفون‌اند از قدیم و ابتدای فتح اسلام تا آخر عصر امیر تیمور دوم یا سوم در ذکر جماعت مدفون شده در هرات بعد از مرگ امیر تیمور. فهرستواره ۹۸/۲

مزارات هرات (رساله) از فکری سلجوقی. فهرستواره ۹۸/۲

پی‌نوشتها

یادداشتهای مرحلهٔ اول
عصر کهن پیش از مادها
فصلهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵

۱ـ معماری ایران (دورهٔ اسلامی) مجموعهٔ مقالات به‌کوشش محمد یوسف کیانی، تهران ۱۳٦٦، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۱، پیشگفتار.

۲ـ همان‌کتاب،، مقاله مساجد از مهندس کریم پیرنیا که نوشته‌اند: در میان اندامهای درون شهری هر شهر و روستا، نیایشگاه همیشه جای ویژه خود را داشته و دارد و از اندامهای دیگر نمایان‌تر، و چشمگیرتر است و از این‌روست که همه جا در دل آبادی جای گرفته. در ابیانه هنوز کوی میانی روستا را که کهن‌ترین مسجد در آن جای دارد، پردِله، پیرامون دل یا مرکز می‌گویند. ص ۱ و پانویس ۱، ص ۷.

۳ـ همان‌کتاب،: مقاله آرامگاهها (در اصل مقابر) از ربرت هیلن براند، ترجمه کرامت‌الله افسر، ص ۲۳.

۴ـ تاریخ تمدن ویل دورانت (ویلیام) گاهواره تمدن، جلد اول، ترجمه احمد آرام، تهران. ۱۳۳۷، ص ۹۸، که مثالهایی نیز در این مورد آورده است.

۵ و ٦ـ همان‌کتاب،، ص ۹۹.

۷ـ پیرامید از ریشهٔ پی‌رِموس به‌معنی بلندی، ویل دورانت ۲۲۴، Pyramid ـ Pi-re-mus .

۸ـ انسیکلوپدی بریتانیکا، ج ۱۸، ص ۸۹۴، چاپ ۱۹۷۸.

۹ـ تاریخ تمدن ویل دورانت، جلد اول، ص ۲۲۷.

۱۰ـ اهرام مصر گورهایی بوده که رفته‌رفته از صورت ابتدایی خود ترقی کرده و به‌این شکل در آمده

است. ویل دورانت ۲۲۴-۲۲۵.

۱۱ و ۱۲- تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱، ص ۲۲۶ و ۳۶۱.

۱۳- سرلئونارد وولی. Sir Leonard Wooloy دانشمند باستان‌شناس بریتانیایی نویسنده کشفیات اور Ur Excavation وی در سالهای ۱۸۵۴ تا ۱۹۳۲ موفق شد زیگورات اور Ur را کشف کند.

۱۴ و ۱۵- تاریخ مهندسی، مهدی فرشاد، بنیاد نیشابور، ص ۱۴۰.

۱۶- همان کتاب،، ص ۱۴۲.

۱۷- بریتانیکا، ج ۲۴، ص ۹۶۶.

۱۸- تاریخ تمدن ویل دورانت، ص ۳۳۷.

۱۹- همان کتاب،، ص ۳۶۱.

۲۰ و ۲۱- آثار و بناهای تاریخی خوزستان، تألیف احمد اقتداری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (آثار ملی) تهران ۱۳۵۳، بخش اول، ص ۱۱۶ و ۱۱۴.

۲۲- همان کتاب،، ص ۱۱۲.

۲۳- تاریخ ایلام از پی‌یر آمیه، ترجمهٔ شیرین بیانی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، ص ۱۵ و ۱۶ و تصویر ناپیرآسو ملکهٔ ایلام آثار و بناهای تاریخی خوزستان، ص ۱۱۱.

۲۴- آثار و بناهای تاریخی خوزستان، ص ۱۱۹-۱۴۵.

۲۵- همان کتاب، ص ۱۶۴.

۲۶- آثار باستانی شهرهای سواحل و بنادر خلیج فارس از احمد اقتداری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۹۶.

۲۷- همان کتاب، ص ۸۷.

۲۸- نظری اجمالی به‌شهرنشینی و شهرسازی در ایران به کوشش محمدیوسف کیانی در چهار جلد (در این مجموعه جلد اول به‌علامت شهرها). مقاله دوم از عزت‌الله نگهبان: شهرنشینی و شهرسازی از هزاره چهارم تا هزارهٔ اول ق م.، تپه سیلک ص ۲۵.

۲۹- همان کتاب، ص ۲۷ و نیز آرتور اپهام پوپ بررسی هنر ایران ج ۱. مقاله راجرز وارن*، ص ۱۵۱.

۳۰- نظری اجمالی به‌شهرنشینی ص ۲۹.

۳۱- همان کتاب، ص ۳۱.

۳۲- سرزمین قزوین، دکتر پرویز ورجاوند، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۴۹ ص ۱۵.

۳۳- همان کتاب، ص ۲۱.

۳۴- بررسی هنر ایران، ج ۱. مقاله به‌قلم فردریک ویلسن** تحت عنوان: تمدنهای اولیه استراباد (تورنگ‌تپه) ص ۱۶۳.

---

* M.Rogers Warren

** Frederick Wulsin

۳۵- نظری اجمالی... شهر سوخته، از دکتر منصور سجادی، ص ۵۱.

۳۶- فصلنامه باستان‌شناسی و تاریخ ۱۷ (آبان ۷۴).

۳۷- تاریخ بلعمی از ابوعلی محمدبن محمد بلعمی، تصحیح و اهتمام ملک‌الشعرای بهار، پروین گنابادی ص ۱۰۲.

۳۸- همان کتاب، ص ۱۰۸.

۳۹- آثار و بناهای تاریخی خوزستان، ص ۹۳.

۴۰- قصه دانیال نبی در تورات فارسی باب پنجم.

۴۱- آثار و بناهای تاریخی خوزستان، ص ۹۶.

۴۲- مجمل‌التواریخ والقصص تألیف در سال ۵۲۰ از نویسنده‌ای نامعلوم، به‌تصحیح ملک‌الشعرای بهار، تهران ۱۳۱۸، کلاله خاور، ص ۴۴۵.

۴۳- لغت‌نامه دهخدا (در این مجموعه ل) جزوه ۱۵۵ / ص ۲۳۰.

۴۴- فرهنگ ایران باستان، استاد پورداود، ص ۱۶۰، ل ۱۵۰ / ۲۰۳.

۴۵- قاموس‌الاعلام، ل ۱۵۰ / ۲۰۳.

۴۶- تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی، ص ۵۲، ل ۱۵۰ / ۲۰۳.

۴۷- فارسنامه ابن بلخی، ص ۵۳، ل ۱۵۰ / ۲۰۴.

۴۸- از آستارا تا استارباد، دکتر منوچهر ستوده، (در این مجموعه آ س) انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج ۳، ص ۹۴ و ل ۱۵۵ / ۲۰۳.

۴۹- فرهنگ جغرافیایی ایران (در این مجموعه فج) ج ۹ / ۲۱۳.

۵۰- ایران باستان مشیرالدوله پیرنیا، ص ۳۹۵.

۵۱- مجمل‌التواریخ، ۴۳۰ تا ۴۳۶.

۵۲- اقلیم پارس، سید محمدتقی مصطفوی، انجمن آثار ومفاخر فرهنگی صص ۸-۱۰ (در این مجموعه اَق).

۵۳- مازندران واستراباد، رابینو ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی (دراین مجموعه مازندران)، ص ۹۴.

۵۴- تاریخ طبری ترجمه و تحقیق دکتر محمد جواد مشکور، ص ۱۰.

۵۵- مازندران و استراباد، ص ۸۹.

۵۶- همان کتاب، ص ۹۰.

۵۷- آثار باستانی شهرهای سواحل و بنادر خلیج فارس، احمد اقتداری، ص ۶۶۰.

۵۸- شاهنامه مهل چاپ تهران، جیبی، ص ۱۶.

۵۹- همان کتاب، ص ۱۸.

۶۰- همان کتاب، صص ۲۱ و ۲۴ و ۳۳ و ۵۷.

۶۱- همان کتاب، ص ۱۰۶.

۶۲ـ همان کتاب، صص ۱۹۱، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۳۳ و ۲۴۳.

۶۳ـ همان کتاب، ص ۹۵.

۶۴ـ همان کتاب، جلد ۴ ص ۳۶۲.

۶۵ـ مجمل‌التواریخ، صفحه‌های ۴۶۱ و ۴۶۴.

یادداشتهای مرحله دوم
از عصر مادها تا ظهور اسلام
فصلهای ۶ و ۷ و ۸ و ۹

۱ـ اقلیم فارس، محمدتقی مصطفوی، ص ۳۷۱.

۲ـ همان کتاب، ص ۸ و ۱۳۹ و ۴۴۰ و ایران باستان ۲۲۱.

۳ـ ایران باستان، حسن پیرنیا، ص ۲۲۱.

۴ـ همان کتاب، ص ۲۲۱.

۵ـ همان کتاب، ص ۳۶۸.

۶ و ۷ـ ایران باستان ص ۲۲۱.

۸ـ همان کتاب، ص ۲۲۰.

۹ـ انسیکلوپدی بریتانیکا ۷۸۵/۲۲، تاریخ باستانی ایران هرتسفلد ـ حکمت، ص ۳۳.

۱۰ـ آثار باستانی آذربایجان، ج ۲، سیدجمال ترابی طباطبائی، ص ۵۸۳.

۱۱ـ نظری اجمالی... محمد یوسف کیانی، ص ۷۸.

۱۲ و ۱۳ـ آثار باستانی آذربایجان، ج ۲، ص ۴۴۵ و ص ۵۹۸.

۱۴ـ همان کتاب، ص ۴۴۵ و نیز نظری اجمالی... مقاله شهرهای اشکانی از محمد یوسف کیانی، ص ۱۱۶.

۱۵ـ ایران باستان ۳۶۹.

۱۶ـ همان کتاب، ص ۱۵۶۳.

۱۷ـ اقلیم پارس، ص ۱۰ نقل به‌اختصار.

۱۸ـ ایران باستان، ۱۵۶۵.

۱۹ـ همان کتاب، ص ۱۸۷۰ و ص ۱۹۳۵.

۲۰ـ اقلیم پارس، ص ۳۳۲.

۲۱ـ همان کتاب، ص ۳۷ و ایران باستان ۱۶۰۱.

۲۲ـ اقلیم پارس، ص ۳۸.

۲۳ـ تمدن ساسانی، علی سامی، ص ۴۰.

۲۴ـ اقلیم پارس، ص ۳۷ و پانویس ۱.

۲۵ـ ابدیت ایران، ص ۹۹.

۲۶ـ ایران باستان ص ۱۶۰۱، اظهارنظر مرحوم مشیرالدوله درباره شکل آرامگاه داریوش که تقلید از صلیب یونانی است قابل تردید می‌باشد و نیز اقلیم پارس ص ۳۸ و تمدن هخامنشی از علی سامی، ص ۱۸۷.

۲۷ـ می‌دانیم که آرامگاه صخره‌ای از عصر مادها برجای مانده و به‌خوبی می‌توانسته است که سرمشق هخامنشیان قرارگیرد و اصولاً در مصر آرامگاه صخره‌ای وجود نداردکه داریوش در سفر جنگی کمبوجیه آن را ببیند و تقلیدکند و آرامگاه خود را بدان شکل بسازد.

۲۸ـ اقلیم پارس، ۳۹.

۲۹ـ ایران باستان، ص ۲۶۸۸.

۳۰ـ و ۳۱ـ همان کتاب، ص ۲۷۰۰.

۳۲ـ اشکانیان از م.م. دیاکونو و، ترجمه کریم کشاورز، ص ۱۱۹.

۳۳ـ پارتیان از مالکولم کالج ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۲۰۰ زیرنویس شماره ۲۹.

۳۴ـ اشکانیان، ۱۲۴.

۳۵ـ ایران باستان، ۲۶۸۸ و پارتیان تصویر شماره ۳۱ و شرح آن.

۳۶ـ ایران باستان، ۲۶۹۱.

۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ـ ری باستان، ۳۶۶ و ۳۶۷.

۴۱ـ همان کتاب، ص ۳۶۸ و مزداپرستی در ایران قدیم، ص ۱۲۱.

۴۲ـ ری باستان ۳۶۹ و تاریخ کوروش، کزنفون ۳۲۱.

۴۳ـ اشکانیان، ۱۲۶.

۴۴ـ اشکانیان، ۶۴ و پانویس ۱۳۴ در ص ۱۴۷.

۴۵ـ ری باستان، ۳۶۹.

۴۶ـ ایران باستان، ۲۷۲۲.

۴۷ـ پارتیان، ۱۲۹.

۴۸ـ آثار باستانی آذربایجان، ج ۲، ص ۶۳۶ و آثار باستانی سواحل از احمد اقتداری، ص ۱۴۵.

۴۹ـ ری باستان، ص ۳۷۰.

۴۹ و ۵۰ـ ایران باستان، ص ۲۷۱۲ و ص ۲۷۱۷.

۵۱ و ۵۲ـ پارتیان تصویر شماره ۲۲ و شرح آن در ص ۱۹۹ و پانویس شماره ۲۶ در ص ۱۹۹.

۵۳ـ آثار تاریخی لرستان، حمید ایزدپناه، ج ۲ ص ۲۸.

۵۴ـ آثار باستانی آذربایجان، ج ۲، ص ۵۲۰.

۵۵ و ۵۶ـ پارتیان ص ۲۰۱ شماره ۳۷ و ص ۲۰۰ شماره ۳۳.

۵۷- سیراف، غلامرضا معمومی به‌تصویرهای ٦٦ و ٦٧ و مقاله شهرهای اشکانی محمدیوسف کیانی در نظر اجمالی... ص ۱۰۵.

۵۸- تاریخ ساسانیان مشکور، ص ۱۲۸۳.

۵۹- ری باستان، ص ۳٦۷.

٦۰- از گفته‌های استادم شادروان نصرالله فلسفی استاد تاریخ در دانشگاه تهران، سال ۱۳۲۱.

٦۱- ری باستان، ص ۳٦۸.

٦۲- شاهنامه مهل - ریاحی، ص ۱۹۷۵.

٦۳ و ٦۴ ری باستان ص ۳۷۹ و ص ۴۰۴.

٦۵- همان کتاب، ۳۷۴.

٦٦- آثار تاریخی طهران، سید محمد تقی مصطفوی، ص ۱۳۷.

٦۷- سرزمین قزوین از دکتر پرویز ورجاوند، ص ۲۴٦.

٦۸ و ٦۹- همان کتاب، ص ۲۸۵.

۷۰- همان کتاب، ص ۴۲۷.

۷۱- سیراف ص ۱۷۰.

۷۲- تمدن ساسانی، ج ۱، علی سامی، ص ۷۰.

۷۳- نظری اجمالی... مقاله شهرهای ساسانی از دیتریش هوف. ترجمه محمدرحیم صراف، ص ۱۸۱.

۷۴- همان کتاب، ص ۱۷۸.

۷۵- بررسی هنر ایران، آرتولد اپهام پوپ در این هنر، ۵٦۸/۲ و تجدید چاپ ایران ۱۰۷.

۷٦- سیراف، ص ۱٦۹ و ۱۷۰.

۷۷- مجمل‌التواریخ، ص ۴٦۳ و پانویس (۵).

۷۸- همان کتاب، ۵۰٦.

۷۹- سیراف، ص ۱۷۳.

۸۰- سیرالملوک ص ۱٦۹ و ری ص ۴۷۷.

۸۱- سیراف ص ۱۳٦.

۸۲- کوتا شده از تاریخ بناکتی، ص ۱٦۰.

۸۳- آثار تاریخی لرستان ۵۴۷/۲ صفحه.

۸۴- شاهنامه فردوسی مهل - ریاحی ۱۹۷۵/۵.

یادداشتهای مرحله سوم
آرامگاههای عصر اسلامی یک
فصلهای ۱۰ و ۱۱ و ۱۲

۱ـ بر مبنای مجمل فصیحی ج ۲ ص ۹۵ صاحب در ری مرد و در اصفهان به‌خاک سپرده شده. ری ۳٦۰

۲ـ بررسی هنر ایران زیر نظر پروفسور آرتور اپهام پوپ ۹۱٦/۳.

۳ـ معماری ایران به‌کوشش محمد یوسف کیانی ج اول ص ۲۳ مقاله هیلن براند ترجمه کرامت‌الله افسر.

۴ـ ارداویرافنامه: کتاب به‌پهلوی که توسط بهرام پژدو ترجمه منظوم شده است.

۵ـ معماری ۲ هلین براند ص ۳۴.

٦ـ آثار باستانی آذربایجان سیدجمال ترابی، ج ۲، ص ۵۸۲، ٦۴۵، ٦۴۹.

۷ـ معماری ایران مقاله هیلن براند با عنوان آرامگاهها (مقابر) ص ۱۵ و نیز همان کتاب، پیشگفتار که این نظر را تأیید می‌کند: در سراسر جهان اسلام سنت ایجاد بناهای آرامگاهی را همانند ایران نمی‌توان یافت که یک چنین عمر دراز و مقبولیت ریشه‌دار و پابرجایی و نقش بسیار در تعالی معماری برخوردار بوده باشد.

۸ـ همان کتاب، ص ۲۳.

۹ـ دانشنامه ایران و اسلام، ص ۸۹.

۱۰ـ همان کتاب، ص ۱۰۰.

۱۱ـ بررسی هنر ایران، ج ۳، ص ۱۲۰۲.

۱۲ـ تاریخ بیهقی، ص ۴۱۳.

۱۳ـ معماری ایران به‌کوشش محمد یوسف کیانی مقاله محمدرضا مخلصی ص ۲۷۸ و آثار تاریخی خراسان، عبدالحمید مولوی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ٦

۱۴ـ معماری ایران، ص ۲۷۸

۱۵ـ دائرةالمعارف بزرگ، ج ۱، ص ۳۵۸

۱٦ـ همان کتاب، ص ۳۵۳

۱۷ـ همان کتاب، ص ۳۵۱ و ری باستان ۳۸۸

۱۸ـ از آستارا تا استارآباد، دکتر منوچهر ستوده، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج ۲، ص ۱۷۹

۱۹ـ ری باستان، ص ۳۸۸ و النقص ص ٦۲۹

۲۰ـ معماری ایران به‌کوشش محمدیوسف کنعانی مقاله هیلن براند، ص ۳۵

۲۱ـ آثار تاریخی خراسان، ص ۱۲۹

۲۲ـ آثار تاریخی شهرها و جزایر خلیج فارس از احمد اقتداری، ص ۹۲۴ و زین‌الاخبار گردیزی، ص ۱۴۱

۲۳ و ۲۴ـ آثار تاریخی خوزستان، احمد اقتداری، ص ۳۴۵ و ص ۸۲۴ و نیز نظری اجمالی... محمد یوسف کیانی ص ۱۸۳ که جندی‌شاپور را پایتخت و محل خاک‌سپاری یعقوب می‌داند.

۲۵ و ۲۶ـ معماری ایران مقاله هیلن براند، ص ۲۷.

۲۷ـ معماری ایران، مقاله هیلن براند ۲۷ و بررسی هنر ایران، پوپ ج ۳، ص ۹۷.

۲۸ـ بررسی هنر ایران پوپ، اریک شرودر، ج ۳، ص ۹۸۴.

۲۹ـ همان کتاب، ج ۳، ص ۹۸۴.

۳۰ـ ری باستان ص ۴۱۴ و متن بندهای وندید ص ۳۶۷ همان کتاب.

۳۱ـ کاروند کسروی به‌اهتمام استاد یحیی ذکاهی ۴۱.

۳۲ـ سرزمین قزوین ص ۲۴۳ و ۲۴۵ و ۲۴۷.

۳۳ـ معماری ایران، مقاله هیلن براند ص ۳۶.

۳۴ـ آثار باستانی شهرها و... احمد اقتداری، ص ۸۶۰.

۳۵ـ معماری ایران مقاله هیلن براند، ص ۳۷.

۳۶ـ سیمرغ، ویژه‌نامه آسیای مرکزی، ص ۱۷۴.

۳۷ـ تاریخ مغول، عباس اقبال، ص ۵۶۴.

۳۸ـ معماری ایران، مقاله هیلن براند، ص ۳۸.

۳۹ـ بررسی هنر ایران پوپ، ج ۸ ص ۳۴۷ و معماری اسلامی ایران یک از آنتونی هات ص ۴۶.

۴۰ و ۴۱ـ سرزمین قزوین ص ۳۱۵ و ۳۲۷.

۴۲ـ همان کتاب، ص ۳۳۲.

۴۳ـ سرزمین قزوین، ۳۱۵

۴۴ـ مقاله آرامگاهها (مقابر)، از هیلن براند، معماری ایران ۲، ص ۲۸.

۴۵ـ سرزمین قزوین ۱۶۱.

۴۶ـ آرامگاه شاعران.

۴۷ـ همان کتاب، ۱۵۵.

۴۸ـ سرزمین قزوین، ص ۳۸۱.

۴۹ـ معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان از دنالدویلبر ۱۳۵.

۵۰ـ همان کتاب،، دیباچه صفحه یازده.

یادداشتهای مرحله چهارم
آرامگاههای عصر اسلامی دو
فصلهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵

۱ـ تاریخ مغول، عباس اقبال، ص ۲۹ و ۳۹.

۲ و ۳ـ معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی در این مجموعه معماری ایلخانی، ص ۳۸.

۴ـ تاریخ مغول ۵٦۴.

۵ـ همان کتاب، ۵٦۳.

٦ـ همان کتاب، ۵٦۴.

۷ـ همان کتاب، ۳۰۵.

۸ـ همان کتاب، ۳۱۱ که خود از نفایس‌الفنون ص ۲۹۵ و ۲۹٦ آورده است.

۹ـ همان کتاب، ص ۵٦٦.

۱۰ـ بررسی هنر ایران، زیرنظر پروفسور آرتواپهام پوپ ۱۱۷۹/۳.

۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ـ آثار باستانی آذربایجان از سیدجمال ترابی طباطبائی، ج ۲ صص: ۱۸۵، ۱۴۸، ۱۳۵، ۱۴۹ و ۱٦۲.

۱٦ـ شاه عباس از نصرالله فلسفی، ص ۴۴.

۱۷ و ۱۸ـ مقاله هیلن براند ص ۳۵، معماری به‌کوشش محمد یوسف کیانی.

۱۹ـ معماری هند از پرسی براون، به‌انگلیسی ص ۸ چاپ.

۲۰ـ میراث ایران، مجموعه مقالات زیرنظر آربری، ص ۱۴۹.

۲۱ـ همان کتاب، ص ۱۷۲ و ۱۷٦.

۲۲ـ همان کتاب، ص ۱۷۵.

۲۳ـ همان کتاب، ص ۱۷٦.

۲۴ـ همان کتاب، ص ۱۸۰.

۲۵ و ۲٦ و ۲۷ـ همان کتاب، ص ۱۸۱ و ۱۹۰/۱۹۱ و ۱۹۵/۱۹٦.

۲۸ـ تاج محل مقاله اینجانب در هنر و مردم شماره ۸۱ و میراث ایران ۱۹٦.

در تهیه این بخش از کتابهای دیگری نیز استفاده کرده‌ام که در فهرست منابع معرفی خواهند شد و اسامی آنها از این قرار است.

مغولان بزرگ به‌انگلیسی.

هند از سری تمدنهای شرقی به‌زبان فرانسه.

تاج محل به انگلیسی.

شهرهای مغول در هند به‌انگلیسی.
آثارالصنادید سر سید احمدخان به‌اردو.

۲۹ـ خطای نامه، مقدمه کتاب از ایرج افشار که حاوی نکات مهمی از روابط ایران و چین است، ص ۳.

۳۰ـ همان کتاب، ص ۴۸۰ درباره سنگ آرامگاه شاهزاده خانم ایرانی دختر انوشیروان و همسر یک سردار چینی، معلوم می‌شود که این دختر را برخلاف سنت‌های زرتشتی و برمبنای سنت‌های چینی به‌خاک سپرده‌اند.

۳۱ـ معماری اسلامی در چین از لیوجی پینگ ترجمه مریم خرم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بهار ۱۳۷۳. در این کتاب که از مراجع مهم اینجانب در این بررسی بود. متأسفانه نویسنده کتاب توجهی به گسترش و عمق فرهنگ ایرانی در آسیای مرکزی نداشته و مترجم نیز اطلاعاتش درحدی نبوده که بتواند خود استدراک و استنتاج کند. به‌هرحال ترجمه و طبع و نشر کتاب برای کسانی که خواهان درک گسترش و عمق تمدن ایرانی در مشرق زمین‌اند قابل استفاده است.

۳۲ـ معماری اسلامی در چین، ص ۲۳۷.

۳۳ـ همان کتاب، ص ۲۶۹ و ۲۷۳ و نیز کتاب بناهای تاریخی آسیای مرکزی به‌روسی، تصویر ۳۵ بنایی از قرن دهم میلاد با زایده‌ای شش گوش در روی گنبد که هدف از تعبیه آن جابه‌جا کردن هوا و در حکم هواکش یا بادگیر بوده و در چین که ظاهراً گرما شدید نیست فقط ظاهر بنا برجای مانده است و کاربردی ندارد.

۳۴ـ معماری اسلامی در چین تصویر ۵٦/۳ و نیز خطای‌نامه ص ۵۱۱.

۳۵ـ بناهای تاریخی آسیای مرکزی تصویرهای ۱ و ۸۰.

۳٦ـ همان کتاب، تصویرهای ۳ و ۴ و ۳۵ (که بادگیر یا هواکش است) و ۴۳ و ۸۰.

۳۷ـ معماری اسلامی در چین ص ۲۷۰ و تصویر ص ۲۵۴ که کاملاً ایرانی است.

۳۸ـ همان کتاب، ص ۲٦۳ و ۲٦۵.

۳۹ـ همان کتاب، ص ۲٦٦.

بخش دوم

آرامگاه در گسترهٔ فرهنگ ایرانی

معرفی‌نامه و فرهنگ
(فرهنگنامه)



در آغاز کلام این نشانه را به‌جای آرامگاه به‌کار برده‌ایم

به‌عنوان مثال ⧈ در بوزان = آرامگاه در بوزان



این نشانه نیز به جای مرجع به کار رفته است

و * بدان معناست که نویسنده خود مطلب را دیده و بررسی کرده است

آ

آرامگاههای آغاز شده با آ از آباده‌ای تا ابافتح

⧈ **آبـــاده‌ای**، حــاجی مـحمد جـعفر م۱۲۸۰، اصفهان تخت فولاد، تکیه حاجی محمد جعفر

○ ل ۲۷۹۸ + آ ص ۵۹۵ و ۸۵۳.

⧈ **آبش خاتون** ← آرامگاه اَبش خاتون.

⧈ **آتش اصفهانی**، مـیرزا حسـن (۱۲۸۶-۱۳۴۹) اصفهان تکیه سرآب، نزدیک تخت فولاد.

○ د ب ۹۷ + ز ۲۱.

⧈ **آجـــودان مـخصوص**، یـا حـاملین عـصای سلطنت، از قرار نوشته هرودت وقتی آبراداتـاس سردار وفادار کورش کشته شد و همسرش پان‌ته‌آ خود را در فراق وی کشت، کورش دستور داد که بدن هردو را در گوری مشـترک گـذارده بـر روی سنگ آن به‌زبان سریانی بنویسند: آرامگاه آجودان مخصوص حاملین عصای سلطنت. در نـاحیه‌ای میان ماد و آشور.

○ ایب ۴۶۸.

⧈ **آخوند**، در کرمان ـ کوه بنان، قرن هفتم.

○ معماری ۲/۸۸.

⧈ **آخوند اصفهانی**، ملاعلی مـحمد ← آرامگـاه نجم‌الملک.

⧈ **آخوند پُلی**. پلوی، آقامحمد صادق اردستانی معاصر و معاند با مجلسی دوم که به‌کوشش وی از اصفهان تبعید شد، آرامگاهش ابتدا در آخر پل خواجو بود، در عـصر پـهلوی اسـتخوانـهایش را به‌تخت فولاد بردند.

○ ل ۲۷۹۷.

▣ **آخوند حاجی رجب،** فرهنگی دانش‌پژوه و آزادیخواه مبارز با قدرت استعماری روسیه، م ۱۳۱۴ گرگان، آبادی بلخان.

○ ز ۲۴

▣ **آخوند خراسانی، ملامحمد کاظم،** زاده شده در ۱۲۷۷، به‌عنوان جانشین میرزای شیرازی یکی از بزرگترین رهبران جهان تشیع بود و مجلس درس وی از لحاظ تعداد شرکت کننده تا آن زمان سابقه نداشت و گه‌گاه به ۲۲۰۰ نفر می‌رسید. این بزرگوار ودو همکارش حاج میرزاحسین تهرانی و ملاعبدالله مازندرانی از مدافعان مشروطیت بودند. مرحوم آخوند خراسانی هنگامی که دید مشروطیت در ایران به‌خطر افتاده عازم ایران شد، اما در همان روزهای نخست در خاک ایران به‌رحمت خدا رفت عمال استعمار وی را مسموم کردند. ذی‌حجه ۱۳۲۹، مدفون در نجف.

○ د ب ۱۵۰.

▣ **آخوند دربندی،** ← آرامگاه، آقا دربندی.

▣ **آخوندزاده،** میرزا فتحعلی (۱۲۲۸-۱۲۹۵) پسر میرزا محمد تقی خامنه‌ای متفکر و تجددخواه و نویسندهٔ معروف آذربایجان. آخوندزاده از عناصر مرموزی است که در قرن نوزدهم در منطقهٔ آسیای غربی و قفقاز ظهور کرد با شخصیتهای گوناگون: سرهنگ ارتش تزاری، منشی نایب‌السلطنه قفقاز، آزادیخواه و ادیب، شاعر و نقاد، نمایشنامه‌نویس و فرماسونر طرفدار آیین باب. وی از خاندانی روحانی برخاست اما عنوان آخوندزاده را از جای دیگر یافت، روسهای سفید و سرخ هردو برای وی احترام قایل بودند و وی را آخوندف خطاب می‌کردند ولی وی خود را همیشه آخوندزاده می‌دانست. تولد در شکی و فوت در تفلیس، خاک‌سپاری در قبرستان مسلمانان.

○ چهره‌ها ۴۶+ تا ضف ۵۳۵+ د ۷۰+ از صبا ۳۴۲+ رج ۵۵/۳.

▣ **آخوند عقدائی،** ملاّ اسماعیل عالم معروف (۱۱۸۸-۱۲۳۰)، یزد درجوار مسجد خود وی.

○ ی ۱۹۷.

▣ **آخوند کاشانی، ملامحمد باقر،** حکیم و فیلسوف اصفهانی. م ۱۳۳۳، اصفهان تکیه ملک‌التجار.

○ ل ۲۷۹۹.

▣ **آخوند کرباسی، م** ۱۱۵۰ از علمای بزرگ عصر خود، یزد قبرستان جوهر.

○ ی ۳۶۲.

▣ **آخوند مازندرانی،** ملاّعبدالله از ارکان سه‌گانه مشروطیت. م ۱۳۳۰، نجف.

○ ر ج ۲۷۶/۲.

▣ **آخوند ملااحمد مدرس،** روحانی و فقیه. م ۱۲۹۶ دوازده ربیع ثانی، امامزاده جمال تبریز.

○ ر ج ۲۷۶/۲.

▣ **آخوند ملاعلی،** فرزند محمدباقر، پدر و پسر هردو از روحانیان بزرگ ارومیه، در ۱۲۶۵، عسکرخان سرتیپ برسر مزارشان در ارومیه آرامگاهی ساخت که هنگام احداث خیابان پهلوی سابق خراب شد.

○ ر ۲۳۵.

▣ **آخوند ملاعلی دربندی** ← آرامگاه آقادربندی.

▣ **آخوند ملا قربانعلی زنجانی،** روحانی مبارز، مخالف مشروطیت به‌دستور وی مردم سعدالسلطنه حکمران زنجان را کشتند. سرانجام مشروطه‌خواهان وی را شکست دادند و با

وساطت آخوند خراسانی به‌عراق تبعید شد، درگذشت ۱۳۳۹، نجف.

○ ر ج ۱۷۹/۶.

▣ **آخوند ملامحمد کاشانی**، فقیه، حکیم، عارف و مدرس بزرگ فلسفه در اصفهان، معاصر باجهانگیرخان قشقایی. وی در ادبیات و حکمت و ریاضیات نیز تخصص داشت. در اصفهان مرد و در تخت فولاد به‌خاک رفت.

○ د ب ۱۵۸.

▣ **آخوند نوری**، ملاّعلی، شاعر و فقیه اصفهانی. م ۱۲۴۶ نجف.

○ ر ج ۱۳۱/۶.

▣ **آذربایجانی، میرزا رضی**، خوشنویس متقدم در عصر قاجارها، نجف.

○ خوش ۲۱۵

▣ **آذربیگدلی**، لطفعلی بیک شاملو (۱۱۳۴-۱۱۹۵) شاعر و تذکره‌نویس معروف ابتدا به‌واله و نکهت متخلص بود، پس از سفرهای بسیار در قم مقیم شد و در همان شهر مرد و به‌خاک سپرده شد. اثر مهم وی آتشکده آذر است.

○ د ب ۲۲۵.

▣ **آذر تبریزی، سید ابوالقاسم**، شاعر و آزادیخواه آذربایجان. (۱۲۵۰-۱۳۱۱). آرامگاه سیدحمزه تبریز مقبرةالشعرا.

○ فک مولفان ۲۲۳.

▣ **آذری طوسی**، نورالدین حمزه پسر علی ملک اسفراینی (۷۸۴-۸۶۶) شاعر و عارف و نویسنده، متولد در اسفراین با آثار مهم از جمله بهمن‌نامه که به‌نام احمدشاه بهمنی نوشت. وی ملک‌الشعرای دربار بهمنیان بود وصله‌های فراوان گرفت، مدتی بعد از ایشان اجازه بازگشت یافت و سی سال آخر عمرش را در اسفراین گذراند و پس از فوت در همان‌جا به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۲۶۷ + ل +۵۸۰ دان ۶۹.

▣ **آراکل تبریزی**، مورخ ارمنی قرن دهم، تبریز، کلیسای مریم مقدس.

○ آ ذ ۱۹۰.

▣ **آرتیمانی**، رضی‌الدین، شاعر معاصر شاه عباس صفوی، در دامنه کوهسار تویسرکان معروف به‌همینه. آغاز ساختمان آرامگاه جدید ۱۳۵۴ خ.

○ کارنامه ۶۵۹ و۶۶۵ + معماری ۹۵/۲.

▣ **آرزو**، سراج‌الدین علی خان اکبرآبادی ملقب به‌استعداد خان، شاعر و عارف و دانشمند هندی پارسی‌گوی پارسی‌نویس (۱۰۹۹-۱۱۶۹). آرزو در لکهنو درگذشت و بنا بر وصیت خودش،جنازه‌اش را در لکهنو به‌امانت نهادند و چندی بعد آن را به‌دهلی برده در خانه شخصی وی در وکیل‌آباد در نزدیکی رود جمنا به‌خاک سپردند.

○ د ب ۲۹۵.

▣ **آزاد**، ابوالکلام، محی‌الدین احمد (۱۸۸۸-۱۹۵۸) دانشمند، محقق، سیاست‌پیشه، خطیب، روزنامه‌نگار، ادیب در زبانهای فارسی و اردو، همرزم گاندی و نهرو و نخستین وزیر آموزش و پرورش هندوستان پس از استقلال، کوشا برای احیای اسلام در جهان. وی در ۷۰ سالگی درگذشت و آرامگاهش در دهلی کهنه نزدیک مسجد جامع واقع است.

○ د ب ۳۱۵ + د ۱۱۲.

▣ **آزاد بلگرامی**، میرغلامعلی فرزند نوح حسینی واسطی (۱۱۱۶-۱۲۰۰)، شاعر و مورخ و عارف مشهور هند، نویسنده کتابهای متعدد از جمله

مآثرالکلام و سرو آزاد و خزانه عامره. وی از سال ۱۱۷۸ به‌اورنگ آباد رفت و تا پایان عمر در آن دیار بسر برد و پس از وفات وی را در گورستان معروف روضه یا خلدآباد به‌خاک سپردند.

○ د ب ۳۱۸، + دان ۸۲ + د ۱۱۲ + جنب آرامگاه حسن دهلوی

◻ **آزادبیگ** ← آرامگاه آزادخان.

◻ **آزادخان افغان**، شهرت آزادبیگ سلیمان خلیل غلیجایی سپاهی و سیاست‌پیشه افغانی یکی از مدعیان حکومت در ایران، همکار نادر و رقیب کریم‌خان که سرانجام تسلیم کریم خان شد و تا آخر عمر در شیراز نزد وی زیست. م ۱۱۹۵ وی وصیت کرده بود که پیکرش را در شیراز به‌امانت بسپارند و در موقع مناسب به‌کابل برده دفن کنند که این موقع مناسب هیچ وقت پیش نیامد.

○ د ب ۳۲۳ + دان ۸۵ + د ۱۱۲.

◻ **آزادکابلی**، میرمحمدعلی فرزند قاضی میرمحمد (۱۲۵۸-۱۳۲۳) شاعر معاصر افغانی. کابل گورستان شهدای صالحی.

○ د ب ۳۲۳.

◻ **آزرده دهلوی**، یا کشمیری، صدرالدین خان پسر لطف‌الله کشمیری (۱۲۰۴-۱۲۸۵)، مفتی، شاعر، نویسنده و دانشمند معاصر که متهم به‌صدور فتوای جهاد بر ضد انگلیسها در شورش ۱۸۵۷ شد و به‌زندان گسیل شد و سرانجام پس از ابتلای به‌تنگدستی به‌دهلی رفت و تا آخر عمر در آن شهر زیست و در صحن آرامگاه شاه‌چراغ به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۳۲۷ دان ۸۶.

◻ **آشتیانی، حاج میرزا محمدحسن**، یا میرزاحسن (۱۲۴۸-۱۳۱۹) از فقیهان بزرگ و برجسته شیعهٔ امامی، در نجف به‌ادامه تحصیل پرداخت و تا زمانی که شیخ مرتضی انصاری حیات داشت در نجف بود تا سال ۱۲۸۲ که به‌تهران آمد. وی قهرمان لغو امتیاز تنباکو است و برخی معتقدند که حتی نقش وی در این راه، از نقش میرزای شیرازی مهم‌تر و اساسی‌تر بوده است. وی پس از سفر حج در ۱۳۱۱ و زیارت عتبات به‌تهران آمد و در تهران درگذشت و در نجف، آرامگاه شیخ جعفر شوشتری به‌خاک سپرده شد.

○ دان ۹۷ + د ب ۴۲۷.

◻ **آشتیانی، شیخ مرتضی** ← آرامگاه شیخ مرتضی

◻ **آشتیانی، میرزااحمد**، (۱۳۰۰-۱۳۹۵) چهارمین و کوچکترین فرزند حاج میرزا حسن، فیلسوف و فقیه عصر ناصری و مظفری، و شارح آثار شیخ مرتضی انصاری. وی علاوه بر احاطه بر علوم عقلی و نقلی در روشهای قدیم از جمله ریاضی و پزشکی نیز استادی داشت و بیشتر عمر طولانی‌اش به‌تدریس گذشت، آثار مهمی نیز از وی برجای مانده است. آشتیانی در تهران درگذشت و در حرم حضرت عبدالعظیم به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۴۰۹.

◻ **آشتیانی، میرزامهدی** (۱۳۰۶-۱۳۷۲) وی فرزند میرزا جعفر، برادرزاده و داماد حاج میرزا حسن و لقبش میرزا کوچک بوده است. میرزا مهدی فقیه، حکیم، عارف و دانشمندی نامدار بود و از محضر بسیاری از بزرگان علوم معقول و منقول عصر خود کسب فیض کرده بود و آثار مهمی نیز از وی برجای مانده است در ۶۴ سالگی فوت کرد و در قم، حرم حضرت معصومه، رواق

بالاسر به‌خاک سپرده شد.
○ ز ۳۷+ د ب ۴۰۹.
▣ **آشفتهٔ تهرانی،** مفسر، شاعر و فقیه معاصر. م ۱۳۵۶، ایوان طلای رضوی.
○ د ب ۴۱۱.
▣ **آشیخ نیکه،** در دهکده رزن تترستاق نور، بنای هشت گوش با گنبد مخروطی و کتیبه‌های بدون تاریخ در صندوق چوبی‌اش، احتمالاً حدود ۹۶۸ ه.ق
○ آ س ۳۲۳/۳.
▣ **آصف تاج‌بخش،** محمدقلی (۱۲۶۳-۱۳۴۷ خ) از نوادگان اللهیارخان آصف‌الدوله (دولتمرد معروف عصر فتحعلی‌شاه ـ ناصرالدین شاه)، پزشک و فرهنگی عصر پهلوی نماینده مجلس، درگذشت در تهران، مدفون در نجف آرامگاه خانوادگی.
○ ز ۴۱.
▣ **آصف خان** ← آرامگاه آصف‌الدوله، ابوالحسن خان.
▣ **آصفی هروی،** آصف فرزند نعمت‌الله قهستانی شاعر که پدرش وزیر سلطان ابوسعید تیموری بوده است. م ۹۲۳، با ماده تاریخ «زبرات آمده در روز دوم»، گازرگاه هرات.
○ دان ۱۰۲+ د ب ۴۳۲.
▣ **آصف‌الدوله، محمد یحیی علی‌خان بهادر،** فرمانروای اَوَد در هند. م ۱۲۱۲، امام باره (حسینیه) لکهنو.
○ د ب ۴۲۷.
▣ **آصف‌الدوله، آصف‌خان،** ابوالحسن برادرزن جهانگیر بابری، در لاهور متصل به‌صحن آرامگاه نورجهان خواهرش و جهانگیر پادشاه. بنایی هشت‌گوش مانده از عصر بابریان با گنبد ظریفی که با سنگ و کاشی توسط هنرمندان ایرانی طراحی شده است. در زمان سُلطه سیک‌ها سنگهای نمای خارجی آن کنده شد.
○ د ۱۶۲+ د ب ۴۱۸ + تاریخ فوت زهی‌افسوس آصف خان. ت راشدی + شهرهای بابری هند با تصویرهای خوب + د ب ۴۱۹.
▣ **آغاباجی،** دختر ابراهیم خلیل خان جوانشیر و همسر فتحعلی‌شاه که فقط یک شب در نزد وی بود و این شعر از زبان آغاباجی یادگار آن است:
«یارم گجه گَلدی گجه غالدی گجه گتی
عمرم گجه گلدی گجه غالدی گجه گتی
یعنی یارم یک شب آمد و یک شب ماند و یک شب رفت، عمرم یک شب آمد و یک شب ماند و یک شب رفت» م ۱۲۴۸ قم.
○ ر ج ۱۲.
▣ **آغابرکت** ← آرامگاه آقابرکت.
▣ **آغا بزرگ تهرانی** ← آرامگاه شیخ آقا بزرگ تهرانی.
▣ **آغامحمدخان قاجار** ← آرامگاه آقا محمدخان قاجار.
▣ **آفخرا** ← آرامگاه سید فخرالدین
▣ **آقا، جناب آقا** ← آرامگاه مستوفی، حسن مستوفی‌الممالک.
▣ **آقا ابراهیم** ← آرامگاه امین‌السلطان
▣ **آقا احمد آل آقا،** فرزند آقا محمدعلی (۱۱۹۱-۱۲۳۵) فقیه، اصولی، ریاضیدان، فیلسوف، عارف، شاعر و عالم که پس از تحصیل در قم و عتبات به‌هند رفت و از شهرهای مهم آن روز هند بازدید کرد. سفر وی در هند پنج‌سال طول کشید و پس از بازگشت از هند مقیم

کرمانشاه شد و در آنجا وفات یافت و به‌خاک سپرده شد، در سر قبر آقای آن شهر.

○ مکارم ۹۹۴/۳ + دب ۵۲۰ + کرمانشاه ـ ۱۵۷.

▣ **آقا باقر سعدالسلطنه** ← آرامگاه سعدالسلطنه.

▣ **آقا بالاخان سردار**، محمدعلی ملقب به‌سردار و امیر تومان و معین نظام و وکیل‌الدوله و سرانجام سردار اَفخَم و معروف به‌آقابالاخان، از کودکی و نوجوانی وی داستانهای ناشایست نقل شده. محمدعلی در دستگاه کامران میرزا نایب‌السلطنه پسر سوم ناصرالدین شاه و وزیر جنگ وی ترقی کرد و تقریباً مباشر کلیه رفتارهای ناشایست ناصرالدین شاه توسط کامران میرزا، وی بوده است، از قبیل اهانت به‌سید جمال‌الدین و کشتار مردم در واقعه تنباکو و محاکمه و زجر دادن میرزا رضا و غیره، وی را سرانجام آزادیخواهان رشت در ۱۳۲۷ در باغ حکومتی گیلان کشتند و جنازه‌اش را بعدها در قبرستان خواهر امام رشت خاک کردند.

○ بیداری ۳۱۳/۲ + د ب ۴۵۲.

▣ **آقابرکت**، در مسجد سلیمان ـ لالی، شاه آباد سادات.

○ معماری ۸۵/۲.

▣ **آقا بزرگ تهرانی** ← آرامگاه شیخ آقا بزرگ تهرانی.

▣ **آقا بزرگ ساوجی**، از عالمان تهران در قرن ۱۳، قم.

○ د ت ۱۲۳.

▣ **آقابی‌بی گوهرخانم**، بقعهٔ آقابی‌بی گوهر خانم نزدیک بازکیا گوراب لاهیجان، خواهر سید جمال‌الدین اشرف. بنای ساده چوبی با صندوق چوبی بدون تزیینات.

○ آ س ۱۲۴/۲.

▣ **آقا پیرجنگی**، بقعه آقا پیرجنگی در دهکده بازکیا گوراب لاهیجان. در داخل بنا گچبری و مقرنس‌کاریهای ظریف و ازاره‌کاشیهای گلدار ارائه شده است با کتیبه‌ای به‌خط محمدتقی ایروانی ۱۲۷۹ در حاشیه میان دو گوشواره.

○ آ س ۱۴۵/۲.

▣ **آقاپیرسنبل**، در دهکده پلکومی، بنای قدیمی را خراب کرده به‌جای آن بنای جدید ساخته‌اند.

○ آ س ۲۹۸.

▣ **آقاجمال خوانساری**، پسر آقاحسین، م ۱۱۲۱. در آرامگاهی که شاه سلیمان صفوی برای او و پدرش ساخته بود.

○ د ب ۴۵۸ + ل ۲۷۹۹.

▣ **آقاجوهر**، معتمدالحرم از زمان فتحعلی شاه (۱۲۱۸ـ۱۳۰۵) تهران، حضرت عبدالعظیم.

○ ر ج ۷۲/۶.

▣ **آقاحسن نقاش**، اهل هرات، نقاش روضه حضرت رضا و شعری که اشاره به‌خود وی است و در روی ضریح نوشته شده است:

«حسن به‌گرد درت‌گشته بر طریق طواف
تو کعبه‌وار همه حاجتش روا کرده»

○ گل ۳۲.

▣ **آقاحسین بروجردی**، نماینده مردم بروجرد در مجلس تاجگذاری نادر. بروجرد م ۱۱۶۹.

○ ت نفیسی.

▣ **آقاحسین خوانساری**، (۱۰۱۶ـ۱۰۹۹) قبةالعلماء، در تخت پولاد اصفهان از عصر صفوی، حاوی قبور عده‌ای از علمای آن عصر از جمله آقاحسین خوانساری.

○ آ ص ۸۴۶ فک مولفان ۸۶۱/۲.

◻ **آقاحسین شیرازی**، فرزند علی رضا خان در آرامگاه قائم‌مقام. تبریز مورخ ۲۱ شوال ۱۲۴۹.
○ آ ذ ۴۳۳.
◻ **آقاحسین لواسانی**، خوشنویس در عصر شاه عباس ملقب به‌ذوفنون. اصفهان تخت پولاد آرامگاه میرفندرسکی.
○ خوش ۱۶۷.
◻ **آقا حشرکشمیری**، بزرگترین نمایشنامه‌نویس اردوزبان. م ۱۳۵۴، کلکته قبرستان میان صاحب.
○ د ب ۴۳۹.
◻ **آقاخان** ← آرامگاه آقا خان محلاتی.
◻ **آقاخان کرمانی، میرزا**، نویسنده و مبارز آزادیخواه طرفدار سیدجمال‌الدین، مدفون در قبرستان نزدیک دارالحکومه تبریز، و این هم جریان کشته شدن وی در ۱۳۱۴: میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی و خبیرالملک سه تن از نویسندگان آزادیخواه طرفدار سید جمال‌الدین اسدآبادی متهم بودند که در قتل ناصرالدین شاه دست داشته‌اند... دولت ایران این سه نفر را از دولت عثمانی به‌شرط اعدام نکردن تحویل گرفت، اما محمدعلی میرزا ولیعهد و حکمران آذربایجان با آنان چه کرد؟... در تاریخ بیداری می‌خوانیم: دو ساعت از شب رفته در خانه اختصاصی خودش زیر درخت نسترن یکی‌یکی بیچاره‌ها را آورده سر بریدند در صورتی که خودش هم در بالاخانه تماشا می‌کرده سرها را بریده بعد پوست آنها را کنده پر از کاه نموده همان شب به‌توسط حسینعلی‌خان به‌تهران فرستاده بود...
میرزا صالح وزیر اکرم سرها و تنها را جمع کرد و در قبرستان سید حمزه تبریز به‌خاک سپرد. میرزا صالح نایب‌الحکومه و معاون محمدعلی میرزا بوده است.
○ تا بیداری ۱۴ + تاضف ۵۹۷.
◻ **آقاخان محلاتی**، آقاخان عنوان امامان بخش عمده‌ای از اسماعیلیان نزاری است که از عصر فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰) بر ایشان اطلاق شده است، البته با حذف محلاتی که در متون ایرانی هنوز هم ذکر می‌شود. نخستین آقاخان محمدحسن حسینی یا حسنعلی شاه (۱۲۱۹-۱۲۹۸) بوده است که جد وی میرزا یا سیدابوالحسن خان معروف به‌سیدکهکی بوده است، حسنعلی شاه که از ایران با رنجش فرار کرده بود، در هند با حمایت بریتانیا به‌امامت اسماعیلیه رسید. آقاخان اول را پس از درگذشت باشکوه تشییع و در باغ حسن‌آباد محله مدکائون بمبئی در سردابه‌ای که با تربت سیدالشهدا تبرک یافته بود به‌خاک سپردند.
○ د ب ۴۶۳ + دان ۱۱۲ + د ۱۸۲.
◻ **آقاخان دوم**، علیشاه پسر حسنعلی شاه (۱۲۴۶-۱۳۰۲) فوت در پونا در ۵۵ سالگی، مدفون در نجف اشرف بر مبنای وصیت خودش.
○ د ب ۴۶۳ + دان ۲۱۲ + د ۱۸۲.
◻ **آقاخان سوم**، پسر سلطان محمدشاه پسر علیشاه (۱۲۹۴-۱۳۷۴) در ۱۳۰۳ جانشین پدر شد، فارسی و عربی و انگلیسی و علوم متداول آن روز را آموخت و با لیاقت و استعداد خاص خود موفق شد که در میان دولتمردان بریتانیای کبیر و حکومتهای وابسته مقام مهمی بیابد و در رهبری جامعه بزرگ هند به‌سوی دموکراسی هدایت شده نیز نقش مهمی را برعهده داشته باشد. در اسب‌دوانی و شرط‌بندی روی آن و قمار

و ازدواج با زنان زیبا مهارت داشت. وی ثروتی کلان به‌هم زد و جامعه اسماعیلی هند و پاکستان را نیز به‌غنا و ثروت رساند و همین جامعه بود که چندبار وی را با طلا و جواهر و الماس وزن کرد. وی در شهر ورسوا در مصر فوت کرد و در آسووان به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۴۶۳+ دان ۱۱۳+ د ۱۸۲.

▣ **آقاخان نوری،** نصرالله‌خان معروف به میرزا آقاخان نوری، م ۱۲۸۱ در پنجاه ونه سالگی در تهران. وی را در مدرسه شیخ عبدالحسین شیخ‌العراقین که از ثلث میرزاتقی خان امیرکبیر و توسط شیخ عبدالحسین ساخته شده بود، دفن کردند، میرزا آقا خان اصرار داشت که مدرسه را به‌نام وی کنند و برهمین مبنا بود که آن را مدرسه صدر نامیدند، (سیاستگران ۵۸) نعشش را از تبعیدگاه قم به‌کربلا بردند و در جایی خارج از حرم دفن کردند که پس از بزرگ شدن کربلا و توسعه معابر به‌کلی خراب شد و ازبین رفت.

○ ر ج ۳۷۹/۴ + دان ۱۱۱ + د ب ۴۶۷+، امامزاده عبدالله شهر ری، ری ۴۰۱.

▣ **آقادایی نمایشی،** هنرمند معاصر از پیشگامان تأتر جدید درایران. م۱۳۰۴خ، رشت در جوار آرامگاه میرزاکوچک‌خان.

○ ز ۱۹۷/۳ + چهره‌ها ۱۴۶.

▣ **آقا دربندی،** آخوند ملاآقا فرزند عابدین معروف به‌فاضل دربندی حائری، فقیه، اصولی، رجالی، محدث، متکلم و واعظ شیعی امامی بسیار متعصب در باب عزاداری امام حسین(ع) و مبارز با بابی‌ها. وقتی به‌تهران آمد بسیار موردتوجه مردم قرار گرفت و ناصرالدین‌شاه به‌دیدنش رفت، در تهران درگذشت و در کربلا به‌خاک سپرده شد ۱۲۸۶.

○ د ب ۴۶۷.

▣ **آقازاده خراسانی،** فرزند آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، مجتهد آزادیخواه مقیم مشهد که در جریان مذهب‌زدایی عصر پهلوی علم مخالفت برافراشت. وی را سرانجام در زندان مسموم کردند. تهران ۱۳۵۶. حضرت عبدالعظیم، آرامگاه ناصرالدین شاه.

○ ز ۴۸۰.

▣ **آقازین‌العابدین اشرف‌الکتاب اصفهانی،** خوش‌نویس. م ۱۳۰۰، اصفهان.

○ خوش معاصر ۶۵.

▣ **آقاسی،** حاج میرزا عباس پسر میرزا مسلم (۱۱۹۸-۱۲۶۵) معروف به‌حاجی میرزا آقاسی از طایفه بیات ایروان که از ۱۲۵۱ تا ۱۲۶۴ صدر اعظم ایران بود. وی از شاگردان ملاعبدالصمد همدانی معروف به‌فخرالدین، صوفی بزرگ آن دوران بود که به‌معلمی و سپس وزارت محمدشاه قاجار رسید و پس از مرگ محمدشاه خلع و در حضرت عبدالعظیم متحصن شد. ناصرالدین شاه او را به‌عتبات فرستاد و وی در ۱۲ رمضان ۱۲۶۵ درگذشت و در کربلا به‌خاک سپرده شد.

○ دان ۱۱۵ + ر ج ۲۰۹/۲ + د ب ۴۷۴.

▣ **آقاسیدابوالقاسم،** امام جمعه ← آرامگاه امام جمعه دوم تهران.

▣ **آقاسید امیرکیا،** بقعه آقا سیدامیرکیا در دهکده ولم، لشت‌نشا با کتیبه‌ای دال بر اینکه بنا از خواجه جانباز بن شرف‌الدوله است، در تاریخ ۸۲۸.

○ آ س ۴۳۵.

▣ **آقا سیدصادق** ← آرامگاه طباطبایی.

▣ **آقاسید عبدالله بهبهانی**، از بانیان و پیشروان مشروطیت که روز جمعه ۸ رجب ۲۴/۱۳۲۸ تیر ۱۲۸۹ در آغاز شب، طبق طرح و نقشه‌ای که با نظر سران دموکرات تدارک شده بود، حیدرعمواغلی و رجب سرابی و چند نفر دیگر وارد اطاق نشیمن وی در طبقه دوم شده با سه گلوله پیاپی او را کشتند. مجلس تعطیل شد و بازار بسته ماند و حالت بهت و ناراحتی بر همه‌جا سایه افکند و چند هزار نفر مسلح در اطراف خانه بهبهانی جمع شدند. بهبهانی با اعتدالیون موافق بود اما با دموکراتها اختلاف داشت و روایاتی در مورد دخالت داشتن تقی‌زاده در این قتل نیز هست، به‌همین دلیل سیدعبدالرزاق گراورساز خواهرزاده تقی‌زاده را در چهارراه مخبرالدوله کشتند. جنازه سیدعبدالله را با تشریفات مفصل به‌نجف بردند و در آرامگاه خانوادگی وی به‌خاک سپردند.

○ رهبر ۲۰۱.

▣ **آقاسید علی آقا**، یزدی طباطبایی م ۱۳۵۰ صاحب کتاب رسائل مظفری.

○ تاریخچه ۷۸.

▣ **آقاسید محمدامام جمعه**، عموی دکتر حسن امامی و آخرین امام جمعه تهران، م ۱۳۲۲، سر قبر آقا جنوب تهران.

○ رجال ناصری ۲۵۹.

▣ **آقا سیدمحمد طباطبایی** ← آرامگاه طباطبایی.

▣ **آقاسیدمرتضی خوشنویس**، م۱۳۰۸خ، حضرت عبدالعظیم.

○ خوش معاصر ۸۰.

▣ **آقاشیخ ابوالوجیه**، در کهله بر لاهیجان، بقعه آقا شیخ ابوالوجیه با کتیبه‌ای مورخ ۹۴۸. دهاتیان معتقدند که آب بارانی که از این بنا جمع شود شفاست و از آن استفاده می‌کنند.

○ آ س ۱۶۱/۲.

▣ **آقا شیخ بالوزاهد**، در نور، قرن نهم، بنای ایلخانی.

○ معماری ۸۲/۲.

▣ **آقا شیخ هادی نجم‌آبادی**، تهران خیابان آقا شیخ هادی.

○ آ ط ۴ و ۴۳۷.

▣ **آقا صادق تفرشی**، سراینده احتمالی شاهنامه نادری، ری باغ طوطی.

○ شاهنامه آخرش ۱۱۵.

▣ **آقاعبدالرضا یا عبدالرزاق**، نزدیک دهکده پردنگون بیرون بشم کلارستاق با صندوق کنده‌کاری شده قدیمی، در روی درب قدیمی آن نوشته‌ای تاریخدار در باب تاریخچه ساختمان و تزیین مقبره وجود دارد پارس ائیل ۱۳۲۰.

○ آ س ۱۲۱/۳.

▣ **آقاعبدالله آل آقا**، فرزند آقا محمد جعفر، م ۱۲۸۹. عالم و فقیه مقیم کرمانشاه که در همان شهر نیز درگذشت و در جوار جد خود به‌خاک رفت و به‌قولی در کربلا دفن شد.

○ د ب ۵۲۱.

▣ **آقا علی حکیم‌الاهی**، معروف به‌استادالاساتید فرزند ملاعبدالله مدرس زنوزی از علمای بزرگ تهران با جثه‌ای کوچک، بسیار دانشمند و مطلع، فوت در شب شنبه ۱۷ ذی قعده ۱۳۰۷ در تهران مدفون در حضرت عبدالعظیم.

○ رج ۳۷۹/۲.

▣ **آقا محمد بیدآبادی گیلانی**، م ۱۱۹۷، اصفهان تکیه آقا حسین خوانساری.

○ ل ۲۸۰۰.

▣ **آقا محمد جعفر آل آقا**، فرزند آقا محمد علی (۱۱۷۸ـ۱۲۵۴) فقیه و اصولی، وی پس از سفرهای علمی به‌کرمانشاه بازگشت و به‌جای پدر نشست و پس از فوت نزد پدر در سر قبر آقا به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۵۲۰.

▣ **آقامحمدخان قاجار**، (۱۱۵۱ـ۱۲۱۱) رییس ایل و بنیانگذار و نخستین پادشاه از سلسله قاجار (۱۲۱۰ـ۱۲۱۱) پسر بزرگ محمدحسن خان قوانلو که در استرآباد زاده شد، مادرش نیز دختر اسکندرخان قوانلو بود. وی بسیار سنگدل و کینه‌جو و خسیس و آزمند بود، رفتارش با لطفعلی خان زند بی‌شرمانه و بسیار ظالمانه بود. مقتول در ۲۱ ذی‌حجه ۱۲۱۱ در شوشا. نعشش ابتدا در شوشا به‌خاک سپرده شد اما در سال بعد، ۲۰ جمادی ۱۲۱۲ به‌تهران حمل و در حضرت عبدالعظیم امانت گذاشته شد و سرانجام در ۲۶ جمادی اول ۱۲۱۲ به‌نجف حمل و در پشت ضریح دفن شد.

○ د ب ۴۷۹ + رج ۲۵۵/۳

▣ **آقا محمدرحیم نایب‌الصدور**، فرزندعلی افشار ارموی عارف (ربانی. م ۱۲۸۷، مقبره معمارباشی ارومیه.

○ ت همائی.

▣ **آقامحمدعلی آل آقا**، فرزند آقا محمدباقر بهبهانی کرمانشاهی (۱۱۴۴ـ۱۲۱۶) فقیه، اصولی، مفسر، متکلم و ادیب که پس از سفرهایی چند، مقیم کرمانشاه شد و به‌تدریس و ترویج احکام دین پرداخت. عده‌ای از عالمان بزرگ قرن سیزدهم از جمله شیخ جعفر کاشف‌الغطا از شاگردان وی بودند. آرامگاه وی در کرمانشاه، سر قبر آقا زیارتگاه معروفی است.

○ کرمانشاه ۱۵۸ + د ب ۵۲۰.

▣ **آقامحمدکاظم** ← آرامگاه واله.

▣ **آقا محمود آل آقا**، فرزند آقا محمدعلی (۱۱۹۹ـ۱۲۶۹). عالم، فقیه، عارف و شاعر ابتدا شاگرد پدر و برادرانش در کرمانشاه و سپس ادامه تحصیل و کسب دانش در دیگر شهرها. وی سرانجام مقیم تهران شد و در تهران درگذشت اما جنازه‌اش را به‌عتبات بردند و در کربلا دفن کردند.

○ د ب ۵۲۰.

▣ **آقا ملک خوشنویس** ← آرامگاه امیرشاهی سبزواری.

▣ **آقا میرسید محمد ترک**، اهل خوی از علما و فقهای اصفهان. م ۱۲۹۶، تخت پولاد بالای تکیه شهشهانی.

○ ل ۲۷۹۸.

▣ **آقا نجفی اول**، آقا نجفی اصفهانی (۱۲۳۴ـ۱۳۰۱) شیخ محمدباقر فرزند میرزا عبدالرحیم ایوانکی تهرانی مسجد شاهی. فقیه و اصولی امامی، معروف به‌حسن اخلاق و پرهیزگاری. صاحب قدرت و نفوذ سیاسی اجتماعی به‌حدی که قدرت حکومت اصفهان را محدود ساخت و در امور شرعی به‌حدی رسید که حکم شرعی اجرا کرد و عده‌ای از بابیان را کشت. سرانجام از اصفهان پنهانی خارج شد و به‌نجف رفت و در آن مکان درگذشت و در آرامگاه جدش شیخ جعفر کاشف الغطا به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۴۸۱+ ر ج ۳۲۶/۳.

▣ **آقا نجفی دوم، شیخ محمدتقی رازی**، (۱۲۶۲ـ۱۳۳۲) پسر شیخ محمد باقر از

دانشمندان بزرگ روزگار خود بود و جد وی شیخ محمد تقی رازی نویسنده المسترشدین، مقام اجتهاد داشت، اصل خاندان از ایوانکی است، درگذشت در هفتادسالگی در اصفهان و مدفون در جوار مرقد امامزاده احمد نواده امام محمدباقر. در اصفهان.

○ د ب ۴۸۱ + ر ج ۳/۳۲۶ + آ ص ۴۸۱.

▣ **آقانجفی قوچانی**، سیدمحمد حسن فرزند سید محمد نجفی (۱۲۹۵ـ۱۳۶۳) وی در یک خانواده روحانی به‌دنیا آمد و برای ادامه تحصیل به‌عتبات رفت و پس از مدتی سیاحت و تحصیل، در سی سالگی به‌اجتهاد رسید و در ۱۳۳۸ به‌ایران بازگشت و پس از توقفی کوتاه در مشهد، به‌قوچان رفت و تا آخر عمر در آن شهر به‌فقاهت و حاکمیت شرع روزگار گذراند و به‌اداره حوزه دینی پرداخت. وی در ۶۸ سالگی در قوچان به‌رحمت خدا رفت و در حسینیه خود به‌خاک سپرده شد. آرامگاه او زیارتگاه مردم قوچان است.

○ د ب ۴۸۲.

▣ **آقا نورالله** ← آرامگاه حاج آقا نورالله

▣ **آکاشاه**، بقعه آکاشاه، آشیخ علی بن آکاشاه، در دهکده رودبردهٔ سنگر با نوشته‌ای به‌تاریخ ۹۲۰، سال اتمام آرامگاه. محل تفرج مردم سنگر در روز سیزده فروردین.

○ آ س ۳۱۶.

▣ **آل آقا، آقااحمد** ← آرامگاه آقا احمد آل آقا.

▣ **آل آقا، آقا عبدالله** ← آرامگاه آقاعبدالله آل آقا.

▣ **آل آقا، آقا محمدجعفر** ← آرامگاه آقا محمد جعفر آل آقا.

▣ **آل آقا، آقا محمدعلی** ← آرامگاه آقا محمدعلی آل آقا،

▣ **آل آقا، آقا محمود** ← آرامگاه آقا محمود آل‌آقا.

▣ **آل احمد**، جلال (۱۳۰۲ـ۱۳۴۸ خ) نویسنده و نقاد نظریه‌پرداز سیاسی اجتماعی معاصر که با پشتکاری بی‌نظیر به‌جنگ غربزدگی رفت و این پدیده را خطرناک و زیانبار دانست. شهر ری مسجد فیروزآبادی.

○ د ب ۵۵۶.*

▣ **آل ثابت**، سیدحسین پسر سیدسعید معروف به‌نایب‌التولیه عرب، متولی حضرت عباس(ع) که در عصر ناصرالدین شاه به‌ایران کوچید وی شوهر دوم خانم اشرف‌السلطنه بیوه اعتمادالسلطنه بود، م ۱۳۳۵ که در حرم حضرت رضا(ع) به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۱۳۴۲/۳.

▣ **آل قزوینی**، آرامگاه خانوادگی در نجف‌اشرف.

○ د ب ۹۶/۲.

▣ **آلیسون، چارلز**، وزیر مختار انگلستان در ایران از ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۲ که در ایران مرد و در کلیسای طاطاوس تهران، دهلیز ورودی به‌خاک سپرده شد.

○ انگلر ۶۱+ آ ط ۸۹ با تصویر.

▣ **آمنه بیگم**، دختر مجلسی و همسر ملامحمد صالح مازندرانی، زنی حقوقدان و متعهد. اصفهان آرامگاه مجلسی

○ تا ۶۴۱/۳.

▣ **آوانس خان ماسیان**، مساعدالسلطنه (۱۲۴۳ـ۱۳۱۰ خ)، این‌مرد سختکوش در تهران متولد شد و پس از پایان تحصیل در پاریس به‌ایران بازگشت و از مترجمان خاصه ناصرالدین

شاه شد. آوانس به‌مأموریتهای سیاسی چندی رفت که از آن جمله بود شرکت در جشن هشتادمین سال تولد ملکه ویکتوریا در لندن. آخرین مأموریت وی سفارت توکیو بود. در سال ۱۳۱۰ خ وی را از تهران فراخواندند و وی در خاربین منچوری مرد. جنازه‌اش را به‌سیبری بردند و در آنجا بر مبنای رسوم اسلامی تطهیر و تشییع کرده به‌ایران فرستادند. مدفون در قبرستان ارامنه ده ونک تهران. وی آثار مهمی از خود به‌یادگار گذاشته از جمله ترجمه مهم آثار شکسپیر است به‌ارمنی و ترجمه ایران و ایرانیان بنجامین فرانکلین از انگلیسی به‌فارسی، بنجامین نخستین سفیر آمریکا در ایران بوده است.

○ یادگار شماره ۶ + ز ۵۴.

▣ **آهنگ شرفشاهی** ← آرامگاه پیر شرفشاه.

▣ **آهنگان**، برج آهنگان در بیست کیلومتری شمال مشهد، از گروه آرامگاههای شمال خراسان. برج رادکان شرقی برج کاشمر و برج کلات نادری. بنای آجری از داخل هشت‌گوش و از خارج مدور، نمای خارجی دارای تزییناتی است اما در داخل آرایشی ندارد. احتمالاً آرامگاه گوهرتاج خواهر یا یکی از بستگان گوهرشاد همسر شاهرخ. سنگ قبر دارای کتیبه است ولی کتیبه خوانده نمی‌شود. بنای تیموری و یا مغولی و بدون شک گور یک زن.

○ آثار ۳۱۰/۲.

▣ **آهی، مجید**، (۱۲۶۵-۱۳۲۵) فرزند میرزا ابوالقاسم‌خان آهی منشی اول سفارت روس، دولتمرد عصر پهلوی.

○ رج ۱۸۸/۵

▣ **آیت‌الله اراکی نجفی**، عبدالبنی (آیت‌الله عراقی) (۱۳۰۸-۱۳۸۷) از شاگردان آخوند خراسانی و علامهٔ یزدی و علمای بزرگ دیگر، مدتی ساکن نجف بود و در آن شهر مسجد شیخ مرتضی را ساخت، در ۱۳۶۸ به‌عزم سفر مشهد به‌ایران آمد و به‌درخواست هوادارانش مقیم اراک شد. فوت در تهران بیمارستان فیروزآبادی، مدفون در مسجد بالا سر قم.

○ ز ۱۱۲.

▣ **آیت‌الله ارباب**، حاج میرزا محمد فرزند محمدتقی از مجتهدان بزرگ حوزه قم از شاگردان آخوند خراسانی و آیت‌الله کفایی مقیم قم، وی تا پیش از ورود آیت‌الله حائری ریاستی بزرگ و مرجعیتی تمام پیدا کرد، م ۱۳۴۱، مدفون در گورستان شیخان قم. از وی آثار منظومی نیز برجای مانده است.

○ ز ۱۲۴.

▣ **آیت‌الله اردبیلی**، سیدیونس، فرزند سید محمدتقی که در ۱۲۹۶ در اردبیل‌زاده شد، از شاگردان آخوند خراسانی و آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی. وی پس از مدتی زندگی در اردبیل در ۱۳۱۴ خ به‌مشهد رفت و ۲۵ روز پس از ورود وی فاجعه گوهرشاد اتفاق افتاد و وی یکی از روحانیون بزرگی بود که در رویداد گوهرشاد توسط پلیس رضا شاهی دستگیر و زندانی شد و یکی از ۲۴ نفری بود که تحت‌الحفظ به‌تهران منتقل و پس از مدتی آزاد شد اما تحت‌نظر قرار گرفت و سرانجام در شهریور ۱۳۲۰ خ آزاد شد. آیت‌الله اردبیلی در ۱۳۶۱ به‌مشهد و در ۱۳۷۶ به‌کربلا رفت و در ۲۱ ذی‌قعده ۱۳۷۷ در نجف درگذشت و در مشهد مقدس به‌خاک سپرده شد.

○ ز ۱۲۹.

▣ **آیت‌الله استرآبادی،** سیدمحمد ـ فرزند حاج سیدنصرالله (۱۲۹۵ـ۱۳۶۵) از شاگردان آخوند خراسانی و طباطبایی یزدی، از سال ۱۳۳۰ مقیم تهران و امام مسجد جمعه بازار بود. مدفون در قم یکی از حجره‌های غربی صحن عتیق.

○ ز ۱۴۴.

▣ **آیت‌الله اصفهانی** ← آرامگاه ابوالحسن اصفهانی.

▣ **آیت‌الله امامت،** سیدفخرالدین فرزند سید محمد مهدی که در ۱۲۹۲ در کاشان متولد شد و پس از شاگردی نزد دو عموی روحانی‌اش وعده‌ای از عالمان بزرگ عصر، از جمله حاج ملامحمدحسین نطنزی به‌قم رفت و در مدرسه سلطانیه به‌تدریس و تألیف و وعظ وخطابه پرداخت و در ۱۳۹۲ به‌رحمت خدا رفت و در آرامگاه اختصاصی خود واقع در فلکه کمال‌الملک کاشان به‌خاک سپرده شد.

○ ز ۲۵۱.

▣ **آیت‌الله ایروانی** ← آرامگاه ایروانی، علی‌آقا.

▣ **آیت‌الله بادکوبه‌ای،** سیدحسن فرزند سید رضا متولد ۱۲۹۳، شاگرد آخوند خراسانی مقیم نجف تا آخر عمر، م ۲۸ شوال ۱۳۵۸، نجف درکنارمرقدعلی(ع).

○ ز ۱/۳.

▣ **آیت‌الله بروجردی** ← آرامگاه آیت‌الله حاج‌آقا حسین بروجردی.

▣ **آیت‌الله تبریزی،** میرزا صادق (۱۲۷۴ـ۱۳۵۱) در تبریز زاده شد، از سال ۱۲۸۸ مقیم نجف بود و در ۱۳۱۱ به‌تبریز بازگشت و ریاست تامه یافت و به‌تدریس و ارشاد عامه پرداخت، وی برای نجات شیخ محمدتقی بافقی کوشش فراوان کرد. آخرین اقامتگاه وی شهر قم بود. پس از فوت، از وی تجلیل کامل به‌عمل آمد و در رواق حضرت معصومه به‌خاک سپرده شد. از وی آثار منظومی هم برجای مانده است.

○ ز ۲۵۰/۲.

▣ **آیت‌الله تنکابنی،** محمدرضا فرزند شیخ محمد واعظ، در ۱۲۸۳ زاده شد وی مقیم تهران بود و در ۱۳۵۸ خ در تهران به‌ابدیت پیوست و در نجف به‌خاک سپرده شد، در جوار حضرت علی(ع).

○ ز ۲۹۳/۲.

▣ **آیت‌الله تهرانی،** حاج شیخ عباس (۱۳۰۹ـ۱۳۸۵) از شاگردان و یاران آیت‌الله حائری از سال ۱۳۳۹ در اراک بود و پس از بازگشت و انتقال به‌قم این رویه را تا آخر عمر ادامه داد، از وی دیوان شعری نیز در معارف‌الاهیه و اخلاق برجای مانده است. آرامگاه وی در قم نزدیک قبر آیت‌الله حائری است.

○ ز ۳۰۲/۲.

▣ **آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی،** مرجع تقلید شیعیان جهان که در شهر قم به‌سبب سکته قلبی درگذشت، بلافاصله عزای ملی اعلام شد و اصناف و کسبه دست ازکار کشیده به‌عزاداری پرداختند، دوایر دولتی و بانکها نیز یک‌روز تعطیل شد. شاه طی تلگرافی درگذشت آیت‌الله بروجردی را به‌آیت‌الله حکیم تسلیت گفت و در روز دوازدهم فروردین در مجلس فاتحه با شکوهی که بدین مناسبت ترتیب یافته بود، شاه، نخست‌وزیر و وزیران شرکت کردند و نخستین جلسه مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۰ خ بدین مناسبت تعطیل شد. وی را برمبنای وصیت در

مسجد اعظم قم که خود ساخته بود به‌خاک سپردند.

○ روزشمار ۱۲۱.

▣ **آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای**، سیدمحمد، متولد تبریز در سال ۱۳۱۰ از ۱۳۳۰ مقیم نجف و از ۱۳۳۹ مقیم قم. م ۱۳۷۲ قم، مدفون در قم.

○ ز ۸۲/۳.

▣ **آیت‌الله حکیم** ← آرامگاه محسن حکیم.

▣ **آیت‌الله دامغانی** ← آرامگاه دامغانی.

▣ **آیت‌الله عراقی** ← آرامگاه آیت‌الله اراکی نجفی.

▣ **آیت‌الله کفایی** ← آرامگاه کفایی.

▣ **آیتی، عبدالحسین**، دانشمند و روحانی معروف که ابتدا بهایی شد و سپس از آن مجمع روی گرداند و افشاگری کرد. فوت در تهران ۱۳۳۲ خ مدفون در قم.

○ ز ۶۴.

الف

از آرامگاه ابافتح تا آرامگاه باب

▣ **ابافتح**، بقعه ابافتح در کازرون محلهٔ بازار.

○ معماری ۸۷/۲.

▣ **ابراهیم** ← آرامگاه ابراهیم خلیل.

▣ **ابراهیم ادهم**، شام.

○ د ۹.

▣ **ابراهیم تیموری یا گورکانی**، میرزا، فرزند علاءالدوله که خود پسر بایسنقر تیموری بود. میرزا ابراهیم از شاهزادگان شجاع این خاندان بوده است، اما رقیبان سرسختی نیز داشته است، از جمله ابوالقاسم بابرکه پدرش علاءالدوله را هم نابینا کرده بود. ابراهیم با کمک پدر با این رقیبان از جمله ابوسعید بهادرخان مقابله کرد و سرانجام در راه دامغان به‌مشهد بیمار شد و در ۶ شوال ۸۶۳ مرد. بدنش را به‌هرات بردند و در مدرسه گوهرشاد بیگم به‌خاک سپردند.

○ د ۷.

▣ **ابراهیم جوهری**، شاعر مرثیه‌گوی صاحب طوفان‌البکا، معروف به‌کتاب جوهری. م ۱۲۵۳، گورستان آب‌بخشان اصفهان.

○ ل ۲۷۹۵.

▣ **ابراهیم حکیمی** ← آرامگاه حکیمی، ابراهیم.

▣ **ابراهیم خان ظهیرالدوله**، برادر و سپهسالار نادر، پس از انجام چند مأموریت مهم به‌قفقاز اعزام شد که با یاغیان داغستان جنگ کند، اما در این منطقه کشت و کشتار بسیار کرد و در جنگی خود وی نیز کشته شد. سرداران همراهش جسد وی را در نقطه‌ای از داغستان به‌خاک سپردند، اما مخالفان روز بعد جنازه وی را به‌درختی بسته آتش زدند، م ۱۱۵۱.

○ د ۹.

▣ **ابراهیم خان معاون‌الدوله** ← آرامگاه معاون‌الدوله.

▣ **ابراهیم خلیل**، در سوسنگرد هویزه، سلجوقی، منسوب به‌ابراهیم خلیل(ع).
○ معماری ۸۵/۲ + ابراهیم خلیل پیامبر معروف که در ۱۷۵ سالگی مرد و در غاری نزدیک حبرون به‌خاک سپرده شد.
+ د ۶ + عهد عتیق.

▣ **ابراهیم خواص**، صوفی معروف که ذکرش در کشف‌المحجوب و تذکرةالاولیاء آمده است. ری، زیر حصار طبرک.
○ ری ۴۳۰ + آ ط ۵ + در مسجد جامع مرو و در ری دفن شد. + د ۵۰۹/۲

▣ **ابراهیم سلطان**، پسر شاه جمشید امیر دیباج و نوه دختری شاه طهماسب که در عصر شاه‌عباس در اصفهان فوت کرد. هارون ولایت اصفهان.
○ نام گیل ۹.

▣ **ابراهیم شاه افشار**، برادرزاده نادر و پسر ابراهیم خان ظهیرالدوله که نادر لقب وی را پس از مرگ به‌ابراهیم خان فرزندش داد. وی نیز پس از قتل نادر توسط محمدخان قرخلو، درگیر کشمکش‌های جانشینی شد و سرانجام به‌امر برادرش عادلشاه و شاهرخ جانشین نادر روانه مشهد شد اما وی را در راه مشهد کشتند و در مشهد به‌خاک سپردند.
○ د ۹.

▣ **ابراهیم شریعتمداری**، حاج میرزا، بانی مدرسه شریعتمدار در سبزوار که مدرسه به‌کلی خراب شده و مقبره وی در کنار خیابان مانده است.
○ آ خ ۴۶۹.

▣ **ابراهیم شیخ**، شیخ ابراهیم فرزند شیخ عبدالله زاهد گیلانی، عم شیخ محمدعلی حزین گیلانی و شاگرد پدر خود در خوشنویسی و شاعری. وی حاشیه‌ای نیز بر کتاب علامه حلی به‌نام رافع‌الخلاف و حاشیه‌ای بر کشاف نوشته و در شاعری نیز اشعاری در مدح و رثای امامان به‌یادگار گذاشته است. فوت در لاهیجان ۱۱۱۹ مدفون در لاهیجان.
○ خوش ۸.

▣ **ابراهیم عادلشاه**، ابراهیم روضه در بیجاپور.
○ معماری هند روبه‌روی صفحه ۵۱ تصویر + ابراهیم اول چهارمین نفر از این خاندان بود که در ۹۴۱ به‌حکومت رسید و تا ۹۶۵ در مسند قدرت باقی ماند. مؤسس سلسله عادلشاهیان یوسف و آخرین نفر سکندر بن علی بود که در ۱۰۹۷ عزل و در ۱۱۰۰ مقتول شد. قلمرو این سلسله در ۱۰۹۷ به‌تصرف اورنگ زیب درآمد + نخ ۲۳۹.

▣ **ابراهیم فخرائی**، روزنامه‌نگار، محقق و نویسنده معاصر و از یاران میرزا کوچک‌خان. در تهران مرد اما بدنش را در اواخر ۱۳۷۰ از بهشت‌زهرا به‌گیلان منتقل و در سلیمان گوراب کنار میرزا کوچک‌خان به‌خاک سپردند. از فخرائی کتاب مهم سردار جنگل دربارهٔ نهضت میرزا کوچک خان به‌یادگار مانده است.
○ کیهان ۱۱ دی ۱۳۷۰.

▣ **ابراهیم گواهان**، در حظیره باباحسن، کوی سرخاب تبریز.
○ کوی سرخاب ۱۲۷.

▣ **ابراهیم گیلانی**، پسر شیخ عبدالله زاهد گیلانی، دانشمند و شاعر و خوشنویس قرن ۱۲. فوت در ۱۱۱۹ در لاهیجان و مدفون درهمان شهر.
○ د ب ۵۳۱/۲.

▣ **ابراهیم لودی**، سلطان هند که در جنگ پانی‌پت بابابر کشته شد، ۷ رجب ۹۳۲ وی را در

همان نقطه که جنگ شد در شهر پانی‌پت به‌خاک سپردند.

○ د ب ۵۳۳/۲.

▣ **ابراهیم میرزا**، سلطان ابوالفتح فرزند بهرام میرزا، برادرزاده شاه طهماسب که در زمان وی حکمران خراسان بود اما از خوشنویسی و نقاشی و تذهیب و تصویرسازی و زرافشان و صحافی و خیاطی و درودگری و نقاری و خاتم‌سازی و سازسازی و سازنوازی بهره فراوان داشت. شاه اسماعیل دوم بیرحمانه این مرد هنرمند را همراه با یازده شاهزاده دیگر کشت و سپس به‌دلجویی از همسر و دخترش پرداخت. همسر وی پس از مدتی کوتاه جان سپرد. بدن هردو نفر را در امامزاده حسین قزوین دفن کردند و پس از پایان کار اسماعیل دوم، با موافقت محمد خدابنده، گوهرشاد خانم دختر ابراهیم‌میرزا جنازه هردو را به‌مشهد برد ودر جوار حضرت رضا دفن کرد، م۹۸۴.

○ خوش ۱۳.

▣ **اَبش خاتون**، ابش خاتون یا خاتون قیامت، بنای غیرمستحکم نیمه منهدم از سده هفتم که در شیراز بیرون دروازه قصابخانه برجای مانده است. در سال ۶۸۵ اَبش خاتون دختر اتابک سعد که در تبریز تبعید بود، مرد و بدنش را دخترش کردوچین به‌شیراز آورد و در آن محل به‌خاک سپرد.

○ د ۱۲ + ۱ ق ۶۹ + ایلخانی ۷۶ + معماری ۸۷/۲.

▣ **ابن ابی توبه**، ابوالقاسم نصیرالدین فرزند مظفر مروزی (۴۶۶-۵۳۰) شاعر و دانشمند، وزیر سلطان سنجر (۵۲۱-۵۲۶) وی را در دژ پاتکر بر لب جیحون بر بند کشیدند و در همان دژ کشته به‌خاک سپردند.

○ د ب ۶۳۳/۲.

▣ **ابن ابی‌صادق**، ابوالقاسم فرزند عبدالرحمان نیشابوری، پزشک و کالبدشناس، شارح آثار بقراط و جالینوس و ملقب به‌بقراط دوم، (۳۸۵-۴۷۰)، وی آخر عمر را در روستای ییلاقی اَنبر و دِستانه در ۱۲ فرسنگی مشهد بسر برد و در همان‌جا فوت کرد و به‌خاک رفت.

○ د ب ۴۷۱/۲ + ت همایی.

▣ **ابن ابی‌طیب**، فقیه ومحدث، معارض و معاصر با سلطان محمود غزنوی معروف به‌پیر حاجات سبزوار.

○ جغ ۶۲۸ + آخ ۴۴۸ با تصویرها

▣ **ابن بابویه**، ابوالحسن علی‌بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، فقیه و محدث شیعی ومرجع مردم قم واطراف آن. بابویه و یا بابوِیه که نام جد بزرگ اوست یک نام کهن ایرانی است، ابن بابویه علاوه برداشتن مقام علمی مردی بازرگان و صاحب مکنت بوده است. اگرچه لقب صدوق متعلق به‌فرزندش محمد بن علی بوده، وی را نیز با این لقب خوانده‌اند. وی تألیفات بسیار داشته و فرزندش با خط خود فهرستی از صد کتاب وی تدارک کرده است. م ۳۲۹، قم.

○ د ب ۶۱/۳ + ی ۴۲۶ + د ۱۶.

▣ **ابن بابویه** ابوعبدالله حسین بن علی بن حسین بن موسی قمی زنده ۹۸۸/۳۷۸م فقیه و محدث و متکلم شیعی،پدر ابن بابویه بزرگ و برادر شیخ صدوق با حافظه‌ای بسیار خوب. مدفون در ابن بابویه.

○ د ب ۶۲/۳

▣ **ابن حامد**، افضل‌الدین فرزند محمد تبریزی محدث. خاقانی شروانی در رثای او قطعه‌ای دارد م ۶۷۷.

○ کوی سرخاب ۲۲۳.

▣ **ابن حسام خوافی**، مولانا جمال‌الدین محمد فرزند حسام، شاعر سده‌های ۷ و ۸ که در شهر هرات می‌زیست و از شاعران دربار ملک شمس‌الدین کرت بوده و او را ستوده. م ۷۳۷، هرات.

○ د ب ۳۵۶/۳.

▣ **ابن حسام قهستانی**، یا خوسفی، شمس‌الدین محمد بن‌حسام‌الدین از شاعران معروف شیعی در سده نهم، زاده شده در حدود ۷۸۲ در خوسف قهستان که اکنون جزو بیرجند است. وی از خاندانی که همه از عالمان دین بودند برخاست و به‌شاعری روی آورد. آرامگاهش در کشتزاری در قصبه خوسف واقع شده که در ۹۲۰ در زمان حکمرانی مقصود بیگ مهردار، بقعه و صحنی برای آن ساخته‌اند.

○ د ب ۳۵۶/۳ + چون مقیم هرات بود به‌هروی معروف است. د ۱۸ + در بیرجند جغ ۶۲۳

▣ **ابن حسام هروی** ← آرامگاه ابن حسام خوافی.

▣ **ابن خاتون**، شمس‌الدین محمدبن سدیدالدین عالم و سیاستمدار دوران قطب شاهیه حیدرآباد دکن. این خاندان اصلاً اهل جبل عامل و شمس‌الدین آخرین فرد از افراد سرشناس معرفی شده می‌باشد، که ضمناً خواهرزاده شیخ بهایی هم بوده است. آثار مهمی از وی درحیدرآباد دکن برجای مانده است، وی از مشهد به‌حیدرآباد رفت و از حیدرآباد به‌عنوان سفیر به‌ایران اعزام شد. م۱۰۵۹، حیدرآباد دکن. مزارش درحیدرآباد زیارتگاه بوده است.

○ د ب ۳۹۵.

▣ **ابن‌سینا، آرامگاه قدیم**، تا اواخر قرن ۱۳ چهارطاقی کوچکی برروی قبر آن دو (ابوعلی سینا و ابوسعید دخدوک) قرار داشته است و چون چارطاقی مزبور روبه خرابی می‌رفته، یکی از شاهزاده خانمهای دانش دوست قاجاریه به‌نام نگارخانم دختر شاهزاده عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه درصدد تجدید بنا و تعمیر آن برآمده است. به‌دستور این شاهزاده خانم به‌جای چارطاقی، گنبدی آجری ساختند و دو سنگ قبر، یکی روی قبر ابن‌سینا و دیگری روی قبر ابوسعید دخدوک نهادند که پس از ساخته شدن آرامگاه جدید سنگها را در راهرو آن بنا نهادند.

○ کارنامه ۸۴.

▣ **ابن سینا، آرامگاه نوین**، در سال ۱۳۲۴ خ انجمن آثار ملی مصمم شد که بنای جدیدی بر گور ابن‌سینا بسازد و طرح و نقشه آن را به‌مسابقه گذاشت. طرح پیشنهادی مهندس هوشنگ سیحون مورد قبول قرار گرفت و آندره گدار مدیرکل باستان‌شناسی و مهندس فروغی آن را پسندیدند. قرار شده بود که طرح برمبنای آرامگاه قابوس یا گنبد کاووس در گرگان، که یکی از عالی‌ترین بناهای بعد از اسلام است تهیه شود. ابتدا ابعاد گنبد جدید را که از لحاظ اصول همان گنبد کاووس است همان ابعاد گنبد اصلی قرار دادند، اما در عمل معلوم شد که باید ابعاد را نصف کنند. بنای گنبد قابوس متعلق به‌سال ۳۷۵ است که عصر ابن‌سینا است و خود وی نیز مدتی از زندگی خود را در گرگان به‌سر برده و با قابوس زندگی و مؤانست داشته است.

○ کارنامه ۸۹+ تا ن ۱۰ + ف ۱۷ + جغ ۱۳۰۲.

▣ **ابن شاذان،** متکلم و فقیه امامی م ۲۶۰، در نیشابور.

○ د ب ۵۱/۴.

▣ **ابن شاهین،** ابوحفص عمر ملقب به‌واعظ، محدث و رجالی اهل خراسان (۲۹۷ـ۳۸۵) در بغداد مرد و در کنار قبر احمد بن حنبل به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۶۲/۴.

▣ **ابن شرفشاه،** سید رکن‌الدین حسین استرآبادی حکیم، متکلم و نحوی سده هشتم که در مراغه به‌خدمت خواجه نصیرالدین رسید. فوت در موصل خاک‌سپاری در تبریز.

○ د ب ۸۰/۴ + ز ۸۲/۳.

▣ **ابن شهر آشوب،** ابوجعفر محمد بن علی اهل مازندران (۴۸۹ـ۵۸۸) مفسر، محدث، ادیب و فقیه امامی. وی در حلب درگذشت و در جبل‌الجوشن در نزدیکی محل مشهور به‌مشهدالحسین به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۹۱/۴.

▣ **ابن صالح،** نجم‌الدین یا کمال‌الدین ابوالفتوح احمدبن محمد، اهل همدان ریاضیدان و پزشک که در بغداد تحصیل کرد، سالهای آخر عمرش در دمشق گذشت و در همان‌جا مرد و در مقابر صوفیه کنار رود بانیاس به‌خاک رفت.

○ د ب ۱۱۷/۴.

▣ **ابن صالح بیضاوی،** شیخ نجم‌الدین عبدالرحمن، شیراز مجاور مسجد عتیق.

○ شیرازنامه ۱۲۱.

▣ **ابن علی،** در شهر شوش گورستان عبدالله بن علی.

○ معماری ۸۶/۲.

▣ **ابن علی،** در همدان پارک بابا طاهر.

○ معماری ۹۴/۲

▣ **ابن فورک،** ابوبکر محمد بن حسن اصفهانی متکلم، فقیه، ادیب و واعظ اشعری در سده پنجم. گورستان حیره نیشابور که به‌قولی زیارتگاه عام بوده است.

○ د ب ۴۲۰/۴.

▣ **ابن مسکویه** ← آرامگاه ابوعلی مسکویه.

▣ **ابن یمین،** امیر فخرالدین محمود طغرایی مستوفی فریومدی. زاده شده در ۶۸۵، پدرش نیز شاعر و مستوفی بود. ابن یمین در جنگ زاوه که در ۷۴۳ میان سربداران و آل کرت رخ داد زیان فراوان دید و دیوانش ازبین رفت و پس از آن مقداری از آن شعرها را توانست گرد آورد، حدود ۱۵ هزار بیت که دیوان وی است. وی مدح و مرثیه اهل بیت را گفته وپس‌از انوری بزرگترین قطعه‌سرای ایران است. روز شنبه هشتم جمادی‌آخر ۷۶۹ درگذشت و در آرامگاه پدرش در فریومد که در ۷۴۵ ساخته شده بود به‌خاک سپرده شد. انجمن آثار ملی این بنا را که نیم‌ویران شده بود خراب کرده و به‌جایش یک برج دوازده ترک ساخت ۱۳۵۴ خ.

شاعری گفته است است:

بود از تاریخ هجرت هفتصد با شصت ونه
روز شنبه هشتم ماه جمادالآخرین
گفت رضوان حور رابرخیز واستقبال کن
خیمه برصحرای جنت می‌زند ابن یمین.

○ تا ن ۴ + جغ ۷۵۸ + کارنامه ۵۸۸.

▣ **ابوالحسن اصفهانی،** آسیدابوالحسن، آیت‌الله اصفهانی مرجع تقلید و مرد بزرگ روحانیت، در

۸۵ سالگی، در ۱۳ آبان ۱۳۲۵ به‌رحمت خدا رفت و در نجف مدفون شد. دولت ایران از وی تجلیل کرد.

○ ز ۱۹۹ + ابوالحسن صدراصفهانی ۵ آبان ۱۳۲۵ نجف یا ق ۱۴۶/۸.

▣ **ابوالحسن بیهقی**، از دانشمندان سده چهارم خراسان متولد در قریه ششتمند، ۳۳ک تا سبزوار، آرامگاه جدید توسط انجمن آثار ملی در ۱۳۳۰خ. برروی آرامگاه خرابه قدیم ساخته شد.

○ کارنامه ۶۰.

▣ **ابوالحسن جلوه**، میرزا ← آرامگاه جلوه، میرزاابوالحسن.

▣ **ابوالحسن جوری**، آرامگاه شیخ ابوالحسن جوری.

▣ **ابوالحسن خرقانی** ← آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی.

▣ **ابوالحسن صبا** ← آرامگاه صبا، ابوالحسن.

▣ **ابوالحسن یغمایی** ← آرامگاه یغمایی.

▣ **ابوالعلی، تفرشی** صفویه.

○ معماری ۸۱/۲.

▣ **ابوالفتح خان**، پسر کریم خان زند، م ۱۲۰۱ در سی ودو سالگی در شیراز کشته شد، صید مرادخان زند وی را به‌چوب بست که محل جواهرات پدر را نشان دهد... چند روز بعد آن جوان نورسته جهان را بدرود گفت مدفون در حرم شاه‌چراغ، زاویه غربی.

▣ **ابوالفتح میرزا سالارالدوله** ← آرامگاه سالارالدوله

▣ **ابوالفتح میرزا مویدالدوله**، پسر بزرگ سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه و شوهر افسرالدوله دختر ناصرالدین‌شاه که نجیبه هم بوده است. خواهر وی نیز همسر کامران میرزا نایب‌السلطنه بود از این‌رو تمام مدت عمرش را به‌منصب حکمرانی نقاط مختلف ایران سپری کرد. م ۱۳۳۰. ادوارد براون دانش او را میستاید و می‌نویسد وقتی میرزا آقاخان و شیخ احمد روحی به‌رشت آمدند از ایشان به‌گرمی پذیرایی کرد ولی وقتی شنید که مورد بی‌لطفی شاه قرار گرفته‌اند ایشان را بیرون کرد. وی را پس از مرگ در قم، آرامگاه محمدشاه به‌خاک سپردند.

○ ر ج ۵۱.

▣ **ابوالفتوح رازی**، شیخ جمال‌الدین حسین بن علی، متولد ۴۶۷ یا ۴۸۰ صاحب تفسیر بزرگ روضة‌الجنان فی‌تفسیر القرآن. در ری مرد و به‌خاک رفت.

○ ری ۴۲۹ + در مشرق حرم جنب مقبره امامزاده حمزه. + تاریخچه ۵۷.

▣ **ابوالفوارس**، عباس بن شهریار از باوندی‌های طبرستان ← آرامگاه لاجیم.

▣ **ابوالقاسم بابر**، فرزند بایسنقر بن شاهرخ تیموری در مدرسه بالاسر زیر گنبد شمال شرقی مشهد بازار بزرگ.

○ هنر و مردم ۷۶/ آذر و دی ۱۳۴۷.

▣ **ابوالقاسم (مجتهد) زنجانی**، میرزا، م۱۲۹۲، زنجان آرامگاه اختصاصی.

○ ر ج ۱۵/۵.

▣ **ابوالقاسم سلطان‌الحکما**، معلم دارالفنون. م ۱۳۲۲، امامزاده قریه کلاک کرج.

○ ر ج ۵۸ + یا ق ۱۴۷.

▣ **ابوالقاسم شیرازی**، خوشنویس نامدار. م ۱۳۰۹، شیراز حرم شاه‌چراغ.

○ خوش ۳۳.

▣ **ابوالکلام آزاد** ← آرامگاه آزاد، ابوالکلام.

▣ **ابوالمحجن ثقفی**، از جنگجویان صدر اسلام، تویسرکان.

○ ل ۷۹۶.

▣ **ابوالمظفر محمدبن ثابت خجندی**، فرزند محمد از گروه خجندیان اصفهان، دومین نفر در سلسله، از پیشوایان نامدار شافعیان در سال ۴۹۶ در سفر ری هنگام فرود آمدن از منبر به‌دست یک مرد شیعی کشته شد. پیکر وی را در مسجد جامع ری به‌خاک سپردند.

○ د ب ۶۹۴+ ری ۴۴۴ و ری ۴۰۹/۲.

▣ **ابوالمعالی مظفر**، نواده شیخ روزبهان (سده هفتم) در باغ نو شیراز، ملک سعید قطب‌الدین هرمز برسر قبرش گنبد عالی ساخته است.

○ شیرازنامه ۱۳۳.

▣ **ابوالوفا**، گنبد ابوالوفا غرب شهر کوهدشت لرستان، قرن ۸.

○ معماری ۹۷/۲.

▣ **ابوالوفا شیرازی**، صوفی معاصر با شاه نعمت‌الله ولی، در خارج شهر شیراز.

○ ل ۹۱۹.

▣ **ابوالوفا محمدبن عبدالعزیز**، از ادیبان قرن سوم، آرامگاه باباطاهر عریان در همدان.

○ کارنامه ۴۶۱.

▣ **ابوالهادی یزدی**، خوشنویس قزوینی م۱۰۱۶، امامزاده حسین قزوین.

○ خوش ۳۶.

▣ **ابوبکر تایبادی**، بنایی قدیم از عصر سلجوقی در تایباد.

○ سیما ۲۴ تیر ۱۳۷۲.

▣ **ابوبکر سعدبن زنگی** ← آرامگاه اتابک ابوبکر.

▣ **ابوتراب اصفهانی**، خوشنویس قرن ۱۱. م ۱۰۷۲، اصفهان مسجد لنبان در جوار خواجه صاین‌الدین تُرکه.

○ خوش ۲۶.

▣ **ابوجعفر طوسی**، محمد بن حسن طوسی معروف به‌شیخ‌الطایفه و به‌قول علامه حلی رییس‌الطایفه. از رجال بزرگ فقه و اصول و کلام و ادب است که جمیع فضایل بدو بازگردد و مصنف در همه علوم اسلامی، پیرایشگر عقاید در اصول و فروع و جامع کمالات در علم و عمل. متولد ۳۸۵، در ۴۰۸ به عتبات رفت در بغداد ساکن شد، در ۴۴۸ فتنه‌ای در بغداد حادث شد، زد وخورد میان شیعه و سنی که خانه و کتابخانه و منبر وی نیز در آن آشوب از میان رفت، از این‌رو از بغداد به‌مشهد امیرالمؤمنین رفت و در ۴۶۰ در ۷۵ سالگی رحلت کرد و در نجف در جوار مرقد مولای خود به‌خاک سپرده شد.

○ ل ۳۹۱.

▣ **ابوجعفر کُلَینی رازی**، محمدبن یعقوب، زاده شده درکلین واقع در ری فقیه و محدث معروف شیعی صاحب کتاب کافی که یکی از کتب اربعه شیعی است و کتابهای دیگر، در سال ۳۲۹ در بغداد جان سپرد. آرامگاهش در کلین از قرای فشافویه است.

○ ل ۳۹۱ + ری ۴۰۵/۲.

▣ **ابوحَیّان توحیدی**، علی بن احمد، ادیب و فیلسوف سده چهارم، مدفون در شیراز جنب مزار شیخ کبیر.

○ ل ۴۴۵ + هزار مزار ۹۶.

▣ **ابودُجانه انصاری**، از صحابه رسول اکرم(ص)، اسکوی آذربایجان.

○ آذ ۵۸.

◘ **ابودُجانه در کرمانشاه** ـ ریجاب سلجوقی.

○ معماری ۸۴/۲.

◘ **ابوسعید،** آخرین ایلخان مقتدر ایران، م ۷۳۶ در شیروان، سلطانیه، در مقبره‌ای که خود ساخته بود.

○ تا غ ۳۶۵.

◘ **ابوسعید ابوالخیر،** (ابوخیر) عارف بزرگ سده پنجم و صاحب اصلی اثر مهم اسرارالتوحید، زاده شده در شهرک مَهَنَه، در ۲۰۰ کیلومتری جنوب عشق‌آباد، اینک در محل بدان نه مانه و مزار شیخ را مانه بابا گویند.

○ تان ۱ و (۴۶) + هنر ومردم ۴۹/۵۷+ بنایی از قرن ۵ سیمرغ ۱۷۸.

◘ **ابوسعید دَخدوک،** ادیب و دانشمند از دوستان ابوعلی سینا که در مقبره وی دفن شده بود و اکنون نیز استخوان وی را همراه سنگ قبرش و سنگ اصلی ابوعلی‌سینا به‌آرامگاه نوین منتقل کرده‌اند.

○ کارنامه ۸۵.

◘ **ابوسعید و ابوظهیر،** در جاده قزوین تاکستان.

○ معماری ۹۲/۲.

◘ **ابوطاهر قمی،** وزیر سلطان سنجر، مشهد در جوار حرم.

○ ل ۵۵۶.

◘ **ابوعبدالرحمان عبدالله،** پسر جعفر اَرزَکانی، شیخ زاهد، اَرزَکان دیهی است نزدیک شیراز.

○ شیرازنامه ۱۰۱.

◘ **ابوعبیده جراح،** سردار صدر اسلام، دمشق.

○ ل ۶۲۱.

◘ **ابوعلافالی،** سراج‌الدین مکرم، شیراز مصلا.

○ شیرازنامه ۱۲۷.

◘ **ابوعلی حمزه،** پسر عبدالعزیز بن سلام دیلمی، شاگرد شیخ مفید. م ۴۴۸، در خسروشاه تبریز.

○ آذ ۵۷۶.

◘ **ابوعلی سینا** ← آرامگاه ابن سینا.

◘ **ابوعلی طَبَرسی** ← آرامگاه طَبَرسی.

◘ **ابوعلی مِسکویه،** یا مشکویه، احمدبن محمدبن یعقوب مسکویه، جد او یعقوب خازن ری بود. مسکویه عالم به‌علوم متداول عصر بود بویژه در حکمت و پزشکی. وی، ابتدا در دستگاه ابومحمد مهلبی وزیر معزالدوله بود سپس به‌خدمت ابن عمید داخل شد و سرانجام به‌خازنی و ندیمی عضدالدوله رسید. وی معاصر با ابوعلی‌سینا بود و قصه‌هایی درباره روابط این دو دانشمند هست. اثر مهم وی تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم در تاریخ است که در سال ۳۷۲ به‌فارسی ترجمه شده و خواجه نصیرالدین با تصرفاتی بدان اخلاق ناصری نام داده است، اثر دیگر وی جاودان خرد است و آثار مهم دیگری هم داشته است. ابن‌مسکویه تا ۴۲۰ یا ۴۲۱ حیات داشته و پس از فوت ابتدا در امامزاده باقر در خواجوی قدیم اصفهان و اکنون در تخت فولاد به‌خاک سپرده شده است.

○ ل ۶۸۱ و آص ۱۲۶.

◘ **ابوعلی هزاراسب** ← آرامگاه عمیدالدین شمس‌الدوله

◘ **ابوعماره حمزه،** معروف به‌زیّات قاری، استاد ابوالحسن کسایی. م ۱۵۶.

○ کرمانشاه ۱۴۳.

◘ **ابولؤلؤ،** ملقب به‌بابا شجاع در دروازه فین کاشان. وی قبل از فوت در چهل حصاران کاشان

زندگی می‌کرد. (تا کاشان ۵۶۰) بابا لؤلؤ در کاشان از قرن هشتم به‌بعد، حرم چهار ضلعی با گنبد حرمی دوپوش دوازده ترک.

○ آ ط ۳۷۸ + پیش از صفویه، معماری ۹۱/۲ و ۱۱۵ + د ۳۴.

▣ **ابومسعود رازی**، احمد بن فرات بن خالد، محدث معروف مقیم اصفهان، م ۲۵۸، مدفون در گورستان مردبان اصفهان، اکنون محله درشیخ.

○ آ ص ۸۰۵ + بنا از قرن نهم است، معماری ۹۰/۲.

▣ **ابومسلم خراسانی صاحب‌الدعوه**، صاحب حبیب‌السیر در شرح سلطنت تیمور در حوادث سال ۷۸۳ می‌آورد: در نواحی نیشابور به‌مزار ابومسلم مروزی ... ابومسلم در بغداد، مداین آن روز، در سال ۱۳۲ کشته شد. ل ۸۳۹ + او را به‌دستور خلیفه در یکی از روزهای ماه شعبان کشته و پیکرش را در دجله انداختند، بلاذری.

○ د ب ۲۴۱ + د ۳۵.

▣ **ابوموسی اشعری**، سردار اسلام و از یاران حضرت علی(ع) که سرانجام در جریان حکمیت میان حضرت علی(ع) و معاویه فریب خورد و خلافت را به‌معاویه منتقل کرد. م ۴۴، کوفه.

○ ل ۸۷۶ + د ۳۵.

▣ **ابونصر پارسا**، خواجه ابونصر پارسا، محمدفرزند محمد حافظی بخاری، پدرش از عارفان بزرگ و جانشین خواجه بهاءالدین نقشبند است. لقب پارسا را نیز خواجه بهاءالدین به‌ابونصر داده است. آرامگاه وی در سمرقند با کاشیهای سبز و آجر ساخته شده و به‌گور امیر مانندگی دارد. ابونصر در سفر مکه که با پدر همراه بود ظاهراً با شاه نعمت‌الله ولی ملاقات کرده است.

ماده تاریخ وفات او «سِرّ خدا» است.

○ د ب ۳۱۷/۶.

▣ **ابونصر زاهد ایرآبادی، شیخ**، قرن پنجم در ایرآباد طبس.

○ مر ۱۳۹.

▣ **ابونعیم**، فقیه و محدث معروف، اصفهان خواجو.

○ ل ۹۱۳ + آ ص ۲۴.

▣ **ابی سعدبن احمدگدوک**، م ۵۴۵ سنگ قبر با نوشته در موزه متروپولیتن آمریکا.

○ ی ۹۱۴ و تصویر ۱۳۱۳.

▣ **اتابک**، اتابک اعظم ← آرامگاه امین‌السلطان، میرزا علی‌اصغر خان.

▣ **اتابک ابوبکر سعدبن زنگی**، ابوبکر پسر سعد، معروفترین اتابک از اتابکان فارس، سلطانی عادل که دائما با وضو و ذکر می‌بود و هرگز شراب نخورد... خلایق در عهد او مرفه‌الحال بودند و راهها ایمن بود و ظالمان را قهر می‌کرد و مظلومان را نصرت می‌داد. سعدی که در عهد وی می‌زیست تخلص خود را از نام وی گرفت. از این اتابک آثار مهمی در شیراز برجای مانده است. درگذشت ۶۵۸، او را در رباط اَبِش نزد پدر به‌خاک سپردند.

○ هزارمزار ۲۶۶.

▣ **اتابک سعدبن زنگی**، چهارمین امیر از امیران فارس، اتابکان سلغری که چون به‌کمک خوارزمشاه رفت پسرش ابوبکر شیراز را تصرف کرد، اما پس از رسیدن سعد مردم شیراز به‌وی کمک کردند و پدر و پسر مدتی باهم سلطنت داشتند. م ۶۲۸. مدفون در رباط اَبَش.

○ هزار مزار ۲۶۳.

▣ **اتابک عطاملک جوینی**، دولتمرد و دانشمند عصر ایلخانان مغول در تبریز.
○ ل ۱۷۴۲.
▣ **اتابکی** احمد، پسر اتابک اعظم م ۱۳۱۶ خ، قم مقبره خانوادگی در صحن اتابک.
○ ر ج ۷۶.
▣ **اتابکی**، سیدعبدالله خان شاعر متخلص به‌امیر فرزند میرعبدالباقی، زاده شده در ۱۲۸۴. منشی عین‌الدوله و امین‌السلطان. م ۱۳۳۲، ابن بابویه ری.
○ ر ج ۱۴۵/۶.
▣ **آتکه خان**، ملقب به‌اعظم خان از دولتمردان عصر اکبر که در ۹۶۹ ادهم خان وی را کشته است و بعدها پسرش کوکلتاس خان این مقبره را برای وی در جوار مرقد نظام‌الدین اولیاء ساخته است.
○ نقش پارسی ۴۸.
▣ **اثیرالدین اخسیکتی**، اهل اخسیکت یا اخسیکث فرغانه بوده است و عمر خود را در شعر و شاعری و مداحی امیران صاحب جاه گذرانده که از آن جمله بوده‌اند: پادشاهان قهستان، سلجوقیان عراق، رییس همدان سید فخرالدین علاءالدوله عربشاه و اتابک ایلدگز و قزل ارسلان. وی سرانجام در خلخال درگذشته که سال آن دقیقاً معلوم نیست از ۵۶۳ تا ۵۸۰. شعر وی دشوار است و دیوانش ۶۵۰۰ بیت دارد.
○ تا ن ۱۰۷ + مقبرةالشعرای تبریز، کارنامه ۶۸۸.
▣ **اجداد و احفاد صفوی**، شیخ صدرالدین و جنید وحیدر در آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی.
○ انجمن ۱۶.
▣ **احتساب‌الملک**، تقی خان فرزند عبدالعلی خان ادیب‌الملک، وزیر مختار ایران در سویس م ۱۳۰۶. پاریس.
○ ر ج ۲۲۵.
▣ **احتشام‌السلطنه**، میرزا محمودخان علامیر فرزند علاءالدوله اول و برادر علاءالدوله دوم که برخلاف ایشان از رجال بزرگ طرفدار آزادی و مشروطه در ایران بوده است: احتشام‌السلطنه به‌حکمرانی نقاط مختلف رسیده و مهمترین شغل وی ریاست مجلس اول بود که چون مستبدان در آن اکثریت داشتند. وی را به‌بهانه حکمرانی کردستان از ریاست برداشتند، احتشام‌السلطنه بخش بزرگی از زندگی خود را در اروپا گذراند. ابتدا خانه وی در ضلع شمال میدان توپخانه (امام خمینی) بود و وی بعدها به‌شمیران رفت و منطقه‌ای را که امروز محمودیه نام دارد آباد کرد و در آن سکنی گزید. فوت ۵ بهمن ۱۳۱۴، وی را در باغچه علی‌جان حضرت عبدالعظیم به‌خاک سپردند.
○ خاطرات احتشام‌السلطنه + رهبر ۶۰۷ + رجال ۱۸.
▣ **احرار** ← آرامگاه عبیدالله احرار
▣ **احسائی** ← آرامگاه احمد احسائی
▣ **احسان طبری**، از مدیران سازمان کمونیستی‌ایران، حزب توده، نظریه‌پرداز و متفکر که پس از چندبار فرار از ایران و محکومیتهای سخت در عصر پهلوی، پس از انقلاب به‌ایران آمد و سرانجام دستگیر و زندانی شد. ظاهراً پس از دستگیری تغییر فکری ژرفی در روحیات وی پدیدار شد و با نوشتن کتاب کژراهه کمونیسم را محکوم کرد و حزب توده را ندانم به‌کار و خائن خواند... م ۱۳۶۹، تهران بهشت زهرا. وی در کتاب کژراهه می‌نویسد:

«انقلاب اسلامی پایه محکم یک رستاخیز فرهنگی عمیقی است که به‌کلی چهره انسان و جامعه را دگرگون می‌کند و از بیخ وبن، از پایه، از تربیت کودکی شالوده و بنیاد شخصیت دینی و معنوی نوینی براساس ایمان و تقوا می‌ریزد، این انقلابی است در خصال و سجایا و ژرفای جان انسان.»

○ کژراهه ۲۴.

▣ **احمد بن اسحاق،** قم نزدیک رودخانه و پل علیخانی. قرن اخیر.

○ معماری ۷۸/۲.

▣ **احمدبن اسحاق،** محدث از خواص حضرت امام حسن عسکری. بنای قدیم با تعمیرات توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در اول جاده سرپل زهاب کرمانشاه.

○ کارنامه ۷۷۹ + معماری ۸۴/۲ + کرمانشاه ۱۴۴.

▣ **احمدبن زین‌العابدین،** علوی حسینی عاملی اصفهانی. فقیه بزرگ قرن ۱۱ اصفهان تکیه آقارضی.

○ دان ۱۲۴۸.

▣ **احمدبن قاسم،** تا این اواخر بیرون دروازه کوهستان قم.

○ شهرها ۱۵۱/۲۴.

▣ **احمد احسائی،** شیخ (۱۱۶۶ـ۱۲۴۱) از علمای بزرگ شیعی و مؤسس فرقه شیخیه که به‌ایران هم آمد و در سفر حج مرد و در مدینه به‌خاک سپرده شد.

○ د ۶۳.

▣ **احمد اخگر،** فرهنگی و سیاستمدار عصر پهلوی. م ۱۳۴۸، تهران امامزاده عبدالله.

○ ز ۹۹.

▣ **احمدخان ساعدالملک،** میرزا، تنها پسر میرزا تقی‌خان از زن اولش متولد ۱۲۵۴، هنگام مرگ پدر ۱۴ ساله بود و تا ۱۲۷۵ که میرزا آقا خان عزل شد به‌وی کاری رجوع نگردید، در این سال سرتیپ شد وسال بعد لقب ساعدالملک گرفت. آخرین سمت وی ریاست قشون آذربایجان بود. فوت در طی سالهای ۱۲۸۰ و ۱۲۸۵، مدفون در آرامگاه پدرش کربلا.

○ رج ۹۴.

▣ **احمد ژنده پیل،** شیخ جام، شیخ احمدجام، شیخ جامی، در ۴۴۰ در نامق زاده و در ۵۳۶ در جام جان سپرد. بنای آرامگاه کنونی یک بنای ایلخانی است. کاشیکاری مرقد به‌فرمان شاه عباس صورت گرفت.

○ آخ ۴۴+ اطاق را ملک غیاث‌الدین کرت در ۷۲۰ ساخت، آخرین تعمیر در ۱۳۴۹ خ انجام شد.

○ معماری ایلخانی با تصویر ۱۷۴ و ۱۸۶ + معماری ۸۹/۲ + آثار ۱۳۱/۳.

▣ **احمدشاه قاجار،** (۱۳۱۴ـ۱۳۴۸) پسر دوم محمدعلی شاه که در ۱۲ سالگی جانشین پدر شد و تحت قیمومیت دو نایب‌السلطنه عضدالملک قاجار و ابوالقاسم ناصرالملک (از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲) سلطنت داشت و آغاز پادشاهی او هشت روز پیش از آغاز جنگ اول جهانی بود. وی ۱۲ سال پادشاهی مستقل داشت که پس از کودتای ۱۲۹۹ تقریباً از وی سلب اختیارات شد زیرا در هنگام اقامت رسمی در انگلستان از تأیید قرارداد ۱۹۱۹ که ایران را تحت حمایت انگلستان قرار می‌داد سر باز زد و سرانجام مجلس شورای ملی

در جلسه نهم آبان ۱۳۰۴ با تمهیداتی که مخالف و مغایر با قانون اساسی او و سلسله‌اش را از سلطنت خلع کرد و اختیارات اداره مملکت را به‌سردار سپه که نخست‌وزیر بود داد. احمدشاه تا آخر عمر این انعزال را غیرقانونی می‌دانست و حتی حاضر نشد در مقابل دریافت یک میلیون لیره استعفای کتبی بدهد. وی دارای نقاط ضعف بسیار بود اما محسناتی نیز داشت. احمدشاه در ۲۶ رمضان ۱۳۴۸ در بیمارستان نویی پاریس به بیماری ورم کلیه درگذشت و جسدش را به کربلا، آرامگاه پدرش برده دفن کردند.

○ ر ج ۸۵ + ز ۸۵.

◙ **احمد قوام** ← آرامگاه قوام‌السلطنه.

◙ **احمدیلی** در مراغه، چون دارای هیچ‌گونه جنبه تقدس نبوده کم‌کم فراموش شده و نامش را از خاصیت ظاهری برج گرفته است: گنبد سرخ.

○ معماری ۲۹.

◙ **احیاءالملک**، دکتر محمدشیخ فرزند علینقی صنیع‌الممالک متولد ۱۲۴۳خ تهران طب را در دارالفنون و پاریس خواند و از ۱۳۰۷ پزشک ویژه ناصرالدین شاه شد. هنگام تیر خوردن ناصرالدین شاه در حرم حضرت عبدالعظیم، وی همراهش بود. پس از مرگ شاه وی حکیم خاصه اتابک میرزاعلی اصغرخان شد و پس از آن طبیب خاصه حاج علی قلیخان سردار اسعد. دکتر شیخ در ۱۳۱۷ خ مرد و در امامزاده عبدالله مقبره سعدالدوله به‌خاک سپرده شد. کتاب طب‌الناظرین از او است.

○ ز ۹۸.

◙ **اخسیکتی** ← آرامگاه اثیرالدین اخسیکتی.

◙ **اخگراحمد** ← آرامگاه احمد اخگر

◙ **اُخِنجان**، میل اخنجان ۳۲ کیلومتری شمال مشهد تیموری ۷۴۱.

معماری ۹۲/۲.

◙ **اخوان ثالث**، مهدی، طوس در جوار آرامگاه فردوسی، اولین شاهنامه‌شناس که این مزیت را یافت که در جوار فردوسی بیارامد. اخوان ثالث کتابی تحت عنوان آخر شاهنامه دارد، امّا تدفین وی در خاک طوس فقط به‌پاس ارائه این کتاب نبوده است.*

◙ **اخی‌خیرالدین**، عارف مدفون در حوالی گنبد و دولهٔ عرب معاصر با آق‌قویونلوها که جامی درتبریز از او دیدن کرده است

○ کوی سرخاب ۲۱۹.

◙ **اخی فرج زنجانی**، زنجان.

○ جک ۳۷۶/۲.

◙ **ادهم خان**، دولتمرد عصر لودی‌های شبه قاره م ۱۵۶۱م.

○ معماری هند ۲۹ تصویر ۱۲ الف.

◙ **ادیب‌الممالک فراهانی**، (۱۲۷۷- ۱۳۳۵)، میرزا محمد صادق امیری فرزند حاج میرزا حسین و نواده میرزا معصوم محیط برادر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام. متولد در گازران اراک که به‌کمک حسنعلی خان امیر نظام ترقی کرد و سراسر عمرش به‌شاعری و روزنامه‌نگاری و انتقاد شدید از فساد طبقه حاکم گذشت. وی مسافرتهای بسیار کرد و از سوی مظفرالدین شاه در ۱۳۱۴ ادیب‌الممالک لقب گرفت و در ۱۳۱۶ نایب‌رییس مدرسه لقمانیه تبریز شد. آخرین مقام وی کارمند عدلیه در یزد بود و در همان شهر سکته کرد و در ۵۸ سالگی در تهران درگذشت، وی هنگام مرگ فرزندی نداشت. مدفون در باغچه آرامگاه

طباطبایی در حجره میرزا ابوالحسن قائم‌مقامی. تعمیر و نوسازی آرامگاه وی در ۲۹ آذر ۱۳۵۰ به‌پایان رسید. ادیب‌الممالک عضو فراموشخانه (فراماسون) نیز شد اما از آن کناره گرفت و در ۵۰۰ بیت اسرار این مجمع را فاش کرد.

○ از صبا ۱۲۷/۲ + رهبر ۲۲۰ + کارنامه ۷۱۷.

▣ **ادیب پیشاوری**، سیداحمد رضوی معروف به‌شاه بابا که سلسله نسب خود را به‌شیخ شهاب‌الدین سهروردی می‌رساند. در ۱۲۶۰ در نواحی شمالی ایالت سرحد، پیشاور پاکستان زاده شد. در نوجوانی پدر و عمویش در ستیز با قدرت متجاوز انگلیس کشته شدند و وی به‌کابل و تربت رفت و از آنجا به‌مشهد آمد و در آن شهر مقیم شد. مدتی نیز در خدمت حاج ملاهادی سبزواری بسر برد و در این زمان بود که به‌حکیم هندی معروف شد. وی در سال ۱۳۰۰ به‌تهران آمد و تا پایان عمر سوم صفر ۱۳۲۹، در خانه یحیی خان قراگوزلو ماند. از خصوصیات کم‌نظیر ادیب ستایش آلمان در اشعار خود است که شاید ریشه آن بر مبنای تنفر از انگلیس در دوران کودکی وی تکوین یافته بوده است.

○ از صبا ۳۱۷/۲ + رج ۷۷.

▣ **ادیب عنقا**، شاعر و عارف قرن ۱۳ و ۱۴، مدفون در سمت غربی ابن بابویه.

○ فک مؤلفان ۲۱۱.

▣ **ادیب نیشابوری**، شیخ عبدالجواد ادیب فرزند ملاعباس (۱۲۸۱-۱۳۴۴) دریک خانواده کشاورز اهل نیشابور به‌دنیا آمد. وی با اینکه آبله به‌چشمان وی آسیب کلی رسانده بود در ۱۲۹۷ به‌مشهد رفت و ادامه تحصیل داد و تا آخر عمر در حالی که مجرد بود در حجرهٔ مدرسه‌ها (خیرات خان، فاصل‌خان و نواب) زندگی کرد و چهل وسه سال به‌تدریس گذراند. وی در مشهد جان سپرد و در حرم رضوی، دارالحفاظ بیوتات به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۲۳۷/۲+ از صبا ۱۹/۲ + ز ۱۰۵.

▣ **اراکی، آقاشیخ ضیاءالدین**، م ۱۳۶۱، نجف در حجره متصل به‌دالان صحن از درب سلطانی.

○ ز ۱۱۱.

▣ **اراکی، آیت‌الله عبدالنبی** ← آرامگاه آیت‌الله اراکی.

▣ **ارانی**، دکتر تقی، از پایه‌گذاران و نظریه‌پردازان معروف حزب توده دارای دکترای فیزیک از آلمان که سرانجام توسط عمال نظمیه رضاشاه جلب و زندانی و در زندان زجرکش شد، ۱۴ بهمن ۱۳۱۷ مدفون در امامزاده عبدالله شهر ری.

○ محاکمه ۲۰.

▣ **ارباب کیخسرو**، (۱۲۵۳-۱۳۱۹ خ) دولتمرد و فرهنگی معروف عصر متأخر قاجار و پهلوی اول، فرزند شاهرخ، معلم مدارس کرمان و نواده ملاگشتاسپ منجم که معاصر و معاشر با آقامحمدخان قاجار بود. وی نیز نخست به‌کار معلمی سرگرم شد و چون در نهضت مشروطه فعال بود در دوره دوم مجلس شورای ملی به‌جای ارباب جمشید وکیل زرتشتیان شد ۱۲۸۸ خ، و تا دوره دوازدهم مرتب به‌نمایندگی انتخاب می‌شد، وی مورد توجه و احترام مدرس بود و رضاشاه نیز برای استحکام بخشیدن به‌پایه‌های سلطنت خود از وجود وی استفاده‌های سرشار برد. هنگام جنگ اول از مهاجران بود و پس از جنگ از مخالفان قرار داد ۱۹۱۹. در طی جنگ دوم پسرش گوینده رادیو برلن بود و احتمالاً گفتارهای

وی باعث خشم رضا شاه و بهره‌گیری سیاست استعماری انگلستان از این خشم شد و دست رضاشاه و عمالش را به‌خون مردی آلوده ساخت که مورد احترام و اعتماد همهٔ مردم ایران بود. در ۱۱ تیر ۱۳۱۹ توسط عمال نظمیه رضاشاهی به‌قتل رسید و در گورستان زرتشتیان به‌خاک سپرده شد.

○ ز ۱۲۰ + مقدمه یادداشتها.

▣ **ارجان،** یا مقبره‌ای از دوران ایلامی جدید در ارجان بهبهان.

○ شهرها ۲۸۷/۲.

▣ **ارداقی علی‌اکبر،** (۱۲۶۱-۱۳۳۶) پسر شیخ محمدتقی که در ارداق قزوین زاده شد. برادر قاضی ارداقی از شهدای مشروطیت. علی‌اکبر ارداقی را نیز دادگاه باغشاه به‌رشت تبعید کرد و چون حکمران رشت آقابالاخان سردار دانست که وی آرام ننشسته است، دستور دستگیری وی را داد و او را به‌زندان انداخت و از زندان نیز وی را به‌خارج از ایران تبعید کردند. ارداقی پس از بازگشت به‌ایران عضو کمیته مجازات شد اما وی را اعدام نکردند و چندسالی نیز کارمند دولت بود، و سرانجام در تهران جان سپرده و در قم به‌خاک سپرده شد، هفتم دی‌ماه ۱۳۳۶.

○ ز ۱۲۷

▣ **اردبیلی،** حاجی محمدعلی، جانشین احمد تبریزی قطب سلسله ذَهَبیه م ۱۳۴۳ خ، مدفون در آرامگاه احمد تبریزی شیراز.

○ ر ج ۳۰/۶.

▣ **اردبیلی سیدیونس** ← آرامگاه آیت‌الله اردبیلی.

▣ **اردشیر درازدست هخامنشی،** اردشیر اول (۴۶۴-۴۲۴ق. م) پسر و جانشین خشایارشا. آرامگاهش در کنار آرامگاه داریوش اول و دوم هخامنشی است در نقش رستم.

○ ۱ ق ۳۸ + د ۹۰.

▣ **ارس،** در روستای فارلوجا کنار رود ارس

○ معماری ۸۴/۲.

▣ **ارسلان جاذب،** سردار معروف عصر غزنویان و حامی صمیم فردوسی، در رباط سنگ بست، در ۳۷ کیلومتری مشهد به‌تربت جام بنایی از قرن چهارم معروف به‌ایاز.

○ آ خ ۷ + جغ ۶۲۸ + هنر ۲۶۰/۸ + معماری ایران ۱۰۱ + ایران یک ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ + معماری ۸۹/۲.

▣ **ارسلان جاذب،** گلشن آزادی.

○ فم ۳۶۲.

▣ **ارشدالدوله،** (ارشدوَند) از سرداران بختیاری، بنایی آجری در کنار کانال تقسیم آب در دزفول صفی‌آباد.

○ د ش ۳۲۳.

▣ **ارغون خان** ← آرامگاه رادکان، برج رادکان.

▣ **ارغون خان مغول،** سجاس زنجان در محل آویزه یا انجرود.

○ معماری ایلخانی ۲۰۵.

▣ **ارموی،** سراج‌الدین محمود از فحول علمای عهد مغول، متولد ارومیه در سال ۵۹۴ که در سال ۶۸۲ در جوار مرقد حضرت مولانا جلال‌الدین فوت کرد و به‌خاک سپرده شد.

○ ر ۲۳۲.

▣ **ارموی،** صفی‌الدین، فرزند عبدالمؤمن فاخر، شاعر و نویسنده و عالم موسیقی. متولد ارومیه فوت در هشتادسالگی، در بغداد، ۱۸ صفر ۶۹۳، مدفون در بغداد.

○ تا غ ۵۰۶.

▣ **ارومی،** میرزامسلم، از عرفای قرن ۱۳ / م ۱۲۶۰ تبریز سیدحمزه در جوار مرشدش مجذوب علیشاه.

○ ر ج ۲۶۲.

▣ **اِستر و مُردخای،** در همدان. بنایی از قرن هفتم. استر ملکه ایران، همسر خشایارشا و مُردخای عموی او است اصل بنا از یازده قرن پیش است و توسط کلیمیان همدان ساخته شده، با صندوق منبت‌کاری از قرن هشتم و کتیبه‌ای به‌خط عبری که بانی آن بانویی به‌نام جمال ستام بوده است.

○ د ۱۲۸ + جغ ۱۳۰۴ + ایران قدیم تصویر ترسیم شده + معماری ۹۴/۲.

▣ **اسدالله خان غالب دهلوی،** شاعر پارسی و اردوسرای هند. از پیشگامان نهضت ادبی احیای سبک اصیل شاعری به‌زبان پارسی، دولتمرد و منقد و لغت‌شناس که مورد بغض و کینه عمال استعماری بریتانیا قرار گرفت و در بیماری و نداری و گرسنگی مرد. مدفون دربارگاه نظام‌الدین اولیا دهلی نو. در سال ۱۹۶۸/۱۳۴۷م. جشن صدمین‌سال درگذشت وی در دهلی برگزار شد و عده‌ای از دانشمندان، از جمله شادروان دکتر لطفعلی صورتگر از ایران در آن شرکت کردند. در این سال بنای جدید آرامگاه وی را نیز در دهلی نو، بارگاه نظام‌الدین گشودند.

○ ج ۷۹۴ + د ت ۳۴.

▣ **اسدی طوسی،** ابونصر علی بن احمد م ۴۶۵، تبریز مقبرةالشعرا، مؤلف گرشاسپ‌نامه و لغت فرس (به‌روایتی).

○ آ ذ ۴۰۱ + کارنامه ۶۸۸ + کوی سرخاب ۲۳۶.

▣ **اسرار** ← آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری.

▣ **اسفندیاری،** حاج محتشم‌السلطنه حسن (۱۲۴۵-۱۳۲۳خ) فرزند میرزا محمدخان صدیق در نوزده سالگی وارد کار شد و در طی هشت سال منشأ خدمات بسیار شد و مشاغل گوناگونی یافت، مهمترین و طولانیترین شغل وی وکالت و ریاست مجلس در عصر رضاشاه بود. یک بار نیز از سوی رضاشاه به‌آلمان رفت و با هیتلر ملاقات کرد و مذاکراتی صورت داد. اسفندیاری دارای تحصیلات قدیمه بود از این‌رو به‌وی آخوند اعیان لقب داده بودند. فوتش در تهران رخ داد و در حضرت عبدالعظیم به‌خاک رفت.

○ ز ۱۶۱.

▣ **اسکندر چلاوی،** در حوالی شیرود گلیجان تنکابن. اسکندر چلاوی، کیااسکندر معاصر با تیمور بود و پس از اینکه تیمور وارد مازندران شد وی مخالفان خود را با دست تیمور کشت، آنگاه خود قیام کرد و کشته شد و در این مکان به‌خاک رفت.

○ آ س ۴۵/۳.

▣ **اسماعیل حیرت تهرانی،** میرزا، (۱۲۵۴-۱۳۱۶) مترجم و نویسنده معروف که تاریخ سرجان ملکم را به‌فارسی برگرداند. چاپ اول کتاب در شوال ۱۲۹۹ در بمبئی طبع و نشر شد به‌خط نستعلیق بسیار خوب از محمدعلی کشکول فرزند میرزااسماعیل شیرازی که شاید در نوع خود، اولین کتاب چاپی فارسی مصور باشد. تصویرهای شاهان و مناظر و بقاع تاریخی را روی کاغذ حساس قهوه‌ای کمرنگ عکاسی ظاهر و چاپ کرده به‌کتاب چسبانده‌اند، وی در بمبئی وفات یافت و در قبرستان ایرانیان این شهر به‌خاک سپرده شد.

○ فک مؤلفان ۵۸۶.

▣ **اسماعیل سامانی** ← آرامگاه امیراسماعیل.

▣ **اسماعیل شیخ**، در سمرقند.

○ سمریه ۱۷۷.

▣ **اشتری**، احمد، دولتمرد متاخر عصر قاجار، م ۱۳۲۴ خ، در صفاییه شهر ری.

وی یکی از قاضیهای دادگاه باغشاه در عصر محمدعلی میرزا بود که به‌طور فرمایشی عده‌ای از بهترین فرزندان آزادی‌طلب را به‌اعدام محکوم کرد.

○ ر ج ۲۲/۵.

▣ **اشراقی**، محمدتقی، مجتهد و مدرس بزرگ، معاصر با آیت‌الله حائری. م ۱۳۶۸، مدفون در مسجد بالاسر قم.

○ ز ۱۸۳.

▣ **اشرف**، فرزند امام موسی کاظم (ع) در آستانه اشرفیه گیلان.

○ آ س ۱۷۹/۲.

▣ **اشرف**، دختر حاج مشکوةالسلطنه، ادیب و شاعر معاصر، قاسم‌آباد گیلان*.

▣ **اشرف‌الدین گیلانی**، یا قزوینی فرزند سیداحمد حسینی قزوینی مدیر روزنامه نسیم شمال که اولین شماره آن نه ماه پیش از بمباران مجلس انتشار یافت خود در این باره گوید:

در هزار و سیصد و بیست و چهار
چون که شد مشروطه این شهر و دیار
کردم ایجاد این نسیم نغز را
عطر بخشیدم زبویش مغز را

اشرف‌الدین سراسر زندگی را با سختی گذراند و در آغاز عصر دیکتاتوری وی را به‌تیمارستان بردند و در همان‌جا هم مرد و جنازه‌اش را هم ندادند و در گورستانی گمنام احتمالاً امامزاده حسن مدفون کردند. ذی حجه ۱۳۵۲.

○ از صبا ۶۴/۲.

▣ **اشرف‌السلطنه**، همسر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه و نایب‌التولیه عرب. م ۱۳۳۴، حرم مطهر امام‌رضا، مشهد.

○ ر ج ۳۴۱/۳.

▣ **اشرف‌الکتاب اصفهانی**، آقا زین‌العابدین، خوشنویس. م ۱۳۰۰ اصفهان.

○ خوش معاصر ۶۵.

▣ **اشرف‌زاده**، میرزا محمودخان روزنامه‌نگار که روز ۲۰ رمضان ۱۳۳۳ در یک فرسخی صحنه کرمانشاه توسط عده‌ای راهزن کشته شد. جنازه‌اش را با استقبال شایان مردم کرمانشاه به‌آن شهر بردند و در اطاقی در سر قبر آقا به‌امانت گذاشتند و سپس در همان‌جا به‌خاک سپردند.

○ تاج ۷۲/۴.

▣ **اشعیای نبی**، در مجاورت امامزاده اسماعیل اصفهان.

○ ل ۲۷۹۵ + کاتولیک. ۱۴۱.

▣ **اشکانی گوراب**، دژ گوراب در ملایر، ○ دش ۱۱۵۶

▣ **اشکانیان**، قسمتی از آن در جنوب شرقی نسا (شمال خراسان امروز) در قلعه‌ای عظیم و منفرد که اقامتگاه ایشان نیز بوده است و بخشی نیز در اربل رومیان در عهد کاراکال، به‌سال ۲۱۶ م پس از تصرف شهر، آرامگاه را ملوث و خراب کردند.

○ اشکانیان ۶۴ و ۱۴۷ + تجدیدحیات ایرانیان ۳۱

▣ **اشموئیل پیغمبر**، ساوه ـ خرقان، سده هفتم.

○ معماری ۸۰/۲ + کاتولیک ۱۱۲.

▣ **اصطهباناتی**، احمد ـ شیخ‌المحققین م ۱۳۵۴، شهر ری امامزاده عبدالله.

○ ز ۱۸۹.

▣ **اصفهانی آقا نورالله** ← آرامگاه حاج آقا نورالله.

▣ **اصفهانی، آیت‌الله** ← آرامگاه ابوالحسن اصفهانی.

▣ **اصفهانی، ابوالحسن** ← آرامگاه ابوالحسن اصفهانی.

▣ **اصفهانی، ابوتراب** ← آرامگاه ابوتراب اصفهانی.

▣ **اصفهانی، میرزا حبیب**، در قریه بِن چهارمحال زاده شد و در اصفهان و بغداد تحصیل کرد. در تهران به‌افترای هجوکردن محمدخان سپهسالار صدر اعظم مغضوب شدوبه‌ناچار به‌اسلامبول گریخت. در شاعری ابتدا تخلص دستان داشت اما در اواخر عمر، اشعارش بدون تخلص بود. میرزا حبیب مترجم کتاب حاجی‌بابا به‌زبان فارسی است. وی همانند شیخ احمد روحی و یارانش در صف مقدم آزادیخواهی جای داشت. در آخر عمر از اسلامبول به‌بروسه رفت که با استحمام در آبهای گرم معدنی بهبود یابد اما نتیجه مطلوب حاصل نشد و سرانجام در سال ۱۳۱۵ رخت به‌سرای دیگر کشیده در حوالی بروسه فوت کرد و در گورستانی در پای کوه اولوداغ به‌خاک سپرده شد.

○ از صبا ۳۹۵ + رج ۳۱۴ + چهره‌ها ۵۰.

▣ **اصفهانی، میرزا غلامرضا**، خوشنویس معاصر با میرزا محمد رضا کلهر. م ۱۳۰۷، صفاییه شهر ری، ابن‌بابویه.

○ خوش معاصر ۲۷ + خوش ۵۵۱.

▣ **اصفهانی**، نورالله ← آرامگاه حاج آقا نورالله.

▣ **اطاق گنبد در مشیز کرمان** ← آرامگاه پیرجاسوس.

▣ **اطعمه**، ابواسحاق احمد، شاعری که اشعارش بیشتر درباره خوراکیهاست و حالت لغز وطنز دارد. شیراز، چهل تن با سنگی از قرن نهم.

○ تان (۵۲) + اق ۳۸۵ + فک مؤلفان ۱۳۰.

▣ **اعتصام‌الملک** ← آرامگاه میرزا خانلرخان

▣ **اعتصام‌الملک**، میرزا یوسف آشتیانی، ابتدا لقبش اعتصام دفتر بود، فرزند میرزا ابراهیم آشتیانی و پدر پروین اعتصامی. در ۱۲۹۴ در تبریز زاده شد. مستوفی و کارمند دولت، دو دوره وکیل مجلس، مؤسس مجله بهار، اولین مترجم بینوایان هوگو به‌فارسی و آثار دیگر. در ۱۲ دی ۱۳۱۶ به‌رحمت خدا رفت و در قم آرامگاه خانوادگی به‌خاک سپرده شد.

○ ز ۲۰۳ + از صبا ۱۱۳/۲.

▣ **اعتصامی پروین** ← آرامگاه پروین اعتصامی.

▣ **اعتضادالاطبا** ← آرامگاه میرزا عبدالباقی.

▣ **اعتمادالدوله**، میرزا غیاث‌الدین تهرانی‌که توسط دخترش ملکه نورجهان بر گور وی در آگرای هند ساخته شد، قرن ۱۱.

○ هنر اسلامی ۱۰۸ + معماری هند روبه‌روی ص ۱۰۴ و تصویر ۷۹ و ۸۰ الف.

▣ **اعتمادالدوله میرزا یحیی‌خان**، در باغ خودش در بیرون شهر همدان.

○ رجا ۲۱.

▣ **اعتمادالسلطنه**، میرزا شاه حسن ملقب به‌کمال‌الدین، بنّایی که با کار و کوشش به‌وزارت شاه اسماعیل رسید. احیا و تعمیر مسجدعلی در اصفهان به‌همت او انجام گرفت. مقتول توسط محمد شاهقلی در ۹۲۹، مدفون در کربلا.

○ آ ص ۷۱۵.

▣ **اعتمادالسلطنه محمدحسن خان،** پسر چهارم حاج علی خان مقدم مراغه‌ای حاجب‌الدوله (فراشباشی ناصرالدین شاه مأمور اجرای حکم اعدام امیرکبیر در ۱۲۶۸) محمدحسن خان در ۲۱ شعبان ۱۲۵۹ در تهران متولد شد و در ۱۸ شعبان ۱۳۱۳ فوت کرد. اولین سمت وی نوکری امیر قاسم خان پسر سوگلی ناصرالدین شاه و جیران بوده است. در ۱۲ سالگی در سال ۱۲۸۸ پس از احراز مقامات گوناگون و مشاغل مختلف رییس کل دارالطباعه و دارالترجمه و ملقب به‌صنیع‌الدوله شد، اعتمادالسلطنه گذشته از انتشار روزنامه ایران سلطانی و ایران، در طی این بخش از عمر خود موفق به‌کارهای مهم فرهنگی در کشور شد. شغل اصلی وی خواندن روزنامه برای شاه بود، به‌قول خودش نقالی، چه شاه از خبر خوشش نمی‌آمد داستان و نوول دوست داشت. کار مهم دیگر وی تدوین خاطرات است که به‌دست زنش اشرف‌السلطنه نوشته شد و یکی از مهمترین و سنگین‌ترین منابع تاریخ قاجاریه است. مدفون در وادی‌السلام نجف.

○ ر ج ۳/۳۳۰ + سیاستگر ۱۶۹.

▣ **اعتماد السلطنه محمدباقر خان،** نوه حاجی علی خان فراشباشی متصدی قتل امیر کبیر و برادرزاده محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (فرهنگی‌ترین رجل عصر قاجارها) محمدباقر خان جانشین عمویش که در همان سال قتل ناصرالدین‌شاه فوت کرد شد اما نتوانست دستگاه عریض و طویل عمو را بچرخاند. محمدباقر مانند پدرش ابتدا غلام بچه درباری بود و سرانجام به‌مقام ارجمند پیشخدمت مخصوص رسید، محمدباقر خان در ۱۸۹۱ به‌نیابت اداره باغات و عمارات دولتی و در ۱۸۹۶ به‌ریاست دارالتألیف و در ۱۹۰۴ به‌ریاست نظمیه ایران رسید.

○ فرجال ۲۸.

▣ **اعلم‌الدوله،** دکتر خلیل خان ثقفی، پسر حاج میرزا عبدالباقی اعتضادلااطبا (که بر کلیات قانون ابن‌سینا تعلیقاتی نوشته و در حواشی کتاب مزبور به‌طبع رسیده است) در سوم ربیع ثانی ۱۳۶۲ در نودسالگی در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری به‌خاک سپرده شد.

وی طبیب حضور مظفرالدین شاه و از عوامل به‌امضارساندن فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه بوده است و در این رابطه پس از مرگ این شاه برای وی گرفتاریهایی نیز به‌وجود آمد. کار مهم علمی و فرهنگی وی کتاب صدویک حکایت است و به‌قول مرحوم قزوینی اگر با آن عمر طولانی و آن همه نزدیکی به‌دربار و رجال ایران، می‌خواست قصه‌های زمان خودش را بنویسد، صد جلد کتاب نظیر روضة‌الصفا یا حبیب‌السیر می‌شد. وی برادر بزرگتر دکتر عبدالحمیدخان متین‌السلطنه بوده است.

○ ز ۲۱۷ + آرامگاه سعدالدوله. رج ۴۸۸ + یا ق ۱۷۶/۸.

▣ **افتخارالحکماء اسماعیل،** متولد طالقان پس از تحصیل در باب پزشکی سنتی و ریاضی قدیم و سفر به‌سن‌پطرسبورگ مقیم سبزوار شد و حدود شصت سال در این شهر صبحها طبابت و عصرها تدریس می‌کرد. در ۱۳۴۵ یا ۱۳۴۸ جان سپرد و در سبزوار در آرامگاهی که خود ساخته بود، چسبیده به‌آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری، به‌خاک سپرده شد.

○ ز ۲۲۳.

▣ **افضل‌الدین کاشانی**، بابا افضل فیلسوف و شاعر در قریه مرق نیاسر در سی‌کیلومتری جنوب کاشان زاده شد. به‌وی بابا بیات هم خطاب شده است (ل ۲۷۹۶) در ۷۰۷ جان سپرد و در تخت فولاد اصفهان به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن (۱۴) + معماری ایلخانی با تصویر ۲۰۳ + آ ط ۳۲۸ + د ۳۵۷.

▣ **افضل کرمانی**، دانشمند و مورخ معاصر با شاه اسماعیل صفوی. م ۹۱۰، مجاور با آرامگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات.

○ ل ۲۱۲۰.

▣ **اقبال آشتیانی، عباس**، دانشمند و تاریخ‌نگار عصر پهلوی، از دارالفنون فارغ‌التحصیل شد و پس از پایان درس معلم همان مدرسه شد. وی تحصیلات خود را در فرانسه ادامه داد و پس از بازگشت، استاد دانشگاه در رشته‌های تاریخ و جغرافیا و ادبیات شد آخرین سمت وی رایزنی فرهنگی ایران در رم بود. از وی آثار مهمی برجای مانده است، فهرست در مقدمه تاریخ مغول. فوت در ۲۱ بهمن ۱۳۳۴ در رم. جنازه‌اش را به‌تهران آوردند و در آرامگاه ابوالفتوح رازی در شهر ری به‌خاک سپردند.

○ د ۱۸۲ + ز ۲۴۳ + مجموعهٔ اقبال.

▣ **اقبال لاهوری**، علامه محمد، (۱۲۹۶-۱۳۵۷)، اهل سیالکوت پاکستان، شاعر، متفکر، معلم و اصلاح‌طلب بزرگ مسلمان. در بحبوحه نهضتهای استقلال‌طلبانه مردم شبه‌قاره وی سفری به‌اروپا کرد و در آلمان دکترای فلسفه گرفت. اقبال طرفدار احیای فکر دینی در اسلام بود و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرد. اقبال به‌راهی رفت که پیش از او سید جمال‌الدین رفته بود، منتها معتقد بود که بدون حصول معنویت نمی‌توان به‌اتحاد و یگانگی اسلامی رسید، امروزه اقبال‌شناسی یک رشته مهم ادبی سیاسی اجتماعی است و در پاکستان از اهمیت خاص برخوردار است. اشعار اقبال به‌دو زبان فارسی و اردو سروده شد و این سراینده بی‌نظیر بدون اینکه به‌ایران سفر کرده باشد و بدون اینکه بتواند به‌فارسی سخن بگوید، این آثار مهم را از خود به‌یادگار گذاشت. وی در ۱۹ صفر ۱۳۵۷ فوت کرد و در لاهور در کنار مسجد پادشاهی به‌خاک سپرده شد.

○ یا ق ۲۳۳ + اریانتال گالج شماره مخصوص اقبال + د ۱۸۲ + میراث ۵۰۳/۲.

▣ **اکبر، فتح‌الله**، (۱۲۳۴-۱۳۱۷ خ) فرزند میرزا محمدعلی خان گیلانی برادرزاده اکبرخان بیگلربیگی ثروتمند معروف و اجاره‌دار گمرکات، وی با بیوه عمو ازدواج کرد و مدارج ترقی را تا ریاست وزرا پیمود. اکبر از طرفداران سیاست بریتانیا در ایران بود و خط‌مشی سیاسی‌اش از کانالهای خاص استعماری می‌گذشت وی لقبهای متعدد گرفت که از آن جمله بود سردار منصور، سپهدار رشتی و سپهدار اعظم. وی دوبار نیز نمایندهٔ مجلس شد، دوره‌های دوم و پنجم و سرانجام در تهران مرد و در ابن بابویه به‌خاک رفت.

○ ز ۲۴۶ + ایران در جنگ، ۱۸.

▣ **اکبرشاه بابری**، با سبکی متأثر از معماری ایرانی در نزدیکی آگرای هند در باغی مجلل در سکندره هفت کیلومتری آگرا که کتیبه‌های آن در سال ۱۰۲۲ با همکاری عبدالحق بن قاسم شیرازی تدارک شده است.

○ مغولان بزرگ ۱۲۴ + شهرهای بابری (مغولی) ۳۳ هردو کتاب به‌انگلیسی. + معماری هند روبه‌روی صفحه ۱۰۰ تصویر ۷۵ + ۱ و ۱۸۷.

▣ **اکبر و اشعار فارسی**، در قصبه سکندره که به‌قول شادروان علی‌اصغر حکمت، بهترین نمونه برای ظهور آثار پارسی در مقابر سلاطین هند است. اکبر متولد ۹۵۰ که از ۹۶۳ تا ۱۰۱۴ پادشاهی کرد پس از فوت در آگره در این آرامگاه مجلل به‌خاک سپرده شد، در دیواره و سنگ گور وی اشعار نغزی به‌خط عبدالحق شیرازی نوشته شده است.

○ نقش پارسی ۹۹.

▣ **اکمل‌الدین مظفر بزازی**، نزدیک حظیره بابا فرید در کوی سرخاب تبریز محدث، مفتی، مفسر، فقیه و لطیفه‌گو، کتابی در دست است که او نوشته، درگذشت ششم محرم‌الحرام ۸۰۸.

○ کوی سرخاب ۱۹۸.

▣ **اَلتوتمیش**، ایلتوتمیش سومین پادشاه از ترکان ممالیک که در شعبان ۶۳۳ در دهلی به‌تخت نشست. مشوق زبان و ادب فارسی.

○ معماری هند روبروی ص ۱۳ تصویر ۸ + نخ ۴۲۲.

▣ **الجایتو** ← آرامگاه سلطانیه.

▣ **الراشد بالله**، (راشد) خلیفه عباسی که در ۵۷۰ در اصفهان مرده است.

○ آ ص ۸۵۴ + بنای سلجوقی. معماری ۹۱/۲.

▣ **اُلُغ بیگ**، در آرامگاه امیر تیمور، گورامیر سمرقند.

○ سیمرغ ۱۴۰.

▣ **الله وردی خان**، سردار عصر شاه عباس و بانی سی وسه پل. مشهد زیرگنبد الله وردی خان پایین پای حضرت ثامن‌الائمه.

○ ل ۲۷۹۰.

▣ **الیاس**، شاید مدفن صمصام‌الدین محمود از اتابکان لر کوچک در منطقه چگنی در کنار حیات‌الغیب.

○ آل ۲۶۴.

▣ **امام بخاری**، صاحب صحاح بخاری. تاشکند.

○ سیما دوم تیر ۱۳۷۲.

▣ **امام جَعده** در حظیره، باباحسن کوی سرخاب تبریز.

○ کوی سرخاب ۱۲۷.

▣ **امام جمعهٔ دوم تهران**، میرسید ابوالقاسم، اولین نفر میرمحمد مهدی بوده است که در عصر فتحعلی شاه امام جمعه تهران شد. این خانواده از زمان صفویه در اصفهان ریاست روحانی داشته‌اند. جد مجدایشان میرعبدالواسع دامادمجلسی بود و امام جمعه اصفهان در عصر صفویه. میرابوالقاسم ابتدا امام جمعه اصفهان بود، چون به‌مناسبتی به‌تهران آمد عمش، میرمهدی که فرزند نداشت او را به‌فرزندی پذیرفت و بدین روال وی دومین امام جمعه شد. مدفون در سر قبر آقا. این بنا را ناصرالدین شاه برای میرسیدابوالقاسم ساخت و پس از وی آرامگاه این خانواده شد.

○ رجال ناصری ۲۴۹.

▣ **امام جمعهٔ سوم تهران**، میرزا زین‌العابدین (اصلاً اصفهانی) تهران سر قبر آقا، مقبره پدرش.

○ ر ج ۴۸/۲ + ابتدا داماد دوستعلی خان معیرالممالک شد و پس از فوت همسرش، زهراخانم دختر معیر، با ضیاءالسلطنه دختر ناصرالدین شاه عروسی کرد. پدر سیدجواد ظهیرالاسلام دولتمرد عصر پهلوی دوم.

○ ر ج ۴۸/۲+ رجال ناصری ۲۵۰

▣ **امام جمعه‌های تهران،** سر قبر آقا در جنوب تهران، بنا از دوران ناصرالدین شاه با گنبد دوپوش کاشیکاری و حرم و رواق و ایوان آیینه‌کاری و تزیینات گچ‌بری، در وسط یک باغ که در دهه‌های اخیر از وسعت آن کاسته شده و با اصل بنا نامناسب شده است.

○ آ ط ۴۳۷ + معماری ۷۴.

▣ **امام جمعه خویی،** حاج میرزا یحیی خوشنویس و مجتهد و وکیل مجلس. م ۱۳۲۴، نجف.

○ ز ۲۵۶ + د ۲۳۴

▣ **امام حَفَده،** عمدة‌الدین ابومنصور عارف و فقیه م ۵۷۳، مقبره یا امامزاده منسوب به‌حلیمه‌خاتون خواهر حضرت رضا(ع) معروف به‌خانم امامزاده.

○ آ ذ ۱۱۸.

▣ **امامزاده اباذر در جاده کرج**(۱)، قزوین از سده هفتم.

○ معماری ۹۴/۲.

▣ **امامزاده ابراهیم،** بنای معمولی در قم، از سال ۷۳۰.

○ معماری ایلخانی ۱۹۲.

▣ **امامزاده ابوالفضل و یحیی در محلات بالا،** محراب آن که تاریخ ۷۰۱ـ۷۰۸ را دارد بر جای مانده است، بعدها بنا را طوری تعمیر کرده‌اند که بنای اصلی دیده نمی‌شود، بین دلیجان و خمین.

○ معماری ایلخانی ۱۴۴.

▣ **امامزاده احمد در اصفهان،** در این امامزاده سنگ سیاهرنگی است که می‌گویند سلطان محمود از هندوستان آورده است با کتیبه‌ای مورخ ۵۶۳.

○ آ ص ۷۴۲ + تصویرِ رنگی د ب ۶۸۹/۶.

▣ **امامزاده احمد در لواسان تهران،** از سدهٔ هفت یا هشت،

○ معماری ۸۳/۳.

▣ **امامزاده احمدبن قاسم در قم،** از ۷۰۸.

○ معماری ایلخانی ۱۵۰.

▣ **امامزاده ازهر، در درجزین همدان،** بنایی از دوران ایلخانی، برج با گنبد مخروطی شکل.

○ معماری ایلخانی ۲۰۴ با تصویر.

▣ **امامزاده اسحاق یا امامزاده ساوه،** فرزند موسی کاظم(ع) در ساوه.

○ معماری ایلخانی ۱۲۴ با تصویر.

▣ **امامزاده اسماعیل در قم،** بنایی از دوره ایلخانان سال ۷۷۶.

○ معماری ایلخانی ۲۰۲.

▣ **امامزاده اطهر در درجزین همدان،** بنای مغولی.

○ معماری ۹۵/۲.

▣ **امامزاده پلنگ آباد،** اشتهارد در کنار جاده کرج اشتهارد مانده از سده هشتم.

○ معماری ۷۷/۲.

▣ **امامزاده پیر** ← آرامگاه پیر.

▣ **امامزاده جعفر در اصفهان،** بنایی از سال ۷۱۰ برای سیدجعفر شمس‌الدین میان میدان امام (شاه) ومسجدجمعه‌اصفهان.

○ معماری ایلخانی ۱۷۳ + هنر ۳۵۴/۸.

▣ **امامزاده جعفر،** در دامغان خیابان امام از سده

۱- در بخش امامزاده‌ها تنها امامزاده‌هایی را آورده‌ایم که از لحاظ معماری بنای قابل‌توجهی دارند، از آغاز تا عصر شاه‌عباس صفوی.

پنج تا ده.
○ معماری ۹۵/۲.
◙ **امامزاده جعفر در قم**، مانده از ۶۶۷.
○ معماری ۷۹/۲.
◙ **امامزاده جعفر در یزد**، محلهٔ عتیق از سده هشت به‌بعد.
○ معماری ۹۲/۲.
◙ **امامزاده حسین در قزوین**، از سده نهم - صفوی.
○ معماری ۹۴/۲.
◙ **امامزاده حسین در ورامین**، بنای مغولی.
○ معماری ۷۷/۲ + معماری ایلخانی ۱۹۰، شاه حسین، محراب سالم است با تاریخ ۷۲۸.
◙ **امامزاده حمزه رضا در شیروان**، بنای غزنوی.
○ معماری ۸۰/۲.
◙ **امامزاده حوا خاتون**، در توت‌آباد اراک مانده از ۴۸۵.
○ معماری ۸۰/۲.
◙ **امامزاده خواجه عمادالدین** در قم، از ۷۹۲ نزدیک دروازهٔ کاشان، برمبنای کتیبه سه برادر دراین محل به‌خاک سپرده شده‌اند.
○ معماری ایلخانی ۲۰۲.
◙ **امامزاده ربیعه خاتون**، در اشترجان اصفهان مانده از ۷۰۸.
○ معماری ایلخانی ۱۵۰.
◙ **امامزاده ساوه** ← آرامگاه امامزاده اسحاق.
◙ **امامزاده سیدالسادات در گلپایگان**، از سدهٔ هشتم.
○ معماری ۹۰/۲.
◙ **امامزاده شاه بالو** در سوادکوه، مازندران از سده هشت.

○ معماری ۸۳/۲.
◙ **امامزاده شاه حسین** ← امامزاده حسین در قزوین.
◙ **امامزاده شعیب**، در دوزال اهر بنای ایلخانی.
○ معماری ۸۳/۲.
◙ **امامزاده صالح** در تهران، شمیران از سده هفتم و هشتم.
○ معماری ۷۷/۲.
◙ **امامزاده عبدالله**، برج آرامگاهی دماوند، بنایی از عصر مغول حدود سده هشتم که از یک بدنهٔ استوانه و یک کلاهک مخروطی درست شده که بعدها با کاشیهای سبز پوشانده شده است. بنا آجری است با تزیینات داخلی و کتیبه.
○ معماری ایلخانی + ۱۴۳ ایران یک تصویر ۱۵.
◙ **امامزاده عبدالله** در فارسجین ضیاءآباد قزوین، مانده از سدهٔ ششم.
○ معماری ۹۴/۲.
◙ **امامزاده عسکری** در کیفان بجنورد، از سده هفتم.
○ معماری ۸۷/۲.
◙ **امامزاده علی در سادات**، بویراحمدی از سده‌های ۷ و ۸.
○ معماری ۹۶/۲.
◙ **امامزاده علی بن ابوالمعالی**، در قم از ۷۶۱.
○ معماری ایلخانی ۱۹۹.
◙ **امامزاده علی بن جعفر در قم**، از سالهای ۷۰۰ تا ۷۰۵.
○ معماری ایلخانی ۱۴۴.
◙ **امامزاده غلام رسول در** چاه‌بهار بلوچستان، تیموری.
○ معماری ۹۷/۲.

▣ **امامزاده قاسم** در کنار دریاچه سد سفیدرود، احتمالاً از عصر آل بویه.

○ آق ۴۱۵.

▣ **امامزاده قاسم** در قم، نزدیک دروازه قلعه مانده از سده هشتم.

○ معماری ۷۸/۲.

▣ **امامزاده کرار** در بوزان اصفهان، مقبرهٔ زیارتی یک مجموعه حاوی مسجد و آرامگاه زیارتگاه با کتیبه‌ای حاوی نام امامزاده شاهزاده ابراهیم ولد امام جعفر صادق. مانده از ۷۳۰.

○ معماری ایلخانی ۱۶۱.

▣ **امامزاده محسن**، در ۱۴ کیلومتری مغرب همدان از ۷۲۵

○ معماری ۹۵/۲.

▣ **امامزاده میرمحمد** در جزیره خارک، بنای ایلخانی با گنبد مخروطی تحت نفوذ معماری عراق جنوبی با تزیینات و کاشیکاری نام استاد هنرمند باقی است ولی تاریخ بنا مفقود شده احتمالاً بنا از سده هشتم برجای مانده است.

○ معماری ایلخانی ۱۹۸ میرمحمد.

▣ **امامزاده موسی بن جعفر** در تویسرکان، از سدهٔ ششم.

○ معماری ۹۵/۲.

▣ **هادی ابن علی** در همدان گلگشت باباطاهر، از سدهٔ هفتم.

○ معماری ۹۴/۲.

▣ **امامزاده هود** در خوین همدان، که بدان امامزاده صفیه خاتون هم گفته می‌شود اثری از دوران ایلخانی.

○ آق ۳۰۴ + در رَزَن همدان بنای مغولی، معماری ۹۵/۲ + معماری ایلخانی ۲۰۴.

▣ **امامزاده یحیی** در زنجان، از سده‌های ۷ و ۸.

○ معماری ۹۶/۲.

▣ **امامزاده یحیی** در سبزوار، از سدهٔ ششم.

○ آ خ ۴۰۸.

▣ **امامزاده یحیی** در سمنان، انتهای بازار بنای تیموری.

○ معماری ۹۵/۲.

▣ **امامزاده یحیی** در گنبد کاووس، مانده از سده هشتم.

○ معماری ۸۳/۲.

▣ **امامزاده یحیی** در ورامین، بنای ایلخانی سلجوقی که دیولافوا آن را در ۱۸۸۱/۱۲۹۳ دیده و معرفی کرده است ضمناً از محرابی سخن می‌گوید که امروز نیست، ظاهراً یک ملاک ثروتمند آن را به‌پاریس برده و فروخته است.

○ معماری ایلخانی + ۱۲۱ هنر ۴۰۰/۸.

▣ **امامزاده یونس** در لواسان بزرگ تهران، بنای تیموری.

○ معماری ۷۷/۳.

▣ **امام رافعی، ابوالقاسم عبدالکریم**، فرزند احمد عالم حدیث و تفسیر، در قزوین.

○ نادر ۴۹۸.

▣ **امامزاده ضامن، امام محمدعلی مشهدی**، معروف به‌سیدحسین پای‌منار، از آن لحاظ که در کنار قطب منار دهلی ساخته شده است. این شاعر عارف در زمان سکندرشاه لودی از مشهد به‌هند آمد و مقیم شد و این آرامگاه در حیات وی به‌سال ۹۴۴ ساخته شده و بر سر در آن کتیبه‌ای به‌فارسی نوشته شده است.

○ نقش پارسی ۸۱.

▣ **امام طلحه برادر امام هَفدَه طوسی**، معاصر

غـزالی و از شـاگـردان وی کـه در واقـعهٔ غـز به‌آذربایجان گریخت. م ۵۷۱ تا ۵۷۳ مزار وی در حوالی کوه عرب واقع است.

○ کوی سرخاب ۱۷۷.

▣ **امام محمد فرزند اسماعیل بـخاری**، صـاحب صحیح بخاری، سمرقند.

○ قندیه ۱۳۰.

▣ **امام ناصرالدین**، مشهور به‌خان سـید امـام در سمرقند

○ سمریه ۱۷۵

▣ **امان‌الله میرزا ضیاءالدوله**، پسر جهانگیر میرزا، پسر سیف‌الله میرزا پسر چهل ودوّم فـتحعلی‌شاه جـدّ خـاندان جـهانبانی کـه بـه‌عنوان اعـتراض بـه‌روسهای اشـغالگر و هـمکاری انگـلستان، در محرّم ۱۳۳۰ خودکشی کرد. تبریز سیدحمزه.

○ ر ج ۱۶۵ + پدر سپهبد امان‌الله میرزا جهانبانی رهبر ۳۱۹/۲.

▣ **امیته بن عمر و ابن امیه** از صحابه یا تابعین، در سرخاب تبریز

○ کوی سرخاب ۹۵

▣ **امـید**، قـاضی مـعروف مـعاصر، م ۱۳۳۲خ. امامزاده قاسم تهران.

○ ز ۲۶۶.

▣ **امیر ارغون** ← آرامگاه رادکان، میل رادکان.

▣ **امیر اسماعیل سامانی**، اسـماعیل سـامانی. در بخارا بنایی ازسال ۳۹۵. تنها عمارت به‌جامانده از سامانیان.

○ ابدیت ۱۴۴/۲ با تصویر + در ۹۰۷م سـاخته شده بیش از هر بنای دیگر عصر اسلامی، ساسانی است با تصویر. تأثیر هنر ساسانی ۹۶ + هنر ایران ۲۶۴/۸ + هنر و مردم ۳۷/۵۷ + ۱۷۲+ معماری ایران ۸۱/۲.

▣ **امیر اشرف**، اختیارالدیـن، اولیـن تـلگرافـچی ایران که در ۹۴ سالگی در لنگرود مرد و به‌خاک رفت.

○ سیما ۷۳/۵/۱۰.

▣ **امیراکرم**، چراغعلی خان پسرعموی رضاشاه و مـعاون دربـار وی. م ۱۳۰۹خ تـهران حـضرت عبدالعظیم.

○ ظهور ۲۹.

▣ **امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام**، در مزار شریف، سنگ قبری با کتیبه: هذا قبراسدالله ۱ خ رسول‌الله علی ولی‌الله.

○ س ۴۴۹. البته آرامگاه اصلی در نجف است.※

▣ **امیرالمؤمنین**، بقعه منسوب به‌امیرالمؤمنین در غرب آبادی دوپیرون یا کوشکک گتوند لرستـان، ظاهراً یـادگاری از آثـار بـرجـای مـانده از اعـصار کهن.

○ د ش ۷۵۹.

▣ **امیراویس**، در کنار جادهٔ اردسـتان زواره فـقط سنگ از قرن دهم.

○ آ ص ۱۲۸ + د ت ۳۴.

▣ **امیراویس**، امیرمحلیّ اردستان در عصر صفوی که در طی جنگی با نیروی شاهِ صفوی کشته شد. دو قطعه سنگ افقی و عمودی به‌روی تپه‌ای در مغرب اردستان.

○ شهرها ۲۴۴/۴.

▣ **امیربنده**، در گیلان کلاچای قاجاریه.

○ معماری ۸۲/۲.

▣ **امیر توکل کامبوزیا**، محقق معاصر، م ۱۳۵۳ خ در کـتابخانه‌اش کـلاته کـامبوزیا ۴ کـیلومتری زاهدان.

○ سیما ۷۳/۸/۹.

▣ **امیرتیمور گورکانی یا تیمور لنگ،** (۷۳۶-۸۰۷) در کش زاده شد. نسب وی از سوی مادر به‌چنگیزیان می‌رسید از این‌رو به‌وی گورکان و گورکانی لقب دادند چه در ترکی گورکان یعنی داماد، وی فاتح آسیا لقب گرفت اما لقب واقعی وی صاحبقران بود. از ۷۷۱، امیر تیمور در فتوحات خود سلسله‌ای چندی را برانداخت و شهرهای مهمی را از صفحه روزگار محو کرد. در دوران جانشینی وی در ایران هنر شکوفایی یافت و تیموریان از این لحاظ در تاریخ ایران درخشش خاص دارند، همان گونه که در هند نیز شاخه‌ای دیگر از ایشان درخشش یافتند. وی در عمر خود بیش از ۳۵ لشکرکشی کرد و تاج ۲۷ سلطان را بر سر نهاد. امیرتیمور در آخر عمر متوجه چین شد و برای اجرای برنامه‌های خود از سمرقند بیرون رفت اما در شهر اترار مرد، بدنش را به‌سمرقند بردند و در آرامگاهش که بعدها به‌گور امیر معروف شد به‌خاک سپردند.

○ د ۲۵۲ + سیمرغ ۱۵۰ + هنر ۱۴۰/۸ + معماری ایران ۱۹۴.

▣ **امیر چوپان،** سردار معروف ابوسعید ایلخانی که توسط ابوسعید به‌قتل رسیده بود، قبرستان بقیع مجاور قبر امام حسن(ع) و خلیفه سوم.

○ بحث حافظ ۳۰ + همراه با جنازه جلادخان. تاغ ۲۳۹

▣ **امیرحاضر،** بقعه امیر حاضر در چندصدمتری قریه کهگ دزفول. بنایی ساده با ضریحی ارزان که ضلع غربی آن دارای چهار طاقهای زیباست.

○ د ش ۳۵۲ + معماری ۸۵/۲.

▣ **امیرحسن دهلوی ←** آرامگاه حسن دهلوی.

▣ **امیرخان سردار،** شاهزاده وجیه‌الله میرزا پسر عضدالدوله قاجار و برادر عین‌الدوله از رجال معروف عصر ناصری که ابتدا لقبش سیف‌الملک بود. وی از سوی ناصرالدین شاه مأمور دفع ترکمانان شد و در عصر مظفرالدین‌شاه در رأس هیأتی برای تبریک به‌جلوس نیکلا امپراتور روسیه به‌آن صفحات رفت. م ۱۳۲۲، حضرت عبدالعظیم.

○ د ۲۵۲.

▣ **امیرخسرو دهلوی،** (۶۵۱-۷۲۵) مشهورترین شاعر پارسی گوی هند، پدرش از ترکان جغتایی بود و خود وی در فتنه مغول از بلخ به‌دهلی گریخت و در خدمت شمس‌الدین اَلتُتمش ملقب به‌امیرسیف‌الدین محمود شمسی شد. وی شاعری عارف و موسیقیدان و پیروسبک سعدی و از ارادتمندان نظام‌الدین اولیاء بود. از وی آثار مهمی برجای مانده از جمله هشت بهشت به‌تقلید از خمسه نظامی و پنج گنج، خسرو در دهلی فوت کرد و در نظام‌الدین در آرامگاهی که بعدها همایون‌شاه‌برگورش‌ساخت‌وحامل‌اشعار پارسی بسیار است به‌خاک سپرده شد.

○ د ۲۵۲ + نقش پارسی ۵۹.

▣ **امیرخیزی،** اسماعیل، آزادیخواه و نویسنده آذربایجانی. م ۱۳۴۴، شهر ری مسجد فیروز آبادی*

▣ **امیرزاده،** بنایی از سال ۷۸۸ در شاه‌زنده سمرقند با تصویر.

○ سیمرغ ۱۴۷.

▣ **امیرسید کمال‌الدین،** در بهشهر روستای کوهستان، قرن نهم.

○ معماری ایلخانی ۸۳.

▣ **امیرشاهی،** امیر آقا ملک با تخلص شاهی معروف به‌امیر شاهی سبزواری، پسر ملک جمال‌الدین از اعاظم امیران سربداری، امیرشاهی، در سبزوار می‌زیست، بایسنقر میرزا وی را به‌هرات خواند و برخی از املاک او را که ضبط شده بود به‌وی داد. امیر شاهی خوشنویس و شاعر و موسیقیدان بود و عود می‌نواخت و نقاش و مذهب نیز بود. م ۸۵۷ یا ۸۵۹ در سن بیش از هفتاد. جسدش‌را طبق وصیت به‌سبزوار آورده در آرامگاه خانوادگی در بیرون شهر سبزوار به‌خاک سپردند. وی مدتی حکمران استرآباد بود ← آرامگاه شاهی.

○ خوش ۷۷.

▣ **امیر شمس‌الدین قره سنقر** نایب‌السلطنه مصر حاکم مراغه. م ۷۸۲ ← آرامگاه غفاریه.

▣ **امیر شوکت‌الملک،** محمّدابراهیم خان، حرم مطهّر رضوی. پدر اسدالله خان علم، آرامگاه خانوادگی ایشان در ایوان طلای حرم مطهر دیوارهٔ دست راست قرار داشت که پس از انقلاب آن را به‌جای دیگری انتقال دادند.

○ ر ج ۶/۲۰۶*

▣ **امیر صفی قلی خان دنبلی،** سپهسالار شاه عباس دوم که در تسخیر قلعه قندهار ناموفق بود و در کاشان منزوی شد، آستانه حضرت معصومه آرامگاه شاه صفی صفوی ۱۱۱۶.

○ تا کاشان ۳۲۴.

▣ **امیر طهماسبی،** عبدالله امیرلشکر (سرلشکر) فرزند محمدحسن معروف به‌حاجی خان. وی از افسران قدیمی قزاقخانه و از خادمان رضاخان پهلوی در نیل به‌سلطنت ایران بود. هنگام کودتای رضاخان وی امیرتومان و رییس گارد احمدشاه بود، اما پس از کودتا خود را در اختیار پهلوی قرار داد و به‌حکمرانی آذربایجان رسید اما روی‌هم رفته کمتر از آنچه انتظار داشت سردار سپه در حقش به‌انجام رساند و نظر به‌سوابق و علو درجه، دیکتاتور ایران نخواست او را بیش از حد ترقی دهد و سرانجام مغضوب شد، اما رضاشاه منتظر فرصت بود تا اینکه امیر طهماسبی روز ۱۴ فروردین ۱۳۰۷ در حین بازدید از جاده میان بروجرد ـ خرم‌آباد، در نزدیکی تپه رازان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در بروجرد جان داد و در همان شهر به‌خاک سپرده شد. سردار سپه در مجلس یادبود او مشارکت داشت. از وی تألیفاتی برجای مانده که از آن جمله است: تاریخ شاهنشاهی پهلوی.

○ ز ۱۷۹.

▣ **امیرعبدالغفار،** جد سادات طباطبایی تبریز، در دو منار سرخاب. طباطبا از آن لحاظ که جدشان ابراهیم پسر اسماعیل دیباج، گرفتگی در زبان داشته و وقتی پدر او را مخیر می‌کند که بین قبا و پیرهن، یکی را بخرد می‌گوید طباطبا یعنی قباقبا.

○ کوی سرخاب ۱۶۵.

▣ **امیرعبدالله،** منارجنبان اصفهان بنای مغولی.

○ معماری ۹۱/۲.

▣ **امیرعلی اکبرخان حسام‌الدّوله،** امیرتومان حاکم سیستان. م ۱۳۳۳، مشهد مقبره خاص امیران قائن. وی فرزند ارشد امیر قائنات‌امیرعلم‌خان بود.

○ ر ج ۴۳۴/۲.

▣ **امیرعلی شیرنوایی،** (۸۴۴-۹۰۶) معروف به‌فانی نویسنده و شاعر ترکی‌گوی و فارسی‌سرای، رفیق و همدرس سلطان حسین بایقرا و وزیر وی و دوست عبدالرحمان جامی‌که

اکثر کارهایش به‌ترکی جغتایی است. دیوان اشعار فارسی وی ۶۰۰۰بیت است نوایی تخلص ترکی و فانی تخلص فارسی وی است. از وی آثار فراوان مانده از جمله کتابی درباب برتری ترکی بر فارسی.

○ د ۱۷۶۵.

▣ **امیرغیاث‌الدین بیک دنبلی**، جد ضرابی‌های کاشان، معاصر با شاه‌عباس، قم حضرت معصومه بقعه شاه صفی.

○ تا کاشان ۳۲۶.

▣ **امیرغیاث‌الدین ملکشاه**، در بنایی که امروز به‌عنوان مسجدشاه معروفیت دارد، در محله چهارباغ مشهد با کتیبه‌ای حاوی نام امیرملکشاه و سنه ۸۸۵.

○ هنر و مردم ۸۱/ آذر و دی ۱۳۴۷.

▣ **امیرکبیر** ← آرامگاه میرسیدعلی همدانی.

▣ **امیرکبیر، میرزا تقی خان فراهانی**، پس از شهادت او را در پشت مشهد کاشان به‌خاک سپردند و پس از چندی به‌امر ناصرالدین شاه به‌عتبات نقل دادند بنای یادبود و اقدام برای بازسازی خانه امیرکبیر در مهران هزاوه و تدارک مجسمه امیرکبیر از روی تابلو قلمی چهره وی، کار حسن مهران که در عصر خود وی ساخته شده است.

○ کارنامه ۷۴۵ + د ۲۵۲ + رج ۳۱۸.

▣ **امیرکُن**، بقعه امیرکُن در شمس‌آباد دزفول که بدان امیر کاشان هم گفته می‌شود، در درون بقعه آثار نقاشیهای ظریف و جالبی دیده می‌شود که با تعمیرات آسیب دیده‌اند.

○ د ش ۳۳۶.

▣ **امیرگونه کُرد زعفرانلو**، پسر محمد حسین خان ایلخانی، از امیران بزرگ خراسان که در لشکرکشی فتحعلی شاه به‌خراسان از شاهرخ حمایت کرد. م ۱۲۳۴، رواق حضرت رضا(ع).

○ رج ۵۳/۶.

▣ **امیرمبارزالدین آل مظفر**، معاصر با حافظ. میبُد مدرسه مظفّریه.

○ بحث حافظ ۱۶۱ + د ب ۱۴۴/۲.

▣ **امیرنظام**، حسنعلی خان گروسی (۱۲۳۷-۱۳۱۷) ملقب به‌سالار عسکر و سالار لشکر و امیرنظام که از رجال خوشنام و لایق و هنرمند عصر قاجاریه است و از هشتادسال عمر شصت وچهارسال آن در خدمات گوناگون گذشت. فقط حاج میرزا آقاسی بود که وی را از مقام خود برکنار کرد و حکومت گروس را به‌یکی از محارم خود سپرد. حسنعلی خان برای روشنگری سیاستمداران اروپایی، سفری نیز به‌اروپا کرد و به‌شهرهای لندن و تورن و پاریس و برلن و بروکسل رفت و ضمن تقدیم هدایای ناصرالدین شاه، به‌سلاطین اروپا، دولتمردان آن قاره را نیز در مورد میرزا آقاخان که در همان سال معزول و مغضوب شده بود بااطلاع ساخت. آخرین سمت وی حکمرانی کرمان بود. وی را برابر وصیتش در بارگاه شاه نعمت‌الله به‌خاک سپردند و این رباعی را که خود او گفته روی گورش نوشته:

«ای آنکه به‌رنج بینوایی مرده
در حالت وصل از جدایی مرده
با این‌همه‌آب تشنه‌لب رفته به‌خاک
اندر سرگنج از گدایی مرده»

○ رج ۳۵۹ + خوش معاصر ۵۴ + رجا ۶۷ ـ د ۲۵۳.

▣ **امیره تی‌تی**، در قرن دهم نواحی رودبار و منجیل مقر حکمرانی خاندان حاتمی بوده و به‌منطقه کوهدم، اطلاق می‌شده است. امیره تی‌تی دختر سلطان محمدخان حاتمی بوده که در ۹۴۵ در نبرد با خان احمدخان حکمران لاهیجان کشته شد به‌این بنادر محل مزار سید پرنور گفته می‌شود.

○ آ ق ۴۰۸.

▣ **امیری، محمدصادق** ← آرامگاه ادیب‌الممالک فراهانی.

▣ (بانو) **امین، نصرت**، مجتهد و دانشمند معاصر فوت در سالهای اخیر در اصفهان تخت فولاد

○ مجله انگلیسی محجوبه. آوریل ۱۹۹۳ با تصویر.

▣ **امین‌الدوله**، میرزا علی خان (۱۲۶۰-۱۳۲۲) پسر حاج میرزا محمدخان سینک که از مردم مازندران مقیم سینک لواسان بوده است. میرزا علی خان از ۱۵ سالگی همراه پدرش که مامور تصفیه امور معوقه میان ایران و عثمانی شده بود، به‌بغداد رفت و مشغول کار شد. امین‌الدوله لقبهای متعدد یافت: منشی حضور، امین‌الملک و امین‌الدوله و تا مقام صدارت بالا رفت وی نه‌تنها خوشنام‌ترین مرد خاندان امینی است، بلکه از خوشنام‌ترین مردان حکومتگر ایران در قرن ۱۴ نیز محسوب می‌شود، وی کوشش بسیار کرد که پسرش محسن خان را برکشد وترقی دهد و حتی دختر شاه را برایش گرفت اما محسن‌خان نتوانست جانشین پدر شود و در حقیقت بعد از علی‌خان، بزرگ این خاندان، خانم فخرالدوله دختر مظفرالدین شاه و مادر دکتر امینی بود. امین‌الدوله را پس از مرگ در تکیه مجاور بقعه آقا سید محمدرضا در لشت‌نشا به‌خاک سپردند.

○ آ س ۴۲۷ + رهبر ۸۹ + ر ج ۳۵۴/۲ + د ۲۵۴.

▣ **امین‌الدوله اصفهانی عبدالله خان**، شعبان ۱۲۶۳ کربلا.

○ رجا ۱۲۶ + د ۲۵۴.

▣ **امین‌الدوله فرخ خان** ← آرامگاه امین‌الملک.

▣ **امین‌الدین جبرئیل**، پدر شیخ صفی‌الدین، در دهکده کلخوران در حومهٔ اردبیل، احتمالاً از اوایل قرن یازدهم، عصر شاه عباس با کاشیکاری و گچبری. در محوطهٔ آن مقبره‌های تاریخی دیگر و یک امامزاده به‌نام سیدحمزه وجود دارد.

○ آ ذ ۱۹۷/۲ + آثار ۲-۲۹۱/۴.

▣ **امین‌الدین، شمس‌الدوله**، گنبد عالی فهرج یزد.

○ سیما شهریور ۱۳۶۸، سیر و سفر.

▣ **امین‌الدین کازرونی**، وزیر اتابک تکله در مدرسهٔ وی، شیراز نزدیک مسجد عتیق. م ۵۶۷.

○ تاما ۱۹۶.

▣ **امین‌السلطان اول**، آقا ابراهیم پسر زال ارمنی از اهالی سلماس که در دستگاه امیرسلیمان خان اعتضادالسلطنه ترقی کرد، مسلمان شد و زن مسلمان گرفت و آقا ابراهیم از این زن به‌دنیا آمد. امین‌السلطان اول مدارج ترقی را به‌سرعت پیمود و سرپرستی چندین اداره را بر عهده گرفت و تا حدی مورد اعتماد شاه قرار گرفت که هنگام کسالت وی امین اقدس را برای عیادتش می‌فرستاد. امین‌السلطان در سفر ۱۳۰۰ ناصرالدین شاه به‌مشهد در قریه داورزَن مرد و در دارالسعاده قم دفن شد.

○ ر ج ۲ + سیاستگر ۱۴۲/۲.

▣ **امین‌السلطان دوم**، میرزاعلی اصغرخان اتابک، صدر اعظم مقتدر ناصرالدین شاه که در ۲۵

سالگی، رمضان ۱۳۰۰ وارث تمام مناصب پدر شد و تا روز قتل شاه صدراعظم بود. اتابک در دوران مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه نیز به‌صدارت رسید، اما عمرش کفاف نداد که به‌صدارت احمدشاه برسد و توسط عباس آقا نامی در جلو مجلس کشته شد. ۲۲ رجب ۱۳۲۵ مدفون در قم آرامگاه اختصاصی.

○ ر ج ۳۸۷/۲ + د ۲۵۴ + سیاستگر ۱۴۲/۲.

▣ **امین‌السلطنه**، حاج محمدعلی خان، ابتدا داماد امین‌السلطان اوّل و بعد مظفرالدّین شاه، رییس صندوق سلطنتی. م ۱۳۴۰ در نودسالگی تهران، مقبرهٔ اتابک در قم.

○ ر ج ۴۱۹/۳.

▣ **امین‌الضرب حاج محمدحسن**، تاجر بزرگ تهران و مسئول ضرب سکه‌های ناصرالدین شاهی بود که یک بار هم مخالفانش توانستند او را متهم به‌سوءاستفاده کنند ولی وی به‌خوبی از عهده رفع و رجوع نواقص برآمده روسفید شد. امین‌الضرب اول، در سال ۱۳۱۶، سه سال بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه در ۶۳ سالگی مرد و در نجف جنب گلدسته حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۳۶۲/۳ + ز ۲۹۱.

▣ **امین‌الضرب حاج محمدحسین**، فرزند حاج محمدحسن که در اروپا تحصیل کرد و پس از آمدن به‌ایران جانشین پدر شد. امین‌الضرب در جریان مشروطیت از ارکان آن نهضت شد و کمکهای مالی وی، موتور فعال انقلاب را به‌حرکت درآورد. امین‌الضرب پیش از انقلاب دوستی بی‌شائبه‌ای با سید جمال‌الدین داشت و پدر و پسر هردو از ارادتمندان سید بودند. پس از شکوفایی مشروطیت امین‌الضرب وکیل تهران شد و نیابت ریاست را برعهده داشت و آخرین سمت وی در عصر رضاشاه ریاست اطاق بازرگانی تهران بود.

حاج محمدحسین شب ۲۵ آذر ۱۳۱۱ به‌سکته قلبی درگذشت و در قم صحن امین‌السلطان دفن شد.

○ ز ۲۹۰ + ر ج ۴۳۰.

▣ **امین‌الملک**، فرخ‌خان پسر میرزامهدی، ابتدا نامش ابوطالب بود پس از دخول در دستگاه فتحعلیشاه، فرخ بیک و فرخ‌خان نام گرفت و لقبهای امین‌الملک و وزیر حضور و بالاخره امین‌الدوله یافت. اولین سمت وی غلام بچگی شاه و اولین مأموریت دولتی وی رفع اختلاف میان فضلعلی‌خان حکمران مازندران و مردم ساری بود که به‌عزل حکمران انجامید. فرخ خان در دستگاه دولت بویژه هنگام صدارت میرزا آقاخان نوری ترقی کرد و در مأموریت پاریس، از سوی میرزا آقاخان معاهده‌ای را با انگلستان امضا کرد که نظیر و تالی معاهده ترکمانچای و مایه شکست وخذلان ناصرالدین شاه شد، از این‌رو فرخ خان را می‌توان از بدنام‌ترین رجال عصر قاجاریه دانست. فرخ خان در ۱۸ صفر ۱۲۸۸ مرد و در آرامگاه خانوادگی درصحن‌کهنه‌قم به‌خاک رفت.

○ ر جا ۱۵۱ + ر ج ۸۰/۳ سیاستگر ۳۰.

▣ **امین خلوت**، میرزا هاشم خان کاشی برادر فرخ خان امین‌الدوله که پس از فوت فرخ خان امین‌الدوله شد (۱۲۶۴-۱۳۴۲). قم در مقبرهٔ فرخ خان امین‌الدوله به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۲۱۵/۳.

▣ **انصاری، خواجه عبدالله** ← آرامگاه خواجه عبدالله‌انصاری.

▣ **انصاری، شیخ مرتضی** - از بزرگترین علمای جهان تشیع، م ۱۲۸۱ در ۶۷ سالگی نجف.

○ رج ۲۶۱/۶ + د ۲۷۳.

▣ **انصاری اصفهانی**، میرزاعلی متولد ۱۲۴۸ اصفهان، فاضل، ادیب و شاعر. م ۱۳۰۵ در ۵۷ سالگی، اصفهان، نجف.

○ رج ۱۵۵/۶.

▣ **انوار** ← آرامگاه شاه قاسم.

▣ **انوری**، بلخی شاعر معروف مدفون در بلخ و یا مقبرةالشعرای تبریز.

○ کارنامه ۶۹۲.

▣ **انوشیروان**، دراشکفت (غار) کول‌کنی در منطقه مازین لرستان (آل ۵۴۴) در تیسفون یا پیرامون آن.

○ آناهیتا ۲۰۶.

▣ **انوشیروان** از قرار خواسته خودش، در شاهنامه فردوسی:

«چومن بگذرم زین جهان فراخ
برآورد باید مرا خوب کاخ
به‌جایی کزو دور باشد گذر
نپرد برو کرکس تیزپر
دری دوربر چرخ ایوان بلند
به‌بالا برآورده چون ده کمند»

○ ش ۲۵۶/۸ + ری ۳۷۸.

▣ **انوشیروان**، از قرار نوشته مجمل‌التواریخ. انوشیروان عادل بر کوهی گویند گنبدی ساخته و او را به‌طلسم بر تخت نشانده.

○ مجمل ۴۶۴ + ری ۳۷۸.

▣ (قبر) **انوشیروان**، آیاغار یا دخمه محل دفن انوشیروان در لرستان است. حمید ایزدپناه.

○ فم ۲۱۷/۴.

▣ **اوترام**، ژنرال اوترام انگلیسی که در جریان جنگهای ملی میان نیروهای انگلیسی و دلیران تنگستان کشته شد کتیبه روی گور را به‌خط عبری نوشتند که کسی نتواند بخواند، نقل از روزنامه جنوب چاپ بوشهر، در این نوشته ایرانیان را که مدافع کشور خود بوده و در برابر مهاجمان انگلیسی مقاومت و جانبازی کردند وحشی خوانده‌اند*

▣ **اوحدالدین بلیانی**، در بلیان یک‌فرسخی کازرون.

○ ل ۴۷۹/۲.

▣ **اوحدی مراغه‌ای**، (۶۷۳-۷۳۷) لنجان.

○ فک مؤلفان ۷۰۳.

▣ **اوحدی مراغه‌ای اصفهانی**، رکن‌الدین اول تخلص صافی دوست داشت. شاعر عرفانی قرن هشتم. م ۷۳۸، آرامگاهش در مراغه با سنگ قبر مورخ ۷۳۸. بنای آرامگاه روبه‌خرابی بود که در ۱۳۵۴ انجمن آثار ملی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) ساختن آرامگاه را آغاز کرد.

○ کارنامه ۶۶۶ + د ۲۹۲.

▣ **اورنگ زیب، بابری** پسرشاه جهان، اورنگ آباد دکن بقعه‌ای مشابه با تاج محل*

▣ **اوزون حسن آق قویونلو**، اصفهان، خواجو دروازهٔ حسن‌آباد بنایی از قرن نهم.

○ تاما ۱۸۰.

▣ **اوکتای قاآن**، حکمران‌مغول پسر چنگیز که در سال ۶۳۱ در یورت اردو بالیغ در شمال مغولستان و دامنه جبال قرا قروم، در اثر افراط در نوشیدن شراب مرد. این شهر بعدها **قراقروم نام گرفت.**

○ تا غ ۱۴۹.

▣ **اولجایتو،** آرامگاه سلطان محمد خدابنده ← آرامگاه سلطانیه.

▣ **اولجای خاتون،** دختر ارغون خان و صومعه چسبیده به‌آن در کوهی مجاور شهر زنجان.

○ س ۲۴۱.

▣ **اولیا سمیع،** خطاط و خوشنویس قرن ۱۳. فوت در شیراز سال ۱۳۰۱ مدفون در عتبات.

○ خوش ۶۲۴ + رج ۲۰۴/۶.

▣ **اویس ایلکانی** ← آرامگاه سلطان اویس.

▣ **اویس‌قرن،** منسوب‌به‌وی‌درشوشترکه به‌کلی خراب شده و از بین رفته است.

○ د ش ۷۴۶.

▣ **اویس قرن،** اویس‌القرن در شمال غرب کرمانشاه، قرن اول تا عصر سلجوقی.

○ معماری ۸۴/۲.

▣ **اهلی شیرازی،** م ۹۴۲، شیراز در پایین آرامگاه حافظ.

○ ۱ ق ۵۳ + تان ۷۴.

▣ **ایجی،** قاضی عضدالدین (۷۰۱-۷۵۶)، دانشمند معروف که به‌مقام قاضی القضاتی ایران رسید و سرانجام در زندان امیر مبارزالدین فوت کرد و در ایج شبانکاره به‌خاک رفت.

○ تا غ ۵۱۰.

▣ **ایرج پسر فریدون،** وسلم و تور برادرانش که توسط منوچهر کشته شدند. در ساری که در زمان ظهیرالدین مرعشی به‌سه گنبد معروف بوده است.

○ مازندرانس ۸۹ + د ۳۳۷.

▣ **ایرج میرزا،** وی در آرامگاه ظهیرالدوله دفن بود و در سال ۱۳۵۲خ برای تهیه سنگ قبر مناسب و بنای آرامگاه برای وی اقدام شد. گور را با سنگ خارا که از گنج‌نامه همدان آورده شده بود پوشاندند و روی آن صفحه فلزی قرار دادند که در بالای آن نوشته شده: ایرج میرزا جلال‌الملک تولد ۱۲۹۰، درگذشت ۱۳۴۴ در دو صفحهٔ فلزی برابر هم با غزل ویژه‌ای که خود بدین منظور سروده بود با این آغاز:

«ای نکویان که در این دنیایید
یا از این پس که به‌دنیا آیید
این که در خاک نهفته است منم
ایرجم ایرج شیرین سخنم»

جمعاً ده بیت.

○ کارنامه ۷۳۸ + ز ۳۱۲ + رج ۱۷۴ + د ۳۳۷+ چهره‌ها ۸۱.

▣ **ایروانی،** علی آقا، آیت‌الله ایروانی (۱۳۰۱-۱۳۵۴) از مجتهدان نامدار با تألیفات مهم. مدفون در حجره کازرونی، نجف.

○ ز ۳۱۹.

▣ **ایزد گشسب گلپایگانی،** شیخ اسدالله معروف به‌ناصرعلی شاه. م ۱۳۶۶ اصفهان تخت فولاد.

○ ز ۳۲۱.

▣ **ایلتوتمیش** ← آرامگاه آلتوتمیش.

▣ **اینانج،** حکمران ری درعصر سلجوقیان، مشابه و معاصر بابرج طغرل که اکنون نیمه ویران است.

○ معماری ایلخانی ۱۴۰ + برج نقاره‌خانه از عصر آل بویه یا سلجوقیان + معماری ۷۷/۲ و ۱۰۵ ایلخانی تصویری که پیش از خراب شدن گرفته شده است.

▣ (منسوب به)، **ایوب پیامبر،** در دهکده بن‌لنگای تنکابن. تاریخ خود بنا معلوم نیست ولی در حیاط آن سنگ قبرهای دویست ساله دیده می‌شود.

○ آ س ۸۷/۳.

▣ **ایوب انصاری**، در دوازده کیلومتری تکاب، از نیمه دوم سده نهم.
○ معماری ۸۴/۲.

▣ (بقعه)، **ایوب انصاری** در تکاب.
فم ۲۲۱/۴.

ب

از آرامگاه باب تا آرامگاه پادشاهان اشکانی

▣ **باب**، سید محمدعلی شیرازی، باب که رجال عصر قاجاریه با وی برخوردهای گونه‌گون داشتند. وی توسط حاجی میرزا آقاسی دستگیر و زندانی شد و پس از آن چون در نقاط مختلف ایران به‌طرفداری از وی، متابعانش آرام نمی‌نشستند به‌توصیه امیرکبیر و موافقت ناصرالدین شاه، وی را در تبریز محاکمه و اعدام کردند. داستان اعدام وی و خوردن تیر به‌طناب دار و فرار وی و دستگیری مجدد و اعدام وی را دقیقاً نوشته‌اند و در پایان مقال آمده است که جسد آن دوتن (نفر دوم ملاحسین یار وفادار وی) را که سوراخ سوراخ شده بود به‌وسط برج میدان انداختند تا خوراک سباع و طیور شدند و یا میان خندق کنار میدان انداختند. اما بنابر ادعای بابیان و بهاییان بدن وی را به‌فلسطین برده در آرامگاهش، در جبل کرمل به‌خاک سپردند. بدیهی است چنین اقدامی در آن عصر بسیار مشکل و تقریباً محال بوده و جای شک در آن است م ۱۲۶۵.
○ ر ج ۲۰۳/۲ + تابها ۲۳۱

▣ **بابااحمد**، در بهبهان ـ کار ندبَهمئی.
○ معماری ۸۶/۲.

▣ **بابا اسماعیل**، در دو منار سرخاب تبریز. خانقاه و آرامگاه خواجه سعدالدین ساوجی از فرزندان شیخ‌احمد جام که در سال ۷۳۸ فوت و در این محل به‌خاک سپرده‌شده‌است. کوی‌سرخاب تبریز.
○ کوی سرخاب ۲۲۸ + آ ذ ۴۰۱.

▣ **بابا افضل** ← آرامگاه افضل‌الدین کاشانی.

▣ **باباُبرکی**، در دهکده نیگجه در آذرشهر آذربایجان، با سنگ قبری که نام عارف پیر بایزید ابن بابا بیدل برآن منقوش است با تاریخ ۷۱۲.
○ آ ذ ۵۱۳.

▣ **بابا بیات** ← آرامگاه باباافضل.

▣ **بابا پیر**، آرامگاه یکی از سرداران مسلمان که در جنگ نهاوند کشته شد.
○ جغ ۱۳۲۵ + احتمالاً آرامگاه باباپیر در خوانسار.

▣ **باباپیر**، در خوانسار، مانده از سده ۶ و ۷.
○ معماری ۹۱/۲.

▣ **بابا توکل**، شاعر قرن چهارم در بجنورد.
○ جغ ۶۲۳.

▣ **بابا حزقیل**، پدر دانیال پیغمبر در محله مسجد جامع دزفول.
○ د ش ۳۷۱.

▣ **بابا حسن**، حظیره باباحسن نهبدی از عارفان

مدفون در آرامگاه شاعران (مقبرةالشعرا) که در ۶۱۰ مرده است.
○ آ ذ ۴۰۰ + کوی سرخاب ۱۲۷.

▣ **بابا حسن**، در لوندویل آستارا، بقعه باباحسن از شاگردان شیخ زاهد گیلانی.
○ آ س ۲۲.

▣ **باباردین**، ردن یا نورالدین در کوچه‌ای به‌همین نام در اورنق تبریز.
○ آ ذ ۹۳.

▣ **بابارکن‌الدین**، تخت فولاد اصفهان. بابارکن‌الدین مسعود بن عبدالله بیضاوی فارسی عارف مشهور مقتول در ۷۶۹،
○ آ ص ۱۲۶ و ۸۴۷ + ل ۲۷۹۶ + د ت ۳۴ + سده یازدهم هرم پنج‌ضلعی و گنبد دوپوش هرمی ۱۲ ترک. آ ط ۲۷۶ + قاجاریه. معماری ۹۱/۲ + بانی گنبد شاه عباس صفوی است د ۳۵۷ + آثار ۳۰۲/۴ + یادگار ۲/ ص ۴۳.

▣ **بابازید**، خرم‌آباد روستای بابازید.
○ معماری ۹۷/۲ و ۱۲۳.

▣ **بابازید مولانا محمد**، از عارفان مدفون در آرامگاه شاعران. مقبرةالشعرا تبریز.
○ آذ ۴۰۰ + در حظیره بابازید کوی سرخاب ۱۳۴

▣ **باباشاه مسافر نقشبندی**، از مشاهیر متصوفه سده ۱۲، اهل آسیای مرکزی که بالاخره در اورنگ آباد هند مقیم شد و در همان مکان به‌رحمت خدا رفت ۱۱۱۰. آرامگاه در محل باصفایی به‌نام پانچکی یعنی آسیای بادی واقع شده که آن را آصف‌جاه اول ساخته است.
○ نقش پارسی ۱۱۷.

▣ **بابا شجاع** ← آرامگاه ابولؤلؤ در کاشان.

▣ **باباشیخعلی**، عارف صاحب کرامت در عصر زندیان، در پای کوهی که بر فراز آن آرامگاه سیدواقف ساخته شده درافوشتهٔ نطنز، بنای آجری ساده.*

▣ **باباطاهر**، آرامگاه قدیم. باباطاهر عریان از عارفان قرن پنجم است و داستان ملاقات وی با طغرل سلجوقی در راحت‌الصدور چاپ محمد اقبال ۹۸ و ۹۹ آمده است، بنای آرامگاه قدیم عبارت بوده است از برج نیمه ویرانی در روی تپه‌ای که اکنون آرامگاه نوین بر فراز آن دیده می‌شود، در مقابل این بنای قدیمی که از قرن ششم برجای مانده است، بنایی مرکب از چند اطاقک معمولی قرار داشت که محل سکونت درویشهای فرصت‌طلب بود. در عصر رضاشاه تصمیم گرفته شد که بنای آرامگاه بازسازی شود. این بنا را خراب کردند و در طی این عملیات بود که یک‌لوحه کاشی فیروزه‌رنگ مربوط به‌سده هفتم کشف شد که اکنون در موزه ایران باستان است.
○ کارنامه ۴۴۲.

▣ **بابا طاهر آرامگاه دوم**، در عصر رضاشاه، به‌علت اینکه بنای سابق در حال فروریختن بود و محوطهٔ آرامگاه نیز آلوده و نامناسب می‌نمود، بنای جدیدی مرکب از گنبد و بنای آجری چهارگوش ساختند که متأسفانه به‌پایان نرسید و ناتمام ماند تصویر آرامگاههای پیشین و نوشته جدید سنگ مزار در کارنامه.
○ کارنامه ۴۴۶ + د ۳۵۷.

▣ **باباطاهر، آرامگاه نوین**، چندسال پیش از جشن هزاره ابن‌سینا (۱۳۲۹ خ) انجمن آثار ملی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) کوشش بسیار به‌عمل آورد که بنای دوره رضاشاه را به‌صورت آبرومندی به‌پایان برساند، **اما بنابر تقاضای مردم**

همدان و پیشنهاد مقامات انجمن، بنای جدیدی را به‌روی همان تپه اولی که بنای دوم را رویش ساخته بودند پی‌افکنده آرامگاه جدیدی‌برمبنای طرحی که از سوی مهندس سیحون و مهندس فروغی، با الهام از برج آرامگاهی ابوعلی سینا، تدارک شده بود ساخته شد.

○ کارنامه ۴۴۷ + د ۲۵۷.

▣ **باباطاهر**، شخصیتهای مهم مدفون در جوار باباطاهر:

۱ـ محمد بن عبدالعزیز، ابوالوفا ادیب نامی قرن سوم. کاشی مزار وی از قرن هفتم اکنون در موزه ملی ایران نگه‌داری می‌شود.

۲ـ ابوالفتح اسعد ملقب به‌مجدالدین مدرس نظامیه بغداد. م ۵۲۷.

۳ـ حاجی میرزا علی نقی کوثر از دانشمندان قرن ۱۳ حکیم و پزشک.

۴ـ چندتن از معاریف نیمه قرن ۱۴، سید تقی‌قلندر از عرفا، سیدصفا و مفتون کبریایی از ادبا و چند نفر دیگر.

○ کارنامه ۴۶۱.

▣ **باباطاهر**، ابراهیم صفایی.

○ فم ۳۷۲.

▣ **باباطاهر**، در محله‌ای به‌همین نام در جنوب شهر خرم‌آباد که به‌اعتقاد مردم آرامگاه باباطاهر است و ظاهراً تا چندی پیش نیز کتیبه‌ای حاوی چند دوبیتی منسوب به‌باباطاهر در این بقعه وجود داشته که امروز وجود ندارد.

○ آ ل ۱۴۴ + در مغرب قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد + معماری ۹۷/۲.

▣ **باباطاهر عریان** ← آرامگاه باباطاهر.

▣ **باباعلمدار**، بقعه باباعلمدار در محله خواجوی اصفهان.

○ آ ص ۲۲۲.

▣ **باباعلی**، بقعه باباعلی در دهکده باباعلی، آستارا. از شاگردان شیخ زاهد گیلانی.

○ آ س ۲۳.

▣ **بابافرج**، در حظیره باباحسن، کوی سرخاب تبریز.

○ کوی سرخاب ۱۲۷ + هنر ۴۱۷/۸ + آثار ۴۱۷/۲.

▣ **بابافرید** ← آرامگاه **فریدالدین گنج شکر**.

▣ **بابا قاسم**، بنایی زیبا از قرن هشتم در اصفهان خیابان هاتف کوچه بابا قاسم، مجاور مدرسه‌ای بدین نام، در معماری ایلخانی امامزاده بابا قاسم، که درست نیست (معماری ایلخانی ۱۹۵) در این بنا نوشته‌ای است که تاریخ آرامگاه را ۷۴۱ ثبت می‌کند، گنبد کاشیکاری شده و هرمی شکل است.

○ ل ۲۷۹۶ + د ۳۵۷ + آ ص ۷۸۵ + معماری ۹۰/۲ + هنر ۴۱۷/۸ + آینده ۹۴/۱۴ + آثار ۲۲۵/۴ + آص ۴۳۳.

▣ **باباکوهی**، ابوعبدالله محمدنواده باکویه، از شعرا و عرفای شیراز. م۴۴۳، در نقطه‌ای مرتفع از کوهستان شمال شیراز، بنایی مشتمل بر چند اطاق و مهتابی، از آثار مؤیدالدوله طهماسب میرزانوه فحتعلی‌شاه که در ۱۲۷۵ ساخته شده است و پس از آن هم مرتب ترمیم یافته است.

○ ۱ ق ۵۲ + معماری ۸۶/۲ + تان ۲ و (۲۱).

▣ **بابا لقمان**، آرامگاه لقمان بابا سرخس ۱۴۰ + در سه کیلومتری شمال آن، بنایی از ۷۵۷.

○ معماری ۸۸/۲ + ایران یک ۱۸۴.

▣ **بابالؤلؤ** ← آرامگاه ابولؤلؤ.

▣ **بابا مرزی،** بقعه بابا مَرزی کنار رودخانه‌ای بدین نام در آستارا.

○ آس ۲۳.

▣ **بابامسافر،** قم در شمال شرقی شهر، باغشاه، صفویه.

○ معماری ۷۸/۲.

▣ **بابانوش،** اصفهان مسجد مقصود بیک.

○ ل ۲۷۹۶.

▣ **باباولی،** مدفن قادر پیغمبر، بقعه باباولی در دهکده‌ای بدین‌نام در دیلمان. بنای چهارگوش و دری که در ۱۳۴۸ خ دزدیده شده با نقاشیهای آیینی در دیواره اطاق و ایوان و سقف ایوان و صندوق با کتیبه فارسی و تاریخ ۹۹۹.

○ آس ۲۵/۲.

▣ **باباولی،** بقعه باباولی در جمعه بازار رشت که آرامگاه میرمحمدشاه است. رابینواز فرمانی نام می‌برد درباب رقبات وقفی این بزرگوار مورخ ۱۰۴۳، واقع در محلهٔ آفخرای رشت.

○ آس ۲۵۸.

▣ **بابا یادگار،** کرمانشاه، بانزرده، قرن دهم.

○ معماری ۸۴/۲.

▣ **بابا یوسف،** بقعه بابایوسف در دزفول، در گورستان مجاری پیر روبن که در تذکرةالاخیار شرح آن آمده است.

○ د ش ۲۹۱.

▣ **باب‌الدشتی** ← آرامگاه میرمجدالدین.

▣ **بابر،** اولین سلطان تیموری هند کابل بر لب آب جوی.

○ تاریخ کوه نور ۱۲.

▣ **بابک،** پدر اردشیر اول ساسانی در بقعه‌ای به‌نام پیرمراد داراب فارس.

○ ۱ ق ۴۲۲.

▣ **باراجین،** برج باراجین در ۱۲ کیلومتری شمال قزوین، در روی بلندی به‌طوری که از قزوین به‌خوبی دیده می‌شود، بنا هشت‌ضلعی است و با سنگ لاشه ساخته شده و متأسفانه گنج‌داران آن‌قدر در داخل آن کندوکاو کرده‌اند که هیچ اثری از گور و محراب دیده نمی‌شود و مدتها نیز این برج را که از سده چهارم یا پنجم مانده است به‌عنوان برج دیده‌بانی مورد بهره‌وری قرار می‌داده‌اند.

○ آ ق ۲۸۰ با تصویرها.

▣ **بارُن فن مینوتولی،** نماینده و سفیر دولت پروس در دربار ناصرالدّین شاه، وی که شیفته جهانگردی و کسب دانش بود، در سفر به‌فارس مبتلا به‌طاعون شد و مرد. شیراز پشت باغ تخت نزدیک حافظیه.

○ درویشی ۲۱ + ت سامی.

▣ **باز** ← آرامگاه گنبدباز.

▣ **باستانی ارجان،** گنجینه ارجان.

○ شهرها ۲۸۷/۳.

▣ **باستانی** رودبار قصران، دخمه قدیمی در رودبار قصران: در نزدیکی آبادی اوشان جایی که دو رود آهار و شعبهٔ جاجرود به‌هم می‌رسند، سکوی بزرگی از سنگ دیده می‌شود که بدان تخت کیقباد می‌گویند از وسط این سکو می‌توان به‌محوطه‌ای وارد شد که از حجره‌ها و دخمه‌های متعدد تشکیل شده است.

○ آ ط ۱۱۲.

▣ **باستی، نورعلی،** زاده شده در ۱۲۷۱ خ فرزند حاج ملاّمحمد عالم، فاضل، عارف، فرهنگی و معلم و خطاط. م ۱۳۴۲ خ، اصفهان تخت فولاد

تکیه ناصرعلی نزدیک مقبره فیض.
ز ۱۱/۲.

▣ **باسکرویل**، باسکرویل معلم آمریکایی مدرسه آمریکایی تبریز دوست و آموزگار شادروان دکتر رضازاده شفق بود که به‌کمک ستارخان و ملیون تبریز شتافت و در یکی از جنگهای خیابانی کشته شد، جنازه او را باتفنگش به‌آمریکا فرستادند و از قراری که دکترشفق اظهار می‌کرد در آمریکا از وی تجلیل شد و بدنش را در گورستان آرلینگتون به‌خاک سپردند، اما مدتی بعد از این کرده پشیمان شده آن را به‌جای دیگر انتقال دادند.
○ ت دکتر شفق.

▣ **بافقی، شیخ محمدتقی**، روحانی مظلومی که در یکی از سالهای پادشاهی رضاخان سردار سپه مورد بی‌مهری وی قرار گرفت و سالها در زندان و تبعید بسر برد و آرزویش سقوط رضاشاه بود و با برآورده شدن این آرزو در اواخر شهریور ۱۳۲۰ به‌رحمت خدا رفت و در آرامگاه آیت‌الله حائری در قم به‌خاک سپرده شد. و اما داستان مظلومیت وی: در نوروز ۱۳۰۶ ملکه تاج‌الملوک و بستگان و دوستانش رفته بودند قم و در اطاقی که پنجره‌ای شیشه‌ای داشته و محتوای آن از خارج قابل رویت بوده، با لباسهای نامناسب و کوتاه می‌مانند. مردم کنجکاو متوجه این نکته شده جمع می‌شوند و خطر آشوب و بلواحس می‌شود، شیخ محمدتقی که از نزدیکان آیت‌الله حائری بوده ایشان را با احترام به‌خانه نایب‌التولیه می‌رساند... غافل از اینکه فردی از خبرچینان داستان را با آب وتاب به‌رضاشاه خبر می‌دهد و وی با لباس کار و چکمه‌پوش به‌قم آمده وارد صحن می‌شود و بافقی را کتک می‌زند و به‌دستور وی پیرمرد را به‌تهران برده زندانی می‌کنند.
○ ز ۱۹ + گوهرشاد ۳۰ + تاب ۲۸۲/۴.

▣ **باقرخان** ← آرامگاه سالار ملی.

▣ **بامداد رفیع**، رفیع‌الملک متولد در مشهد. شاعر و تاریخ‌نگار فوت ۱۴ مرداد ۱۳۱۹ در ۸۲ سالگی. امامزاده عبدالله شهر ری. پدر مهدی بامداد.
○ ز ۲۳/۲ + رج ۱۰۳/۵.

▣ **بامداد محمدعلی**، متولد ۱۲۶۳خ دولتمرد عصر پهلوی دانشمند و آزادیخواه. م ۱۳۳۰خ امامزاده عبدالله.
○ ز ۱۱/۲.

▣ **باهو** ← آرامگاه شاه باهوی حق.

▣ **بایزید بسطامی**، عارف معروف در قریه بسطام در شش کیلومتری شمال شهر شاهرود، در حوالی این قریه دو گروه ساختمانی وجود دارد یکی خود آرامگاه است با سردر و گنبد هرمی شکل و یکی مسجد و آرامگاه برجی کنار آن. آرامگاه احتمالاً کمی بعد از فوت بایزید در قرن ششم ساخته شده بود. در دیوار آن تاریخ ۱۱۲۰/۵۱۴ هنوز قابل بازیابی و خواندن است. آثاری نیز در اطراف بنا دیده می‌شود. از جمله بقایای دیواری از دوران سلجوقی و یک مناره از همان عهد تصویر در ایران یک ۱۰۱
○ هنر ۳۹۴/۸ + د ت ۳۵ + جغ ۷۵۸ + معماری ایرانی ۸۹ + معماری ایلخانی ۱۳۸ + عکس آلبوم تصویر شماره ۱۹.

▣ **بایسنقر میرزا گورکانی** تیموری، مسجد گوهرشاد مشهد.
○ تا ۳۷۲/۶.

▣ **بجستانی**، حائری، سیدمیرزا هادی (۱۲۹۷-

۱۳۶۸) عالم روحانی از شاگردان میرزامحمد تقی شیرازی در شمال صحن کربلا، ایوان مروارید.
○ ز ۳۴/۲.
▣ **بختی آغا** ← آرامگاه دومنار در دردشت اصفهان در فهرست اعلام بخت‌آقا.
○ معماری ایلخانی ۱۸۱.
▣ **بدر جهان بیگم،** دختر سیدمحمدخان که عمهٔ پدرش سیدمحمدخان موسوی دختر شاه عباس اول بوده است م ۱۰۷۲
○ آثار ۲ـ۱/۳۱.
▣ **بدیع‌الزمانی،** مهی سنندجی عبدالحمید متولد ۱۲۸۳ خ، دانشمند و روحانی عصر پهلوی. م ۱۳۵۶ خ، تهران، بهشت‌زهرا.
○ ز ۳۹/۲.
▣ **براءبن مالک انصاری،** بقعه براءبن مالک قدیمترین مزارات شوشتر. وی از صحابه حضرت محمد(ص) بوده است، براء هنگام جنگ برای تصرف شوشتر در این شهر کشته شده و به‌خاک سپرده شده، عمارت فعلی از ۱۳۲۰ است.
○ د ش ۶۸۳ + معماری ۸۵/۲.
▣ **برج ارس،** برج ارس در روستای قارلوجا جاده خمارلو ـ اصلاندوز قرن هشتم.
○ معماری ۸۴/۲.
▣ **برج‌اسود،** معروف به‌جوهر، از اولیاءالله در جزیره قشم با بنایی کهنه ونیم ویرانه با چهار لوحه چوبین نوشته‌دار که در داخل نصب شده و حاوی تاریخ بناست (۱۲۴۴) در داخل بنا برخی گچبریها و تزیینات دیده می‌شود.
○ آ ش ۷۹۴.
▣ **برجی کَلَک در جزیره هرمز،** احتمالاً بنایی از عصر سامانی یا سلجوقی برخی ویژگیهای آن با شیوه معماری گنبدکاووس قابل مقایسه است.
○ آ ش ۷۰۶.
▣ **بَردَع،** مقبره برجی بردع یا بردعه، شهر بردعه در زمان سلجوقیان و ایلخانان شهری مهم و اقامتگاه سلاطین ایلخانی بود، در شمال رود ارس در ناحیه قراباغ. خانیکف محقق روسی از آن در ۱۸۵۷ دیدن کرده است و کتیبه بالای سردر جنوبی آن را خوانده است با تاریخ شوال ۷۷۲ فوریه ۱۳۲۳ و در بالای سردر جنوبی: عمل احمد بن ایوب‌الحافظ نخجوانی.
○ معماری ایلخانی ۱۷۱ + آرامگاه شروانشاه. د ب ۷۰۷/۶.
▣ **بردیای دروغی،** یا گئومات غاصب که در ۵۲۲ ق م. به‌دست داریوش و گروهش کشته شد. در سیکایئواتیش در ناحیه سکاوند، ۱۵ کیلومتری هرسین که به‌نامهای اسحاق وند، ده نو و فرهاد تاش خوانده شده است.
○ ۱ ق ۳۳۲.
▣ **برغانی،** حاج‌ملاّ محمد تقی قزوینی برغانی متولد ۱۱۸۳، مجتهدی که در ۸۰ سالگی به سال ۱۲۶۳ بهاشاره برادرزاده و عروسش قرةالعین کشته و در محراب مسجد شاهزاده حسین قزوین به‌خاک سپرده شد.
○ ر ج ۲۰۴ + باب کیست ۱۸.
▣ **برغانی حاج ملامحمدتقی** ← آرامگاه شهید ثالث.
▣ **بُرکیارق** سلجوقی در اصفهان.
○ ل ۲۷۹۸.
▣ **بروجردی،** حاج آقاحسین ← آرامگاه آیت‌الله بروجردی.
▣ **بروجردی،** حاج شیخ عبدالرحیم متولد

۱۲۲۴. از ۱۲۵۸ مقیم مشهد شد و از ۱۲۶۶ به‌تولیت آستانه رسید، فوت ۱۳۰۹، آستان قدس رضوی.

○ یاق ۲۶۴.

▣ **بروجردی**، حاج شیخ علی‌اصغر بروجردی و گروهی از مجاهدان مشروطیت و سربازان سیلاخوری تهران، در کوچه نزدیک چهارراه امیرکبیر و سیروس.

○ آ ط ۴.

▣ **برومند نورعلی** (۱۲۸۵-۱۳۵۵) فرزند میرزا عبدالوهاب‌خان، نورعلی از کودکی موسیقی را دوست داشت و در نوجوانی شاگرد درویش‌خان بود. او را برای تحصیل پزشکی به‌آلمان فرستادند ولی در سال آخر تحصیل طب نابینا شد و به‌ایران بازگشت و پس از آن تمام زندگی خود را وقف موسیقی کرد و آثار مهمی از خود برجای گذاشت. وی اولین استاد گروه موسیقی دانشگاه بود. آرامگاه ظهیرالدوله.

○ مردان موسیقی ۴۴۸.

▣ **برهان‌الدین ساغرچی**، سمرقند.

○ سیمرغ ۱۶۲.

▣ (درگاه) **بزرگ مخدوم جهانیان**، مرقد پیری به‌نام شیخ یحیی مانیری ملقب به‌مخدوم (جهانیان) جهان گشت م ۶۹۰، معروف است که محمدتغلق و سکندر لودی و بابر به‌زیارت آن درگاه رفته‌اند. در عصر جهانگیر در کنار این بنا مسجدی ساخته شده که کتیبه‌ای حاوی یک قطعه شعر فارسی دارد، این آرامگاه در قریه مانیر شریف در شهر پتنا است.

○ نقش پارسی ۱۰۲.

▣ **بزرگ یا قلعه ساسان**، در کنار دریاچه سد سفیدرود و جنوب تپه امامزاده قاسم در منطقه سمیران طارم، با برجی مستحکم و زیبا و برازنده، هشت‌ضلعی که از برج کوچک سالم‌تر مانده است، با تزیینات داخلی و خارجی. احتمال می‌رود در داخل این برجها، گورهای سنگی و استودانهای ساسانی وجود داشته است، چندی پیش دو جسد سالم در برج بزرگ پیدا شده است با کتیبه‌ای به‌خط کوفی.

○ آ ق ۴۲۷.

▣ **بزرگ‌نیا، محمد**(۱۳۲۰-۱۳۴۷) فرزند حاج عبدالحسین تهرانی، شاعر متخلص به‌دانش و نماینده مردم خراسان در دوره چهارم مجلس شورای ملی. آرامگاه ظهیرالدوله شمیران

○ سخنوران نامی ۱۳۳۷/۲.

▣ **بزرگان**، گورخانه رجال تاریخی و دخمهٔ گبرها در ری، آرامگاههای: مرداویج زیاری، فخرالدوله دیلمی، طغرل سلجوقی، اینانج حاکم ری، استودان بزرج امید و دخمه گبرها یا قلعه گبرها.

○ ری ۳۸۲ و ۴۵۱ و ری ۲۲۰/۲.

▣ **بسطام**، برج آرامگاهی بسطام مشابه با برج علاءالدین در ورامین که آسیب دیده و در حال خراب شدن است.

○ معماری ایلخانی ۱۳۸ و تصویر + هنر ۳۴۹/۸.

▣ **بسطامی**، امامزاده محمود، قرن هفتم بسطام.

○ هنر ایران ۳۵/۵ + هنر ۳۵۰/۸.

▣ **بشرویه‌ای**، ملاحسین از اصحاب باب بن دیوار مقبره طبرسی مازندران یا جنب ضریح شیخ طبرسی.

○ ر ج ۳۸۳.

▣ **بقیع**، بقیع‌الغرقد یا البقیع قدیم‌ترین گورستان اسلامی در جنوب شرقی مدینه به‌فاصله کمی از

مرقد حضرت محمد(ص). اولین شخص مهمی که در بقیع مدفون شد عثمان بن مظعون بود که در سال پنجم درگذشت و از این زمانه این گورستان ویژه مسلمانان ساکن مدینه شد. حضرت فاطمه(ع) ابراهیم فرزند محمد، زوجه‌های آن حضرت و ائمه بقیع: امام‌حسن(ع)، امام زین‌العابدین(ع)، امام محمدباقر (ع)، امام جعفر صادق(ع) در آنجا به‌خاک سپرده شده‌اند.

○ د ۴۳۵.

▣ **بکتاش**، در اصفهان گورستانی که فقط نام آن مانده

○ آ ص ۱۹

▣ **بکر بن اَعیَن**، در جنوب دامغان، قاجاریه.

○ معماری ۹۶/۲.

▣ **بلبل شاه**، سیدعبدالرحمان، این صوفی بزرگ سه سال آخر عمر را در سری‌نگر کشمیر بسر برد و در همان جا فوت کرد وی خانقاهی به‌نام بلبل لنگر در مرکز کشمیر تأسیس کرد. آرامگاهش در کنار رود جهلم در شهر سری‌نگر زیارتگاه خاص و عام از هندو و مسلمان است م ۷۲۷. با این ماده تاریخ:

«سال تاریخ وصل بلبل شاه
بلبل قدس گفت خاص الاه»

○ هنر و مردم ۱۱۲/۶۹ و ۱۱۳ بهمن و اسفند ۱۳۵۰ + نقش پارسی.

▣ **بمانعلی، ملا**، صاحب حمله حیدری، پشت دیوار مسجد جامع کرمان که ابتدا آتشکده بوده است.

○ ت صوتی.

▣ **بنان‌الملک** مستوفی، میرزارضا حکیم، منشی ظل‌السلطان که در تخریب بناهای صفوی در اصفهان سود فراوان برد و سرانجام در اثر اختلاف با مشیرالملک منشی دیگر ظل‌السلطان، از ایران به‌مصر رفت و سالها دربدری کشید و سرانجام به‌اصفهان مراجعت و در این شهر با خواری مرد. اصفهان تخت فولاد.

○ ج ۱/۲.

▣ **بوالعلا**، بقعه بوالعلا در خیابان عسجدی معروف به‌خیابان ابوالعلا که امروز نوسازی شده و نامش و شرح احوال و شأن نزولش همه در تذکرهٔ دزفول آمده است.

○ دش ۳۷۸

▣ **بوعلی دقاق**، در بیرون شهر نسا.

○ هنر و مردم ۵۹/۳۰ شهریور ۱۳۴۶.

▣ **بوزان** ← آرامگاه امامزاده کرار.

▣ **بهاء، بهاءالله**، میرزاحسینعلی نوری (۱۲۳۳-۱۳۱۰) مؤسس آیین جدید بهایی. وی باب را ندید، اما خود را خلیفه و جانشین او می‌دانست و در این مرحله رقیب و مخالف وی برادرش صبح ازل بود. پس از واقعه سوءقصد به‌ناصرالدین‌شاه که بابی‌ها از ایران رانده شدند، بهاء و برادرش نیز به‌عراق و اسلامبول رفتند، چند سال بعد دولت انگلیس بها را تحت حمایت خود گرفت و به‌عکا در فلسطین برد، در حالی که صبح ازل را به‌قبرس فرستادند. کتاب مهم بهاء اقدس نام دارد و اثر دیگر وی ایقان است. بهاییان وی را جمال مبارک و جمال قدم می‌خوانند. بهاءالله در عکا مرد و در آرامگاه خاص خودش دفن شد.

○ د ۴۷۵ + رج ۴۳۵.

▣ **بهاءالدوله ابونصر فیروز**، (۳۶۱-۴۰۳) فرزند عضدالدوله که پس از قتل صمصام‌الدوله بر فارس و خوزستان مسلط شد. وی در کشمکشهای میان

خلیفه عباسی و معاندان وی از خلیفه طرفداری می‌کرد. وی سرانجام پس از ۱۴ سال حکومت در ۴۲ سالگی در اَرجان درگذشت و در نجف در جوار حرم حضرت علی(ع) و پدرش عضدالدوله به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۴۳۱.

◘ **بهاءالدین زکریا مُلتانی،** (۵۶۲ـ۶۶۶) از نوادگان شیخ بهاءالدین زکریای سهروردی. بهاءالدین از خاندان قریش بود و مدتی در بخارا به‌یادگیری علوم قدیمه پرداخت. سپس به‌بغداد رفت و از دست شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی خرقه خلافت پوشید. در مُلتان به‌وی خیرالاعصار لقب دادند و منصب شیخ‌الاسلامی یافت. کتاب الاوراد او را مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به‌چاپ رسانده است. فخرالدین عراقی داماد او بوده است و قصایدی در مدح وی دارد.

○ میراث ۴۳۶/۲.

◘ **بهاءالدین محمد نقشبند،** مؤسس طریقه نقشبندی ۷۶۶ در روستایی واقع در شمال بخارا به‌نام قصر عارفان.

○ تان ۴.

◘ **بهاءالدین یعقوب تبریزی،** در شبستر آذربایجان در مقبره شیخ محمود شبستری.

○ آ ذ ۵۳۰.

◘ **بهار، محمدتقی** ← آرامگاه ملک‌الشعرای بهار.

◘ **بهبهانی، سیدمحمد،** پسر سیدعبدالله که در تهران مرجعیّت داشت، زاده شده در ۱۲۵۲ خ که در آبانماه ۱۳۴۲ در ۹۲ سالگی مرد. نجف در مقبرهٔ پدرش. وی از مخالفان سرسخت دکتر مصدّق و از عوامل سقوط وی بود.

○ ر ج ۲۸۹/۲.

◘ **بهبهانی** ← آرامگاه آقا سید عبدالله.

◘ **بهجت،** میرزا جعفر متخلص به‌بهجت زاده متولد شده در ۱۲۳۱ اصفهان، م ۱۲۹۶ در شیراز دارالسلام.

○ ر ج ۶۴/۶.

◘ **بهجت‌السلطنه،** دختر قوام‌الدوله و همسر مشیرالسلطنه ← آرامگاه مشیرالسلطنه.

◘ **بهزاد** ← آرامگاه کمال‌الدین بهزاد.

◘ **بهمن،** اصفهان.

○ ل ۲۷۹۸.

◘ **بهمنیار، احمد،** متخلص به‌دهقان، از مریدان حاج محمدکریم خان ابراهیمی رییس فرقهٔ شیخیه که استاد دانشکده ادبیات در زبان عربی بود، فوت در تهران ۲۱ آبان ۱۳۳۴. بنابر وصیت به‌کربلای معلا برده شد.

○ ز ۱۲۶۲.

◘ **بی‌بی،** گنبد بی‌بی در تفرش بنایی از سده هشتم.

○ معماری ۸۱/۲.

◘ **بی‌بی حکیمه خاتون،** در شهر کرد که از عصر اتابکان برجای مانده است.

○ معماری ۹۷/۲.

◘ **بی‌بی دختران،** در محلهٔ میدان شاه (سابق) شیراز یا سه باغ، تیموری.

معماری ۸۷/۲.

◘ **بی‌بی زبیده،** فاطمه دختر حضرت امام حسین(ع) همسر حضرت قاسم بن‌الحسن که به‌زبیده خاتون و بی‌بی زبیده معروف است، واقع در شهر ری نزدیک کارخانه گلیسرین. احتمالاً مقبرهٔ زبیده دختر عم و همسر ملکشاه که مادر بُرکیارق سلجوقی است.

○ ری ۴۱۶ + آ ط ۲۴۳ + تاریخ بنا ۱۲۷۶ معماری ۷۶/۲.

◙ **بی‌بی سکینه**، درسنقرآباد ساوجبلاغ، قرن دهم.

○ معماری ۷۷/۲ + بی‌بی سکینه، در سمت چپ جاده کرج اشتهارد؛ تصویر.

آ ق ۸۱.

◙ **بی‌بی شرف خاتون**، ساوه روستای فردین، پیش از صفویه.

○ معماری ۸۰/۲.

◙ **بی‌بی شهربانو**، در دامنه جنوبی کوهسار امین‌آباد شهر ری با گنبد مینایی منسوب به‌حضرت شهربانو دختر یزدگرد سوم آخرین شهریار ساسانی و زوجه حضرت امام حسین(ع) بنایی است بسیار قدیمی، ساسانی، بویه‌ای سلجوقی، حرم و اطاق جنوبی ساسانی. بنای چهارگوش جنوب شرقی ساخته شده با سنگ و آجر بویه‌ای‌است، صندوق منبت حاوی احادیث نبوی و القاب بی‌بی شهربانو مورخ ۸۸۸، که بانی آن استاد محمد پسر صفرشاه حداد قمی بوده است. در منبت‌کاری شده زیبایی هم از دوران شاه طهماسب برجای مانده است که بانی آن احمد اراغ بیگاو و سازنده آن هدایت‌الله پسر فضل بوده: گچبری‌ها و نقاشیهای مربوط به‌سنن و آیینهای مذهبی در این مجموعه برجای مانده که بسیار قابل اعتناست. به‌نظر استاد مصطفوی تنها بنای برجای مانده از روزگار آبادانی شهر ری همین است، برخی آثار از عصر قاجاریه نیز در گوشه و کنار این مکان مقدس دیده می‌شود.

○ آ ط ۱۸۴ و ۱۳۰ + انتساب به‌شهربانو دختر یزدگرد مشکوک است. یا ق ۸۵/۸ + ری ۴۰۳ + معماری ۷۶/۲.

◙ **بی‌بی عایشه ملک خاتون**، آرامگاه طاووس در ابرقو، آرامگاه حسن کیخسرو، پدرش.

○ ۱ ق ۵.

◙ **بی‌بی فاطمه**، دختر شیخ زاهد گیلانی و همسر شیخ صفی‌الدین. م ۷۲۴، مجموعه شیخ صفی‌الدین در اردبیل.

○ آ ذ ۱۸۱.

◙ **بی‌بی فاطمه زن امیر چخماق**، یزد در حوالی میدان امیر چخماق.

○ ی ۳۲۱.

◙ **بی‌بی گزیده خاتون**، در دزفول، بقعه بی‌بی گزیده خاتون، بقعه کوچکی در جوار پیر روبن و نقشهای مشابه با نقاشیهای عصر صفوی.

○ د ش ۴۰۹.

◙ **بی‌بی مریم**، زیارتگاه بی‌بی‌مریم در جزیره قشم، نزدیک آبادی گوسه در قبرستان قریه نوریان بنا دارای گچبری و فاقد نوشته است، سده نهم.

○ معماری ۹۶/۲ + آ ش ۸۰۱.

◙ **بی‌بی هاجر خاتون**، در کرمان ـ ماهان.

○ معماری ۸۸/۲.

◙ **بیدآبادی** ← آرامگاه حاج میرزا محمدجعفر.

◙ **بیدل**، در نزدیکی پورانا قلعه (دژ کهنه) دهلی. میرزا عبدالقادر بیدل شاعرپارسی‌گوی افغانی تبار هند بوده است. آرامگاه به‌همت نجیب‌الله خان سفیر کبیر افغانستان در دهلی بنا شد و بر سنگ قبر او تاریخ وفات وی ۱۱۳۳ نقل شده. تاریخ ساختمان آرامگاه ۱۳۷۴ است.

○ نقش پارسی ۱۲۰ + ج ۷۹۴.

◙ **بیلقانی** ← آرامگاه مجیرالدین.

◙ **بی‌مره**، در شرق محلهٔ بابا علیشاه گناوه، احتمالاً بی‌بی مریم با گنبدی از گل و گچ مشابه با

آرامگاههای خضر و الیاس در جنوب ایران. مورد توجه و علاقه زنان گناوه. بر مبنای سنگ نوشته‌های کوفی داخل آرامگاه از قرن ۸ یا ۹.
○ آ ش ۴۸.

▣ **بیهقی،** (ابن فندق) در ششتمند سبزوار.
○ راهنما ۳۲۳/۱۶.

▣ **بیهقی** ← آرامگاه ابوالحسن بیهقی.

پ

از آرامگاه پادشاهان اشکانی تا آرامگاه تاج‌الدین علیشاه

▣ **پادشاهان اشکانی** ← آرامگاه اشکانیان.

▣ **پادشاهان ساسانی**
○ مجمل ۴۶۳.

▣ **پادشاهان و امیران صفاری،** در جاسک سیستان که در ۱۳۱۳ به‌دست احتشام‌الوزاره، اسعدالدوله و سلیمان میرزا از ایران جدا شد.
○ ر ج ۳۸۶/۲.

▣ **پادشاهان هخامنشی،** به‌شکل صلیب و تأثیر آیین مهرپرستی است.
○ سهم ۲۴۰ + ۱ ق ۳۷.

▣ **پای چنار** ← آرامگاه نظام‌الملک نوری

▣ (مستر) **پتی گروی انگلیسی،** در بیرون دروازه قلعه اهرم فارس، در اکتبر ۱۳۳۴/۱۹۱۵ در کشمکشهای میان متجاوزان انگلیسی و دلیران تنگستانی، عده‌ای انگلیسی از جمله ماژور فردریک اکونور اسیر شدند و این اسرا مدت یک سال در قلعه اهرم زندانی بودند و در نهایت سختی روزگار می‌گذراندند، پتی گرو و خانمش هم از این گروه بودند که شوهر از شنیدن خبر شکست انگلستان در جنوب عراق و وضع مصیبت‌بار هموطنانش در آن خطه سکته کرد و مرد و به‌خاک سپرده شد.
○ ایران در جنگ ۸۰.

▣ **پرواز شاه،** در قصبه کمبایت در شمال بمبئی که حاوی سنگهای متعدد قبور است، از جمله زین‌الدین علی بن سلار یزدی که در ۶۸۵ مرده است و غزلی از خود وی در آن آرامگاه کنده‌کاری شده است.
○ نقش پارسی ۵۶.

▣ **پرویزسلماسی،** قطب سلسله ذهبیه. م ۱۳۳۶، خوی.
○ فک مولفان ۱۶۰/۲.

▣ **پروین اعتصامی،** فرزند یوسف اعتصامی، اعتصام‌الملک ادیب و روزنامه‌نگار معاصر. پروین در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ در تبریز، در خانواده‌ای فرهنگی چشم به‌جهان گشود و علاوه بر فارسی و عربی انگلیسی هم آموخت. شاه پهلوی از وی دعوت کرد که به‌عنوان ندیمه وارد دربار شود ولی او نپذیرفت. پروین شاعری متعهد بود که در تمام نوشته‌هایش از آزادی و انصاف سخن می‌گوید و مدافع حقوق زنان است. پروین در ۱۶ فروردین ۱۳۲۰ جهان را بدرود گفت و مرگش ایران را به‌عزا

نشاند. وی را در قم آرامگاه سرکشیک بهخاک سپرده در روی سنگش شعری را نوشتند که خود وی سروده بود با این آغاز:

«این که خاک سیهش بالین است
اختر چرخ فلک پروین است»

○ د ۵۴۰ + ز ۲۰۶.

▣ **پریزاد خانم**، مورخ ۱۰۴۹ فقط کاشی حاوی این نام که صفوی است، در امامزاده یحیی تهران نگهداری می‌شود.

○ آ ط ۴۴.

▣ **پسر الجایتو**، ایلخان مغول، بسطام.

○ انجمن ۲۱.

▣ **پسران حضرت علی(ع)**، پانزده نفر.

○ آ ذ ۱۰۹.

▣ **پسران سلطان اویس جلایر**، دمشقیه تبریز.

○ آ ذ ۳۹۸.

▣ **پسیان** ← آرامگاه کلنل محمدتقی خان.

▣ **پلاسید** (سید بزرگ) جد سادات آخوند محله که در عصر شاه اسماعیل بهاینجا آمده است. در سادات محله رامسر با در ورودی و صندوق ظریف و پرکار.

○ آ س ۳۵/۳.

▣ **پُلوی آخوند ملامحمدصادق** ← آرامگاه آخوند پلی.

▣ **پنجه شاه**، بقعه پنجه شاه کاشان، خیابان باباافضل بنای آل بویه، سلجوقی و صفوی.

○ معماری ۹۱/۲.

▣ **پوپ، پروفسور آرنولد ابهام**، در سال ۱۳۱۴ خ. پروفسور پوپ طی ملاقاتی طولانی با دکتر صدیق، خواهش کرد که ترتیبی داده شود تا وی و همسرش پس از مرگ در ایران بهخاک سپرده شوند. مطلب را دکتر صدیق دنبال کرد و موافقت محمدرضا شاه را گرفت و بهاین ترتیب وی را پس از مرگ در شیراز، در اصفهان در آرامگاهی که در کنار پل خواجو برایش ساخته شده بود دفن کردند. ۸ شهریور ۱۳۴۸ خ، نقشهٔ بنا را مهندس سیحون با الهام از اسلوب معماری قرن پنجم هجری و با نظر خود پوپ تهیه کرد. با تصویر و نامه پوپ و اشعار سروده شده توسط استاد همایی که در حاشیه گنبدها نوشته شد.

○ کارنامه ۴۲۱ + آ ص ۸۶۳ با تصویر.

▣ **پوپ، بانو دکتر فیلیس آکرمن**، همسر پروفسور پوپ که در چهارم بهمن ۱۳۵۵ فوت کرد، اصفهان در جوار شوهرش.

○ کارنامه ۸۱۴.

▣ **پهلوان ابراهیم یزدی**، در قم.

○ ر ج ۵.

▣ **پهلوان اکبرخراسانی**، م ۱۳۲۲ گورستان آب انبار قاسم خان در راه شهر ری به‌تهران.

○ ر ج ۹۱/۵.

▣ **پهلوان محمود قتالی** در خیوه.

○ تا ن ۸۱ + هنر و مردم ۲۸ مرداد ۱۳۴۶ با تصویر.

▣ **پیر**، امامزاده پیر در کلخوران اردبیل با سنگی نوشته‌دار در یک مسجد، مورخ ۱۰۴۱.

○ آ ذ ۲۳۷/۲

▣ **پیر**، مقبرهٔ پیر سیدروح‌الله پسر سیدجعفر مولوی دارابی. م ۱۲۸۸ تبریز.

○ آ ذ ۱۲۵ و ۶۷۰

▣ **پیر**، در گذر سر پیر که جزو محله سبزه مشهد و معروف به‌پیر است و مردم اعتقادی کامل به‌وی دارند، از بقاع متبرکه استراباد.

○ گرگان‌نامه ۹۱.

▣ **پیر**، بقعه پیر در تاکستان قزوین در یک مجموعه گورستانی، بنا چهارگوشه است و فلاندن در ۱۸۴۱ نخستین کس بود که طرحی از آن کشید بنا و تزیینات در ورودی برمبنای سبک سلجوقی است. بنای آجری ساده، با گنبدی گرد و محفظه داخلی آن اکنون انبار سنگهای گورهایی است که از قبرستان گردآوری شده است. از جمله در نقوش تزیینی داخل بنا نگاره‌های مکرر صلیب شکسته جلب توجه می‌کند.

○ آ ق ۳۸۵ + آ ط ۳۷۶ + معماری ۹۲/۲ + آرامگاه تاکستان، برج تاکستان بنایی چهارگوش با گنبد مانده از سده ۱۱ م. در حال خراب شدن. ایران یک ۹۶.

▣ **پیر**، (مقبره) در جنب حسینیه با تاریخ ۱۳۱۳، نایین.

○ شهرها ۲۴۲/۲.

▣ **پیرابوعلی**، حوضی در کنار روستای شاه مهنه در گز، پیرابوعلی مرشد و استاد شیخ ابوسعید ابوالخیر است.

○ آینده ۱۷۸/۱۱.

▣ **پیر ارم**، یا امامزاده میرارم، آرامگاه پیرچل گزو در جنوب شهر خورموج تنگستان با گنبد گلی.

○ آ ش ۲۲۷.

▣ **پیراحمد کندی**، ماکو.

○ د س ۳۶۶.

▣ **پیراحمد در ابهر**، سده ششم.

○ معماری ۹۴/۲.

▣ **پیر اسحاق** (اساق) در جاده دزفول هفت‌تپه، یک‌کیلومتر بعد از خسروآباد، بر روی در ورودی آن نوشته شده اسحاق و اسماعیل، در درون هم دو قبر وجود دارد، اما بدیهی است که قبر اسحاق و اسماعیل دراینجا نیست.

○ د ش ۳۲۰ + معماری ۸۵/۲.

▣ **پیران ویسه**، مزار، در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی قلعهٔ فرود و ۳۰ کیلومتری گناباد.

○ د س ۸۱۵.

▣ **پیرباب**، نام وی عمر و از فرغانه بوده از مشایخ بزرگ آن صفحات و لقب باب را نیز در آنجا به‌وی داده‌اند، چه در آن دیار مشایخ بزرگ را باب خوانند. تاریخ بنا معلوم نیست و بر گورش یک بیت فارسی نوشته‌اند.

○ کوی سرخاب ۱۷۶.

▣ **پیربابا مسافر**، در کرمان ـ شهداد، قرن هفتم.

○ معماری ۸۸/۲.

▣ **پیر بایزید** فرزند بابا بیدلی ← آرامگاه بابابرکی.

▣ **پیر بکران**، در آبادی پیربکران، سی‌کیلومتری جنوب غربی لنجان. بکران از علما و مشایخ عرفای ایران در عصر الجایتو بود که در این محل خانقاه و منزل او قرار داشته است، با نوشتهٔ مورخ ۷۰۳.

○ آ ص ۸۴۹ + انجمن ۲۲ + معماری ۹۱/۲ و ۱۱۱ + ایران یک ۱۶۲ + آثار ۲۱۷/۴ + آثار ایران ۲۹/۱ـ۲.

▣ **پیربکران واشترجان**، لطف‌الله هنرفر.

○ فم ۲۲۳/۴.

▣ **پیربلدی**، در محله دکان شمس شوشتر، ساختمان به‌کلی خراب شده و به‌عقیده مردم، پیربلدی همان کس بوده که لشکر اسلام را به‌شهر راهنمایی کرده، این محل امروز زباله‌دان شهر است.

○ د س ۷۴۶

▣ **پیربلسگر**، در کنار مریاباد در راه حسن‌آباد به‌یزد، بنای هشت‌گوش با گنبد شلجمی مورد احترام مسلمانان و زرتشتیان.

○ ی ۷۲.

▣ **پیربناب**، در جنوب شیراز، قاجاریه.

○ معماری ۸۷/۲.

▣ **پیرپالان دوز**، مشهد پایین خیابان. در شمال مجموعه حرم مطهر، صفوی، مدفن محمدعارف عباسی از سلسلهٔ ذهبیه.

○ د ت ۳۶ + در مشهد بالا خیابان، صفوی ۹۸۵ + د س ۷۲۴ + جغ ۶۳۵
معماری ۸۸/۲.

▣ **پیر پالان دوز**، (مقبره پیر پالان‌دوز) افسر، کرامت‌الله.

○ فم ۲۲۴/۴.

▣ **پیر پینه‌دوز**، بنایی محقر که آن را مسجد پیر پنبه‌دوز یا مسجد جوباره می‌نامند، فقط بخشی از سردر آن که از عصر صفوی است برجای مانده با تاریخ کتیبه ۹۵۵ و کاتب آن شیخ محمدبن خالد معلم، در محلهٔ جوباره اصفهان.

○ آثار ۲۶۰/۴ + گنجینه ۲۷۶ + آ ص ۵۹۰.

▣ **پیرجابر ممقانی**، در ممقان آذرشهر با سنگ نوشته از سده‌های ۱۱ یا ۱۲.

○ آ ذ ۵۰۵.

▣ **پیرجاسوس**، جان‌سوز در کرمان بنایی از سده هفتم.

○ هنر ۳۳۴/۸ + در معماری ایلخانی. اطاق گنبد واقع در مشیز بردسیر ۴۳ کیلومتری جنوب‌غربی‌کرمان. ایلخانی ۱۰۲ + معماری ۸۸/۲ و ۱۲۵ و ۱۲۷

▣ **پیرجان‌سوز**، ← آرمگاه پیر جاسوس.

▣ **پیرجلودار**، در فومن بنایی ساده و جنگلی.

○ آ س ۱۶۲.

▣ **پیرجمالی**، شاگرد پیر مرتضی عالم ربانی ۸۷۹. اردستان خانقاه پیر مرتضی.

○ شهرها ۲۴۳/۴ + معماری ۹۰/۲ + آ ص ۸۸۶.

▣ **پیر چل‌گزو** یا امامزاده میرارم یا پیرارم با سنگ گور و دو آتشدان.

○ آ ش ۲۲۷.

▣ **پیرچنداحسینی**، در شهر گوکی دکن، نام وی جلال‌الدین محمود است و با احمد اول و احمد دوم بهمنی معاصر بوده است. در ۸۵۸ جان سپرده و ماده تاریخ او رخ چندا می‌باشد در این درگاه کتیبه‌های فارسی هست.

○ نقش پارسی ۷۲.

▣ **پیر حاجات** ← ابن ابی‌طیب.

▣ **پیرحبش**، بقعه پیرحبش، در کوی میرزکیان دزفول با گنبدی کوچک، صاحب بقعه پیری کامل‌العیار و رهبر صدق رفتار و ..

○ د ش ۳۷۲.

▣ **پیرحسین**، مقبره پیرحسین در هفت کیلومتری جنوب بادکوبه بنایی از ۶۴۱ عصر پادشاه محلی به نام ابوالمظفر فریبرز پسر گرشاسپ، شیروانشاه فریبرز سوم.

○ معماری ایلخانی ۱۱۶.

▣ **پیرحسین**، فرزند استاد حسن ← آرامگاه سیدمعزالدین

▣ **پیرحمزهٔ سبزپوش**، در ابرقو از سده پنجم، با محرابی زیبا گچبری شده و قابل قیاس با پیر بکران در سده ششم.

○ آثار ایران ۱ـ۵۴/۱ + هنر ۳۹۱/۸ + اق ۵ + تاریخ بنا ۵۱۰، معماری ۹۳/۲ + آثار ۲۲۷/۳.

◫ **پیرحیدر**، قبر پیرحیدر. در شرق محله لولویان اسکو، با سنگ‌نوشته‌ای از ۱۰۳۸.

○ آ ذ ۵۶۱.

◫ **پیرحیران**، خواجه یوسف دهخوارقانی عارف، متوفی ۶۷۰. آذرشهر

○ آ ذ ۴۷۱

◫ **پیردالو**، بقعهٔ پیردالو با گنبدی مضرس در حومهٔ شوشتر با نوشته‌های کنده‌کاری شده که قابل خواندن نیست.

○ د ش ۵۶۷.

◫ **پیرداوود**، در کاشان، محله پایین قمصر. صفویه.

○ معماری ۹۲/۲.

◫ **پیررجب**، مزار پیررجب در روستای سیس‌ارونق آذربایجان.

○ آ ذ ۵۲۶.

◫ **پیر روبن**، در دزفول محله روبن تیموری - صفوی.

○ معماری ۸۵/۲.

◫ **پیرزاده**، حاج محمدعلی - عارفی که بیشتر نقاط جهان را گشت و سفرنامه‌ای هم نوشت. م ۱۳۲۱، صفاییه شهر ری.

○ رج ۴۱۵/۲.

◫ **پیرزاهد**، بقعهٔ پیرزاهد در سیاه‌رود آلیان فومن، آرامگاه منسوب به‌شیخ زاهد گیلانی که معروف است هنگام رفتن به‌آذربایجان با شیخ صفی، دراین آبادی مرده و به‌خاک رفته است، آرامگاه واقعی در شیخ‌زاهد محله یا شیخزاد محله لاهیجان است.

○ آ س ۱۶۵.

◫ **پیرزنگی**، بقعه پیرزنگی در پشت خیابان پهلوی (سابق) دزفول که بنا را نوسازی کرده و از بین برده‌اند. پیرزنگی از صلحا وعرفای نامدار اهل زنگبار بوده است.

○ د ش ۳۷۷.

◫ **پیر سبزپوش**، در ابرقو، قرن ششم.

○ معماری ۸۷/۲.

◫ **پیرسله به‌سر**، بقعه پیر سله به‌سر. سله در دزفولی یعنی زنبیل و این اشاره بدان است که روی گنبد لک‌لک‌ها لانه‌سازی با چوب و علف کرده و به گنبدشکل زنبیل داده‌اند، بنای نسبتاً قدیمی با خرابه‌های اطراف.

○ د ش ۳۳۲.

◫ **پیر سلیمان‌شاه جوهری**، نزدیک مزار پیر سیفی در سرخاب تبریز، جهانشاه آق قویونلو از مریدان وی بوده است. م ۸۴۶.

○ کوی سرخاب ۲۲۳.

◫ **پیرشاه ابوالقاسم**، در سمت راست جاده شوشتر به‌دزفول با جاده‌ای قدیم در آبادی شاه‌آباد، با گنبد بلند و تزیینات و کتیبه‌های داخلی، شاید گور یعقوب لیث صفاری.

○ د ش ۳۳۶.

◫ **پیرشجاع**، بقعه پیرشجاع. در شوش معروف به‌قدمگاه امیرالمؤمنین با تصویر

○ د ش ۱۰۴ + معماری ۸۵/۲.

◫ **پیر شرفشاه** ← آرامگاه سید شرفشاه.

◫ **پیرشمس‌الدین**، خرم‌آباد، شمال دهستان تشکن. سلجوقی.

○ معماری ۹۷/۲.

◫ **پیرعباس**، در شوش - سه‌راهی جاده اهواز. صفویه.

○ معماری ۸۶/۲ با گذشته‌ای کهن آ ش ۱۰۱.

▣ **پیرعلمدار**، سمنان ـ خیابان حکیم‌الهی. قاجاریه.

○ معماری ۹۵/۲.

▣ **پیرعلمدار**، عارف و عالم معروف با کتیبه مورخ ۴۱۸ در دامغان.

○ هنر ۳۳۹/۸ + معماری ایران ۸۷/۲ + ابدیت ۱۴۷/۲. معماری ۹۵/۲.

▣ **پیرعلی**، بقعه پیرعلی در محله پیرعلی لاهیجان، با گنبد که در داخل آن ابیاتی از محتشم کاشانی با تاریخ ۱۲۳۵ نوشته شده. تکیه‌ای به‌همین نام نزدیک آن است.

○ آ س ۹۴/۲.

▣ **پیرعمادالدین**، صوفی بزرگ از خلفای شیخ زین‌الدین ابوبکر خوافی که خانقاهی در محله چهارمنار تبریز داشته است قرن نهم.

○ کوی سرخاب ۳۱۸.

▣ **پیرغلام حسن کهویی هامی**، از عارفان بزرگ کشمیر ازگروه نقشبدیه در ۱۲۴۹ درکهویی هامی کشمیر زاده شد وی برادر غلام احمد و نویسنده تاریخ حسن است که به‌چاپ رسیده و حاوی شرح احوال صوفیه و علما و شعرای کشمیر نیز هست و تألیفات دیگری نیز دارد. غلام حسن در ۶۵ سالگی فوت کرد و در آرامگاه میربی‌بی خاتون به‌خاک سپرده شد. م ۱۳۱۶.

○ هنر و مردم ۱۱۲/۸۶ و ۱۱۳ بهمن و اسفند ۱۳۵۰.

▣ **پیر فتح**، بقعه پیرفتح در مغرب شهر شوشتر با گنبدی کوچک.

○ د ش ۷۱۱.

▣ **پیرفراش**، بقعه پیرفراش در دزفول نزدیک آبادی قلعه چیتی در آبادی فراش بنایی چهاربر با گنبدی آجری و بلند.

○ د ش ۳۲۴ + بنای تیموری در روستای پیرفراش دزفول.

○ معماری ۸۵/۲.

▣ **پیرقطب‌الدین**، آستارا دهکده باغچه‌سرا ۹۴۲.

○ معماری ۸۱/۲ + تاریخ ۹۳۰. آ س ۲۱.

▣ **پیرکبیر**، در آذرشهر در سده دهم.

○ معماری ۸۳/۲.

▣ **پیرگراو یا مقام عباس**، بقعه پیرگراو. گراو در لهجه شوشتری به‌معنای آب باریک است و این آرامگاه سنگی، در یک گور سنگی در یک غار طبیعی کنده شده و نزدیک آن یک آرامگاه اسلامی به‌نام مقام عباس هست.

○ د ش ۵۴۷.

▣ **پیرگوری**، بقعه پیرگوری در بیرون شهر شوشتر، گور به‌معنای گبر است و این گور و چند گور دیگر بر سنگ کنده شده، و فاقد هرگونه اثر مکتوب و زینتی است.

○ د ش ۵۴۵.

▣ **پیرلر**، در آذرشهر

○ آگاهینامه حفظ آثار باستانی ۳ اسفند ۱۳۵۴.

▣ **پیرلیفی**، در سرخاب تبریز، در مجاورت مزار وی مزار دیگری است با کتیبه به‌نام احمدحکیم روحی تاریخ ۷۴۲.

○ کوی سرخاب ۲۲۱.

▣ **پیرمحمد در رودسر**، پیش از صفویه.

○ معماری ۸۲/۲.

▣ **پیرمحمد مشهور به‌پیرممد**، در سرخاب حوالی مزار باباحسن که خرقه از وی به‌باباحسن رسیده است، تاریخ وفات وی معلوم نیست.

○ کوی سرخاب ۱۷۷.

پیرمراد، اراک‌مشهد میقان، قرن ۷و۸.

○ معماری ۸۱/۲.

پیرمراد، در اصطهبانات، صفویه.

○ معماری ۸۷/۲.

پیرمراد، در یزد - توان پشت سده ۶ و ۷.

○ معماری ۹۳/۲.

پیرمرتضی، عارف ربانی که در قرن هشتم در اردستان ظهور کرد و سلسله‌ای بوجود آورد (مورخ ۸۷۰) که مرکز و مولد آن خانقاه،پیر مرتضی بودکه آرامگاه وی نیز هست. همسر وی و شاگردش پیرجمالی، م ۸۷۹ نیز در همین محلّ دفن شده‌اند.

○ شهرها ۲۴۳/۴ + در محلهٔ فهره مورخ ۱۰۲۹، معماری ۹۰/۲ + آ ص ۸۸۶.

آرامگاه پیرمرتضی علی ← آرامگاه پیرمرتضی

پیرمسگران، سیدابراهیم شاه، م۹۶۷، در شهر احمدنگر باکتیبه فارسی حاوی تاریخ وفات وی.

○ نقش پارسی ۸۵.

پیرموسی، مزار پیرموسی در دهکده‌ای بدان نام در شرق بازار کوچصفهان، با چهار ارسی قدیمی در ضلع شرقی.

○ آ س ۳۱۷.

پیرنایین، میرعبدالوهاب جد خاندان پیرنیا. در مصلای نایین که پس از مرگش به‌فرمان محمدشاه ساخته شد.

○ رهبر ۹۹ و ۶۲۵.

پیرنجم‌الدین، سمنان خیابان پیرنجم‌الدین، بنایی از سده هشتم.

○ معماری ۹۵/۲.

پیرنظر، بقعهٔ پیرنظر نزدیک مسجدجامع دزفول در کوچه پیرنظر با بنایی جدید. آرامگاه پیری منزوی که با خواهرش زندگی می‌کرده است و نظر کرده وکمربسته حضرت امیر بوده است.

○ د ش ۳۷۰.

پیرنیا ابوالحسن ← آرامگاه معاضدالسلطنه.

پیرنیا میرزا نصرالله خان ← آرامگاه مشیرالدوله.

پیرنیا حسن، ← آرامگاه مشیرالدوله

پیرنیا حسین، آرامگاه مؤتمن‌الملک.

ت

از آرامگاه تاج‌الدین علیشاه تا آرامگاه ثقة‌الاسلام شهید

تاج‌الدین علیشاه، وزیر سلطان محمد خدابنده اولجایتو رقیب خواجه رشیدالدین فضل‌الله م ۷۲۴، تبریز.

○ تا غ ۳۲۹.

تاج‌الدین محمود، که در بندرآباد یزد بوده و سنگ آن از این مکان به‌امریکا رفته است با نوشته‌ها و نقشهای قدیمی.

○ ی ۸۶۰ تصویر.

تاج محل ← آرامگاه شاه جهان و بانو ممتاز محل همسر وی، در شهر آگرای هند که پس از

وفات این بانو در ۱۰۴۰ به‌فرمان شاه جهان ساخته شد و در طی ۲۲ سال کار مداوم ۲۰۰۰۰ کارگر و متخصص ساخته و پرداخته شد. بر مبنای یک نسخه خطی که در اختیار اینجانب است و حاوی تمام خصوصیات بناست، از جمله نام پدیدآورندگان این بنا، در وهله نخست این سه نفرند:

استاد عیسی نقشه‌نویس اهل شیراز.

امانت‌خان طغرانویس اهل شیراز.

محمد حنیف میر عمارت اهل قندهار.

که این سه نفر بهترین حقوق را می‌گرفته‌اند و ضمناً دریافتی همه کارگران نیز در این نسخه قید شده است.

تاج‌محل را تجسم روح ایرانی در پیکر هند (رنه گروسه هنرشناس فرانسوی) دانسته‌اند و بدون شک در میان تمام بناهایی که در خارج از ایران ساخته شده و به‌نوعی یادآور فرهنگ و تمدن ایرانی به‌معنای وسیع آن است، هیچ بنایی را با تاج‌محل نمی‌توان مقایسه کرد. تاج‌محل یکی از زیباترین بناهای جهان و نیز عالی‌ترین نمونه معماری اسلامی در شبه‌قاره است. طراحی بنا توسط استاد عیسی انجام گرفت و طرح و اجرا زیر نظر شورایی از بهترین معماران امپراطوری قرار داده شد. بلندی گنبد ۲۴/۵ متر است و آرامگاهها در سردابه زیر صحن اصلی است که در صحن نیز درست در روی سنگهای اصلی سنگهایی برای نشان دادن جای آرامگاه نصب کرده‌اند. نویسنده کتیبه‌ها امانت‌خان است که به‌درستی خطی شایسته آن معماری و آذین‌بندی باشکوه ارائه می‌کند، تاریخ کتیبه سردر ۱۰۴۸ است.

○ د. ۵۹۱ + معماری هند از پرسی براون ۱۱۶ به انگلیسی + هند، رنه گروسه + هند سرزمین اشراق، وحید مازندرانی + تاج‌محل از دیوید کارل به‌انگلیسی + مغولان (بابریان) بزرگ از بامبر گاسکنی به‌انگلیسی.

◙ **تاج محل** ترجمه مسعود رجب‌نیا.

○ فم ۲۳۹/۴.

(◙) تاج محل از مهدی غروی.

○ هنر و مردم ۸۱/۴۸ تیر ۱۳۴۸.

◙ **تاکستان** ← آرامگاه پیر.

◙ **تبریزی احمد**، رهبر سلسله ذهبیه شیراز، آرامگاه اختصاصی.

○ ر ج ۳۰۰/۳ + پدرجد وحید الاولیا که ۴۴ سال پیشوای ذهبیه بوده است م ۱۳۷۵. ز ۲۵۲/۲۰.

◙ **تبریزی، صادق** (آیت‌الله) فرزند میرزامحمد متولد تبریز ۱۲۷۴، مجتهد معروف مقیم قم، فوت ۶ ذی قعده ۱۳۵۱، رواق حضرت معصومه.

○ ز ۲۵۰/۲.

◙ **تبریزی، علی**، جواهر قلم، خوشنویس مقیم هند درگذشت ۱۰۹۴ اورنگ‌آباد. مدفون در شاه جهان آباد.

○ خوش ۴۴۲.

◙ **تبریزی میرزا رضا** (حجت‌الاسلام)، فرزند آقا میرزا صادق، تبریز ۱۳۲۰: آثار.

○ ز ۲۵۳/۲.

◙ **تبریزی**، میرزامحسن (حاج) ۱۲۶۷، مجتهد بزرگ تبریز از ۱۳۱۲ تا هنگام مرگ ۱۳۵۲، قم، وادی‌السلام آرامگاه پدرش.

○ ز ۲۵۴/۲.

◙ **تبریزی شیرازی**، میرزا لطفعلی ملقب به‌صدرالافاضل، متخلص به‌دانش فرزند

امین‌السفرا محمدکاظم، متولد شیراز ۱۹ رمضان ۱۲۶۸ که در ششم شعبان ۱۳۵۰ از دنیا رفت و در ابن‌بابویه به‌خاک سپرده شد: آثار.
○ ز ۲/۲۵۵.

▣ **تبریزی عدالت**، علی‌اصغر، تبریز ۱۲۸۰ خ، سخنران و فرهنگی معاصر. م ۱۳۵۲ تبریز.
○ ز ۲/۲۵۶.

▣ **تپتی آهار**، در هفت تپه، ایلامی
○ شهرها ۳۸.

▣ **تخت‌کیقباد** ← آرامگاه باستانی رودبار قصران.

▣ **تخت مزار** ← آرامگاه جامی عبدالرحمان

▣ **تربت شیخ جام** از ۷۳۰.
○ معماری ایلخانی ۱۸۶.

▣ **ترخان خاتون** ← آرامگاه سبز، آرامگاه قراختاییان.

▣ **ترکان خاتون**، مادر سلطان محمد خوارزمشاه که مسبب اصلی هجوم مغولان به‌ایران بود. م ۶۳۰، شهر قراقروم. چنگیر این زن و زنان اسیر شده دیگر از خاندان خوارزمشاه را در سفر همراه می‌برد و مجبورشان می‌کرد که هنگام‌کوچ، دسته‌جمعی بر مرگ سلطان محمد زاری و شیون کنند.
○ تا غ ۴۸.

▣ **تُرکه**، شیخ افضل‌الدین محمد معروف به‌افضل ترکه، از خاندان معروف ترکه، مقیم اصفهان معاصر با شاه طهماسب و شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده، قاضی، شاعر، روحانی و دولتمرد عصر صفوی، در بازگشت از خراسان، در ۹۹۱ در راه تهران بیمار شد و مرد و در حضرت معصومه به‌خاک رفت.
○ تا ن ۴۴۸ و ۲۷۴.

▣ **تقوی ونکی**، سیدمحمد، فرزند محمدحسن اهل ونک سمیرم، مجتهد و از مخالفان مشروطه، فوت ۲۸ رمضان ۱۳۵۲ در تهران، مدفون در قم رواق موسی مبرقع.
○ ز ۲/۳۷۵.

▣ **تقی‌الدین محمد**، سید، خوشنویس و موسیقیدان و خوشخوان از خاندان سیدشریف قزوینی و قاضی جهان سیفی. مقیم هند بود و پدر وی تحت حمایت اکبرشاه بود و عزت و احترام داشت، وی در جوانی درگذشت و بدنش را به‌همدان آورده در آرامگاه سادات بنی حسن به‌خاک سپردند.
○ خوش ۱۱۱.

▣ **تکش**، ۵۹۷ در کهنه اورگنج با تصویر.
○ سیمرغ ۱۸۷.

▣ **تکودار**، سلطان احمد ایلخان مغول در قراتایچیلغای.
○ معماری ایلخانی ۲۰۵.

▣ **تل عاشقان و تل مقربان**، مزار تل عاشقان و تل مقربان در سمرقند، مزار جمعی از عارفان از جمله خواجه عبدی درون و سیدامیر عبدی.
○ قندیه ۴۵ و ۷۸ + سمریه ۱۸۹.

▣ **تل مقربان** ← آرامگاه تل عاشقان.

▣ **تنکابنی**،حاج شیخ محمدحسن، روحانی متعهد و فقیه بزرگ، درگذشت ۱۳۲۸ در ۲۴ مرداد، شهر ری آرامگاه ناصرالدین شاه.
○ تاریخچه ۷۸.

▣ **تنکابنی**، حجت‌الاسلام‌محمدحسن، متولد ۱۲۸۵، استاد فقه و اصول. تهران. م ۱۳۶۸، شهر ری مقبرهٔ ناصرالدین شاه.
○ ز ۲/۲۹۲ + تاریخچه ۷۸.

▣ **تنکابنی محمدرضا** ← آرامگاه آیت‌الله تنکابنی.

▣ **تنکابنی، میرزا طاهر،** فرزند فرج‌الله زاده شده در ۱۲۴۲ خ کلاردشت، عالم و مدرس معروف، نماینده مجلس در دورهٔ چهارم از مخالفان دیکتاتوری رضاخان. فوت ۱۴ آذر ۱۳۲۰، شهر ری ابن بابویه نزدیک آرامگاه ابوالحسن جلوه.

○ ز ۳۹۴/۲.

▣ **توحیدی، ابوحیّان** ← آرامگاه ابوحیان توحیدی.

▣ **تومان آغا،** در شاه زنده سمرقند. قرن نُهم.

○ سیمرغ ۱۵۸ + شاه زنده در رساله قندیه ثمریه.

▣ **تویسرکانی،** میرزا اسماعیل‌خان، نویسنده و شاعر و فرهنگی عصر قاجار و دوست و همکار جلال‌الدین میرزا قاجار، درگذشته و مدفون در تویسرکان، آذر ۱۳۱۰. وی مؤلف فرازستان است که در ۱۳۱۱ در بمبئی چاپ شده است.

○ تافض ۵۵۹.

▣ **تویسرکانی،** یدالله (مایل)، فرزند ابوالقاسم با تخلص مجنون، متولد در جوستان تویسرکان، فرهنگی مبارزه م ۱۳۲۹ خ، آرامگاه علایی حضرت عبدالعظیم.

○ ز ۳۰۰/۲.

▣ **تهرانی** ← آرامگاه شیخ آقابزرگ.

▣ **تهرانی،** آیت‌الله حاج شیخ عباس ← آرامگاه آیت‌الله تهرانی.

▣ **تهرانی، حسین،** زاده شده در ۱۲۹۰ خ فرزند میرزا اسماعیل که با وجود مخالفت پدر و تنگدستی توانست مرد اول ضرب در موسیقی ملی شود. از مؤسسان انجمن موسیقی ملی. آرامگاه ظهیرالدوله.

○ مردان موسیقی ۱۶۲.

▣ **تهمورث** (منسوب به‌وی) اصفهان.

○ ل ۲۷۹۹.

▣ **تیپوسلطان و پدرش حیدرعلی،** که در جنگ با انگلیس‌ها و متحدّشان نظام حیدرآباد شهیدشد ۱۷۹۹، سرینگاپاتان پایتخت تیپوسلطان در جنوب هند. عکس در دموکراسی و آزادی در هند (این کتاب بدون صفحه شمار است).

▣ **تی‌تی خانم،** عمه شاه عباس بزرگ. در دهکدهٔ شکاکم لاهیجان.

○ آ س ۱۷۸/۲.

▣ **تی‌تی، امیره،** دختر امیرسلطان محمدخان ← آرامگاه سیدمحمود مرندی.

▣ **تیمورتاش،** عبدالحسین خان، سردار معظم خراسانی روز نُهم مهر ۱۳۱۲ در زندان مرد، امامزاده عبدالله شهر ری.

○ ر ج ۲۴۳/۲. + زندگی پرماجرا ۵۱۹ + ز ۳۲۶/۲.

▣ **تیمورلنگ** ← آرامگاه امیرتیمور گورکان

▣ **تیمور میرزا حسام‌السلطنه،** ۱۲۲۵ پسر پنجم حسینعلی میرزا فرمانفرما که ۲۸ سال در عراق اقامت داشت و پس از بازگشت به‌کوشش زنش مورد علاقه ناصرالدین شاه قرار گرفت. نویسندهٔ کتابی در باب شکار، فوت در تهران، آرامگاه در نجف.

○ ر ج ۴۸/۵ + حسام‌الدوله نوه فتحعلی شاه. رجال ناصری ۱۸۷

ث

از آرامگاه ثقةالاسلام شهید تا آرامگاه جابر

◘ **ثقةالاسلام شهید**، میرزاعلی آقا از محققان و روحانیون بزرگ و پیشوایان آذربایجان در انقلابات آزادیخواهانه مردم، که توسط روسها در عاشورای ۱۳۳۱، در محلّ کنونی تالار سخنرانی دانشسرای پسران به‌شهادت رسید. قبرستان سُرخاب تبریز آرامگاه اختصاصی.

○ رهبر ۳۲۶/۲ + آذ ۳۹۲ + دت ۳۶ + کوی سرخاب ۱۲۰ + رج ۳۷۳/۲

◘ **ثقفی**، دکتر خلیل خان ← آرامگاه اعلم‌الدوله.

◘ **ثقفی**، عبدالحمید ← آرامگاه متین‌السلطنه

ج

از آرامگاه جابر تا آرامگاه چال حصاری تهرانی

◘ **جابر**، بقعه جابر در کنار جاده‌ای که از عباس‌دشت می‌گذرد در دزفول. احتمالاً و از قرار اعتقاد مردم، آرامگاه پسرزاده جابر بن‌عبدالله انصاری از صحابه پیامبر.

○ د ش ۳۲۸.

◘ **جابر**، در بدره واقعه در ایلام به‌شکل آرمگاه دانیال نبی در شوش، مردم آن را مقبره جابر بن عبدالله انصاری می‌دانند که احتمال آن ضعیف است و شاید هم مقبره جابربن‌حیّان شیمیدان معروف ایرانی است. به‌هرحال هیچ یک از این دو حدس حتمی نیست.

○ آ ل ۴۸۵.

◘ **جاکر دیزه**، قبرستان جاکر دیزه آرامگاه عده‌ای از علما از جمله مولانا شمس‌الدین بریانگر و مولانا منصور زاهد و شیخ ابوالقاسم سمرقندی و فرزندان حضرت امام حسن(ع).

○ قندیه ۳۲.

◘ **جاماسب حکیم**، در آبادی کرده از بلوک خفر فارس.

○ ۱ ق ۸۶ + بحث حافظ ۳۴ + معماری ۹۷/۲.

◘ **جامی، ابونصراحمد**، خواجه معین‌الدین محمد از ادبای عصر ملوک کرت درگذشته در ۷۸۳. آرامگاه شیخ احمد جام.

○ تا ن ۲۱۹.

◘ **جامی، ضیاءالدین فرزند ابونصر**، ادیب و دانشمند. م ۷۹۷ تبریز مدفون در جام نزد پدرش.

○ تا ن ۲۱۹.

◘ **جامی عبدالرحمن**، نورالدین ابوالبرکات بزرگترین دانشمند و شاعر ایران درسده نهم، خانواده‌اش از اصفهان به‌خرجرد خراسان کوچیده

در آن دیار ساکن شدند. نسبت جامی از یکسو به‌امام محمد شیبانی و از سویی به‌شیخ الاسلام جام می‌رسد. عبدالرحمن در ۲۳ شعبان ۸۱۷ در خرجرد جام متولد شد، نخستین حامی وی ابوالقاسم بابر و پس از وی ابوسعید و سپس سلطان حسین بایقرا و وزیر معروفش امیرعلی شیرنوایی بوده است که تا آخر عمر در جوار این دو امیر با عزت می‌زیسته و با پادشاهان و امیران دیگر عصر نیز رابطه داشته است. جامی در ۱۸ محرم ۸۹۸ در هرات مرد و در جوار سعدالدین کاشغری به‌خاک رفت و مزارش اکنون به‌تخت مزار معروف است.

○ تا ن ۲۸۵.

◙ **جبل سنگ**، گنبد جبلیه کرمان بنای سنگی با سقف گنبدی هیچ اطلاع و آمار دقیقی درباره سازنده و تاریخ ساخت آن نداریم، احتمالاً متعلق است به‌نیمه دوم و اواخر سده دوازدهم میلادی، بنایی که هیچ‌وقت کاملاً ساختمانش به‌پایان نرسیده است. مصالح آن سنگ است و آجر و در سالهای اخیر تعمیر شده است.

○ ایران یک ۴۳ تصویر ۱۱ + احتمالاً گنبد جبلیه.*

◙ **جبلیه**، گنبد جبلیه آتشکده‌ای از دوران ساسانی که در عصر سلجوقیان بازسازی و به‌شکل امروز درآمده. یک بنای سنگی عظیم هشت‌بر در کرمان.

○ جغ ۹۴۸.

◙ **جبلیه** (گنبد جبلیه)، موسوی، سیداحمد.

○ فم ۲۲۸/۴.

◙ **جرجانی**، علامه میر شریف م ۸۱۶، بقعه دارالشفای شیراز.

○ ا ق ۴۸۰.

◙ **جزایری**، شوشتری نجفی (۱۳۰۷-۱۳۶۴) عالم روحانی شاگرد میرزا محمدحسین نایینی. **تهران** ابن بابویه.

○ ز ۱۰/۳.

◙ **جعفر بن ابراهیم حسینی**، تاج‌الدین نقیب‌النقبا. م ۷۰۳ در دارالسیاده شیراز.

○ شیرازنامه ۱۵۷.

◙ **جعفرخان زند**، پسر صادق خان زند، شیراز پایین پای حضرت شاه‌چراغ(ع) نزدیک پدرش صادق‌خان، برادر کریم‌خان.

○ ر ج ۲۳۷.

◙ **جِفیتن گیسور**، مقبره جفیتن گیسور. زمانی، عباس در بررسیهای تاریخی.

○ فم ۲۲۵/۴.

◙ **جلاله**، در تنگه باباعباس، شش کیلومتری جنوب غربی خرم‌آباد.

○ آ ل ۱۴۹.

◙ **جلالی**، سیدابراهیم افصح‌الملک (۱۲۸۳-۱۳۴۵)، از یاران امین‌السلطان اتابک اعظم که قصیده‌ای هم در مدح رضاشاه سروده است. یزد، حرم امامزاده جعفر.

○ ز ۱۴/۳.

◙ **جلوه**، میرزا ابوالحسن طباطبایی زواره‌ای نایینی، حکیم معروف و عارف وارستهٔ گوشه‌گیر، پسر میرزا سید محمد مظهر و پسرعموی سیدحسن مجمر، متولد در احمدآباد گجرات. دیوان اشعار وی به‌چاپ رسیده است. جلوه **سالها** در مدرسه دارالشفا روبه‌روی جلوخان مسجد شاه ساکن بود و دو حجرهٔ تودرتو داشت، اولی محل درس و دومی کتابخانه و خوابگاه، زندگیش از

عـایدات امـلاک مـوروثی مـی‌گذشت. فـوت در ششم ذی‌قعده ۱۳۱۴، مدفون در ابن بابویه. میرزا احمدخان بـدر، نـصیرالدوله و شـاهزاده سـلطان حسین میرزا مشیرالدوله مقبره‌ای برایش ساختند. جـلوه مـردی گـوشه‌نشین مـرتب و تـمیز و شیرین‌سخن و خـوش‌بیان و مـدرسی عـالی‌مقام بود.

○ رج ۴۰.

▣ **جلیلی، ولی‌الله**، روحانی فرهنگی که تمام عمر خود را وقف خدمت به‌اسفه، آبادی زادگاهش در خواف، و عشق به‌شهید مدرس کرد. فوت هشتم اردیبهشت ۱۳۳۶، اسفه.

○ ز ۲۰/۳.

▣ **جـــم، مـــحمود**، مـلقب بـه‌مدیرالمـلک (۱۲۶۴ـ۱۳۴۸خ) در تـبریز مـتولد شـد و درس خوانـد ونـخستین شـغلش مـترجـمی یک دکـتر فرانسوی به‌نام کوپن بود که در دربـار و دسـتگاه ولیعهد خدمت می‌کرد. جم با کمک وثوق‌الدوله به‌وزارت دارایی رفت و هنگامی که وثـوق‌الدوله قرار داد ۱۹۱۹ را ارائه کرد جـم از پـادوهای وی بـود. وی بـه‌عضویت کـمیته آهـن نـیز رسـید و سرانجام از همکاران صمیمی سیدضیا و رضاشاه شد. پس از کودتا به‌وزارت خارجه رسید و تا آخر عمر همیشه مقامات عالیه داشت. آخرین سـمت وی سناتور انتصابی کرمان بود. در نوزدهم مرداد ۱۳۴۸ در تهران بـه‌رحـمت خـدا رفت و در ابـن بابویه به‌خاک سپرده شد و جم فراماسون و یکی از پایه‌گذاران سلسله پهلوی بود و از لحاظ ارتباط با سفارت انگلیس فردی نظیر قوام‌الملک شیرازی بود.

○ ز۲۱/۳+بازیگران‌عصرپهلوی ج ۲۳۴

▣ **جم نظام‌الدین**، ۱۶۵۰م در تاتای سند.

○ معماری هند ۱۱۵ تصویر ۹۰ ب.

▣ **جمشید کیا**، بقعه، در نوشهر، علمده بـنایی از ۸۵۱.

○ معماری ۸۳/۲

▣ **جـمال‌الدیـن مـحمد گـردیزی** ← آرامگـاه گردیزی، جمال‌الدین محمد.

▣ **جمالی دهلوی**، شاعر پارسی گوی هند. دهلی نظام‌الدین.

○ ج ۷۹۳ + نقش پارسی ۸۲.

▣ **جـناب عـلی**، بـقعهٔ جـناب عـلی در آبـادی شلگهی، بقعهٔ جناب علی با بنایی سـاده گـنبدی بـه‌شکل گـلابی، بـنا کـتیبه یـا تـزیینات نـدارد و نمی‌دانیم این جناب علی کیست.

○ د ش ۳۴۹.

▣ **جناح، محمدعلی**، قائد اعظم، رهبر پاکستان، کراچی*

▣ **جنید** ← آرامگاه شیخ جنید یا سلطان جنید.

▣ **جوانمرد قـصاب**، از جـوانـمردان ری، در ری ابتدای جاده تهران به‌شهر ری.

○ ری ۴۲۶.

▣ **جوزانیان**، مزار جوزانیان از جمله امام سلیمان دارانی و تربت بابا صاحب.

○ قندیه ۳۱.

▣ **جوهری**، ابراهیم پسـر مـحمدباقر اصـفهانی، نـویسنده طـوفان‌البکـا، مـعروف بـه‌جوهری. م ۱۲۵۳، مدفون درگورستان آب‌بخشان اصفهان.

○ آ ص ۱۲۴.

▣ **جوی برج** در مراغه، به‌این بنا در محل، خوی برج می‌گویند. مـؤلف مـعماری ایـلخانی مـعتقد است که درست آن جوی برج است، برج آبی که

در آن صورت باید گُوی برج و قوی برج باشد، گدار تاریخ آن را ۱۳۳۰ م می‌داند، مشابه با گنبد غفاریه.

○ معماری ایلخانی ۱۸۷ + مقالهٔ بناهای تاریخی مراغه به‌زبان فرانسه؛ تصویرهای ۱۸ و ۱۹ـ۱۰ + گنبد کبود. هنر ۳۴۳/۸.

▣ **جهان آرابیگم،** دخترشاه جهان که شاعر و عارف بود و پس از وفات مادر به‌پرستاری پدر پرداخت، در دهلی بارگاه نظام‌الدین اولیاء ۱۰۹۲.

○ ۲۵۲ + معماری هند ۱۰۲.

▣ **جهانگیر،** بابری ۱۶۲۹ م در شاه دره لاهور.

○ معماری هند ۱۰۲ تصویر ۷۸.

▣ **جهانگیر خان حکیم‌الهی** ← آرامگاه جهانگیرخان قشقایی.

▣ **جهانگیرخان قشقایی،** یکی از بزرگترین حکیمان و فقهای ایران. م ۱۳۲۸ اصفهان تخت فولاد.

○ رج ۲۸۴ + ل ۲۷۹۸.

▣ **جهانگیر خان** ← آرامگاه صوراسرافیل.

▣ **جهانگیر میرزا،** قاجار پسر سوم عباس میرزا از نویسندگان قرن سیزدهم، مؤلف تاریخ نو. وی در ۱۲۶۹ از ناصرالدین شاه اجازه خواست که به‌مکه برود اما در خوی به‌رحمت خدا رفت و جنازه‌اش را به‌قم بردند و در عمارتی که خود وی در قم ساخته بود به‌خاک سپردند.

○ تا ضف ۴۸۶ + رج ۲۸۴.

چ

از آرامگاه چال حصاری طهرانی تا آرامگاه حائری تهرانی

▣ **چال حصاری طهرانی،** شیخ محمدرضا فرزند حاج آخوند متولد ۱۲۸۹، در آخر عمر مقیم قم که در آن شهر در ۲۰ ذی حجه مرد و در همان شهر به‌خاک رفت ۱۳۷۳.

○ ز ۴۲/۳.

▣ **چپش پش،** یا کوروش اوّل، جد کوروش بزرگ واقع در محلّی معروف به‌پل‌دختر حسین‌آباد جنوب غربی جُره فارس، مشابه با آرامگاه کوروش که ارتفاع آن ۴/۵ متر است در مقابل ده متر بلندی آرامگاه کوروش.

○ ا ق ۳۷۱ با تصویر.

▣ **چشم ایوب،** از قرنهای ۱۰ـ۸، بخارا با تصویر.

○ سیمرغ ۱۷۳.

▣ **چلبی اوغلو،** زنجان ـ سلطانیه قرن هشتم.

○ معماری ۹۳ + د ت ۳۶ + هنر ۳۵۴/۸.

▣ **چلبی، حسام‌الدین،** حسن بن محمد معروف به‌آخی ترک از بزرگان مشایخ ارومیه که مولانا جلال‌الدین از وی به‌نام حسام‌الدین یاد می‌کند. وی اصلاً اهل ارومیه بوده اما در سال ۶۸۴ در ۶۲ سالگی در جوار مرقد مولانا در قونیه فوت کرد و به‌خاک رفت.

○ ر ۲۳۱.

▣ (گورستان) **چملان یا چلمان،** در اصفهان که صَی‌ها را در آن دفن می‌کردند و گورهای انفرادی

به‌شکل خمره داشتند، یعنی مرده را ایستاده به‌خاک می‌سپردند.
○ آ ص ۱۷.

▣ **چنگیز مغول**. این خون‌آشام کبیر در سال ۶۲۴ از مرکز مغولستان به‌ولایت شمالی تبت رفت و پس از پیروزی و کشتار هزاران نفر در این نقطه مرد و به‌خاک رفت.
○ تا غ ۶۸.

▣ **چهار امامزاده**، قم، حسن‌آباد در شمال شهر از سده‌های ۸ و ۹.
○ معماری ۷۸/۲.

▣ **چهار امامزاده**، در قبرستان کهک قم، قاجاریه.
○ معماری ۷۹/۲.

▣ **چهار پادشاه**، بقعه چهار پادشاه در لاهیجان، مرقد سید خرم کیا یا سید خورکیا، مقتول در ۶۴۷، وی سید زیدی بود و چون چند شهید دیگر زیدی از جمله سیدرضی را هم در کنار وی به‌خاک سپردند این نام را یافت، با کنده‌کاریها و تزیینات عالی.
○ آ س ۹۸/۲.*

▣ **چهارپادشاهان**، در لاهیجان، صفویه. ○ معماری ۸۲/۲.

▣ **چهارسولی**، آیت‌الله (۱۲۳۵ـ۱۳۱۸) نجف.
○ ر ج ۲۵۵/۶.

▣ **چهل تن**، در شمال حافظیه شیراز، سنگ اصلی و سنگ چهل عارف دیگر که به‌همت فرهاد میرزا والی فارس نصب شده، به‌طور نامشخص.
○ ا ق ۵۴.

▣ **چهل‌تنان**، در شیراز، قاجاریه.
○ معماری ۸۶/۲.

▣ **چهل دختر**، دامغان جنب امامزاده جعفر قرن پنجم.
○ معماری ۹۵/۲.

▣ **چهل دختر شهید**، در شمال دهکده سرلنگای تنکابن خرابه‌هایی از آن دیده می‌شود. در این زیارتگاه درخت نارنج چهارصد ساله‌ای نیز برجای مانده است.
○ آ س ۸۳/۳.

▣ **چهل دختران**، نزدیک بقعهٔ شاه زید در قبرستان قدیمی محله خواجو، اصفهان
○ آ ص ۲۲۲ + ایران یک ۹۷.

▣ **چهل دختران**، در دامغان، تاریخ بنا ۴۸۸.
○ هنر ۳۴۵/۸.

▣ **چهل دختران**، سراب سده ۷.
○ آ ذ ۵۷۶/۲

▣ **چهل دختران**، در سمنان ـ محلات ثلاث در قرن هفتم.
○ معماری ۹۶/۲.

▣ **چهل دختران**، بقعهٔ چهل دختران، قم از قرن هشتم هجری در متن چهل اختران.
○ معماری ۷۸/۲.

▣ **چهل دختران**، در محله سلطان میراحمد کاشان. قرن هفتم.
○ آگاهینامه آثار تاریخی آذر ۱۳۵۵.

▣ **چهل دختران**، در یزد، توران پشت، قرن ۶ و ۷.
○ معماری ۹۳/۲.

ح

از آرامگاه حائری تهرانی تا آرامگاه خاتون آبادی

▣ **حائری تهرانی**، حـاج شـیخ عـباس، م ۱۳۷۰ حضرت عبدالعظیم مقبرهٔ اختصاصی.

○ ز ۹۶/۳.

▣ **حـــائری ســـمنانی**، آیت‌الله مـحمدصالح (۱۲۹۷-۱۳۹۷) فرزند میرزافضل‌الله، از شاگـردان آخوند خراسانی و میرزاحسین خلیل تهرانـی کـه در جوانـی بـه‌درجـه اجـتهاد رسـید، دربـازگشت به‌ایران در تهران و بابل و سمنان اقامت گزید، در حقیقت از بابل به‌سمنان تبعید شده بود و در همان اولین سال وفات یافت و در مشهد رضوی به‌خاک سپرده شد.

○ ز ۶۸/۳، در این مرجع از همین بزرگوار یک‌بار هم تحت عنوان مازندرانی، زندگینامه ارائه شـده است.

▣ **حائری مازندرانی**، شیخ مـحمد فـرزند شـیخ زین‌العـابدین روحـانی و قـاضی عـصر قـاجار و پهلوی م ۱۳۵۰ قم، یکی از اطاقهای قبرستان نو.

○ ز ۷۱/۳.

▣ **حائری مازندرانی** ← آرامگـاه آیت‌الله حـائری سمنانی.

▣ **حاج آقا نورالله، اصفهانی** پسر شیخ محمدباقر و برادر شیخ محمدتقی، آقانجفی دوم که اصلشان از ایوانکی ری است، مقیم اصفهان. هـردو بـرادر صـاحب نـفوذ و اقـتدر، تـعدیل کـننده فشـار استبدادی حکام اصفهان از جمله ظـل‌السـلطان، آقانورالله پس از فوت بـرادرش آقـانجفی صـاحب اقتدار فراوان شد و در جریان مهاجرت از تـهران هنگام جنگ جهانی اول و پیش از آن در حصول مشروطیت نقش بسیار مهمی داشت. با حکومت مطلقه رضا شاه نیز مخالفت می‌کرد و سرانجام در حالی که به‌دعوت حکومت برای مـذاکـره بـه‌قم رفته بود در ششـم دی‌مـاه ۱۳۰۶ تـوسط عـمال نظمیه رضاشاه مسموم شد.

○ ز ۱۹۸ + تا ب ۴۱۸/۴.

▣ **حاج بختیار**، در چوار ایلام.

○ جغ ۳۷۴.

▣ **حاج سیدرضا فـیروزآبـادی**، عـالم روحـانی معاصر، وکیل مردم شهر ری در مجلس ۱۴ و بانی بیمارستان بزرگ و مسجد فیروزآبادی در شهر ری م ۱۳۴۴ خ. مسجد فیروزآبادی بین امامزاده عبدالله و حضرت عبدالعظیم.

○ ر ج ۹۸/۵*

▣ **حاج سید محمد رشتی** ← آرامگاه رشتی.

▣ **حـاج شـیخ هـادی هـادوی بـیرجـندی**، از مجتهدان بزرگ متولد ۱۲۷۷ شاعر و حکـیم کـه دیوانش چاپ شده. مدفون در قبرستان عـمومی بیرجند. آغاز نوسازی و تعمیرات ۱۳۵۴.

○ کارنامه ۶۵۸.

▣ **حاج عطاءالله**، پسر حاجی محمد جعفرآبادی مجتهد معروف، از عالمان سده سیزدهم، عطاءالله مردی عارف و مجاور نجف اشـرف بـود کـه در طاعون همه‌گیر نجف فوت کرد و در وادی السلام

به‌خاک سپرده شد.

○ آ ص ۵۹۶.

▣ **حاج محتشم‌السلطنه** اسفندیاری ← آرامگاه اسفندیاری.

▣ **حاج محمدقلی خان آصف‌الدوله**، پسر الله‌یارخان دولتمرد عصر قاجاریه م ۱۲۹۲ قم.

○ رجا ۶۳ + ر ج ۳۶۷/۳

▣ **حاج ملاعبدالله قندهاری**، متولد ۱۲۲۷ فرزند مولانا نجم‌الله از علمای بزرگ قندهار و مبارزان ضداستعمار که از افغانستان اخراج و مقیم مشهد شد و در شب جمعه اول جمادی ۱۳۱۲ به‌رحمت خدا رفت، مدفون در دارالضیافه مشهد.

○ یا ق ۲۶۶.

▣ **حاج ملاّهادی سبزواری**، (۱۲۱۲-۱۲۸۹) فیلسوف ملقب و متخلص به‌اسرار، فقیه و شاعر معروف. بنای آرامگاه توسط میرزا یوسف مستوفی‌الممالک پس از فوت آن مرحوم در ۱۲۸۹ ساخته شد.

○ آ خ ۴۲۳-۴۳۰ + تعمیر آرامگاه از ۱۳۵۵ خ آغاز شد. کارنامه ۶۴۱ + معماری ۸۹/۲ + جغ ۶۲۸.

▣ **حاج میرزاآقاسی** ← آرامگاه آقاسی حاج میرزا.

▣ **حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار** بانی مدرسه‌ای بدین نام در سبزوار که مدرسه را با ادامه خیابان ازبین برده‌اند، اما آرامگاه مانده است.

○ آ خ ۴۷۰.

▣ **حاج میرزا ابوالفضل تهرانی**، صاحب کتاب شفاءالصدور (۱۲۷۳-۱۳۱۶) ری.

○ تاریخچه ۷۷.

▣ **حاج میرزا ابوالقاسم مجتهد**، جنب امامزاده میرنشانه درگذر سه سوک کاشان.

○ تا کاشان ۴۳۹ و ۵۶۰.

▣ **حاج میرزا ابوالقاسم**، نوری رازی، صاحب کتاب مطارح‌الانظار، (۱۲۷۳- ۱۳۱۶) شهر ری آرامگاه ابوالفتوح رازی.

○ تاریخچه ۷۷.

▣ **حاج میرزا محمدتقی** ← آرامگاه نوری اصفهانی.

▣ **حاج میرزا محمدجعفر بیدآبادی**، از علمای عصر قاجاریه مدفون در تخت فولاد اصفهان با کتیبه مورخ ۱۳۱۶.

○ آ ص ۸۵۳.

▣ **حاجی مبارک**، زرخرید و خواجه‌باشی ناصرالدین شاه که به‌سبب بی‌احترامی نسبت به‌یحیی خان آجودان شاه، سرش از تنش جدا شده بود، کنار حوض سلطان در راه تهران قم، صبح همراهان شاه هرچند خواستند دو سگ را که کنار قبر او مانده بودند با خود ببرند سگها نیامدند، زیرا سگهای شکاری متعلق به‌آغامبارک یعنی کاکای اعدام شده به‌دستور شاه بودند.

○ ر ج ۱۹۶/۳.

▣ **حاجی میرزا آقاسی** ← آرامگاه آقاسی، حاج میرزا.

▣ **حاجی میرزاعلی اکبرخان**، قائم‌مقام از اولاد قائم‌مقام، دولتمرد عصر قاجاریه در آرامگاه قائم‌مقام امامزاده حمزه شهر ری.

○ تاریخچه ۷۷

▣ **حاذق، نورالله** - پزشک نوگرای عصر پهلوی. تهران بهشت‌زهرا.

○ ز ۵۱/۳.

▣ **حارث بن احمد، زین‌العابدین**، قم خاک فرج در شرق شهر با کاشیکاری، بنایی از قرن هشتم.

○ معماری ایلخانی ۱۷۹ + قرن دهم. معماری ۷۸/۲.

▣ **حارث بن امیه**، در حوالی مزار باباحسن در سرخاب تبریز، حارث از صحابه پیامبر و ظاهراً در آخر عمر ساکن آذربایجان شد. (فتح آذربایجان در سال ۲۲ و سال فوت وی سال ۲۵ بوده است).

○ کوی سرخاب ۱۷۴.

▣ **حافدی قزلچی**، محمدسعید، شاعر و ادیب کُرد، قاضی عالیمقام فرزند علامه ملا علی قزلچی، متولد دهم محرم ۱۳۲۲ در بوکان، م ۱۳۴۲ خ در کرمانشاه و مدفون در همان شهر.

○ ز ۵۴/۳.

▣ **حافظ** خواجه شمس‌الدین محمد. در زمان کریم خان زند، طاقی با چهار ستون بر روی گور آن بزرگوار ساخته شد که در ۱۳۱۰ خ آن را خراب کردند و در ۱۳۱۴ بنای جدیدی ساختند با بیست ستون که ۱۶ ستون آن نظیر چهارستون اصلی موجود تهیه شد، این ایوان که بیست ستون در دوطرف دارد، طولش ۵۶ متر است با برخی تزیینات و اشعار حافظ که دورتادور نوشته شده است. بنای اصلی به‌شکل چتر دارای هشت ستون سنگی یکپارچه است با نقاشیهای بسیار زیبای زیر سقف. نقشه بنا را آندره گُدار تهیه کرد. بانی عمارت علی ریاضی رییس فرهنگ وقت بود.

○ ف ۱۷ + ا ق ۵۲ با تصویرها ۱۰۰ـ۱۰۳ + تان (۵۸) (۵۹) (۶۰) + تصویر جغ ۸۶۰ + کارنامه ۷۴۷ + ایران قدیم ۱۲۰.

▣ **حافظ** از قرار توصیف جهانگردان.

○ مسافر ۲۹۳ + بافت شیراز ۱۷۳ + عکس آلبوم ۱۲۷ + تصویر کمپفر ۳۶۳ + معماری ۸۷/۲.

▣ **حافظ** زیارتگاه رندان.

○ معین ۳۳۵.

▣ **حافظ ابونعیم**، احمدبن عبدالله مردیانی اصفهانی (۳۳۰ یا ۳۳۴ـ۴۳۰) عالم و محدث بزرگ، نیای مجلسی، مدفون در گورستان مردیان محله شیخ مسعود، معروف به‌بقعهٔ حافظ، رجال اصفهان.

○ آ ص ۲۶.

▣ **حافظ حسن زال**، در کوی سرخاب تبریز، پایین‌پای بابامزید. وی از عارفان صاحب کرامت و مورد احترام تبریز بوده است، معاصر با ابوحفص شهاب‌الدین عمر سهروردی.

○ کوی سرخاب ۱۸۳.

▣ **حب حیدر**، میرزا محمدعلی، زاده شده در ۱۲۹۵ پیشوای سلسله ذهبیه، فوت ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۶ در ۸۷ سالگی. شیراز خانقاه ذهبیه.

○ ز ۷۵/۳.

▣ **حبقوق نبی**، تویسرکان ۱۲ کیلومتری جنوب غربی تویسرکان اوایل قرن ششم.

○ معماری ۹۵/۲.

▣ **حبیب بن موسی**، در کاشان، کوی پشت مشهد، صفویه.

○ معماری ۹۱/۲.

▣ **حجاب**، میرفتحعلی شیرازی، فرزند محمد جعفر که پدر و پسر هردو هنرمند بوده‌اند. حجاب از شاگردان وصال بوده و یک سال در هند مقیم بوده است. (۱۲۶۶ـ۱۲۶۸ م ۱۲۶۹) شیراز بقعهٔ شاه‌چراغ.

○ رج ۱۷۶/۶.

▣ **حزقیال نبی** و مناره کوفه ذواکفل، نزدیک

کوفه، بنا بر نوشته حمدالله مستوفی توسط اولجایتو ساخته شده است، این عنوانها را هرتسفلد ارائه کرده و اگر به‌تاریخ فوت اولجایتو ۱۳۱۶/۷۱۶ توجه کنیم ملتفت خواهیم شد که بنا هم از همان زمانهاست، این بنا بویژه منارهٔ آن، ترکیبی است از شیوه به‌کار رفته در بناهای ایرانی و بناهای همعصر آن در بغداد.

○ معماری ایلخانی ۱۶۶.

◙ **حزقیل** ← آرامگاه بابا حزقیل.

◙ **حزنی کریانی**، حسین ـ روزنامه‌نگار کرد مقتول در ۱۳۶۷ توسط عمال انگلیس در بغداد، مدفون در اردبیل.

○ ز ۸۷/۳.

◙ **حزین، (شیخ علی)** ـ محمدعلی بن ابی‌طالب گیلانی در ۱۱۰۳ در اصفهان زاده شد، در عصر نادر به‌هند رفت و در آنجا تذکره‌ای در شرح حال شعرای معاصر خود ترتیب داد و در ۱۱۸۵ در بنارس رخت به‌سرای دیگر کشید و در همان شهر، در گورستان مخصوص شیعیان در دومیلی بنارس هند به‌خاک سپرده شد.

○ نقش پارسی ۱۲۲.

◙ **حسام‌الدین محمدصالح**، فرزند احمد سروی مازندرانی اصفهانی عالم روحانی و داماد ملامحمد تقی مجلسی م ۱۰۸۱ مدفون در قبهٔ مجلسی اصفهان.

○ فک مؤلفان ۵۲۴/۲.

◙ **حسام‌الدین امین**، در جندونگ سوماترا. بر روی سنگ این آرامگاه یک غزل کامل سعدی با این مطلع:

«بسیار سالها به‌سر خاک ما رود
کاین آب چشم آید و باد صبارود»

نوشته شده است.

○ ج ۵۰۹.

◙ **حسام‌السلطنه**، محمدتقی میرزا، پسر هفتم فتحعلیشاه (۱۲۰۶ـ۱۲۷۸)، مشهد توحیدخانه مبارکه.

○ ر ج ۳۱۲/۳.

◙ **حسن بن علی**، معروف به‌ابی احمد صغیر و شیخ زاهد. م ۳۸۴ مدفون در داخل قبه شیخ کبیر در شیراز.

○ شیرازنانه ۱۰.

◙ **حسن بن علی‌ناصرکبیر**، آمل گنبد کبود

○ مازندرانس ۷۳.

◙ **حسن بن کیخسرو** ← آرامگاه حسن کیخسرو.

◙ **حسن اسفندیاری** ← آرامگاه اسفندیاری حاج محتشم‌السلطنه.

◙ **حسن بگ دشت**، بقعهٔ حسن بگ دشت، قبر مشتاقعلی درویش لاهیجانی نیز در آن است و در ایوان آن نقشهای مربوط به‌صحرای کربلا ارائه شده است.

○ آ س ۸۵/۲.

◙ **حسن‌خان سور**، ۱۵۳۵ م در ساسرام هند.

○ معماری هند ۸۶ تصویر ۶۰ ب.

◙ **حسن دهلوی**، حسن سجزی یا امیرحسن دهلوی (۶۵۲ـ۷۳۸) شاعر معروف معاصر با قطب‌الدین مبارک شاه و پدر قطب‌الدین علاءالدین خلجی، آرامگاهش در قصبه خلدآباد معروف به‌روضه در دومیلی شمال ایستگاه راه‌آهن دولت آباد واقع شده، عالمگیر نیز در همین مکان به‌خاک سپرده شده است و از زمان وی به‌مناسبت لقب خلد مکانی وی، موسوم به‌خلدآباد شد. سنگ آرامگاه وی را با کتیبه‌ای

فارسی در سالهای اخیر نصب کرده‌اند.
○ نقش پارسی ۶۴.
▣ **حسن سجزی** ← آرامگاه حسن دهلوی.
▣ **حسن سُرخابی**، مولانا، عارف شهید در تبریز در مجاورت آرامگاه شاعران (مقبرةالشعرا) که به‌صورت تل خاکی درآمده است.
○ آ ذ ۴۰۲.
▣ **حسن صبّاح**، پیشوای اسماعیلیان. حسن صباح از سال ۴۸۰ که قلعه‌الموت را با تدبیری خاص گرفت تا سال ۵۱۸ پای از قلعه بیرون نگذاشت و در ربیع‌الاول آن سال بیمار شد و به‌فاصله کوتاهی مرد، وی را در همان قلعه الموت به‌خاک سپردند اما امروز اثری از گور وی عیان نیست.*
▣ **حسن علیّ خان امیرنظام** ← آرامگاه امیرنظام گروسی.
▣ **حسن کیخسرو**، و دخترش بی‌بی عایشه، معروف به‌مقبرهٔ طاووس در ابرقو، تاریخ وفات حسن ۷۱۸ و دخترش ۷۰۷ است و بنا نیز در همان زمان باگچبریها و نقاشیها و کتیبه‌های کوفی ساخته شده است.
○ ا ق ۵ + از قرن هشتم معماری ایلخانی با تصاویر ۱۶۷ + آثار ایران ۱ـ۱/۶۸ + معماری ۹۳/۲ + آثار ایران ۲۲۸/۴.
▣ **حسین در ترمذ**، از سده پنجم
○ سیمرغ ۱۸۴.
▣ **حسین بن محمد**، معروف به‌بازیار و شیخ زاهدم ۳۹۹، شیراز رباط شیخ کبیر.
○ شیرازنامه ۹۸.
▣ **حسینعلی خان معیرالممالک**، جد خاندان معیری، کربلا ۱۲۷۴.
▣ **حسینقلی، ملا**، فرزند رمضان شوَندی در جزین همدان ۱۳۳۹، پدرش چوپان بود و وی از عرفا و فقهای نامدار شد. م ۱۳۱۱ کربلا در یکی از حجره‌های صحن مطهر.
○ ر ج ۹۴/۶.
▣ **حسینقلی خان دِنبلی**، بیگلربیگی آذربایجان م ۱۳۱۳ سامره، با سنگ قبری حاوی قصیده‌ای از ملک‌الشعرای صبا.
○ ر ج ۴۴۷.
▣ **حسینقلی خان قاجار قوانلو**، پدر فتحعلی‌شاه و پسر محمدحسن خان قاجار مقتول در فندرسک ۱۱۸۹، گورش ابتدا در گرگان بود، مادر فتحعلی‌شاه در سفر زیارتی خود به‌نجف استخوان حسینقلی‌خان و پدرش محمدحسن خان را همراه برد و در نجف به‌خاک سپرد، حسینقلی‌خان هنگام مرگ فقط ۲۷ سال داشت.
○ ر ج ۴۴۶.
▣ **حسینقلی خان مافی**، ← آرامگاه نظام‌السلطنه اول.
▣ **حسینی**، در مجموعه ساختمانهای سلطان سعادت ترمذ با تصویر.
○ سیمرغ ۱۸۴.
▣ **حسینی، جلال‌الدین** ← آرامگاه مؤیدالاسلام.
▣ **حسینی، سیدحسین** ← آرامگاه شمس‌العرفا.
▣ **حسینی اصفهانی**، حاج میرسید علی جناب، زاده شده در ۱۲۸۷ عالم و روزنامه‌نگار معاصر. فوت ۲۹ اسفند ۱۳۰۹. امامزاده عبدالله شهر ری.
○ ز ۱۰۳.
▣ **حسینی تبریزی**، سیدمحمود، زاده شده در ۱۳۲۰ تبریز، دانشمند معاصر. مشهد یکی از حجره‌های صحن عتیق.
○ ز ۱۰۵/۳.

▣ **حسینی حائری مرعشی شهرستانی**، سیدعلی اکبر (۱۲۸۰-۱۳۶۴) فوت در کربلا، خاک‌سپاری در کربلا.

○ ز ۱۰۶/۳.

▣ **حسینی دَرَکه‌ای**، آیت‌الله سید عزیزالله، فوت ۵ محرم ۱۳۷۰ تهران، مدفون در نجف صحن حضرت علی(ع).

○ ز ۱۰۷/۳.

▣ **حسینی قزوینی**، (شیرازی) از شاعران عصر قاجار م ۱۲۴۹ یا ۱۲۵۰ آستانهٔ احمدیه نزدیک آرامگاه پیر طریقت خود.

○ تاضف ۱۰۵.

▣ **حشمت**، دکتر حشمت، همسنگر و همرزم میرزا کوچک‌خان، گورستان چله‌خانه، شهادت در ۱۱ شعبان ۱۳۲۷ رشت. اعدام وی ناجوانمردانه به‌دستور تیمورتاش حکمران گیلان صورت گرفت و با اینکه برای وی قرآن مُهر شده و امان‌نامه فرستاده بودند. ظاهراً تیمورتاش دستور وثوق‌الدوله درباره لغو اعدام را پس از اعدام اعلام داشته بوده است. دونفری که هردو منفور و بدنام بودند، در این جنایت شریک‌اند.

○ سردار جنگل ۱۸۱ + با کتیبه و شعر و شرح شهادت وی مورخ ۱۲۹۸خ آ س ۲۶۷.

▣ **حضرت آقا**، لقب قطبهای درویشهای گنابادی، بیدخت گناباد.

○ جغ ۸۳۴.

▣ **حضرت ایشان**، خاوند محمودخواجه، از عارفان بزرگ آسیای مرکزی و شبه‌قاره مقیم لاهور که مورد توجه و علاقه شاه جهان بود، به‌حدی که هنگام تاجگذاری یک‌صد هزار اشرفی به‌عنوان نذر به‌حضرت ایشان داده شد ملکه نیز مرید ایشان بود، مقبره این بزرگوار در بیگم پوره لاهور است، درگذشت اول شعبان ۱۰۱۳.

○ میراث ۴۵۱/۲.

▣ **حضرت شیخ**، در نور مازندران، منسوب به‌شیخ احمد نایب امام حسن عسکری(ع).

○ د ت ۳۷.

▣ **حضرت عبدالعظیم**، در ری از عصر آل‌بویه، صفوی و قاجار

○ معماری ۷۶/۲.

▣ **حضرت معصومه(ع)**، اولین بنا، نخستین سالهای سده سوم.

○ د ب ۳۵۳.

▣ **حکمت، رضا** ← آرامگاه سردار فاخرحکمت.

▣ **حکمت، نظام‌الدین**، (۱۲۶۲-۱۳۱۰) دولتمرد فرهنگی عصر پهلوی که در شب دوّم بهمن به‌علّت سکته مرد. حضرت عبدالعظیم.

○ ز ۱۱۹/۳.

▣ **حکمرانان پشتکوه لرستان**، (ایلام کنونی) از جمله اسماعیل خان فرزند شاهوردی خان و حسن خان پسر اسدالله خان در کشیکخانه نجف اشرف.

○ آل ۵۰/۲.

▣ **حکیم، میرزامحمود**، پسردوّم وصال، شاعر و خوشنویس و هنرمند که در ۱۲۷۴ در وبای همه‌گیر شیراز مرد، حرم سیدمیراحمد نزدیک گور پدرش.

○ ر ج ۲۵۹/۶.

▣ **حکیم ابوحامد**، شاعر، بیرجند.

○ جغ ۶۲۳.

▣ **حکیم الهی**، میرزا شمس‌الدین پسر میرزا جعفر حکیم الهی لواسانی، شاگرد حاج ملاهادی

سبزواری م ۱۳۳۶ در هفتاد وچهارسالگی، ری صفاییه نزدیک ابن بابویه.
○ ر ج ۱۵۲/۲ + د ت ۳۷.
▣ **حکیم الهی، میرزا علی‌نقی**، حکیم‌الممالک و مشیرالکتاب زاده شده در ۱۲۹۳ حکیم و نویسنده و عارف م ۱۳۴۴، صفاییه نزدیک حضرت عبدالعظیم.
○ ز ۱۲۲/۳ پسر حاج‌آقا اسماعیل جدیدالاسلام. ر ج ۵۰۵/۲.
▣ **حکیم‌الملک** ← آرامگاه حکیمی، ابراهیم.
▣ **حکیم ترمذی**، قرن ۹ـ۶ مجموعهٔ آرامگاهها و قبر خودش با تصویرها.
○ سیمرغ ۱۸۵.
▣ **حکیم صبوری رشتی**، سیدمحمد مشیرالاطبا شاعر که در ۱۳۱۳ در اثر سقوط از درشگه مرد، وادی‌السلام نجف.
○ فک مؤلفان ۷۱/۲.
▣ **حکیم محمدمؤمن**، فرزند محمد زمان حسین تنکابنی، از اطبای زمان شاه سلیمان، محلهٔ دارالبطیخ اصفهان.
○ فک مؤلفان ۱۶۵/۵.
▣ **حکیمی، ابراهیم**، آرامگاه حکیم‌الملک دولتمرد فراماسونر عصر پهلوی تهران. م ۱۳۳۷ خ ۹۱ ساله ابن‌بابویه.
○ ر ج ۱۰.
▣ **حلیمه خاتون**، قم روستای لنگرود در جنوب شرقی قم، قاجاریه.
○ معماری ۷۹/۲.
▣ **حلیمه خاتون**، در قم روستای دستجرد صفوی.
○ معماری ۸۰/۲.
▣ **حلیمه خاتون**، خواهر حضرت رضا(ع) و عدّه‌ای دیگر تبریز محلهٔ چرنداب.
○ آ ذ ۱۱۸.
▣ **حمدالله مستوفی**، قزوین بنایی قدیم به‌شکل مخروط از قرن هشتم، آجری، حاوی کتیبه و کنده‌کاری.
○ تا ن (۴۰) + معماری ایلخانی با تصویر ۱۹۵ + آ ط ۴۳۹ + بنا از قرن دهم که در ۱۳۱۸ خ تعمیر شده است، آثار ایران ۱۳۹/۳.
▣ **حمزه رضا**، در کوشک سرای چالوس، بنایی قدیمی با صندوق چوبین کنده‌کاری شده، در شمال بنا خاتون رضا خواهر حمزه رضا به‌خاک سپرده شده است.
○ آ س ۱۱۶/۳.
▣ **حمزه قاری**، سرپل زهاب کرمانشاه، تصویر.
○ کرمانشاه ـ ۹۰.
▣ **حیات‌اللغیب**، احتمالاً مدفن ابوالقاسم محمدبن احمد از فرزندزادگان امام موسی کاظم(ع) در دهکده قالبی ۵۰ کیلومتری جنوب باختری خرم‌آباد، با تصویر و این کتابت: امامزاده حیات‌اللغیب، در ۱۲۴۳ به‌اتمام رسید.
○ آ ل ۲۶۳ + معماری ۹۷/۲.
▣ **حیدرخان عمواغلی**، اصلاً اهل ارومیه و متولد ۱۲۹۸ است که خانواده‌اش در ۱۳۰۹ به‌قفقاز کوچیدند. تاری‌وردی پدربزرگ حیدر رییس این گروه کوچنده بود، از این‌رو نام فامیلی حیدرخان تاری‌وردی اوف بود. حیدر پس از اینکه در قفقاز در رشته برق تحصیلاتی کرد و هنگام بازگشت به‌ایران این تخصص را داشت و در ایران به‌عنوان مهندس برق در کارخانه‌های برق مشهد و تهران به‌کار پرداخت. حیدرخان را می‌توان بزرگترین

چهره تروریستی ایران دانست. وی تا هنگام شکوفایی حکومت سردار سپه در هر ترروی که در ایران رخ می‌داد سهمی داشت. در دوران قیام میرزا کوچک‌خان حیدرخان نیز با وی همکار و دوست بود اما این اتحاد به‌سبب اختلاف سلیقه دو رهبر که یکی ملی‌گرای مذهبی بود و دیگری کمونیست طرفدار حکومت شوروی، به‌جدال انجامید و حیدرخان توسط طرفداران میرزا در رشت محله پسیخان کشته و در قبرستان آن محله دفن شد.

○ چکیده انقلاب، حیدرخان عمواوغلی از رحیم رضازاده ملک + ر ج ۴۶۸.

▣ **حیدرصفوی** ← آرامگاه سلطان حیدر.

▣ **حیرت،** میرزا اسماعیل ← آرامگاه اسماعیل حیرت، میرزا.

○ ر ج ۱۳۱.

▣ **حیرت سجادی،** سیدمحمد باقر رکن‌الاسلام ۱۳۲۸ شاعر و نویسندهٔ معاصر، م ۱۳۲۸خ. سنندج مقبرهٔ شیخان.

ز ۱۲۲/۲.

▣ **حیرت قاجار** ← آرامگاه شیخ‌الرئیس افسر.

خ

از آرامگاه خاتون آبادی تا آرامگاه دایی نمایشی

▣ **خاتون آبادی،** تکیهٔ خاتون آبادی. محمد اسماعیل عالم معروف معاصر با شاه سلطان حسین. تخت فولاد اصفهان مورخ ۱۱۱۶.

○ آ ص ۸۵۴ + ل ۲۰۰۰.

▣ **خاتون آبادی،** سیدحسن اصفهانی (۱۲۰۷-۱۲۶۳). خاتون آباد اصفهان.

○ فک مؤلفان ۵۲۸/۲۰.

▣ **خاتون رضا،** خواهر حضرت رضا(ع) ← آرامگاه حمزه رضا.

▣ **خارگ،** بنای قدیمی نیم ویرانه در جزیره خارگ منسوب به‌محمدبن بکر با تصویر.

○ آ ش ۸۵۱.

▣ **خاقانی شروانی،** ابوبدیل افضل‌الدین پسر ابوالحسن علی، معروف به‌شروانی، یکی از معروفترین شاعران درجه دوم ایران است و در ۵۲۵ در شروان زاده شد پدرش نجار و مادرش ترسای نسطوری بود که اسیر مسلمانان شده بود، خاقانی به‌دربار خاقان منوچهر شروانشاه راه یافت، در حدود ۵۵۰ و تخلص خود را از حقایقی به‌خاقانی برگرداند. در عصر پسر منوچهر، ابوالمظفر اخستان، وقتی خواست برای بار سوم به‌حج برود امیر مخالفت کرد و او از شروان فرار کرد که به‌حج برود اما دستگیر و زندانی شد که به‌شفاعت سفیر روم آزاد شد. خاقانی در ۵۸۲ و به‌قولی ۵۹۵ در تبریز مرد و در محله سرخاب تبریز آرامگاه شاعران به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۱۰۳ + کارنامه ۶۹۲ + کوی سرخاب ۲۹۱ + آ ذ ۴۱/۲.

▣ **خالدی مفتی‌زاده،** ملامحمد رشید، سنندج ۱۳۲۳، فوت در بیروت ۱۳۴۳خ مدفون درباب الصغیر دمشق جنب مزار شیخ. شریف یعقوبی.
○ ز ۱۳۸.
▣ **خالصی‌زاده،** محمدبن مهدی (۱۳۰۸-۱۳۸۳)، کاظمین یکی از حجره‌های غربی صحن کاظمین.
○ فک مؤلفان ۴۴۹/۵.
▣ **خالقی، روح‌الله،** فرزند میرزا عبدالله‌خان زاده شده در ۱۲۸۵خ از شاگردان صمیمی و مخلص علینقی وزیری در کلوپ موزیکال که خود پس از هشت سال به‌استادی آن نیز رسید. خالقی از دانشسرای عالی تا مرحله کارشناسی تحصیل کرد و در ۱۳۱۴خ وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و ضمناً در یکی از دانشگاههای پاریس به تحصیل علم همگرایی با مکاتبه سرگرم شد. در ۱۳۲۳ انجمن موسیقی ملی را تاسیس کرد و در ۱۳۲۸ هنرستان موسیقی ملی را تاسیس کرد. ولی در این مرحله کارهای کلنل وزیری را بیان کرد. خالقی مسافرتهای چندی نیز به‌فرانسه و شوروی و هند کرد و عضو انجمن ایران و شوروی و مدیر مجله پیام نوین گردید. از او دو جلد کتاب سرگذشت موسیقی و چند اثر دیگر برجای مانده است و در موسیقی نیز آثار پرارزشی از وی در دست است. مدفون در آرامگاه ظهیرالدوله شمیران
○ چهره‌ها ۱۰۲ + مردان موسیقی ۴۷.
▣ **خان باباخان سردار،** محمدحسن خان ایروانی، فوت به‌مرض وبا در ۱۲۷۱، تهران تجریش.
○ رجا ۱۷۰.
▣ **خان باباخان سردار ایروانی،** حسن‌خان ساری اصلان ذی‌حجه ۱۲۷۱ در کرمان سکته کرد، مدفون در نجف رواق حضرت علی(ع)، مقبرهٔ اختصاصی.
○ رج ۳۳۲.
▣ **خانباغی،** در قریه‌ای بدین نام در کیلومتر ۴۱ جاده اهر کلیبر. بنای هشت‌ضلعی از قرن ۷ و ۸.
○ آ ذ ۴۷۸/۲.
▣ **خان خانان،** پسر بایرام خان دولتمرد عصر بابریان، دهلی.
○ آ خ ۱۰۸.
▣ **خان خیوه،** در میدان توپخانه تهران در سال ۱۲۷۱ جاسوسان انگلیسی در نزد محمدامین خان خیوه، دست به‌تحریکاتی زدند که به‌لشکرکشی وی به‌مرو منجر شد. خان با ارتشی مرکب از چهل هزار نفر اورگنجی و خیوه‌ای و ترکمان به‌سوی ایران حمله‌ور شد امّا در حوالی سرخس از نیروهای ایران شکست خورد و خان با سی ودو نفر از محارم و عموزادگان به‌قتل رسید، نعش آنها را به‌تهران آوردند ناصرالدین‌شاه به‌پاس خدمات اجداد خان خیوه به‌سلاطین ایران، امر کرد ایشان را در محلی که بعدها جایگاه نصب چوبه دار شد، ضلع جنوب غربی میدان توپخانه به‌خاک سپردند و گنبدی هم روی آن ساختند.
○ دست پنهان ۱۰۶.
▣ **خان شهید،** یا غالب خان در احمدنگر هند. غالب خان در ۹۷۰ کشته شد و در مرقد وی غزلی از کاتبی نیشابوری نوشته شده است.
○ نقش پارسی.*
▣ **خاندان وصال** ← آرامگاه وصال، خاندان.
▣ **خانم،** مقبره خانم. قبر بی‌بی فاطمه دختر شیخ زاهد همسر شیخ صفی در مجموعه شیخ صفی‌الدین در اردبیل.
○ آ ذ ۸۷/۲.

◙ **خانم فخرالدوله** ← آرامگاه فخرالدوله.

◙ **خان ملک ساسانی، احمدخان،** (۱۲۶۰-۱۳۴۶ خ) پسر میرزا محمدحسین ملک‌الکتّاب فراهانی دخترزاده عبدالعلی‌خان ادیب‌الملک، کارمند وزارت خارجه، فوت ۱۳۴۶ خ در فرانسه، دفن در سوهانک شمیران.

○ ر ج ۲۲/۵.

◙ **خانوادگی شاهان استندار،** بر دامن تپه‌ای به‌نام گورستان در دهکده کمر از کمر رود نور با هفت آرامگاه نیمه ویرانه که از سوی گنج‌یابان مورد آسیب قرار گرفته است.

○ آ س ۲۷۷/۳۰.

◙ **خبیرالملک،** میرزاحسن خان، نویسنده آزادیخواه که در ۱۳۱۴ توسط محمدعلی میرزا کشته شد. تبریز قبرستان نزدیک دارالحکومه تبریز.

○ تا ضف ۵۹۵. ر ج ۳۳۶

◙ **خجندی** ← آرامگاه ابوالمظفر محمدبن ثابت.

◙ **خجندیان،** در فلفلچی بیرون دروازه سیداحمد خان اصفهان محله کران گورستان امیر حمزه، معروف به‌آرامگاه خواجه صدر، آل خجند خانواده‌ای عالم که در قرنهای ۵-۷ در اصفهان ساکن بوده‌اند.

○ د ب ۶۹۷.

◙ **خدیجه خاتون،** قم نزدیک قلعه روستای موسی آباد، قرن اخیر.

○ معماری ۷۹/۲.

◙ **خدیجه خاتون،** در میبد ـ مهرجرد تاریخ بنا ۸۳۱

○ معماری ۹۳/۲.

◙ **خدیجه خاتون،** طایقان ۵ فرسنگی جنوب قم، نزدیک جاده. قاجاریه.

○ معماری ۷۸/۲.

◙ **خرقان** ← آرامگاههای خرقان.

◙ **خرقانی** ← آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی.

◙ **خزعل خان** ← آرامگاه شیخ خزعل.

◙ **خسرو انوشیروان** ← آرامگاه انوشیروان.

◙ **خشایارشا،** نقش رستم چسبیده به‌آرامگاه داریوش، بلندتر از سه آرامگاه دیگر یعنی آرامگاههای داریوش اوّل و اردشیر اول و اردشیر دوم.

○ ا ق ۳۸.

◙ **خضر** در گورستان شهر خرم‌آباد

○ آ ل ۲۰۶.

◙ **خضر پیامبر،** در آبادان و در خانقاه وی که ابن بطوطه از آن یاد می‌کند.

○ د ب ۲۱.

◙ **خضرنبی،** بقعهٔ خدر یا خضر در ابتدای جاده شوشتر به‌اهواز که بدان خواجه خضر هم می‌گویند، بقعه در قبرستانی واقعه شده با نوشته‌های گوناگون از جمله تاریخ ۷۶۲ و بانی بنا خواجه صدرالدین محمود.

○ آ ش ۵۴۸.

◙ **خلیل بن ملاابراهیم طهرانی،** حاج میرزا، پدر حاج میرزاحسین مجتهد معروف مرجع تقلید و از اطبای عصر مقیم کربلا و سپس نجف. م ۱۲۸۰ مدفون در خانه خود در نجف.

○ یا ق ۱۷۸/۸.

◙ **خواجگی درویش،** در مدخل آرامگاه اتکه خان در کنار آرامگاه نظام‌الدین اولیاء، بر سنگ گور این عارف شهید اشعار فارسی کنده شده است که بیت آخر آن این است.

«سال تاریخش از خرد گفتا
عمر درویش بی‌بقا آمد»
سال ۹۹۰.
○ نقش پارسی ۸۹.
◫ **خواجوی کرمانی**، محمد ـ شیراز در طرف راست دروازهٔ قران به‌مسافت کمی از دامنهٔ کوه که در اطراف آن بناهای دیگر نیز هست، خواجو در ۷۵۳ وفات یافت و بنا از قرن نهم است.
○ ا ق ۵۱ + کارنامه ۵۸۲ + شیراز تنگ‌الله و اکبر. با بنایی مختصر. شاهنامه آخرش ۸۷ + قاجاریه معماری ۸۶/۲ + لوحه سنگی مدفن خواجو از قرن هشتم است. از سعدی تا جامی ۲۵۰.
◫ **خواجه آودیک ارمنی**، بانی کلیسای حضرت مریم در جلفای اصفهان، در همان کلیسا فوت و. مدفون شد ۱۶۲۹/۱۰۸۸.
○ آ ص ۸۴۵.
◫ **خواجه آودیک**، کلیسای وانگ.
○ فم ۲۳۲/۴.
◫ **خواجه اباصلت**، هرثمه بن اعین خادم حضرت رضا(ع) در هفت کیلومتری مشهد کنار جادهٔ نیشابور، با گنبد و گلدسته و کاشیکاری.
○ د س ۸۲۴ + د ت ۳۸ + معماری ۸۸/۲ و ۱۳۶.
◫ **خواجه ابوالوفا خوارزمی**، از بزرگان مشایخ سده نهم. م ۸۳۵ در خوارزم که در این شهر نیز به‌خاک سپرده شد.
○ تا ن ۳۲۱.
◫ **خواجه ابونصر پارسا** ← آرامگاه ابونصر پارسا.
◫ **خواجه ابویوسف همدانی**، در سمرقند.
○ قندیه ۳۳.
◫ **خواجه اتابک در کرمان**، نزدیک مسجد بازار، بنای سلجوقی.
○ معماری ۸۸/۲ + کارنامه ۷۸۴.
◫ **خواجه اصیل‌الدین** در قم، دروازه کاشان، سده هشتم.
○ معماری ۷۷/۲.
◫ **خواجه امیرالدین پکلی وال**، صوفی بزرگ کشمیر از دسته نقشبندیه مؤلف کتاب تحفهٔ نقشبندیه. م ۱۲۸۲، گورستان شیخ بهاءالدین گنج بخش در شهر سری‌نگر کشمیر.
○ هنر و مردم ۸۴ بهمن و اسفند ۱۳۵۰.
◫ **خواجه باقی‌الله**، درگاه ـ در شهر دهلی در کنار روضه قدم شریف. بر دروازه جنوبی این درگاه یک قطعه شعر حاوی تاریخ وفات وی نقش شده است، خواجه باقی‌الله از مشایخ سلسله نقشبندیه است که در ۹۷۲ متولد و در ۱۰۱۳ جان سپرده است.
○ نقش پارسی ۹۷ + فک مؤلفان ۸۸/۲.
◫ **خواجه بهاءالدین نقشبندی، بخاری**، از احفاد امام حسن عسکری(ع)، عارف شاعر، زاده شده در ۷۲۸، طریقه نقشبندیه به‌نام اوست درگذشته در ۷۹۱، قصر عارفان بخارا.
○ تا ن ۲۲۰.
◫ **خواجه پطرس**، در کلیسای بتلهم جلفا، خواجه پطرس از بزرگان ارامنه عصر شاه عباس بود و در سال ۱۰۷۷ ارمنی برابر با ۱۸۴۹/۱۰۳۶ برای جاودان کردن نام خود و پدرش ولی‌جان ومادرش شوشان و خانواده‌اش این کلیسا را ساخت. این نخستین کلیسای ارامنه در جلفا بوده است.
○ هنر و مردم ۱۰۹ آبان ۱۳۵۰.
◫ **خواجه تاج‌الدین**، در کاشان قرن نهم.
○ معماری ایلخانی ۲۰۲.

▣ **خواجه جمال‌الحق**، و دو برادر دیگرش خواجه عمادالدین محمود و خواجه صفی‌الدین در قم مورخ ۷۹۲ ← امامزاده خواجه عمادالدین.

○ معماری ایلخانی ۲۰۲.

▣ **خواجه حافظ** ← آرامگاه حافظ.

▣ **خواجه حبیب‌الله حبّی**، فرزند شمس‌الدین، صوفی معروف متولد ۹۶۳ در نوشهرهٔ سری‌نگر کشمیر که در ۱۰۱۵ در کشمیر فوت کرد. مزارش در نوشهرهٔ سری‌نگر است.

○ هنر و مردم ۷۸ / بهمن و اسفند ۱۳۵۰.

▣ **خواجه حسن**، بقعهٔ خواجه حسن، قم روستای راهجرد.

○ معماری ۷۹/۲.

▣ **خواجه خضر**، بقعه خواجه خضر در گرگان بیرون دروازه مازندران.

○ گرگان نامه ۶۱.

▣ **خواجه ربیع**، بنای صفوی با کتیبه از علیرضا عباسی ۱۰۲۶، خواجه ربیع از تابعین است، مشهد.

○ د ت ۳۸ + مسافر ۵۲۵ + مورخ ۱۰۲۶. هنر ۴۸۷/۸ + جغ ۶۳۵ + صفوی د ت ۳۸ + آ ط ۳۷۹ + معماری ۸۸/۲.

▣ **خواجه ربیع**، مزار خواجه ربیع. مولوی، عبدالحمید.

○ فم ۲۲۶/۴.

▣ **خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی**، که در ۱۷ جمادی‌الاوّل ۷۱۸ به‌فرمان سلطان ابوسعید کشته شد، و در مسجدی در ربع رشیدی. یک قرن بعد میرانشاه پسر امیر تیمور که از اسب زمین خورد، به‌تصوّر اینکه وی یهودی بوده است جنازه‌اش را از گور خارج و در گورستان یهودیان به‌خاک سپردند.

○ تا غ ۳۲۸.

▣ **خواجه سعد**، در اصفهان حومه شرقی، شامل یک اطاق چهارگوش اطاق گنبد یا آرامگاه و اطاق دراز که احتمالاً مسجد بوده است و اطاقهای دیگر. این بنا یکی از صدها بنای خشتی این عصر است که باقی‌مانده، تاریخ بنا را ابتدا قرن دوازدهم میلادی می‌دانستند (قرن ششم) ولی امروز آن را از قرن چهاردهم می‌دانند.

○ معماری ایلخانی با تصویر ۱۹۹.

▣ **خواجه شمس‌الدین محمد جوینی**، صاحب دیوان. تبریز جنب مسجد جامع عبدالغفار، در سردابی تودرتو معروف به‌یدی لر، هفت‌تنان، یا مقبرهٔ شمس‌الدین. وی که مدت ۲۲ سال (۶۶۱-۶۸۳) در زمان هولاکو و پسرانش آباقا و تگودار وزیر اعظم بوده، در ۶۸۳ به‌امر ارغون با چهار پسرش کشته شد و ظاهراً این محلّ مقبره خانوادگی ایشان بوده است.

○ آ ذ ۴۶۵/۲ + مقابر صاحب دیوان و اولاد در چرنداب تبریز. تا غ ۲۳۵.

▣ **خواجه صاین‌الدین تُرکه**، از مشاهیر حکمای صوفی سده نهم، م ۸۳۰ هرات.

○ تا ن ۲۷۴.

▣ **خواجه صدر** ← آرامگاه خجندیان.

▣ **خواجه ضیاءالدین محمد**، (عمادالدین مسعود) در بازارچه سربُلُکُ یزد زیر گنبدی که امروز انبار یک نجاری است با دو سنگ قبر و کتیبه‌ها و تاریخ سوم شعبان ۸۵۸.

○ ی ۳۵۸.

▣ **خواجه عبدالرحیم اژ آبادی**، ا ج آبادی تبریزی، از عارفان مدفون در مقبرة‌الشعرای تبریز.

○ آ ذ ۴۰۰.

◻ **خواجه عبدالله انصاری**، پیر هرات (۳۷۶-۴۸۱) در گازرگاه هرات، مورخ ۸۳۲.

○ هنر ۴۲۵/۸ + تا ن (۸۵) + فک مؤلفان ۹۹۸/۳.

◻ **خواجه عبیدالله احرار** ← آرامگاه احرار.

◻ **خواجه عزیزالله**، سازنده مسجد خواجه عزیزالله در تربت جام، هردو بنا مسجد و بقعه از قرن پنجم.

○ آ خ ۱۰۱.

◻ **خواجه علی سیاه‌پوش**، نوادهٔ شیخ صفی و جد شاه اسماعیل. م ۸۳۰ مدفون در قدس خلیل.

○ آ ذ ۲۹/۲.

◻ **خواجه علی صفی**، قم دروازه کاشان، قرن هشتم.

○ معماری ۷۸/۲.

◻ **خواجه عماد معروف به‌میرعماد**، با سنگ و این نوشته: وفات یافت جناب سعید مغفور خواجه عمادالدین محمود بن شبلی شروانی ۸۸۲، در انتهای جنوبی خیابان میرعماد در کاشان.

○ تا کاشان ۵۳۴.

◻ **خواجه عمادالدین**، امامزاده ـ قم، باغ سبز دروازهٔ کاشان مورخ ۷۹۲.

○ معماری ایلخانان با تصاویر ۲۰۲.

◻ **خواجه عمید کججانی**، از نوادگان حضرت سجاد(ع)، معاصر با اباقا خان آبادی کججان در اسکوی آذربایجان.

○ آ ذ ۵۹۷.

◻ **خواجه قطب‌الدین بختیار کاکی**، دهلی از صوفیان بزرگ که در ربیع‌الاول سال ۶۳۵ وفات کرده است. آغاز ساختمان آرامگاه بخیتار کاکی سال ۹۴۸ است که خلیل‌الله خان از امرای شیرشاه چار دیواری برای آن ساخت و پس از آن مردان دیگری دامن همت به‌کمر زده بنا را تکمیل کرده‌اند تا عصر فرخ سیر.

○ نقش پارسی ۵۴.

◻ **خواجه محمداعظم نقشبندی**، صوفی بزرگ، م ۱۱۷۹، در مزار کلان سری‌نگر کشمیر.

○ هنر و مردم ۱۱۲/۸۲ و ۱۱۳ بهمن و اسفند. ۱۳۵۰.

◻ **خواجه محمدپارسا**، جلال‌الدین محمد فرزند محمود حافظی بخاری از اصحاب بزرگ خواجه‌بهاءالدین نقشبند. از اولاد جعفر طیار و پیشوای نقشبندیه مقیم بخارا. فوت در سفر حج سال ۸۲۲، در مدینه ۱۹ ذی‌حجه ۸۲۲، مدفون در جوار گور عباس عموی پیامبر مدینه.

○ تا ن ۲۸۰.

◻ **خواجه مراد راوی**، از نزدیکان حضرت امام رضا(ع) در دوفرسخی جنوب شرقی مشهد.

○ د ت ۳۸ + معماری ۸۸/۲.

◻ **خواجه معین‌الدین چشتی**، درگاه شریف عارف بزرگ قرن هفتم در شهر اجمیر راجپوتانا. چشتی نخستین کسی بود که مبادی تصوف اسلامی را به‌هند آورد، معاصر با شهاب‌الدین غوری که سلطنت اسلامی را در شمال هند تأسیس کرد. در کتیبه سردر بزرگ آرامگاه، که شاه جهان ساخته تاریخ بنا ۱۰۶۵ ذکر شده است.

○ نقش پارسی ۵۳.

◻ **خواجه مؤید مهنوی**، از نوادگان شیخ ابوسعید ابوالخیر از مشایخ زمان خود که در نیمه سده نهم درگذشته و در آرامگاه جدش به‌خاک سپرده شده

وی شاعری زبردست بوده است.
○ تا ن ۳۲۲.

▣ **خواجه مهدی بن محمدحنفیه**، زابل ـ دریاچه هامون.
○ معماری ۹۷/۲.

▣ **خواجه نصیرالدین طوسی**، آرامگاه نصیرالدین، خواجه

▣ **خواجه نظام‌الملک طوسی و سلجوقیان**، جمعاًپنج سنگ همه بدون تاریخ جز یکی که از قرن دهم و منسوب به‌اوست، اصفهان محله دارالبطیخ. در کدکن خراسان نیز قبری منسوب به‌وی هست ← آرامگاه نظام‌الملک.
○ آ ص ۷۸۹.

▣ **خوارزمی**، کمال‌الدین حسین، فقیه و متکلم که ابتدا تکفیر و محاکمه و سپس تبرئه شد و در ۸۴۰ توسط ازبک‌هابه‌قتل‌رسید، خوارزم‌آرامگاه‌ابوالوفا.
○ فک مؤلفان ۷۲۳.

▣ **خواندمیر**، خواجه غیاث‌الدین شیرازی (۸۸۱-۹۳۷) تاریخ‌نویس عصر تیموریان، دهلی درجوار نظام‌الدین اولیاء و امیرخسرو.
○ فک مؤلفان ۷۴۰/۴.

▣ **خوانساری**، آیت‌الله محمدتقی، م ۱۳۷۱ در همدان، قم مسجد بالاسر کنار درب قبله.
○ ز ۱۵۶/۳.

▣ **خوانساری ابوتراب**، عبدعلی، زاده شده در ۱۲۷۱، مقیم عراق م ۱۳۴۶ مدفون در وادی‌السلام نجف.
○ ز ۱۵۶/۳.

▣ **خواهر امام**، بقعه خواهر امام، در شهر رشت بنایی معمولی باگنبد که سقف اصلی است. به‌دور گنبد کتیبه‌ای است که به‌امر ابونصر میرزا حسام‌السلطنه نوشته شده است ۱۳۰۶، ضریح چوبی را در ۱۳۴۳ خورشیدی آهنی کرده‌اند.
○ آ س ۲۹۳ + در رشت محله خواهر امام مورخ ۱۲۷۲، معماری ۸۱/۲.

▣ **خویی**، حاج میرزا عبدالله، نایب‌التولیه آستان قدس در عصر فتحعلی شاه، که به‌تحریک سالار پسر آصف‌الدوله اللهیارخان در ۱۲۶۴ کشته شد. حرم امام رضا(ع).
○ ر ج ۲۹۲/۲.

▣ **خوئینی قزوینی**، شیخ عبدالکریم م ۱۲۵۰ نایین، قم گورستان شیخان.
○ ز ۱۶۱/۳.

▣ **خوشنویسان**، خوشنویس باشی. محمدحسین، م۱۳۲۸خ، باغچهٔ علیجان ری.
○ خوش معاصر ۸۷.

▣ **خیابانی شیخ محمد**، در گوشه‌ای از دبیرستان ثقةالاسلام تبریز، گورستان سرخاب که بدان گورستان مقبرةالشعرا نیز گویند. در دورهٔ رضاشاه مبدّل به‌مدرسه شد و کاشی ۶۰×۱۵۰ سانتیمتری آرامگاه ثقةالاسلام را نیز در گوشه جنوب شرقی آن نصب کرده‌اند.
○ دو مبارز ۳۱۳.

▣ **خیام**، آرامگاه حکیم عمرخیام. در محوطه امامزاده‌محمد محروق نیشابور، در سال ۵۳۰ که نظامی عروضی از گور خیام بازدید کرده و آن را غرقه در گل یافته دراین مکان بوده است. از ۱۳۱۳خ مقارن با جشن هزارهٔ فردوسی بنای کوچکی بر آن ساختند و گنبد مخروطی کاشیکاری مشبک فعلی، در سال ۱۳۵۲خ به‌کوشش انجمن آثار ملی ساخته شد. در روی این بنا همانند بنای اولی قطعاتی از رباعیّات خیام

نوشته شده است.

○ ف ۲۰ + تان (۲۲)+جغ ۶۴۱+ وقتی رضاشاه را برای افتتاح و ملاحظه آن بنای کوچک بر گور خیام بردند خشمناک شد و وقیحانه آن را به‌آلت مردان تشبیه‌کرد، مرحوم حسن نبوی که خود حضور داشت این مطلب را گفت* + کارنامه ۲۸۱ با تصویرها و شرح معضل.

▣ (سابق) **خیام** را از محوطهٔ امامزاده محروق به‌میدانی در جلو دبیرستان خیام در نیشابور انتقال دادند این آرامگاه در عصر رضاشاه در سال ۱۳۱۳ مقارن با هزاره فردوسی ساخته شد اما مورد قبول رضاشاه نبود*

○ کارنامه ۳۰۰.

▣ (جدید) **خیام، یک شاهکار جهانی**، مجله ژاپونی جاپان آرشی تِکت در شمارهٔ ژانویه ۱۹۶۳ این بنا را معرفی و مورد ستایش قرار داده است.

○ کارنامه ۳۰۷ + معماری ۸۹/۲.

▣ **خیاو**، برج خیاو ← آرامگاه سلطان حیدر.

د

از آرامگاه دایی نمایشی تا آرامگاه ذبیحی شاعر

▣ **دایی نمایشی** ← آرامگاه آقا دایی نمایشی.

▣ **داتاگنج‌بخش** ← آرامگاه هجویری.

▣ **داداش بیگ**، صاحب منصب قزاق در عصر ناصرالدین‌شاه و پدر رضا خان میرپنج، در غرفه اختصاصی خانوادگی سعادت، در صحن کهنه جنب مرقد حضرت عبدالعظیم که معروف است به‌صحن طوطی و در مقابل مقبرهٔ ناصرالدین‌شاه قرار دارد. تا چندی پیش سنگ قبر وی موجود بوده است: قبر یاور داداش بیگ پسر مراد علی‌الشتی که در تاریخ ۱۲۹۵ قمری دار فانی را وداع گفته. علت اعطای این امتیاز به‌داداش بیگ روابط خادم مخدومی موجود میان حاج سید یوسف مستوفی مزدنویس لشکر مازندران و پدر حاج ساعد سلطان سعادت کارمند قدیمی وزارت خارجه بوده است.

○ ز ۴۲۴/۲.

▣ **دادگر**، حسین، معروف و ملقب به‌دادگر (۱۲۶۰-۱۳۴۹) خ در تهران متولد شد، پدرش میرزاعبدالکریم وپدربزرگش حاج علی تاجر بود اما دادگر خردسال به‌تحصیلات قدیم روی آورد و طلبه شد و در ۱۲۸۶ در وزارت عدلیه شغلی یافت، دادگر مراحل ترقی را با سرعت و پشتکار پیمود و تا مقام معاونت وزارت داخله پیش رفت و در جریان کودتای سیدضیا، به‌علت همکاری با وی در روزنامه رعد، به‌کفالت وزارت داخله رسید. دادگر نیز از جمله کسانی بود که در هموار کردن جاده دیکتاتوری سردار سپه نقش عمده‌ای داشتند و به‌همین علت در عصر رضاشاه به‌وکالت مجلس و وزارت و ریاست مجلس رسید و هنگامی که مغضوب شد به‌خارج از ایران فرستاده شد و در خارج با اینکه از وی برای همکاری با آلمانهای نازی بر ضد رضاشاه دعوت‌شد،

همکاری نکرد. دادگر پس از سقوط رضاشاه به‌ایران آمد و مقامات عالی یافت و سناتور شد و سرانجام در تهران مرد و در قم به‌خاک سپرده شد.
○ ز ۱۶۴/۳ + رج ۹۳/۶.

▣ **دارالبطیخ**، دالبتی. آرامگاه منسوب به‌ملکشاه سلجوقی و خواجه نظام‌الملک و عده‌ای دیگر که بدان تربت نظام و مدرسه ملکشاه و تکیه پاچنار هم می‌گویند، اصفهان، سلجوقی.
○ آ ص ۷۸۹ + معماری ۹۱/۲

▣ **داریوش** ← آرامگاه داریوش بزرگ.

▣ **داریوش بزرگ**، در نقش رستم: با سنگ‌نبشته میخی مفصّل شامل اندرزها و فهرست کشورهای تابعه، در داخل آن نُه جسد قرار داشته و در بیرون آن کنده‌کاری جالبی از شاه در حال نیایش وجود دارد. با تصاویر.
○ اق ۳۷.

▣ **داریوش دوم هخامنشی**، در نقش رستم. پهلوی آرامگاه اردشیر اوّل و داریوش اوّل و خشایارشا، نفر چهارمین از راست به‌چپ.
○ اق ۳۸.

▣ **داعی**، بقعهٔ داعی در شهر دزفول در محله داعیان، قطب‌العارفین سیدعبدالله داعی م ۱۲۵۶ با کتیبه و گچبری و سنگ گور و گنبدی کوچک.
○ د ش ۴۰۰ + محلهٔ کرباسیون معماری ۸۵/۲.

▣ **داعی صغیر**، از علویان طبرستان که در ۳۱۵ در آمل کشته شد. آمل محلّه علی‌آباد.
○ مازندرانس ۲۳۷.

▣ **دامغانی**، نعمت‌الله (۱۳۶۱-۱۲۹۱) تا درجه آیت‌الله ترقی کرد، مدرس مقیم نجف، جنب مدفن حضرت علی(ع).
○ ز ۱۷۵/۳.

▣ **دانش اصفهانی**، میرحسین خان، استامبول ۱۲۹۶، روزنامه‌نویس و ادیب م ۱۳۲۳ خ آنکارا، قبرستان ایرانیان استامبول.
○ ز ۱۷۹/۳ + فروردین ۱۳۲۲ در اسکودار + فک مؤلفان ۷۳۶/۲ + یا ق ۱۸۰/۸.

▣ **دانیال پیغمبر**، دانیال نبی، مقبرهٔ منسوب به‌دانیال نبی در شوش، با گنبدی مرتفع و دو مناره که در سال ۱۳۳۰ به‌دستور حاج شیخ جعفر مجتهد توسط ملاحسین معمار ساخته شد. در داخل بنا ضریح برنجی قرار دارد با اشعار فارسی بدون تاریخ. سابقاً تصویر این بنا روی اسکناسهای پنج ریالی بود.
○ ف ۲۰ + جغ ۶۸۳ + بقعه دانیال نبی، د ش ۹۳ تصویر ۳۰۵ + بنایی از ۱۲۸۷، معماری ۸۶/۲.

▣ **دانیال نبی**، بنایی است در نزدیک سلمان شهر مازندران که درب قدیمش را به‌سرقت برده‌اند.
○ آ س ۹۳/۳.

▣ **داوود برادر طغرل سلجوقی**، در مرو. به‌روایتی طغرل را نیز که در ری مرد به‌این محل آوردند، آرامگاه طغرل برجی است به‌نام وی در ری.
○ ری ۴۶۱ + تصویر هنر ۳۴۶/۸.

▣ **داوود رش**، یکی از افراد خاندان شجاع‌الدین خورشید سرسلسله اتابکان لرستان، اطراف آرامگاه قبرستانی است با سنگ قبری به‌تاریخ ۱۱۱۸ در کوهدشت لرستان.
○ آل ۳۷۶.

▣ **داور، علی‌اکبر** - وزیر دارایی رضاشاه و عامل اعطای امتیاز نفت به‌امریکاییها که منجر به‌خودکشی وی شد. ۲۱ بهمن ۱۳۱۵، ابتدا قرار بود برای وی تشییع‌جنازهٔ مفصّل گرفته شود ولی به‌امر رضاشاه بسیار مختصر شد، تهران صفاییه.

○ ر ج ۴۲۸/۲ + تا ضف ۲۱۷ + ز ۱۸۲/۳.

▣ **داوری**، محمد ـ سوّمین فرزند وصال ۱۲۳۸ شیراز م ۱۲۸۲ شاه‌چراغ.

○ ر ج ۱۸۸/۳.

▣ **دختر ارغون آغا**، در سلماس، مانده از سده هفتم.

○ هنر ۳۴۴/۸.

▣ **دختر شیخ صفی** یا صندوق منبت‌کاری.

○ آ ذ ۸۵/۲.

▣ **دختران تاج‌الملک**، به‌نام فاطمه سلطان و خدیجه سلطان در آرامگاه نصرآباد، این دوبانو در سال ۸۶۱ درگذشته‌اند.

○ آثار ایران ۲۳۳/۴.

▣ **دَخدوک**، ابوسعید ← آرامگاه ابوسعید دخدوک.

▣ **درب امام**، در اصفهان. مرقد امامزاده ابراهیم بطحا و امامزاده زین‌العابدین که توسط جهانشاه آق قویونلو و شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی ساخته شده است.

○ آثار ایران ۲۳۴/۴ و آثار ایران ۲ـ۱/۵۵ + امامزاده‌های درب امام آ ص ۷۶۵.

▣ **در بُن علی**، در قم مزرعه ناوه مداخل روستای اَبَرجَس.

○ معماری ۸۰/۲.

▣ **درچه‌ای**، آیت‌الله سیدمحمد باقر (۱۲۶۴ـ۱۳۴۲) از ۱۳۳۸ مرجع تقلید بود تا ۱۳۴۲ که در حمام درچه فوت کرد. اصفهان تخت فولاد.

○ ز ۲۰۳/۳ + ر ج ۳۰۳/۳

▣ **درویش**، درویش خان، موسیقیدان و نوازنده معروف (۱۲۵۱ـ۱۳۰۵) فرزند حاجی بشیرطالقانی، حاجی بشیر خود با موسیقی آشنایی داشت و درویش را برای آموختن این‌فن به‌دارالفنون فرستاد. نخستین سازی که درویش خان انتخاب کرد و با آن آشنایی یافت طبل کوچک بود. درویش ابتدا در دسته موسیقی ملیجک مشغول کار شد و سپس به‌دستگاه شعاع‌السلطنه راه یافت و سرانجام با وساطت خانم سفیر روس خود را ازقیمومیت شعاع‌السلطنه رهانید و مدرسه موسیقی درست کرد. درویش در کار موسیقی ایرانی از پیشگامان است و ابداعات مهم در این راه کرده و شاگردان معروف داشته است. این نابغه موسیقی سرانجام در اثر تصادف درشگه‌اش با اتومبیل در دوم آذر ۱۳۰۵ کشته شد و در آرامگاه ظهیرالدوله به‌خاک سپرده شد. از وی آثار مهمی از جمله بیداد همایون و پیش‌درآمد ماهور برجای مانده است.

○ سرگذشت ۳۲۳+ز۲۱۲/۳+مردان‌موسیقی ۲۷.

▣ **درویش الیاس**، در تنگه شونادشت (شاهان دشت) امیری لاریجان با صندوق کنده‌کاری شده و مسجد مجاور.

○ آ س ۲۴۵/۳.

▣ **درویش امیر**، بر بالای بازوی فرعی کوهی در اراضی ناسنگ لاشک کجور، بنای هشت‌ضلعی آجری که داخل آن سفیدکاری شده و یادگارهایی بر آن نوشته‌اند که قدیمترین آن از ۷۸۰ است.

○ آ س ۲۰۹/۳.

▣ **درویش تاج‌الدین**، حسن ولی در دهکده نیاک بالا لاریجان، بنایی است هشت گوش با گنبد کلاه درویشی و در کنده کاری شده تاریخدار ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳ و ۱۳۴۴.

○ آ س ۴۲۳/۳.

▣ **درویش خان** ← آرامگاه درویش.

▣ **درویش رستم**، و درویش شهراگیم در دهکده اتاق‌سرای زانوس کجور. بنای هشت‌ضلعی آجری که بر در قدیمی آن نوشته‌هایی با تاریخ ۹۰۴ و ۹۷۸ هست.

○ آ س ۲۲۲/۳.

▣ **درویش طالقانی، عبدالمجید**، استاد خط شکسته. م ۱۱۸۵، اصفهان تخت فولاد در مقابل تکیه میر.

○ ل ۱۷۹۸ + مرگ در ۳۵ سالگی خوش ۲۵۳ + ر ج ۳۰۱/۲.

▣ **درویش فخرالدین**، بابل مورخ ۸۳۳ در کنار جادهٔ آمل به‌بابل، قرن نُهم تاریخ روی صندوق ۸۳۳، وی از سادات مرعشی بوده است.

○ د ت ۳۹ + معماری ۸۳/۲.

▣ **درویش محمود**، در سمنان روستای مؤمن آمد قرن هشتم.

○ معماری ۹۵/۲.

▣ **دُرّی**، ضیاءالدین (۱۲۹۳-۱۳۷۵) روحانی و فرهنگی معاصر درتهران مرد ودر عتبات دفن شد.

○ ز ۲۱۳/۳.

▣ **دستغیب شیرازی**، سیدمحمد باقر (۱۲۶۲-۱۳۳۶) روحانی و ادیب و نماینده بندرعباس در دورهٔ ۴ و ۵، امامزاده میرمحمد شیراز.

○ ز ۲۱۷/۳.

▣ **دِشی کردستانی**، ملاعبدالله (مفتی) در دشه کردستان از قرای اورامان متولد شد ۱۲۷۳، عالم و فرهنگی از ۱۳۲۵ مقیم تهران، وفات ۲۵ ربیع ثانی ۱۳۴۲ در سنندج، مدفون در بالای تپه شیخ محمدصادق.

○ ز ۲۲۴/۳.

▣ **دکتر تقی ارانی** ← آرامگاه ارانی.

▣ **دکتر حشمت** ← آرامگاه حشمت.

▣ **دکتر محمدخان کفری** ← آرامگاه کرمانشاهی

▣ **دماوند** ← آرامگاه امامزاده عبدالله.

▣ **دمشق خواجه**، پسرامیر چوپان دولتمرد و سردار بزرگ ایلخانان که خواهرش بغداد خاتون دختر امیر چوپان همسر ابوسعید آخرین ایلخان مقتدر بود، بنا را دمشق خواجه برای بغداد خاتون ساخت. این هر سه نفر در آن عصر وحشت و کینه‌جویی کشته شدند. در کنار مهران‌رود تبریز، آرامگاه دمشقیه به‌خاک سپرده شدند.

○ آ ذ ۳۹۸

▣ **دمشقیه** ← آرامگاه دمشق خواجه و پسران سلطان اویس جلایر.

○آ ذ ۳۹۸.

▣ **دِنبلی**، احمدخان، دولتمرد کرد در قرن ۱۳ سامره مقبره‌ای که خود ساخته بود.

○ ر ج ۸۰.

▣ **دنبلی** ← آرامگاه جعفرقلی‌خان.

▣ **دنبلی نجفقلی خان**، متخلص به‌مفتون صاحب تاریخ مأثر سلطانیه و.... م۱۱۹۹، هنگام استحمام در گرمابه، نعش او را به‌نجف بردند و در حرم حضرت علی(ع) به‌خاک سپردند.

○ ر ج ۳۳۴/۴.

▣ **دوازده امام**، یزد ۴۲۹.

○ هنر ۲۷۴/۸ + حرم چهارضلعی با پوشش گنبدی + آ ط ۳۷۹. معماری ۹۲/۲.

▣ **دوانی جلال‌الدین محمد**، فرزند. سعدالدین اسعد دوانی معروف به‌علامه دوانی معروفترین دانشمند قرن نهم، اهل دوان نزدیک کازرون، (۸۳۰-۹۰۸) آرامگاهش در دوان در جوار گور

شیخ علی دوانی، زیارتگاه است.
○ تا ن ۲۶.
▣ **دوکمال (بهزاد و کمال و خجندی)**، از ۹۱۴.
○ کارنامه ۶۳۹.
▣ **دولت آبادی**، حاج میرزا یحیی، فقیه و روحانی طرفدار حکومت مشروطه، متهم به‌ازلی بودن م ۱۳۲۶ خ در ۶۹ سالگی در تهران. شهر ری ابن بابویه.
○ رج ۲۹۱ + باب کیست ۲۴۸ + ایران در جنگ ۲۴۳ + آ ط ۶ + فوت ۲۴ شوال ۱۳۶۶. یا ق ۲۵۹.
▣ **دولتشاه** ← آرامگاه محمدعلی میرزا دولتشاه
▣ **دومنار**، در دردشت اصفهان، با قبری به‌نام بختی آغا که احتمالاً از قرن دوازدهم میلادی است. قابل قیاس با امامزاده جعفر و امامزاده بابا قاسم اصفهان.
○ معماری ایلخانی ۱۸۱.
▣ **دهاقانی**، شیخ نورالله، مؤسس و معلم مدرسهٔ صارمیه در اصفهان عالم و روحانی و روزنامه‌نگار. م ۱۳۳۱ خ تخت فولاد اصفهان.
○ ز ۲۴۳/۳.
▣ **دهقان، اسماعیل** ـ از آزادیخواهان گیلان و یاران میرزا کوچک خان که در هشتم تیر ۱۳۲۵ در تهران فوت کرد، امامزاده قاسم.
○ نام گیل ۴۴.
▣ **دهقان سامانی**، شاعر (۱۲۴۰ـ۱۳۲۶)، در آبادی سامان مغرب اصفهان کنار زاینده‌رود.
○ فک مؤلفان ۱۹۷.

ذ

از آرامگاه ذبیحی شاعر تا آرامگاه رادکان

▣ **ذبیحی شاعر**، متوفی ۱۱۶۰، یکی از صفه‌های میدان امام (شاه سابق) یزد اشعاری از این شاعر در قطعه سنگی کنده و بر دیوار مدرسه‌ای واقع در همین میدان نصب شده است.
○ ی ۷۰۴/۲ و ۷۵۸.
▣ **ذره**، ابوالقاسم سجادی سیاستمدار و آزادیخواه طرفدار سیاستهای چپ در ایران. م ۱۳۱۷خ. مسکو قبرستان عمومی.
○ ز ۲۶۳/۳.
▣ **ذوالریاستین شیرازی**، (۱۲۹۰ـ۱۳۱۶خ) میرزا عبدالحق مونس علی‌شاه شاعر و عالم ربّانی، کرمانشاه آرامگاه اختصاصی که خود ساخته بود.
○ ز ۲۶۵/۳.
▣ **ذوالفقار شروانی**، سیدقوام‌الدین حسین ملقب به‌ملک‌الشعرا از شاعران قرن هفتم، مشهور از نقطه‌نظر سرودن شعر مصنوع. مقبرةالشعرای تبریز.
○ کوی سرخاب ۳۶۳.

ر

۲۷

از آرامگاه رادکان تا آرامگاه زاهدشیر

▣ **رادکان،** میل یا برج رادکان که بدان رادکان شرقی در مقابل رادکان غربی می‌گویند. به‌احتمال آرامگاه امیر ارغون خان است. در هشت کیلومتری شمال مشهد که از عصر تیموریان مانده است. اولین مطالعه جدی درباره این آرامگاه بر مبنای کتیبه‌هایش را ماکس اُفِن برِشم آلمانی انجام داد و تاریخ آغازی بنا را ششصد واند دانست. هرتسفلد تاریخ بنا را ۶۸۰ فرض کرد و آرامگاه امیر ارغون دانست. این بنا الگوی برج کاشمر بوده است.

○ معماری ۸۹/۲ و ۱۳۴ + ایران یک ۴۶ + تصویرهای ۱۳ـ۱۶ و طرح بنا و منابع. معماری ایلخانی ۱۰۷ + هنر ۳۴۷/۸.

▣ **رادکان غربی،** در نزدیکی بندر گز (در گرگان) در مقابل میل رادکان شرقی در نزدیکی قوچان و شمال مشهد.

○ آثار ایران ۲۷۴/۳.

▣ **رادکان غربی و برج تاریخی آن**

○ فم ۲۲۵/۵.

▣ **رازی، محمد زکریا،** دانشمند بزرگ ایرانی در فرنگ رازِس فرزند ابوبکر (۲۵۱ـ۳۱۳) از بزرگترین دانشمندان ایرانی، بزرگترین طبیب بالینی اسلام، فیزیکدان، شیمیدان و کیمیاگر، رییس بیمارستان در ری و بغداد. درگذشته در ری درباره آرامگاه و گور این مرد بزرگ هیچ اطلاع درستی نداریم. دانشمند ارجمند استاد کریمان ری‌شناس معاصر در این باره می‌نویسد:

چون به‌شرحی که گذشت احتمالاً این بیمارستان از شهر دور و به‌آتشکده نزدیک بوده است گویا ظاهراً محل خانه محمد زکریای رازی را نیز که سالها در این بیمارستان به‌کار اشتغال داشت و کوچکترین اشارتی در ذکر بناهای داخلی شهر ری در باب آن به‌نظر نمی‌رسد، می‌توان در همان حدودها پنداشت و اگر چنین باشد روزی در میان آن همه آثار غیرمکشوف باستانی پهنه جنوبی و جنوب شرقی ری در حدود ده خیر و فیروزآباد کنونی تا تپه میل و چال ترخان و مدفن محمدبن حسین شیبانی و دیگر شهرهای آن حدود نشانه‌ای از گور محمد زکریا به‌دست آید.

○ د ۱۰۵۶ + ری ۳۶۸/۲.

▣ **راشد،** یا الراشد بالله خلیفه عباسی در محله جی اصفهان نزدیک پل شهرستان. حاوی دوامامزاده ابراهیم و حسن بن زید، بنای صفوی.

○ د ت ۳۹.

▣ **راه نجات، ابراهیم** (۱۲۶۸ـ۱۳۳۰خ) روزنامه‌نگار و آزادیخواه مبارز تخت فولاد اصفهان.

○ ز ۲۹۳/۳.

▣ **رییس‌الطلاب،** حاج‌میرزازین‌العابدین، برادر حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار (۱۲۴۵ـ۱۳۳۵) در ۹۰ سالگی در نجف مرد و در همان‌جا دفن شد.

○ رج ۱۱۴/۶.

▣ **ریس‌المجاهدین**، میرزا حسن فرزند میرزا مسعود شیخ‌الاسلام قزوینی، واقع در جادهٔ کرج به‌قزوین، در سی کیلومتری قزوین که متأسفانه به‌امامزاده بی‌غیرت معروف شده در حالی که میرزاحسن از بزرگترین قهرمانان غیرت و شرف در عصر مشروطیت بوده است. متوفی ۱۳۳۶.
○ تواریخ مشروطیت + آ ق ۱۳۲ و مقاله از د. توکلّ، کیهان مرداد ۱۳۴۷ + تاریخ سنگ مزار ۱۳۳۳ و نیز آرامگاه همسر وی آسیه. د ت ۳۹ + چون متهم در قتل پدر بوده، به‌وی امامزاده بی‌غیرت لقب دادند. ر ج ۳۳۴ + بنای قاجاری. معماری ۷۷/۲.

▣ **ربیعه خاتون**، مورخ ۷۰۸ در اُشترجان اصفهان.
○ معماری ایلخانی با تصویر ۱۵۰.

▣ **رحیم خان زند**، پسر بزرگ کریم خان زند که در ۱۸ سالگی مرد ۱۱۹۱، در محلّ کنونی هنرستان فارس، مجاور بقعهٔ حضرت علی بن حمزه با تخلص مصراع.
○ ر ج ۵۰۷.

▣ **رزم‌آرا**، حاجیعلی، که در پنجاه سالگی در مجلس ترحیم آیت‌الله میرزا محمدفیض، توسط خلیل طهماسبی روز ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ هنگام نخست‌وزیری کشته شد. شهر ری باغ طوطی.
○ روزشمار ۳۱۹/۲.

▣ **رستم خان سوقمن**، اِنسی‌گُلپیان. م ۱۸۴۳ در آرامگاه زیر برج ناقوس کلیسای وانگ در جلفا، رستم خان برادر منوچهر خان معتمدالدوله گرجی بوده است. رستم‌خان را در ۱۲۵۸ هنگام حکومت برادرش در اصفهان کشتند.
○ آ ص ۸۴۰.

▣ **رِسکت**، برج رِسکت در دودانگه ساری، قرن پنجم.
○ معماری ایلخانی ۱۹۳ + آثار ۱-۱/۱۱۸، آثار ایران ۲۷۵/۲.

▣ **رشتی**، حجت‌الاسلام حاجی سید محمد باقر رشتی شفتی بیدآبادی، بانی مسجد سید در محله بیدآباد، بنایی آجری از بقعه و رواق مزین به‌گچبریها و کاشیکاری و نقاشی و کتیبه‌هایی چند از سده سیزدهم.
○ آ ص ۷۹۲.

▣ **رشدیه**، میرزاحسن، فرهنگی و اصلاح‌طلب بزرگ، فوت ۲۱ آذر ۱۳۲۳ قم، قبرستان حاج شیخ عبدالکریم.
○ ز ۳۲۵/۳.

▣ **رشیدالدین و طواط**، محمدبن محمد عمری بلخی، شاعر و نویسنده و محقق ایرانی. ۹۲ سال زندگی کرد و در سال ۵۷۳ در خیوه مرد و به‌خاک سپرده شد. دیوان و چند اثر فارسی و عربی از او به‌جا مانده است.
○ تا ن ۹۲ + ت راشدی

▣ **رشید یاسمی، غلامرضا**، (۱۲۷۴-۱۳۳۰خ) فرزند محمد ولی‌خان، استاد تاریخ دانشگاه و نویسنده و شاعر و مترجم آثاری چون ایران در زمان ساسانیان و تاریخ قرن هیجدهم و انقلاب کبیر فرانسه و امپراتوری ناپلئون. آرامگاه ظهیرالدوله، شمیران.
○ ر ج ۱۵۲۸/۳.

▣ **رضاقلی خان**، پسر امیر گونه خان کُرد زعفرانلو، فوت در تبریز، انتقال جسد به مشهد و تدفین در حرم مطّهر.
○ ر ج ۲۸/۲.

▣ **رضاقلی‌مافی** ← آرامگاه نظام‌السلطنه دوم

▣ **رضاقلی میرزا قاجار**، نایب‌الایاله پسر بزرگ حسینعلی میرزا فرمانفرما، تولد ۱۲۲۰ در شیراز از نویسندگان عصر قاجار، م ۱۲۷۹ در کرمانشاه مدفون در نجف

○ تا ضف ۳۷۳.

▣ **رضوی قمی**، سیدمحمدتقی، زاده شده در ۱۲۸۷ روحانی فرهنگی مقیم قم. قم گورستان شیخان.

○ ز ۳/۳۳۳.

▣ **رضی، میرزامحمد**، پسر میرزا شفیع سرخابی تبریزی ادیب خوشنویس م ۱۱۵۸ در ۶۵ سالگی، نجف.

○ ر ج ۲/۴۲ + تا ضف ۳۴۲.

▣ **رضی‌الدین آرتیمانی** ← آرامگاه آرتیمانی.

▣ **رضی‌الدین محمدحسین شیرازی**، از عرفای قرن ۱۱ و ۱۲ اصفهان، تخت فولاد تکیه آقارضی.

○ ل ۲۸۰۰.

▣ **رفعت سمنانی**، حاج محمدصادق شاعر عصر قاجاریه م ۱۳۵۰، حضرت عبدالعظیم.

○ تا ضف ۲۱۵.

▣ **رفیع**، آیت‌الله حاج نورالدین ـ متولد ۱۳۱۸ در رشت پس از پایان تحصیل مقیم تهران. م ۱۳۸۶، نجف آرامگاه خانوادگی در صحن مطهر.

○ ز ۳/۳۳۷.

▣ **رفیع، بامداد** ← آرامگاه بامداد، رفیع.

▣ **رقیه بانو**، خواهر مکرّم حضرت رضا(ع).

○ نطنز ۱۴۹.

▣ **رکنا**، مسعود رکن‌الدین کاشانی، خوشنویس و طبیب دربار صفویه و پادشاهان بابری هند، قرن یازدهم م ۱۰۶۶ کاشان.

○ خوش ۹۰۲.

▣ **رکن‌الدین سمنانی**، در صوفی‌آباد سمنان در ۷۳۶.

○ معماری ایلخانی ۱۶۸.

▣ **رکن‌السلطنه**، محمدرضا میرزا، پسر پنجم ناصرالدین شاه متولد ۱۳۰۱ تهران که در کودکی یک چشمش به‌واسطهٔ آتش‌بازی کور شده بود از نقاشی و موسیقی سررشته داشت. م ۱۳۳۰ در نیس، مدفون در نیس.

○ ر ج ۶/۲۳۶.

▣ **رکن‌الملک**، میرزا سلیمان خان متخلص به‌خلف، نایب‌الحکومه اصفهان. م ۱۳۲۳، مدفون در اطاقی، در مسجد رکن‌الملک. تخت فولاد اصفهان.

○ آ ص ۶۲۵ + ل ۲۰۰۰.

▣ **رکن جهان**، خواجه حمیدالملک رکن‌الدین صاین هروی. شاعر و دولتمرد عصر آل مظفر و ملازم شاه شجاع. م ۷۶۵، مدفون در یزد.

○ تا ن ۲۰۸.

▣ **رکن عالم**، م ۱۳۲۰ مُلتان هند.

○ معماری هند ۲۹ تصویر ۲۲ الف.

▣ **روبن**، بقعه روبن یا پیر روبن یا زیارت سلطان سیدعلی، دزفول در کنار رودخانه با کاشیکاری و گنبدی آجری و ۱۴ مجلس نقاش مذهبی و تزیینات دیگر.

○ د ش ۴۰۱.

▣ **روح‌القدس**، سلطان‌العلمای خراسانی. روح‌القدس مخالف سرسخت محمدعلی شاه و استبداد وی. محمدعلی شاه وی را پس از شکنجه‌های شدید نیمه‌جان در چاه انبار دولتی (زندان) انداخت. وفات شب چهارشنبه ۲۴ جمادی‌الاوّل ۱۳۲۶.

○ ر ج ۴۴/۲.

▣ **روحی** ← آرامگاه شیخ احمد روحی.

▣ **رودکی، ابوعبدالله جعفر بن‌محمد** ـ م ۳۲۹ در قریه پنج رودک تاجیکستان. بنای جدید آن در ۱۹۵۸ با حضور نمایندهٔ ایران گشوده شد.

○ تا ن ۲۱ و (۵) + تصویر سیمرغ ۱۵۴.

▣ **رودلف ساعت‌ساز**، رودلف استاد ساعت‌ساز سوئیسی که توسط فرنگیهای آن عصر با گنبد و بارگاه در دامنه کوه صفّه اصفهان ساخته شد، اکنون آثار آن برجای است از جمله سنگ قبر وی با نوشته که احتمالاً جدیدتر است.

○ آینده ۳۸/۱۱ + مقتول به‌امر شاه‌صفی

○ آ ص ۸۴۶.

▣ **روزبهان**، ابومحمد بقلی گیلانی (۵۲۲-۶۰۶) عارف معروف، ساکن شیراز، آرامگاه وی در سال ۱۳۵۱ خ توسط انجمن آثار ملی در شیراز محله درب شیخ ساخته شد.

○ کارنامه ۵۱۱ + ف ۶۲ + معماری ۸۷/۲ + اِ ق ۷۰.

فخرالدین عراقی در عشاق نامه درباره او گوید:

پیر شیراز شیخ روزبهان
آن به‌صبر و صفا فرید جهان
اولیا را نگین خاتم بود
عالم جان و جان عالم بود
شاه عشاق و عارفان بود او
سرور جمله واصلان بود او
چون به ایوان عاشقی برشد
روزبه‌بود و روز به‌تر شد
سالها با جمال جان‌افروز
روز شب کرده بود وشبها روز

○ کارنامه ۵۱۲.

▣ **روزبهان نسوی**، فریدالدین، م ۹۱۸ در مصلای شیراز.

○ شیرازنامه ۱۲۲.

▣ **روزبهان**، آرامگاههای کسان دیگر در این آرامگاه.

○ کارنامه ۵۱۶.

▣ **روسو**، ژاکوب، عموی ژان ژاک روسو متفکر معروف اروپا در قرن ۱۸ که به‌اصفهان آمد و تا هنگام مرگ، ۲۹ مارس ۱۷۵۳ مدت ۴۸ سال در اصفهان مقیم بود. وی حرفه ساعت‌سازی را خوب می‌دانست و اکنون گورش با سنگی زیبا در قبرستان ارامنه در جلفای اصفهان‌وجود دارد، وی از مردم ژنو بود.

○ آثار ۳۴۲/۴.

▣ **روسیهای کشته شده**، در واقعه‌گری بایدف، کلیسای طاطاوس در کوچهٔ ارامنه تهران با تصویر.

○ آ ط ۸۸.

▣ **روشن چراغ دهلی**، نصیرالدین عارف معروف، در دهی که به‌امر فیروزشاه تغلق بر فراز قبر او درگاهی ساخته‌اند. با کتیبه‌ای به‌خط ثلث، در تاریخ ۷۷۵. تاریخ وفات وی ۷۴۷ است.

○ نقش پارسی ۶۹ + آثار صنادید ۳۶ و ۵۳.

▣ **رهنما**، غلامحسین ـ فرزند ملاباشی، حاج میرزا محمد، زاده شده در ۱۲۹۷ شیراز، پس از تحصیل در دارالفنون نزد عبدالغفّار خان نجم‌الدوله به‌تکمیل معلومات پرداخت، تا به‌جایی که عضو آکادمی علوم فرانسه شد در ۱۲ خرداد ۱۳۲۵ خ مرد. شهر ری ایوان مقبرهٔ ناصرالدین شاه.

○ ر ج ۱۷۳/۶ + روزشمار ۲۷۸.

▣ **رهی معیری**، محمد حسین (۱۲۸۸-۱۳۴۷)

فرزند مؤید خلوت. شاعر متخلص به‌رهی با اثری چون سایه عمر، آرامگاه ظهیرالدوله.

○ سخنوران نامی ۱۶۱۶/۳.

▣ **ریاضی**، آیت‌الله ابراهیم ـ زاده شده در ۱۲۷۷خ، روحانی بزرگ اهل نجف‌آباد، پس از پایان تحصیل در قم و اصفهان به‌نجف‌آباد رفت و آثار عمرانی فرهنگی بسیار از خود به‌جای گذاشت م ۱۳۱۳خ. حسینیه اعظم نجف‌آباد که خودش ساخته بود.

○ ز ۳۵۴/۳.

▣ **ریاضی، سیدمحمدعلی یزدی**، متولد ۱۲۹۰خ روحانی‌فرهنگی وشاعر، فوت ۲۹ اسفند ۱۳۶۱. تهران. ابن بابویه.

○ ز ۳۵۶/۳.

ز

از آرامگاه زاهدشیر تا آرامگاه ژنده‌پیل

▣ **زاهدشیر**، در ده کیلومتری مشرق خرم‌آباد.

○ معماری ۹۷/۲.

▣ **زبیده خاتون**، دختر عم و زن ملکشاه سلجوقی که در بحرانهای جانشینی ملکشاه وی را به‌دستور مؤیدالملک محبوس و خفه ساختند، به‌احتمال قوی زیارتگاه بی‌بی زبیده متعلق به‌این بانو است نه دختر حضرت امام حسین(ع).

○ ر ی ۴۱۶.

▣ **زبیده خاتون**، دختر بُرکیارق سلجوقی و همسر سلطان مسعود سلجوقی.

○ د ت ۷۲+۱ احتمالاً بی‌بی زبیده مدفون در ری.

▣ **زرکوب** ← آرامگاه نجم‌الدین.

▣ **زرندیان**، بقعه‌ای منسوب به‌امامزاده نصرالله با ضریحی تاریخ‌دار، ۹۳۴.

○ ی ۶۷.

▣ **زکریا قزوینی**، (۶۰۰ـ۶۸۲)، عمادالدین زکریا فرزند محمود، نویسنده عجایب‌المخلوقات و غرائب‌الموجودات و آثارالبلاد، و اخبارالعباد، قاضی شهرهای حله و واسط که در مأموریت دومی مرده و در بغداد به‌خاک سپرده شده.

○ تا غ ۵۰۴.

▣ **زکریا ملتانی**، بهاءالدین معروف به‌بهاءالحق (۵۷۸ـ۶۶۱) از مشایخ صوفیه و از خلفای مشهور شیخ شهاب‌الدین سهروردی، متولد ملتان که در مراجعت از مکه به‌خدمت سهروردی رسید و در هند طریقه سهروردیه را وی تأسیس کرد، زکریا ملتانی به‌هیچ‌کس اجازه نمی‌داد دست او را ببوسد. فخرالدین عراقی و امیرحسین هروی از مریدان او بودند. آرامگاهش در ملتان زیارتگاه است.

○ د ۴۷۴.

▣ **زَمَخشری** ← آرامگاه شیخ نجم‌الدین کبری.

▣ **زنجانی**، آیت‌الله سیداحمد، زاده شده در ۱۳۰۸ زنجان مقیم قم وفات ۲۹ رمضان ۱۳۹۳، قم حرم مطهر حضرت معصومه(ع)، آثار.

○ ز ۳۶۴/۳.

◙ **زنوزی**، آیت‌الله میرزا رضی، زاده شده ۱۲۹۴ تبریز پس از تحصیل در قم مقیم شد. م ۱۳۷۰ تبریز، قم مسجد بالاسر.

○ ز ۳۶۸/۳.

◙ **زیارت**، معماری ایلخانی حدود سال ۷۰۰ در ۵۰ کیلومتری مشرق بجنورد که برای اولین بار در این کتاب معروفی می‌شود.

○ ایلخانی ۱۴۲ با تصویر.

◙ **زید بن علی**، امامزاده زید بن علی،

○ نقشه سیاحتی لرستان + خرم‌آباد محله زید بن علی مورخ ۹۵۰. معماری ۱۹۷ جغ ۱۷۵.

◙ **زین‌الدین بابا**، قرن نهم تجدید در قرن ۱۳ با تصویر، در تاشکند.

○ سیمرغ ۱۸۲.

◙ **زین‌العابدین مراغه‌ای**، حاج، نویسنده سفرنامه ابراهیم بیگ م ۱۳۲۸، استانبول.

○ چهره‌ها ۶۸۴ + تا ضف ۶۱۴.

◙ **زینت‌النسا بیگم**، یکی از دختران شاه اسماعیل سوم، در محله امامزاده اسماعیل نزدیک مسجد جمعه اصفهان، در رواق همان امامزاده، با سنگ قبری مورخ ۱۱۹۶.

○ آثار ایران ۳۱۶/۴.

ژ

از آرامگاه زنده‌پیل تا آرامگاه سادات در اصفهان

◙ **ژنده پیل** ← آرامگاه احمد ژنده پیل.

◙ **ژول ریشار فرانسوی**، عکاس که در ۱۲۶۰، عصر ناصرالدین شاه به‌ایران آمد و در دارالفنون زبان فرانسه تدریس می‌کرد (۱۲۳۱ـ۱۳۰۸) ریشار در یک پیشامد ناموسی کشته شد و وی را درگورستان انبار قاسم‌خان، محلی بین تهران و ری، جاده قدیم شهری به‌خاک سپردند.

○ تا سین ۲۴۶ + ر ج ۱۰۴/۴.

س

از آرامگاه سادات تا آرامگاه شابوالحسن

◙ **سادات**، در گوشه شمال غربی مسجد حکیم اصفهان.

○ آ ص ۶۰۹

◙ **سادات**، درافوشتهٔ نطنز، در چهارکیلومتری جنوب شرقی آن.*

◙ **سادات**، بقعه سادات در بلندترین نقطه شوشتر

ساختمان قدیمی شبیه عمارات عهد صفوی که همه کتیبه‌هایش فروریخته.

○ د ش ۷۳۹.

▣ **سادات قل هوالله**، در یزد، غرب مسجد جامع ۹۶۵.

○ معماری ۹۲/۲.

▣ **سادات لودی**، در دهلی سده‌های ۹ و ۱۰.

○ میراث ۸۰.

▣ **ساریه خاتون**، قم روستای دوکوهک، صفویه.

○ معماری ۷۹/۲.

▣ **سازی اسلامی**، در ایران را باید دنبالهٔ معماری آتشکده‌های ایران ساسانی دانست، مقبرهٔ مشهور اسماعیل سامانی نسخه مجلل آتشکده چارطاقی دورهٔ ساسانی است، گنبد علی در ابرقو بعضی از دخمه‌های زرتشتی را به‌یاد می‌آورد و گنبد قابوس. که آغاز پراهمیت ساختمان این نوع بناهاست نیز از سبک معماری ایران ساسانی زرتشتی حکایت دارد.

○ معماری ۲۷.

▣ **سازی را ایرانیان**، یا از رومیان که در آسیای غربی صاحب نفوذ بودند اقتباس کردند یا اینکه این رسم را ترکان آسیای مرکزی به‌ایران آوردند.

○ معماری ۲۶.

▣ **ســـاسانیان دروی**، از میان شاهان ساسانی استخوان هرمز پسر یزدگرد دوم و سه تن از خاندان او در ری نهاده شده است. ابن اثیر.

○ ری ۳۷۸.

▣ **ساعدالملک**، میرزا عبدالرحیم خان قائم‌مقام از سادات طباطبایی آذربایجان، متولد ۱۲۴۴ در تبریز و از همراهان ناصرالدین شاه به‌اروپا و عضو دارالشورای کبری. م ۱۳۱۹ در تهران، قم صحن امین‌السلطان.

○ ج ۱۴۵/۵.

▣ **ساعدالملک، احمدخان**، ← آرامگاه احمدخان ساعدالملک.

▣ **ساعد مراغه‌ای**، محمد، از سیاستمداران عصر پهلوی دوم که در رویداد آذربایجان نخست‌وزیر بود و نقش مهمی داشت اما پس از این رویداد دیگــر در صــحنه سیاست درخششی نیافت. م ۱۳۵۲، وی را برمبنای وصیتش در گورستان عمومی به‌خاک سپردند بی‌نام و نشان.

○ روزشمار ۲۷۹/۲.

▣ **سالار**، حسن خان پسر اللهیار آصف‌الدوله که در عصر محمد شاه طغیان کرد و میرزا تقی خان امیرکبیر فتنه‌اش را خواباند و خود و دو پسرش را اعدام کرد، مشهد خواجه ربیع.

○ ر ج ۲۱۳.

▣ **سالارالدوله**، ابوالفتح میرزا پسر مظفرالدین‌شاه. زاده شده در ۱۲۹۸. در ۱۳۱۵ حکمران کرمانشاه و از همان آغاز کار دست تعدی و تجاوز به‌سوی مــردم دراز کــرد بــه‌حدی کــه وی را از آن شــغل مــعزول کــردند، مــظفرالدین‌شاه در تلگرافی به‌محمدعلی‌میرزا ولیعهد بــه‌وی گــوشزد مــی‌کند که: تصور نکن من پسر شاه هستم سالارالدوله را ملاحظه کردی که در کرمانشاه خــواست حــرکت خلافی بکند قدری دست‌اندازی به‌املاک مردم کرد فوری او را عزل کردم. با همه اینها وی سالها حکمران نواحی مختلف غرب و جنوب غربی کشور بود و سرانجام در اوایل سال ۱۳۲۵ برعلیه برادر خود محمدعلی‌شاه قیام کرد، اما قیامش بـا کــاردانــی اتــابک شکست خــورد و خــودش به‌کنسولگری انگلیس در کرمانشاه پناه برد. تاریخ

زندگی سالارالدوله مملو از قیامها و جنگها برای رسیدن به‌مقام سلطنت بوده است. از سال ۱۳۰۳ خورشیدی وی به‌مصر رفت و سالهای آخر عمر را در اسکندریه سپری ساخت و در ۱۳۳۸خ مرد و در همان شهر به‌خاک سپرده شد. وی لباس شاهنشاه ایران را تا آخر عمر داشت و گه‌گاه می‌پوشید

○ ر ج ۴۸ + وی را به‌عتبات آورده در نجف به‌خاک سپردند. ت معیری.

▣ **سالار ملی،** باقرخان، وی در حین جنگ جهانی اوّل با چند مجاهد دیگر عازم قلمرو عثمانی شد امّا در یک روستایی نزدیک قصر شیرین، وی و همراهانش را کُردان شبانه گردن زدند و جسدهاشان را در چاه ریختند محرم ۱۳۳۵.

○ رهبر ۴۱۲ + جنگجو و مجاهد معروف همکار صمیم و یار وفادار ستارخان در قیام آذربایجان در برابر محمدعلی شاه قاجار. ر ج ۱۸۰.

▣ **سالور،** در قریه اوین تهران نزدیک درکه بر روی یک تپه، امامزاده‌ای به‌نام عزیز قرار دارد که در مجاورتش دو آرامگاه نوبنیاد پی افکنده شده. است. از دو برادر به‌نامهای حسینعلی میرزا عمادالسلطنه م ۱۳۱۱خ و قهرمان میرزاعین‌السلطنه م ۱۳۲۴، هردو فرزندان عبدالصمد میرزا عزالدوله فرزند محمدشاه. برروی سنگ قبرها اشعار زیبایی نویسانده شده است.

○آ ط ۲۲۶.

▣ **سام خان،** پسر بزرگ رضاقلی‌خان زعفرانلو، حکمران قوچان در عصر عباس میرزا م ۱۳۱۲، حرم پاک رضوی.

○ ر ج ۱۱۷/۶.

▣ **سامانی** واقع در بخارا از قرن چهارم، نسخهٔ مجلل سبک متداول آتشکده چهارطاقی ساسانی است و آرامگاه قدیمی حومهٔ ابرقو که در نقطه‌ای دورافتاده قرار دارد وازقرن چهارم است، یادآور دخمه‌های زرتشتی یا برجهای خاموشان عصر پیش از اسلام است.

○ مقالهٔ دکتر ربرت هیلن براند. معماری ۳۳ + اشاره به‌آرامگاه امیراسماعیل سامانی است*

▣ **ساوجی،** حاج میرزا فضل‌الله در عصر فتحعلی‌شاه از ادبا و فضلا و خوشنویسان و از مشاهیر اطبا بود. م ۱۲۷۵ تهران، نجف دارالسلام.

○ ر ج ۹۴/۳.

▣ **سبز،** قم دروازه کاشان سده هشتم.

○ معماری ۸۷/۲.

▣ **سبز،** قبه سبز کرمان، آرامگاه قراختاییان. پیرنیا محمد کریم.

○ فم ۲۲۸/۴.

▣ **سبز** (گنبد سبز) درافوشته نطنز آرامگاه سید واقف به‌طوری‌که مردم برزبان‌می‌آورند: گنبد سبز.

▣ **سبز** (گنبد سبز) در هرات، مقاله از عبدالله احرار.

○ فم ۳۶۸

▣ **سبز،** گنبدسبز، یا مقبره سلاطین تیموری در هرات. مقاله از گویا اعتمادی سرور.

○ کابل ۱۲/۳/۶۳.

▣ **سبزپوش،** بقعه سبزپوش در بهبهان، صفویه.

○ معماری ۸۶/۲.

▣ **سبزپوش،** یا سوزپوش دو پیرون، در گتوند با حیاط بدون گور، چه مردم متعقدند که این زمین مرده را نمی‌پذیرد. بنایی مشابه ابنیه اواخر عصر صفوی.

○ د ش ۷۵۸.

▣ **سبزپوشان،** در سینه کوه و جنوب شرقی شیراز قرار گرفته است در وسط یک درختزار غاری است دست‌ساز و سنگی با این نوشته: تاریخ شهادت امامزاده سید اسحاق بن موسی بن جعفر سنه ۲۰۵.

○ ا ق ۳۸۶.

▣ **سبزواری** ← آرامگاه حاج ملاهادی.

▣ **سبزواری،** حاج میرزاحسین، شاگرد حاج ملاهادی. م ۱۳۵۲، در مزار حاج ملاهادی به‌خاک سپرده شد.

○ یا ق ۲۶۵.

▣ **سبزواری،** ملامحمد جعفر پسر ملامحمد باقر معروف به‌شیخ‌الاسلام از علما و فقهای بزرگ اصفهان. سده سیزدهم.

○ آ ص ۶۰۹.

▣ **سبزواری،** حاج میرزا ابراهیم مجتهد سبزواری ← آرامگاه حاج میرزا ابراهیم شریعتمداری.

▣ **سپهبد قرنی،** قم آرامگاه شیخ فضل‌الله نوری.

○ اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۱۵.

▣ **سپهدار تنکابنی،** خلعتبری ← آرامگاه سپهسالار تنکابنی.

▣ **سپهر،** میرزامحمدتقی ← آرامگاه محمدتقی سپهر.

▣ **سپهسالار،** در طبس روستای چهارده، قاجاریه.

○ معماری ۸۹/۲ و نقشه ۱۲۵.

▣ **سپهسالار تنکابنی،** محمدولی خان، سپهدار اعظم از سرداران وفادار به‌محمدعلی شاه که مأمور دفع غائله ستارخان در آذربایجان شد و در آنجا به‌حقانیت مشروطه‌خواهان پی برد و از آن به‌بعد از دولتمردان طرفدار مشروطیت شد. روز ۲۷ تیرماه ۱۳۰۵ باغ ییلاقی خود در دزآشیب خودکشی کرد و بنا بُروصیت خودش در امامزاده صالح تجریش به‌خاک سپرده شد.

○ تاب ۱۳۸/۴ + رهبر ۳۱۰ + ر ج ۱۶/۴

▣ **سپهسالار قزوینی،** میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم ناصرالدین شاه و شوهرعمه وی، بانی مدرسه و مسجد سپهسالار در جوار اقامتگاهش کاخ بهارستان که به‌دولت واگذار شد. چون سپهسالار فرزند نداشت، بعدها در عصر رضاشاه ارباب کیخسرو از سوی مجلس مبلغی را به‌وارثان وی داد. (خاطرات و یادداشتهای ارباب کیخسرو) وی در مشهد با قهوه قجر مسموم و کشته شد و در دارالسیاده آستان قدس به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۴۲۲ + سیاستگر ۵۹.

▣ **ستارخان** ← آرامگاه سردار ملی.

▣ **ستی فاطمه،** در محله چهارسو کوچک اصفهان، مرقد فاطمه صغری دختر امام موسی کاظم، از قرارگفته مردم اصفهان. بنا صفوی است و در زمان فتحعلی‌شاه تعمیر شد، با کتیبه‌ای به‌تاریخ ۱۲۴۲

○ آ ص ۷۷۲.

▣ **ستی فاطمه،** از همراهان حضرت معصومه(ع).

○ شهرها ۲۴۵ + ستی فاطمه یا فاطمه خاتون بنایی از قرن نهم بدون هیچ اثری از کتیبه و کاشی + ی ۳۳۲ + در میدان امیر چخماق یزد قرن نهم معماری ۹۲/۲ شهرها ۲۴۵.

▣ **ستی فاطمه و شاهزادگان،** در اصفهان.

○ معماری ۹۱/۲ و ۱۳۰.

▣ **ستی فاطمه،** در محله کهوی شوشتر با کتیبه‌ای از ۱۲۹۱.

○ دش ۷۴۲.

◫ **ستیه**، یا بیت‌النور. قم میدان میرسراج، قاجاریه.

○ معماری ۷۸/۲.

◫ **سخنیار، حسین**، (۱۳۰۸-۱۳۴۷ خ) فرزند حاج محمد جواد کوپایی. ادیب و شاعر مشهور به‌حسین مسرور. آرامگاه ظهیرالدوله شمیران.

○ سخنوران نامی ۳۲۷۵/۵.

◫ **سدیدالسلطنه کبابی**، احمدخان، دولتمرد دانشمند عصر قاجار و پهلوی. م ۱۳۲۰ خ.

○ بندرعباس، ۲۱.

◫ **سربازگمنام**، در تبریز محوطه ارک علیشاه.*

◫ **سربازگمنام**، نخست ستون یادبود سرباز گمنام در این نقطه برپای شد و به‌تدریج مبدل به‌یک آبادی شد با ۱۷ نفر نفوس در ده پیر، بخش مرکزی خرم‌آباد*.

◫ **سرخ** ← آرامگاه گنبد سرخ.

◫ **سرخپوش**، سید جلال‌الدین (۵۹۵-۶۹۰) اهل بخارا عارف بزرگ و یکی از چهاریار (سه نفر دیگر: بهاءالدین زکریا، فریدالدین گنج‌شکر و سید عثمان مروندی) از سادات علوی و از فرزندزادگان امام محمدتقی(ع) که بسیاری از مردم شمال پاکستان را به‌اسلام دعوت کرد. وی خرقه خلافت را از پدر خود گرفت. آرامگاهش در بهاولپور است که والی بهاولپور ساخت.

○ میراث ۴۶۹/۲.

◫ **سردار اسعد بختیاری، علی قلی خان**، لقب سردار اسعد را اول برادر بزرگ علی‌قلی اسفندیار خان داشت که هردو پسران حسین قلی خان ایلخانی از تیره هفت لنگ بختیاری بودند. ایلخانی در ۲۷ رجب ۱۲۹۹ توسط ظل‌السلطان حکمران اصفهان کشته شد. پس از این کشتار ظل‌السلطان این دو برادر پسران بزرگ ایلخانی یعنی اسفندیار خان و علی قلی‌خان را نیز به‌زندان انداخت و برادران دیگر سر به‌کوه و بیابان گذاشته آواره شدند. مدت حبس حاجی علی‌قلی‌خان سه سال طول کشید و پس از آن به‌تهران رفت و خود را به‌امین‌السلطان نزدیک کرد و فرمانده یک نیروی محافظ امین‌السلطان شد. علی‌قلی‌خان پس‌از سقوط امین‌السلطان به‌اروپا رفت. با آغاز نهضت مشروطه و سپس استبدادکوچک محمدعلی میرزا، سردار اسعد به‌اشاره وزارت خارجه انگلستان به‌ایران بازگشت و به‌فرماندهی نیروی آزادی‌طلب بختیاری رسید و موفق شد که با کمک سپهدار تنکابنی مشروطه را دوباره برقرار سازد و خود به‌مقامات عالی برسد، تا اینکه در هفتم محرم ۱۳۳۶ در ۶۳ سالگی در اصفهان مرد و در تخت پولاد به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۴۴۸/۲ + دوم آبان ۱۲۹۶ با تشییع‌جنازه رسمی روزشمار ۸۷ + رهبر ۲۵۷.

◫ **سردار اسعد، جعفر قلی‌خان**، پسرعلی قلی خان، سردار اسعد دوم یا سوم از سرداران بزرگ عصر رضاشاه که پیش از درخشش رضاخان نیز فرماندهی داشت و سردار سپه زیر دست او بود. وی از طرفداران رضاخان بود و به‌کرسی دیکتاتوری نشاندن رضاخان کمک بسیار کرد و در عصر وی به‌وزارت رسید، اما ناگهان در اواخر سال ۱۳۱۲ مغضوب شد و به‌زندان نظمیه رفت و در اوایل فروردین ۱۳۱۳ در زندان کشته و در تخت فولاد اصفهان به‌خاک سپرده شد. پس از سقوط حکومت رضاشاه محاکمه قاتلان وی در شهربانی به‌انجام رسید و دراین باب افشاگری

بسیار شد.

○ آرزو ۱۰۶ + محاکمه ۷۴ + رهبر ۲۸۲ + رج ۲۴۵.

▣ **سردار افخم** ← آرامگاه آقا بالاخان سردار.

▣ **سرداران زند**، ابوالفتح خان و صادق‌خان و جعفرخان در حرم شاه‌چراغ شیراز .

○ ر ج ۱۶۲/۳.

مقاله اسماعیل اشرف فم ۳۷۰.

▣ **سردار فاخر حکمت**، رضا فرزند حسام‌الدین مشارالدوله شیرازی، پدر و پدربزرگ وی هردو طبیب بودند و رضا که در ۱۲۷۲ خ در تهران متولد شد پس از مدتی تحصیل در تهران به‌شیراز رفت و در کار کشاورزی دستیار پدر شد. پدرش هنگام مشروطه‌طلبی در فارس به‌این نهضت گرایید و رضا هم از همان دوران کودکی به‌آزادی و آزادگی علاقه‌مند شد و بخش عمده‌ای از زندگی وی صرف براندازی نفوذ انگلیس از جنوب ایران گردید و چون به‌مبارزه پارلمانی عقیده داشت در این راه کوشید و سالها وکیل و رییس مجلس بود. نقاط ضعف وی یکی مرگ مرحوم مستوفی درخانه‌اش ویکی علاقه‌مندی وی به‌قمار بود... اما آنچه دشمنانش به‌خصوص توده‌ایها درباره وی می‌گفتند همه نعل وارونه بود و او با جایی یا مقامی در خارج بستگی نداشت. سردار فاخر در آبان ۱۳۵۶ براثر زمین‌خوردگی و خونریزی مغزی درگذشت و در آرامگاه خانوادگی خود در قم **به‌خاک** سپرده شد.

○ رهبر ۶۳۷/۲.

▣ **سردار محمد کریم خان فیروز کوهی**، منتظم‌الدوله در انتهای جنوبی بنای دبستان فیروزکوهی در خیابان آشیخ هادی تهران، این مرد خیرخواه این دبستان جدید را خود ساخت و به‌مردم تهران اهدا کرد. م ۱۳۱۶خ وی از دولتمردان عصر قاجاریه و پهلوی، بود.

○ آ ط ۴۳۵.

▣ **سردار محبی**، عبدالحسین خان برادر میرزاکریم خان همرزم میرزا کوچک‌خان که از وی گسست و به‌بادکوبه رفت و در آنجا مرحوم و به‌خاک سپرده شد.

○ یا ق ۲۳۲ + معلوم نشد کجا دفن شد. ر ج ۱۳۵/۶.

▣ **سردارملی**، ستارخان مجاهد معروف در انقلاب مشروطیت و در قیام آذربایجان برابر محمدعلی شاه در سال ۱۳۲۶. قیام وی عامل اصلی سقوط پادشاه قاجار بود و پس از خلع محمدعلی وی را به‌تهران آوردند و در پارک اتابک منزل دادند اما در سال ۱۳۲۹، هنگام خلع‌سلاح مجاهدان به‌وی تیراندازی شد و پایش از کار افتاد و در ۴۵ سالگی در تهران مرد، دوم آبان ۱۲۹۳. آرامگاهش تا سال ۱۳۲۴خ در باغ طوطی شاه عبدالعظیم، وضع فقیرانه‌ای داشت. در این سال بر سر قبرش آرامگاهی موقت ساختند که دوسال بعد سیاه‌دلان آن را با خاک یکسان کردند. بعدها به‌همت امیر خیزی و دیگران سنگی برای گور وی تدارک شد.

○ دو مبارز ۲۸+۱۹۴ ذی حجه ۱۳۳۲. رهبر ۴۱۰+۲۵ آبان. روزشمار ۷۲ + ر ج ۶۵/۲ + د ۱۲۶۴.

▣ **سردار موید** ← آرامگاه فتح‌الله خان مقدم مراغه‌ای.

▣ **سرقبر آقا** ← آرامگاه امام جمعه‌های تهران.

▣ **سرگنج**، آرامگاه پادشاهان و مشایخ در احمد

آباد گجرات.

○ تا ن ۴۱۵.

▣ **سرمدکاشی**، شاعر مجذوب و آشفته‌حال، ندیم و همنشین داراشکوه که توسط قاضی لاهور به‌فرمان اورنگ زیب اعدام شد. آرامگاه وی نزدیک دروازه شرقی مسجد جامع دهلی در شاه جهان آباد موجود است با این رباعی که بر گور او نقر شده است:

«شاه سرمد به عهد عالمگیر
چون سفر ساخته به‌خلد برین
گفت تاریخ اکبر مسکین
لحد مرقد شهید سرمد این»

۱۸ ربیع‌ثانی ۱۰۷۰

○ نقش پارسی ۱۱۵ + فک مؤلفان ۳۲۶/۲.

▣ **سروری**، شیخ مصلح‌الدین مصطفی فرزند شعبان، از ادیبان بزرگ خاک عثمانی و از مشاهیر زمان که مدتی آموزگار سلطان مصطفی پسر سلطان سلیم بود و پس از اینکه مصطفی در ۹۶۰ کشته شد، وی منزوی گردید و پس از فوت در پشت مسجد کوچکی که در محله قاسم پاشای استامبول ساخته بود به‌خاک‌سپرده شد، وی‌در زبانهای فارسی و ترکی آثار مهمی به‌جای گذاشت.

○ تا ن ۳۹۲.

▣ **سرهنگ حسنعلی شقاقی** ← آرامگاه شقاقی.

▣ **سرّی نایینی**، بدیع‌الزمان نوربخش، شاعر نابینای قائن (۱۳۱۹-۱۳۶۵) مدفون در آرامگاه ایرج میرزا پایین پای او با شعری که خود بدین منظور سروده:

«من‌که خاک است کنون مأوایم
سری ام سری نابینایم
به‌وجود آمدم از مادر کور
کور و کر رفتم و خفتم در گور
شاعری شد به‌جهان پیشه من
هنر شعر بد اندیشهٔ من
نه مرا محرم اسراری بود
نه مرا مونس و غمخواری بود
عاقبت رخت زدنیا بستم
و ز غم کوری و کری رستم»

○ کارنامه ۷۴۱

▣ **سعادت، نوری** حسین، نویسنده و محقق معاصر (۱۲۸۵-۱۳۵۵). تهران، بهشت‌زهرا.

○ رجا مقدمه.

▣ **سعدبن زنگی** ← آرامگاه اتابک ابوبکر.

▣ **سعدالدوله میرزا جوادخان**، دولتمرد در عصر مشروطیت، تهران ۱۳۰۸ خ. امامزاده عبدالله آرامگاه شخصی.

○ رهبر ۳۷۰/۲.

▣ **سعدالسلطنه**، آقا باقر پسر دایی اتابک مقبرهٔ اختصاصی که خود در قم ساخته بود.

○ ر ج ۱۸۴ + وی در رخداد قیام ملاقربانعلی زنجانی حکمران زنجان بود و کشته شد. ر ج ۱۸۱.

▣ **سعدی در طول تاریخ**، اولین کسی که آرامگاه سعدی را دیده و در سفرنامه خود آن را معرفی کرده، ابن بطوطه است که پنجاه وهفت سال پس از درگذشت سعدی از شیراز دیدن کرده و آرامگاه را زیارت کرده است. در عصر قاجاریه ویلیام فرانکلین سیاح انگلیسی در ۱۷۸۶ به‌شیراز آمده و می‌نویسد که آرامگاه در حال خرابی است و حسینعلی میرزا پسر پنجم شاه حکمران فارس قول داده که آن را تعمیر کند. لردکرزن از تعمیر

شدن آرامگاه توسط کریم خان خبر می‌دهد، واسکات وارینگ در ۱۸۰۲ و سرجان ملکم در ۱۸۱۰ از آرامگاه دیدن کرده و حاضر شده‌اند که به‌خرج خود بنا را تعمیر کنند، اما اقدام اساسی برای اصلاح وضع ناهنجار آرامگاه از خرداد ۱۳۲۳ به‌همت انجمن آثار ملی آغاز شد که متأسفانه اولین گام در خراب‌کردن عمارت اصیل و سنتی پیشین بود.

○ کارنامه ۱۶۷.٭

◰ **سعدی، سعدیه**، سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین در سال ۶۹۱ یا ۶۹۴ درگذشت وی را در خانقاهش که در گوشه شمال شرقی شیراز در دامنه کوه پهندژ یا فهندژ قرار داشته به‌خاک سپردند، آرامگاه سعدی از همان زمانها زیارتگاه ارادتمندان شیخ بوده است که متاسفانه در سال ۹۹۸ به‌دست حکمران جاهل و بی‌ادب شیراز یعقوب ذوالقدر به‌کلی منهدم شد، شاه عباس از این حرکت ذوالقدر به‌قدری ناراحت شد که حکم قتل وی و تجدید بنای عمارت را یک‌جا صادر کرد که حکم قتل اجرا شد ولی ساختن عمارت به‌تعویق افتاد. کریم خان زند عمارت آجری زیبایی مناسب با شأن و مقام شیخ پی افکند که در فارسنامه شرح آن آمده است. در سال ۱۳۰۳ میرزا فتحعلی‌خان صاحب دیوان عمارت را تعمیر کرد، اما در عصر قاجارها وضع عمارت و باغ مجاور آن به‌قدری حالت رقت باری داشته که برخی از خارجیان مصمم به‌ترمیم آن شده‌اند.

○ کارنامه ۱۶۵.

◰ **سعدی شیرازی، سعدیه**، بنای قدیم آن از زمان کریم خان مانده که توسط فتحعلی صاحب دیوان و قوام‌الملک تعمیر شده بود و بنای جدید بر اسلوب عمارت چهلستون با کاشیکاریها و تزیینات جالب از ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ خ توسط انجمن آثار ملی ساخته شد.

○ ا ق ۵۵ + ف ۲۱ + تا ن ۱۶۷ + هزار مزار ۴۷۷ + جغ ۸۶۰ + معماری ۸۱/۲.

◰ **سعدی**، از قرار توصیف جهانگردان اروپایی.

○ مسافر ۲۹۷.

◰ **سعدی**، انجمن آثار ملی ۱۳۳۰

○ فک ۵۹.

◰ **سعدی قدیم و جدید**، قدیم مورخ ۱۱۸۷ که کریم‌خان ساخت و جدید که در ۱۳۲۷ توسط انجمن آثار ملی ساخته شد.

○ تصویرها: قدیم ص ۵۵۰ و جدید ص ۴۴، سیر فرهنگ + کارنامه ۱۶۳ + آرامگاه جدید. اگر چه هم بزرگتر و هم پرخرج‌تر از آرامگاه پیشین است بسیار عاریه به‌نظر می‌آید شاید بهتر بود که بنایی که کریم‌خان ساخته بود. تجدید ساختمان می‌شد... عقیده پرویز رجبی دربارهٔ آرامگاه سعدی در زیرنویس ترجمهٔ سفرنامه نیبور چاپ ۱۳۵۴ + خراب کردن آرامگاه قدیم اشتباه بود.

◰ **سعیدالسلطنه**، فتح‌الله خان ـ زاده شده در ۱۲۸۸ تبریز پسر سوّم میرزا رفیع نظام‌العلما، فوت تهران ۱۳۰۵ خ درآشوب.

○ ر ج ۱۷۴/۵.

◰ **سغدکلان**، در شهر سمرقند، مزار سغدکلان.

○ قندیه ۱۳۰.

◰ **سکاوند**، (دخمه سکاوند) در ده نو جنوب کرمانشاه در روی سقف دخمه سنگی مجسمه یک انسان بزرگ و چند انسان کوچک کنده‌کاری شده است.

○ هنر و مردم ۱۲/۷۶ بهمن ۱۳۴۷.

▣ **سکندره** ← آرامگاه اکبرشاه بابری.

▣ **سکینه خاتون**، در قم سی کیلومتری جنوب شرق روستای رالون آباد، قاجاریه.

○ معماری ۷۹/۲.

▣ **سلاطین ایلامی در هفت تپه**، در سال ۱۳۴۴ خ توسط هیأتهای حفاری علمی ایران، این آرامگاه کشف شد که مجموعه‌ای است شامل هفت‌گور در پوششی از گِل اُخرا با ملحقات و طاق ضربی، احتمالاً از هزارهٔ دوّم پیش از میلاد.

○ د ش ۱۲۰.

▣ **سلاطین ساسانی**، در نقش رستم همجوار با آرامگاه شاهان هخامنشی.

○ انجمن ۲۳.

▣ **سلاطین سیت و سکایی**، در نقده بین ارومیه و مهاباد.

○ د س ۳۶۸.

▣ **سلطان ابراهیم**، در چهارده کیلومتری ده بیدآباده.

○ معماری ۸۷/۲.

▣ **سلطان ابراهیم** ← آرامگاه شهدا.

▣ **سلطان‌الحکما**، حاج میرزا ابوالقاسم نایینی (۱۲۲۳-۱۳۲۲) عالم و روحانی معروف عصر ناصری ساکن در قریه کلاک و مدفون در امامزاده همین قریه در نیم‌فرسنگی کرج.

○ فک مؤلفان ۲۶۰.

▣ **سلطان اویس ایلکانی** یا جلایر، معزالدین اویس (۷۳۹-۷۷۶) که به‌وی شیخ اویس هم‌گفته می‌شود. دومین امیر از آل جلایر پسر و جانشین شیخ حسین از بطن دلشاد خاتون که در طی بیست سال حکمرانی از ۷۵۷ تا ۷۷۶ بسیاری از بلاد مغرب و شمال غربی ایران را تصرف کرد و دربارش یک مرکز فرهنگی بود و شاعرانی نامدار چون حافظ و سلمان ساوجی و عبیدزاکانی و خواجه محمد عصار که با او هم‌عصر بوده وی را ستوده‌اند. وی را پس از مرگ در اثر سل یا صداع در گورستان کهنه شادباد در شش کیلومتری جنوب شرقی تبریز و دوکیلومتری شاه‌گلی یا ایل گلی به‌خاک سپردند.

○ د ۳۱۳ + آ ذ ۶۲۸.

▣ **(سلطان) اویس ایلکانی**، مقاله از جعفر سلطان‌القرائی.

○ یغما ۳-۵۲۸ و قم ۳۷۱.

▣ **سلطان اویس میرزا**، معتمدالدوله، م ۱۳۱۰ آرامگاه خانوادگی، در سمت شرقی صحن کاظمین از بناهای پدرش حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله.

○ رج ۷۵/۲.

▣ **سلطان بخت آقا**، دختر کیخسرو اینجو، متوفی ۷۵۹ جنب دو مناره دردشت اصفهان.

○ آ ص ۴۲۴.

▣ **سلطان جلال‌الدین**، خوارزمشاه در دیاربکر، وقتی صاحب آمد (دیاربکر) از قتل ناهنجار سلطان جلال‌الدین آگاه شد دستور داد که استخوانهای وی را آورده در محلی مدفون سازند.

○ تا غ ۱۳۹.

▣ **سلطان جنید** ← آرامگاه شیخ جنید.

▣ **سلطان حسام‌الدین فرقد**، در قله کوه سلطان داغی اسکو در آذربایجان با گورستان قدیمی.

○ آ ذ ۲۰۷.

▣ **سلطان حسین میرزا**، خلیل‌الله خلیلی.

○ فم ۱۴۰/۲.

▣ **سلطان حیدر، شیخ حیدر**، شیخ حیدر پسر

شیخ جنید و پدر شاه اسماعیل صفوی است که در ۸۶۰ جانشین پدر شد و دختر اوزون حسن را به‌زنی گرفت و در ۸۹۳ در جنگ با فرخ یسار شهید شد، بنای آجری با تزیینات کاشی از آخر قرن نهم، به‌روایتی بدن شیخ حیدر از این مکان به‌مقبرهٔ شیخ صفی‌الدین منتقل شده است.
آرامگاه وی در حومه خیاو (مشگین شهر)، بر سر راه شمالی اردبیل و تبریز واقع شده و عبارت است از برج استوانه به‌بلندی ۱۸/۵ متر که احتمالاً توسط فرزندش شاه اسماعیل ساخته شده.

○ آذر ۶۱۴ و آ ذ ۲۲۸/۲ + د ت ۳۹ + معماری ایلخانی با تصویر ۱۸۸ + معماری ۸۳/۲ سده هشتم.

▣ **سلطان خدابخش**، کاشان دروازه اصفهان بنایی از عصر سلجوقی.

○ معماری ۹۱/۲.

▣ **سلطان خلیل نوه امیرتیمور**، که جانشین وی شد و چون در مقابل شاهرخ مقاومت نکرده و تسلیم شد، به‌حکمرانی عراق و آذربایجان رسید. مدفون در شهر ری سال ۸۱۲.

○ ری ۲۲۵/۲.

▣ **سلطان داوود میرزا**، پسر سیدمحمد متولی آستان قدس که مدّتی به‌سلطنت رسید و دو پسرش را به‌هندوستان فرستاد. سرانجام خود وی هم به‌هند رفت و در مرشدآباد سکونت کرد و در ۱۲۰۳ در ۶۱ سالگی مرد و همان‌جا دفن شد.

○ ر ج ۱۱۹/۶.

▣ **سلطان زین‌العابدین**، بنایی با قاعده مربع و گنبد مخروطی با تاریخ، ۸۰۹.

○ معماری ۴۷۳ میراث ایران.

▣ **سلطان سلیم**، آل عثمان شاعر پارسی‌گوی و جنگجوی معروف که در ۷ شوال ۹۲۶، در حالی که خود را برای جنگ با متحدان اروپایی، اتریش و انگلستان و فرانسه آماده می‌ساخت فوت کرد، پیکرش را به‌استانبول آورده در روی تپه‌ای در شمال غربی آن شهر به‌خاک سپردند. پسرش سلیمان در این محل مسجدی به‌نام وی ساخت که در ۹۲۹ به‌پایان رسید. وی در شعر پارسی سلیم و سلیمی تخلص می‌کرد و دیوانش شامل دوهزار بیت است به‌فارسی که اولین‌بار در ۱۳۰۶ در قسطنطنیه و سپس در ۱۹۰۴ به‌امر ویلهلم دوم در برلین به‌چاپ رسید.

○ تا ن ۴۷۷ + د ۱۳۲۹.

▣ **سلطان سلیمان خان قانونی**، فرمانفرمای امپراتوری آل عثمان و شاعر پارسی گوی. وی در شب ۲۱ صفر ۹۷۴ در میدان جنگ با اتریش که سیزدهمین و آخرین جنگ با اتریش بود درگذشت و در مسجد سلیمانیه استانبول به‌خاک سپرده شد.

○ تان ۴۸۱.

▣ **سلطان سنجر سلجوقی**، سلطان ناصرالدین و معزالدین ابوالحارث احمد، زاده شده در ۴۷۲ تا ۴۷۹ پسر ملکشاه سلجوقی که چون در سنجار به‌دنیا آمد سنجر نام گرفت. سنجر تا برادرش بُرکیارق زنده بود داعیه‌ای نداشت، اما پس از مرگ وی قیام کرد و موفق شد در آسیای مرکزی در طی جنگهای متعدد از جمله نبرد با اَتِسز خوارزمشاه پیروز شود، اما در سال ۵۴۸ از غزها شکست خورد و همراه با زوجه‌اش ترکان خاتون اسیر شد. غزها وی را در قفسی انداخته همراه خود می‌بردند و وی به‌خاطر اسارت همسرش، از

فرصتهای گوناگون برای فرار استفاده نکرد، تا اینکه پس از مردن همسر از چنگ غزها گریخت و به‌مرو آمد، اما دیگر سلطنت او رونقی نداشت و وی از شدت اندوه وفات یافت ۲۵ ربیع اول ۵۵۲، سنجر پادشاهی ادب‌دوست و فرهنگ‌پرور بود و شاعران بزرگی از جمله انوری و امیر معزی او را ستوده‌اند. آرامگاه وی در مرو است با گنبدی عظیم که به‌عقیده برخی بزرگترین گنبد جهان است.

○ س ۴۲۷ + از قرن ششم در مرو کهنه سیمرغ ۱۸۸+ آ ذ ۴۳۴ + معماری ۳۷+ تاض ۴۱۷.

▣ **سلطان سیدحسین**، از سرداران شاه اسماعیل صفوی که در قرن دهم موفق شد امیرویس، حکمران محلی اردستان را شکست بدهد و قدرت صفویه را در آن منطقه مسلّط سازد.

○ شهرها ۲۵۰/۴.

▣ **سلطان شاه‌نظر** در گرمسار ـ ارادان.

○ معماری ۹۶/۲.

▣ **سلطان شهاب‌الدین**، بقعه سلطان شهاب‌الدین در اهر آذربایجان بنای چهارضلعی بلند با پوشش و پایه‌های دو مناره بر دو جانب آن از سده دهم.

○ آ ط ۲۷۶.

▣ **سلطان شهاب‌الدین غوری**، کابل از یارمحمدخان ترکی.

○ فم ۳۷۱.

▣ **سلطان شیخ احمد**، در نور ـ بلده بنای صفوی.

○ معماری ۸۲/۲ و ۱۱۴.

▣ **سلطان عطابخش**، کاشان در راه اصفهان از عصر آل‌بویه، سده ۱۱.

○ معماری ۹۱/۲.

▣ **سلطان علی بن محمدباقر(ع)**، در مشهد اردهال کاشان، بنای سلجوقی از سده شش.

○ معماری ۹۱/۲.

▣ **سلطان علی اوبهی**، اوبه از توابع هرات، شاعر متصوف و خوشنویسی که از مریدان خواجه عبیدالله احرار بود و در خانقاه وی در صدو ده سالگی درگذشته و به‌خاک رفته است.

○ تا ن ۶۲۱.

▣ **سلطان علی گنابادی** ← آرامگاه گنابادی.

▣ **سلطان علی مشهدی**، فرزند محمد (۸۴۳ـ۹۲۶) خوشنویسی که در حیات خویش از شهرت و عزت و احترام بسیار برخوردار بود و به‌القاب زبدةالخطاطین، قبلةالکتاب و سلطان‌الخطاطین ملقب بوده و آثار فراوان از وی برجای مانده است. سلطان علی در دربار سلطان حسین بایقرا به‌عزت زندگی می‌کرد، ولی همین که شاهی بیگ اوزبک بر خراسان مستولی شد. وی از هرات به‌مشهد آمد و منزوی گردید و سرانجام در ۸۵ سالگی رخت به‌سرای دیگر کشید و به‌قول صاحب گلستان هنر: در محاذی میان پای مزار حضرت امام رضا که از بیرون متصل به‌گنبد امیرعلی شیر نوایی و مدرسه شاهرخی است نزدیک پنجره فولاد به‌خاک سپرده شد و به‌قول یکی از شاگردانش محمدابریشمی:

آن کوقلم زدی قلمش خط جانفزا
در حرف او کشیده قلم کاتب قضا
جان یافتی قلم چو رسیدی‌به‌خط او
آخر ولی شدش قلم دست خاک پا

○ خوش ۲۴۱ + فک مؤلفان ۳۴۸/۲.

▣ **سلطان غازی**، ناصرالدین محمد از ممالیک دهلی م ۱۲۳۱م. با سبکی ناشناخته.

○ معماری هند ۱۳ تصویر ۷ الف.

□ **سلطان غریب بنده،** مزار سلطان غریب بند. در افواه مردم غریبنده در چهار راه رضوان ده تالش دولاب، سیدامیر فرزند موسی بن جعفر.

○ آس ۸۹.

□ **سلطان قیس یا سلطان ویس،** در نیاق قزوین، بنایی ساخته از سنگ لاشه فاقد هرگونه نوشته یا تزیین، احتمالاً از سده ششم.

○ آق ۱۶۱.

□ **سلطان محمد،** نقاش عصر صفوی سرپرست تدارک نقاشیهای شاهنامه شاه طهماسبی. تبریز، باغ شمال نزدیک گور بهزاد.

○ گل ۱۳۷.

□ **سلطان محمد تکش،** علاءالدین، از خوارزمشاهیان که از ۵۶۸ تا ۵۹۶ سلطنت کرد. پس از مدتی کشمکش با برادرش سلطان شاه، خراسان قلمرو تکش و خراسان قلمرو سلطانشاه شد و تکش پس از فوت برادر خراسان را نیز تصرف کرد. تکش در سال ۵۹۶ مرد و در اورگنج مرکز خوارزم به‌خاک سپرده شد. مغولان پس از تصرف و تخریب شهر این آرامگاه و دژ واخجک را نیز خراب کردند.

○ تا غ ۴۷ + د ۱۷۵۶.

□ **سلطان محمدخدابنده** ← آرامگاه سلطانیه.

□ **سلطان محمد خوارزمشاه،** وی در سال ۶۱۷ از مازندران به‌جزیره آبسکون رفت و در آن جزیره مرد و به‌خاک سپرده شد، چندی بعد پسرش سلطان جلال‌الدین، جسد پدر را به‌قلعه اردهن برد و به‌خاک سپرد. پس از قتل سلطان جلال‌الدین اوگدای پسر چنگیز، بقایای جسد سلطان محمد را از گور به‌در آورد و سوزاند.

○ تا غ ۴۰.

□ **سلطان محمد سلجوقی،** فرزند ملکشاه، اصفهان.

○ ل ۲۷۹۸.

□ **سلطان محمد شریف،** قم ـ در محله، قرن ۹ و ۱۰.

○ معماری ۷۸/۲.

□ **سلطان محمد طاهر،** در بابل بنای ۸ ضلعی با گنبد هرمی شکل، از قرن نهم.

○ آ ط ۳۷۶.

□ **سلطان محمد عابد،** در گناباد ـ کاخک از ۹۸۰.

○ معماری ۸۹/۲

□ **سلطان محمد عابد،** (مزار) زمانی عباس.

○ فم ۲۲۴/۴.

□ **سلطان محمد فاتح،** هفتمین پادشاه از آل عثمان، ادیب و ادب‌پرور که به‌فارسی شعر می‌گفته و این بیت منسوب به‌اوست، که آن را هنگام مشاهده ویرانه کاخهای امپراتوران روم شرقی سروده:

«بوم نوبت می‌زند بر طارم افراسیاب-
پرده‌داری می‌کند درقصرقیصر عنکبوت»

در ۴ ربیع اول ۸۸۶ در حوالی اسکودار مرد و در مسجد فاتح که خود در قسطنطنیه ساخته بود به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۸۰۱.

□ **سلطان محمدکیا،** در شمام گیلان مجموعه خانواده خود وی، که والی لاهیجان بوده و پسر و دخترش که پری سلطان نام داشت با تاریخ ۹۰۸.

○ د ت ۴۰.

□ **سلطان محمد نور،** خوشنویس معاصر سلطان حسین بایقرا و کاتب در دستگاه امیرعلی شیرنوایی، بخارا.

○ خوش ۲۷۲.

▣ **سلطان محمود**، بیرون روستای لنگرود جنوب شرقی قم، قرن اخیر.

○ معماری ۷۹/۲.

▣ **سلطان محمود شاه**، در بندر آباد یزد قرن نهم.

○ معماری ۹۳/۲۰

▣ **سلطان محمود غازان**، (۶۷۰-۷۰۳) پادشاه از سلسله ایلخانیان پسر ارغون خان که در ۶۹۴ در تبریز تاجگذاری کرد و خود را محمود خواند و به‌دین اسلام گرایید و چون سرداران مغول با این تغییر مذهب مخالف بودند، عده‌ای از ایشان را به‌قتل رساند. غازان چند بار به‌سوی غرب لشکرکشی کرد که در آخرین نبرد شکست خورد و مصمم بود با پاپ برضد ممالیک متحد شود، اما با قیام برادرش آلافرنگ مواجه شد و از غصه مرد. غازان مردی فرهنگ‌دوست و طرفدار عمران و آبادی بود و از وی آثار مهم برجای مانده است آرامگاه وی به‌نام شام غازان یا شنب غازان حاوی آرامگاه، مسجد، مدرسه، خانقاه، دارالسیاده، رصدخانه، دارالشفا، بیت‌الکتاب و بیت قانون بوده است.

○ آ ذ ۴۳۳ + د ۱۷۹۵ + معماری ایلخانی ۲۰۵.

▣ **سلطان محمود غزنوی**، در غزنه.

○ س ۳۷۳.

▣ **سلطان محمود غزنوی**، کی‌مزار، مقاله به‌زبان اردو از محمدعبدالله جغتایی.

○ فم ۳۷۱.

▣ **سلطان مطهر**، در دماوند، بومهن سده هفت یا هشت.

○ معماری ۷۷/۲

▣ **سلطان مطهر**، در مقاله دژ گلخندان و بقعه سلطان مطهر از حسن قراخانی

○ فم ۲۲۴/۴.

▣ **سلطان موصلیه**، از ملازمان حضرت معصومه، قم.

○ شهرها ۲۴۵.

▣ **سلطان میراحمد**، در کاشان کوی سلطان میراحمد صفوی.

○ معماری ۹۱/۲.

▣ **سلطان ویس** ← آرامگاه سلطان قیس.

▣ **سلطانیه**، سرزمین سلطانیه که مغولان بدان قنغور آلانگ می‌گفتند از ابتدا مورد توجه مغولان بود و غازان می‌خواست در آن حدود شهری بسازد، مرگ امانش نداد، اما اولجایتو برادر و جانشینش این برنامه را پیگیری کرد و در ۷۰۴ بنای سلطانیه آغاز شد و آن‌قدر در عمران و آبادی آن کوشش به‌عمل آمد که در آن زمان، پس‌از تبریز دومین شهر ایران شد. اولجایتو که خود را محمد خدابنده نامیده بود در ۲۸ رمضان ۷۱۶ مرد و در آرامگاهی که خود ساخته بود دفن شد. سلطان محمد چند سلطانیه دیگر نیز در ایران ساخت اما آن آبادیها نیز مانند خود سلطانیه برجای نماند.

○ تا غ ۳۰۹ و ۳۲۴ + عباس اقبال ۱۶۵ + هنر ۳۸۱/۸ + معماری ۹۹/۲ + بلندی گنبد ۵۴ و قطر ۴۸. معماری ۱۷۲ + معماری ایلخانی تصویر ۱۵۱.

▣ **سلطانیه و گنبد آن**، عباس اقبال.

○ ایرانشهر ۳۹۳/۲ + فم ۳۵۴.

▣ **سلطانیه**، آرامگاه سلطان محمد خدابنده از صادق صمیمی.

○ باستان‌شناسی ۱/۱-۳۸.

▣ **سلطانیه، گنبد سلطانیه**، از محمد تقی

مصطفوی.
○ فم ۳۵۵.

▣ **سلطانیه، تاریخچه گنبد**، نشریه دانشکده ادبیات تبریز.
○ فم ۳۵۵.

▣ **سلطانیه**، کلیاتی درباره معماری گنبد سلطانیه. احمد اصغریان جدی
○ فم ۲۲۰.

▣ **سلطنت خانم**، دختر بدیع‌الملک میرزا عمادالدوله، نوه محمدعلی میرزا دولتشاه. این خانم که ملقب به‌محترم‌السلطنه بود. در خواب دیده بود که باید در جوار سیدملک خاتون به‌خاک سپرده شود، از این‌رو مصمم می‌شود که آن بنا را تعمیر کند و این امر خیر را در صفر ۱۳۰۹ شروع کردوپس‌ازخاتمه‌عملیات، آرامگاهی‌نیز برای خود می‌سازدکه پس‌از فوت درآن به‌خاک سپرده‌می‌شد.
○ آ ط ۲۴۰.

▣ **سلماس**، برج سلماس ← آرامگاه میرخاتون.

▣ **سلمان**، سلمان پاک ← آرامگاه سلمان فارسی.

▣ **سلمان ساوجی**، خواجه جمال‌الدین فرزند علاءالدین محمد، پدرش مستوفی دیوان مغول بود و پس از برافتادن اساس سلطنت مغولان به‌دربار شاهان جلایری درآمد. وی مداح خاصه شیخ حسن ایلکان و زوجه‌اش دلشاد خاتون بود. در آخر عمر در ساوه گوشه‌نشینی اختیار کرد و در ۱۲ صفر ۷۷۸ درگذشت و در چرنداب تبریز نزدیک گور تاج‌الدین کرکهری به‌خاک سپرده شد.
○ تا ن ۲۰۲ + کوی سرخاب.

▣ **سلمان فارسی** (پاک)، اصلاً اصفهانی یا رامهرمزی بود و مسلمانان وی را خریداری کرده آزاد کردند. در جهان اسلام در آن آغاز شکوفایی، سلمان نقش بسیار مهمی داشت و وی را از مؤسسان اهل صفه شمرده‌اند. پیامبر اکرم با وی مشورت می‌فرمودند و پیروزی مسلمانان در غزوه خندق مرهون راهنمایی و کوشش وی است. سلمان در آخر عمر حکمران مداین شد ولی از مستمری بیت‌المال استفاده نمی‌کرد و زندگی‌اش از زنبیل‌بافی می‌گذشت وی در سال ۳۵ یا ۳۶ در مدائن رخت به‌سرای دیگر کشید و در آرامگاهی که به‌سلمان پاک مشهور است به‌خاک سپرده شد.
○ د ۱۳۲۷ + تا ۹۸.

▣ **سلیم، محمدقلی** ـ که در عصر جهانگیرشاه جهان از ایران به‌هند رفته و ملازم نواب اسلام خان وزیر اعظم شد. م ۱۰۵۷ مدفون در آرامگاه شاعران (مزارالشعرا) سری‌نگر کشمیر.
○ نقش پارسی ۹۵.

▣ **سلیم تهرانی**، فرزند محمدصالح از دانشمندان ایرانی مقیم کشمیر که سنگ گورش در موزه سری‌نگر با تاریخ فوت وی ۱۰۷۴ موجود است.
○ نقش پارسی ۹۶.

▣ **سلیم چشتی**، فتحپوری شیخ ـ مراد و مرشد اکبر از فرزندزادگان صوفی معروف شیخ فریدالدین گنج‌شکر. اکبر تولد شاهزاده سلیم را که بعدها جهانگیر لقب گرفت، از دعای او می‌دانست و او را به‌نام وی موسوم ساخت. م ۹۷۹ در فتحپور سیکری، آرامگاه او در روی یک تل هنوز هم زیارتگاه بزرگی است و در کنار مسجد معروف فتحپور قرار دارد. بر سنگ مزار وی شعری تحت عنوان تاریخ وفات شیخ‌الاسلام سلیم چشتی منقور است.
○ نقش پارسی ۹۰ + معماری هند ۹۹ تصویرهای ۷۳ و ۷۸ + ج ۷۹۴.

▣ **سلیمان بن علی،** در بندر گناوه
○ معماری ۹۶/۲.

▣ **سلیمان داراب،** بقعه سلیمان داراب در موازی رشت، نام کامل وی برمبنای کتیبه صندوق: سلیمان بن حمزه دارابی رشتی است. صندوق به‌فرمان سلطان سرفراز چپک ساخته و در ۹۵۳ نصب شده است.
○ آ س ۳۰۰.

▣ **سلیمان داراب،** بقعه سلیمان داراب در مغرب رشت از سعید نفیسی.
○ فم ۳۶۸.

▣ **سلیمان دوم صفوی،** که چهل روز در خراسان پادشاهی کرد م ۱۱۶۹ مدفون در حرم مطهر حضرت رضا(ع)، مشهد.
○ ر ج ۱۲۶/۲.

▣ **سلیمان و فضل و موسی،** ساوه ـ آوه، بنای سلجوقی ـ ایلخانی.
○ معماری ۸۰/۲.

▣ **سلیمی تونی سبزواری،** مولانا تاج‌الدین حسن از شاعران سده نهم، م ۸۵۴ در راه تون به‌مشهد. بدن او را به‌سبزوار بردند و به‌خاک سپردند.
○ تا ن ۳۰۲.

▣ **سماعی حبیب‌الله،** فرزند سماع حضور، نوازنده بنام سنتور، فوت در جوانی ۲۰ تیرماه ۱۳۲۵. آرامگاه ظهیرالدوله.
○ مردان موسیقی ۳۰۱.

▣ **سمنانی** ← آرامگاه شیخ رکن‌الدین.

▣ **سمیران،** برج سمیران در نزدیک دریاچه سپیدرود، بنایی از عصر بویه‌ایها که نظایر آن در اطراف سلسله البرز دیده می‌شود.
○ ایران یک ۶۲ + در این منطقه دو آرامگاه هست بزرگ و کوچک، عنوان دیگر آن برج بزرگ قلعه ساسان است ← آرامگامهای سنگی سمیران یا شمیران.

▣ **سمیعی، حسین ـ علاءالوزاره،** دولتمرد عصرپهلوی (۱۲۸۴-۱۳۳۱خ)، ابن‌بابویه.
○ فک مؤلفان ۵۷۰/۲.

▣ **سنائی غزنوی،** مجدالدین ابوالمجد مجدود بن آدم، بزرگترین شاعر در قلمرو غزنویان که در ۴۳۷ در غزنین زاده شد و با ابراهیم شاه و بهرامشاه معاصر بود. ابتدا درباری بود و سپس معتزل و منزوی شد و سرانجام در ۱۱ شعبان ۵۲۵ در غزنین درگذشت و به‌خاک سپرده شد. مزارش در آن شهر معروف است. سنایی بزرگترین شاعر متصوف و قانونگذار این فن است، از وی آثار مهمی برجای مانده است.
○ تا ن ۷۷ + تصویر نان (۳۱) + فم ۳۷۳.

▣ **سنتی زرتشتیان،** برج خاموشان، دخمه.
○ ایران قدیم ۱۱۹.

▣ **سنجر سلجوقی** ← آرامگاه سلطان سنجر.

▣ **سنقر،** بنایی از سدهٔ چهارم بنای ساده آجری.
○ ایران یک ۱۹۰.

▣ **سنگان بالا،** درخراسان بنای آجری با گنبدی با زیربنای مربع ← آرامگاه شاه سنجان.
○ آثار ایران ۹۸/۳.

▣ **سنگ بست،** رباط سنگ بست ← آرامگاه ارسلان جاذب.

▣ **سنگی اوشان** ← آرامگاه باستانی در رودبار قصران.

▣ **سنگی باکتیبه کوفی،** روی تپه‌ای در شمال شرقی سمیران در تارم، مشابه با دو آرامگاه بزرگ و کوچک در همین منطقه، در این بنا کتیبه‌ای

به‌خط کوفی در زیر سقف وجود داشته که فقط دوکلمه از آن باقی مانده است.
○ آ ق ۴۲۹.

◫ **سنگی حسن آباد** و آرامگاههای سنگی قبرستان شاه کوه، که احتمالاً یک بنای بدون هوّیت ساسانی است در قزوین.
○ آ ق ۲۴۵.

◫ **سنگی شاه کوه** ← آرامگاه سنگی حسن آباد قزوین.

◫ **سوار غیب**، بقعهٔ سوار غیب در جاده دزفول - صفی‌آباد با آثار قبری قدیمی و قبرستان اطراف.
○ د ش ۳۲۱.

◫ **سودایی ابیوردی**، مولانا - شاعر م ۸۵۳ مدفون در روستای سنگان خراسان.
○ تا ن ۳۰۰.

◫ **سوزنی سمرقندی**، شمس‌الدین ابوبکر محمد فرزند علی که نسبش به‌سلمان فارسی می‌رسد، چون شغلش سوزنگری بوده به‌سوزنی معروف شده. مداح و معاصر با خاندان آل برهان از خانیه خراسان بزرگ که از دور مدایحی نیز برای سنجر و آتِسز می‌گفته است و بیشتر مقیم بخارا بوده است. در آخر کار مداحی را کنار گذاشته و به‌عرفان و تصوف گرایش یافته. سوزنی در ۵۶۹ در ۸۰ سالگی به‌جهان دیگر رفت و در سمرقند به‌خاک سپرده شد.
○ تا ن ۹۸.

◫ **سه‌خواهران**، قم مزرعه‌ریز راه میان ده راهجرد.
○ معماری ۷۹/۲.

◫ **سه سید**، آمل. قرن نهم.
○ معماری ۸۲/۲ + فج ۲۵/۳.

◫ **سه شهید مشروطیت**، صور اسرافیل، ملک‌المتکلّمین و قاضی ارداقی تهران خیابان مخصوص.
○ آ ط ۴۳۸/۵.

◫ **سه‌گنبد**، واقع در ارومیه که در ردیف مزارهای مراغه قرار می‌گیرد که متأسفانه بدان آسیب فراوان رسیده است و از سه برج فقط یک برج مانده، از دو برج دیگر فقط آثاری برجای است. بر نمای سه گنبد سه کتیبه به‌خط کوفی دیده می‌شود: در بالای در، بالای طاقنماها در چهارچوب مستطیل که در آخرین کتیبه، تاریخ بنا را می‌خوانیم شهر محرم سال ۵۸۰.
○ آثار ایران ۳۱۵/۳ + ایران یک ۱۲۹ + آثار ۱-۱۳۷/۱ + معماری ۸۴/۲ و ۱۲۶.

◫ سنگی **صوفی آباد**، سرپل زهاب کرمانشاه، آل‌بویه، ساسانی.
○ آ ق ۲۴۸

◫ **سُها، میرزا محمد** - شاعر فرزند رضاقلی خان همام. م ۱۳۳۸ مدفون در اصفهان.
○ ر ج ۲۰۰/۶.

◫ **سهام‌الملک**، شاهزاده مهدیقلی میرزا پسر بیست و دوم حاجی محمد ولی میرزا پسر چهارم فتحعلی شاه، جانشین میرزاعلی‌خان امین‌الدوله درادارهٔ پست، ناصرالدین شاه وی را در۱۳۰۲ به‌خراسان فرستاد که جلو تعدیات عبدالوهاب خان آصف‌الدوله را بگیرد. اما کاری از پیش نبرد زیرا آصف‌الدوله با امین‌السلطان زد و بند داشت. سهام‌الملک دو سال از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ متولی حرم رضوی بود و در همان سال ۱۳۲۲ مرد و در جوار حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) دفن شد.
○ ر ج ۱۷۸/۴.

◫ **سهراب**، که توسط پدرش رستم کشته شد.

ساری در محلی موسوم به‌قصر نور.
○ مازندرانس ۹۰.
▣ **سهراب**، در سرخاب تبریز نزدیک مزار باباحسن. وی نیز از صحابه بوده و اولین کسی است که در گورستان سرخاب به‌خاک سپرده شده نام این گورستان هم ابتدا سهراب بوده و سپس سرخاب شده چون در جوار کوه سرخ قرار داشته است.
○ کوی سرخاب ۱۷۴.
▣ **سهراب**، در سرخاب جوار بابا حسن تبریز. اصل کلمه سهراب نیز سرخاب است به‌معنی دارنده آب و تاب سرخ... که به‌تدریج سهراب شده است.
○ کوی سرخاب ۴.
▣ **سهروردی، شیخ شهاب‌الدین ابوالفتوح**، معروف به‌شیخ اشراق، شهاب مقتول، شهاب‌الدین سهروردی و شیخ مقتول مؤسس حکمت اشراق، از حکمای بزرگ در سده ششم. وی از حکیمان و متفکران بزرگ جهان اسلام است که در ۵۸۷ به‌سن ۳۶ یا ۳۸ سالگی به‌اصرار فقیهان و به‌امر صلاح‌الدین ایوبی کشته شد. از شیخ اشراق به‌زبان عربی و فارسی آثار مهمی برجای مانده است. وی در سهرورد زنجان به‌دنیا آمد و در مراغه درس خواند، سهرورد را اکنون درست نمی‌دانیم کجاست شاید در جاده زنجان به‌همدان، جنوب سلطانیه. آرامگاه وی در بغداد مجاور آرامگاه شیخ عبدالقادر گیلانی است.
○ تا ن ۱۱۰ + د ۱۳۸۴ + هنر و مردم ۳۰ شهریور ۱۳۴۶ + تان (۳۸).
▣ **سهل بن علی**، از سده هشتم یزد محله سهل‌بن علی، آیتی آن را از سلمان خراسانی دانسته که درست نیست، سهل بن علی امامزاده است.
○ ی ۳۲۲ + معماری ۹۲/۲.
▣ **سهل بن علی**، اراک، روستای آستانه، صفویه.
○ معماری ۸۱/۲.
▣ **سیاقی هروی**، میرزا محمود، اهل هرات شاعر صوفی مشرب. م ۹۷۱ مدفون در ناحیه میتن‌کلان از توابع هندوان در ناحیه شهر سبز در آسیای مرکزی.
○ تا ن ۵۹۹.
▣ **سیبویه**، ابوبشر عمرو بن عثمان بن قنبر، سده دوم. عالم معروف ایرانی در نحو زبان عربی که کتابش نخستین و معتبرترین کتاب در نحو است به‌نام الکتاب. از زندگی او اطلاع چندانی نداریم وی معاصر و معاشر با برمکیان بوده است. او در ساوه یا شیراز درگذشته آرامگاهش را در سنگ سیاه شیراز می‌دانند. او را در مقابل کسایی که در نحو پیشوای کوفیان است پیشوای بصریان می‌دانند.
○ ا ق ۷۰ + هزارمزار ۱۳۷ + کارنامه ۵۵۵ + آرامگاه منسوب به‌وی در سیراف، گور با نوشته، آ ش ۳۹۲ + آرامگاه سیبویه و برادرش در سیراف، سیراف ۵۳ + د ۱۳۹۶.
▣ (مشهوربه) **سیت فاطمه**، ستی فاطمه. این آرامگاه در ابتدای شهر اصفهان، جاده تهران قرار دارد و قبر سه تن از نوه‌های دختری شاه عباس در آن است. اینان فرزندان شاهزاده خانم زبیده بیگم و عیسی خان صفوی‌اند و در سال ۱۰۴۱ مرده‌اند و آرامگاه یک نوه زبیده خاتون هم دراینجاست و تاریخ این بنا ۱۰۷۲ است. کتیبه بنای سیت فاطمه با ذکر نام شاه عباس ۱۰۴۱ است. اسم این سه نفر سیدعلی خان، محمد معصوم میرزا و محمدخان

است تاریخ سنگ این آخری نیز ۱۰۷۲ است.
○ آثار ایران ۳۰۷/۴.
◫ **سید**، حجت‌الاسلام رشتی در اصفهان، مسجد سید، قاجاریه.
○ معماری ۹۰/۲.
◫ **سیدابراهیم**، در سه‌راه یزد به‌ابرقو سلجوقی به‌بعد.
○ معماری ۹۳/۲.
◫ **سیدبن طاووس**، (۵۸۹-۶۴۴)، رضی‌الدین علوی حلی از عالمان و مؤلفان طایفه امامیه، از ۶۶۱ نقیب علویان مقیم، متوفی در بغداد مدفون. درکاظمین یا نجف یا مکه.
○ تا غ ۵۰۱ فک مؤلفان ۴۱۳/۴.
◫ **سیدابواحمد**، در قم بیرون دروازه شمال شرقی، سده نهم و دهم.
○ معماری ۸۲/۲.
◫ **سیدابوالرضا**، ساوه نزدیک بازار.
○ معماری ۸۰/۲.
◫ **سیدابوالحسن رضا**، قم محلّه رضا آباد از قرن اخیر.
○ معماری ۷۸/۲.
◫ **سیدابوجعفر**، مزار سید ابوجعفر و تکیه آن با کتیبه‌ای از تخته مزار به‌تاریخ ۱۰۰۹ آرامگاه سیدابوجعفر عموی پیامبر.
○ آس ۲۶۲.
◫ **سید احمد**، در هفت تپه بقعه سیداحمد تفاح با برخی تزیینات و گنبد سه‌متری کاشیکاری شده با تصویر.
○ معماری ۸۷/۲ + د ش ۱۴۶.
◫ (سلطان) **سیداسحاق**، ساوه مورخ ۶۷۶.
○ معماری ۸۰/۲.

◫ **سید اسماعیل**، بقعه سیداسماعیل در تهران، امامزاده سیداسماعیل.
○ آ ط ۱۵.
◫ **سید اشرف‌الدین** ← آرامگاه اشرف‌الدین گیلانی.
◫ **سید اشرف‌الدین**، حسن فرزند محمد حسین غزنوی، معاصر با بهرامشاه و سنجر در قرن ششم. وی شاعر و فاضل و دانشمند بوده است و در ۵۵۷ در غزنین درگذشته است مزارش در غزنین معروف است.
○ تا ن ۷۲.
◫ **سیدالسادات**، در شهر بیدر هند، در محل چشمه سیدالسادات که یکی از اولیا بوده است و بر مبنای کتیبه‌ای که در آن محل افراشته‌اند، نام صاحب روضه و پادشاه معاصر وی محمود شاه بهمنی و هنرمند نویسنده کتیبه، درویش حسینی مشهدی معروف به‌سقاخان و تاریخ بنا ۹۱۰. در این کتیبه که به‌فارسی است خوانده می‌شود: این قدیس بزرگ سید محمدحنیف جیلانی در عصر سلطنت شاه احمد به‌هند آمده و تاج را چند سال بعد بر سر محمودشاه گذاشته است.
○ نقش پارسی ۷۷.
◫ **سیدالطایفه** ← آرامگاه شیخ جنید بغدادی.
◫ **سیّدالمحققین**، عبدالعلی طباطبایی وکیل مجلس. م ۱۳۱۵ خ مدفون در قم. زیرنویس اوّلین عکس در پایان کتاب.
○ ر ج مجلد ۵.
◫ **سید امیرکیا ملاطی**، درکلاردشت سردار دیلمی از سادات ملاطی که در ۷۷۳ قیام کرد. تاریخ طبرستان.
○ آس ۱۳۵/۳.

▣ **سید برکت،** مرشد امیرتیمور گورکانی، آرامگاه امیرتیمور، گور امیر در سمرقند.
○ سیمرغ ۱۴۰.
▣ **سیدبرهان‌الدین** ← آرامگاه محقق ترمذی.
▣ **سید پرنور،** نزدیک دروازه سنگی هرزویل منجیل از قرن دهم. در ۹۹۸ برای آرامگاه امیره تی‌تی با کتیبه و درکنده‌کاری شده ساخته شد.
○ معماری ۹۴/۲
▣ **سید پنهون (پنهان)،** بر مبنای نوشته جامع مفیدی آرامگاه سید تاج‌الدین جعفر که لقب سید پنهان داشته است. در محله فهادان یزد.
○ ی ۳۲۶.
▣ **سید تاج‌الدین غریب،** در شیراز، دروازه کازرون پیش از قاجاریه.
○ معماری ۸۷/۲.
▣ **سید جلال‌الدین مهدی،** نقیب تبریزی حسنی. عارف و دانشمند که مزارش نزدیک مزار شیخ حسن بلغاری است و نسبش به‌امام مجتبی(ع) می‌رسد. م ۷۰۹ در هنگام سلطنت محمد خدابنده، مقبرةالشعرا.
○ کوی سرخاب ۲۱۶.
▣ **سیدجمال‌الدین اسدآبادی،** فرزند صفدر، متولد در ۱۲۵۴ اسدآباد، متفکر آزادیخواه آزادمنش، خطیب، روزنامه‌نویس و سیاستگر معروف، طرفدار اتحاد اسلام و مخالف با غربگرایی که قسمت اعظم جهان تمدن را سیاحت کرد و همه‌جا عمال استعمار و استثمار در تعقیبش بودند. وی عضو چند محفل فراماسونی نیز شد ولی بدان اعتقاد نداشت. معاصر با ناصرالدین شاه و مخالف وی، از مریدان میرزای شیرازی و صاحب تألیفات چند و مدیر روزنامه عروةالوثقی. وی از مشوقان میرزارضای کرمانی در کشتن ناصرالدین شاه بود که سرانجام در شصت سالگی (۱۳۱۴) به‌مرض سرطان فک مرد یا کشته شد و در گورستان شیخ لرمزار لقی استانبول دفن شد و با وجود مخالفت و اعتراض ایران افغانها بقایای او را به‌افغانستان بردند.
○ تا ق ۱۵۰ + در مزار یحیی افندی جنب شیخ لرمزار لقی. سیاستگر ۲۲۲ + ایجاد بنای یادبود در خانه خود وی در اسدآباد توسط انجمن آثار ملی ۱۳۵۵ خ. کارنامه ۷۲۵ + محمد محیط طباطبایی نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین قم بدون تاریخ + ر ج ۲۸۰
▣ **سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی،** پدر استاد فرزانه محمدعلی جمالزاده در بروجرد، جنوب محلّ شهرداری فعلی. وی در ۱۳۲۶ به‌دستور امیر افخم حاکم لرستان شهید شد.
○ آل ۵۴۱ ازمایملک‌محسن‌خان نیکنام جنگجوی آزادیخواه که در جنگهای لرستان پس از پیروزی مجدد مشروطیت شهید گردید، طبق وصیت وی ساخته شد. تا ق ۳۳ + به‌پایمردی همایون سیاح رییس دارایی بروجرد در ۱۳۰۴ آرامگاهی برایش ساختند + رهبر ۳۳۴ + کارنامه ۷۲۱ + فک مؤلفان ۳۸۳/۲ + شهید راه آزادی از اقبال یغمایی تهران ۱۳۵۷. ر ج ۲۵۷
▣ **سید جواد ظهیرالاسلام،** پسر حاج سید زین‌العابدین سومین امام جمعه تهران، سید جواد که نوه ناصرالدین شاه نیز بود همراه پدرش به‌مکه رفت و داستان این سفر را از قول سید جواد در کتاب رجال عصر ناصری معیرالممالک می‌توان خواند. وی از رجال عصر پهلوی‌ها نیز بود و برادرزاده‌اش دکتر حسن امامی آخرین امام جمعه

تهران در عصر سلطنت است. م ۱۳۴۴خ مدفون در سر قبر آقا.

○ ر ج ۷۵ + رجال ناصری ۲۵۰.

▣ **سید حسن زاهدان**، در رامهرمز، روستای دهپور قاجاریه.

○ معماری ۸۵/۲.

▣ **سیدحسن غزنوی**، سیداشرف‌الدین فرزند ناصر علوی غزنوی برادر سیدمحمد که از واعظین بزرگ عصر بهرامشاه غزنوی است. سیدحسن شاعری آزاده و واعظی شهیر بوده است که زمانی نیز دچار قهر بهرامشاه شده و در تبعید بسر برده است و زمانی نیز به‌بغداد رفته و مورد توجه سلطان مسعود سلجوقی قرار گرفته است. سیدحسن در ۵۶۵ در قصبه آزادوار جوین به‌رحمت خدا رفته و در همان آبادی به‌خاک سپرده شده و مزارش زیارتگاه مردم بوده است.

○ عباس اقبال ۳۱۸ + ل ۸۴/۲.

▣ **سید حسن کیا**، در شیراز، جنب مسجد وکیل.

○ معماری ۸۶/۲.

▣ **سیدحسن مدرس** ← آرامگاه مدرس.

▣ **سیدحسن واقف**، سید واقف در نطنز افوشته معروف به‌گنبد سبز در جوار دهکده رهن با ضریح کنده‌کاری گرانبها. تعمیرات‌گنبد درعصر رضاشاه به‌کوشش سید ابوالقاسم اعظم واقفی، امام جمعه، بنا از قرن نهم.

○ آ ص ۹۳۳.※

▣ **سیدحسین**، بقعه سیدحسین آرامگاه یکی از فرزندزادگان امام موسی کاظم(ع) با نه واسطه، در نزدیکی این بقعه، بقعه جابر وجود داشته که آن را خراب کرده جایش مدرسه ساخته‌اند، دزفول.

○ د ش ۷۲۶.

▣ **سیدحسین**، سیدحسین در شیراز دروازه اصفهان.

○ معماری ۸۶/۲.

▣ **سیدحسین خوشنویس باشی**، در سال ۱۲۷۸ که مظفرالدین میرزا ولیعهد و حکمران آذربایجان شد وی معلم خط و نقاشی او بود. استاد مسلم در خط نستعلیق. در ۱۳۰۰ در تبریز وفات کرد و در همان‌جا به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۷۶/۵.

▣ **سیدحسین عرب باغی**، از علمای بزرگ قرن اخیر ارومیه متولد ۱۲۵۴، مردی بسیار متقی و پرهیزگار که در بیرون شهر رضاییه آرامگاهی به‌نام وی وجود دارد.

○ ر ۲۳۶.

▣ **سیدحمزه در تبریز**، ایلخانان

○ معماری ۸۳/۲.

▣ **سیدحمزه**، بقعهٔ سیدحمزه علی بن موسی تبریزی.

○ فم ۲۲۱/۴

▣ **سیدخلیل**. در یزد محلهٔ مصلی عتیق، از ۹۶۹ به‌بعد.

○ معماری ۹۲/۲.

▣ **سید دانیال**، در خلخال روستای خانقاه، صفویه

○ معماری ۸۳/۲.

▣ **سید ذوالفقار**، در شیراز محله درب شاهزاده.

○ معماری ۸۶/۲.

▣ **سیدرکن‌الدین**، بقعه سیدرکن‌الدین در یزد از قرن هشتم با حرم چهارضلعی و پوشش گنبدی.

○ آ ط ۳۸۰ + معماری ایلخانی ۱۷۲، تصویر ۱۳۹ + معماری ۹۲/۲.

◫ **سید روح‌الله دارایی**، پسر سیدجعفر کشفی از فقیهان بزرگ امامیه و برادر سیدیحیی که بابی شد و طغیان کرد. سید روح‌الله به‌تهران کوچید و صاحب محراب و هنر شد، تبریز.

○ آ ذ ۱۲۵.

◫ **سید سربخش**، بقعه سید سربخش در قم، بنایی از قرن هشتم هجری.

○ معماری ۷۸/۲.

◫ **سید شرفشاه**، آرامگاه پیر شرفشاه در اول خاک گیل دولاب. شاعر و عارف معروف که اشعار وی را مردم گیلان هنوز خوانده و آهنگ شرفشاهی در دستگاه شوریکی از این گوشه‌هاست، احتمالاً از سده ۷.

○ آ س ۸۵.

◫ **سیدشمس‌الدین**، بر سر راه داراب ـ فسا.

○ معماری ۸۷/۲.

◫ **سید شمس‌الدین**، در جوار خانقاه وی در یزد مورخ ۷۶۷.

○ معماری ۹۳/۲.

◫ **سید صائم**، بقعه سید صائم در آبادی میان‌آب هفت تپه خوزستان با کاشیکاری و برخی تزیینات.

○ د ش ۱۴۸.

◫ **سید صاحب**، در احمدنگر هند، مقابل آرامگاه غالب خان.

○ نقش پارسی ۸۶.

◫ **سید صادق مجتهد طباطبایی**، فرزند سید مهدی، وی آقا شیخ هادی نجم‌آبادی را تکفیر کرد. سید صادق در ۱۳۰۰ در ۷۴ سالگی در تهران مرد و در آستانه حضرت عبدالعظیم به‌خاک سپرده شد. میرزا یوسف مستوفی بر گورش مقبره‌ای ساخت با صحن و حجرات.

○ رج ۱۲۲/۶ و ۱۱۵.

◫ **سید صالح**، بقعه سید صالح در شوشتر احتمالاً از اجداد آقا سیدمحمد باقرخوانساری صاحب روضات‌الجنات.

○ د س ۷۱۱.

◫ **سید صبر**، بقعه سید صَبُر بقعه‌ای کوچک در خیابان لشکر دزفول.

○ د ش ۳۷۸.

◫ **سید ضیا** ← آرامگاه طباطبایی

◫ **سید طاووس**، در محله فهادان یزد با قبری پوشیده از کاشیهای معرق دورهٔ تیموری و سنگ دیگری برپایین پای او با تاریخ ۴۷۴ به‌خط کوفی، نام صاحب قبه ابوالعباس احمدبن ابراهیم‌النقیب ذکر شده است.

○ ی ۳۲۰.

◫ **سیدطاهر**، بقعه سیدطاهر. در شوش در کنار رود شاوور و یک مسجد قدیمی.

○ د ش ۱۰۳.

◫ **سیدعباس و سیداسماعیل**، رشت محله ساغری سازان، قاجاریه.

○ معماری ۸۲/۲.

◫ **سید عبدالحمید**، اولین شهید راه مشروطیت که امیر بهادر جسد وی را از گور درآورد و سوزاند، بقایای بدن وی در امامزاده زید مدفون است.

○ تا ب ۳۷۲.

◫ **سید عبدالله**، در شیراز محله درب شاهزاده، زندیه.

○ معماری ۸۷/۲.

◫ **سیدعبدالله بهبهانی** ← آرامگاه آقاسید عبدالله.

◫ **سیدعبدالله شوشتری**، شوشتر.

○ د ش ۵۴۳ + م ۱۱۷۳ پدرش سید نورالدین م ۱۱۵۸ هردو در حیاط مسجد جامع شوشتر + د ش ۶۸۱.

▣ **سید علاءالدین**، آستانه سید علاءالدین، بقعه سیدعلاءالدین در شیراز نزدیک دروازه قصابخانه. سیدعلاءالدین را از فرزندان امام هفتم (ع) می‌شمارند. بنایی بلند با گنبد با آیینه‌کاری داخلی و مسجد در کنار آن، بنای اصلی از عهد مغول است با کتیبه‌ای مورخ ۹۲۴.

○ ا ق ۶۷ و ۳۱۷.

▣ **سیدعلی اکبر گلستان**، خوشنویس، قم ۱۳۱۹.

○ خوش معاصر ۶۶.

▣ **سیدعلی‌الرضا**، در ساوه.

○ معماری ۸۰/۲.

▣ **سید علی‌خان**، و برادرانش نوه‌های دختری شاه عباس، فرزندان عیسی‌خان و زبیده بیگم که در سال ۱۰۴۱ فوت کرده‌اند در سیت فاطمه اصفهان.

○ آثار ایران ۲ـ۱۲۹/۱.

▣ **سید علی کیا**، در دهکده‌ای به‌همین نام در خیررود کنار کجور، نوه امام موسی کاظم بنای هشت‌ضلعی با گنبد توی‌سری خورده سفید.

○ آ س ۲۳۱/۳.

▣ **سید علی کیا**، بقعه سیدعلی کیا، ۷ کیلومتری شرق نوشهر قرن ۸ و ۹.

○ معماری ۸۳/۲.

▣ **سید علی محمد شیرازی** ← آرامگاه باب.

▣ **سید عوض‌الخواص** ← آرامگاه عوض‌الخواص.

▣ **سید فاطمه**، بقایای چهارطاقی و مقبره با آثاری از خط کوفی مورخ ۱۶۵ در ۱۲۸۷ مصطفی قلی میرزا پسر عمادالدوله بنای جدیدی بر آن ساخت.

○ کرمانشاه ـ ۱۵۸.

▣ **سیدفتح‌الله**، امامزاده شاه حسین در ورامین.

○ معماری ایلخانی ۱۹۰.

▣ **سیدفخرالدین**، بقعه آفخرا فرزندزاده امام زین‌العابدین(ع) در وسط اتاقی بزرگ با ایوان سراسری.

○ آ س ۲۵۸.

▣ **سید فریدالدین قادری**، از فرزندان سید عبدالقادر گیلانی که اهل خوارزم (بغدادک) بوده است. متولد سال ۱۰۰۰ تمام جهان اسلام را گشت و سرانجام در کشمیر مقیم شد. م ۱۰۸۵ در کشتوار کشمیر.

○ هنر و مردم ۷۹ اسفند ۱۳۵۰.

▣ **سیدقاسم بروجردی**، بروجرد محله چال پسته.

○ آ ل ۵۳۹.

▣ **سید قطب‌الدین**، بقعه سید قطب‌الدین، در محله سیدقاسم یاکهواز شوشتر، با کتیبه‌ای آسیب دیده بدون تاریخ و تزیینات.

○ د ش ۷۳۷.

▣ **سید قوام‌الدین**، سرسلسلهٔ سادات حکومتگر مازندران م ۷۸۱، آمل مقبره میر بزرگ.

○ جغ ۱۱۴۳/۲.

▣ **سید قوام‌الدین**، مزار سادات در خارج یزد در کناسهٔ مشهور به‌روضهٔ سیدعلی قوام‌الدین، با گنبدی بزرگ جنب کاروانسرای مرزاکور، برخی سادات دیگر نیز در این محل مدفون‌اند.

○ ی ۳۳۳ + در جنوب شرقی میدان امیر چخماق. معماری ۹۲/۲.

▣ **سید کمال‌الدین** حسینی، در اردستان، زواره قاجاریه.

○ معماری ۹۰/۲.

▣ **سید کمال کجولی**، از شاعران سده نهم، که معروف است پانصد هزار بیت شعر گفته از مریدان ابونصر پارسا که در پایان سده نهم درگذشته و ۹۰ سال عمر کرده، آرامگاهش در بلخ است در جوار میرسرخ.

○ تا ن ۳۳۲.

▣ **سیدگل‌سرخ در یزد**، توران پشت قرن ۶ و ۷.

○ معماری ۹۳/۲.

▣ **سیدگل سرخ**، در یزد محله سرچم ۹۷۹.

○ معماری ۹۲/۲.

▣ **سیدمحمد**، اراک مشهد میغان، صفویه.

○ معماری ۸۱/۲.

▣ **سید محمد**، بقعه سید محمد. در دزفول نزدیک آبادی ده بَهر با گنبدی کوچک و ایوان بزرگ سفیدکاری شده ستون‌دار.

○ د ش ۳۲۷.

▣ **سیدمحمد**، یا سیدمحمود در دزفول، مردم عادی تصور می‌کنند که آرامگاه برادرزاده حضرت رضا (ع) بوکه باشد با کاشیکاری ساده. ذکرش در تذکره دزفول آمده است.

○ د ش ۳۸۰.

▣ **سیدمحمد الاعرابی**، در محوطه آرامگاه شیخ امین‌الدین جبرئیل؟ صفوی با بنایی ساده شبیه چارطاقیهای آتشکده‌ای با سنگ قبر مرمرین.

○ آ ذ ۲۱۷/۲.

▣ **سیدمحمدامین‌الدین**، در کازرون.

○ معماری ۸۷/۲.

▣ **سید محمد بازار**، بقعه سیدمحمد بازار، با گنبد کاشیکاری و گلدسته‌های کاشی از عصر صفوی.

○ د ش با تصویر ۷۱۱ و در همین کتاب واقع در شوشتر ۱۱۱۵ + معماری ۸۵/۲.

▣ **سید محمدباقر استرآبادی**، اصفهانی میرداماد، عالم و فاضل عصر صفوی. م ۱۰۴۱ نجف.

○ فک مؤلفان ۷۳/۲.

▣ **سیدمحمد باقر موسوی**، ملاباشی شیرازی، از فضلای عصر قاجارها، م ۱۲۴۰، تکیه خواجه حافظ.

○ فک مؤلفان ۷۲/۲.

▣ **سیدمحمد (زید)**، در کازرون محله گنبد.

○ معماری ۸۷/۲.

▣ **سیدمحمد شاه مرعشی** در شوشتر، قرن اخیر.

○ معماری ۸۵/۲.

▣ **سیدمحمد صادق طباطبایی** ← آرامگاه طباطبایی.

▣ **سید محمد کاشی**، کازرون صفویه.

○ معماری ۸۷/۲.

▣ **سیدمحمد کاظم یزدی**، فرزند عبدالعظیم از سادات طباطبایی (۱۲۴۷-۱۳۲۷) متولد در یکی از قرای یزد. مدرس و مجتهد بزرگ مقیم نجف از مخالفان مشروطیت. وی از گرفتن پول اَوَد سرباز زد در نجف مدرسه و مسجد ساخت این روحانی مبارز در نودسالگی وفات کرد و در نجف به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۲۵۱/۶.

▣ **سید محمدکیا**، دبیر صالحانی از صالحان حومه کجور، بنای آجری مخروطی که سیدظهیرالدین در ۱۳۰۳ از آن دیدن کرده است.

○ آس ۲۰۰/۳.

▣ **سیدمحمد گیاهخوار یا گلابی**، بقعه سیدمحمد گیاهخوار در شمال شرقی شوشتر کنار کارون با کتیبه حاوی نام بانی آن منوچهر خان معتمدالدوله، مورخ ۱۲۵۷ سیدمحمد از

فرزندزادگان امام موسی کاظم(ع).

○ د ش ۵۶۳، گیاهخوار + معماری ۸۵/۲.

▣ **سیدمحمد ماهرو،** بقعه سید محمد ماهرو در شهر شوشتر در فلکه شاهپور از فرزندزادگان امام موسی بن‌جعفر. ساختمان بنا از عصر صفوی.

○ د ش ۷۱۵ با تصویر رنگی + مورخ ۱۲۷۹ معماری ۸۵/۲.

▣ **سیدمحمدنوربخش،** پیرکیا سید علاءالدین محمد بن محمد موسوی از مشایخ متصوفه بسیار مهم سده‌نهم، ازاحفادامام موسی‌کاظم(ع) موسس فرقه نوربخشیه در ۷۹۵ در قاین متولد شد. وی جوانی را درختلان گذراند، سرانجام به‌مشهد و ری رفت و در شهریار ساکن شد و قریه سولقان را آباد کرد و خانقاهی بنا نهاد و روز ۱۴ ربیع اول در ۷۳ سالگی درگذشت و در باغ خود دفن شد.

○ تا ن ۳۱۹.

▣ **سیدمحمود سیداحمد،** در ابرقو ـ مهرآباد صفویه

○ معماری ۹۳/۲.

▣ **سید محمود مرندی،** مرقد آقا سید محمود نزدیک دروازه هرزویل در رودبار با درکنده‌کاری روی سنگ به تاریخ ۹۹۸ در جوار آن سردابه‌ای کنده شد که آرامگاه امیره تی‌تی دختر امیر سلطان محمدخان حاکم کهدم است با اشعاری حاوی همان تاریخ.

○ آس ۴۷۲.

▣ **سیدمعزالدین بن شرف الدین،** سید گل سرخ، در محله سرچم یزد وی از اقطاب بوده است و عامه وی را سید حسین پسرامام موسی بن جعفر(ع) می‌دانند، با آثار متعددازگوشه و کنار آن از جمله سنگ گور پیرحسین فرزند استاد حسن متوفی در ۹۷۹.

○ ی ۳۳۵.

▣ **سید معصوم،** قم فردی‌جان در غرب شهر، قرن اخیر.

○ معماری ۷۸/۲.

▣ **سید معصوم، خواجه،** شاعری از آسیای مرکزی که به‌حج رفت و در مکه مرد و به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۶۲۸.

▣ **سید ملک خاتون،** آرامگاه سیده ملک خاتون. در دولاب تهران خیابان اتابک مشابه با بقعه سیدولی که وضع داخلی آن از آثار زمان فتحعلی‌شاه قاجار است که بعد آن را تعمیر و کاشیکاری کرده‌اند در تاریخ ۱۳۰۱، به‌احتمال قوی این مکان آرامگاه سیده ملکه خاتون مادر مؤیدالدوله و فخرالدوله دیلمی است.

○ آ ط ۲۴۱ + معماری ۷۷/۲.

▣ **سیدمیراحمد** ← آرامگاه شاه چراغ.

▣ **سید میرمحمد،** بقعهٔ سید میرمحمد در شیراز کنار مرقد حضرت شاه‌چراغ، احتمالاً برادر آن بزرگوار با ضریح خاتم‌کاری از عهد زندیه بنای اصلی از قرن دهم است در دوران زندیه و قاجاریه در تزیین و تعمیر آن کوشیده‌اند.

○ ا ق ۶۵ + از قرن هشتم به‌بعد با حرم چهارضلعی و گنبد دوپوش مدور + آ ط ۳۷۷ + ا ق ۳۵۴.

▣ **سید ناصر،** در آبادی در چشم سبزوار معروف به‌درویی حسین مانده از سده ششم.

○ آ خ ۴۸۲.

▣ **سید ناصرالدین،** بقعه سیدناصرالدین در تهران کنار خیابان خیام احتمالاً از قرن نهم با تعمیرات و تکمیل در ۱۳۱۰ توسط خانم منیرالسلطنه،

سیدناصرالدین از فرزندان امام زین‌العابدین(ع) است با ضریحی چوبی که ازبین رفته و قطعه‌ای از آن باقی است با تاریخ ۹۹۳، قسمت اعظم این آرامگاه در اثر خیابان‌کشی ازبین رفت.

○ آ ط ۶۴.

▣ **سید ناصرالدین،** بقعه سیدناصرالدین در محله کهواز حیدرخانه شوشتر با کتیبه‌ای از عصر ناصرالدین شاه.

○ د ش ۷۴۷.

▣ **سیدنصرالدین،** در بهبهان، روستای سیدنصرالدین، قاجاریه.

○ معماری ۸۶/۲.

▣ **سید نصرالدین،** زیارتگاه در خیابان خیام تهران، قاجاریه.

○ معماری ۷۶/۲ و ۱۰۴.

▣ **سید نصرالدین،** با بنایی از قرن دهم بدون نوشته و کتیبه در انتهای شمالی خیابان پهلوی سابق یزد.

○ ی ۳۳۹.

▣ **سید نعمت‌الله جزایری،** مجتهد و عالم معروف، اهل هویزه مقیم شیراز (۱۰۴۵-۱۱۱۲) در جنوب پل دختر. ملاوی به‌فاصله سه کیلومتر.

○ آ ل ۵۱.

▣ **سید نورالدین نعمت‌الله** ← آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی.

▣ **سیدنیکی،** تربهٔ سیدنیکی در نیکی شهر هشتپر با سنگ نوشته‌ای جالب به‌خط نستعلیق خوش.

○ آ س ۴۸.

▣ **سیدولی،** بقعه سیدولی فرزند محمدتقی، بنایی از اواخر زمان فتحعلی‌شاه. درب آن ساخت استاد یوسف نجار تبریزی است با کتیبه کاشی حیاط مسجد مورخ ۱۲۹۳.

○ آ ط ۶۴.

▣ **سیدون** و سیدون گلسرخی، گنبد سیدون و گنبد گلسرخی دو بنا در ابرقو که تقریباً از بین رفته، آندره گدار در دیوار محراب بنای دوم نوشته‌ای یافته است که با کمک آن می‌توان تاریخ بنا را که ۱۳۳۰/۷۳۰ است کشف کرد.

○ معماری ایلخانی ۱۸۹ با تصویر.

▣ **سیدون گلسرخی،** در ابرقو ← آرامگاه سیدون.

▣ **سیدهاشم وکیل** ← آرامگاه وکیل سیدهاشم.

▣ **سیده بانو،** بقعه سیده‌بانو مادر پیر سید شرفشاه. بر ضریح این نوشته کنده‌کاری شده: سیده بانو بنت امام‌الهمام موسی‌الکاظم(ع)، رمضان ۱۳۴۳.

○ آ س ۸۵

▣ **سیده فاطمه،** در قبرستان ویژه شیعیان اثنی عشری، در بنارس. آرامگاه حزین نیز در جوار این مرقد قرار دارد.

○ نقش پارسی ۱۲۲.

▣ **سید یونس اردبیلی** ← آرامگاه آیت‌الله اردبیلی.

▣ **سیرجان** ← آرامگاه شاه فیروز.

▣ **سیف اسفرنگی،** مولانا سیف‌الدین اعرج، قصیده‌سرای قرن هفتم از اسفرنگ سمرقند مداح سلطان محمد بن تکش خوارزمشاه پیرو سبک خاقانی و ظهیر فاریابی. وی هیچ‌گونه تخلصی برای خود اختیار نکرد، مدفون در بخارا.

○ تا ن ۹۳ + د ۱۴۰۹ + دیوان چاپ پاکستان.

▣ **سیف‌الدین باخرزی،** از مشایخ قرن هفتم. در فتح آباد بخارا در کلخوزن به‌نام شیخ‌العالم.

○ تا ن (۸۶).

ش

از آرامگاه شابوالحسن تا آرامگاه صائب.

▣ **شابوالحسن**، شامرد، شهمرد در جلکون یا جنت مکان گتوند شوشتر، با سنگهای قدیمی که نوشته‌هاشان پاک شده و ماکت دوکیلوگرمی یک زیگورات از سنگ سیاه، نزد متولی است.

○ د ش ۷۶۰.

▣ **شاپورعلی**، قم مزرعه در باغ روستای گردچکان.

○ معماری ۲/۸۰.

▣ **شاعران**، مقبرةالشعرا، کوی سرخاب تبریز ← آرامگاه شعرای تبریز.

▣ **شاعران**، مزارالشعرا در سری‌نگر کشمیر، در محله دروک جن این شهر در مغرب دریاچه دال بر سر یک تپه که غرق در گل و ریحان است، چند قبر دیده می‌شود که متعلق است به‌این شاعران: کلیم همدانی، محمدقلی سلیم، طغرای مشهدی و قدسی مشهدی.

○ نقش پارسی ۹۳.

▣ **شام غازان** ← آرامگاه شنب غازان.

▣ **شاندیر، یان** ـ مدیر کمپانی هند شرقی هلند م ۱۷۰۳. اصفهان، گورستان ارامنه جلفا.

○ آ ص ۸۴۶.

▣ **شاه ابراهیم**، قم‌درروستایی‌به‌همین‌نام، صفویه.

○ معماری ۲/۷۹.

▣ **شاه ابوالقاسم**، در جاده دزفول ـ شوشتر. صفوی.

○ معماری ۲/۸۵.

▣ **شاه ابوالقاسم**، در مسجد سلیمان لالی شاه آباد سادات.

○ معماری ۲/۸۵.

▣ **شاه اسماعیل اوّل صفوی**، در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی. بنای چهارضلعی گنبددار. در بالای گنبد پنج شمشیر به‌علامت‌پنج‌خاندان یاری‌دهنده به‌وی با صندوق خاتم‌کاری.

○ د ت ۴۰ + تصویرتان (۷۸). آ ذ ۲/۱۷۹.

▣ **شاهان صفوی تا آخر قاجارها**، عباس اقبال.

○ یادگار ۳/۳ ص ۳۱ + فم ۳۷.

▣ **شاهان و بزرگان**، در باغ نقش جهان (میدان شاه، یا امام کنونی در اصفهان) بوده است که به‌دستور شاه اسماعیل یا شاه عباس تبدیل به‌میدان شد.

○ آ ص ۲۰.

▣ **شاه باهوی حق**، ۱۲۶۲ م در مُلتان هند.

○ معماری هند ۳۳ تصویر ۲۳ الف.

▣ **شاه برهان**، عارف مقیم جنوب هند در شهر آشتی، مقبره و مسجد جنب آن را شخصی به‌نام غوری خان در ۸۸۸ ساخته و کتیبه آن به‌شعر فارسی است در تاریخ ۸۸۸.

○ نقش پارسی ۷۶.

▣ **شاهپور علی**، قم مزرعه در باغ روستای گردجکان.

○ معماری ۲/۸۰.

▣ **شاهپور نیشابوری**، جمال‌الدین اشهری از

شاعران سده ششم. م ۵۹۸، در سرخاب تبریز همانند ظهیرالدین فاریابی در پهلوی خاقانی.
○ کوی سرخاب ۲۵۱.
▣ **شاه جعفر غریب،** نزدیک راه قم به‌کاشان، قاجاریه.
○ معماری ۷۹/۲.
▣ **شاه جمال،** در کنار راه قم به‌اراک، قاجاریه.
○ معماری ۷۹/۲.
▣ **شاه جمال غریب،** نزدیک بقعه شاه جعفر، اواخر قاجاریه. قم
○ معماری ۷۹/۲.
▣ **شاه جهان،** شاهزاده خرم پسر جهانگیر و پنجمین امپراتور بابری هند که بر تمام مخالفان از جمله برادرش خسرو که پسر نورجهان بود فائق شد. همسرش در هنگام سیزدهمین زایمان خود در برهانپور درگذشت، از شوهر خواسته بود که بر گور وی آرامگاهی عظیم بسازد، شاه جهان چنین کرد و تاج محل را ساخت و پسرش اورنگ زیب که با زور جانشین او شده بود وی را نیز در همان بنا به‌خاک سپرد.
○ معماری هند ۱۱۵ تصویر ۸۷ + د ۱۴۴۱.
▣ **شاه چراغ،** میرسید احمد، آستانه شاه چراغ در شیراز فلکهٔ احمدی، مجموعه‌ای از بناهای تکمیل شده از عصر اتابکان به امروز.
○ معماری ۷۸/۲ + ا ق ۶۳.
▣ **شاه چراغ،** علیه‌السلام از علی سامی
○ فم ۲۲۷/۴ + آثار ملی ۵/۴۰۳.
▣ **شاه حسین ولی،** از فرزندان شهاب‌الدین سهروردی عارف بزرگ قرن نهم خواهرزاده شیخ صفی، تبریز محله باغمیشه.
○ آ ذ ۱۲۸ + د ت ۴۱

▣ **شاه حمزه،** در کازرون محله بازار.
○ معماری ۸۷/۲.
▣ **شاه حمزه،** خارج از شهر ماهشهر.
○ معماری ۸۵/۲.
▣ **شاه خراسون،** در دزفول بنای آجری ساده بدون هیچ نوشته.
○ آ ش ۳۲۰.
▣ **شاه خلیل‌الله ثالث،** از فرزندزادگان شاه نعمت‌الله ولی، بقعه سیدجلیل، بقعه مصلی قرن دهم، یزد دروازه مصلی.
○ ی ۳۱ و ۹۶۹.
▣ **شاه داعی‌الی الله،** سیدنظام‌الدین محمود از عرفای شیراز. م ۸۷۰ در کنار گورستان دارالعلم، در بنایی برجای مانده از دوران کریم خان زند.
○ ا ق ۶۹ + جغ ۸۵۹ + تعمیر و تکمیل بنا در ۱۳۴۶ خ. +کارنامه ۶۰۸ + سنگ قبر در شیراز. تا ن (۲۱).
▣ **شاهرخ افشار،** معلوم نیست کجاست، آغا محمدخان در مشهد جواهراتش را با زور و شکنجه گرفت و وی را روانه تهران کرد. در راه تهران عمال آغامحمدخان وی را کشته و جنازه‌اش را سر به‌نیست کردند. بنابر قولی دیگر مقبره شاهرخ میرزا: در دامغان جنب امامزاده جعفر، بنای تیموری.
○ ر ج ۱۴۲/۲ معماری ۹۶/۲.
▣ **شاهرخ،** در آرامگاه امیرتیمور گورکان، گور امیر در سمرقند.
○ سیمرغ ۱۴۰ + هنر ۴۳۷/۸.
▣ **شاه رضا کیاسلطان،** در گورستان قدیمی ناتل در ناتل کنار نور، بنایی هشت ترک با گچبری و نقش چهار خورشید، بر درهای آن کنده‌کاری و نوشته

وجود دارد با تاریخ ۱۳۰۱.

○ آ س ۳/۳۵۴.

▣ **شاه رکن‌الدین**، در کنار خیابان سی‌متری دزفول با گنبد و کاشیکاری، برمبنای تذکره دزفول. این حضرت با ۱۴ واسطه به‌امام موسی کاظم می‌رسد.

○ د ش ۳۹۶ + قاجاریه معماری ۲/۸۵.

▣ **شاهزادگان مقتول صفوی**، با گنبدی کوچک از زمان شاه عباس در قزوین

○ د ت ۴۱

▣ **شاهزاده ابراهیم**، ولدامام جعفر صادق(ع) آرامگاه در بوزان، آرامگاه امامزاده کرار.

▣ **شاهزاده ابراهیم**، معروف به‌شاه ناجر در دهکده صالحان کجور که ناصرالدین شاه در ۱۲۸۶ در کنار آن مدتی اردو زده بوده است.

○ آ س ۳/۲۰۸.

▣ **شاهزاده ابراهیم**، در روستای طایقان پنج‌فرسنگی جنوب قم.

○ معماری ۲/۷۹.

▣ **شاهزاده ابراهیم**، قم روستای استجرد، صفوی.

○ معماری ۲/۸۰ + هنر ۸/۳۵۲.

▣ **شاهزاده ابراهیم**، در کاشان، بیدگل.

○ معماری ۲/۹۲.

▣ **شاهزاده ابراهیم و شاهزاده محمد**، در ۱۰ کیلومتری جنوب شهرضا. صفوی.

○ آ ص ۹۰۳

▣ **شاهزاده ابوالحسن**، محمدبن حمزه ـ از نوادگان حضرت سجاد(ع) بروجرد.

○ آ ل ۲/۵۲۹.

▣ **شاهزاده ابوالقاسم**، ابن موسی در داراب، قرن اخیر.

○ معماری ۲/۸۷.

▣ **شاهزاده ابوالقاسم**، در اصفهان قاجاریه.

○ معماری ۲/۹۱.

▣ **شاهزاده احمد**، تفرش قریه کوهین، قرن نهم.

○ معماری ۱/۸۱.

▣ **شاهزاده احمد**، در خاکفرج، قم قرن هشتم قاجاریه.

○ معماری ۲/۷۸ + هنر ۸/۳۵۲.

▣ **شاهزاده اسحاق**، بنای آجری ساده از سده هفتم در ساوه.

○ د ۱۴۴۳.

▣ **شاهزاده اسحاق**، قم روستای هیلم قاجاریه.

○ معماری ۲/۸۰.

▣ **شاهزاده اسحاق، ایوب** در ابیانه نطنز صفویه.

○ معماری ۲/۹۰.

▣ **شاهزاده اسحاق و حمزه**، در کاشان جنب بقعه خواجه تاج‌الدین قرن دوازدهم.

○ معماری ۲/۹۱.

▣ **شاهزاده اسدالدهر**، در جهرم، قاجاریه.

○ معماری ۲/۸۸.

▣ **شاهزاده اسماعیل**، ساوه روستای پل آباد.

○ معماری ۲/۸۰.

▣ **شاهزاده اسماعیل**، قم، دامنه کوه بیرقان، قرن ۱۰ و ۱۱.

○ معماری ۲/۸۰.

▣ **شاهزاده اسماعیل**، در کاشان ـ بیدگل صفویه.

○ معماری ۲/۹۲.

▣ **شاهزاده اسماعیل**، در روستای برز سه‌کیلومتری ابیانه نطنز، صفویه.

○ معماری ۲/۹۰.

▣ **شاهزاده اسماعیل**، محلات ـ نیم‌ور.
○ معماری ۸۰/۲.
▣ **شاهزاده جعفر**، قم راه فرعی روستای راهجرد از راه قم.
○ معماری ۷۹/۲.
▣ **شاهزاده حسن**، در جهرم، صفویه.
○ معماری ۸۷/۲.
▣ **شاهزاده حسین**، اراک ابراهیم آباد، قرن هشتم.
○ معماری ۸۱/۲.
▣ **شاهزاده حسین**، (آستانه شاهزاده حسین) در قزوین از حسین مدرسی چاردهی.
○ قم ۲۲۷/۴.
▣ **شاهزاده حسین**، (یادداشت درباره شاهزاده حسین) در قزوین از محمد تقی مصطفوی.
○ قم ۲۲۸/۴
▣ **شاهزاده حسین** در کاشان ـ بیدگل.
○ معماری ۹۲/۲.
▣ **شاهزاده حسین**، در کرمان ـ جوپار ۱۸ کیلومتری ماهان، صفویه.
○ معماری ۸۸/۲.
▣ **شاهزاده حسین**، همدان نزدیک میدان امام خمینی، صفویه.
○ معماری ۹۵/۲.
▣ **شاهزاده زکریا**، روستای طایقان پنج فرسخی جنوب قم.
○ معماری ۷۹/۲.
▣ **شاهزاده سلیمان**، بقعه شاهزاده سلیمان، گورستان قریه راونج قم، صفویه.
○ معماری ۷۹/۲.
▣ **شاهزاده سیدعلی**، قم شمال شرقی شهر. قرن اخیر.
○ معماری ۷۸/۲.
▣ **شاهزاده سید نورالدین**، در جنوب اردکان فارس، قرن ۵.
○ معماری ۸۶/۲.
▣ **شاهزاده شعیب**، بنایی که اخیراً تعمیر شده با تصویرها.
○ آ خ ۴۵۱.
▣ **شاهزاده طاهر**، قم روستای تقرود خلجستان، صفویه.
○ معماری ۷۸/۲.
▣ **شاهزاده عباس**، در مزارع روستای ورجان قم. قاجاریه.
○ معماری ۷۹/۲.
▣ **شاهزاده عبدالعظیم**، درحرم مطهر آن حضرت، مجموعه بناهای تاریخی مهّم در شهر ری از زمان دیالمه‌تاعصر حاضر ←آستانه حضرت عبدالعظیم.
○ ری ۳۸۴.
▣ **شاهزاده عبدالله** ← برج لاجیم، آرامگاه شهریار باوندی.
▣ **شاهزاده عبدالله**، اراک ـ گودرز، قرن ۴.
○ معماری ۸۱/۲
▣ **شاهزاده عبدالله**، ۵ کیلومتری جنوب غربی خرم‌آباد.
○ معماری ۹۷/۲ و ۱۱۶.
▣ **شاهزاده عبدالله**، ساوه، یک‌فرسخی آوه، سلجوقی.
○ معماری ۸۰/۲ و ۱۳۱.
▣ **شاهزاده عبدالله**، قم نزدیک قلعهٔ صدری. پیش از قاجار.
○ معماری ۷۸/۲.
▣ **شاهزاده عبدالله**، در کاشان بیدگل صفویه.

○ معماری ۹۲/۲.

◫ **شاهزاده عبدالله**، در محلات، صفویه - قاجاریه.

○ معماری ۸۰/۲.

◫ **شاهزاده علی فرزند عبدالله**، در یزد - بافت ۹۹۸.

○ معماری ۹۳/۲.

◫ **شاهزاده علی بلیممان**، در یزد بیداخوید از ۸۲۶.

○ معماری ۹۳/۲.

◫ **شاهزاده فاضل**، در یزد خیابان امام، قرن نهم.

○ معماری ۹۲/۲.

◫ **شاهزاده فضل**، در بهبهان، صفویه.

○ معماری ۸۶/۲.

◫ **شاهزاده فضل پسر موسی**، در جهرم، قرن نهم.

○ معماری ۸۸/۲.

◫ **شاهزاده قاسم**، تفرش - کهک، صفویه.

○ معماری ۸۱.

◫ **شاهزاده قاسم**، در شیراز خیابان احمدی، قرن اخیر.

○ معماری ۸۶/۲.

◫ **شاهزاده قاسم**، قم بالای قریه مدخل ابرجس.

○ معماری ۸۰/۲.

◫ **شاهزاده قاسم**، در کاشان - فین از قرن هفتم.

○ معماری ۹۱/۲.

◫ **شاهزاده قاسم**، در هرات مورخ ۱۳۴۹/۷۵۰ م.

○ هنر ۴۵۱/۸ تصویر.

◫ **شاهزاده قشم**، ابن عباس ← آرامگاه قشم پسر عباس.

◫ **شاهزاده کبیر**، در ابهر قرن، ششم.

○ معماری ۹۴/۲.

◫ **شاهزاده محسن**، اراک - فراهان، قرن ۸ و ۹.

○ معماری ۸۰/۲.

◫ **شاهزاده محسن**، قم روستای قاربون بزن.

○ معماری ۸۱/۲

◫ **شاهزاده محمد**، اراک روستای شاهسواران قرن پنجم.

○ معماری ۸۱/۲.

◫ **شاهزاده محمد**، ساری با تصویر.

○ ابدیت ۱۴۶/۲.

◫ **شاهزاده محمد**، ساوه روستای آلوسجرد.

○ معماری ۸۰/۲.

◫ **شاهزاده محمد**، در بسطام از سده هشت.

○ معماری ۹۶/۲

◫ **شاهزاده محمد**، در کرمان - خیابان شاهزاده محمد.

○ معماری ۸۸/۲.

◫ **شاهزاده محمد ابراهیم**. در کنگاور محله گچ‌کن.

○ معماری ۸۴/۲.

◫ **شاهزاده محمدافطسی**. تفرش ۹۵۰.

○ معماری ۸۱/۲.

◫ **شاهزاده موسی**، در محلات، صفویه - قاجاریه.

○ معماری ۸۰/۲.

◫ **شاهزاده هادی**، قم بیرون وشنوه، قاجاریه.

○ معماری ۸۰/۲.

◫ **شاهزاده هادی**، در کاشان بین آران و بیدگل، صفویه.

○ معماری ۹۲/۲.

◫ **شاهزاده هارون**، ساوه، ده کیلومتری روستای رضاآباد، قرن هفتم.

○ معماری ۸۰/۲.

◙ **شاهزاده هلال**، ابن علی در بیرون آران و بیدگل صفویه.

○ معماری ۹۰/۲.

◙ **شاهزاده یحیی**، گنبد شاهزاده یحیی در کاشان ـ نراق از قرن هفتم و صفویه.

○ معماری ۹۰/۲.

◙ **شاه زنده**، و قصه کندوکاو امیر تیمور برای یافتن آرامگاه وی در زیرزمین که باغی است مصفا در سمرقند.

○ قندیه ۶۴.

◙ **شاه زنده**، بیرون روستای لنگرود قم، قرن ۱۰.

○ معماری ۷۹/۲

◙ **شاه زید**، بقعه شاه زید در تلواسکان اصفهان.

○ آ ص ۲۲۲.

◙ **شاه سلطان‌حسین‌وشاه‌عباس دوم**، درقم‌قرن۱۲.

○ د س ۷۵ + کارنامه ۷۷۲ + رج ۸۶/۲.

◙ **شاه سلطان حسین**، در کاشان مجاور مشهد اردهال صفویه.

○ معماری ۹۲/۲.

◙ **شاه سلیمان**، بقعه شاه سلیمان در پشت تپه‌های قلعه رستم شوشتر، شرف‌الدین شوشتری آن را شیخ سلیمان ضبط کرده است.

○ د ش ۷۵۲.

◙ **شاه سلیمان**، و شاه سلطان حسین صفوی. قم آستانهٔ حضرت معصومه(ع) جنب مسجد بالاسر با کتیبه‌ای به‌خط ابوطالب‌خطیب قمی ۱۱۰۷. شاه‌سلطان حسین را در اصفهان سر بریدند و سرش را به‌همدان نزد اشرف فرستادند که ابتدا در آن شهر دفن شد و سپس به‌قم آورده نزد بدن وی به‌خاک سپردند.

○ د ت ۴۱.

◙ **شاه سلیمان، ثانی صفوی مرعشی**، محمد خلیل بن داود بن سیدمحمدشاه. م ۱۲۲۰ در بنگاله (مقدمه مجمع‌التواریخ).

○ فک مؤلفان ۱۰۸/۲.

◙ **شاه سلیمان دوم**، نوه شاه سلیمان اول خواهرزاده و داماد شاه سلطان حسین که در ۱۱۶۳ فقط چهل روز پادشاهی کرد ولی توسط شاهرخ کور شد و در ۱۱۶۹ مرد و در حرم امام‌رضا به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۱۳۵/۲ و ۳۳۳/۶.

◙ **شاه‌سنجان**، خواجه رکن‌الدین محمود خوافی از عارفان سده ششم از مریدان خواجه مودودچشتی در ۵۹۳ یا ۵۹۷ یا ۵۹۹ درگذشته ولی آرامگاهش در سنگان، مرکز بلوک سنگان در تربت حیدریه است نه سنگان، ده در خواف. گذشته از این چهارده دیگر نیز در تربت سنگان نام دارند.

○ ل جزوه ۱۱۹ ص ۱۷۰

◙ **شاه سیدرضا**، بقعه با گنبدی بلند واقع در کوچه بندوی محله پشت حوض ملتکیه یزد مشهور به‌مزار شاه سیدرضا شاید به‌علت سنگ قبری بدین نام که تاریخ ۹۵۵ دارد ولی بنا از قرن هشتم است و ارتباطی با این قبر ندارد.

○ ی ۳۴۴.

◙ **شاه سیدرضا**، در یزد محله چهارمنار، قرن هشتم.

○ معماری ۹۲/۲.

◙ **شاه سیدعلی**، در اصفهان.

○ معماری ۹۰/۲.

◙ **شاه سیدعلی اکبر**، در ۱۵ کیلومتری شمال شهرضا صفویه.

○ معماری ۹۰/۲.

◙ **شاه شجاع**، در شیراز تخت ضرابی، زندیه.

○ معماری ۸۷/۲.

◙ **شاه شجاع**، فرزند امیر مبارزالدین (۷۸۶-۷۳۳) از خاندان آل مظفر و ممدوح خواجه حافظ شیرازی. در شیراز کنار کوه تخت ضرابی یا کوه چهل مقام که کریم‌خان زند سنگ بزرگی به‌دست میرزا محمد کرمانی منشی، روی قبر او انداخت با کتیبه‌ای حاوی تاریخ وفات و تجدیدمزار در ۱۱۹۲. بنای جدید را انجمن آثار ملی در ۱۳۵۲ ساخته است.

○ کارنامه ۵۳۹ + هزار مزار ۴۷۳ + طبق وصیت خودش قرار بود که از این مکان به‌مدینه منتقل شود، معلوم نیست که به‌این وصیت عمل شد یا نه. بحث حافظ ۳۲۲ + ا ق ۵۴ + د ب ۱۴۸.

◙ **شاه شمس‌الدین سبزواری**، متولد ۵۲۰ از مبلغان بزرگ شیعه امامیه اسماعیلیه، از شبه‌قاره مانند نیاکان خود چون گنج شکر و بختیارکاکی و نظام‌الدین اولیاء در فتنه مغول به‌سوی هند فرار کرد و در ۶۶۶ به ملتان آمد و پس از فوت در ۶۷۵ در مقبره باشکوهی دفن شد.

○ میراث ۴۸۳/۲

◙ **شاه صفی و شاه سلیمان**، قم در محل موزه آستانه باکتیبه‌ای مورخ ۱۱۰۷.

○ د س ۶۰ + شاه صفی در ۱۰۵۲ در کاشان مُرد و در قم به‌خاک سپرده شد.

○ کاشان۱۳۷ + شاه صفی اول، تصویر. ایران قدیم ۱۲۳ + هنر و مردم ۱۴ تیرماه ۱۳۵۱.

◙ **شاه طاهر اسماعیلی حسینی دکنی**، فرزند شاه رضی‌الدین ابتدا مقیم دربار شاه اسماعیل بود ولی چون رقیبش میرجلال الدین حیدر استرآبادی وی را به بی‌دینی متهم ساخت به‌هند رفت و در آن خطه بسیار منشا اثر شد و مبلغ شیعه‌گری گردید و نظام شاهیان به‌کوشش وی شیعه شدند. شاه طاهر در ۹۵۲ در احمدنگر مرد و در همان مکان به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۳۶۸.

◙ **شاه طهماسب دوّم صفوی**، در سبزوار در پای گنبد سبز یا مزار سبز که در خیابان‌کشی از میان رفته است. طهماسب دوّم و پسرش شاه‌عباس سوّم را رضاقلی میرزا وقتی نادر در هند بود کشت.

○ آ خ ۴۷۳ + نمونه خط، تا ن (۷۵)

◙ **شاه ظهیر** معروف به‌زید، قم نزدیک مزار شاه حمزه، قاجاریه.

○ معماری ۷۸/۲.

◙ **شاه‌عباس اول صفوی**، کاشان در جوار بقعه حبیب‌بن موسی.

○ کاشان ۱۳۵ با عکس + معماری ایلخانان + کارنامه ۸۱۹ + ل ۲۷۹۳ + د ت ۴۳ + سنگ گور وی از قفقاز آورده شد. تا کاشان ۵۵۵.

◙ **شاه‌عباس اول**، نراقی، حسین.

○ فم ۲۲۳/۴

◙ **شاه‌عباس بر مبنای خواسته‌های وی**، شاه‌عباس خود وصیت کرده بود که جسدش در مزار حبیب‌بن موسی دفن شود و از قرار نوشته تاورینه فرانسوی وصیت دیگرش این بود که آرامگاهش باید گمنام باشد و مراسم بسیار ساده و بدون تشریفات باشد.

○ کارنامه ۸۱۹ + شاه عباس در لباس پوشیدن نیز چنین بود. در حالی که سرداران لباسهای مجلل می‌پوشیدند، وی ساده‌پوش بود.*

▣ **شاه عباس دوم صفوی**، قم آستانه حضرت معصومه بنای شانزده ترک بسیار جالب با کتیبه به‌خط محمدرضا امامی، در سال ۱۰۷۷ به‌دستور شاه‌سلیمان ساخته شد.

○ د ت ۴۲ + کارنامه ۷۷۲ + د س ۷۵ + بخوانید و بدانید + تصویر در ایران قدیم ۱۲۲.

▣ **شاه عباس سوم**، در سبزوار که اکنون از بین رفته است.

○ آ خ ۴۷۳.

▣ **شاه عطا**، درگاه شاه عطا واقع در دبی‌کوت دیناج‌پور بنگاله، مجموعه‌ای شامل آرامگاه ومسجد که مسجد درحال ویرانی است اما قبر و گنبد روی آن هنوز پا برجاست و زیارتگاه مسلمانان است. وی معاصر با سکندرشاه پدر غیاث‌الدین اعظم شاه ممدوح خواجه حافظ بوده است، نیمه اول قرن نهم. در این محل دو کتیبه کهنسال که دومی دارای تاریخ ۷۶۵ است وجود دارد.

○ نقش پارسی ۶۹.

▣ **شاه علاءالدوله سمنانی**، به‌نام صوفی‌آباد با تصویر.

○ هنر و مردم ۴۶/۵۷.

▣ **شاه‌علاءالدین**، دراصفهان، شاه‌علایی مصطفی.

○ فم ۲۲۲/۴

▣ **شاه علاءالدین**، محمدبن محمد از فرزند زادگان حضرت امام زین‌العابدینؑ که در رمضان ۸۵۰ در ساوه به‌امر شاهرخ تیموری به اتفاق افضل‌الدین ترکه وعده‌ای دیگر به‌شهادت رسید چهل روز بعد خود شاهرخ مرد و سلطان محمد بهادر نعش علاءالدین را به‌اصفهان آورد که خانقاه شاه‌علاءالدین در آن واقع بود، در محله طوقچی که از این به‌بعد به محله شاه شاهان (شهشهان) معروف گردید.

○ آ ص ۲۳۷ و ۸۰۲ + معماری ۹۰/۲.

▣ **شاه‌فتح‌الله شیرازی**، از شاعران زمان اکبر که از سال ۹۹۵ در کشمیر بوده است. وی شاعر و ریاضیدان و ادیب و ملقب به‌عضدالدوله بوده است. م ۹۹۵ مدفون در مزار شاعران سری‌نگر زیارتگاه شیعیان کشمیر.

○ نقش پارسی ۹۶.

▣ **شاهفور** (شاهپور) **بن محمد نیشابوری**، مقبرةالشعرای تبریز.

○ کارنامه ۶۹۲.

▣ **شاه فیروز**، در سیرجان، بنایی از قرن ۸/۱۴.

○ ایران یک ۱۹۱.

▣ **شاه قاسم**، در قریه پیره‌لر ۲۷ کیلومتری شمال کلیبر آذربایجان.

○ آ ذ ۴۷۸/۲.

▣ **شاه قاسم**، در مزرعه تز قم، یک‌کیلومتری جنوب‌شرقی آن، بنا از سده ۱۲ و ۱۳.

○ معماری ۸۰/۲.

▣ **شاه قاسم انوار**، در قریه لنگر فریمان خراسان که در سابق خرگرد جام بود.

○ آ خ ۱۱ با تصاویر ۱۶ + کارنامه ۷۴۶ + بنای صفوی. د ت ۴۳ + سفرنامه ابوالحسن ۲۷ + تیموری، معماری ۸۹/۲.

▣ **شاه کمال‌الدین**، بقعه شاه کمال‌الدین از محمدتقی مصطفوی.

○ فم ۳۷۰.

▣ **شاه‌گردیز** ← آرامگاه گردیزی، جمال‌الدین.

▣ **شاه محمد**، گنبد شاه محمد در انتهای شمالی خاک طرحان قرن ۸.

○ معماری ۹۷/۲.

◙ **شاه‌محمدغوث، سید** ـ از فرزندزادگان شیخ عبدالقادر جیلانی و از عرفای بزرگ شبه قاره م ۱۱۷۷. وی از گیلان و هند آمد و در پیشاور مقیم شد. مزارش نیز در پیشاور است و زیارتگاه خاص و عام.

○ میراث ۴۷۳/۲.

◙ **شاه محمود اینجو**، شیراز در جوار آرامگاه شیخ کبیر ابوعبدالله محمدابن حنیف شیرازی.

○ بحث حافظ ۹ + کارنامه ۶۲۲.

◙ **شاه منذر**، شیراز محله سر دزک.

○ معماری ۸۶/۲.

◙ **شاه منصور آل مظفر**، در یک فرسخی شیراز.

○ بحث حافظ ۳۲۳.

◙ **شاه میر حمزه** در شیراز، قرن هفتم هجری به‌بعد، با حرم چهار ضلعی و پوشش گنبدی.

○ آ ط ۳۷۷.

◙ **شاه میرعلی بن حمزه**، بقعه شاه میرعلی در پایین دروازه قرآن شیراز (میرعلی از نوادگان امام موسی کاظم بوده است) با کتیبه‌ای به‌خط ابراهیم‌میرزا تیموری.

○ ا ق ۵۷.

◙ **شــاه مـیر عـلی حـمزه**، در شیراز نزدیک پل‌رودخانه خشک، دیلمیان ـ تیموریان.

○ معماری ۸۷/۲.

◙ **شاه‌نعمت‌الله ولی**، آستان شاه نعمت‌اللّه، در ماهان کرمان در ۸۴۰ توسط شهاب‌الملک احمد شاه دکنی و پسرش علاءالدوله ساخته شد و عبارت است از سه صحن منسوب به‌مرتضی قلی‌خان وکیل‌الملک، اسماعیل‌خان نوری و میرداماد. صاحب‌تالیفات بسیار زاده‌شده درماهان. سید نورالدین نعمت‌الله، پسر عبدالله کوه بنانی کرمانی، از بزرگترین عارفان ایران و بزرگترین متصوف سده هشتم، پدرش از حلب به کرمان آمد و سپس در کوه بنان متوقف شد، نعمت‌الله در ۲۲ رجب ۷۳۱ در این محل متولد شد و در محضر استادانی بزرگ به‌مرحله کمال رسید و پس از گشت و سیر در جهان اسلام در قصبه ماهان متوقف شد و خانقاهی ترتیب داد و در همان خانقاه دفن شد از وی آثار بسیار برجای مانده است.

○ ف ۲۱۳۶ + تان ۱۸۷ + هنر اسلامی ۱۱۰ و ۸۴۱ + هنر ۴۹۹/۸ + آ ط ۳۷۰ + معماری ۸۸/۲.

◙ **شاه ولی** ← آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی

◙ **شاه ولی**، شاه‌ولی و مزار او، محمد ابراهیم باستانی پاریزی.

○ فم ۳۷۵.

◙ **شاه ولی در تفت**، قرن نهم.

○ معماری ۹۳/۲.

◙ **شاه هادی در کاشان**، نراق از سده هفتم.

○ معماری ۹۰/۲.

◙ **شاه همدان** ← آرامگاه میرسیدعلی همدانی.

◙ **شاه یوسف‌گردیزی**، ۱۱۵۰ م، مُلتان هند.

○ معماری هند ۲۹، تصویر ۲۲ ب.

◙ **شاهی سبزواری**، امیر شاهی، آقاملک فرزند ملک جمال‌الدین فیروزکوهی سبزواری شاعر پارسی‌گوی و خوشنویس و نگارگر و موسیقیدان. خواهرزاده خواجه علی مؤید سربداری که مدتی نیز در خدمت بایسنقر میرزا بود و وی از او خواست که تخلص شاهی را کنار بگذارد، ولی او نپذیرفت. مدتی در استرآباد بود و در همان‌جا نیز درگذشت. جنازه‌اش را به‌سبزوار بردند و حاکم

سبزوار که پدر امیرعلی شیر نوایی بود در خانقاهی که در بیرون شهر به‌دستور اجدادش ساخته شده بود دفن کردند. وی غزلسرا بود و از ۱۲۰۰۰ بیت شعر سروده شده خود ۱۰۰۰ بیت را نگه داشت و بقیه را شست ← آرامگاه امیرشاهی.

○ د ۱۴۴۷ + تان ۳۰۱.

▣ **شایلان**، در کاشان میدان بازار بزرگ سده دهم.

○ معماری ۹۱/۲.

▣ **شبستری** ← آرامگاه شیخ محمود شبستری.

▣ **شبلی**، برج شبلی در دماوند، سده پنجم.

○ معماری ۷۷/۲ + ایران یک ۷۹ + بدان گنبد طغرل نیز گویند. احتمالاً بنای اصلی از پیش از اسلام است، در مشرق شهر دماوند + کاروند ۴۱.

▣ **شبلی**، ابوبکر دلف بن جحدر یا جعفر صرفی، عارف مشهور سده چهارم اصلش از آبادی شبله در اِشر و سنهٔ ماوراءالنهر است، وی شاگرد و مرید شیخ جنید بغدادی و چندی نیز حکمران دماوند بوده است. ولی از آن شغل کناره‌جویی و توبه کرده است. از او در آثار عرفانی جهان بسیار یاد شده است آرامگاه وی کنار مقبرهٔ خیزران در بغداد است.

○ د ۱۴۵۳ + کارنامه بزرگان ۶۶.

▣ **شجاع‌الدوله**، امیر حسین‌خان ایلخانی رییس طایفه کردهای زعفرانلو، م ۱۳۱۱ مشهد حرم حضرت رضا(ع) مقبره خانوادگی.

○ رج ۳۹۲.

▣ **شجاع الدین سام‌خان** ← آرامگاه سام‌خان.

▣ **شخص گمنام** ← آرامگاه میدانک، برج میدانک.

▣ **شخص گمنام**، در شمال شرقی شهر ری نزدیک آبادی تقی‌آباد، برج زیبای نقاره‌خانه برجای است. دریک‌کیلومتری خاور این برج نزدیک امین‌آباد شالوده برج دیگری از عصر دیلمیان و سلجوقیان دیده می‌شود (تپه‌گبری).

○ آ ط ۱۳۹.

▣ **شرشاه یا شیرشاه سوری**، مؤسس سلسله کوتاه عمر سوری در دهلی. پدرش میان حسن‌خان از قبیله سور در افغانستان بود، شرشاه ابتدا ایالت بهار را تصرف کرد سپس بنگال را گرفت به‌طوری که همایون بابری ناچار شد به‌جلوگیری از وی اقدام کند. اما دوبار از وی شکست خورد و غلبه شیرخان چنان در همایون اثر کرد که ابتدا به‌سِند و سپس به‌ایران گریخت و به‌شاه طهماسب پناهنده شد. شیرشاه در کشمکش با راجپوتها کشته شد و آرامگاه وی در سَسَرام کشمیر از بناهای اسلامی مهم هند است با این بیت فارسی در پیشانی عمارت:

«شاها بقای‌عمر تو بادا هزارسال
سا ل هزار ماهی و ماه هزار سال»

○ نقش پارسی ۸۴ + د ۱۵۲۷ + معماری هند ۸۶ تصویر ۶۱.

▣ **شرف** ← آرامگاه قاضی شرف جهان قزوینی.

▣ **شرف‌الدوله**، ابوالفوارس شیرذیل (شیردل) پسر عضدالدوله دیلمی از سوی پدر امیر کرمان که پس از آن قلمرو خود را تا فارس گسترش داد. زندگی وی بیشتر به کشمکش با برادران گذشت. م ۳۷۹، نجف در جوار حرم حضرت علی (ع).

○ د ب ۶۳۰.

▣ **شرف الدین خضر یزدی**، از مشایخ یزد مورد احترام آل‌مظفر که در ۷۵۵ خانقاهی در یزد ساخته و در ۷۶۰ درگذشته، شاعر صفوی که در محلهٔ بین‌الدارین یزد به‌خاک سپرده شد.

○ تان ۷۶۸.

▣ **شرف‌الدین علی یزدی،** متخلص به‌شرف شاعر پارسی گوی و مورخ ایرانی. وی مورد علاقه سلطان شاهرخ تیموری و پسر او میرزا ابوالفتح ابراهیم میرزا بود، مدت مدیدی نیز به‌مصاحبت یونس‌خان جد مادری بابر که توسط الغ‌بیگ اسیر شده بود گذراند. شاهرخ وی را قیم یونس قرار داده بود و شرف‌الدین قصایدی چند در مدح وی دارد. زمانی نیز مغضوب شد و با میانجی‌گری عبداللطیف پسر الغ‌بیگ نجات‌یافت، از این به‌بعد تمام عمر یزدی در زادگاهش تفت گذشت اثر مهم وی ظفرنامه تیموری است در تاریخ خاندان تیمور. شمس‌الدین ابوبکر یزدی بر سر قبر وی مدرسه‌ای ساخت به‌نام شرفیه محل آرامگاه وی دقیقاً معلوم نیست کجاست اما در یزد بوده است.

○ س ۱۲۰ + فوت در ۸۵۸ مدفون در مدرسه شرفیه که خود ساخته بود، نزدیک مسجد میرچخماق، جنب مزار پدرش + تان ۲۴۸.

▣ **شروانشاه** ← آرامگاه بردع

▣ **شروانی،** سیدقوام‌الدین پسر صدرالدین حسین پسر صدرالدین علی از شاعران سده ۶ و ۷ از مداحان اتابک یوسف‌شاه لرستان. م ۶۷۹ در تبریز مدفون در آرامگاه شاعران تبریز.

○ تان ۱۷۴.

▣ **شریعتمداری ربانی** ← آرامگاه حاج‌میرزا ابراهیم.

▣ **شریعتی، دکتر علی** ـ دمشق عمال رژیم شاه وی را در خرداد ۱۳۵۶ به شهادت رساندند.

○ دو سال ۴۴.

▣ **شریف‌الدین عبدالقهار سمرقندی،** برادر کهتر عبدالرزاق، مؤلف مطلع السعدین، از شعرا و دانشمندان عصر خود بود. م ۸۶۹ در هرات، مدفون در مزار شیخ عبدالله بن عمر.

○ تان ۳۲۹.

▣ **شریف العلمای مازندرانی،** آخوند ملامحمد یا محمد شریف آملی از علمای طراز اوّل در سال ۱۲۴۵ در کربلا از طاعون مرد و همان‌جا به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۲۰۵/۵.

▣ **شریف کاشانی،** ملافتح‌الله فرزند شکرالله، معروفترین مفسر شیعی از شاگردان فخرالدین علی زواری معاصر با شاه طهماسب. م ۹۷۸، ۹۸۸ یا ۹۹۷ آرامگاهش در کاشان است. از وی آثار مهمی به‌جای مانده است.

○ تان ۳۷۴.

▣ **شش امامزاده،** در قم روستای سیف‌آباد، قاجاریه.

○ معماری ۷۹/۲.

▣ **شطیطه،** از زنان صالحه نیشابور، در عصر امام موسی‌بن جعفر(ع) در مغرب نیشابور.

○ آ خ ۳۷۴.

▣ **شعرا،** مقبرةالشعرا در سده ششم مجموعه‌ای از آرامگاههای بزرگان علم و ادب از جمله: اسدی طوسی، قطران تبریزی، خاقانی شروانی، مجیرالدین بیلقانی، ظهیرالدین فاریابی، شاهپور بن محمد، اثیرالدین اخسیکثی و عده‌ای دیگر. از جمله منابع دربارهٔ مقبرةالشعرا و کسانی که در آن به‌خاک سپرده شده‌اند: کوی سرخاب از دکترضیاءالدین سجادی. بنای یادبود پس از مقدمات بسیار و تأمین بودجه در سال ۱۳۵۳ خ آغاز شد.

○ کارنامه ۶۸۶ + آ ذ ۴۰۰.

▣ **شعیا،** امامزاده اسماعیل اصفهان در مشرق

خیابان هاتف روبه‌روی امامزاده جعفر، بنایی است از دوران اولیه اسلام با اضافاتی از عصر سلجوقیان که در عصر شاه عباس به‌کلی تغییر قیافه داده و به‌صورت امروز در آمده است، منسوب به‌اسماعیل فرزند حسن بن زید بن حسن(ع).

○ آ ص ۷۵۰

◻ **شفتی**، سید محمدباقر معروف به حجت‌الاسلام (۱۱۸۰ـ۱۲۶۰) متولد شفت گیلان که پس از تحصیل در عتبات و قم به‌اصفهان رفت و صاحب تمول و نفوذ فراوان شد وی خود معتقد به‌اجرای حدود شرعی در غیبت امام بود و به‌این روال ۱۲۰ نفر را کشت. شفتی مسجد بزرگ سید را در اصفهان ساخت که خود وی نیز در آن مدفون است.

○ آ ص ۷۹۲+ ل ۲۷۹۳ + ر ج ۳۶/۷۳+د ۱۴۸۰..

◻ **شفتی، سیداسدالله** فرزند ارشد سیدمحمد باقر که در سفر عتبات درکرمانشاه مرد. ۱۲۹۰ نجف.

○ ر ج ۱۱۶ + در آرامگاه شیخ مرتضی انصاری + نام گیل ۴۱.

◻ **شفق**، دکتر صادق رضازاده (۱۲۷۴ـ ۱۳۵۰ خ) دولتمرد و دانشمند معروف معاصر، استاد دانشگاه، همرزم ستارخان و مبارز مشروطه‌خواه، همکار و همسنگر باسکرویل معلم آمریکایی مدرسه آمریکایی تبریز که در همان نخستین ساعات روزی‌که به‌جنگ رفت، در جوار دکتر شفق تیر خورد و شهید شد. دکتر شفق تا آخر عمر لهجه شیرین تبریزی خود را حفظ کرد، روابطش با دوستان و آشنایان تبریزی تا آخر عمر برقرار و صمیمانه بود. شهرداری خانه وی را در یوسف‌آباد تهران خرید و مبدل به‌پارک کرد و به‌یاد استاد آن را پارک شفق و فرهنگسرای شفق نام داد، وی سخنرانی متنفذ و شیرین‌زبان و استاد من در دانشکده ادبیات بود. فوت ۱۷ شهریور ۱۳۵۰ بهشت‌زهرا.

○ ر ج ۱۰۶/۶ + آ ذ ۶۷۱ + روزشمار ۲۵۵/۲، ۱۸ شهریور + شرح حال و معرفی‌نامه راهنمای کتاب ۷ و ۸ سال ۱۴*

◻ **شقاقی**، سرهنگ حسنعلی، در سمیرم در سال ۱۳۲۲ خ که سیاستهای خارجی در ایلهای جنوب تحریکاتی صورت داده منطقه را ناآرام ساختند پادگان نظامی مستقر در سمیرم نیز تقویت شد فرماندهی این پادگان با سرهنگ شقاقی بود. سرهنگ شقاقی به‌عنوان اتمام حجت و آخرین سخن نامه‌ای به‌زکی فرهنگ رییس طایفه دره شوریٰ نوشت که در طی آن به صولت‌الدوله، که در زمان رضاشاه کشته شد، بدگویی شده بود، از قرار گفته سران قشقایی انتشار این نامه در بین مردم، سبب شد که همه از خرد و بزرگ و پیر و جوان مجهز شده خواهان انتقام و دفع اهانت شدند و در طی حملهٔ ناگهانی ستونهای مجهز عشایر به‌پادگان سمیرم، عده زیادی از نظامیان از جمله سرهنگ شقاقی‌کشته شدند. جنازه وی را آن چند نفر که مانده بودند به‌امامزاده سمیرم برده به‌خاک سپردند و روی گور وی این عبارت را نوشتند: مزار سرهنگ رشید ایرانی حسنعلی شقاقی، شهید راه انجام وظیفه. جمعه ۱۸ تیرماه ۱۳۲۲.

○ از شهریور ۴۸۹/۲.

◻ **شکیبی**، ملامحمدرضا فرزند خواجه عبدالله اصفهانی، در ۹۶۴ در اصفهان زاده و بزرگ شد سپس به‌هند رفت و به‌خدمت خان خانان

پیوست. وی در ۱۰۲۳ در دهلی مرد و با تجلیل و احترام به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۴۳.

▣ **شکیبی تبریزی**، مقصود علی تبریزی کوی سرخاب، آخرین شاعر مدفون در مقبرةالشعرای سرخاب. م ۹۷۱.

○ کوی سرخاب ۴۳۴.

▣ **شمس**، در اصطهبانات فارس، هنوز نمی‌دانیم مقصود از شمس کیست.

○ ا ق ۴۹۸.

▣ **شمس آل رسول**، مقبره‌ای ویرانه از سده نهم درآمل مازندران که بدان شمس طبرسی و شمس تبریزی نیز خطاب می‌کنند.

○ د ت ۴۳ + معماری ۸۲/۲.

▣ **شمس‌الدوله**، حمیدالدین فرزند علی هزار است که پسرش فیروزان در ۴۴۸ در ابرقو ساخته است با تصویر.

○ آثار ایران ۴۹/۱ گنبد علی.

▣ **شمس‌الدوله**، دختر عضدالدوله پسر فتحعلی‌شاه و خواهر عین‌الدوله و زن ناصرالدین شاه. عتبات.

○ رجال ناصری ۱۸.

▣ **شمس الدین**، در یزد سده ۱۵ م، با تزیینات داخلی بسیار زیبا.

○ آثار ۱ـ۶۷/۱.

▣ **شمس‌الدین** محمد بن احمدخفری، از دانشمندان نامی سده دهم و از شاگردان امیرصدرالدین محمد دشتکی، که نخست در شیراز بوده و سپس به‌کاشان رفته، آثار وی درباب حکمت و ریاضیات و هیئت و نجوم است و در ۲۸ صفر ۹۴۲ در کاشان مرده و به‌خاک سپرده شده است.

○ تا ن ۳۸۵.

▣ **شمس‌الدین** (محمد) خطاط، معروف به‌شیرین قلم درکوی سرخاب حوالی مزار خواجه عبدالرحیم. علی بیگ خطاط دخترزاده اوست. م ۹۳۰ چون در پای‌نوشته‌ها شمس‌الدین محمد حافظ می‌نوشته آن خطها را خط حافظ شیرازی می‌دانسته‌اند.

○ کوی سرخاب ۲۰۸.

▣ **شمس‌الدین سجاسی**، م ۶۰۲ مقبرةالشعرای تبریز، سجاس قصبه‌ای است در قیدار زنجان که در فتنه مغول خراب شد.

○ کوی سرخاب ۳۵۹.

▣ **شمس‌العرفا**، سیدحسین حسینی زاده شده ۱۲۸۸، از قطبهای بسیار مشهور، تهران م۱۳۵۳، امامزاده عبدالله، شهر ری.

○ ز ۱۰۱/۳.

▣ **شمس‌العلما گرکانی**، دانشمند و نویسنده م ۱۳۴۵، ابن بابویه.

○ یا ق ۱۹۶/۸.

▣ **شمس تبریزی**، شمس‌الدین محمدبن علی بن ملک‌داد (۵۸۲ـ۶۴۵) صوفی معروف که بامداد روز شنبه ۲۶ جمادی آخر ۶۴۲ وارد قونیه شد و جلال‌الدین به‌زیارت وی نایل آمد و از آن به‌بعد جلال‌الدین رومی شخصیت عرفانی خود را بازیافت و مردم قونیه که از این تغییر ناگهانی استاد ناراضی بودند، با بدگویی و آزار شمس را فراری دادند. غیبت وی از سال ۶۴۵ آغاز شد و از آرامگاه وی خبری نداریم جز چند مکان منسوب به‌وی. روایتی نیز هست که وی را کشته و اصلاً به‌خاک نسپاردند.

○ د ۱۴۹۶.

▣ **شمس تبریزی**، شمس‌الدین، ۱۲۷۰م ملتان هند.

○ معماری هند ۲۳ تصویر ۲۳ ب منسوب به‌شمس تبریزی.

▣ **شمس طبرسی** ← آرامگاه شمس آل رسول.

▣ **شمس قیس رازی**، شمس‌الدین محمد پسر قیس از ادیبان بزرگ نیمه اوّل قرن هفتم، مؤلف‌المعجم فی معاییر اشعارالعجم که پس از تحمّل مشقات عصر مغول در شیراز مقیم شده و در آن شهر مرده و به‌خاک سپرده شد.

○ تا غ ۵۱۹.

▣ **شنب غازان**، یا شام غازان ← آرامگاه سلطان محمود غازان.

▣ **شنب غازان**، تاریخچه ـ دانشکده ادبیات تبریز ۸۱/۲.

○ فم ۳۵۵.

▣ **شوریده شیرازی**، ملقب به‌مجدالشعرا و فصیح‌الملک (۱۲۷۴ـ۱۳۴۵)، فرزند عباس که مانند وی خود نیز شاعر بوده با تخلص عباس. وی در کودکی به‌بیماری آبله دچار و نابینا شد ولی به‌تحصیل ادامه داد و شاعری نامور شد. وی به‌تهران رفت و به‌امین‌السلطان و ناصرالدین‌شاه معرفی شد، و مقاماتی یافت از جمله تولیت سعدیه. شوریده خوش‌آواز بوده و آثاری از وی چاپ شده است. آرامگاهش جنب سعدیه در شیراز.

○ ف ۲۱ + ا ق ۵۱ + د ۱۵۰۳.

▣ **شوشتری، قاضی نورالله** ← آرامگاه قاضی نورالله.

▣ **شوقی افندی**، ملقب به‌ربانی (۱۳۱۴ـ۱۲۷۷)، آخرین رییس بهاییان و نواده دختری عباس افندی تحصیل کرده آکسفورد. در حیفا مرد و در عکا به‌خاک سپرده شد. پدرش آقا میرزاهادی و مادرش ضیاییه خانم دخترعباس افندی اثر وی به‌فارسی کتاب لوح قرن است.

○ د ۱۵۰۶.

▣ **شوقی یزدی**، خوشنویس. م ۹۵۴ در کابل به‌خاک سپرده شده است.

○ خوش ۳۱۸.

▣ **شهاب‌الدین**، ابوعبدالله محمد بن علی، م ۵۳۸ سنگ قبر با نوشته‌ها در موزه سیاتل امریکا.

○ ی ۹۱۳ و تصویر ۱۳۰۹.

▣ **شهاب‌الدین اهری**، در اهر اوایل صفویه.

○ معماری ۱۳۳/۱۲۲/۸۳ آ ذ ۴۰۹/۲.

▣ **شهاب‌الدین توران پشتی**، ابوعبدالله پسر تاج‌الدین. توران پشت از توابع یزد. از دانشمندان و فقیهان بزرگ قرن هفتم که به‌خواهش ترکان خاتون به‌کرمان رفت و در ۶۶۱ در آنجا مرد و به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۱۵۳.

▣ **شهاب‌الدین سهروردی** ← آرامگاه سهروردی.

▣ **شهاب مقتول** ← آرامگاه سهروردی شیخ شهاب‌الدین.

▣ **شهبازخان**، پسر مرتضی قلی خان دنبلی از دولتمردان عصر کریم خان زند، که ابتدا با نیروی تحت اختیارش، در خدمت فتحعلی‌خان بود اما در جنگ میان فتعلیخان و کریم‌خان به‌دست نیروهای کریم‌خان اسیر و کریم‌خان او را به‌زکی خان سپرد و وی تا آخر عمر نسبت به‌کریم خان وفادار ماند و تا اواخر عمر در خدمت کریم خان در شیراز بسر برد. وی در سال ۱۱۸۷ در شیراز

جان سپرد و پیکرش را به‌نجف برده به‌خاک سپردند.

○ ر ج ۱۲/۵.

▣ **شهدا**، بقعهٔ سلطان ابراهیم در چهارده کیلومتری جنوب غربی ده بید، بنای ساخته شده با سنگ سفید و کاشیهای معرق و مقرنسهای عالی با کتیبه بدون تاریخ احتمالاً از بناهای عصر تیموریان در قرن نهم، پادشاهان آق‌قویونلو.

○ ا ق ۷.

▣ **شهدای کربلا**، عده‌ای میان ۷۲ تا ۶۰۰ نفر در زاویه جنوب شرقی حرم حضرت امام حسین(ع) ضریح آن را وهابیان سوزاندند. در ۱۲۳۰ ضریحی از برنج برای این آرامگاه ساخته شده که در عصر ناصری با ضریح نقره‌ای که انیس‌الدوله همسر ناصرالدین شاه اهدا کرده بود معاوضه شد.

○ ت همایی.

▣ **شهربانو** ← آرامگاه بی‌بی شهربانو.

▣ **شهرستان**، درکنارزاینده‌رود، پهلوی‌پل شهرستان بنایی ازعصر متأخر سلجوقی.

○ هنر ۳۳۴/۸.

▣ **شهرستانی**، آیت‌الله هبت‌الدین م ۱۳۰۵ کاظمین.

○ گنجینه ۲۶۰

▣ **شهرستانی شافعی اشعری**، ابوالفتح محمد فرزند ابوالقاسم‌زاده شده در نسا سال ۴۶۷ صاحب‌الملل والنحل. م ۵۴۸ در نسا شهرستان، آبادی در نزدیک نسا.

○ تا ن ۱۲۶ + پسر عبدالکریم محمد. د ۱۵۱۳.

▣ **شهریار باوندی** ← آرامگاه لاجیم، برج لاجیم.

▣ **شهریار، زین‌الدین**، سنگ قبر وی در بقعه سیدمحمدامین‌الدین در کنارهٔ شمالی شهر شیراز وجود دارد و مربوط است به‌سال ۶۴۱.

○ ا ق ۱۷ و ۳۹۰.

▣ **شهشهان**، شاه شاهان ← آرامگاه شاه علاءالدین.

▣ **شهشهان و اسناد آن**، سالنامه کشور ایران ۶۱/۱۲ از سیدحسین شهشهانی.

○ فم ۳۵۸.

▣ **شهشهانی**، سیدمحمد از عالمان اصفهان. م ۱۲۸۷، اصفهان تخت فولاد تکیه شهشهانی.

○ ل ۲۷۹۸.

▣ **شهید آقاعلی نراقی**، کاشان مدرسهٔ آقابزرگ، این روحانی مبارز را عمال نایب حسین کاشی با همکاری عین‌الدوله صدراعظم درخانهٔ شجاع لشکر پسر نایب حسین کشته جسدش را نزد نایب حسین به‌مزرعهٔ دوک بردند و وی آن را به‌چاه انداخت. مدّتی پس از ختم غائله نایب‌حسین بدن این روحانی آزادیخواه را به‌کاشان منتقل ساختند ۱۳۳۱.

○ کاشان ۳۱۱.

▣ **شهیدان**، شهیدگاه، حیاط مقابر. آرامگاه شهیدان جنگ میان شیخ حیدر پدر شاه اسماعیل وفرخ‌سیر شیروان‌شاه، دراین جنگ عده‌ای از یاران حیدر شهید شدند. بعد از چند سال که شاه اسماعیل بر فرخ سیر پیروز شد، بدن این شهیدان را به‌محوطه‌ای در کنار آرامگاه شیخ صفی‌الدین منتقل کردند سال ۹۰۵.

○ آ ذ ۱۸۵.

▣ **شهیدان مشروطیت**، وقتی محمدعلی‌شاه در باغشاه رهبران مشروطیت را قتل‌عام کرد، بدن عده‌ای از این شهدا را در بیرون باغشاه در گودالی انداختند، ولی آزادمردان شجاع شبانه این

اندامهای ازهم گسسته را جمع‌آوری و در محلی گمنام دفن کردند. پس از فتح تهران در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ مردم تهران این محل را گلباران کردند و آرامگاه شهدا نامیدند، سنگ بزرگی بر روی قبر ملک‌المتکلّمین گذاشتند که رویش آیهٔ «ولاتَحسَبَنَّ‌الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ‌اللهِ أَمْوَاتَاً بَلْ أَحْیَاء عِنْد رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ» و نوشته شده بود سالها بعد مجسمهٔ ملک را در میدان حسن‌آباد نصب کردند که آن را هم عمال محمد رضاشاه پهلوی برداشتند.

○ تا ق ۱۲۴۴.

▣ **شهیدان انقلاب اسلامی**، و جنگ تحمیلی (۱۳۵۷ـ۱۳۶۷) یک دوران ده ساله، پیش از انقلاب برای شهیدان انقلاب قبرستان و مکان مشخصی وجود نداشت و کوشش می‌شد که بدن این قربانیان ایران و اسلام را در بهشت‌زهرا به‌خاک بسپارند اما پس از شروع و شکوفایی انقلاب در تهران بهشت‌زهرا قطعه خاص شهیدان مشخص شد و در شهرستانها نیز در سراسر کشور از شهر و ده و دهکده آرامگاه شهیدان مشخص شد و مسئولیت آن برعهده بنیاد شهید قرار گرفت.*

▣ **شهید اول**، شیخ ابوعبدالله محمدبن مکی عاملی (۷۳۴ـ۷۸۶)، با لقبهای شهید و شیخ شهید که بعد از علامه حلی مشهورترین فقهیان امامیه است. زن و دخترش نیز در مسائل مربوط به‌زنان متبحر بوده‌اند. شهید اول در فقه اهل سنت نیز استاد بود و در تمام جهان اسلام سیاحت کرده بود. سرانجام او را به‌خاطر عقیده زندانی کردند و چون حاضرنشد توبه‌کندبه‌حکم قاضی مالکی شام کشته شد جسدش را سنگسار و سپس سوزاندند.

○ د ۱۵۱۹.

▣ **شهیدای قمی، مولانا**، ملک‌الشعرای سلطان یعقوب آق‌قویونلو که سرانجام به‌هند رفته و به خدمت اسماعیل عادلشاه رسیده و تا آخر عمر در آن دیار بود و در صدسالگی سنه ۹۳۵ یا ۹۳۶ درگذشته و در سرگنج گجرات به‌خاک سپرده شده است.

○ تا ن ۳۳۷.

▣ **شهید ثانی**، زین‌الدین فرزند نورالدین علی جبل عاملی فقیه بزرگ شیعی (۹۱۱ـ۹۶۶) در ۹۶۵ قاضی صیدا او را مورد تعقیب قرار داد و بدعت‌گذاری وی را به‌سلطان سلیم اطلاع داد. از سوی سلطان عثمانی رستم پاشا مأمور دستگیری وی شد رستم پاشا آن فقیه دانشمند را با خود به‌استانبول برد و در آنجا وی را شهید کرده در تنگهٔ بسفر انداختند از آثار مهم وی کتاب مالک و شرح لُمعه را می‌توان نام برد.

○ د ۱۵۱۹ + فک مؤلفان ۲/۲۵۵.

▣ **شهید ثالث** ← آرامگاه قاضی نورالله شوشتری.

▣ **شهید ثالث** ← آرامگاه برغانی ملامحمدتقی.

▣ **شهید سیدحسین مدرس** ← آرامگاه مدرس.

▣ **شهید سیدحسین**، از شهدای اوّلیه مشروطیت به‌دستور امیر بهادر جسدش را از گور درآوردند و به‌مزبله انداختند.

○ تا ق ۳۷۲.

▣ **شیبانی فتح‌الله خان** ← آرامگاه فتح‌الله خان شیبانی.

▣ **شیبک خان ازبک**، ابوالفتح محمد شیبانی مؤسس سلسله شیبانی ازبکان در ماوراءالنهر. آغاز شاهی ۹۰۶ رقیب و معاند با پادشاهان

صفوی و بابریان هند که در شاعری فارسی و ترکی گامهای مهمی برداشته و آثاری برجای گذاشته است وی در جنگ با شاه اسماعیل مغلوب و کشته و در مدرسه‌ای که چندماه پیش از مرگ در سمرقند ساخته بود دفن شد که تا فرزندانش سلطنت داشتند زیارتگاه بود.

○ تا ن ۶۸۰.

▣ **شیخ، دکتر محمد** ← آرامگاه احیاءالملک.

▣ **شیخ آقابزرگ تهرانی**، محسن، نجف در کتابخانهٔ خود وی ۱۳۸۹.

○ د ب ۴۵۶ + ز ۳۱۷/۲ + ت احمد منزوی.

▣ **شیخ اباذر**، بین نورآباد و فهلیان امامزاده درب آهنین.

○ ا ق ۱۳۲.

▣ **شیخ اباصلت**، بقعه شیخ اباصلت قم کنار دروازهٔ ری در شمال شرقی شهر قرن ۱۲ و ۱۳.

○ معماری ۷۸/۲.

▣ **شیخ ابراهیم**، فرزند شیخ عبدالله زاهد گیلانی، عم شیخ محمدعلی‌حزین شاعر و خوشنویس. م ۱۱۱۹ در لاهیجان و مدفون در آن شهر.

○ خوش ۸.

▣ **شیخ ابواسحاق**، ابراهیم فیروزآبادی، م ۴۷۹ بغداد نزدیک امام‌الحرمین معروف به‌مزار درب خلج.

○ شیرازنامه ۱۰۷.

▣ **شیخ ابواسحاق بن ابراهیم**، ابن شهریار کازرونی (۴۲۶-۳۵۲) فوت در کازرون در خانقاه خود وی معروف به‌ایوان مرشدیه.

○ ا ق ۳۹۰ + آغاز نوسازی آرامگاه ۱۳۵۱ خ + کارنامه ۶۷۱.

▣ **شیخ ابواسحاق اصفهانی**، در مقابل یکی از دربهای مسجد جامع اصفهان.

○ ل ۲۷۹۵.

▣ **شیخ ابواسحاق شیرازی**، ابواسحاق احمد معروف به‌شیخ اطعمه، از بزرگان شعرای زمان و از معاریف شیراز بوده است‌حرفه اصلی او حلاجی و اشعارش درباره خوراکیهاست، م ۸۳۰ یا ۸۳۷ مزارش در تکیه چهل‌تنان شیراز است.

○ تا ن ۲۹۶.

▣ **شیخ ابوالحسن جوری**، بسطام قلعهٔ نو، بنای آجری با گنبد اصلی از قرن پنجم. جوربین میرعلم و فریومد خراسان.

○ جغ ۷۵۸ + س ۱۲۷.

▣ **شیخ ابوالحسن خرقانی**، علی بن جعفر از اکابر مشایخ طریقت، متولد ۳۴۸ در خرقان از توابع بسطام، ۲۴ کیلومتری شمال شاهرود ابتدا خرکچی بود و بعدها در اثر ریاضت به‌مقام شیخوخیت رسید، معاصر با ابوسعید ابوالخیر. به‌ملاقات وی با سلطان محمود غزنوی هم اشاره شده است، از شیخ ابوالحسن چند رباعی برجای مانده است و گفته‌های وی در کتاب نورالعلوم گردآوری شده بوده است که استاد مینوی آن را معرفی و تصحیح و به‌چاپ رسانده است. چون بنای آرامگاه وضع ناهنجاری داشت، انجمن آثار ملی از سال ۱۳۳۹ به‌بازسازی و تعمیر بقعه و مسجد پرداخت و سه اطاق نیز با وسایل به‌عنوان مهمانسرا در کنار آرامگاه ساخته شد. این مجموعه روز پنجشنبه چهارم مرداد ۱۳۵۲ رسماً گشایش یافت.

○ کارنامه ۵۶۷ + در ۴۰ کیلومتری شمال شاهرود با محراب از عصر سلجوقیان جغ ۷۵۸ + بنای سلجوقی، تا ن ۵۷ + در قلعه نو بسطام، دس ۱۲۸

+ معماری ۹۶ + تا ن ۵۷.

◙ **شیخ ابوالقاسم**، در نصرآباد اصفهان مورخ ۵۵۴.

○ معماری ۹۱/۲.

◙ **شیخ ابوالقاسم**، در تربت حیدریه، قرن دهم.

○ معماری ۸۹/۲.

◙ **شیخ ابوبکر ارموی**، قرن چهارم، در قبرستان عمومی ارومیه که فقط سنگ آن برجای مانده است.

○ ر ۲۳۳ + به‌احتمال قوی ابوبکر رازی.

◙ **شیخ ابوبکر رازی**، قرن چهارم، ارومیه قبرستان شیخ‌ابوبکر.

○ ری ۲۴۳.

◙ **شیخ ابوجعفر**، که برمبنای کتیبه ضریح: سیدابوجعفر پسرعم پیامبر(ص) و برادر رضاعی حضرت امام حسین(ع)، مزارش تا ۱۳۰۴خ در رشت وجود داشته. در این سال نوسازی و سرانجام مبدّل به‌باغ ملّی شده است.

○ تا م گیل ۱۹.

◙ **شیخ ابوریحان**، معروف به‌شیخ مرشد. در گنج‌آباد قارون کازرون.

○ا ق ۱۱۱.

◙ **شیخ ابوسعید ابوالخیر** ← آرامگاه ابوسعید ابوالخیر.

◙ **شیخ ابوسعید اردبیلی**، در کوچه معصوم شاه اردبیل، وی از مرشدان شیخ صفی‌الدین بوده است.

○ آ ذ ۲۳۸/۲.

◙ **شیخ ابوسعید رازی**، اصفهان. آب‌بخشان.

○ آ ص ۱۲۴.

◙ **شیخ ابوشجاع**، حسین بن منصور، م ۳۵۱، شیراز مقبره خفیف در مزاری معروف به‌مزار شیخ منصور بن علی که رفیق او بود.

○ شیرازنامه ۱۰۵.

◙ **شیخ ابوعلی**، احمدبن اسحاق قمی، محدث از صحابهٔ امام حسن عسکری(ع) سرپل زهاب.

○ جغ ۴۰۸.

◙ **(مزار) شیخ ابومنصور**، تریدی در سمرقند مقام جاکردنره.

○ سمریه ۱۷۶.

◙ **شیخ ابونصر زاهد** ← آرامگاه ابونصر زاهد.

◙ **شیخ ابی عبدالله مقاریضی**، م ۴۱۰ مسجدی در کنار مقبره باهلیان بر گذر درب کازرون شیراز.

○ شیرازنامه ۱۰۱.

◙ **شیخ اجل استاد**، سخن سعدی انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۳۰.

○ فک ۵۹.

◙ **شیخ احمد**، فرزند اسحاق، طبس.

○ جغ ۶۳۱.

◙ **شیخ احمد احسایی**، مدینه.

○ دان ۱۲۰۲.

◙ **شیخ احمد جامی** ← آرامگاه احمد ژنده‌پیل.

◙ **شیخ احمد خندان**، درگلبرگه دکن با قدیمترین کتیبه فارسی در هند.

○ ۵۸۷ ج در شهر بدایون که توسط یک سردار ترک به‌نام تیکین ساخته شده تیکین در ۶۸۱ به‌امر غیاث‌الدین بلبن به‌دار آویخته شد. نقش پارسی ۱۸ با تصویر کتیبه در این مرجع دومین کتیبه فارسی در شبه قاره.

◙ **شیخ احمد روحی**، نویسنده مبارز و شهید راه آزادی و مشروطیت در ایران:

شیخ احمد روحی، حاج میرزا حسن خان خبیرالملک و میرزا آقا خان کرمانی سه تن از

نویسندگان آزادیخواه طرفدار سید جمال‌الدین، متهم بودند که در قتل ناصرالدین شاه دست داشته‌اند... در آغاز سلطنت مظفرالدین شاه که حکمرانی آذربایجان به‌میرزاعلی خان امین‌الدوله واگذار شد و امین‌السلطان که می‌ترسید امین‌الدوله از قتل این سه تن، که دولت عثمانی تازه به‌ایران تحویل داده بود، خودداری کند به‌محمدعلی اطلاع داد که در قتل این سه نفر تسریع کند. محمدعلی با میرغضب به‌بالین ایشان رفت و پس از استنطاق بسیار فحاشی کرد، شیخ احمد که تندمزاج بود جواب داد و هنگامی که میرغضب خواست ایشان را بکشد یکی پس از دیگری به‌وی سوگند می‌دادند که اول مرا بکش... میرغضب پس از مدتی این‌سو وآن‌سو رفتن سرانجام اول شیخ‌احمد بعد میرزاآقا خان وبعد خبیرالملک را کشت و به‌موجب حکم امین‌السلطان همان شب پوست سرها را کنده پر از کاه (در متن یک‌جا آرد) کرده به‌تهران فرستادند. روز بعد میرزا صالح وزیر اکرم نایب‌الحکومه بدنهای این سه تن را در گورستان امیر حمزه تبریز به‌خاک سپرد.

○ تا بیداری ۱۳.

▣ **شیخ احمد ژنده پیل** ← آرامگاه احمد ژنده پیل، آرامگاه شیخ جام، شیخ احمدجامی.

▣ **شیخ احمد فهادان**، و برادرش محمّد بنایی از قرن هشتم، یزدمحله فهادان.

○ ص ۳۴۶ + معماری ۹۲/۲.

▣ **شیخ احمد نساج**، فرزند حسین، م ۳۴۰ شیراز در جوار شهید امکلثوم.

○ شیرازنامه ۱۰۴.

▣ **شیخ اسحاق**، بقعه شیخ اسحاق در روستای خانقاه خانم رود هریس.

○ آ ذ ۶۳۶.

▣ **شیخ اسحاق مراغی**، از اولیا بوده و مزارش بالای سرمزار شمس‌الدین محمدخطاط است. م ۸۰۵ عصر سلطنت احمد بن شیخ اویس جلایر.

○ کوی سرخاب ۲۱۰.

▣ **شیخ اسماعیل**، در شهر دزفول، بقعه شیخ اسماعیل قصری، در بازار کهنه با گنبدی به‌شکل گلابی، این بنا دارای کتیبه‌ای است حاوی اشعار فارسی که بنا را از عصر شاه عباس ثانی معرفی می‌کند.

○ د ش ۳۸۵ و ۷۴۱.

▣ **شیخ اسماعیل**، مزار شیخ اسماعیل از عارفان سده‌های هفتم و هشتم.

○ آ ذ ۵۲۷.

▣ **شیخ اسماعیل قصری**، در شوشتر، آرمگاه شیخ اسماعیل قصری در دزفول.

▣ **شیخ اشراق** ← آرامگاه سهروردی، شیخ شهاب‌الدین.

▣ **شیخ‌اطعمه** ←شیخ‌ابواسحاق‌شیرازی.

▣ **شیخ اقطع**، یا پیر بناب در کوهسار جنوبی شیراز.

○ اق ۸۱.

▣ **شیخ اکبر زرین کلاه**، در دزفول کنار رودخانه نزدیک محل پل جدید با گنبد مضرس و کاشیکاری، تصویر.

○ د ش ۳۹۱.

▣ **شیخ‌الاسلام تبریز**، میرزا محمود از سادات طباطبایی تبریز (۱۲۴۰-۱۳۱۰) فرزند میرزا علی‌اصغر در تبریز زاده شد و در مکه فوت کرد و در آنجا به‌خاک سپرده شد.

○ ت محیط.

▣ **شیخ‌الاسلام جام** ← آرامگاه احمد ژنده پیل.

▣ **شیخ‌الاسلام زنجانی**، حاج میرزا ابوعبدالله، استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران، م ۱۳۶۰ زنجان.

○ فک مؤلفان ۱۸۸.

▣ **شیخ‌الرییس، ابوالحسن**، (۱۲۶۴ـ۱۳۳۸) فرزند محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه پسر هشتم فتحعلی‌شاه شاعر و ادیب و دانش‌پژوه جسور وآزادیخواه‌که دشمنان فراوانی داشت. متخلص به‌حیرت قاجار و ملقب به‌افسر، وقتی با عبدالوهاب خان آصف‌الدوله درافتاد، چون وی حکمران خراسان بود به‌ناچار از خراسان به‌عشق‌آباد گریخت و غزلی سروده برای شاه فرستاد که استقبالی بود از غزل حافظ عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت حاوی این دو بیت:

«نایب‌السلطنه پرگو به‌شه نیک سرشت
که‌یکی‌زاهل خراسان، به‌تو این‌نامه نوشت
آصف و ملک خراسان به‌تو ارزانی باد
ما ره عشق گرفتیم چه مسجد چه کنشت»

و شاه در پاسخ به‌وی نوشت:

«نایب‌السلطنه برگو به‌خراسانی زشت
که شهنشاه جواب تو بدین‌نامه نوشت
آصف ارنیک و اگر بدتو برو خود را باش
هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت»

شیخ‌الرییس وصیت کرده بود که در مشهد به‌خاک سپرده شود اما به‌واسطه مخالفت آقازاده فرزند آخوند خراسانی وی را در تهران شهر ری ایوان مقبره ناصرالدین‌شاه به‌خاک سپردند. دهم فروردین ۱۲۹۹.

○ ر ج ۴۲ + ایران در جنگ ۲۴۴ + رهبر ۵۸۷ حیرت قاجار تا ضف ۲۰۱ + د ۱۵۲.

▣ **شیخ الطایفه** ← ابوجعفر طوسی ← آرامگاه شیخ طوسی.

▣ **شیخ امیر مسعود**، سردر خانقاه مسعودیه، این سردر خراب شده و فقط قسمتی از آن با کاشیهای معرق آن مانده که بسیار زیبا و شبیه است به‌سردرهارون ولایت. در کتیبه بنا نام بانی بنا سلطان یعقوب آق قویونلو پسر اوزون حسن و تاریخ بنا ۸۹۵ و هنرمند خطنویس کمال‌الدین یزدی آمده است.

○ آثار ایران ۲/۲۴۲.

▣ **شیخ امین‌الدین بلیانی**، از عرفای بزرگ برادرزادهٔ شیخ اوحدالدین که در خانقاه خود در دامان کوهی در شمال کازرون وفات یافت و در همان‌جا مدفون شد ۷۴۵.

○ ا ق ۳۹۲.

▣ **شیخ امین‌الدین جبرئیل**، پدر شیخ صفی‌الدین در آبادی کلخوران در حیاط آن آرامگاه هفت برادران.

○ آ ذ ۲/۱۹۲.

▣ **شیخ امین‌الدین و شیخ زین‌الدین**، بلیانی به‌شکل ویرانه درپای کوه شمال کازرون.

○ ا ق ۱۱۱.

▣ **شیخانه‌ور** ← آرامگاه شیخ زاهد گیلانی.

▣ **شیخانه ور**، گنبد شیخانه ور از احمد کسروی، چهل مقاله.

○ فم ۳۶۷.

▣ **شیخ اوحدالدین عبدالله بلیانی**، بلیان در کازرون معروف است که شیخ صفی‌الدین در کازرون حضور این عارف ربانی رسیده است وفات ۶۸۳.

○ ا ق ۳۹۱.

▣ **شیخ برخ**، در قشم قریه کوشه قرن ۸.

○ معماری ۹۷/۲.

▣ **شیخ بهاءالدین سمنانی**، در جوار خانقاه وی در صفی‌آباد در هجده کیلومتری سمنان، بنایی از قرن هفتم.

○ معماری ایلخانی ۱۷۰.

▣ **شیخ بهاءالدین عاملی** ← آرامگاه شیخ بهایی.

▣ **شیخ بهاءالدین یعقوب تبریزی**، استاد شیخ محمود شبستری، تبریز شبستر.

○ جغ ۱۹۰ + آذ ۵۲۰.

▣ **شیخ بهائی**، یا بهاءالدین عاملی، محمدبن عزالدین حسین اهل جبل عامل از علمای دین و از دانشمندان به‌نام عصر صفوی (۹۵۳-۱۰۳۱) یا ۱۰۳۱ در کودکی از بعلبک همراه پدرش به‌ایران آمد و در ایران تحصیل کرد. از سوی شاه عباس جانشین شیخ علی منشار متصدی امور شرعی اصفهان شد. وی دوبار به‌حج و یکبار همراه شاه عباس به‌مشهد رفت. در شهرهای دیگر نیز سیاحت کرد از جمله شهرهای شام و فلسطین و مصر، در اصفهان درگذشت وی را در محوطه‌ای میان مسجد گوهرشاد در صحن جدید رضوی در مشهد به‌خاک سپردند. شیخ بهائی یک دانشمند زیرک و دانا بود و از علم خود کمال استفاده را کرد و حتی در اذهان عامه عملیات علمی باورنکردنی به‌وی نسبت داده می‌شود، از وی آثار مهمی برجای مانده که معروفترین آن کشکول است، حاوی مطالب علمی به‌فارسی و عربی و خلاصة‌الحساب که مدتها کتاب درسی بوده و بارها به‌چاپ رسیده است.

○ د ۱۵۲۳ + آ ص ۲۲۳.

▣ **شیخ تاج‌الدین**، بقعه شیخ تاج‌الدین محمود خیوی (منسوب به‌خیاو، مشگین شهر کنونی در آذربایجان) با کتیبه مورخ ۷۳۲ در لمبر محلّه آستارا.

○ معماری ۸۱/۲ + معماری ایلخانی ۱۴۰ + آس ۱۱.

▣ **شیخ جام** ← آرامگاه احمد ژنده پیل، آرامگاه شیخ احمد جامی. شیخ جام.

▣ **شیخ جبرئیل**، در کلخوران اردبیل.

○ آثار ایران ۱۱۷/۳.

▣ **شیخ جعفر**، ابن‌حسین شوشتری از فقهای درجه اوّل فوت در ۱۳۰۲ در کرند، مدفون در نجف صحن مطّهر طرف بالاسر.

○ فک مؤلفان ۳۱۰/۲.

▣ **شیخ جمال‌الدین**، در روستای لنگرود قم، قرن اخیر.

○ معماری ۷۹/۲.

▣ **شیخ جمال‌الدین علی حمزه**، پسر علی ملک هاشمی آذری طوسی بیهقی اسفراینی مروزی، از شاعران بزرگ سده نهم در آذر ۷۸۴ زاده شد که ابتدا درباری بود و در خدمت شاهرخ بسر می‌برد اما از سوی دیگر وارد درگاه صوفیان گردید و به‌هند رفت و پس از بازگشت در اسفراین مرد و به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۲۹۳.

▣ **شیخ جنید بغدادی**، ابوالقاسم ملقب به‌سیدالطایفه صوفی معروف اصلش از نهاوند که سی بار پیاده به‌حج رفت، در بغداد مرد و به‌خاک رفت.

○ د ۷۶۷.

▣ **شیخ جنید یا سلطان جنید**، نواده شیخ

صفی‌الدین اردبیلی و پدر سلطان حیدر و پسر سلطان ابراهیم و جانشین وی از ۸۵۱ در اردبیل. وی را جهانشاه قراقویونلو به‌دیار بکر تبعید کرد و وی در آنجا با خواهر اوزون حسن ازدواج نمود و سرانجام در جنگ با شروانشاه خلیل بن سلطان ابراهیم کشته و در مجموعه شیخ صفی‌الدین به‌خاک سپرده شد.

○ د ۱۳۲۴ + آ ذ ۸۵.

◘ **شیخ جنید** در شیراز محله سردزک.

○ معماری ۲/۸۶.

◘ **شیخ جنید** در یزد، توران پشت از قرن ۶ و ۷.

○ معماری ۲/۹۳ آثار ۳/۱۲۴.

◘ **شیخ حُرعاملی**، در مشهد رضوی صحن عتیق سمت شمال چند حجره مانده به‌در مدرسه جعفریه در ضریح کوچکی در دیوار یکی از غرفه‌ها. قبر در داخل مدرسه در یک زیرزمین.

○ د س ۸۲۱.

◘ **شیخ حیدر**، تربت حیدریه ـ روستای کدکن قرن دهم.

○ معماری ۲/۸۹.

◘ **شیخ حیدر صفوی** ← آرامگاه سلطان حیدر.

◘ **شیخ خرقانی** ← آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی.

◘ **شیخ خزعل**، در امامزاده عبدالله شهر ری، در شب چهارم خرداد ۱۳۱۵ چند نفر از عوامل رکن‌الدین مختاری رییس نظمیه طهران به‌منزل او در تهران رفته آن پیرمرد ۷۵ ساله را خفه کردند. بازماندگان آن مرحوم جسد او را در امامزاده عبدالله نزدیک حضرت عبدالعظیم به‌امانت گذاشتند. نقل از وفیات معاصرین محمد قزوینی.

○ تلاش ۴۲۴ + ملقب به‌معزالسلطنه و سردار اقدس، جنازه را دفن کردند + یا ق ۱۷۵/۸ + ر ج ۴۷۶

◘ **شیخ دادا**، متوفی سال ۷۰۰. یزد محلهٔ شیخ دادا. تقی‌الدین دادا محمد. م ۷۰۰ از عارفان بزرگ یزد.

○ ی ۳۵۰.

◘ **شیخ داعی‌الله**، در شیراز گورستان دارالسلم، قرن اخیر.

○ معماری ۲/۸۶.

◘ **شیخ داوود**، مزار شیخ داوود در ابرقو ـ نصرآباد مورخ ۸۲۵.

○ معماری ۲/۹۳.

◘ **شیخ داوود بته‌مالو**، م ۱۰۷۹ عارفی بدون سواد کافی اما با سیرت پاکیزه و فضایل انسانی و خوشنویس معروف. ملامحسن شیرین قلم از شاگردان وی بوده. امروزه آرامگاه وی در محله بته‌مالو در سری‌نگر زیارتگاه مسلمانان است.

○ هنر و مردم ۷۸/ اسفند ۱۳۵۰.

◘ **شیخ دولت** بن ابراهیم، از نوادگان مالک اشتر نخعی شهید در شیراز و مدفون در آن شهر.

○ بافت ۳۳.

◘ **شیخ رضی‌الدین علی**، فرزند سعید لالاغزنوی، شاید پسرزاده سنائی غزنوی. به‌قولی مدفون در اسفراین اما قول صحیح آن است که وی را در ۳ ربیع الاول ۶۴۲ در روضه‌ای در غزنین که محمود ساخت به‌خاک سپردند وی در شعر پارسی استاد بوده است.

○ تا ن ۷۴۶.

◘ **شیخ رکن‌الدین سمنانی**، در اصل بیابانکی. م ۷۳۶ سمنان مدفون در خانقاه خود در سمنان.

○ بحث حافظ ۲۳۴.

▣ **شیخ روزبهان بقلی** ← آرامگاه روزبهان ابومحمد بقلی.

▣ **شیخ زاهد**، ابوبکر هبت‌الله بن حسن معروف به‌علاف م ۴۰۸ در شیراز، مزار شیخ حسن کیا، درب اصطخر.

○ شیراز ۱۱۲.

▣ **شیخ زاهد گیلانی**، تاج‌الدین ابراهیم (۶۱۵ـ۷۱۱). در دهکده شیخانور لاهیجان، سه‌راه لاهیجان به‌لنگرود سمت جنوب جاده، کتیبه صندوق مورخ ۷۱۱. وی پدرزن و مرشد شیخ صفی‌الدین اردبیلی بوده است.

○ آ س ۱۴۸/۲ + معماری ۸۲/۲.

▣ **شیخ زاهد گیلانی در شیخانور**.

○ فم ۱۵۳.

▣ **شیخ زاهد گیلانی کجاست**، سیداحمد موسوی.

○ فم ۱۳۶/۴.

▣ **شیخ زین‌الدین**، ← شیخ امین‌الدین بلیانی، کازرون.

○ ا ق ۱۱.

▣ **شیخ زین‌الدین ابوبکر خوافی**، از عارفان بزرگ سده‌های ۸ و ۹ دانشمندی منزوی و خاموش که در سال ۸۳۳ یا ۸۳۴ یا ۸۳۸ به‌طاعون درگذشت، ابتدا در راور قصبه بالین، سپس درویش آباد نزدیک عیدگاه هرات به‌خاک سپردند.

○ تا ن ۲۶۴.

▣ **شیخ زین‌الدین** علی در یزد ـ روستای ندوشن در ۹۷۷.

○ معماری ۹۳/۳.

▣ **شیخ سعد** اصفهانی در اصفهان.

○ آثار ایران ۱۰۴/۳.

▣ **شیخ سلطان احمد**، بقعه شیخ سلطان احمد در بلده میانرود بالای نور با گنبدی بلند و صندوق چوبی و کتیبه‌ای که بر بدنه شمال آن حک شده: عمل استاد ابراهیم و محمود و مظفر فی تاریخ ذی‌الحجه سنه ۱۱۰۲.

○ آ س ۲۹۱/۳.

▣ **شیخ سلیم چشتی** ← آرامگاه سلیم چشتی.

▣ **شیخ سلیمان** ← آرامگاه شاه سلیمان.

▣ **شیخ شامل، قهرمان ملی مردم داغستان** که ۱۷ سال در برابر نیروهای روسی مقاومت کرد سرانجام شکست خورد و اسیر شد و دوازده سال در اسارت گذراند و آنگاه که در ۱۸۷۱/۱۲۸۷ با اجازه روسها به‌مکه مشرف شد و در آنجا به‌رحمت خدا رفت. وی به‌فرهنگ و ادب فارسی مخصوصا شاهنامه علاقه‌مند بود و همیشه یک شاهنامه به‌زبان گرجی همراه خواهد داشت.

○ ر ج ۶ تصویر ر ج ۳۷۰/۴ + ت مینوی.

▣ **شیخ شبلی در دماوند**، سده یازده.

○ ایران یک ۷۹.

▣ **شیخ شمس‌الدین گلچشم**، در خارج از شهر شوشتر با گنبدی مدور، صاحب بقعه شاید سید شمس‌الدین محمد ثانی از سادات تلغر شوشتر باشد.

○ د ش ۵۵۹.

▣ **شیخ شهاب‌الدین سهروردی** ← آرامگاه سهروردی.

▣ **شیخ شهاب‌الدین محمود عتیق اهری**، از فرزندان شیخ شهاب‌الدین سهروردی در اهر، شامل یک ایوان بزرگ و دو مناره و یک حصار سنگی مشبک در صحن آن، مانده از قرنهای ۱۱ و ۱۲.

○ آ ذ ۳۷۹ + معماری ۱۳۳/۲ + عارف که در قرن

هفتم زندگی می‌کرد. بنای شاه عباسی + فر آ ذ ۲۲۴ + فرآذ ۱۸۷.

▣ **شیخ صدرالدین صفوی،** فرزند شیخ صفی‌الدین در اردبیل در جوار آرامگاه پدرش.

○ آ ذ ۲۲۱.

▣ **شیخ صدوق،** ابوجعفر محمدبن علی از نوادگان ابن بابویه قمی فقیه بزرگ شیعیان، ری نزدیک برج طغرل، از آثار عصر فتحعلی شاه قاجار، به‌خود وی نیز ابن بابویه خطا می‌شده است بابویه فارسی و به‌معنای پدر کوچک است، همانند پدرک و بابک و تلفظ به‌هردو شکل بابویه و بابویه درست است م ۳۸۱.

○ ر ی ۴۲۶ + د ب ۶۳/۳ + تاریخچه اوقاف ۷.

▣ **شیخ یا میرزا صفا،** حاج میرزا رضاقلی ملقب به‌قنبرعلی پسر محمدحسن خان سوادکوهی مازندرانی، پس از تحصیل در عتبات و دنیاگردی به‌شکل یک صوفی پخته کامل به‌ایران آمد و در خانه میرزاحسین خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه، ساکن شد تا نهم رمضان ۱۲۹۱ که در همان خانه فوت کرد و سپهسالار در نزدیکی مقبره امامزاده هادی در چشمه علی شهر ری برایش آرامگاهی ساخت که به صفاییه معروف شد.

○ ر ج ۳۱/۲ سیاستگر ۶۶ + ری ۹.

▣ **شیخ صفی‌الدین اردبیلی،** ابوالفتح اسحاق فرزند امین‌الدین جبرئیل موسوی اردبیلی، عارف معروف سده هشتم و جد شاهان صفوی، در سال ۶۵۰ زاده شد و فقط در طی زندگی طولانی خود چند سفر به‌فارس و گیلان کرده و بقیه را در قریه کلخوران اردبیل اقامت داشته است. صفی‌الدین در این نواحی صاحب نفوذ فراوان بوده و خواجه رشیدالدین هر سال مبلغ هنگفتی برای او می‌فرستاد و برایش احترام زیاد قائل بود. صفی پس از سفری به‌فارس برای یافتن مرشد به‌سوی گیلان رهبری شد تا شیخ تاج‌الدین ابراهیم معروف به‌شیخ زاهد گیلانی را بیابد، چهارسال به‌جستجوی او پرداخت و ۲۵ سال در حلقه مریدان او بود و با دختر وی ازدواج کرد. شیخ در بازگشت از سفر حج بیمار شد و پیش از مرگ صدرالدین دومین پسرش را جانشین خود ساخت. وی روز دهم محرم ۷۳۵ رخت به‌سرای دیگر کشید و در آرامگاهی که پس از آن تکمیل شد و توسعه یافت به‌خاک سپرده شد وی شعر هم می‌گفته و چند بیتی از او مانده است.

○ تا ن ۲۱۱.

▣ **شیخ صفی‌الدین اردبیلی مجموعه،** در اردبیل در این مکان مقدس یک لنگه نعلین حضرت رسول(ص) نیزهست و مجموعه شامل این بناهاست: آرامگاه بی‌بی فاطمه همسر شیخ در مسجدی قدیم از قرن هفتم، وی دختر شیخ زاهد گیلانی است که در ۷۲۴ وفات کرده، مجموعه بناهای آرامگاه که طی سالهای ۸۹۷ تا ۹۰۶ ساخته شده، مجموعه چینی خانه که در قرن هشتم ساخته شده و موزه‌ای بوده که اشیای آن به‌غارت رفته، آرامگاه شاه اسماعیل با پنج گنبد حاوی مقبرهٔ عده‌ای دیگر از افراد اعاظم خاندان صفوی.

○ آ ذ ۹۲ و ۱۸۱ + تا ن (۶۲) تا (۶۵) و ۲۱۱.

▣ **شیخ صفی‌الدین،** علی‌اکبر علایی.

○ فم ۱۳۵/۲.

▣ **شیخ طَبَرسی،** معروف به‌بقعه شیخ طَبَرسی، شیخ احمد بن ابی‌طالب، غیر از طبرسی فقیه معروف، در ۱۵ میلی بابل سده ششم.

○ تابها ۱۹۰ + د ۱۶۱۴.

▣ **شیخ طَبَرسی**، ابوعلی ـ فقیه بزرگ شیعیان، در شمال صحن کهنه آستان قدس رضوی در ابتدای خیابان طبرسی در سمت چپ و چسبیده به‌گورستان باغ رضوان، شیخ طبرسی پس از مردن دوباره زنده شد و پس از دفن مدّتی زندگی کرد. م ۵۴۸.

○ د س ۸۲۳ + جغ ۶۳۵ + د ۱۶۱۴.

▣ **شیخ طوسی**، عنوان آرامگاه برادران سید محمود و میرسید علی و میر سید حیدر، از عالمان و مبلغان آیین شیعه در شمال پاکستان، میرمحمود در ۱۰۸۰ فوت کرده در سکردو دفن شد. میرحیدر و میرسید علی در روستایی نزدیک کواردو.

○ میراث ۴۷۸/۲.

▣ **شیخ طوسی**، ابوجعفر ملقب به‌شیخ‌الطائفه ← آرامگاه ابوجعفر طوسی.

▣ (منسوب به) **شیخ طوسی**، در ده افرا واقع در بخش مرکزی شاهی.

○ فج ۱۸/۳.

▣ **شیخ عابد ترک**، شاعر پارسی‌گوی و صوفی که در غجدوان درگذشت و به‌خاک رفت.

○ تا ن ۶۲۱.

▣ **شیخ عباس** ← آرامگاه آیت‌الله تهرانی.

▣ **شیخ عبدالجواد آباده‌ای**، پسر حاجی محمدجعفر صفی‌آبادی آباده‌ای، هردو از مجتهدان معروف در سدهٔ سیزدهم، نجف وادی‌السلام.

○ آص ۵۹۵.

▣ **شیخ عبدالرحمن بن عوف**، در سمرقند، قبر اصلی در مدینه است.

○ سمریه ۸۷۲.

▣ **شیخ عبدالسلام**، در کرمان، ماهان از سده هشتم.

○ معماری ۸۸/۲.

▣ **شیخ عبدالصمد ماستری**، در نطنز مجموعه‌ای گرانقدر از قرن هشتم شامل خود آرامگاه که محراب آن کلاً به‌موزه ویکتوریا و آلبرت لندن منتقل شده است با گنبدی مخروطی و خانقاه و منار با کاشیهای آمیخته با آجر.

○ کاشان ۲۰۱ + آرامگاه عبدّالصمد اصفهانی ماستری با تاریخهای ۷۰۴ و ۷۰۹ و ۷۱۶ و ۷۱۷، ۷۲۵ و ۷۷۰ و معماری ایلخانی ۱۴۵ + آص ۹۱۳ + عبدالصمد نطنزی ۷۰۷ + معماری ۹۱/۲ + هنر ۳۶۷/۸ + ایران یک ۱۷۷ + آثار ایران ۲۵۴/۳.*

▣ **شیخ عبدالغفار عارف**، م ۱۲۹۲، سنگ گور با نوشته‌های نسخ و نستعلیق و اشعار عارفانه.

○ آ ذ ۵۵.

▣ **شیخ عبدالقادر گیلانی**، بغداد در کنار آرامگاه سهروردی.

○ تا ن ۳۸.

▣ **شیخ عبدالکریم**، مهرجردی یزدی حائری (۱۲۷۶ـ۱۳۵۵) عالم فقیه بزرگ در ۱۳۲۲ از کربلا به‌اراک و در ۱۳۴۰ از اراک به‌قم رفت، با آثار مهم. م ۱۳۵۵ قم مسجد بالاسر.

○ فک مؤلفان ۹۱۶/۳.

▣ **شیخ عبدالله**، بقعه شیخ عبدالله در طرشت تهران بنای آجری با طاق گنبدی استوار، احتمالاً از آغاز عصر صفوی است بدون کتیبه یا تاریخ با سنگ قبرهای متعدد. به‌اعتقاد مردم طرشت شیخ عبدالله معاصر و همطراز ابن بابویه بوده است.

○ آ ط ۲۰۴.

◙ **شیخ عبدالله انصاری**، در قریه اوزی بین اهر و کلیبر در شمال آذربایجان.
○ آ ذ ۴۷۵/۲.

◙ **شیخ عبدالله بلیانی**، در ده بلیان کازرون.
○ ا ق ۱۱۱.

◙ **شیخ عبدالله مامقانی**، فرزند شیخ محمد (۱۲۶۰-۱۳۵۱). در نجف جان سپرد و در نجف آرامگاه والد خود شیخ محمدحسن مامقانی دفن شد. آثار.
○ فک مؤلفان ۹۵۳/۳.

◙ **شیخ عبدالله**، محمدنصیر گیلانی نجفی، مجتهد آزادیخواه و از شاگردان میرزا حبیب رشتی. م ۱۳۳۰ آرامگاه میرزا محمدحسن آشتیانی.
○ فک مؤلفان ۱۰۰۱/۳.

◙ **شیخ عبداللطیف جامی**، شاعر پارسی‌گوی از بازماندگان احمدجام که به‌حج رفت و در راه با سلطان سلیم عثمانی ملاقات‌کرد ومورد احترام او واقع‌شد، وی‌دراین‌سفر در ازمیر مردوبه‌خاک‌رفت.
○ تا ن ۶۲۷.

◙ **شیخ عثمان مروندی**، (۵۷۳-۶۷۳) معروف به‌لعل شهباز قلندر، از عارفان بزرگ اسلامی در شبه قاره ملقب به‌سیف‌اللسان، شمس‌الدین، مخدوم و مهدی و با تخلص عثمان یا شهباز، عالم تفسیر و حدیث و فقه و زبان‌شناس و پیرو به‌حق حضرت علی(ع). والی ایالت ملتان سلطان محمدبلین، از ارادتمندان وی بود، آرامگاهش در سیهون سند از پررونق‌ترین مزارات است
○ میراث ۴۸۹/۲.

◙ **شیخ علاءالدوله سمنانی** ← آرامگاه علاءالدوله سمنانی.

◙ **شیخ علی**، سنگ قبر وی بالاتر از نوشته‌های پهلوی حاجی آباد در فارس، با کتیبه‌ای که برمبنای آن سنگ قبر از سال ۲۴۳ است ولی سنگ تازه و از سده ۱۱ است.
○ ا ق ۳۵۲.

◙ **شیخ علی بابا صوفی معروف**، در سه گنج ماهان.
○ جغ ۹۴۸ + معماری ۸۸/۲.

◙ **شیخ علی خواجه شوقی**، شاعر متصوف در قرن دهم که در ۶۳ سالگی در اوغرجه خبوشان (قوچان کنونی) درگذشت و به‌خاک رفت.
○ تا ن ۶۴۰.

◙ **شیخ عماد**، چسبیده به‌مسجد منسوب به‌وی در اهر.
○ جغ ۱۹۴.

◙ **شیخ عمادالدین فضل‌الله برزش آبادی**، شاعر متصوف قرن نهم و دهم. م ۹۱۴، مدفون در مشهد مقدس.
○ تا ن ۵۶۵.

◙ **شیخ عمو**، ← آرامگاه شیخ محمود عبدالله

◙ **شیخ فاضل بوریابادی**، تربت حیدریه، روستای بوریاد، از سده هفتم.
○ معماری ۸۹/۲.

◙ **شیخ فرید بخاری**، ملقب به‌مرتضی خان در جنوب دهلی نزدیک مزار شیخ نصیرالدین چراغ دهلی، با کتیبه‌ای فارسی که در طی آن به‌هویت شیخ فرید، معاصر با جهانگیر می‌توان پی برد، مورخ سال نهم جلوس وی (۱۰۲۵) و این اشعار:

«مرتضی‌خان چو به‌حق واصل شد
گشت اقلیم بقا مفتوحش
بهر تاریخ ملایک گفتند
«باد پرنور الهی روحش»

○ نقش پارسی ۱۱۳.

▣ **شیخ فضل‌الله نوری**، مجتهد شهید در عصر مشروطیت، قم حضرت معصومه(ع)

○ اطلاعات ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸. ف ۱۳۷۰ + تا بیداری

▣ **شیخ کبیر**، ابوعبدالله محمد بن خفیف شیرازی با لقبهای شیخ‌الاسلام، شیخ‌المشایخ. پیشوا و عارف بزرگ سده سوم و چهارم و مؤسس فرقه خفیفیه در تصوف. پدرش از سرهنگان سپاه عمرولیث صفاری بود و مادرش زنی صاحب کمال و عارف به‌نام ام محمد. وی از نخستین عارفان ایران و نخستین کس از مشایخ است که شعر گفت. از وی آثار فراوان برجای مانده که برخی از آن موجود است. م ۳۷۱، وی را در خانقاهش دفن کردند، محلی در پشت بازار وکیل شیراز که تعمیرات و نوسازی آن از ۱۳۳۷ آغاز شد. عده‌ای از عرفا و مشایخ نیز در آرامگاه شیخ آرمیده‌اند.

○ کارنامه ۶۱۷.

▣ **شیخ کبیر**، روضه شیخ کبیر معروف به‌بالا پیر در قنوج کنار رود کالی گنبد بنا را یکی از پسرانش به‌نام شیخ مهدی ساخته است. برپیشانی بنا یک کتیبه فارسی دیده می‌شود. م ۱۰۵۷.

○ نقش پارسی ۱۱۳.

▣ **شیخ کبیر**، فضل بن محمد معروف به‌ابی احمد کبیر: م ۳۷۷ شیراز داخل آستانه و قبه شیخ کبیر در شیراز.

○ شیرازنامه ۹۹ + از بناهای قرن اخیر: معماری ۸۶.

▣ **شیخ کمالی**، بقعه شیخ کمالی در یزد با کتیبه شیخ علی فتح‌الله: کمترین بندهٔ خدا ساختمان این بقعه مبارک را دستور داد شب چهاردهم ذی‌الحجه سنه ۷۹۲. این آرامگاه به‌عقیده آندره گدار به‌آرامگاه شیخ رکن‌الدین در یزد همانندی دارد.

○ تاریخ یزد ۷۹ + معماری ایلخانی ۲۰۲.

▣ **شیخ مجدالدین اسماعیل سیسی**، از عارفان پزشک سده هفتم و هشتم در روستای سیس ارونق آذربایجان در جلو گور قوچ سنگی خوش‌تراشی نصب شده.

○ آ ذ ۵۲۸.

▣ **شیخ محمد** فرزند محمد لقمان سرخسی، با کتیبه مورخ ۷۵۷.

○ معماری ایلخانی ۱۹۸ + احتمالاً بابا لقمان.*

▣ **شیخ محمّد**، بقعهٔ شیخ محمد. در محلهٔ موگهی شوشتر که با خیابان‌کشی فقط مسجد کوچکی از آن باقی مانده و اصل بنا مفقود شده است. شاید آرامگاه امام میمند.

○ د ش ۷۳۱.

▣ **شیخ محمد آقابوذری**، طالقانی (۱۲۴۸-۱۳۱۳خ) حضرت عبدالعظیم.

○ تاریخچه ۷۷.

▣ **شیخ محمد بن ناصریزدی**، از دانشمندان بزرگ قرن ششم که توسط علاءالدوله گرشاسف سومین امیر از آل کاکویه یزد کشته شد و در بیابان طبس به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۱۱۳/۲.

▣ **شیخ محمد بن یوسف**، از عرفا و زهاد سده سوم. اصفهان.

○ آ ص ۲۲.

▣ **شیخ محمّد باقر بهاری همدانی**، (۱۲۷۷-۱۳۳۲) عالم فاضل محدّث رجالی که در

همدان فوت و دفن شد.

○ فک مؤلفان ۲/۴۶.

▣ **شیخ محمدتقی** فرزند عبدالرحیم ایوان کیفی اصفهانی، از اجله علمای قرن ۱۳ و داماد شیخ جعفر نجفی که در فتنه وهابیه به‌ایران آمد و در اصفهان مقیم شد. م ۱۲۴۸، تخت فولاد نزدیک آرامگاه محقق خوانساری.

○ فک مؤلفان ۲/۲۶۶.

▣ **شیخ محمدتقی**، بافقی ← آرامگاه بافقی.

▣ **شیخ محمد تقی بجنوردی**، (بوزنجردی) فقیه بزرگ، مقیم‌مشهد فوت در ۱۴ صفر ۱۳۱۴ مدفون در یکی از صفه‌های دارالسیاده، آستان قدس.

○ یا ق ۲۶۶.

▣ **شیخ محمد روزبهان** ← آرامگاه روزبهان.

▣ **شیخ محمد سلطانی**، در یزد روستای کفله مرز قاجاریه،

○ معماری ۲/۹۲.

▣ **شیخ محمد سوار**، بقعه شیخ محمد سوار در شمال مسجد حسین شوشتر. آرامگاه عارفی از قرن سوم که عطار از او نقل می‌کند. این آرامگاه در ۱۱۶۹ منهدم شد و در ۱۲۳۳ دوباره کشف و دایر گردید.

○ د ش ۷۳۱.

▣ **شیخ محمد سیاه پوش**، از عرفای معاصر با شاه اسماعیل در محله ویجویه تبریز.

○ آ ذ ۱۳۴.

▣ **شیخ محمد لاهیجی**، در شیراز محله لب آب، قرن اخیر.

○ معماری ۲/۸۶.

▣ **شیخ محمود**، در آستارا تاریخ تقریبی ۷۰۰/۱۳۰۰در۵ کیلومتری شمال آستارا.

○ معماری ایلخانی ۱۴۰.

▣ **شیخ محمود خیّوی**، ← آرامگاه شیخ تاج‌الدین.

▣ **شیخ محمود سقله**، عبدالله بن محمدبن محمود، منار جنبان اصفهان. آرامگاه در ایوان است و منارها در دو طرف ایوان احتمالاً منارها را که هیچ ارتباطی با بنای ایوان ندارند بعد ساخته‌اند. تاریخ بنا از قرار کتیبه سنگ قبر ۱۳۱۶/۶۹۵ م و محل آن آبادی گارلادان، در تلفظ عادی گارتن یا قورتون، در مغرب شهر اصفهان است.

○ معماری ایلخانی ۱۶۵ + آ ص ۱۰۸.

▣ **شیخ محمود شبستری**، سعدالدین یا نجم‌الدین محمود فرزند عبدالکریم، زاده شده در ۶۸۷ در شبستر. شاعر و عارف معروف که اثر مهم وی گلشن راز است. شبستری در ۷۲۰ در تبریز رحلت کرد و در آرامگاه استادش بهاءالدین یعقوب تبریزی به‌خاک سپرده شد. بنایی از سده هشتم که توسط حاج میرزا آقاسی تعمیر شد.

○ تا ن ۱۶۹ + آ ذ ۵۲۰ + جغ ۱۹۰.

▣ **شیخ مرتضی آشتیانی**، زاده شده در ۱۲۸۰ پسر بزرگ میرزاحسن آشتیانی از علمای طراز اول ایران، شیخ مرتضی مقیم مشهد بود و در ۱۳۶۵ در مشهد درگذشت و در همان شهر به‌خاک سپرده شد ← آرامگاه آشتیانی.

○ ر ج ۶/۲۶۰ + ز ۳۵.

▣ **شیخ مرتضی نیریزی**، از زاهدان نامی اصفهان. م۱۳۲۹ در تکیه‌ای در تخت فولاد به‌نام خود وی.

○ ل ۲۸۰۰.

▣ **شیخ مرشد**، شیخ ابوریحان در گنج‌آباد کازرون معروف به‌قبر شاسجاق.

○ ا ق ۳۹۰.

▣ **شیخ مفید، ابوعبدالله محمد**، معروف به ابن معلم (۳۳۶-۴۱۳)، فوت در بغداد، مدفون در کاظمین پایین پای حضرت امام موسی کاظم با دویست اثر فقهی و حقوقی و معرفی ۱۷ اثر.

○ فک مؤلفان ۷۶۷/۵.

▣ **شیخ مقتول** ← آرامگاه سهروردی، شیخ شهاب‌الدین.

▣ **شیخ مهدی**، فرزند شیخ کبیر در قنوج کنارود کالی. م ۱۰۸۸.

○ نقش پارسی ۱۱۴.

▣ **شیخ نجم‌الدین دایه**، بیرون شهر بغداد، مزار جنید بغدادی.

○ فک مؤلفان ۹۸۵/۳.

▣ **شیخ نجم‌الدین کبری**، مرقد در زمخشَر، در چهار میلی شمال اورگنج، وی در ۶۱۸ به‌دست مغولان کشته شد. ○ س ۴۸۲ + تا ن (۳۷).

▣ **شیخ نجیب‌الدین**، ابوسعید علی بن برغش شیرازی شاعر و عارف پیرو شیخ شهاب‌الدین سهروردی. م ۶۷۸ شیراز.

○ تا ن ۷۴۶.

▣ **شیخ نظام‌الدین محمود مزدقانی**، درویش محمود، در مؤمن‌آباد سمنان، بنایی چهارگوش با ایوان و گنبدی آجری مخروط از قرن هشتم با کتیبهٔ بدون تاریخ.

○ د ت ۴۴ + معماری ایلخانی، تا ن ۱۴۰.

▣ **شیخ نورالدین**، بقعه شیخ نورالدین قم ابتدای جان مبارک آباد.

○ معماری ۷۹/۲.

▣ **شیخ نورالدین بصیر**، م ۶۴۶ در سمرقند در محلی که سالها اهالی آن محل، جرأت اجرای کار زشت و ناشایست را از ترس آن قطب بزرگوار نداشته‌اند، در تاریخ عرفا لقب وی قطب چهاردهم بوده است.

○ قندیه ۸۴ + سمریه ۱۷۰

▣ **شیخ نورالدین بیمارستانی**، در محله سرخاب در کنار دره گراب از مریدان شیخ حسن بلغاری از عارفان بزرگ تبریز م ۷۰۳.

○ کوی سرخاب ۲۱۶.

▣ **شیخ نورالدین ولی**، شاعر پارسی‌گوی و عارف کشمیری در قرن نهم، مزارش در قصبه شار شریف (چرار شریف) در جنوب سری‌نگر کشمیر است نزدیک آرامگاه وی، آرامگاه یک پیر از فرقهٔ ریشیه که (ممزوجی است از اسلام و هندویی) نیز وجود دارد. هندوان و مسلمانان شیعه و سنی همه برای این پیر احترام قائل‌اند و متأسفانه بر مبنای این احترام با هم اختلاف دارند و گه‌گاه نزاع می‌کنند.

○ نقش پارسی ۷۵.

▣ **شیخ نورالله دهاقانی**، روزنامه‌نگار و ادیب، مدیر نورمشرق تأسیس ۱۳۴۴ و معلم مدارس قدیم و جدید در اصفهان. شهریور ۱۳۳۱ فوت کرد و با تشییع جنازه مفصل تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

○ تا ج ۳۱۸/۴.

▣ **شیخ یوسف سروستانی**، مزار یا مقبره در سروستان فارس، بنای سنگی زیبا با معماری سبک ساسانی. آرامگاه یوسف بن یعقوب و محمدبن حسن بن علی بیضاوی است و جمعاً دو چهارطاقی به‌هم چسبیده است. با نوشته‌های مورخ ۶۸۰ تا ۷۳۱.

○ معماری ایلخانی ۱۲۸ + ا ق ۸۷ و ۹۸ + ایران یک ۴۸ + د ۱۵۲۴.

▣ **شیخ یوسف گردیزی،** در قصبه بُرگیت در شهر مُلتان، ابوالفضل جلال‌الدین محمد یوسف (۴۵۰ـ۵۳۱) متولد گردیز نزدیک غزنه، معاصر باغریومان که بیشتر ایام حیات خود را در مُلتان بسر آورد و در عصر یکی از جانشینان وی به‌نام شیخ صدرالدین راجو، خانقاه وی ساخته شد با تاریخ ۹۵۵ و یا اینکه پیش از آن ساخته و منسوب به‌وی شده است.

○ نقش پارسی ۸۴.

▣ **شیر شاه سوری** ← آرامگاه شرشاه سوری.

▣ **شیشه‌گر،** استاد غلامرضا، عارف بزرگ متولد شیراز در ۱۲۲۱ اصلاً مازندرانی م ۱۳۰۱ تهران، مدفون در مشهد.

○ ر ج ۱۷/۳.

ص

از آرامگاه صائب تا آرامگاه ضیای اصفهانی

▣ **صائب،** اصفهان خیابان صائب کنار مادی (نهر آب) نیاصرم که توسط انجمن آثار ملّی بازسازی و تکمیل شد، این محل باغ خود وی بوده و عده‌ای از فرزندان و بستگان وی نیز در آن مدفون‌اند.

○ آ ص ۸ـ۸ + تاریخ سنگ روی قبر ۱۰۸۷ و این بیت خود او:

«محو کی از صفحهٔ دلها شود آثار من

من همان ذوقم که می‌یابند از گفتار من»

○ د ت ۳۴.

▣ **صائب،** ابتدا تکیه صائب خوانده می‌شد و در باغ خود وی قرار داشت بر سنگش یک مطلع و یک غزل از خود وی به‌خط محمدصالح خوشنویس معروف عصر صفوی، که برخی از کتیبه‌های مدرسهٔ چهارباغ را نوشته کتابت شده که به‌این عبارت پایان می‌یافت: وفات مرحمت و غفران پناه میرزا محمدعلی ولد میرزا رحیم صائب به‌تاریخ یوم یکشنبه هشتم جمادی ۱۱۴۱. آرامگاه صائب در سالهای ۱۳۳۹ـ۱۳۴۶ توسط انجمن آثار ملی بازسازی شد با تصاویر مکرر.

○ کارنامه ۳۸۷.

▣ **صائب تبریزی،** میرزا محمدعلی شاعر بزرگ پارسی‌گوی، بزرگترین شخصیت ادبی عصر صفویه و بزرگترین سراینده در سبک هندی، زاده شده در تبریز یا اصفهان، پدرش از تبریز در عصر شاه‌عباس به‌اصفهان کوچید، شمس‌الدین تبریزی شیرین‌قلم عم وی بود که به‌شمس ثانی معروف است. صائب در ۱۰۲۴ به‌افغانستان رفت و ازکابل با ظفرخان احسن یا خواجه‌احسن‌الله خان به‌دربار شاه جهان راه یافت و شش سال در هند ماند و سرانجام به‌اصرار پدر به‌ایران بازگشت و در دربار شاه عباس به‌مقام ملک‌الشعرایی رسید. صائب در ۶۵ـ۷۱ سالگی در ۱۰۸۱ در اصفهان فوت کرد و در تکیهٔ میرزا صائب دفن شد.

○ د ۱۵۵۴.

▣ **صائب،**

○ یادگار ۳/۴ـ۳۴.

▣ **صائب تبریزی،**
○ ارمغان ۱۹ـ۲۶۰.
▣ **صائب تبریزی،** قبر صائب تبریزی از ادیب و خشوری اصفهانی.
○ ارمغان ۲۵۹/۱۹ + فم ۳۷۰.
▣ **صائب در اصفهان،** مظاهر مصفا.
○ فم ۱۳۹/۳.
▣ **صائب تبریزی،** نوشته میراغلو جمیل.
○ یادگار ۱۳۵/۶/۳.
▣ **صاحب بن عَبّاد،** ابوالقاسم اسماعیل فرزند عباد (۳۲۶ـ۳۸۵) به‌واسطهٔ مصاحبت طولانی با فخرالدوله و یا مصاحبت مطلوب با ابن عمید، لقب صاحب یافت. مؤیدالدوله او را به‌وزارت برگزید و برادرش فخرالدوله نیز او را در وزارت ابقا کرد. او عربی‌نویسی نامدار بود برخی آثار او اکنون دستیاب است. کتابخانه مهمی نیز داشته است که **فهرست** آن چند مجلد می‌شده، وی در ری مرد و بدنش را به‌اصفهان آوردند و در اطاقی مجاور دروازه طوقچی و به‌نوشته ابن‌خلکان، در اطاقی واقع در خانه خودش در محله دربه به‌خاک سپردند.
○ ل ۲۷۹۵ + آ ص ۲۲۸ و ۸۰۸ + د ۱۵۴۷.
▣ **صاحب بن عباد،** مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات اصفهان شمارهٔ یک سال اوّل از محمد صدرهاشمی.
○ تاج هفت.
▣ **صاحب بن‌عباد در اصفهان،** مقاله از محمدصدر هاشمی.
○ فم ۱۳۶/۲.
▣ **صاحب دیوان** ← آرامگاه خواجه شمس‌الدین محمد.

▣ **صادق خان زند،** برادر کریم خان، صادق خان از سرداران لایق و شجاع خاندان زند بود وی در عصر حکمرانی برادرش حکمران بصره بود و چون برای شرکت در مبارزات جانشینی کریم‌خان به‌ایران آمد، بصره نیز از تصرف ایران خارج شد، صادق‌خان زند آخرین حکمران ایرانی بصره بود تا ۱۱۹۳. مدفون در شیراز پایین پای شاه‌چراغ.
○ ر ج ۱۶۱/۲ + د ۱۵۴۸.
▣ **صادق خان و جعفرخان زند،** عباس اقبال.
○ فم ۳۷۱.
▣ **صادق سرمد،** شهر ری.
○ بخوانید و بدانید ۸۲۱.
▣ **صادق ملارجب،** از هزل‌گویان اصفهان، زاده شده در ۱۲۲۵، قرآن‌نویس که در هشتاد سالگی فوت کرد ۱۳۰۵. سر قبر آقای اصفهان بیرون دروازهٔ دردشت.
○ ر ج ۱۷۱/۲.
▣ **صادق هدایت،** (۱۲۸۱ـ۱۳۲۹خ) فرزند هدایت قلی اعتضادالملک، برای تحصیل به‌فرانسه فرستاده شد و مدتی بعد، در ۱۳۱۵خ به‌هند رفت و زبان پهلوی یاد گرفت و چند کتاب از پهلوی به‌فارسی برگرداند. از وی آثار متعددی برجای مانده و به‌حق می‌توان وی را بزرگترین داستان‌نویس عصر حاضر دانست. هدایت در جمع‌آوری فرهنگ عامه نیز کوشا بود و انتخاب جالبی هم از رباعیات خیام ارائه کرده است. وی به‌پاریس علاقه‌مند بود و معروف است که در آخر سفرش به‌اروپا به‌روی تهران تفی انداخته و گفته است که دیگر تو را نخواهم دید، همین نیز شد و وی در سال ۱۳۲۹خ در اطاقش در پاریس با گاز خودکشی کرد و در همان جا به‌خاک سپرده شد.

هدایت طی ۲۰ سال کار ادبی خود آثار مهمی برجای گذاشت که از تنوعی بی‌نظیر برخوردار است: ترجمه متون پهلوی. تحقیقات ادبی و فرهنگ عامه، داستانهای انتقادی و ....

○ چهره‌ها ۷۲ + د ۱۵۴۹.

▣ **صافی اردوبادی،** خواجه حاتم بیک اعتمادالدوله از اعیان دربار صفویه و صدراعظم شاه عباس، در سال ۱۰۱۹ در پای قلعه دمدم ارومیه جان سپرد. مدفون در مشهد مرقد مطهر امام هشتم.

○ تا ن ۶۹۹.

▣ **صالح پیامبر،**(٤) بقعه صالح پیامبر در اول شهر شوشتر روی تپه، در قبرستانی حاوی سنگ قبرهای کهنه با نقوش گل وبتهٔ اسلیمی و نقش اسلحه و کتیبه‌ای در ایوان، مورخ ۱۲۲۵ با نقش دو آتشدان فروزان.

○ د ش ۵۵۳.

▣ **صالح شهید،** در جنوب مسجد جامع شوشتر با گنبد گچی.

○ د ش ۷۴۹.

▣ **صالح علیشاه،** محمدحسین. پسر ملاعلی نورعلیشاه (۱۲۶۹-۱۳۴۵ خ) مدفون در بقعه علیشاه، نیای خود در بیدخت. از وی آثار خیریه بسیار در بیدخت به‌جام مانده است.

○ ر ج ۲۳۲/۵.

▣ **صبا، ابوالحسن** (۱۲۸۱-۱۳۳۶ خ) موسیقیدان و نوازنده معروف ویولن. پسر ابوالقاسم کمال‌السلطنه و نوه محمودخان صبا (ملک‌الشعرای دربار فتحعلی‌شاه) وی نزد استادان بزرگ موسیقی را آموخت، از شاگردان وی درویش و علینقی وزیری را نام می‌بریم. صبا نخستین پایه‌گذار خط موسیقی بود. از وی آثار مهمی برجای مانده است از جمله زنگ شتر، کاروان و زرد ملیجه. خانه‌اش در تهران موزه شده است. آرامگاه ظهیرالدوله شمیران.

○ د ۱۵۵۱ + مردان موسیقی ص ۴۲.

▣ **صبا، حسین،** اولین استاد سنتور هنرستان موسیقی ملی و مولف خودآموز سنتور، وفات یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۹. آرامگاه ظهیرالدوله، شمیران.

○ مردان موسیقی ۵۱۵.

▣ **صبا، فتحلی خان** ← آرامگاه فتحعلی‌خان صبا.

▣ **صبا، محمودخان ملک‌الشعراء،** فرزند محمدحسین خان عندلیب و نوادهٔ فتحعلی‌خان ملک‌الشعرای صبای کاشانی. وی در ۱۲۲۸ در تهران زاده شد و در نزد عموی خود، محمدقاسم خان فروغ درس خواند و شاعری خوش‌ذوق و نقاشی پراستعداد شد، از سوی حاج میرزا آقاسی که وی را مدح کرده بود، به‌پیشکاری الله قلی خان پسر عزت نسا، همسر حاجی میرزا آقاسی و دختر فتحعلی شاه رسید اما در این کار نماند و اللهقلی هم مغضوب و تبعید شد. پس از فوت محمدشاه ناصرالدین‌شاه به‌وی توجه کرد و لقب ملک‌الشعرایی به‌وی داد، اجدادش نیز این لقب را داشتند. از این مرد بزرگ اشعاری که بیشتر قصیده است و چند تابلو نقاشی برجای مانده است. محمودخان در ۱۳۱۱ دوسال پیش از فوت ناصرالدین شاه مرد و در جوار آرامگاه ناصرالدین شاه به‌خاک رفت.

○ خوش معاصر ۵۰

▣ **صبح ازل،** میرزا یحیی نوری پسر میرزا عباس نوری معروف به‌میرزا بزرگ، برادر میرزا

حسینعلی ملقب به‌بهاء و بهاءالله. ظاهراً باب صبح ازل را جانشین خود قرار داده و برادر بزرگ وی بهاء را قیم و سرپرست او نموده و وصیت کرده بوده‌است که صبح ازل از دیده‌ها پنهان بماند. ابتدا صبح ازل به‌این امر راضی بود تا اینکه هردو برادر را که در قلمرو دولت عثمانی به‌حال تبعید بسر می‌بردند واختلافهایی هم داشتند، به‌عکا و قبرس تبعید کردند، اما زمان به‌نفع میرزا حسینعلی بود و وی سرانجام خود را مستحق ریاست و نیابت و خلافت باب معرفی کرد. صبح ازل مدت چهل وپنج سال در قبرس اقامت داشت و سرانجام در ۱۹۱۲/۱۳۳۰ در هشتاد و چهارسالگی به‌رحمت خدا رفت و در شهر فاماگوستا (ماغوسا) حاکم‌نشین قبرس به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۴۳۶/۴ و ر ج ۲۹۱/۶.

◙ **صحابه**، نیشابور مقبرهٔ نصربن زیاد قاضی و سه صحابهٔ دیگر.

○ آ خ ۱۲۸.

◙ **صحن مسجد جامع شیراز** معلوم نیست که آرامگاه چه کسی است ولی تاریخ خاک‌سپاری ۱۹۳۵ است.

○ معماری ایلخانی ۱۹۶ و تصویر ۹۸.

◙ **صدرالافاضل، حجت‌الاسلام لطفعلی**، (۱۲۶۸-۱۳۵۰) حکیم و محدث و فیلسوف و فقیه. م ۱۳۵۰ مدفون در ابن‌بابویه ری.

○ خوش معاصر ۸۴.

◙ **صدرالدین** ← آرامگاه شیخ صدرالدین صفوی.

◙ **صدرالدین ابوبکر**، ششمین نفر از آل خجند در اصفهان، که در ۲۲ شوال ۵۵۳ در روستایی از کرمانشاه مرد و بدنش را به‌اصفهان آوردند و در محله سنبلان یا سنبلستان به‌خاک سپردند.

○ د ب ۶۹۵.

◙ **صدرالدین زنجانی**، خواجه ← آرامگاه صدر جهان.

◙ **صدرالدین عیبی**، دانشمند پارسی‌گوی نویسنده و شاعر معاصر تاجیکستان م ۱۳۳۳ خ، مدفون در شهر دوشنبه.

○ سیمرغ ۱۱۷ + فک مؤلفان ۵۳۸/۳.

◙ **صدرالدین محمدبن اسحاق قونیوی**، از عارفان بزرگ سده هفتم معاشر و مرید جلال‌الدین بلخی در سده هفتم که عدهٔ کثیری از اکابر صوفیان شاگرد و مرید وی بوده‌اند. وی در ۶۷۳ به‌جهان دیگر شتافت و در جوار حرم مولوی به‌خاک سپرده شد، صاحب آثار مهم.

○ تا ن ۱۵۰.

◙ **صدرالشریعه، عبیدالله**، فرزند، مسعود محبوبی بخارایی از خاندان بسیار معروف در بخارا که پدرانش هم در فقاهت شهرت داشتند و لقب وی در حقیقت صدرالشریعه اصغر بوده است. م ۷۴۷ مدفون در آرامگاه خانوادگی شرع آبادی بخارا.

○ تا ن ۱۵۵.

◙ **صدرالعلما**، سیدجعفر پسرسیدمحمد باقر که پس از بهبهانی ریاست علّمیهٔ تهران را داشت. م ۱۳۳۵ در تهران، مشهد حرم مطهر امام رضا(ع).

○ ر ج ۲۴۱.

◙ **صدرالممالک**، میرزا محمدعلی مستوفی معروف به‌صدر قزوینی. م ۱۳۱۹ در تهران، مقبرهٔ خاص خودش در شهر ری.

○ ر ج ۴۴۶/۳.

◙ **صدرجهان زنجانی**، خواجه صدرالدین احمد خالدی. وزیر معروف گیخاتوی مغول، از قاضی‌زادگان زنجان. از عهد ارغون خان به‌امور

ملکی مغولان پرداخت و از اینجویان شد، بایدوخان مغول با او مخالف بود و او به‌غازان پیوست و در دستگاه غازان ترقی کرد اما غازان مدتی بعد، وی را به‌تحریک بدخواهان از کار برکنار کرد و اگرچه بار دیگر او را بر سرکار وزارت خویش برگرداند، ولی سرانجام وی را عزل کرد و کشت. صدر جهان در هنگام وزارت متهم به‌اسراف و ولخرجی بود و انتشار و ترویج چاو نیز برهمین مبنا بود، که با مخالفت عامه مردم روبه‌رو شد. آرامگاه وی در جوار امامزاده ابـاذر قزوین واقع شده است.

○ د ۱۵۶۱ + آ ق ۱۴۹.

▣ **صدر قزوینی** ← آرامگاه صدرالممالک.

▣ **صدر هاشمی، سیدمحمد،** دانشمند معاصر و مؤلف تاریخ جراید ایران. م ۱۳۴۴ خ تخت فولاد اصفهان.

○ تا ج ۵.

▣ **صدیق‌الملک،** میرزا غفّار یا میرزا عبدالغفّار خان از کارمندان عالیرتبه وزارت خارجه، عارف و خوشنویس. م ۱۲۹۵ تبریز محله سرخاب، سیدحمزه.

○ ر ج ۱۷۲/۶

▣ **صرفی،** یعقوب فرزند میرحسن گنانی در ۱۵۲۱/۱۰۰۳ م در شهر سری‌نگر زاده شد. خانوادهٔ وی از فضلا و علما بودند، صرفی از پیروان جامی بود و وی را جامی ثانی خطاب می‌کردند. در نوزده سالگی جهانگردی را آغاز کرد و سرانجام به‌سری‌نگر بازگشت و به‌تدریس پرداخت. در ۱۵۹۵/۹۲۸ م جهان را بدرود گفت و در زمینه کادل سری‌نگر به‌خاک سپرده شد از وی آثار چندی برجای مانده است.

○ پارسی کشمیر ۸ تصویر ۲۵ + هنر و مردم ۷۲، بهمن ۱۳۵۰.

▣ **صعصعه،** محمد، احتمالاً قدمگاه محمد صعصعه که در کربلا در رکاب حضرت امام حسین(ع) شهید شد در این مکان بوده است، به‌هر حال آرامگاهی است که در مسجدی بدین نام منسوب به‌محمد صعصعه است.

○ د ش ۳۷۵.

▣ **صفائیه** ← آرامگاه میرزا صفا.

▣ **صفایی تبریزی،** نسخ نویس که کارش قرآن‌نویسی بود، اما شاعری هم می‌کرد. در ۱۰۱۶ در قزوین مرد و مدفون شد.

○ تا ن ۷۰۰.

▣ **صفدر جنگ،** در دهلی تاریخ بنا ۱۷۵۰ م، تقلیدی مطلوب از بنای همایون در دهلی و تاج‌محل در آگرا. صفدرجنگ از سرداران بابریان و از سادات ایرانی‌الاصل بود، پدرش سعادت خان صوبه‌دار اَوَد شد و موفق گردید سلسله‌ای در آن دیار تشکیل دهد که تا ۱۸۵۶ ادامه یافت.

○ معماری هند، تصویر ۹۱ + د ۱۵۶۸.

▣ **صفیاری محمدباقر،** ملقب به‌فخرالکتاب. م ۱۳۱۰ خ در مرند.

○ خوش معاصر ۹۰.

▣ **صفی‌الدین در موسی** ← آرامگاه ارموی.

▣ **صفی‌علیشاه،** حاج میرزا حسن اصفهانی پسر محمدباقر متولد ۱۲۵۱. مدفون در خانقاهی واقع در خیابانی بدین نام در شمال میدان بهارستان. این خانقاه را خود وی ساخته بود و پس از انقلاب دارالتبلیغ امیرالمؤمنین نام گرفت، صفی‌علیشاه در ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۱۶ در ۶۵ سالگی فوت کرد.

○ ر ج ۳۴۰ + تاصف ۱۳۰ + آ ط ۴ + د ۱۵۷۴.

▣ **صفی میرزا،** (محمدباقر) فرزند شهید شاه عباس که در روز سوم محرم ۱۰۲۴ در یکی از کوچه‌های شهر رشت به‌دست اوزون بهبود غلام و یحیی، به‌فرمان شاه عباس کشته شد. بدن شاهزاده جوان (متولد ۹۵۵) چهارساعت در آب وگل افتاده بود و سرانجام شاه که به‌بی‌گناهی وی پی برده بود دستور داد در همان کوچه و در همان نقطه آرامگاهی برایش بسازند، که امروز به‌نام مسجد صفی یا مسجد شهیدیه خوانده می‌شود، نام قبلی آن مسجد سفید بوده است.

○ شاع ۵۳۰.

▣ **صلاح‌الدین نخجوانی بلغاری،** از بزرگان اولیای قرن هفتم، مزارش در سرخاب تبریز بالاتر از بابایزید نزدیک دره گراب.

○ کوی سرخاب ۲۱۰.

▣ **صمدخان مراغه‌ای،** حاج شجاع‌الدوله رییس دسته قراسوران و حکمران آذربایجان در ۱۳۳۰، از سوی روسها که درین مدت شش ماه، بیش از ۲۴۰ نفر از آزادیخواهان را کشت وی از طرفداران بسیار متعصب محمدعلی شاه و دوستدار روسهای تزاری بود و در آخرین بار هنگام جنگ اول به‌آذربایجان آمد، اما کارش به‌جایی نرسید و چون بیمار بود به‌روسیه کوچید و پس از عمل جراحی در لنینگراد به‌کیسلوودسک رفت و در همان‌جا مرد و به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۱۸۰/۲.

▣ **صمصام‌الدوله،** ابوکالیجار مرزبان، پسر وجانشین عضدالدوله دیلمی که نه سال سلطنت کرد و تمام این مدت به‌کشمکش با دیگر مدعیان پادشاهی از جمله برادران خودش گذشت و سرانجام در ذی‌حجه ۳۸۰ توسط ابونصرابی بختیار کشته شد. مادر وی را نیز در این هنگام کشتند و بدن هردو را در مقابل عمارت سلطنتی به‌خاک سپردند، بهاءالدوله برادر صمصام‌الدوله وقتی به‌بغداد آمد دستور داد که بدن آن دو نفر را از گور درآورده در آرامگاه آل بویه در نجف دفن کنند.

○ تا دغ ۱۰۴.

▣ **صمصام‌السلطنه،** نجفقلی‌خان بختیاری (۱۲۶۹ـ۱۳۴۹)، ایلخانی کل بختیاری، پسر دوم حسینقلی خان ایلخانی پیشین که توسط ظل‌السلطان کشته شد و برادر بزرگ علی قلی‌خان سرداراسعد. هنگامی که سردار اسعد در پاریس مصمم به‌همکاری با مشروطه‌خواهان شد، نجفقلی‌خان نیز به‌مخالفت با محمدعلی میرزا همت گماشت و موفق شد که اصفهان را از حکمران استبدادطلب طرفدار محمدعلی شاه، بازپس گیرد و با مکاتبه و ایجاد ارتباط با سپهدار تنکابنی، اتحادگونه‌ای بین این دونفر به‌وجود آمد که نتیجه آن شکست محمدعلی میرزا و غلبه مشروطه‌خواهان شد. دولت جدید از وی تجلیل کرد و به‌وی نشان قدس داد. وی از قبول حکمرانی کرمانشاه سر باز زد، اما در کابینهٔ چند روزه سپهسالار اعظم وزیر جنگ شد و چند روز بعد خود به‌ریاست وزرا رسید. صمصام‌السلطنه چندبار رییس‌الوزرا شد، آخرین بار در ۱۳۳۶ بود که احمدشاه وثوق‌الدوله را به‌جایش صدراعظم کرد. صمصام‌السلطنه پس از آن در تهران خانه‌نشین شد و پس از درگذشت در ۱۳۴۹ بدنش

را به‌اصفهان بردند و در آرامگاه خانوادگی بختیاری به‌خاک سپردند.

○ ر ج ۳۳۱/۴ - رهبر ۲ + د ۱۵۷۷.

▣ **صنیع‌الدوله، محمدحسن خان** ← آرامگاه اعتمادالسلطنه.

▣ **صنیع‌الدوله، مرتضی قلی‌خان**، پسر علیقلی خان مخبرالدوله، در آلمان تحصیل کرد و پس از بازگشت در سال ۱۳۲۱ به‌ریاست اداره پست و گمرک رسید و یک کارخانه نخ‌ریسی هم به‌تهران آورد که در همان آغاز کار به‌خواست خارجیان از کار افتاد. وی اولین رییس مجلس در ایران بود که استعفا کرد و پس از چندبار وزیر شدن، هنگام تصدی وزارت مالیه در دولت حسن مستوفی توسط یک فردگرجی از اتباع روسیه به‌نام ایوان و دوتن همدستان وی کشته شد، چهارم صفر ۱۳۲۹، مدفون در آرامگاه هدایت خیابان اسلامبول.

○ رهبر ۳۷۹ + د ۱۵۸۵.

▣ **صنیع‌الملک**، میرزاابوالحسن خان غفاری (۱۲۲۹-۱۲۸۳) هنرمند عصر قاجاریه و اولین رییس هنرستان نقاشی در ایران متولد کاشان که وی را در عنفوان جوانی به‌تهران فرستادند و وی توانست با ترسیم چهره محمدشاه، درخشش کامل یابد. ابوالحسن خان از طرف دولت به‌ایتالیا فرستاده شد و ناصرالدین‌شاه وی را نقاشباشی دربار کرد. صنیع‌الملک پس از عمویش میرزاابوالحسن خود را ابوالحسن ثانی خواند. و پسرش ابوالحسن ثالث شد، آرامگاه وی در قسمت شرقی سر قبرآقا، در درگاهی واقع بوده که در آغاز عصر رضاشاه هنگام احداث خیابان ازبین رفته است.

○ کمال ۵ + د ۱۵۸۱ + ر ج ۴۱.

▣ **صور اسرافیل**، میرزا جهانگیرخان. میرزا جهانگیرخان شیرازی با همکاری میرزا قاسم خان تبریز روزنامه‌های سیاسی را در عصر مشروطیت طبع و نشر کردند که تا آن زمان سابقه نداشت. اولین شماره این روزنامه در پنجشنبه ۱۷ دی ۱۲۷۶/۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ طبع و نشر و مرحوم دهخدا نیز با میرزا جهانگیرخان در تهیه مطلب همکاری داشت و مقالات انتقادی تندوی، تحت عنوان چرند وپرند دراین روزنامه نوشته می‌شد. آخرین شماره صوراسرافیل ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ یعنی سه روز پیش از توپ بستن مجلس شورا عرضه شد. میرزا جهانگیر خان را در روز سوم تیر ۱۲۸۶خ در باغشاه به‌شهادت رساندند و به‌قدری روزنامه صور اسرافیل با وجود وی بستگی پیدا کرده بود، که از آن به‌بعد میرزا جهانگیرخان، صوراسرافیل نام گرفت. وی را پس از شهادت پشت دیوار باغشاه دفن کردند اما به‌دستور حکومت آثار گورش محو شد.

○ ر ج ۲۸۳ + د ۱۵۸۷ + صدا - ۱۶ اسفند ۱۳۶۷.

ض

از آرامگاه ضیای اصفهانی تا آرامگاه طالب جاجرمی

▣ **ضیای اصفهانی**، از شاعران عصر قاجار که استاد هیئت و هندسه هم بوده است. م ۱۲۶۵ در اصفهان، تخت فولاد.

○ تا ضف ۱۳۷.

▣ **ضیاالدوله** ← آرامگاه امان‌الله میرزا جهانبانی، پدر.

▣ **ضیاالدین ابوالمعالی**، عبدالملک بن عبدالله جوینی از عالمان بزرگ شافعی در ایران متولد و مدفون در بشینگان، دهی نزدیک نیشابور. م ۴۷۸.

○ تا ن ۶۱.

▣ **ضیاالدین عراقی**، آقاضیا، از علمای بزرگ سده‌های ۱۳ و ۱۴ ساکن نجف شاگرد آخوند خراسانی و شهید مدرس، مرجع تقلید، با برخی تألیفات به‌عربی. وی در نجف درگذشت و در یکی از حجره‌های صحن مرتضوی به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۱۲۶/۶.

▣ **ضیاالعلما**، ابوالقاسم دهخوارقانی که همراه با ثقه‌الاسلام در ۱۳۳۰ در تبریز توسط روسها به‌دار آویخته شد. مدفون در عتبات.

○ فک مؤلفان ۲۴۵.

ط

از آرامگاه طالب جاجرمی تا آرامگاه ظل‌السلطان

▣ **طالب جاجرمی**، از شاعران سده نهم مقیم شیراز معاصر و مصاحب عبدالله بن ابراهیم سلطان. م ۸۵۴، در نزدیک مزار حافظ به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۳۰۱.

▣ **طالبوف، میرزا عبدالرحیم**، (۱۲۵۵-۱۳۳۸) نویسنده متعهد پارسی‌گوی، از پیشگامان تجدد و روشنفکری در ایران که در محلهٔ سرخاب شهر تبریز متولد شد. پدرش نجار بود و وی در ۱۷ سالگی از تبریز به‌تفلیس رفت و با مقاطعه کاری در آن شهر ثروتی اندوخت و به‌تمرخان شوره مرکز ایالت داغستان رفت و در آنجا مقیم شد. کوشش وی در راه تحقق مشروطیت و آزادی در ایران به‌ثمر رسید و انقلاب در ایران شکوفایی یافت. مردم آذربایجان او را در دورهٔ اول به‌نمایندگی انتخاب کردند اما وی به‌عللی شاید پیری و ضعف از قبول این مسئولیت سر باز زد و به‌ایران نیامد. طالبوف آثار مهمی از خود برجای

گـذاشت کـه مـعروفترین آنها کـتاب احـمد و مسالک‌المحسنین است. طالبوف در همان شـهر تمرخان شوره مرد و به‌خاک رفت.

○ د ۱۶۱۰ + چهره‌ها ۶۰.

▣ **طاووس الحرمین در ابرقو** ← آرامگـاه حسـن کیخسرو، احسن بن کیخسرو.

▣ **طـاهرزاده، سـیدحسین** (۱۲۶۱-۱۳۳۴ خ) از خوانـندگان مـوسیقی اصـیل ایـرانـی مـدفون در آرامگاه ظهیرالدوله شمیران

○ مردان موسیقی ۱۶۵.

▣ **طاهر و مطهر،** و ملک کـیومرث اسـتندار، بـا کنده‌کاریهای عالی، صندوق و عمارت آجری در دهکـده هـزار چـال کـجور، کـه سـیدظهیرالدیـن مرعشی در تـاریخ گـیلان مـی‌نویسد. در بـیست وهفتم شـوال ۸۶۳ از آن دیـدن کـردم آرامگـاه را ملک کـیومرث برای آن دو سید ساخته است.

○ آ س ۱۸۶/۳.

▣ **طاهر و منصور،** در کاشان کوی طاهر و منصور قرن ۱۰ و ۱۱.

○ معماری ۹۱/۲.

▣ **طباطبایی، آسیدصادق،** پدر مـرحـوم آقـاسید محمد در سال ۱۳۰۰ در تـهران فـوت کـرد و در حضرت عبدالعظیم به‌خاک سـپرده شـد، بـعدها مرحوم میرزا یوسف مستوفی بر گور وی قـبه‌ای بنا نهاد و آرامگاه خـانوادگـی طـباطبایی تکـوین یافت.

○ ث ۲۰۳ + ذریعه ۱۹۸ + یا ق ۲۳۶.

▣ **طباطبایی، میرزا سیدمحمد سـنگلجی،** فـرزند آسید صادق (۱۲۵۸-۱۲۹۹ خ) یکی از دو مجتهد و روحانی آزادیخواه بنیانگذار مشروطیت کـه در شوال ۱۳۲۳ مهاجرت به‌حضرت عـبدالعـظیم را طراحی و اجـرا کـردند، نـفر دیگـر سـید عـبدالله بهبهانی است که در مجموع به‌این دو نـفر آیـتین مـی‌گویند. مـحمدعلی شـاه پس از تـوپ بسـتن مـجلس آن‌دو را تـبعید کـرد، پس از اسـتقرار مشروطیت این دو بـزرگوار بـه‌تهران بـازگشتند و مورد استقبال پـرشکوهی قـرار گـرفتند. مـرحـوم طباطبایی روحانی متعهد و فقیهی متبحر بـود و خوب می‌دانست و معتقد بود که تا سطح فکر و اطلاع مـردم پـایین است آزادی تـحقق نـخواهـد یافت از این‌رو مدرسه اسلام را در محوطه سنگلج تأسیس کرد و برادر خود سید اسدالله طباطبایی را به‌مدیریت آن گماشت. طباطبایی دومـاه پـیش از کـودتا در دی ۱۲۹۹ بـه‌رحـمت خـدا رفت و در آرامگاه خانوادگی درحضرت عبدالعظیم بـه‌خاک سپرده شد.

○ رهـبر ۲۱۸ + د ۱۶۱۳.

▣ **طباطبایی سید صادق** ← آرامگـاه سـیدصادق مجتهد.

▣ **طباطبایی، سیدضیاالدین** - فرزند سیدعلی آقای یزدی، زاده شده در شیراز ۱۲۷۰ خ، پـانزده سـاله بود که آتش انقلاب در ایران را روشن شد، وی از طرفداران این نهضت بود و ظاهراً روزنامه رعد را بـرای ارائـه افکـار خـودش -کـه بـرخـلاف پـدر استبدادطلب، مشروطه‌خواه بود - به‌راه انداخت، و این مقدمه‌ای بود برای افتادن به‌راهی که تا آخر عمر در آن گام برمی‌داشت: طرفداری از سیاست انگلستان در ایران. پس از جنگ جهانی اول: قرار داد ۱۹۱۹ و کودتای سوم حوت ۱۲۹۹. اما عمر یکه‌تازی و نخست‌وزیری‌اش به‌سه مـاه نـرسید، کودتا اجرا شد اما فرماندهی واقعی آن با رضاخان میرپنج بود که عرصه را بر وی تـنگ کـرد و وی

ناچار شد در برابر اتحاد احمدشاه ـ سردار سپه ـ اعیان استخواندار مرتجع زندانی کشیده، فرار را برقرار ترجیح دهد و از ایران برود، سیدضیا پس از سقوط رضاشاه دوباره به‌ایران آمد اما موفق نشد که به‌ریاست دولت برسد، مصدق به‌طور مستقیم و شاه به‌طور غیرمستقیم جلوش را گرفتند و وی به‌کشاورزی سرگرم شد و از سیاست کناره گرفت. فوت شهریور ۱۳۴۸ مدفون در شهر ری آرامگاه ناصرالدین شاه.

○ ر ج ۱۲۲/۵ + داستان رضاشاه ۶۷.

▣ **طباطبایی، سیدمحمد صادق**، فرزند سیدمحمد طباطبایی، از رجال معروف عصر مشروطیت، نماینده و رییس مجلس، دولتمرد خوشنام عصر پهلوی، سفیر و روزنامه‌نگار فرهنگی و از زعمای مهاجران. در سوم دی ۱۳۴۰ درگذشت و در آرامگاه خانوادگی طباطبایی به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۴۱۰/۳.

▣ **طباطبایی قمی**، حاج آقا حسین (۱۲۸۱ـ۱۳۶۶)، قم حجره سوم شرقی صحن مطهر.

○ فک مؤلفان ۸۷۲/۲.

▣ **طباطبایی یزدی**، سیدمحمد کاظم، (۱۲۵۶ـ۱۳۳۷)، نجف جنب درب طوسی.

○ فک مؤلفان ۲۷/۵.

▣ **طَبرَسی**، ابوعلی فضل بن علی، ملقب به‌امین‌الدین که از مشاهیر محدثین و مفسرین و فقیهان سده ششم است. اثر مهم و بسیار معروف وی تفسیر مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن است که در ذی قعده ۵۳۴ از تصنیف آن فراغت یافت و آن ده مجلد است، جامع فنون لغت و نحو و تصریف و معنی و نزول، بیشتر در نقل اقوال مفسرین از علمای اهل سنت و آثار دیگر. فوت در ۵۴۸ در سبزوار و مدفن او در مشهد در محل معروف به‌قتلگاه.

○ ل ۶۷۴.

▣ **طبری احسان** ← آرامگاه احسان طبری.

▣ **طبیب شیرازی**، نجم‌الدین محمود پسر صاین‌الدین الیاس، از دانشمندان بزرگ شیراز در سده‌های ۷ و ۸ و از خاندانی که بیشترشان پزشک بوده‌اند. نجم‌الدین مورد توجه و علاقه خواجه رشیدالدین قرار گرفت. وی در طب و فقه استاد بود و رییس بیمارستان دروازه سلم شیراز گردید. م ۶۹۰ در شیراز مدفون در محله باغ نو شیراز.

○ تا ن ۱۶۰.

▣ **طرب**، میرزا ابوالقاسم فرزند رضاقلیخان همای شیرازی، از فضلای شاعران، خوشنویسان و هنرمندان عصر خود بوده که در ۱۲۷۶ در اصفهان زاده شد. دیوان وی به‌اهتمام استاد جلال‌الدین همایی در ۱۳۴۲خ در تهران طبع و نشر شد. طرب در ۱۲۹۰خ در ۵۴ سالگی در اصفهان درگذشت و به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۱۱/۶.

▣ **طغرای مشهدی**، که در آخر عمر در سری‌نگر کشمیر مقیم بوده است. مدفون در مزار شاعران. وی معاصر و ملازم شاهزاده مرادبخش بوده و یک مثنوی در وصف کشمیر از او مانده است.

○ نقش پارسی ۹۶.

▣ **طغرل بیگ**، طغرل اول. رکن‌الدین ابوطالب محمد پسر میکاییل سلجوقی اولین پادشاه از این دودمان سلجوقی از ۴۲۹ تا ۴۵۵ که پس از شکست دادن مسعود غزنوی وارد خراسان شد و به‌کوشش سالار بوزگان اولین وزیرش بر تخت

نشست، خلیفه وی را فرمانروای بلاد گشوده شده ساخت و وی موفق شد که خلیفه را از شر بساسیری سردار دربار عباسیان که طغیان کرده بود آسوده سازد. طغرل می‌خواست با دختر خلیفه عروسی کند و قرار بود عروسی در ری انجام شود ولی گرمای هوا طغرل را که ۷۰ ساله بود بیمار ساخت و وی به‌علت خون‌دماغ شدید از دنیا رفت و در ری مدفون شد و بنا بر قولی در مرو در آرامگاه چغری‌بیک به‌خاک سپرده شد برج طغرل در ری کنونی آرامگاه وی است. بنایی سلجوقی ـ قاجار.

○ ری ۴۱۵/۲ و ۵۳۴ + آ ط ۱۴۵ + معماری ۷۷/۲ + د ۱۶۲۶.

▣ **طغرل اول**، و طغرل سوم سلجوقی در شهر ری.

○ ری ۳۸۲.

▣ **طغرل سلجوقی**، در مقاله گنبد طغرل یا دخمهٔ قدیمی (دماوند).

○ کاروند کسروی، تهران ۱۳۵۲ ص ۴۱ + فم ۳۶۵.

▣ **طغرل دوم سلجوقی**، که توسط قتلغ‌اینانج وَتِکش کشته شد و سرش را به‌بغداد فرستادند. گورخانه طغرل.

○ ری ۲۰۶/۲.

▣ **طوسی** ← آرامگاه ابوجعفر طوسی.

▣ **طوطی**، سمنان، جنب مسجد امام قاجاریه

○ معماری ۹۶/۲.

▣ **طوطی شاه خانم**، از همسران فتحعلی‌شاه. حضرت عبدالعظیم باغ طوطی.

○ تا ع ۷۳۴ + تهران در تصویر ۴۳۸.

▣ **طهرانی حاج علی آقا**، در مسجد قائم خیابان سعدی تهران.

○ آ ط ۳.

▣ **طهماسب دوّم صفوی**، که در ۱۱۵۴ به‌فرمان پسر نادر توسط محمدحسین خان قاجار دوّلو، همراه دو پسرش شاه عباس سوم و سلیمان‌میرزا کشته شد. به‌روایتی مشهد، و به‌روایتی در بقعه‌ای در قم، پهلوی جدش شاه سلیمان و پدرش شاه سلطان حسین.

○ رج ۱۹۳/۲.

▣ **طهمورث** ← آرامگاه طهمورث.

▣ **طیب**، ملا ـ شاعر پارسی‌گوی کشمیر معاصر با غنی‌کشمیری‌فقط هفتاد ورق از دیوان او در دست است، آرامگاهش‌درشهرسری‌نگر کشمیر برپاست.

○ فارسی کشمیر ۶۶ با تصویر ورقی از دیوان وی و آرامگاه.

ظ

از آرامگاه ظل‌السلطان تا آرامگاه عادلشاهیان

▣ **ظل‌السلطان مسعود میرزا**، یا سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان، چهارمین پسر ناصرالدین شاه، زاده شده در ۱۲۶۶. ناصرالدین شاه پیش از او سه پسر دیگر پیدا کرد که همه مردند، اما وی به‌علت

اینکه مادرش عفت‌السلطنه دختر رضاقلی بیک غلام پیشخدمت بهمن میرزا، عقدی نبود نمی‌توانست ولیعهد شود و مظفرالدین که از او سه سال کوچکتر بود ولیعهد شد. ظل‌السلطان همیشه مصدر کار بود و از شاهزادگان جسور و پرکار قاجار محسوب می‌شد، که حکمرانی اصفهان را همیشه داشت و چندبار پدرش به‌او مظنون شد، اما ظل‌السلطان با حیله و تدبیر ورشوه خود را حفظ کرد، اگر چه قلمروش کم وزیاد می‌شد. وی چندبار نیز خود را نامزد سلطنت کرد، اما در این باب همیشه ناموفق بود. مسعود میرزا در اواخر جنگ اول به‌اصفهان بازگشت و منزوی شد و پس از مرگ پسرش بهرام میرزا در اثر غرق کشتی سوسکس، تعادل روانی خود را از دست داد و سرانجام دچار افسردگی و جنون شد و در ۲۲ رمضان ۱۳۳۶ مرد و در حرم مطهر حضرت رضا(ع) به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۹۹/۴ + روزشمار ۳۷۴ + یا ق ۲۰۲/۸.

◙ **ظهیرالاسلام** ← آرامگاه سیدجواد ظهیرالاسلام.

◙ **ظهیرالدوله**، محمد قاسم‌خان پسر سلیمان خان قاجار قوانلو، داماد فتحعلی‌شاه. شبی در قمشه در حال بیهوشی و مستی به‌جای در از پنجره بیرون رفت، پرت شد و مرد ۱۳۴۸. وی را در امامزاده شهرضا به‌خاک سپردند.

○ ر ج ۴۶۴/۳.

◙ **ظهیرالدوله** ← آرامگاه ابراهیم خان ظهیرالدوله.

◙ **ظهیرالدوله**، برادرزاده نادر که به‌دست سپاهیان شاهرخ اسیر شد و به‌دستور شاهرخ در راه مشهد به‌قتل رسید و در حرم مطهر حضرت رضا(ع) دفن شد.

○ ر ج ۱۸.

◙ **ظهیرالدوله، میرزا علی خان**، داماد ناصرالدین شاه و رییس انجمن اخوت که روز هفتم تیر ۱۳۰۳ در تهران درگذشت. در بند شمیران.

○ روزشمار ۱۳۳ + گویا در امامزاده هاشم. یا ق ۳۰۱/۸ + در گورستان در شمال شمیران که به‌نام وی ظهیرالدوله نام گرفته است.

◙ **ظهیرالدین عبدالرحمن شیرازی**، از پیروان سهروردی مدفون در شیراز. م ۷۱۴ یا ۷۱۶.

○ تا ن ۷۴۶.

◙ **ظهیر فاریابی** ابوالفضل طاهر بن محمد ۵۵۲-۵۹۸، تبریز مقبرة‌الشعرا.

○ آ ذ ۴۰۷ + کارنامه ۶۹۲ + کوی سرخاب ۳۲۵.

ع

از آرامگاه عادلشاهیان تا آرامگاه غاتفر سریل

◙ **عادلشاهیان هند**، دکن شهر گوکی حوالی آرامگاه پیرچنداحسینی.

○ نقش پارسی ۷۲.

◙ **عادلشاه محمد**، م ۱۶۶۰ م از عادلشاهیان هند،

بیجاپور کل گنبد.
○ معماری هند ۷۶، تصویر ۵۱.
◙ **عادلشاه افشار** ← آرامگاه علیشاه افشار.
◙ **عارف قزوینی، ابوالقاسم**، (۱۲۶۰-۱۳۱۲خ) پسر ملاهادی‌زاده شده در قزوین، ملاهادی وکیل دعاوی بود و چون پسرش صدای خوبی داشت او را نوحه‌خوان کرد. عارف علاوه بر صدای خوب طبع شعر هم داشت وی از قزوین به‌تهران آمد و با محافل بالا آشنا شد به‌حدی که امین‌السلطان او را سر سفره خود می‌نشاند و ران مرغ به‌دستش می‌داد، مظفرالدین شاه نیز او را به‌حضور پذیرفت، و دستور داد که لباس روحانیت را از تن خارج کند. از این به‌بعد عارف یک شاعر ملی و احساسی شد که خود انقلاب مشروطیت را از نزدیک دید و با یک گرایش منفی و بدبینانه به‌نقد آن پرداخت. سپس از ظهور سیدضیاء به‌هیجان آمد و وی را ستود، پس از آن نوبت ستایش از رضا خان سردار سپه و تحول جمهوریت رسید، اما آن کس که مورد توجه خاص عارف واقع شد، کلنل محمدتقی خان پسیان بود که عارف کشته شدن مظلومانه وی را هیچ‌وقت فراموش نکرد. عارف علاوه بر شاعری، خوشنویسی بی‌بدل بود. وی را در آخر عمر به‌همدان تبعید کردند و وی این دوران را با سکوت و غمگینی به‌پایان رسانید و در اول بهمن ۱۳۱۲ مرد وی را در آرامگاه بوعلی به‌خاک سپردند.
○ داستانها ۱۰۴ + روزشمار ۱۹۷ + آذر ۱۳۱۲ فوت ر ج ۶۰ + از صبا ۱۴۶ + چهره‌ها ۱۱۴.
◙ **عارفان مدفون در جوار باباطاهر** ← آرامگاه باباطاهر
◙ **عاشق بخارایی**، مولانا کمال‌الدین از دانشمندان سده دهم، شاعر و خوشنویس. م ۹۵۸ مدفون در جوار مزار احمد خضرویه.
○ تا ن ۶۲۴.
◙ **عباس آقا**، قاتل امین‌السلطان. قبرستان چهارده معصوم.
○ رهبر ۳۳۰.
◙ **عباس بن علی**، (۱۲۴۲-۱۳۱۵) فقیه اصولی، ادیب و شاعر از خاندان کاشف‌الغطا، متولد نجف، در هندیه درگذشت و در نجف به‌خاک سپرده شد.
○ د ب ۱۰۲/۲.
◙ **عباس بن علی**، بقعه عباس بن علی. در سمت چپ جان چغازنبیل در هفت تپه. با گنبد مضرس کوچک و آجرکاری.
○ د ش ۱۵۰ + معماری ۸۵
◙ **عباس افندی**، میرزا عباس معروف به‌عبدالبهاء و غصن اعظم پسر بزرگ میرزا حسینعلی نوری معروف به‌بهاء یا بهاءالله در ۱۲۶۰ در محله عربها در خانه میرزاحسینعلی زاده شد. از سال ۱۳۰۹ که پدرش درگذشت به‌ریاست رسید، ابتدا با سه برادر تنی‌اش که مادرشان مهدعلیا بود (مادر عباس نوابه + ام‌الکائنات بوده است) کشمکشهایی داشت اما بر ایشان فائق آمد. کار مهم عباس افندی سیر وسیاحت در تمام جهان آباد و متمدن آن روزگار بود. عباس افندی پس از این سفرها به‌جای عکاکه مقر پدرش بود در حیفا مقیم شد و روابطی گرم با بریتانیا برقرار ساخت و لقب سِر گرفت. تصویر وی در مجلس دریافت این لقب در حضور مارشال لُرد آلنبی در دست است. عباس

افندی در ۲۷ ربیع اول ۱۳۴۰ در حیفا، در ۸۰ سالگی درگذشت و در جبل کرمل بالای حیفا در کنار آرامگاه منسوب به‌سید علی‌محمدباب مدفون شد و شوقی افندی جانشین وی شد.

○ ر ج ۲/۱/۲۰۰ با تصویرها.

▣ **عباس اقبال آشتیانی** ← آرامگاه اقبال آشتیانی، عباس.

▣ **عباس علی**، بقعه عباس علی در شهر دزفول در خیابان گلنار با تابلو معرفی عباسیه اعظم که بقعه آن به‌بناهای سلجوقی و تیموری، مشابهت دارد. این عباس از احفاد یحیی بن زید بن علی(ع) است.

○ د ش ۳۹۲.

▣ **عباس میرزا نایب‌السلطنه**، پسر دوم فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۰۳ـ۱۲۴۹) که در آبادی نوای مازندران زاده شد، از سال ۱۲۱۳ ولیعهد و حکمران آذربایجان شد و میرزا بزرگ قائم‌مقام وزیر وی گردید. متأسفانه این حکمرانی مصادف شد با لشکرکشی روسها به‌قفقاز و موافقت و همکاری زیرپرده انگلستان با ایشان که منجر به‌از دست دادن این نواحی مهم در شمال غرب کشور شد. عباس‌میرزا را می‌توان شجاع‌ترین و مدبرترین شاهزاده قاجار دانست.

○ ر ج ۲/۲۱۵.

▣ **عبدالباقی حکیم‌باشی**، حاج ـ ملقب به‌اعتضادالاطبا طبیب ویژه عزت‌الدوله. فوت در کربلا و مدفون در همان شهر.

○ ر ج ۲/۲۳۵.

▣ **عبدالباقی خان، میرزا** ـ منجم‌باشی لنگرودی دخترزاده شاهرخ افشار و داماد فتحعلی شاه و متولی آستان قدس. م ۱۲۷۰ تهران ابن بابویه.

○ ر ج ۲/۲۳۷.

▣ **عبدالبها** ← آرامگاه عباس افندی.

▣ **عبدالجواد خطیب**، خوشنویس، ۱۳۵۰ بیرون تکیه کازرونی تخت فولاد اصفهان.

○ خوش ۳۶۸.

▣ **عبدالحسین خان وکیل‌الملک**، پسر سیدفضل‌الله خان وزیر خلوت و برادر کوچک حشمت‌الدوله والاتبارکه در ۱۳۰۶ در تبریز زاده شد، در ایران و پاریس تحصیلاتی کرد و مشاغل گوناگون یافت و آخرین سمتش رییس محاسبات دربار رضاشاه بود. در آخر عمر به‌ملایر تبعید شده بود، تا اینکه‌در همان شهر به‌سال ۱۳۲۰/۱۳۶۰خ کشته شد و به‌خاک رفت.

○ ر ج ۵/۱۴۲.

▣ **عبدالحسین میرزا فرمانفرما** ← آرامگاه فرمانفرما.

▣ **عبدالخیر**، در ۵ کیلومتری غرب قریه قروه، صفوی.

○ معماری ۲/۹۴.

▣ **عبدالرحیم**، اژه‌آبادی یا اچابادی زاده شده در تبریز در کوی سرخاب. وی بافنده ابریشم بود که موردتوجه بابامزید قرار گرفت و به‌مقامات عالی رسید. م ۶۵۵ پس از دوازده سال سفر و سیر وسلوک عارفانه.

مدفون در کوی سرخاب تبریز

○ کوی سرخاب ۲۰۶.

▣ **عبدالرحیم خان خانان**، قهرمان میرزا پسر بیرام خان خان خانان از امیران دستگاه بابریان که به‌چهار یا پنج پشت نسبش به‌علی شکر ترکمان بهارلو می‌رسد، خاندانی که از مدتها پیش در بدخشان مقیم بوده‌اند. بیرام خان از عوامل

تشکیل و تقویت سلسله بابری بوده است و شیعی متعهد به‌طوری که بدنش را به‌مشهد برده به‌خاک سپردند. آرامگاه عبدالرحیم در دهلی و از زیباترین عمارات آرامگاهی هند است.

○ تا ن ۳۵۹.

▣ **عبدالرحیم خلوتی،** در حظیره بابامزید درکوی سرخاب عارف و خوشنویس. از او نقل می‌کنند: ما به‌چله می‌نشینیم و یک مصحف بیرون می‌آوریم و دیگر درویشان که می‌نشینند آیاچه بیرون می‌آورند. قرن نهم.

○ کوی سرخاب ۱۸۵.

▣ **عبدالرسولی،** علی ـ متولد ۱۲۵۸ تهران، پسر علامه عبدالرسول فیروزکوهی، شاعر و محقق، خوشنویس و فاضل. فوت در ۶۴ سالگی. تخت فولاد اصفهان.

○ رج ۱۶۳/۶.

▣ **عبدالصمد** ← آرامگاه شیخ عبدالصمد ماستری نطنزی اصفهانی.

▣ **عبدالعالی و عبدالمعالی،** در سمنان، محلات ثلاث.

○ معماری ۹۶/۲.

▣ **عبدالقادر گیلانی،** و شهاب‌الدین سهروردی، بغداد.

○ تا ن (۳۸).

▣ **عبدالکریم حائری یزدی،** حاج شیخ ـ در ۱۲۷۶ در مهرگرد یزد زاده و در ۱۳۱۶ به‌دعوت بزرگان و علمای شهر اراک به‌آن شهر رفت و چند سال در آن شهر بود و سپس به‌دعوت علمای قم به‌قم رفت و حوزه علمیه قم را پایه‌گذاری کرد. فوت در بهمن ۱۳۱۵، ذی‌حجه ۱۳۵۰ در قم. مدفون در کنار رواق حضرت معصومه(ع).

○ رج ۲۷۵/۲.

▣ **عبدالکریم گزی،** آخوند ملا، زاده شده در ۱۲۷۲، فرزند حاج ملامهدی با تخلص شعری مهدوی و نویسنده تذکرةالقبور. وی در ۱۳۰۰خ / ۱۳۳۹ در اصفهان مرد و در گورستان تخت فولاد به‌خاک رفت.

○ رج ۱۴۷/۵.

▣ **عبدالله پسر طاهر،** دومین امیر از خاندان طاهر. نیشابور حظیره، مجموعه‌ای از قبور آل طاهر و برخی از اجله سادات.

○ آخ ۱۲۹.

▣ **عبدالله بن علی بن ابی‌طالب(ع)،** بصره.

○ س ۴۶.

▣ **عبدالله بن علی،** در شمال شهر شوش، شاید قبر دعبل‌بن علی شاعر آل محمد.

○ دش ۱۰۱.

▣ **عبدالله جنگی دوست،** فرزند ابوعبدالله از احفاد حسن مثنی متولد ۴۷۰ در نیف گیلان. صوفی و واعظ معروف و مؤسس فرقه قادریه، م ۵۶۱ در بغداد و مدفون در همان شهر.

○ تا ن ۱۳۱.

▣ **عبداللطیف طسوجی تبریزی،** میرزا، مترجم نامدار عصر قاجاریه ملقب به‌ملاباشی آخر عمر معتکف در نجف. م ۱۲۹۷، نجف.

○ تا ضف ۴۸۵.

▣ **عبدالمحمد میرزا،** سیف‌الدوله برادر عین‌الدوله. م ۱۳۳۹، ملایر مقبره‌ای که خود در پارک ساخته بود.

○ رج ۱۰۲/۲.

▣ **عبدالنبی طسوجی،** ملا، از فضلای آذربایجان از ۱۲۹۶ مقیم کربلا، م ۱۳۰۳ کربلا و مدفون در

همان شهر.

○ ر ج ۱۵۱/۶.

▣ **عبدالوهاب، حاجی.** پسر عبدالقیوم نایینی (۱۱۱۸-۱۲۱۲) عارف معروف مرشد حاج محمدحسن تبریزی پدربزرگ مشیرالدوله نایینی که در نایین مرد و به‌خاک رفت.

○ ر ج ۳۱۸/۲.

▣ **عبدالوهاب قزوینی،** پدر میرزا محمدخان و یکی از نویسندگان اربعه نامه دانشوران، فوت در ۶۱ سالگی در خانه محله دروازه قزوین و نمی‌دانیم کجا دفن شد باید پرسید.

○ یا ق ۲۱۰/۵.

▣ **عبدالهادی پارسا،** خواجه نظام‌الدین پسر خواجه ابونصر ثانی، از احفاد خواجه محمدپارسا پیشوای نقشبندیه که مدتی قاضی شهر بلخ بود. وی در شاعری دست داشت و در اثر بیماری کوچکی مرد و در جوار جدش خواجه محمدپارسا به‌خاک رفت.

○ تا ن ۶۲۳.

▣ **عبرت نایینی،** شاعر امامزاده عبدالله شهر ری.

○ کارنامه ۷۳۷.

▣ **عبیدالله احرار،** خواجه ناصرالدین سمرقندی. از بزرگترین مشایخ نقشبندیه در سده نهم مقیم روستای کماگران سمرقند. م ۸۹۵ در سمرقند و مدفون در آن شهر آرامگاهش اکنون زیارتگاه است. کتاب سلطان‌العارفین مولانا محمد قاضی در مناقب وی است و خود وی مؤلف تحفةالاحرار است.

○ تا ن ۲۶۳ و (۸۸).

▣ **عدل‌الملک،** سیدحسن شام غازانی، زاده شده در تبریز ۱۲۵۷ از ادبا وفضلای عصر خود و جد خاندان عدل که در سال ۱۳۳۶ در تبریز مرد و در آرامگاه سیدحمزه به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۷۹/۶.

▣ **عدل‌الملک** ← آرامگاه دادگر، حسین.

▣ **عراقی، فخرالدین،** ابراهیم فرزند بزرگمهر شاعر متصوف معروف، مرید و داماد بهاءالدین زکریا ملتانی که در ۵۶۵ زاده شد و در ۷ صفر ۶۶۴ یا ۶۶۶ درگذشت. وی در جهان اسلام سیر و سیاحت کرد و در سرودن اشعار عارفانه از استادان طراز اول بود. آرامگاه او در دمشق کنار آرامگاه ابن عربی بود که آن را ازبین برده‌اند.

○ تا ن ۷۴۰ + د ۱۷۰۷ + ت دکتر سلیم اختر.

▣ **عراقی، آیت‌الله** ← آرامگاه آیت‌الله اراکی.

▣ **عرفی شیرازی،** سیدجمال‌الدین محمد ابتدا در سال ۹۹۰ به‌دکن رفت و از آن جا به‌فتح‌پور نزد فیضی رفت فیضی وی را در خانه خود نگه‌داری می‌کرد اکبر به‌وی توجه داشت و جهانگیر از حامیان و دوستان وی شد. به‌قولی مخالفان به‌او زهر خوراندند و وی از اسهال مرد. عرفی در لاهور به‌خاک سپرده شد تا اینکه در سال ۱۱۹۴ سهواً بقایای بدن وی را به‌جای جسد کسی که در پهلوی او دفن بود، به‌نجف‌برده به‌خاک سپردند.

○ تا ن ۴۱۷.

▣ **عزیزالسلطان، غلامعلی** ← آرامگاه ملیجک.

▣ **عزیزخان مکری،** سردار کل فرزند محمد سلطان مکری والی آذربایجان، م ۱۲۸۷ تبریز در جوار سیدحمزه.

○ کوی سرخاب ۱۱۲.

▣ **عشقی،** میرزاده عشقی، سیدمحمد رضا فرزند سیدابوالقاسم کردستانی، شاعر وطنی ایران دوست، زاده شده در ۱۳۱۲ که پس از تحصیل

مترجم یک بازرگان فرانسوی شد و در هفده سالگی وارد کارهای سیاسی اجتماعی گردید. عشقی پس از آغاز مهاجرت در عصر احمدشاه به‌اسلامبول رفت و در آنجا پس از تحصیل و یاد گرفتن زبان به‌شکل مستمع آزاد، آثاری از خود به‌یادگار گذاشت. عشقی در ۱۳۳۶ به‌همدان بازگشت و سپس به‌تهران آمد و مبارزات سیاسی خود را بر ضد قرار داد ۱۹۱۹ آغاز کرد. پس از مدتی کودتا حادث شد و وی این بار مبارزه‌ای سخت‌تر را آغاز نهاد و آن انتقاد شدید از خودسریهای سردار سپه پس از کودتا بود که به‌قیمت جانش تمام شد. مقالات مربوط به‌جمهوری و کاریکاتور جالبی که داستان دزدی شیره توسط یاسی را از خم شیره، درحالیکه سوار بر الاغ است، مجسم می‌ساخت و آرم جمهوری را که عبارت بوده از ترکیب اسکناس و توپ و تفنگ و گرزگاو سر، مشت و شلاق و... ارائه کرد، این بار سردار سپه تاب نیاورد و به‌اشاره وی بامداد روز آخر ذی‌قعده ۱۳۴۲ (۱۲ تیر ۱۳۱۰) دو سه ناشناس ولی معلوم‌الحال وی را در خانه‌اش در ولی‌آباد تهران کشتند. جنازه وی با احترام از سوی مردم تشییع و در ابن‌بابویه به‌خاک سپرده شد.

○ از صبا ۳۶۱ + تاب ۶۶/۳.

▣ **عصار**، خواجه محمد تبریزی، شمس‌الدین ـ از شاعران سده هشتم که قصه مهر و ماه را به‌نظم در آورد.

○ تا ن ۲۰۳ و ۳۴۱.

▣ **عضدالدوله**، ابوشجاع پناه (فنا) خسرو یکی از سه پسر حسن رکن‌الدوله بویه‌ای بود که در سال ۳۳۷ یا ۳۳۹ در حضور ارکان رجال کشور، جانشینی خود و امارت فارس را به‌وی داد. وی معروفترین پادشاهان این سلسله بود و از لحاظ قدرت سیاسی و شم فرهنگی و اجتماعی یکی از برجسته‌ترین حکومتگران ایران است. عضدالدوله در ۳۷۲ دچار مرض صرع شد و در اثر بیماری و ضعف در هشتم شوال همان سال مرد، طبق وصیت بدنش را در نجف در آرامگاه پادشاهان بویه نزدیک حضرت علی(ع) به‌خاک سپردند.

○ د ت ۶۳۷ + شیرازنامه ۳۲ + تا د غ ۷۸.

▣ **عضدالسلطنه**، سلطان احمد میرزا (۱۳۰۸ـ۱۳۵۸)، پسر ناصرالدین‌شاه که بسیار به‌وی شبیه بود، احمدمیرزا در تهران مرد و در آرامگاه محمدشاه در قم به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۱۱۷/۶.

▣ **عضدالملک**، علی رضا خان قوانلو ایلخانی قاجار پسر موسی خان و دایی ناصرالدین شاه، زاده شده در ۱۲۳۸. نخستین سمت وی غلام بچگی محمدشاه بوده است. در عصر ناصرالدین‌شاه که غلام بچه‌باشی شده بود به‌علت خبرچینی برای میرزا آقاخان چوب خورد و از دربار اخراج شد، اما به‌واسطه اینکه برادرزاده مهدعلیا مادر ناصرالدین‌شاه بود. دوباره به‌دربار راه یافت و سرپرستی طلاگیری گنبدهای کاظمین را عهده‌دار شد و به‌خوبی از عهده این کار برآمد. پس از آن مشاغل عمده یافت و مدتی به‌اصطلاح وزیر عدلیه شد. محمدعلی شاه او را دوست نداشت، گرچه او کوشش داشت که بین محمدعلی و مجلس را بهبود بخشد. سرانجام روز جمعه ۲۸ تیر ماه ۱۲۸۸ ۲۸ جمادی دوم ۱۳۲۷ محمدعلی به‌سفارت روس پناه برد و مخلوع شد و احمدشاه

بــه‌جایش نشست و چــون خــردسال بــود عضدالملک را بـه‌عنوان نـایب‌السلطنه انـتخاب کردند و وی یک سال و سه‌ماه بعد، در ۱۷ رمضان ۱۳۲۸ در ۹۰ سالگی به‌رحمت خدا رفت و در ایوان آرامگاه ناصرالدین شاه دفن شد.

○ رج ۴۳۵/۲ + رهبر ۴۹۶/۲ + تاریخچه ۷۸ + چهره‌ها ۸۴.

◫ **عطار**، شیخ فریدالدین محمد فـرزند ابراهـیم نیشابوری (۵۴۰ـ۶۱۸) نویسنده و شاعر صـوفی مشرب ایران و از پیشگامان جلال‌الدین بلخی در نظم کردن مثنویهای عـرفانی بـود. وی در کـدکن زاده شد و در نیشابور به‌شغل پدری که عطاری بود سرگرم شد. پدرش نیز با داشتن این حرفه که در آن زمــان، تـرکیبی بـود از طـبابت و داروســازی و داروفروشی مردی فرهنگ دوست، شاعر و ادب پرور بـود. عـطار در مسـلک عـرفان تـابع شـیخ ابوسعید ابوالخـیر بـود و گـذشته از تـخصص در پزشکی و داروسازی در حکمت و نجوم و ادب و علوم دینی نیز بصیرت داشت. از عطار آثار مهمی برجای مانده که از آن جمله است تذکرةالاولیـاء. سال فوت و یا کشته شدن وی ۶۱۸ است، او را در شهر نیشابور نزدیک مزار خیام به‌خاک سپردند، با بقعه‌ای کاشیکاری شده و سنگ قبر و سـنگی به‌شکل سـتون کـه در آن اشـعاری در ثـنای او و شـرح شـهادتش نـوشته شـده است. بـقعه او را نیرالدوله در عصر فتحعلی‌شاه ساخت و انـجمن آثــار مـلی آن را تکـمیل و در جـوارش آرامگـاه کمال‌الملک را بنا کرد.

○ ف ۲۲ + تا ن ۱۱۳ (۳۶) + آ خ ۱۲۹ + کارنامه ۳۳۰ + بنای تیموری. معماری ۸۹/۲ + د ۱۷۴۱.

◫ **عطاملک جوینی**، وزیر معروف ایلخانان مغول که در ۴ ذی‌حجه ۶۸۱ از غصه مرد، تبریز.

○ تا غ ۲۲۴.

◫ **علاءالدوله اوّل**، نجف اشرف.

○ رج ۴۰۰/۳.

◫ **علاءالدوله کاکویه**، محمد فرزند رستم معروف به‌پسر کاکویه، مؤسس سـلسله‌ای از دیـلمیان در ایران، سده چهارم و پنجم. ابن سینا مدتی وزارت وی را بر عهده داشت و دانشنامه علایی را بـه‌نام وی نوشت. م ۴۳۳، اصفهان.

○ د ب ۱۰۸/۲.

◫ **علاءالدوله امیرعلی**، فرزند فرامرز، دومین نفر از آل کاکویه یزد (۴۴۳ـ۵۳۶) در جنگ با بُرکیارق سلجوقی که در بیابان میان سـاوه و ری روی داد کشته شد. پیکرش را فـرزندش گـرشاسب بـه‌یزد آورد و در مدرسه دومناره به‌خاک سپرد.

○ د ب ۱۱۳/۲.

◫ **عـلاءالدوله سـمنانی**، بـیابانکی، رکـن‌الدیـن ابوالمکارم احمد پسر شرف‌الدین، از عارفان نامی ایـران، زاده شـده در ۶۵۹، پس از سـفر حـج در خانقاهی که در صوفی آباد سمنان ساخت، منزوی شد. م ۷۳۶ جمعه سوم ماه رجب و در خانه خود به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۱۴۸ + خانقاه را الجایتو سـاخت و او را برای گشایش آرامگاه خود به‌سلطانیه دعوت کرد، خـانقاه وی در ۱۹۵۰ م مـنهدم شـد. مـعماری ایلخانی ۱۷۰ + آثار ایران ۲۶۳/۲ و ۹۰/۳.

◫ **علاءالدین**، در جام با تـصویر، مـانده از سـده دوازدهم.

○ معماری ۹۵/۲ + معماری ایران ۹۹.

◫ **علاءالدین**، بنایی از سـده هشـتم در ورامـین، علاءالدین امیرعلی آن را برای خود ساخته است

مورخ ۶۸۸.

○ آ ط ۲۶۰ + هنر ۳۴۸/۸ + مورخ ۱۲۸۷م. معماری ایران ۸۸ + معماری ۱۷۷ + مشابه بنا بناهای سلجوقی ایران یک ۱۴۸/۴۹ + ایلخانی ۱۲۹.

▣ **علاءالدین نورتاج**، در جنوب دهلی ـ قصبه مهرولی و نزدیک مزار خواجه قطب‌الدین بختیار کاکی، این مزار در میان مردم به‌مزار شیخ یوسف قتال معروف شده، درحالی که طبق کتیبه موجود این مزار، مزار علاءالدین نورتاج است. علاءالدین نبیره شیخ فریدالدین گنج شکرصوفی معروف است که معاصر با اسکندر لودی بوده است، وفات شیخ در ۹۴۸ اتفاق افتاد در حالی که تاریخ کتیبه ۹۱۳ است.

○ نقش پارسی ۸۳.

▣ **علاءالسلطنه**، میرزا محمدعلیخان، از رجال متأخر قاجاری که در سوّم تیر ۱۲۹۷ در تهران مرد. باغ طوطی مقبرهٔ مجدالملک.

○ رهبر ۴۴۴/۲ + رج ۴۴۹/۳ + تا صنف ۱۱۴۷.

▣ **علاءالملک، سیدمحمودخان** متولد ۱۲۵۸ پسر میرزاعلی اصغر متولی و برادر میرزا رفیع نظام‌العلما فوت ۱۳۴۴. تهران قم مقبره امین‌السلطان.

○ ر ج ۴۲/۴.

▣ **علامه اقبال لاهوری** ← آرامگاه اقبال لاهوری.

▣ **علامه حلی**، جمال‌الدین حسن، فرزند یوسف بن مطهر حلی (۲۹ رمضان ۶۴۸ـ۲۱ محرم ۷۲۶). فقیه بزرگ شیعه امامیه، کلامی و حکیم و محدث معروف با تألیفات بسیار. در سال ۷۰۷ که سلطان محمد الجایتو زنش را به‌عللی طلاق داد، علامه برمبنای فقه شیعه این طلاق را به‌علت عدم حضور دو شاهد عادل باطل دانست، الجایتو از این فتوا خوشحال شد و آیین تشیع را پذیرفت. علامه حلی آثار مهمی از خود به‌یادگار گذاشت که از آن جمله است ارشادالاذهان الی احکام الایمان در فقه و تبصرةالمتعلمین فی احکام‌الدین که به‌تبصره علامه معروف است و آثار مهم دیگر. علامه حلی در حُله از شهرهای عراق درگذشت و در نجف جنب مرقد حضرت علی(ع) به‌خاک سپرده شد.

○ د ۱۷۵۷.

▣ **علامه دوانی**، جلال‌الدین محمد فرزند سعدالدین اسعد کازرونی، معروفترین دانشمند قرن نهم، پدرش قاضی دوانِ کازرون است. علامه دوانی در ۹۰۸ درگذشت و در دوان به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۲۶۶ + ا ق ۱۱۱.

▣ **علامه طباطبایی**، م ۱۳۶۰خ قم در جوار حضرت معصومه.(ع)

○ سیما ۲۲ آبان ۱۳۷۳.

▣ **علامه قطب‌الدین محمود**، فرزند ضیاءالدین کازرونی شیرازی، زاده شده در شیراز ۶۳۴. پدرش پزشک بود و او هم پزشکی آموخت و همکار خواجه نصیر در رصدخانه مراغه و معاشر و مصاحب با جلال‌الدین بلخی و صدرالدین قونیوی در قونیه بود. وی دانشمند و پزشک و ریاضیدان و حکیم و متکلم و موسیقیدان بود و در ۷۱۰ در تبریز مرد و در محله چرنداب به‌خاک سپرده شد. در آرامگاه شعرا جنب آرامگاه قاضی بیضاوی.

○ تا ن ۱۴۷ + تا غ ۵۰۷ + آ ذ ۴۱۵.

▣ **علامه میرسید شریف جرجانی**، م ۸۱۶،

دارالشفای شیراز.

○ ا ق ۳۸۵.

▣ **عَلَم، امیرعلم خان حشمت الملک،** (امیرعلم خان سوم) پسر امیراسدالله خان حکمران قائنات، در ۱۳۰۹ با منصب امیرتومانی مرد و در حرم امام‌رضا، دارالسعاده، صفهٔ معروف به‌امیرقاین به‌خاک سپرده شد. وی پدربزرگ اسدالله علم وزیر دربار و محرم اسرار محمد رضاشاه بود.

○ ر ج ۳۴۱/۲.

▣ **علمبردار،** سردار اسلام در عهد حضرت علی(ع)، در آمل، بنایی از قرن چهارم.

○ د ب ۲۱۲/۲ با تصویر.

▣ **علمدار،** در خارگ با دو گنبد نیمدایره کوتاه در نزدیک سواحل شرقی و حوالی آن قبرستانی در سنگ کنده شد.

○ خارگ ۱۳۱.

▣ **علمدار،** در دزفول با نقاشیهای داخلی.

○ د ش ۵۳۱.

▣ **علمدار،** بقعه علمدار در شهر رامهرمز پشت پارک شهر.

○ معماری ۸۵/۲.

▣ **علمدار،** بقعهٔ علمدار در شیراز محلهٔ لب آب.

○ معماری ۸۶/۲.

▣ **علویان، گنبدعلویان،** در همدان. مجموعه‌ای در مرکز شهر همدان منسوب به‌دو سید به‌نامهای سیدعلی و سیدحسن، که احتمالاً بنا از دوران مغول و شاید عصر سلجوقیان برجای مانده است. حدود ۱۲۰۰ م. هرتسفلد تاریخ بنا را بین ۱۳۰۹ و ۱۳۱۶ م می‌داند. از سوی دیگر برخی ویژگیهای آن همانند است با بناهای سلجوقی در مراغه، درحالی که از لحاظ تزیینات بنا پرکارتر و کاملتر از بناهای سلجوقی است.

○ معماری ایلخانی ۱۶۴ + معماری ۹۵/۲ + هنر ۳۲۵/۸ + ایران یک ۱۴۲.

▣ **علی،** گنبدعلی در ابرقو از سده پنجم.

○ معماری ۹۳/۲ و ۱۳۲.

▣ **علی** ← آرامگاه عمیدالدین شمس‌الدوله.

▣ **علی بن ابوالمعالی،** پسر علی صافی، با کتیبهٔ مورخ ۷۶۱، قم.

○ معماری ایلخانی مصور ۱۹۹.

▣ **علی بن بابویه قمی،** پدر شیخ صدوق. بنای صفوی در قم. نزدیک آستانه ستی فاطمه، قاجاریه.

○ معماری ۷۸۲/۲ + آثار ایران ۲۲۰/۳ + د ت ۲۴ ابن‌بابویه.

▣ **علی بن جعفر،** بقعه علی بن جعفر معروف به‌در بهشت در قم از قرن هشتم، با حرم چهارضلعی و گنبد دوپوش هرمی ۱۲ ترک.

○ آ ط ۳۷۸.

▣ **علی بن جعفر،** در سمنان، خیابان شهید رجایی.

○ معماری ۹۵/۲.

▣ **علی بن جعفرالصدیق،** و ابوجعفر محمدبن موسی کاظم(ع). قم قرن ششم.

○ معماری ایلخانی ۱۴۴ + معماری ۹۵/۲.

▣ **علی بن سهل،** از عرفای قرن هفتم. اصفهان طوقچی. فقط آثار آن مانده است.

○ آ ص ۸۱۲ + قرن سوم ل ۲۸۱۲ + فم ۳۷۲.

▣ **علی بن مازیار،** از صحابهٔ حضرت رضا(ع) در جاجرم.

○ د ت ۴۵.

▣ **علی بن محمد،** بقعه علی بن محمد ملقب به‌قاضی صابر در ونک تهران، در کنار باغ مرحوم

مستوفی از عصر ناصرالدین شاه برجای مانده با کتیبه. در تاریخ ۱۳۰۳ که به‌همت مرحوم مستوفی ساخته شده با سنگ قبر و شعرهایی که بر آن کنده شده است.

○ آ ط ۲۱۳.

▣ **علی بن مهریاز**، اهواز نزدیک پل چهارم، صفوته قرن ۱۴.

○ معماری ۸۵/۲.

▣ **علی اکبر شاهی**، موسیقیدان و نوازنده سنتور. وی همان کس است که هنگام قصه‌گویی نقیب‌الممالک برای ناصرالدّین‌شاه سنتور می‌زد. تهران چهارده معصوم.

○ سرگذشت ۴۶۴

▣ **علی برید**، در یک میلی جنوب غربی شهر بیدر در نزدیکی حیدرآباد دکن در دیوار این آرامگاه در روی زمینهٔ کاشی ملون برخی اشعار نغز و مناسب از عطار و سعدی و دوقطعه درباب تاریخ فوت وی در ۹۸۷، نوشته شد. از سعدی دو غزل در دیواره مزار خوانده می‌شود که دو بیت از غزل دومی را می‌آوریم:

«دامن‌کشان که می‌رود امروز برزمین
فردا غبار کالبدش بر هوا رود
خاکت دراستخوان رودای‌نفس خیره چشم
مانند سرمه‌دان که در او توتیا رود»

○ نقش پارسی ۹۱.

▣ **علی ثانی** ← آرامگاه میرسیدعلی همدانی.

▣ **علی خان خواجه نوری**، میرزا ـ پسر سوم میرزا خان نوری که در تبعید با پدر همراه بود و در سال ۱۲۸۰ به‌وی اجازه دادند که به‌تهران برگردد. علی خان در سال ۱۳۱۰ به‌مکه رفت و در آنجا فوت کرد و به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۱۵۵/۵.

▣ **علی خان ظهیرالدوله** ← آرامگاه ظهیرالدوله.

▣ **علیشاه**، علی‌قلی‌خان پسر ابراهیم خان افشار (برادر نادر که در قفقاز کشته شد) ملقب به‌عادلشاه که در سال آخر پادشاهی نادر، مأمور گوشمالی دادن به‌مردم سیستان که قیام کرده بودند شد. اما وی با سیستانیان هم‌عهد شد و خود برضد عمویش قیام کرد و پس از کشته شدن نادر با نشر اعلامیه‌ای خود را شاه خواند و از عمویش نادرشاه که دشمن شیعیان بود بدگویی کرد و او را ظالم و خونریز خواند درحالی که خود وی روی نادر را در این باب سفید کرد. وی پسران نادر و پسران این دو پسر را اسیر و همه را مسموم و کور کرد و کشت، فقط در شاهرخ پسر رضاقلی میرزا سم اثر نکرد. علیشاه پس از مقابله و جنگ با برادرش ابراهیم گرفتار شد و به‌قولی توسط زنان حرم نادر تکه تکه و معدوم شد و یا اینکه به‌دستور ابراهیم شاه در خرابه‌ای سرش را بریدند و جنازه‌اش معدوم شد و امروز آرامگاهی برای وی نمی‌توان یافت سال مرگ وی ۱۱۶۲ در ماه جمادی دوم بوده است.

○ ر ج ۴۶۱/۲.

▣ **علی صافی و عمو و پسرعمویش** ← آرامگاه علی‌بن ابوالمعالی.

▣ **علی عون**، بقعه علی عون، در هفت تپه در میان کشتزارهای نیشکر، بدون هیچ گونه نوشته‌ای بر بدنه داخلی و خارجی عمارتی قدیم، شاید ساسانی که به‌مرور به‌صورت بنایی اسلامی جلوه‌گر شده است.

○ د ش ۱۴۹ + معماری ۸۵.

▣ **علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه**، پسر پنجاه

وچهارم از زن پنجاه ودوم فتحعلی‌شاه قاجار که مادرش گل پیرهن خانم که ارمنی و از مردم تفلیس بود در ۱۲۳۴ زاده شده. وی از افاضل علمای قاجاریه که آثاری نیز از وی در دست است. در سال ۱۲۶۴ هنگام فوت محمدشاه غازی مشیر و مشار و همه‌کاره ملک جهان خانم مهدعلیازن محمدشاه و مادر ناصرالدین‌شاه بود. وی از دوستان و متحدان میرزاآقاخان نوری و مورد سوءظن امیرکبیر بود، از این‌رو پس از افول ستاره بخت امیرکبیر در ۱۲۷۵ به‌ریاست دارالفنون رسید و وزیر علوم شد و به‌همت وی گروهی از ایرانیان برای تحصیل به‌اروپا اعزام شدند. وی بانی انتشار چند روزنامه شد که از آن جمله است رونامه علمیهٔ دولت علیهٔ ایران به‌سه زبان فارسی، عربی و فرانسه. اعتضادالسلطنه به‌مقامات گوناگون رسید و سرانجام در شب عاشورای ۱۲۹۸ درگذشت و در حضرت عبدالعظیم به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۴۴۷/۲ + تا ضف ۵۰۲.

▣ **علی مالک**، بقعه علی مالک در دزفول، درکنار خیابان ششم بهمن (سابق) دو قبر منسوب به‌ابراهیم و عقیل پسران حضرت امیر(ع) نیز در این بنا قرار دارد که همه بدون تاریخ است.

○ د ش ۳۷۳ + احتمالاً قاجاری + معماری ۸۵/۲.

▣ **علی مخصوص**، کاتب‌الخاقان، قم حرم مطهر.

○ خوش معاصر ۱۰۳ + عاشورای ۱۲۹۸ ر ج ۴۴۷/۲.

▣ **علی موسی‌الرضا**، در قم مشرق شهر، قاجاریه.

○ معماری ۷۸/۲.

▣ **عماد اردبیلی**، میرزا محسن متخلص به‌حالی، زاده شده در ۱۲۸۵، خوشنویس و از عرفای سلسله ذهبیه. م ۱۳۳۳ خ عتبات.

○ ز ۱۶۰/۳.

▣ **عمادالدوله**، ابوالحسن علی فرزند ابوشجاع بویه ماهیگیر، یکی از سه برادر تشکیل دهنده سلسله آل بویه، علی در ۳۳۴ بر بغداد مستولی شد و از سوی خلیفه عمادالدوله لقب یافت و تا آخر عمر در شیراز حکم می‌راند. م ۳۳۸ مدفون در استخر، وی پسر نداشت و برادرزاده‌اش عضدالدوله فنا خسرو به‌جایش نشست.

○ د ب ۶۳.

▣ **عمادالدین**، قرن ۱۴ م قم.

○ معماری ایران ۱۴۷ و ۱۹۱ + معماری ایلخانی ۱۹۲، تصویر ۲۰۸ و ۲۰۹.

▣ **عمادالدین شبلی شیروانی**، خواجه، عارف مشهور سده نهم در کاشان، وی در میدانی که با سنگ تراشیده ساخته شد (میدان سنگ) عمارات عالی برافراشت و آرامگاه وی در سمت شمال این میدان ساخته شده بوده است که آثار آن تا اواخر نیمه اول سده کنونی برپا بوده و اکنون فقط سنگ قبر وی در یکی از حفره‌های گوشه میدان بدون نام و نشان افتاده و از بقیه بناها فقط مسجد برجای است و از حمام اثری نمانده است.

○ کاشان ۹۳.

▣ **عمادالدین محمود**، وزیر شاه شجاع م ۸۲۸. در حوالی دروازهٔ قرآن نزدیک آرامگاه خواجو در یک طاق آجری.

○ ا ق ۵۱.

▣ **عمادسیفی**، عمادالکتاب، خوشنویس معروف و عضو کمیته مجازات و کارمند دربار پهلوی. امامزاده عبدالله.

○ خوش معاصر ۳۰.

▣ **عماد فقیه،** خواجه عمادالدین فقیه کرمانی غزلسرای بزرگ سده هشتم، معاصر با آل مظفر. م ۷۷۳ کرمان، مدفون در خانقاهش در همان شهر.

○ تا ن ۲۰۲.

▣ **عماد کاتب اصفهانی،** عمادالدین ابوعبدالله (۵۱۹-۵۹۷) در دمشق مقابر صوفیه.

○ فک مؤلفان ۷۷۳/۵.

▣ **عمادی تهرانی،** یا شهریاری، عمادالدین چون مدتی در غزنین بسر برده به‌غزنوی نیز معروف شده است، لقبش را از عمادالدوله فرامرز پسر فخرالدوله گرفته و عمادی شده. عمادی در ۵۹۳ در شهریار تهران درگذشته و به‌خاک رفته است. عمادی از بهترین شاعران قرن ششم بوده است.

○ تا ن ۸۳.

▣ **عمربن ابوالعلا،** فرزند عبدالمطلب در صدر اسلام که با ونداد هرمزد در بیرون کردن اعراب یاری کرد.

○ آ س ۱۴۳/۳.

▣ **عمربن عبدالعزیز،** خلیفه صالح اموی. دیرسمعان، حمص در سال ۱۰۱.

○ التنبیه ۲۹۹.

▣ **عمرخیام** ← آرامگاه خیام نیشابوری.

▣ **عموآخوند،** م ۱۰۵۳ در بهبهان.

○ معماری ۸۶/۲.

▣ **عموعبدالله،** شیخ عمو عارف متوفی در ۷۱۶، اصفهان کلادان، منارجنبان.

○ ل ۲۸ + سیما ۱۳۷۰/۲/۶ + جغ ۳۱۵ + آ ص ۸۱۵.

▣ **عمه،** عمه بزرگ علامه قزوینی در سیادهن (تاکستان) قزوین.

○ یا ق ۲۱۵/۸.

▣ **عمیدالدین شمس‌الدوله،** ابوعلی، هزاراسب. ابرقو، گنبد علی مورخ ۴۸۸، که آرامگاه همسرش نازنین فرشته نیز هست.

○ ا ق ۳ + معماری ۹۳/۲ + آثار ایران ۲۲۱/۳

▣ **عمیدالدین لوبکی،** خواجه حکیم عمدةالملک - از مردم قصه لوبک از توابع سنام در هندوستان زاده شده در ۶۰۱، شاعر پارسی‌سرای با تخلص عمید. م ۶۸۳ مدفون در سنام.

○ تا ن ۱۷۵.

▣ **عمیدالملک کندری،** وزیر طغرل سلجوقی، وی به‌کوشش نظام‌الملک کشته شد و قاتلان هر تکه از بدنش را به‌جایی فرستادند و در حقیقت سراسر ایران را آرامگاه وی ساختند. این رویه ناهنجار در تاریخ ایران بارها تکرار شده است، بدنهای بی‌سر وسرهای بی‌تن بسیار به‌خاک رفتند، اما بوده‌اند بدنهایی که با سر و بی‌سر سوخته و بر هوا شده‌اند. آرامگاه تن وی در کندریان.

○ شمیم سلاجقه ۱۱۳.

▣ **عنقا،** میرزا محمدحسین زاده شده در اصفهان، ۱۲۶۰ ادیب و شاعر و خوشنویس با لقب ملک‌الشعرا، وی در اصفهان مرد و به‌خاک رفت ۱۳۰۸.

○ ر ج ۲۲۹/۶.

▣ **عوض‌الخواص،** فرزند فیروز ملقب به‌شاه زرین‌کلاه، جد پنجم شیخ صفی‌الدین اردبیلی در دهکده کلخوران.

○ آ ذ ۲۱۳/۲.

▣ **عون بن علی،** محمدبن علی در فومن - ماسوله بنایی از ۹۶۹.

○ معماری ۸۱/۲.

▣ **عون بن محمد**، ابن حنفیه، بقعه عون بن محمد در ماسوله با صندوق کنده‌کاری شده با تاریخ ۱۰۱۵.
○ آ س ۱۳۳.
▣ **عون‌علی**، دررأس‌قلهٔمجاور گورستان سرخاب.
○ کوی سرخاب ۸.
▣ **عیسی‌خان**، ۱۵۴۷ م، دهلی. این بنا یکی از زیباترین بناهای مقبره‌ای در جهان اسلام است که در نیمه سده ۱۶ م گنبد بزرگ و واحد را که یک خصیصه اسلامی هند است با گنبدهای کوچک اطراف گنبد اصلی تلفیق کرده است متاثر از بناهای آرامگاهی ایران.
○ معماری هند ۲۹ تصویر ۲۱ ب.
▣ **عین‌الدوله**، سلطان عبدالمجید میرزا پسر سلطان احمد میرزا عضدالدوله پسر چهل وهشتم فتحعلی‌شاه که بر خلاف سه فرزند اولی سلطان احمد میرزا، از زن متعه بوده است. عین‌الدوله از ابتدای کار وارد دستگاه ولیعهد ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین میرزا شد و یکبار که شاه در بازگشت از سفر اروپا مریض سخت شد، وی مژده مرگش را به‌ولیعهد داد، اما پس از معلوم شدن حقیقت قضیه، شاه نسبت به‌مظفرالدین تغیر کرد و عین‌الدوله مغضوب شد و به‌ابتکار امیر نظام گروسی به‌وی توسری زدند و به‌سوی مقر حکمرانی سابقش قراجه‌داغ دواندند. اما عین‌الدوله در دستگاه مظفرالدین شاه تا صدارت ترقی کرد و در طلیعه مشروطه از مخالفان و معاندان با آن بود، اما با محمدعلی میرزا نیزروابط خوبی نداشت. عین‌الدوله پس از فتح تهران به‌دست ملیون، خود را تسلیم ایشان کرد و در این دوران پس از انقلاب و حصول مشروطیت نیز تا مرحله نخست‌وزیری ترقی کرد اما پس از کودتا خانه‌نشین شد و در دهم آبان ۱۳۰۶ مرد و در حضرت عبدالعظیم به‌خاک سپرده شد.
○ ر ج ۹۶/۲ + رهبر ۳۹۴.
▣ **عین‌السلطنه** ← آرامگاه سالور.
▣ **عین‌القضاة همدانی**، ضیاءالدین ابوالفضل عبدالله فرزند محمد میانجی، از عارفان بزرگ سده ششم که سرانجام وی را به‌کفر متهم ساخته و به‌دستور قوام‌الدین درگزینی وزیر سلطان سنجر، دستگیر و پوستش را کندند و بر در مدرسه‌ای که در آن تدریس می‌کرد آویختند و مدتی بعد به‌زیر آورده درهمان‌نقطه، درشهرهمدان‌به‌خاک سپردند، ۵۳۳ م اکنون میدانی به‌نام وی در همدان هست.
○ تا ن ۱۱۱*
▣ **عینی**، صدرالدین ← آرامگاه صدرالدین عینی.

غ

از آرامگاه غاتفر تا آرامگاه فارابی

▣ **غاتفرسرپل**، مزار غاتفر، آرامگاه عده‌ای از جمله امام ابویوسف همدانی، استاد الائمه، عمر بن احمد مرغینانی، امام اسکندران و خواجه دمشقی.

○ قندیه ۴۴ + سمریه ۱۶۹.

▣ **غازان خان**، غازانیه و ساختمانهای مجاور به‌طرزی که در یک نسخه خطی مربوط به‌نیمه نخستین سده هشتم نشان داده شده.

○ معماری ایلخانی ۱۳۵.

▣ **غازان خان**، تبریز مجموعهٔ شنب یا شام غازان ← آرامگاه سلطان محمود غازان.

▣ **غازان خان، غازانیه** ← آرامگاه سلطان محمود غازان.

▣ **غازان خان**، گنبد غازان خان در شاهرود ـ بسطام.

○ معماری ۹۶/۲.

▣ **غازانیه** ← آرامگاه سلطان محمود غازان.

▣ **غازی‌الدین خان**، در بیرون دروازهٔ اجمیر در شهر دهلی کهنه، در کنار مدرسه‌ای که خود وی ساخته است. غازی‌الدین خان بهادر فیروز جنگ پدر نظام‌الملک آصف‌جاه، جداعلای پادشاهان آصف جاهیه دکن. م ۱۱۱۲ در احمدآباد مدفون در همان مدرسه. در محل مدرسه مزبور امروز دهلی کالج مستقر شده است که اولین مدرسه کمپانی هند شرقی است مدرسه‌ای که خود اولین محل تدریس زبان انگلیسی در شبه‌قاره بوده است.

○ نقش پارسی ۱۱۶ + ج ۷۹۴.

▣ **غازیان**، رباط غازیان در سمرقند، آرامگاه گروهی از عارفان و قطبها.

○ قندیه ۲۹.

▣ **غالب** ← آرامگاه اسدالله خان غالب.

▣ **غبار همدانی**، آقاسید حسین، شاعر فوت ۱۳۲۲ در قم، نجف صحن مطهر.

○ تا ضَف ۱۱۴۵.

▣ **غجدوانی، قاضی فتح‌الله**، شاعر پارسی‌گوی متصوف که در غجدوان مرد و به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۶۲۷.

▣ **غزالی، احمد**، امام ابوالفتوح احمد، برادر کهتر محمدغزالی عارف و دانشمند معروف. م ۵۱۷، در قزوین.

○ تا ن ۲۷ و ۶۹.

▣ **غزالی**، محمد، احتمالاً گنبد هارونیه در طوس، بنایی عظیم از سده هشتم.

○ معماری ایلخانی با تصویر ۱۵۸ + غزالی نامه استاد همایی.

▣ **غزالی**، مقاله از عیسی صدیق.

○ فم ۱۲۹/۴ + فک ۶۷.

▣ **غزالی مشهدی، مولانا**، از شاعران نامی سده دهم، ابتدا در دربارشاه طهماسب بود اما به‌هند رفت و ملک‌الشعرای اکبر شد و سرانجام در ۲۷ رجب ۹۸۰ در احمد آباد درگذشت و به‌فرمان اکبر، بدنش را در سر گنج، آرامگاه پادشاهان و مشایخ به‌خاک سپردند.

○ تا ن ۴۱۵.

▣ **غفاری، غلامحسین**، صاحب اختیار فرزند میرزا هاشم‌خان امین‌الدوله و برادرزاده فرخ خان. درباری عصر قاجار وپهلوی (۱۲۷۶-۱۳۲۶) در نودسالگی در تهران درگذشت و در قم آرامگاه خانوادگی به‌خاک سپرده شد. صاحب اختیار به‌جمع‌آوری عکس علاقهٔ بسیار داشت و مجموعه عکسهای او را کسی نداشت و زیر آنها نام شخص یا اشخاص و محل و تاریخ عکس را به‌خط خود می‌نوشت. علاوه بر گنجه‌های چند طبقه و صندوقهای انباشته از عکس، دیوارهای

دو اطاق از عمارت اختیاریه از زیر سقف تا نیم متر به‌کف مانده از عکسهای تاریخی و بی‌نظیر پوشیده شده بود. در سالهای آخر عمر که ضعف پیری و رنج بیماری صاحب اختیار را گوشه‌نشین ساخته بود، بیشتر اوقات را روی صندلی راحت در اتاقهای مزبور به‌تماشای نقش ایام خوش گذشته و تصاویر یاران موافق از دست رفته، می‌گذراند تا اینکه در سال ۱۳۲۶ خ برای عمل جراحی در بیمارستان بستری شد و همان جا از درد هستی رست از وی یک دختر به‌جامانده که همسر معاون‌الدوله غفاری شد.

○ ر ج ۷/۳ + رجال ناصری ۱۳۹.

◘ **غفاریه**، گنبد غفاریه در باختر شهر مراغه، احتمالاً آرامگاه امیر شمس‌الدین قره سنقر سردار مغولی است که در زمان ابوسعید حکمران مراغه شده و حکمران مصر هم بوده است و این عقیده آندره گدار است، وی می‌گوید که در نقشهای داخلی برج، نقش چوگان که علامت خاندانی شمس‌الدین است، دیده می‌شود، سده هشتم.

○ معماری ایلخانی ۱۸۴ + بنا از ۷۱۶. معماری ۸۴/۲ + هنر ۳۴۲/۸ + آثار ۱-۱۴۹/۲ و آثار ایران ۳۰۴/۳ + ایران یک ۱۸۰ و ۱۸۲ و ۱۸۳.

◘ **غلامحسین رهنما** ← آرامگاه رهنما.

◘ **غلامحسین خان غفاری**، صاحب اختیار ← آرامگاه غفاری

◘ **غنی**، ملا طاهر آشایی شاعر پارسی‌گوی مقیم کشمیر در قرن یازدهم. مدفون در آرامگاه خانوادگی در شهر راجوری کدل نزدیک مقبره حسن بلادوری، وی شاگرد شیخ محسن فانی کشمیری بوده است. دیوان وی به‌چاپ رسیده است.

○ پارسی کشمیر ۳۶.

◘ **غیاث الدین تهرانی** ← آرامگاه اعتمادالدوله.

◘ **غیاث‌الدین تغلق خلجی**، سلطان هند ۱۳۲۵ م دهلی.

○ معماری هند ۱۸ تصویر ۱۱ الف.

◘ **غیاث‌الدین فضل‌الله** رادکانی، خوشنویس عصر تیموریان. م ۸۶۷ هرات در جوار مزار امیرحسینی.

○ خوش ۵۵۸.

◘ **غیاث‌الدین کَرت**، در جوار آرامگاه احمدِ جام که خود وی طاق و صفه آن را در ۷۳۰ ساخته بود.

○ مجمل فصیحی ۳/۲.

◘ **غیاث‌الدین محمد**، در مسجد جامع هرات. غیاث‌الدین محمد غوری کمی پیش از وفات در حدود سال ۱۳۰۷/۷۰۷ م. عملیات ساختمانی را که شامل آرامگاه خود وی نیز بود آغاز کرد، ظاهراً در کتیبه داخل اطاق آرامگاه نام دو سلطان مغول اولجایتو و ابوسعید که رؤسای سرداران کرت بوده‌اند وجود داشته است. اولین سلطان کرت شمس‌الدین فرمانده نیروهای آباقاخان بوده است. آرامگاه نیمه ویران است و شاید تاکنون به‌کلی خراب شده باشد ← آرامگاه غیاث‌الدین کرت.

○ معماری‌ایلخانی با تصویر شماره ۶۳.

ف

از آرامگاه فارابی تا آرامگاه قاآنی

▣ **فارابی**، ابونصر محمد، پسر اوزلغ (۲۵۹ـ۳۳۹) در فاراب خراسان زاده شد ترکی و فارسی می‌دانست، عربی نیز آموخت و به‌بغداد که مرکز مهم فرهنگی جهان اسلام بود رفت و به‌تحصیل پرداخت، استادش در این شهر ابوبشر متن بن یونس بوده است که در حَران مقیم بوده و فارابی به‌نزدش می‌رفته است. مطالعات فارابی در حکمت، ریاضی و موسیقی بود و از این لحاظ از پیشگامان شمرده می‌شود. فارابی در دمشق به‌رحمت خدا رفت و سیف‌الدوله امیر معروف شام بر وی نماز گزارد و در همان شهر به‌خاک سپرده شد.

○ اقبال عباس ۷۵.

▣ **فارقی چاندش**، سلسله در جنوب هند، تحت‌تأثیر آرامگاه هوشنگ. متأثر از معماری آرمگاه سازی ایران.

○ معماری هند ۷۹ تصویر ۵۴ ب.

▣ **فاریابی، ظهیرالدین**، ابوالفضل طاهر فرزند محمد از مردم فاریاب نیشابور که سفرهایی به‌نقاط مختلف ایران کرده است و مدح اتابک ایلدگز و محمدجهان پهلوان را گفته و سرانجام در ۵۹۸ در تبریز مرد و در آرامگاه شاعران سرخاب به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۱۰۶.

▣ **فاضل**، بقعه فاضل، قم روستای بید هند، قاجاریه.

○ معماری ۸۰/۲.

▣ **فاضل بسطامی**، ملانوروزعلی (۱۲۲۵ـ۱۳۰۹) بسطام، از فقها و وعاظ معروف خراسان، مدفون در قبرستان قتلگاه مشهد.

○ ر ج ۲۸۸/۶.

▣ **فاضل تونی**، از فقیهان عصر صفوی در کرمانشاه.

○ کرمانشاه ۱۵۸.

▣ **فاضل شربیانی**، ملامحمد، از علمای امامیه و مرجع تقلید. م ۱۳۲۲ در ۷۷ سالگی در نجف، مدفون در همان شهر. حرم حضرت علی(ع).

○ ر ج ۲۰۱/۵.

▣ **فاضل قندهاری**، ملاعبدالله پسر ملانجم‌الدین از علمای مقیم مشهد، زاده شده در ۱۲۲۷ قندهار. از طرفداران اتحاد اسلام و مبلغ مبارزه با انگلیس در افغانستان. م ۱۳۱۲ در مشهد، حرم امام رضا(ع) دارالضیافه.

○ ر ج ۱۴۷/۶.

▣ (حضرت) **فاطمه(ع)**، گورستان بقیع مدینه که تا عصر سعودی سنگ سماقی حاوی کتیبه‌ای مبنی بر معرفی آن حضرت بر آن بوده است.*

○ التبیة ۳۷۸

▣ **فاطمه بنت شجاع**، ساوه، صفویه.

---

*ـ آستانه‌ها و امامزاده‌ها در مجموعه‌ای دیگر آمد، در اینجا فقط یک اشاره شده است.

○ معماری ۸۱/۲.

◙ **فاطمه بنت زید،** نقط سنگ قبر مورخ ۵۳۵ در کتاب پوپ.

○ ی ۹۱۲ و ۱۳۱۴.

◙ **فاطمه خاتون دختر شیخ‌زاهد گیلانی،** در مجموعهٔ شیخ صفی‌الدین، اردبیل.

○ آ س ۱۵۷/۲.

◙ **فانی و مجبوبعلی شاه سمنانی،** شیخ محمدفانی از عارفان نامدار قرن چهاردهم و سیدابوطالب حسینی مجبوبعلی شاه، عارف بزرگ قرن ۱۴ و. رییس کمیته مشروطه‌خواهان سمنان و از صوفیان فرقه نعمت‌اللهی گنابادی. م ۱۳۴۱ این آرامگاه در سمنان واقع شده. آجری است با پوشش کاشی و تاریخ بنا ۱۳۴۱ است.

○ د ت ۴۵.

◙ **فانی** ← آرامگاه ملامحسن فانی.

◙ **فتح‌الله اکبر** ← آرامگاه فتح‌اللّه‌اکبر

◙ **فتح‌الله خان شیبانی،** شاعر. م ۱۳۰۸ در خانقاهی که در دروازهٔ قزوین برای خود ساخت.

○ از صبا تا نیما ۱۴۰ + در خانه خودش در خیابان امیریه. تا ضف ۷۵.

◙ **فتح‌الله خان مقدم مراغه‌ای،** ظفرالدوله و سردار موید. زاده شده در ۱۲۲۴ خ فرزند سرتیپ اسکندرخان معاصر با فتحعلی‌شاه. فتح‌الله خان که در سال ۱۳۲۲ ملقب به‌سردار موید شد، عهده‌دار فرماندهی سه فوج بود وی مردی عارف و مرید دایی خودش حاج کبیر آقا بود. فتح‌الله خان در ۱۳۰۶ خ در تهران مرد و در گورستان اختیاریه، حسین آباد سابق به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۱۷۳/۵.

◙ **فتح خان،** م ۱۶۵۷ م در قدم رسول بنگال هند.

○ معماری هند، تصویر ۲۶.

◙ **فتحعلی خان افشار آرشلو،** سردار نادر که به‌فرمان کریم خان در ۱۱۷۷ کشته شد. امامزاده شهرضا قمشه.

○ ر ج ۶۱/۳.

◙ **فتحعلی خان صبا،** فرزند آقامحمد، از خانواده‌های قدیمی کاشان و نامدارترین شاعر عصر فتحعلی شاه قاجار که در کاشان به‌دنیا آمد. فتحعلی‌خان ابتدا از مداحان لطفعلی خان زند بود و برخی اشعار وی در این مقوله در دست است، اما گفته می‌شود که وی یک دیوان کامل در مدح آن شاهزاده داشته که پس از افول ستاره بخت وی، آن را شست و در عصر بحران و حکومت آغامحمدخان در سختی و نگرانی بسر برد. پس از کشته شدن آغامحمدخان و آغاز حکمرانی فتحعلی‌شاه، ستاره بخت فتحعلی‌خان درخشیدن گرفت و در جشن جلوس وی شرکت کرد و قصیده غرایی خواند که پسند شاه افتاد و لقب ملک‌الشعرایی یافت و منصب احتساب‌الملکی گرفت و حکمران قم و کاشان و سپس کلیددار آستانه قم شد و از فتحعلی شاه صله‌های بسیار گرفت. در ازای سرودن شاهنشاهنامه در ۴۰ هزار بیت چهل هزار مثقال طلا صله گرفت و یک بار به‌فرمان شاه دهانش را پر از الماس کردند. کار مهم صبا سرودن شاهنشاه به‌تقلید از شاهنامه در تاریخ عصر فتحعلی شاه و نیاکانش است که آن هم با شاهنامه فردوسی قابل قیاس نیست. م ۱۲۳۷، نجف.

○ تا کاشان ۳۲۰ + از صبا ۲۰.

◙ **فتحعلی‌شاه قاجار،** (۱۱۸۵ــ۱۱۵۰) باباخان پسر حسینقلی خان جهانسوز و برادرزاده و

جانشین آغامحمدخان قاجار دومین شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰)، وقتی آغامحمدخان کشته شد وی حکمران فارس بود خود را به‌سرعت به‌تهران رساند و با کمک و تدبیر وزیرش حاج ابراهیم خان کلانتر مدعیان را از میان برداشت. در سال ۱۲۱۸ روسها به‌ایران حمله بردند، عباس میرزا ولیعهد با آنها مقابله کرد و خود فتحعلی شاه هم به‌کمک وی شتافت. جنگهای ایران و روس در دو مرحله نتیجه سیاست گستاخانه پیشروی روسیه به‌سوی جنوب بود و سیاست تضعیف ایران، به‌هر طریق ممکن، که از سوی انگلیس اعمال می‌شد. به‌هر حال قفقاز از ایران جدا شد و رودخانه ارس مرز دو کشور گردید. سلطنت در خاندان عباس میرزا به‌اشاره و تضمین روسها موروثی شد و چون عباس میرزا پیش از فتحعلی‌شاه مرد، پسرش محمدشاه ولیعهد گردید. لکهٔ ننگ بر دامان فتحعلی شاه کشتار بیرحمانه خاندان حاج ابراهیم است توسط عمال وی. فتحعلی شاه حدود ۱۰۰۰ زن و ۲۶۰ فرزند داشت و از این نقطه‌نظر بی‌نظیر بوده است. وی در اصفهان مرد و جنازه‌اش را به‌قم آورده در آرامگاهی که خود سال پیش ساخته بود دفن کردند.

○ ر ج ۶۸/۳ + رستم‌التواریخ ۲۲ + د ۱۸۴۲.

◘ **فتحعلی شیرازی**، نستعلیق‌نویس عصر قاجار، شاعر با تخلص حجاب که در سال ۱۲۶۹ مرد، بقعه شاه چراغ.

○ خوش ۵۶۶.

◘ **فخرایی، ابراهیم** ← آرامگاه ابراهیم فخرایی.

◘ **فخرالدوله دیلمی**، و پدر و پسر وی، خودش مرده در ۳۸۷، محل آرامگاه مشرق کارخانه گلیسیرین که امروز مفقود است.

○ ری ۳۸۲ و ۴۵۱ و ۴۲۰/۲.

◘ **فخرالدوله، شاه توران آقا**، دختر ناصرالدین شاه وزن مجدالدوله که در جوانی به‌مرض سل در گذشت. قم مشهد حضرت معصومه(ع)، وی شاعر و نویسنده و کتابخوان و ورزشکاری خوبرو بود و بر سنگ گورش این سه بیت که از خود اوست نوشته شده.

«مرا از فخر فخرالدوله گفتند
گلی بودم زباغ خسروانی
به ناگه در هزار و سیصد و نُه
بلا اولاد در سن جوانی
زصیاد اجل خوردم یکی تیر
طپان گشتم به‌خاک ناتوانی»

از وی دیوانی شامل هزار بیت به‌خط خودش در دست است.

○ رجال ناصری ۶۳ + یادداشتهای معیر ۲۵ + ر ج ۱۷۹/۴ و ۱۵۱/۳ تصویر.

◘ **فخرالدوله**، آرامگاه خانم فخرالدوله، دختر مظفرالدین شاه و زن محسن خان امین‌الدوله و مادر دکتر علی امینی و ابوالقاسم امینی فوت ۲۵ دی ۱۳۳۴، ابن بابویه آرامگاه اختصاصی.

○ ز ۲۹۴.

◘ **فخرالدین رازی**، قرن ششم. با تصویر.

○ سیمرغ ۱۸۶.

◘ **فخرالدین علی**، فرزند حسین واعظ هروی متخلص به‌صفی، پسر ملاحسین واعظ کاشفی، داماد خواجه کلان پیشوای نقشبندیان و باجناق جامی شاعر معروف، از مشایخ نقشبندی که مدت یک سال در زندان شاه طهماسب بود و سرانجام در ۹۳۹ در بیرون شهر هرات درگذشت

و در هرات به‌خاک رفت.

○ تا ن ۳۸۳.

▣ **فخرالسادات**، امیر رکن‌الدین حسین بن عالم حسینی هروی غوری معروف به‌امیرحسینی یا حسینی، از مردم شهر گزیو یا غزیو در کوهستان غور، شاعر و عارف ایرانی در سده ۷، مقیم هرات م ۷۱۸ در هرات مدفون در همان شهر.

○ تا ن ۱۶۹.

▣ **فخرالملک لوبکی** ← عمیدالدین لوبکی.

▣ **فخر فارسی**، صوفی و عالم ایرانی، مشاور و ندیم‌الملک‌الکامل فاطمی که مناظره‌اش با سن فرانسوا، عالم مسیحی در بحبوحهٔ جنگهای صلیبی و شکست عالم مسیحی در این مناظره، معروف است، قرن سیزدهم، قاهره.

○ ج ۸۳۱.

▣ **فداییان رشید راه آزادی**، در دهم اردیبهشت ۱۲۹۹ / اوّل مه ۱۹۲۰ در دوران اقتدار خیابانی در تبریز جشن مفصّلی برای گردآوری بودجه این آرامگاه در تبریز تشکیل شد.

○ خیابانی ۳۰۲.

▣ **فدّایی اردستانی**، میرزا محمد سعید متخلص به‌فدا از عرفای قرن ۱۳ در چند سال پیش به‌کلی از بین رفت.

○ آ ص ۲۲.

▣ **فرازی منجم**، بقعه فرازی، ابواسحاق ابراهیم بن حبیب از حکیمان و ریاضیدانان سده دوم، منجم مخصوص منصور دوانیقی، احتمالاً در حوالی قلعه طبرک، ری.

○ ری ۴۴۳.

▣ **فراشباشی، حاج علی‌خان**، پدر اعتمادالسلطنه، حرم مطهر حضرت معصومه، قم. اعتمادالسلطنه دربارهٔ این مرد که قاتل جبار امیرکبیر بوده است می‌نویسد: پنجم جمادی‌الثانی ۱۲۹۸ چنانچه پدر بیچارهٔ من همین طور با صداقت خدمت کرد عاقبت بعد از شصت سال خدمت به‌جد و پدر و خودش بی‌کفن مرد (تاریخ فوت وی سلخ ربیع‌الاول ۱۲۸۴ است).

○ ر ج ۳۷۸/۲.

▣ **فرخ خان کاشی** ← آرامگاه امین‌الملک.

▣ **فرخی یزدی**، محمد فرزند ابراهیم (۱۲۶۶ـ۱۳۱۸ خ) روزنامه‌نگار و دولتمرد آزادیخواه معروف زاده شده در یزد که به‌علت تنگدستی نتوانست تحصیل کند و از نوجوانی مجبور به‌کار کردن شد و ضمناً به‌عضویت‌حزب دموکرات درآمد. فرخی اشعار انقلابی نخستین خود را سرود و به‌علت سرودن یکی از این گونه اشعار سیاسی بود که ضیغم‌الدوله شیرازی، حکمران یزد دهانش را دوخت، فرخی به‌تهران آمد و شکایت به‌مجلس بردو با فشار مجلس، دولت، ضیغم‌الدوله را معزول کرد. فرخی در ۱۳۰۰ خ روزنامه طوفان را در تهران تأسیس کرد و هنگامی که در دوره هفتم به‌وکالت رسید، یکی از دو وکیل اقلیت بود و به‌علت جسارتهای سیاسی مغضوب شد و ناچار از ایران گریخت ولی با وساطت تیمورتاش در ۱۳۱۲ به‌ایران برگشت. این بار نظیمه رضاشاهی وی را دستگیر و زندانی کرد و در زندان کشت در ۱۳۱۸ خ. حسین مکی که دیوان وی را به‌چاپ رسانده می‌نویسد که در ۱۳۲۵ که معاون شهرداری تهران بودم نتوانستم گورش را بیابم.

○ فرخی، مکی ۷۳ + در ۲۴ شهریور ۱۳۱۸ در زندان توسط پزشک احمدی کشته شد، مدفون در

مسگرآباد که سی‌سال پس از آن دیگر اثری از آن نمانده بود. داستان رضاشاه ۱۴۷ + د ۱۸۶۸.

▣ **فردوسی طوسی، حکیم ابوالقاسم**، در طوس ۲۴ کیلومتری مشهد، در باغ خود وی که هنوز آثاری از دیوارهای گلی آن هست و محفوظ نگه‌داری می‌شود. کار ساختمان آرامگاه مقارن با جشن هزاره در ۱۳۱۳خ با اعانه‌ای که مجلس شورای ملی داد و عایدی حاصله از فروش بلیط بخت‌آزمایی ساخته شد. ابتدا بنای آرامگاه شبیه آرامگاه کوروش بود، اما آن را برداشته به‌شکل فعلی‌اش ساختند، این بنا را هم چون پایه ریزی درست نداشت و نشست می‌کرد، در سال ۱۳۴۰ نوسازی و مرمت کردند و در اطاق زیرین محل استقرار سنگ‌گور که وسیع‌تر شده بود، اشعاری از ملک‌الشعرای بهار و استاد همایی و برخی تصویرهای پهلوانی گنجاندند و در کنار آن موزه و کتابخانه و مهمانخانه‌ای ساختند. کلیه شرکت‌کنندگان در جشن هزاره را نیز با اتومبیلهای سواری به‌طوس و مشهد بردند و برگرداندند.

○ کارنامه ۲۵ + د ت ۴۵ + با مجسمه‌ای کار ابوالحسن صدیقی + ف ۲۴ و شاهنامه آخرش ۳۸۶ + شاهنامه فردوسی در پنجاه سال.

▣ **فردوسی**، از قرار نوشته ارباب کیخسرو در خاطراتش، مسئولیت ساختمان آرامگاه فردوسی با این مرد بزرگ بود که در راه انجام این وظیفه سنگ تمام گذاشت و با اشاره وی پارسیان هند مجسمه‌ای نیم‌تنه از فردوسی ساخته تقدیم کردند. در یادداشتهای ارباب کیخسرو، جریان کار به‌بهترین وجه ارائه شده است.

○ یادداشتهای کیخسرو ۱۶۰.

▣ **فردوسی**، از انجمن آثار ملی ۱۳۴۷.

○ کف ۶۷.

▣ **(فردوسی) حماسه‌سرای بزرگ ایران،**

○ کف ۳۰۶.

▣ **فرصت‌الدوله**، محمد نصیرحسینی متخلص به‌بهجت، مؤلف کتاب مهم آثار عجم، ادیب و نویسنده عصر قاجاریه که در اول آبان ۱۲۹۶ در شیراز فوت کرد و پایین آرامگاه حافظ مدفون شد.

○ ا ق ۵۳ + تا ضف ۱۷۶ + ر ج ۲۸۲/۶.

▣ **فرمانفرما**، عبدالحسین میرزا پسر فیروز میرزا نصرت‌الدوله است و نصرت‌الدوله که او هم لقب فرمانفرما داشت پسر فیروز میرزا شانزدهمین پسر عباس میرزا و برادر کوچک محمدشاه بوده است. وی در کودکی در مکتب‌خانه‌ای درس خواند که مدیرش میرزاابوالقاسم قائم مقام بود. به‌هر حال عبدالحسین میرزا دومین پسر فیروز میرزاست و مادرش هما خانم دختر شاهزاده بهاءالدوله پسر فتحعلی‌شاه بوده است، یکی از خواهران وی نیز خانم نجم‌السلطنه مادر دکتر مصدق بود. عبدالحسین میرزا در ۱۲۷۶ زاده شد و پس از پایان تحصیل به‌کارهای سیاسی و نظامی روی آورد و در طی زندگی خود، از هشت زن ده فرزند دختر و بیست و پنج فرزند پسر به‌جای گذاشت، که بیشترشان به‌مقامهای عالی رسیدند. خود وی نیز به‌مقامات عالی رسید اما با اجرای کودتای ۱۲۹۹ زندانی گردید و جریمه شد. سقوط سلسله قاجار و عروج سردار سپه به‌مقام سلطنت نیز برای فرمانفرما خوش یمن نبود و در حقیقت با کشته شدن فرزندش نصرت‌الدوله از شدت ناراحتی جان سپرد و در باغ طوطی به‌خاک سپرده شد. ابتدا قرار بود در جوار ناصرالدین شاه دفن شود اما موافقت نشد.

○ ر ج ۲۵۳/۲ + رهبر ۴۳۲/۲ + نصرت‌الدوله + د ۱۸۸۲.

▣ **فروورتیش**، پسر دیوکِس مادی (۶۵۵ـ۶۳۲ق.م.)، آثار آن در مهاباد باقی است.

○ د س ۳۶۸.

▣ **فروغ فرخزاد**، (۱۳۱۴ـ۱۳۴۵خ) شاعر نوپرداز معاصر با آثاری چون تولدی دیگر و در آستانه فصلی سرد. آرامگاه ظهیرالدوله.

○ سخنوران نامی ۲۶۸/۴.

▣ **فروغی محمدعلی**، ذکاءالملک متولد جمادی ۱۲۹۴، دولتمرد و سیاستمدار، ادیب و دانشمند و محقق معروف از فرقهٔ فراماسون پسر محمدحسین فروغی فارغ‌التحصیل طب از دارالفنون. وی کار خود را از معلمی آغاز کرد و به‌مدیریت مدرسه سیاسی و وکالت مجلس رسید و چندبار وزیر شد. وی از طرفداران صمیم سردار سپه در تغییر رژیم بود و به‌محض اینکه سردار سپه جانشین احمدشاه شد، او به‌کفالت نخست وزیری رسید اما در سال ۱۳۱۴ از سوی رضاشاه مغضوب و خانه‌نشین شد و این شش سال، پربارترین سالهای زندگی وی بود و کارهای تحقیقی ادبی فلسفی وی در همین سالها سامان پذیرفت در سال ۱۳۲۰ بار دیگر فروغی در صحنه سیاسی ایران ظاهر شد و این بار نیز سلسله سلطنت پهلوی و ایران اشغال شده را نجات داد. محمدعلی فروغی که پس از نخست‌وزیری وزیر دربار شده و قرار بود سفیر ایران در واشنگتن شود، در ۵ آذر ۱۳۲۱ فوت کرد و در ابن بابویه به‌خاک سپرده شد.

○ رهبر ۵۸۴/۲ + ر ج ۳۸۸/۳ + د ۱۸۸۷، فوت در آبان ۱۳۲۱.

▣ **فرهاد و شیرین**، مقبره موسوم به‌فرهاد و شیرین که در کوه کنده شده، از عصر مادها در صحنه کرمانشاه.

○ آ ط ۳۴۱.

▣ **فرهنگ**، ابوالقاسم، فرزند وصال شیرازی (۱۲۴۲ـ۱۳۰۹)، خوشنویس و ادیب در جوار میرسید محمد، شیراز.

○ ر ج ۱۰/۶ + فک مؤلفان ۲۷۱.

▣ **فریدالدین گنج شکر**، (۵۶۰ـ۶۶۳)، مسعود فرزند عزیزالدین، عارف بزرگ متولد در مُلتان پاکستان که پس از جهانگردی مفصل و ملاقات با اقطاب بزرگ آن عصر: شهاب‌الدین سهروردی، سعدالدین حموی، اوحدالدین کرمانی فریدالدین عطار به‌مُلتان برگشت و از قطب‌الدین بختیار کاکی خرقه خلافت گرفت. وی رهبر و مراد نظام‌الدین اولیاء بوده است و ملفوظات پیر خود بختیارکاکی را گردآوری کرد و گفته‌های او را نظام‌الدین اولیاء گرد آورد، که به‌نام راحت‌القلوب چاپ شده است. وی را پس از وفات در حجره خود در مُلتان به‌خاک سپردند.

○ میراث ۴۲۷/۲ و تصویر ۲۲۹ + تا ن ۱۱۳، در محرم ۶۰۸ جان سپرده + در ۶۶۵ درگذشته تا ن ۱۵۵.

▣ **فریدون**، نزدیک مسجد جامع ساری که روزگاری معبد گبرها بوده است.

○ مازندرانس ۹۴.

▣ **فشارکی ملامحمد باقر**، فقیه بزرگ م ۱۳۴۱ اصفهان تخت فولاد.

○ د ت ۱۴.

▣ **فصیحی**، حاج عبدالصنایع، بانی مدرسه فصیحیه سبزوار مورخ ۱۱۲۴ که در سالهای اخیر

تعمیر شده است.

○ آخ ۴۶۶.

▣ **فضل‌الله ساوجی**، شاعر و خوشنویس عصر قاجار م ۱۲۷۵ تهران، نجف وادی‌السلام.

○ خوش ۵۷۳.

▣ **فضل بن زید**، و شاهزاده ابوالقاسم. سبزوار، گور سهراب.

○ شهرها ۲۲۷/۳.

▣ **فضل بن شاذان**، از علمای بزرگ شیعی در قرن سوم، معاصر عبدالله فرزند طاهر، بنای آجری، گنبد کاشی.

○ آخ ۳۷۲ + در روستای فضل نیشابور. معماری ۸۹/۲.

▣ **فضل خلخالی**، برادر مولانا شیخ احمد، دانشمند و شاعر. م ۹۵۴ در قزوین که در آرامگاه بایزید خلخالی، جدش به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۷۰۲.

▣ **فضل و فاضل**، در کندلوس کجور. با صندوق چوبین مشبک ظریف، بر روی گورهای این دو. برادر، در اراضی آن که محوطه برای گردش عموم بوده مدرسه و درمانگاه ساخته و گردشگاه را از میان برده‌اند.

○ آس ۲۱۳/۳.

▣ **فغفور لاهیجی**، شاعر و خوشنویس، مقیم هند. م ۱۰۲۹ نزدیک الله‌آباد بر سر راه آگره.

○ خوش ۵۷۵.

▣ **فقیر محمدعلی خبوشانی**، پسر حاجی ملانقی کلاهدوز زاده شده در ۱۲۵۶ قوچان، مقیم خانقاهی که خود ساخته بود، از مشاهیر متصوفه. م ۱۳۱۶ در قوچان و مدفون در همان خانقاه که خود ساخته بود.

○ رج ۲۴۲/۲.

▣ **فلک‌الدین**، حسن پسر بدرالدین مسعود از اتابکان لر کوچک قرن هفتم در ده فلک‌الدین در شمال غربی شهر خرم‌آباد لرستان.

○ آل ۱۲۳/۲.

▣ **فلکی شیروانی**، نجم‌الدین ابوالنظام محمد، زاده شده در شیروان یا شروان معاصر با خاقانی و نظامی که از طامارا ملکه گرجستان، که مدتی براین نواحی تسلط داشت مدح گفت. وی معاصر و مداح شروانشاه منوچهر پسر فریدون بوده است و چون منجم هم بوده این لقب را یافته است. فلکی در ۴۱۰ در شماخی مرد و به‌خاک رفت.

○ تا ن ۱۰۶ + سال وفات ۵۷۷ آ ذ ۴۱۰.

▣ **فهادان**، شیخ احمد و شیخ محمد از قرن هشتم در یزد با رواق و گنبد.

○ د س ۷۱۱ + در محله فهادان یزد، جمعی دیگر نیز در این آرامگاه به‌خاک سپرده شده‌اند.

○ ی ۳۴۶.

▣ **فیروزآبادی** ← آرامگاه حاج سید رضا فیروزآبادی.

▣ **فیروز شاه تغلق**، سلطان خلجی هند ۱۳۸۸م، دهلی.

○ معماری هند ۲۲ تصویر ۱۵ ب.

▣ **فیروزکوهی شاهی سبزواری** ← آرامگاه شاهی سبزواری.

▣ **فیض**، ملاّمحسن فیض کاشانی م ۱۰۹۱ در کاشان. بانی آن فرهاد میرزا معتمدالدوله فرزند عباس میرزا.

○ کاشان ۱۶۳.

▣ **فیض، حاج میرزامحمد**، (۱۲۹۳-۱۳۷۰) فرزند علی‌اکبر، در قم زاده شد و در تهران و نجف درس

خواند و پس از بازگشت به‌قم از مراجع تقلید شد. وی در قم درگذشت و در مجلس ختم وی بود که رزم‌آرا کشته شد. مدفون در قم، حرم حضرت معصومه.

○ ر ج ۱۹۸/۶.

▣ **فیض علیشاه**، میرزا عبدالحسین طبسی، م ۱۱۹۴. تخت فولاد اصفهان.

○ ل ۲۸۰۰.

ق

از آرامگاه قاآنی تا آرامگاه کاتب

▣ **قاآنی شیرزای**، میرزا حبیب‌الله، قصیده‌سرا و استاد شعر در سده سیزدهم (۱۲۷۰ـ۱۳۲۲)، چون مداح اُکتای قاآن فرزند حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه والی خراسان بود، این تخلص و شهرت را یافت، قاآنی در دربار ناصرالدین شاه صاحب مقام و احترام خاص بود. مدفون در آرامگاه ابوالفتوح رازی شهر ری.

○ تهران قدیم ۱۱۸ + تاریخچه ۷۸ + از صبا ۹۳.

▣ **قائم مقام اول**، میرزا عیسی فراهانی معروف به‌میرزا بزرگ و سیدالوزرا منشی و دولتمرد معروف عصر قاجاریه. نسب وی به‌میرزا عیسی فراهانی، که در عصر صفویه سمت مهرداری داشت می‌رسد. از دو پسر میرزا عیسی، حسین وزیر شد و حسن با او همکاری داشت و این حسن پدر میرزا عیسی است که در حقیقت داماد و جانشین عمویش شد که پسر نداشت. در عصر قاجاریه میرزا عیسی از سوی فتحعلی شاه به‌وزارت ولیعهد که حکمران کل آذربایجان بود منسوب شد با عنوان قائم مقام صدراعظم درسال ۱۲۱۸. درسال ۱۳۲۴ بنا بر تقاضای قائم‌مقام، پسر بزرگش میرزا حسن جانشین وی گردید و خود بازنشسته شد. قائم مقام اول در ۱۲۲۷ درگذشت و در جوار بقعه سید حمزه، کوی سرخاب تبریز به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۵۱۲/۲ + کوی سرخاب ۹۷ در قسمت جنوبی بقعه ثقةالاسلام + د ت ۴۹+د ۱۹۸۱+ آ ذ ۴۲۹.

▣ **همسر قائم مقام اول**، دختر میرزا حسین وزیر و مادر میرزا اابوالقاسم در جوار شوهرش

○ آ ذ ۴۳۱.

▣ **قائم مقام دوم**، میرزا ابوالقاسم دولتمرد و ادیب و شاعر و منشی عصر متقدم قاجار، فرزند میرزا عیسی از سادات حسینی هزاوه فراهان از توابع اراک، زاده شده در ۱۱۹۳. وی پس از تحصیل دستیار پدر شد و تا ۱۲۳۷ که میرزا بزرگ درگذشت در خدمت عباس میرزا بود و از خود لیاقت نشان داد و پس از فوت پدر بین او و برادرش میرزا موسی اختلاف افتاد و مخالفان از این اختلاف استفاده برده و کاری کردند که عباس‌میرزا وی را به‌تهران فرستاد و از پدر خواست در آنجا وی را معزول کند. علت اساسی اقدام مخالفان بر ضد قائم‌مقام، قدرت فکری

وقلمی وی‌بودکه حتی محمدشاه از آن هراس داشت. مخالفان با کمک قدرتهای نوپای خارجی قائم مقام را که پس از مدتی بیکاری به‌وزارت رسیده بود معزول و مطرود ساختند. قائم مقام که خود مخالف جنگ با روسیه تزاری بود پس از پیشروی روسها تا تبریز، دوباره به‌کار دعوت شد و توانست روسها را راضی به‌امضای معاهده ترکمانچای سازد که به‌خط خود وی نوشته شد و رود ارس مرز قرار گرفت. اما محمد شاه که با کمک قائم‌مقام به‌پادشاهی رسید سرانجام به‌کوشش مخالفان که در رأس همه حاجی میرزاآقاسی قرار داشت به‌قتل آن مرد شریف رضایت داد. او را پس از چند روز حبس و بی‌غذایی خفه کرده با لباس در حضرت عبدالعظیم، مزار ابوالفتوح رازی به‌خاک سپردند. اول ماه صفر ۱۲۵۱.

○ سیاستگر ۵۸/۲ + از صبا ۶۲ + تاریخچه اوقاف ۷۷ + د ۱۹۸۱.

▣ **قابوس وشمگیر**، گنبدقابوس. وشمگیر زیاری مؤسس سلسله زیاری بود که در ایران دوستی و ایران فارسی غلو می‌کرد و سرانجام مخالفان وی را در حمام کشتند. قابوس فرزند او بود که چهارمین امیر آل زیار است و از ۳۸۸ تا ۴۰۳ حکومت داشت. وی در حیات خود به‌سال ۳۹۷ آرامگاهی برای خود در پایتختش جرجانیه یا گرگان ساخت، که عبارت است از برجی بلند و استوار از آجر به‌بلندی ۵۲ متر و دارای دوازده ترک خارجی که سطح بیرونی آن وسیله آن ترکها تقسیم شده با نوشته‌ای به‌خط کوفی مکرر که. تاریخ بنا به‌هر دو تقویم شمسی و قمری ذکر شده است که این از امتیازات خاص این بناست. قابوس در تمام عمر خود سرگرم جنگ و کشمکش با مدعیان سلسله زیاری و آل بویه بود، اما در ساعات فراغت به‌کارهای هنری می‌پرداخت. خطی خوش داشت و شاعری می‌کرد. ابوریحان بیرونی کتاب آثارالباقیه را به‌نام وی تألیف کرده و در تاریخ طبرستان برخی از اقوال وی در کتاب کمال‌البلاغه آمده است، اما وی مردی سختگیر و بی‌رحم بوده و سرانجام سپاهیانش بر وی شوریده به‌قتلش رساندند.

○ د ۱۹۸۳ + فم ۳۶۷.

▣ **قاری هروی**، مولانانورالدین ابوالحسن علی، فرزند سلطان محمد از مشهورترین دانشمندان سده دهم ایران متولد هرات که پس از تسلط صفویه بر هرات به‌مکه رفت و در شوال ۱۰۱۴ در آن شهر درگذشت و در معلاة به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۳۹۴.

▣ **قاسم بن موسی**، در کاشان، کوی پای نخل قرن دهم.

○ معماری ۹۱/۲.

▣ **قاسم خان والی اول**، پسر دوم دوستعلی‌خان معیرالممالک از رجال عصر ناصری که در ۱۲۷۱ قنسول تفلیس شد. وی در ۱۲۷۹ در فارس درگذشت و در مزار حضرت خواجهٔ شیراز به‌خاک سپرده شد.

○ رجال ناصری ۱۷۸.

▣ **قاسم خان والی دوم**، یاپور والی نوه قاسم خان والی اول متولد ۱۲۷۱خ آخرین رییس دیویزیون قزاق تا سوم اسفند ۱۲۹۹ که کودتا شد. قاسم خان در نظام جدید عصر پهلوی تا سرلشکری ترقی کرد و سرانجام روز ۲۳ مرداد ۱۳۱۲ در ارومیه در ۵۹ سالگی درگذشت و طبق وصیت در

امامزاده ابراهیم چهارفرسنگی شهر به‌خاک سپرده شد.
○ رجال ناصری ۱۸۱.
▣ **قاضی**، مقبره قاضی، حاج میرزا مهدی - تبریز.
○ آ ذ ۳۸۴.
▣ **قاضی اختیار**، حسن، فرزند غیاث‌الدین حسینی تربتی، از دانشمندان نامی و قاضی هرات که در شعر و ادب نیز دست داشت و به‌منصب وزارت هم رسید. م ۹۲۸ مدفون در آرامگاه خانوادگی در قصبه تربت.
○ تا ن ۲۷۸.
▣ **قاضی اسد**، آرامگاهی است متصل به‌دروازه فین که مقابل تکیه وی واقع است مدفن شمس‌الدین محمد نوهٔ امام زین‌العابدین(ع)، قبر قاضی اسد نیز در این بقعه است که امروز در شهرکان وسط یک میدان قرار گرفته است. اوصوفی بزرگی بود و در ۱۰۴۸ به‌رحمت خدا رفت دو قطعه جداگانه شعر در روی سنگ قبر وی به‌خط نستعلیق نوشته شده است. از یادداشتهای زنده نام اللهیار صالح.
○ تاکاشان ۵۰۵.
▣ **قاضی بیضاوی**، ناصرالدین ابوالخیر عمر بن احمد که در ۶۸۲ تا ۶۹۱ فوت کرده، تبریز چرنداب.
○ آ ذ ۴۱۳/۲ + تا غ ۹۰۵.
▣ **قاضی حمیدالدین ابوبکر بلخی**، ادیب و نویسنده و قاضی شهر بلخ، سده ششم، بلخ.
○ تا ن ۱۱۸.
▣ **قاضی زاده رومی**، در سمرقند، شاه زنده، بنایی از قرن نهم با تصویر.
○ سیمرغ ۱۴۸ + م ۸۶۵ در تاشکند. + سفر روس جلال آل احمد ۳۳۷.
▣ **قاضی سراج‌الدین**، ابوالثنا یا محمود پسر ابوبکر اُرموی (۵۹۴-۶۸۲) حکیم و صوفی مقیم قونیه و مدفون در جوار مولوی.
○ تا ن ۱۵۰.
▣ **قاضی شرف جهان قزوینی**، از رجال بزرگ دربار شاه طهماسب که در ۲۸ ربیع ثانی ۹۱۲ در قزوین متولد شد. وی از دانشمندان نامدار سده دهم بود که پس از مرگ پدر در ۹۶۰، قاضی قزوین شد و سرانجام در ۱۷ ذی‌قعده ۹۶۹ در روستای ارس در کوهپانه قزوین مرد و در جوار شاهزاده حسین به‌خاک سپرده شد. وی تخلص شرف داشت و شاعری زبردست بود.
○ تا ن ۴۳۹.
▣ **قاضی صابر**، بقعهٔ قاضی صابر در ونک، باغ مرحوم مستوفی. بقعه را مرحوم مستوفی بر گور ابوالقاسم علی بن محمد معروف به‌قاضی صابر ساخت.
○ آ ط ۲۳۵.
▣ **قاضی صفی‌الدین**، محمد زواره‌ای. اصفهان خیابان هاتف. امامزاده اسماعیل، از عصر صفوی.
○ آ ص ۷۵۰.
▣ **قاضی مجدالدین**، محمدانصاری و فرزندش قاضی قوام‌الدین مشهور به‌قاضی‌زادهٔ انصاری م ۹۶۸ آستانهٔ بابافرج اصلاً نخجوانی که هنگام خاک‌سپاری قاضی شمس‌الدین محمد که قاضی را استاد خود می‌دانسته، این رباعی را خوانده است:

«ای داده به‌قدرت سخن داد سخن
زین واقعه خود که را بود یاد سخن
شاگرد سخن سخن چه داند گفتن
اکنون که به‌خاک رفت استاد سخن»

○ کوی سرخاب ۲۰۵.

▣ **قاضی محی‌الدین**، (۵۶۴-۶۴۶) فرزند قاضی عزالدین قزوینی، در حوالی مزار خواجه عبدالرحیم از عرفا. وی مردی دانشمند بود و منصب قضا داشت.

○ کوی سرخاب ۲۱۰.

▣ **قاضی نورالله شوشتری**، شهید ثالث (۹۵۶-۱۰۱۹) از مشاهیر علمای شیعی که به‌دعوت حکیم ابوالفتح گیلانی و شاه فتح‌الله شیرازی به‌هند آمد و در لاهور هند قاضی‌القضاتی یافت، اما چون فتوای تکفیر او از سوی مخالفان صادر شد، به‌امر جهانگیر اعدام شد. به‌قولی او را به‌چوب بستند و در زیر چوب جان به‌جان آفرین داد. آرامگاهش در محلهٔ دیال باغ آگرا واقع است و در ۱۱۸۸ توسط منصورخان صوبه‌دار آگرا ساخته شد، با کتیبه‌های فارسی و تعمیرات مکرر.

○ نقش پارسی ۱۰۰ + تا ن ۳۸۰ نورالدین نورالله نوری حسینی مرعشی ۶۶۲ + د ۱۵۰۵.

▣ **قاینی بیرجندی**، میرزا محمدعلی، دانشمند و فیلسوف و خوشنویس م ۱۳۰۵ تهران امامزاده یحییٰ.

○ ت مصطفوی + ر ج ۲۴/۶.

▣ **قباد ساسانی**، در آرامگاه پادشاهان ساسانی.

○ ری ۳۸۰ و ۴۳۵.

▣ **قبةالعلما**، آرامگاهی است در تخت فولاد که آرامگاه عده‌ای از علما از جمله آقاحسین خوانساری در آن واقع است*.

▣ **قبه سبز**، در کرمان که بدان قبه کبود هم می‌گویند، گنبدی بزرگ که بر گور ترخان خاتون دختر قتلق خان قراختایی ساخته شده، این بانو که پس از فوت پدر، برادر را که جانشین پدر شده بود از تخت به‌زیر کشید. وی مدت بیست وپنج سال بر کرمان حکمروایی داشت و شوهرش که پسر عم پدرش بود با او همکاری داشت. ترخان خاتون در ۶۸۱ فوت کرد و بدنش را در زیر این گنبد که تاریخ بنای آن ۶۴۰ است دفن کردند. این بنا تا سال ۱۸۹۶ م برپای بوده و در این سال در اثر زلزله خراب شده. سایکس محقق و دولتمرد معروف انگلیسی آن را دیده و تصویری از آن را در کتاب ایران خود، پرشیا آورده است.

○ س ۴۲۸.

▣ **قُتلُغ اینانج**، قتلغ پسر اتابک جهان پهلوان بود و در ۵۹۲ طغرل سوّم را کشته بود. قتلغ را به‌انتقام و با کوشش دختر طغرل سوم در ری سر بریدند، و در ری دفن کردند.

○ ری ۴۲۱/۲.

▣ **قدسی خراسانی**، از مردم اسفراین. خواهرزاده و شاگرد میرزا محمدعلی سنگلاخ، شاعر و خوشنویس. وی یکبار هم به‌دعوت میرزا سنگلاخ به‌اسلامبول رفت و سرانجام به‌مشهد بازگشت و در اسفراین اقامت نمود، پس از مرگ در سال ۱۲۷۰ او را در مشهد دفن کردند. وی در فقه و ریاضی نیز استاد بود و در شعر تخلص وی قدسی بود.

○ ر ج ۱۹۹/۶.

▣ **قدسی کرمانی**، آقا فتح‌الله، متخلص به‌فؤاد فرزند سلطانعلی (۱۲۷۴-۱۳۵۸) شاعر وارسته، متولد در کرمان که در همان شهر نیز مرد و به‌خاک سپرده شد. اثر مهم وی شمع جمع است. قدسی در سرودن مراثی و مدح امامان معروفیت دارد.

○ ر ج ۱۷۴/۶.

◻ **قدسی مشهدی**، حاجی محمدجان، شاعر پارسی‌گوی هند در عهد شاه‌جهان، در سال ۱۰۴۵ به‌هند آمد و به‌مناسبتی مورد لطف شاه جهان قرار گرفت و به‌فرمان شاه همسنگ وی طلا کشیده بدو دادند و چون قصیده‌ای در مدح شاه جهان سرود، دهانش را پر از جواهر کردند، وی مثنوی مفصلی نیز به‌تقلید از شاهنامه درباب شاه جهان سروده است. م ۱۰۶۵، لاهور مدفون در مزار شعرای کشمیر.

○ تا خ ۱۰۰ + ملک‌الشعرای شاه جهان. + نقش پارسی ۹۴.

◻ **قدیم اَرجّان**، گنجینه اَرجّان، نیمه اوّل قرن.

○ شهرها ۲۸۷/۲.

◻ (قبرستان) **قدیمی زرتشتیان**، ← گورستان قدیمی زرتشتیان.

◻ **قراختاییان**، گنبد سبز در کرمان از قرن هفتم.

○ معماری ۸۸/۲.

◻ **قراختاییان**، کرمان بنایی از قرن هفتم، باستانی پاریزی.

○ فم ۱۳۵.

◻ **قراگوزلو**، علیرضا ـ بهاءالملک، زاده شده در ۱۲۶۳خ فرزند علی قلی‌خان و خواهرزاده ناصرالملک، وکیل همدان در دوره سوم و وزیر دارایی در ۱۳۰۱ و وزیر دادگستری در ۱۳۲۱. در ۱۹ خرداد ۱۳۳۳ در تهران مرد و در همدان آرامگاه خانوادگی به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۱۶۲/۵.

◻ **قربان**، برج قربان بنایی از سدهٔ ۶ یا ۷ در همدان، بخش خاوری شهر، در درون آن کتیبه‌ای است از سده پانزدهم م. که ارتباطی با بنا ندارد. بنا آجری است با قاعده دوازده ترک که معماری آن ایلخانی است.

○ معماری ۹۵/۲ سده‌های ۷ و ۸ + چهره ایران ۱۶۶.

◻ **قرةالعین**، زرین تاج یا فاطمه یا ام‌سلمه، با القاب زکیه و طاهره و قرةالعین، دختر حاجی ملامحمد صالح برغانی از علمای اخباری، طاهره لقبی بود که باب به‌وی داد. زاده شده در قزوین ۱۲۳۳، با خواهرش مرضیه در محضر پدر مقدمات علوم را خواند و تحصیل الهیات کرد، با آثار شیخ احسایی و سیدرشتی آشنا شد و با او مکاتبه کرد. سرانجام دو کودک خود را به‌شوهر سپرد و برای دیدن سید رشتی به‌کربلا رفت ولی سید مرده بود اما طاهره به‌باب معرفی شد. از این به‌بعد تا روز اول ذی‌قعده ۱۲۶۸ که با روسری ابریشمی خودش، توسط عمال حکومت ناصری کشته شد. فردی مبارز و جسور و معتقد به‌باب بود. آثاری نیز داشته که جز چند غزل چیزی از آن نمانده است. وی را در باغ ایلچی (بانک ملی کنونی) در بالا خانه‌ای بدون پله که زندانش بود خفه کرده در چاه انداختند. روایتی هست که جسدش را بابیان از اینجا برده‌اند.

○ از صبا ۱۳۰ + ر ج ۲۰۸.

◻ **قزوینی**، امیرابراهیم بن امیر محمد معصوم حسینی (۱۰۶۵-۱۱۴۵) از بزرگان علمای امامیه در قرن دوازدهم هجری. مولف آثاری چون اجوبة المسائل و تتمیم اصل‌الاصل. مدفون در امامزاده حسین قزوین.

○ ریحانةالادب ۲۹۲/۳ + ل.

◻ **قزوینی سیدباقر**، فرزند هادی (۱۳۰۴-۱۳۳۲) فقیه از خاندان قزوینی.

○ نجف د ب ۹۹/۲.

▣ **قزوینی**، سید حسین بن امیر ابراهیم معصوم حسینی قزوینی از بزرگان علمای امامیه اوایل قرن سیزده هجری. مولف آثاری چون فی‌مایصهیه الانسان و ایضاح‌المحجة م ۱۲۰۸ قزوین - امامزاده حسین قزوین

○ ریحانةالادب ۲۹۲/۳.

▣ **قزوینی، سیدصالح**، فرزند مهدی (۱۳۰۴-۱۲۵۷) فقیه، ادیب به‌شاعر و مؤلف از شاگردان کاشف‌الغطا و شیخ مرتضی انصاری، در نجف درگذشت و در آرامگاه خانوادگی به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۹۸/۲.

▣ **قزوینی، سیدمحمد**، فرزند مهدی فرزند حسن (۱۳۳۵-۱۲۶۲) فقیه، محدث ادیب، از شاعران آل قزوینی مقیم نجف و حله. کارهای عام‌المنفعه خیر از او به‌جا مانده است. در حله درگذشت و در نجف، آرامگاه خانوادگی به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۹۷/۲.

▣ **قزوینی، سیدمهدی**، فرزند حسن (۱۳۰۰-۱۲۲۲)، فقیه اصولی، متکلم مفسر، ادیب و شاعر، برجسته‌ترین چهره آل قزوینی که در نجف یا حله زاده شد. فوت در سماوه، مدفون در نجف، آرامگاه خانوادگی.

○ د ب ۹۶/۲.

▣ **قزوینی، محمد**، فرزند عبدالوهاب (۱۳۶۸-۱۳۲۸خ) دانشمند و محقق معروف معاصر که پس از پایان قدرت رضا شاهی به‌ایران بازگشت و در خانه‌ای که ارباب فرهنگ و دانش در مغرب تهران برایش خریده بودند زندگی می‌کرد. مدفون در آرامگاه ابوالفتوح رازی شهر ری.

○ تاریخچه ۷۸ + اقبال عباس ۶۶۴ + ج ۲۳۷/۳.

▣ **قزوینی برغانی** ← آرامگاه ملامحمد تقی برغانی.

▣ **قثم بن عباس**، پسر عموی پیامبر در مجموعه شاه زنده سمرقند با تصویر قرن هفتم.

○ سیمرغ ۱۴۴ و ۱۵۸ + قندیه ۲۸ + سمریه ۱۶۲.

▣ **قطب‌الدین حیدر**، سر سلسله فرقه حیدریه (۶۱۸-۵۳۱)، مجموعه بناها در تربت حیدریه. قدیمترین تاریخ بر روی ضریح چوبی است ۹۸۷ و کتیبه به‌خط محمدیوسف حسینی ۱۰۴۵، شهر تربت حیدریه از ۱۲۱۱ به‌بعد به‌نام این عارف احداث شد.

○ د ت ۴۷ + معماری ۸۹/۲ و ۱۰۳.

▣ **قطب‌الدین رازی**، یا بویهی (بویه‌ای)، عالم بزرگ قرن هشتم مقیم و متوفی در دمشق در ذی‌قعده ۷۶۶.

○ تا غ ۵۱۱.

▣ **قطب‌الدین شیرازی** ← آرامگاه علامه قطب‌الدین شیرازی.

▣ **قطب‌الدین و پسرش**، عالم و عارف شیعی، در دامنه قبرستانهای سنگی سیراف با تزیین و نوشته‌های کوفی.

○ سیراف ۵۲.

▣ **قطران تبریزی** ابومنصور، م ۴۶۵، تبریز مقبرةالشعرا.

○ آ ذ ۴۰۷ + کارنامهٔ ۶۹۲ + کوی سرخاب ۲۵۳ + به‌احتمال در گنجه شمال رود ارس

○ احمد کسروی قطران، مقدمه.

▣ **قفال چاچی**، قرن دهم در تاشکند. با تصویر.

○ سیمرغ ۱۸۱.

▣ **قلعه بیگی**، سرتیب خان‌باباخان (عبدالله)

(۱۲۷۰ـ۱۳۴۶خ) از افسران عصر کودتا که در عصر سردار سپهی و سلطنت رضاشاه پس از احراز چند پست نظامی، فرهنگی شد و به‌تاسیس و اداره دبیرستانهای نظام پرداخت. سرتیپ قلعه‌بیگی پس از بازنشستگی در ۱۳۲۷خ به‌جبهه ملی پیوست. با شجاعت وکالت شهید دکتر حسین فاطمی را پذیرفت. عبدالله‌خان ایروانی پدربزرگ مرحوم قلعه‌بیگی از مهاجران عصر محمدشاه است که از ایروان به‌ایران کوچ کردند. وی با مقام بیگی به‌ایران آمد و به‌مرتبه خانی رسید و مشاغل دولتی مهم یافت. مرحوم سرتیپ قلعه‌بیگی در ۲۵ آذر ۱۳۴۶ درگذشت و در مسجد فیروزآبادی شهر ری به‌خاک سپرده شد*.

◫ **قلعه ساسان** ← آرامگاه سمیران.

◫ **قلندر شاه**، مرشد و مراد مرحوم میرزا یوسف مستوفی، ونک آرامگاه اختصاصی.

○ ر ج ۴/۴۹۰.

◫ **قمرالملوک وزیری**، در تاکستان قزوین زاده شده و به‌علت از دست دادن پدر و مادر تحت تکفل مادربزرگش ملاخیرالنسا قرار گرفت خیرالنسا در حرمسرای ناصرالدینشاه روضه‌خوان بود و قمر نوجوان پامنبریش را می‌خواند و آوازخوانی را بدین روش آموخت و در شانزده‌سالگی معروف شد و به‌محفل نی‌داوود و وزیری‌راه یافت وهمین‌آشنایی با وزیری‌سبب شد که نام وزیری را به‌خود نهد. وی در اولین کنسرت خود درگراند هتل در ۱۳۱۳خ روی صحنه رفت و بی‌حجاب ظاهر شد و تصنیف مرغ‌سحر را اجرا کرد، وی در خوانندگی خصوصیاتی داشت که در هیچ خواننده‌ای نبود. قمر هرچه به‌دست می‌آورد با بینوایان هزینه می‌کرد. وی از نخستین کسانی‌بود که صدایش در ایران ضبط شد. م ۲۵ مرداد ۱۳۳۹. آرامگاه ظهیرالدوله.

○ چهره‌ها ۱۲۱۴.

◫ **قمشه‌ای اصفهانی**، آقا محمد رضا، از اساتید حکمت و عرفان که سرانجام در سال ۱۳۰۶ در ۷۲ سالگی درگذشت و در ابن بابویه به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۶/۲۲۵.

◫ **قمی**، حاج شیخ عباس از فضلا و مورخان معاصر در نجف، در ۱۳۵۹ درگذشت و به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۲/۲۱۵.

◫ **قمی آیت‌الله حاج آقا حسین**، در ۱۲۸۲ در قم زاده شد و در سال ۱۳۵۴ برای مسئله حجاب از مشهد به‌تهران آمد. امّا ازکارش نتیجه‌ای نگرفت. آیت‌الله قمی پس از آقا سیدابوالحسن اصفهانی مدتی مرجع تقلید شد. م ۱۳۶۶، نجف آرامگاه شریعت.

○ ر ج ۶/۹۱.

◫ **قنبری نیشابوری**، از شاعران سده نهم. م ۸۹۶ مدفون در نیشابور.

○ تا ن ۳۰۵.

◫ (خانوادگی) **قوام شیرازی**، در ضلع غربی آرامگاه حافظ باحیاط و تالار وسیع.

○ ا ق ۵۳.

◫ **قوام‌الدوله**، میرزا محمد تقی آشتیانی، از زمان فتحعلی شاه به‌شغل استیفا سرگرم بود. م ۱۲۶۲، قم مقبرهٔ اختصاصی که احفاد وی از جمله دو برادر: وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه در آن مدفون‌اند.

○ ر ج ۳/۳۲۱.

◫ **قوام‌السلطنه**، احمد قوام پسر میرزا ابراهیم

معتمدالسلطنه نواده آقا مصطفی آشتیانی، در سنین نوجوانی پیشخدمت ناصرالدین‌شاه شد و چون خواهرزاده امین‌الدوله بود در ۱۳۱۵ منشی حضور گردید و القاب و مقامات بسیار یافت.
دوبار پیش از کودتا به‌صدراعظمی رسید و سه بار نیز در عصر پهلوی دوم نخست‌وزیر شد و در کابینه چهارمش بود که مشکل آذربایجان را برطرف ساخت و آخرین بار که به‌صدارت رسید جانشین دکتر محمد مصدق شده بود که با رای مردم مجبور به‌استعفا گردید. روابط قوام و خاندان پهلوی همیشه شکرآب بود و این مرد سیاسی که اعتنایی به‌آن دو شاه نداشت، یک بار هم در عصر مصدق لایحه ضبط اموال قوام از تصویب مجلس گذشت و مخالفان خانه‌اش را غارت کردند، اما این قانون لغو شد و یکی دو سال بعد در ۳۱ تیر ۱۳۳۴ احمد قوام در تهران مرد و در قم مقبره خانوادگی خود به‌خاک سپرده شد.
○ رج ۹۴ + رهبر ۷۱۹.
▣ **قوام‌الملک شیرازی**، حاج میرزا علی‌اکبر فرزند حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله متولی‌باشی مشهد، م ۱۲۸۲ در هشتاد سالگی، مدفون در حرم مطهر امام رضا(ع).
○ رج ۴۳۳/۲ + مدفون در مسجد پشت سر. وی پسر حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله بود. مکارم ۱۵۱.
▣ **قوی برج**، یکی از پنج آرامگاه موجود در مراغه است، که احتمالاً از نیمهٔ دوم قرن هشتم برجای مانده است.از لحاظ کلی این برج مشابه چهار برج دیگر مراغه است. کتیبه‌های آن بسیار آسیب دیده و قابل خواندن نیست.
○ آثار ایران ۳۱۳/۳.
▣ **قیدار پیامبر**، در زنجان مانده از سده هشتم با حرم چهارضلعی و گنبد دوپوش مخروطی به‌جهت بلغارخاتون به‌اشارهٔ اولجایتو ساخته شد.
○ آ ذ ۳۷۸ + مانده از سال ۶۹۱ معماری ۹۳/۲ + سیما ۳۱ تیر ۱۳۷۴.
▣ **قیس، مزار قیس**، در کنار جاده تبریز به‌آذر شهر با بقعه جنب مسجد.
○ آ ذ ۵۸۹.

ک

از آرامگاه کاتب تا آرامگاه گازرگاه

▣ **کاتب**، ← آرامگاه یاری هروی.
▣ **کاتب**، میرزا مصطفی، از مردم سده که ابتدا نامش اسماعیل بود، از بابیان بسیارمعتقدکه یک‌گوشش‌را ظل‌السلطان برید. وی قسمت عمدهٔ عمرش را صرف نوشتن آثار باب کرد. م ۱۳۳۹ در هشتاد سالگی تهران، ری ابن بابویه.
○ رج ۲۶۶/۲.
▣ **کاتبی ترشیزی**، محمد، شاعر و خوشنویس معاصر و در خدمت بایسنقر میرزا بود که در ۸۳۹ در اثر وبا مرد و در جوار امامزاده معصوم در

استرآباد به‌خاک سپرده شد.

○ خوش ۸۱۷ + در بقعهٔ نه گوران استرآباد. تا ن ۲۹۸.

⊡ **کاساندان،** همسر کوروش هخامنشی کوروش پاسارگاد.

○ ا ق ۹.

⊡ **کاشانه،** برج کاشانه در شاهرود ـ بسطام از سده هشتم.

○ معماری ۹۶/۲ و ۹۸ + معماری ۴۵.

⊡ **کاشانی حاج سیدابوالقاسم،** روحانی معاصر که سردستهٔ مبارزان ضدانگلیس در عصر حکومت مصدق، بود و بارها دچار تبعید و زندان شد و سرانجام عوامل استعمار موفق شدند که بین او و مصدق جدایی بیفکنند و همین شکاف، موجب سقوط حکومت ملی در ایران گردید. مدفون در آرامگاه ناصرالدین شاه.

○ تاریخچه ۷۹.

⊡ **کاشغری،** محمود، کاشغر.

○ آینده ۷۴۷/۱۴.

⊡ **کاشف‌السلطنه،** محمد میرزا، در لاهیجان، وی برای ملاحظه و مشاهده کشت چای به‌چین رفت و با زحمت بسیار مقداری بذر چای به‌ایران آورد و در ۱۲۷۹ اوّلین مزرعه چای را ایجاد کرد.

○ ر ج ۲۷۴/۲ + آ س ۱۳۰/۲. کتاب گیلان با عکس ۶۶ + رهبر ۷۲۵ + در راه بوشهر به‌شیراز اتومبیلش در کتل کلو به‌دره پرت شد (یا پرت کردند با توطئه قبلی) و جنازه‌اش را به‌لاهیجان بردند و به‌خاک سپردند.

⊡ **کاشفی کمال‌الدین،** حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ از دانشمندان قرن نهم و دهم. م ۹۱۰، صاحب آثار مهم: انوار سهیلی، اخلاق محسنی، تفسیر حسینی و غیره. آرامگاه وی توسط انجمن آثار ملی در ۵۴ـ۱۳۵۲ ساخته شد.

○ کارنامه ۵۹۷ + سبزوار خیابان نظام‌الملک. آ خ ۴۳۸ + معماری ۹۳/۲ + تصویر جغ ۶۲۹ ر ج ۲۳۷/۳.

⊡ **کاشمر،** برج کشمار در کاشمر از قرن هفتم.

○ معماری ۸۸ و ۹۹ + ایران یک ۴۹ + معماری ایلخانی ۱۳۱ + هنر ۳۴۷/۸.

⊡ **کاشی، آخوند ملامحمد،** عالم و حکیم اصفهانی که مجرد ماند و مردی بود بسیار تندخو. م ۱۳۳۳ تخت فولاد اصفهان.

ت همائی

⊡ **کافر،** کافر گنبد. در روستای سیاق، ۱۶ کیلومتری قزوین مانده از سده ششم یا هفتم. تصویر و طرح بدون اشاره به‌اینکه چرا این نام را دارد، گنبد آجری و محراب در داخل.

○ معماری ۹۴/۲ + آ ق ۱۵۵.

⊡ **کامبیز فرزند کوروش** ← آرامگاه کمبوجیه.

⊡ **کامران میرزا،** با القاب امیرکبیر و نایب‌السلطنه، سومین پسر ناصرالدین شاه، از خانم منیرالسلطنه که خیابان منیریه به‌نام وی است. همان گونه که امیریه به‌نام کامران میرزا است، چون که کاخ شهری وی در محل فعلی دانشکده افسری قرار داشته است. (۱۲۷۲ـ ۱۳۰۸خ) وی از نوجوانی ریاست قشون با وی بود عنوان وزیر جنگ و حکمرانی تهران را هم یدک می‌کشید. در سفر ۱۲۹۰ ناصرالدین شاه به‌فرنگ، وی نایب‌السلطنه بود و در غیاب پدر کارها را اداره می‌کرد، در جریان کشته شدن ناصرالدین‌شاه و محاکمه میرزا رضا کرمانی مظنون به‌داعیه سلطنت شد. وی

پدرزن و مشاور محمدعلی میرزا بود و هنگام سلطنت احمدشاه نیز از ارکان دربار احمدشاه شمرده می‌شد. کامران میرزا مؤسس مدرسه نظام بود و در سالهای آخر عمر خانه‌نشین شد تا اینکه در ۱۳۰۸خ از دنیا رفت و در قم به‌خاک سپرده شد.

○ رجال ناصری ۵۷ + د ۲۱۵۴.

▣ **کبوجیه** ← آرامگاه کمبوجیه.

▣ **کبود**، گنبدکبود در مراغه منسوب به‌مادر هولاکو، اما ساختمان آن مربوط است به‌هشت سال پیش از آمدن ایلخانان. ← آرامگاه جوی و قوی.

○ آثار ۱ـ۱۳۸/۱ + ایران یک ۴۴.

▣ **کبود**، گنبد کبود که برخلاف تصور قبر مادر هولاگو نیست، زیرا مادر هولاگو سیور قوقتنی زنی مسیحی بوده است و خود هولاگو مسیحی و زنش نیز که دوقوز خاتون لقب داشته، نوه کشیش مشهور ژان بوده است در حالی که این آرامگاه مملو است از آیه‌های قرآنی و یک عمارت کاملاً اسلامی است تاریخ بنا بر مبنای کتیبه‌های آسیب دیده ۵۹۳ است. ○ آثار ایران ۳۰۱.

▣ **کرباسی یا کلباسی**، حاجی محمدابراهیم، زاده شده در ۱۱۸۰ اصفهان، فرزند محمدحسن هروی خراسانی، این محمد حسن اهل هرات و ساکن محله حوض کرباس بوده (حوض کرباس از این لحاظ که زنی مؤمنه با ریسیدن نخ و بافتن کرباس این آب انبار را ساخت، که بدان حوض کرباس گفتند) حاجی محمدابراهیم که مقیم اصفهان و هروی بود ابتدا هروی و سپس معروف به‌کلباسی شد. وی در ۱۲۶۲ درگذشت و در اصفهان مقابل مسجد حکیم به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۲۱۳/۵ + ل ۲۷۹۷ + آ ص ۶۰۹.

▣ **کردوجین**، دختر اتابک آبش دختر سعد از اتابکان زنگی فارس در مدرسه خداوندزاده کرد وجین شیراز، قرن هشتم.

○ شیرازنامه ۹۳.

▣ **کرمانشاهی کفری**، دکتر محمدخان، فرزند پیرمحمد زارع که در ۱۲۴۵ در آن ولایت‌زاده شد، از پزشکان و جراحان حاذق زمان خود بود که تألیفاتی نیز در این باب داشته است. دکتر محمدخان پس از تحصیل طب در دارالفنون به‌پاریس رفت و پس از خاتمه تحصیلات در آن دیار به‌ایران بازگشت و به‌طبابت و تدریس پزشکی جدید پرداخت. اما چون سخنانی می‌گفته است که بر ارباب دین‌گران می‌آمده، به‌لقب کفری ملقب شده، در آخر عمر مشاغلش را هم از او گرفتند. دکتر محمدخان در ۲۳ رمضان ۱۳۲۶ در تهران مرد و در ابن بابویه به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۲۷۵/۳.

▣ **کرمانی**، خواجه افضل‌الدین محمود فرزند ضیاءالدین محمد، وزیر سلطان حسین بایقرا و از دوستان امیرعلی شیرنوایی م ۱۹۱۰ هرات، مدفون در گازرگاه هرات نزدیک تربت خواجه عبدالله انصاری، در مدرسه‌ای که خود ساخته بود، وی شعر هم می‌سرود و در غزل توانا بود.

○ تا ن ۳۰۸.

▣ **کریم خان زند**، شیراز باغ شاهزاده، در اصل باغ کریم خان که در زمان قاجارها مسکن حکاّم بود و به‌باغ حکومتی مشهور شد، و امروز موزهٔ پارس است.

○ بافت شیراز ۲۲۴ سرنوشت جسد وی تا گ ۲۲۰ + د ت ۴۷ + کارنامه ۲۳۵ + ا ق ۵۹.

▣ **کریم خان زند،** در ملایر، این مطلب را انجمن آثار ملی طی‌نامه‌ای که به‌مدیر مجله یادگار عباس‌اقبال نوشت ارائه نمود، چه در آن مجله برمبنای نوشته‌های فارسنامه نوشته شده بود که استخوانهای کریم خان و نادر (هردوتن) را آغا محمدخان به‌تهران آورد که البته درست نیست. فقط استخوانهای کریم خان را آغامحمدخان به‌تهران آورد. سالها بعد در عصر رضاشاه این استخوانها را با احترام از کرباس کریم خانی خارج و تحویل خاندان زند دادند و ایشان آن را به‌زادگاه وی ملایر برده به‌خاک سپردند.

○ کارنامه ۲۳۵ + در محل فعلی موزه فارس بوده است. ا ق ۵۸.

▣ **کزازی، سیدحسین،** فرزند حاج سیدحسن زاده متولد شده در کرمانشاه ۱۲۸۹/۱۲۵۱خ، پدرش روحانی آزادیخواه طرفدار مشروطه بود. سیدحسین نیز تحصیلکرده و فرهنگی بود و در دوره‌های دوم و سوم به‌نمایندگی کرمانشاه در مجلس رسید، و با مهاجرین از ایران رفت و پس از بازگشت رییس معارف کرمانشاه شد و در این دوره فعالیت چشمگیر داشت. وی سرانجام در ۱۳۰۲خ در یک زد وخورد حزبی کشته شد و با تشییع جنازهٔ مفصل درکرمانشاه به‌خاک رفت.

○ ر ج ۹۰/۶.

▣ **کسایی،** مدفن کسایی، ابوالحسن علی نواده فیروز یکی از قاریان هفتگانه و نحوی قرن دوم مدفون در ری.

○ ری ۴۳۸.

▣ **کسروی،** سیداحمد، فرزند سید قاسم تبریزی (۱۲۶۹-۱۳۲۴). مورخ، ادیب، نویسنده، مصلح اجتماعی و نقد کننده معاصر که در یک خانواده روحانی به‌دنیا آمد. در ادامهٔ تحصیل، زبان انگلیسی آموخت و با روحانیان مسیحی آشنا شد، پس از تغییر لباس به‌استخدام دولت درآمد و در عدلیه مشغول شد، اما دیری نپایید که منتظر خدمت گردید و به‌ناچار کار وکالت دادگستری را پیشه کرد که تا پایان زندگی بدان اشتغال داشت. وی نویسنده‌ای زبردست بود و آثار مهمی از وی برجای مانده است که تاریخ مشروطیت و شهریاران گمنام از آن جمله است. سرانجام در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ در کاخ دادگستری به‌دست یکی از مخالفانش کشته شد وی را پنهانی در آبک شمیران دفن کردند.

○ کاروند هفت.

▣ **کشکول، محمدعلی،** خوشنویس مقیم هند که از شاهکارهایش نوشتن ترجمه فارسی تاریخ ایران سرجان ملکم است، بمبئی گورستان ایرانیان.

○ تاریخ ایران سرجان‌ملکم چاپ هند.

▣ **کشمار** ← آرامگاه کاشمر

▣ **کفایی،** حاج میرزا احمد (۱۳۱۰-۱۳۹۰)، مشهد آستانه رضوی.

○ گنجینه ۲۷۵.

▣ **کلات،** که‌بدان معبد یا مذبح کلات هم گفته می‌شود در دامنهٔ کوه موند، سی کیلومتری خورموج از نوع آرامگاههای سنگی که در تمام منطقه فارس وجود دارد.

○ آ ش ۲۳۵.

▣ **کلات،** آرامگاه برجی کلات در شمال خراسان که ظاهراً بنا بوده است آرامگاه نادر باشد و در

سال ۱۳۱۸ در فهرست بناهای تاریخی ثبت شده، با عنوان مقبره نادر، این آرامگاه شبیه است به‌برج رادکان شرقی و کاشمر با ابعادی بزرگتر، سایکس آن را خــزانــه نــادرشاه خــوانــده ولی یــیت (C.E.Yate) آن را مقبره نادر می‌داند.

○ آثار ۳۱۱/۲ زیرنویس ۳.

▣ **کــلامی بــخارای،** مــولانا، شــاعر نساج و شطرنج‌باز در قرن دهم مدفون در چهارگنبد بلخ.

○ تا ن ۶۲۸.

▣ **کلانتر میرزامحمد** پسر میرزاابوالقاسم مـلقب به‌صاحب اختیار، اولین کـلانتر فـارس در عـصر کریم‌خان زند مؤلف روزنامهٔ میرزامحمد کلانتر که در ۱۳۳۵ خ چاپ شد. م ۱۲۰۰ اصفهان.

○ ر ج ۲۸۲/۳.

▣ **کلباسی ابوالمعالی،** پسر حاج مـحمدابـراهـیم ازشاگردان‌مرحوم مـدرس، عـالم فـقه و اصـول، تخت فولاد اصفهان.

○ ل ۲۷۹۹.

▣ **کلباسی** ← آرامگاه کرباسی.

▣ **کلنل محمد تقی خان پسیان،** از خـاندانـهای مــهاجر از قــفقازیه بــه‌ایــران، افســر ژانــدارم تــحصیلکرده و وطــن‌پرست کــه مــدتی نـیز بـا آلمانی‌ها در طی عملیات جنگی کـابینهٔ مـهاجر، هــمکاری داشت. در ســال ۱۲۹۹ کــه ریـیس ژاندارمری خراسان بود. پس از حـدوث کـودتای سیاه، سیدضیاء وی را مأمور دسـتگیری و اعـزام قوام‌السلطنه به‌تهران کرد. قوام‌السـلطنه حکـمران تام‌الاختیار خراسان بود. کلنل امر مرکز را اطاعت و اجرا کرد، اما وقتی سیدضیاء عامل کودتا اخراج شـد. قـوام بـه‌فرمان احـمدشاه از زنـدان بـه‌قصر نخست‌وزیری رفت و فرمان رییس‌الوزرایی وی از ســوی احـمدشاه صـادر شـد. کـلنل کـه خـوب می‌دانست قوام‌السلطنه مـرد کـینه‌جویی است و وی را نمی‌بخشد قیام کرد، اما این قیام با طـغیان کُردهای قوچان شکسته شد و کلنل در یک جنگ کوچک کشته شد. بدن کلنل را در کنار آرامگاه نادر در مشهد به‌خاک سپردند اول صفر ۱۳۴۰.

○ ز ۱۶۸/۲ + تا ج ۱۵۶ و کتاب قـیام کـلنل از علی آذری.

▣ **کلوکه، دکتر،** طبیب دربار قاجاریه، در گـذشته در ۲۴ اکتبر ۱۸۵۵ گورستان مسیحیان تهران.

○ آ ط ۷ + با سنگ‌قبر نوشته‌دار به‌زبان فرانسه‌ای. + راهنما ۳۲۶/۱۶.

▣ **کلهر،** میرزا رضـا خـوشنویس (۱۲۴۵-۱۳۱۰) فوت در ۶۵ سالگی در وبای عام تهران، قبرستان حسن‌آباد تهران که اکنون ادارهٔ آتش‌نشـانی شـده است.

○ ر ج ۲۲/۲ + خوش ۷۳۲ + خوش معاصر ۷۵.

▣ **کلیم کاشانی،** ابوطالب کلیم، مـیرزا طـالب در مزارالشعرای سـری‌نگر کشـمیر. ایـن شـاعر را در آخر عمر برای نظم کردن شاهنامه شاهان جغتاییه به‌کشمیر فرستادند، اما از عـمرش چـیزی بـاقی نبود، درگذشت و در مزار شعرا به‌خاک سپرده شد. شعر تاریخ وفات او را غنی کشمیری سروده است نه کلیم همدانی.

○ نقش پارسی ۹۴ + این مـأموریت را جـهانگیر به‌وی داد و گور وی در کنار گور محمدقلی سلیم قرار دارد.

○ نتایج الافکار + فک مؤلفان ۱۸۳.

▣ **کلینی** ← آرامگاه ابوجعفر کلینی رازی.

▣ **کــمال‌الدیــن اســماعیل** ابـوالفـضل پسـر جمال‌الدین، شاعر اصفهانی که در اوایل قرن هفتم

توسط مغولان کشته شد. اصفهان محلّهٔ جوباره در خانهٔ خود وی.
○ آ ص ۸۱۱ + کارنامه ۶۷۶ + منزوی شد و در ۶۳۵ رحلت کرد. تا ن ۱۵۸.

کمال‌الدین اسماعیل، مقاله از وحید دستگردی.
○ فم ۳۷۴.

کمال‌الدین یا حکیم‌الدین ادریس، ابن حسام‌الدین علی بدلیسی، معروف‌ترین مورخ سده نهم در خاک عثمانی از منشیان دربار سلطان یعقوب آق‌قویونلو که پس از انقراض این سلسله، از ترس صفویان به‌عثمانی رفت و در دربار عثمانی مقام یافت و به‌وی مأموریتهای جنگی داده می‌شد. م ۹۲۶ در استانبول، آرامگاهش به‌نام ادریس کوشکو در محله ایوب نزدیک مسجد زینب خاتون در استانبول قرار دارد. با آثار مهم به‌عربی و فارسی.
○ تا ن ۲۵۴.

کمال‌الدین بهزاد، استاد، از بزرگترین و مشهورترین نگارگران ایرانی است (۸۷۰-۹۴۲) در هرات زاده شد و با امیرعلی شیرنوایی و سلطان حسین بایقرا معاصر بود و پس از سقوط تیموریان و تسلط ازبکان، وی در هرات ماند و پس از پیروزی شاه اسماعیل برازبکان وی همراه پادشاه صفوی به‌تبریز رفت و به‌ریاست کتابخانه شاهی رسید. در عصر شاه طهماسب نیز وی در تبریز بود و شاگردان زبردستی را پرورش داد. کار بهزاد را بسیار تقلید کرده‌اند و از آثار مسلم وی یک بوستان سعدی مصور است به‌خط سلطان علی مشهدی که در کتابخانه ملی قاهره. نگه‌داری می‌شود و نگارگریهای شاهنامه شاه طهماسبی نیز از اثر شاگردان وی است که اثر نفوذ وی در آن محسوس است. بهزاد در تبریز مرد و در گورستان کمال به‌خاک سپرده شد. گورکمال خجندی در کنار گور وی است از این رو بدان آرامگاه دوکمال می‌گویند. تاریخ فوت وی در روی سنگ قبر ۹۱۴ است. بنا را در ۱۳۵۳ خ انجمن آثار ملی تعمیر و نوسازی کرد. به‌قولی آرامگاه بهزاد در هرات است.
○ کارنامه ۶۳۵ + آ ذ ۴۲۶ + د ۴۷۸.

کمال‌الدین خجندی، شاعر، م ۷۷۹ در کنار بهزاد، آرامگاه دوکمال.
○ کارنامه ۶۳۹.

کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، فرزند جمال‌الدین اسحاق، از تاریخ‌نویسان سده نهم، متولد هرات ۸۱۶ که قاضی عسگر و شیخ‌الاسلام سپاه شاهرخ شد و در ۸۴۱ به‌دربار شاهرخ راه یافت. شاهرخ وی را به‌سفارت هند و گیلان فرستاد. کمال‌الدین سرانجام گوشه‌نشین شد. و در ۸۸۷ در خانقاهی که ریاستش را ابوسعید به‌وی داده بود، مرد و به‌خاک رفت. کتاب مهم وی مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین است در تاریخ تیموریان از سال ۷۰۰ تا ۸۷۵.
○ تا ن ۲۵.

کمال‌الدین عبدالغفار نخجوانی، مزارش در پیش مزار بابامزید است در کوی سرخاب تبریز. م ۱۸۰۱ از اولاد اوحدالدین کرمانی.
○ کوی سرخاب ۱۸۲

کمال‌الدین مسعود خجندی، از عارفان و شاعران سده هشتم. زاده شده در خجند ۸۰۳، که پس از سفر حج در تبریز مقیم شد. مدتی به‌طور تبعید در دشت قبچاق بسر برد و دوباره به‌تبریز آمد و در ۷۹۲ یا ۸۰۳ در خانقاهی که در یک باغ

قرار داشت و سلطان حسین جلایر برایش ساخته بود مرد و مدفون شد.
○ تا ن ۲۱۰ + در گورستان کمال تبریز.
آ ذ ۴۱۷.

▣ **کمال‌الدین مسعود شروانی**، شاعر و مدرس خراسانی که امیرعلی‌شیر نوایی و گروهی دیگر از دولتمردان در مشهد به‌مجلس درس وی می‌رفتند. م ۹۰۵ مدفون در مزار پیرسیصدساله، مشهد.
○ تا ن ۳۳۲.

▣ **کمال‌الملک** (۱۲۶۸ـ۱۳۱۹)، محمد غفاری فرزند میرزا بزرگ، نقاش متعهد و دولت مرد آزادی‌طلب بزرگ، پایه‌گذار نقاشی جدید اروپایی در ایران. کمال‌الملک مدتی در اروپا نزد استادان اروپایی هنرآموزی کرد و خود نخستین مدرسه هنرهای ترسیمی جدید را در ایران پی افکند. کمال‌الملک همانند قوام‌السلطنه و اعلم‌الدوله یکی از آن کسانی بود که در تدارک و امضای فرمان مشروطیت کوشا بود. وی درعصر پنج پادشاه: ناصرالدین، مظفرالدین، محمدعلی، احمدشاه و رضاشاه زیست و جز مظفرالدین و احمدشاه از همه آنها اهانت و بی‌لطفی‌دید، اما ناصرالدین‌شاه برای وی احترام فوق‌العاده قائل بود. کمال‌الملک در آخر عمر توسط عمال حکومت رضاشاه به‌حسین آباد مشهد تبعید شد و سرانجام در ۹۶ سالگی در آنجا درگذشت و در نیشابور در صحن آرامگاه عطار به‌خاک سپرده شد و در ۱۳۴۰ انجمن آثار ملی برایش آرامگاه ساخت.
○ روزشمار ۲۲۹ + معماری ۸۹/۲ + آخ ۲۵۱ + جغ ۶۴۱ + کارنامه ۳۵۹ + رج ۲۶۲/۳ و کتابهایی که در دهه‌های اخیر درباره وی و مکتبش تدوین شده است از جمله کمال هنر.

▣ **کمال پاشازاده**، شمس‌الدین احمد فرزند سلیمان از دانشمندان بزرگ عثمانی که به‌سه زبان فارسی و عربی و ترکی تسلط داشت و در زبان ترکی و فارسی آثار مهم از وی به‌یادگار ماند. وی دولتمردی صاحب‌مقام نیز بوده است. م ۹۴۱، در حالی که شیخ‌الاسلام امپراتوری بود. مدفون در دروازه ادرنه در خانقاه محمود چلبی.
○ تا ن ۸۱۱.

▣ **کمال خجندی** ← آرامگاه کمال‌الدین مسعود.

▣ **کمبوجیه هخامنشی**، در جوار پدرش در پاسارگاد و یا در صفحه سنگی ناتمام نقش رستم.
○ ا ق ۳۳۲.

▣ **کمپانی، شیخ محمدحسن**، در حرم حضرت رضا علیه‌السلام.
○ سایه آفتاب ۳۹.

▣ **کنی**، حاج ملاعلی، روحانی مقتدر عصر ناصرالدین‌شاه. فوت در ۸۶ سالگی. اعتمادالسلطنه می‌نویسد: سوم صفر ۱۳۰۶ در تشییع‌جنازهٔ حاج ملاعلی که به‌حضرت عبدالعظیم بردند اهالی تهران از شهری و کندی (کنی) و کسبه و علما و آخوندها معرکه کرده بودند حتی گبر و یهودی و ارمنی هم دسته شده بودند، عماری او را به‌دوش از شهر به‌حضرت عبدالعظیم بردند و بنا بر وصیتش در بین‌الحرمین حضرت عبدالعظیم به‌خاک سپردند.
○ ر ج ۳۵۱ + در آرامگاه ناصرالدین شاه. تاریخچه ۷۸.

▣ **کوچک**، برجی است هشت ضلعی که روی تپه‌های جنوب شرقی امامزاده قاسم در منطقه

سمیران طارم ساخته شده است. در داخل بنا تزیینات گچبری آثار آل بویه دیده می‌شود.
○ آ ق ۴۲۲.

▣ (درگاه) **کوچک شاه دولت**، از احفاد شاه یحیی مانیری که عبدالرحیم خان خانان از مریدان وی بوده است، ماده تاریخ وفات وی، ۱۰۱۷، را نیز همان شاعری که ابیات درگاه بزرگ را سروده منظوم ساخته و آن را در درب ورودی آرامگاه منقوش ساخته‌اند.
○ نقش پارسی ۱۰۳.

▣ **کوروش کبیر**، در زبان بومیان مقبره مادر سلیمان، در جاده اصفهان شیراز پس از عبور از ده بید در ده کیلومتری قادر آباد، جاده‌ای در سمت راست نمودار می‌شود که به‌دشت مرغاب و آرامگاه کوروش می‌رسد. محفظهٔ سنگی آرامگاه ۳/۵ در ۳/۵ متر به‌بلندی ۲/۵ متر است علاوه بر کوروش آرامگاه همسر وی کاساندان نیز در اینجا بوده است. در داخل بنا بر دیوار آن محراب ساخته و آیات قرآنی نوشته و بنا را به‌صورت یک پدیده اسلامی درآورده‌اند.
○ ا ق ۸ و ۵۶۷.

▣ **کوروش**، محمدتقی مصطفوی.
○ فم ۳۴۲.

▣ **کوروش بزرگ**، علی سامی.
○ فم ۱۳۵/۳.

▣ **کوزه کُنانی**، حاج محمدحسن، آرامگاه وی با دوازده هزار تومان ارسالی محمدشاه صورت‌پذیر شد، حاجی محمد حسن سلطنت محمدشاه را سالها پیش پیش‌بینی کرده بود. این آرامگاه در باغ خاندان پیرنیا در خارج شهر نایین واقع است.
○ رجال ۴۴ + جانشین و شوهر نوه حاج عبدالوهاب نایینی. ر ج ۳۷۲/۳

▣ **کوه بنان** در کرمان، بنایی از قرن ۱۴ م، آجری با گنبد بلند.
○ ایران یک ۱۹۲.

▣ **کوه سنگی**، جبل سنگ در کرمان.
○ ایران یک ۴۳.

▣ **کوه کمره‌ای** ← آرامگاه آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای.

▣ **کیاداوود**، فرزند کیا جمال‌الدین در دامنهٔ کوهی مسلط بر دهکدهٔ یوش که گنج خواهان آن را زیر ورو کرده‌اند. بنای قاجاری با سنگ‌نوشته‌ای در پیشانی درب ورودی آن.
○ آ س ۲۷۰/۳.

▣ **کیخسرو شاهرخ** ← آرامگاه ارباب کیخسرو.

▣ **کیکاووس بن کیومرث**، شیعه و محب حضرت علی بن ابی‌طالب، بنایی قدیمی در دوآب دهکده یالو، در کوهستان نور که کتیبه‌ای به‌مضمون بالا داشته است.
○ آ س ۲۸۷/۳.

▣ **کیوان**، حاج ملاعباسعلی قزوینی (۱۲۷۷-۱۳۵۷) فرزند اسماعیل از مریدان گنابادی، روحانی عارف که در آخر عمر از فرقه مزبور اعراض کرد و سرانجام در هشتادسالگی در بیمارستان آمریکایی رشت مرد و در سلیمان داراب دفن شد.
○ ر ج ۱۳۰/۶ + یا ق ۲۲۷/۸.

گ

از آرامگاه گازرگاه تا آرامگاه لاجیم

◫ **گازرگاه**، در هرات، آرامگاه خواجه عبدالله انصاری، عارف وصوفی معروف و عده‌ای دیگر از بزرگان و شاعران.

○ فم ۳۶۸.

◫ **گئومات غاصب** ← آرامگاه بردیای دروغین.

◫ **گبرها**، (خانه گبرها) در بخش مغربی قنات بلوچ‌ها، در قریه شهراب پایین اردستان، که هنگام خاکبرداری گورهایی به‌شکل خمره پیدا شده است.

○ آ ص ۱۷ + آتشکده اردستان ۱۴۴.

◫ **گبرها**، دخمه یا قلعه گبرها ← آرامگاه بزرگان در ری

◫ **گرجی گمنام**، هنگام اشغال تبریز و کشتار بی‌گناهان این‌خطّه توسط روسها، یک جوان (که نامش را نویسنده کتاب نیافته است) و به‌یک خانواده مرفه و مهم در تفلیس منسوب بوده، برای کمک به‌مشروطه‌طلبان، به‌تبریز می‌آید، و چون دستگیر می‌شود در پای‌دار می‌گوید: فقط یک لحاف دارم و یک بوریا، لحاف را بابت بدهیهایم به‌طلبکاران بدهید. دوبار طناب‌دار پاره می‌شود و بار سوم او را به‌دار می‌زنند. او در راه استقلال و آزادی ایران قربانی شد و چون پیش از اعدام مسلمان شده بود در قبرستان نزدیک دروازه نوبر تبریز به‌خاک سپرده شد.

○ تا ق ۱۵۵۲.

◫ **گَردیزی**، ناصرالدین محمد، ملقب به‌شاه گردیز متولد غزنین مقیم مُلتان از عارفان صاحب‌کرامت و موردعلاقه مردم، آرامگاه با مسجد و مدرسه مجاور آن با کاشی‌کاری زیبا از قرن دهم.

○ میراث ۶۸۰

◫ **گردیزی** ← آرامگاه شیخ یوسف.

◫ **گرگانی، شمس‌العلما**، حاج میرزا حسین بن علیرضا مشهور به‌جناب (۱۳۶۳-۱۳۴۵)، شهر ری ابن بابویه.

○ فک مؤلفان ۸۲۵/۲.

◫ **گرگ علی شاه**، در بلده جاتسو نزدیک جیپور هند با کتیبه‌ای به‌خط محمد معصوم نامی بهکری با این رباعی:

«جام از می عیش تلخکام افتاده این مجلس باده ناتمام افتاده بنگرزحریفان می و جام افتاده مستانه به‌خواب هرکدام افتاده».

○ نقش پارسی ۱۰۶.

◫ **گری بایدف**، سفیر روسیه تزاری که در بلوای عودت دادن زنهای ارمنی و گرجی از ایران به‌قفقاز در تهران کشته شد. کلیسایی قدیم در کوچه‌ای در میدان مولوی، قدیم‌ترین کلیسای تهران.

○ ت. دکتر کمال حاج سید جوادی + روسی‌های مقتول درغایله‌گری بایدوف، در این محل مدفون‌اند و بدن خود گری بایدوف به‌روسیه برده شده است.

○ آ ط ۸۸.

▣ **گریگوریان خان،** پادشاه زاده اهل هندوستان، کلیسای طاطاوس تهران، عکس.

○ آ ط ۹۲.

▣ **گــل،** گل گنبد، آرامگاه محمدعادلشاه در بیجاپور ۱۶۶۰ م.

○ معماری هند ۷۷ تصویر ۵۱ اسف.

▣ **گلستانه،** علی‌اکبر احتشام‌السادات خوشنویس. قرن سیزدهم. قم.

○ خوش ۴۳۷.

▣ **گلما،** در ساری قریه گلما از سده هشت و نه.

○ معماری ۸۹/۲.

▣ **گمنام،** سنگ قبری مورخ ۵۳۲ که در اکنون در موزهٔ بُستُن آمریکاست.

○ ی ۹۱۳ و ۱۳۱۵.

▣ **گنابادی،** سلطان علی یا سلطان محمد، که وی را هنگام وضو در جلو در خانه‌اش دو نفر از اشرار خفه کرده در چاه انداختند، صاحب تألیفات زیاد. م ۱۲۹۳ بیدخت.

○ ت یغمایی + یاق ۱۹۱/۸.

▣ **گنبد باز،** که در محل بدان گنبذ باز گویند، بنایی صفوی بر فراز کوهی مخروطی که بنا بر یک افسانهٔ تاریخی آرامگاه باز محبوب شاه عباس است.*

▣ **گنبد باز،** باز لوند از عباس اقبال.

○ فم ۳۶۶ + عباس اقبال ۴۶۰.

▣ **گنبد باز،** گوهری تابناک بر تارک هنر و معماری ایران. اعظم واقفی، حسین.

○ فم ۲۲۲/۴.

▣ **گنبد جبلیه** ← آرامگاه جبلیه در کرمان.

▣ **گنبد خشتی،** مشهد خیابان طبرسی، صفویه.

○ معماری ۸۹/۲.

▣ **گنبد دشتی،** در ۳۴ کیلومتری شمال اصفهان، بنای دوره مغول.

○ د ۲۴۱۴.

▣ **گنبد سبز در قم،** آرامگاه سبز، سه بنای تاریخی از دوره ایلخانان که در محله دروازه کاشان برجای‌اند، نزدیک بقعه علی بن جعفر با گچ‌بری و کتیبه‌های زیبا، که گنبد بالایی یکی از آنها فرو ریخته و دارای تاریخ ۷۶۱ است و دیگری که نسبتاً سالم مانده، دارای تاریخ ۷۹۲ است و سومی احتمالاً از قرن ششم.

○ معماری ایلخانی ۱۹۱ با تصویر + هنر ۳۵۳/۸ + راهنمای قم ۱۳۲ + د ۲۴۱۵ + معماری ۷۸/۲.

▣ **گنبد سبز** در مشهد، بنایی از عصر صفویه که آرامگاه حکیم مؤمن است و اکنون در وسط میدانی نوپا قرار دارد.

○ د ۲۴۱۵.

▣ **گنبد سبز،** در کرمان، بنایی با کاشی‌کاری زیبا که اکنون کتیبه‌ای ندارد اما می‌توان آن را از سده نهم دانست ← آرامگاه قراختاییان.

○ د ۲۴۱۵.

▣ **گنبد سرخ،** در مشهد، خیابان آخوند خراسانی ۹۰۴.

○ معماری ۸۹/۲.

▣ **گنبد سرخ،** قدیمترین مزار در مراغه که بیشتر بدان گنبد قرمز گویند بنایی چهاربر با گنبد سقفی که نسبتاً سالم مانده است. در زیر شبستان یک سردابه هم هست که مربوط به‌شبستان نیست و با دری به‌خارج راه دارد. بر مبنای کتیبه سردر، بنا را فخرالدین عمادالاسلام قوام آذربایجان

عبدالعزیز بن محمود با تاریخ ۲۱ شوال ۵۴۲ ساخته و سازنده بنا محمد فرزند محسن معمار است.

○ آثار ایران ۱۲۸۷/۳ و آثار ۱-۱۳۸/۱ + هنر ۳۴۱/۸ + ایران یک ۱۱۶ + معماری ۸۴/۲ + د ۲۴۱۹.

◘ **گنبد سلطانیه** ← آرامگاه سلطانیه.

◘ **گنبد شیخ جنید** ← آرامگاه شیخ جنید یا سلطان جنید.

◘ **گنبد علویان** ← آرامگاه علویان.

◘ **گنبد علی** ← آرامگاه علی در ابرقو.

◘ **گنبد غفاریه** ← آرامگاه غفاریه در مراغه.

◘ **گنبد قابوس** ← آرامگاه قابوس.

◘ **گنبد قنوج**، مزاری در مشرق شهر قنوج، در استان شمالی هند (یوپی) نزدیک قلعه کهنه که در آن دو روضه هست، یکی از آن دو روضه که دارای تاریخ است، آرامگاه صوفیی از فرزند زادگان مخدوم جهانیان است. بر مبنای کتیبه‌ای که در این محل نصب شده یکی از امرای شاه حسین شرقی به‌نام شاه پری‌خان در ۸۸۱ این روضه را بنا نموده و اشعار فارسی که در روی این سنگ نقر شده حاوی مطلب بالاست.

○ نقش پارسی ۷۵.

◘ **گور دختر**، در ناحیه سر مشهد فارس که از عصر آغازین شاهنشاهی هخامنشی برجای مانده است و مشابه است با آرامگاه کوروش در مشهد مرغاب.

○ اق ۳۷ وی ۳۷.

◘ **گورستان قدیمی زرتشتیان**، سراسر کوهستان شمالی ری بزرگترین گورستانی بوده که در زمانهای پیش از اسلام زردشتیان از آن به‌عنوان دخمه استفاده می‌کرده‌اند.

○ ری ۳۶۶.

◘ **گورکانیان**، امیر تیمور شاهرخ، میرانشاه، اُلُغ‌بیک، عبدالعزیز و محمدسلطان، همه در مجموعه‌ای به‌نام شاه زنده که در سمرقند واقع شده‌اند. سازندهٔ گور امیر و مقبره امیرتیمور یک بنّای اصفهانی است که اسامی امامان شیعی را در کتیبه‌ها گنجانده است.

○ محمدتقی مصطفوی، سخنرانی در کنگره تحقیقات ایرانی دانشگاه ملی ۱۳۵۵. سیمرغ ۱۵۵.

◘ **گوهرتاج تیموری** ← آرامگاه آهنگان

◘ **گوهر شاد**، در جوار مسجد جامع هرات که خود گوهرشاد بانی هردو بود.

○ فم ۳۶۸.

◘ **گوهرشاد آغا**، شاهزاده خانم تیموری گازرگاه هرات ۸۳۹.

○ هنر ۴۳۷/۸.

◘ **گیخاتو**، ایلخان مغول در قراباغ.

○ معماری ایلخانی ۲۰۵.

◘ **گیلانی، شیخ عبدالقادر**، بغداد در کنار بقعه سهروردی.

○ هنر و مردم شماره ۳۰ شهریور ۱۳۴۶.

ل

از آرامگاه لاجیم تا آرامگاه مادر سلطان زین‌العابدین

▣ **لاجیم**، برج لاجیم بنایی معتبر در سوادکوه مازندران که در میان مردم بومی امامزاده عبدالله خوانده می‌شود در حالی که آرامگاه ابوالفوارس شهریار ابن‌عباس از شاهان محلی مازندران است. تاریخ بنا ۴۳۰ است با کتیبه کوفی.

○ تا هنر ۲۳۲ + آثار ایران ۱ـ۱۰۹/۱ + سیر فرهنگ ۲۸۴ + تاتس ۳۵

▣ **لاجیم**، برج لاجیم در مجلهٔ راه نو.

○ فم ۳۶۷.

▣ **لامعی بر سوی**، محمود بن عثمان از شاعران بزرگ قلمرو عثمانی که در شهر بروسه به‌دنیا آمد و در همان شهر از دنیا رفت و آرامگاهش نیز در آن شهر است. وی از شاعران بزرگ فارسی و ترکی سرای آن امپراتوری بوده است . م ۹۳۹.

○ تا ن ۳۸۹.

▣ **لسانی شیرازی**، مولانا وجیه‌الدین، در مقبرةالشعرای تبریز، شاعر شیعی، آخرین نفر از بیست و دونفری که نامشان در مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری ذکر شده است. م ۹۴۱.

○ کوی سرخاب ۴۲۱.

▣ **لطفعلی خان زند**، در امامزادهٔ زید تهران.

○ بخوانید و بدانید ۸۲۱ + در تهران تبعید بود و به‌اشارهٔ آغا محمدخان توسط محمدخان قاجار دولو کشته شد. ر جا ۵۰ + امامزاده زید تهران. آ ط ۵۴.

▣ **لطفی هروی**، از شاعران نامی سده نهم و از مریدان شیخ شهاب‌الدین خیابانی. م ۸۹۶ در ۹۹ سالگی، مدفون در خانه‌ای که در کنار شهر هرات داشته است.

○ تا ن ۲۹۵.

▣ **لقمان بابا**، بابالقمان یا شیخ لقمان از عرفای قرن چهارم، در سرخس بنایی است آجری ساده ولی عظیم و پرشکوه، احتمالاً از قرن ششم با کتیبه از سال ۷۵۷، سال ترمیم.

○ سرخس ۱۴.

▣ **لنبانی**، رفیع‌الدین مسعود عارف و شاعر. م ۶۳۰ مدفون در اصفهان، لنبان.

○ تا ن ۱۶۵.

▣ **لوطی صالح شیرازی**، از لوطیان زمان کریم خان و بسیار موردعلاقه و توجه وی و درباریانش، به‌طوری که وی از این راه ثروت بزرگی فراهم کرد. در عصر آغا محمدخان بازارش کساد شد و آن شاه سختگیر نیز دماغش را برید و امر کرد به‌عتبات برود و دیگر به‌ایران برنگردد و وی چنین کرد و به‌کاظمین رفت و در همان جا مرد و به‌خاک رفت.

○ رج ۱۲۴/۶.

▣ **لوکینسن و لکن ویلهلم**، مدیرکمپانی هند شرقی هلند. م ۱۰۶۶ در اصفهان گورستان ارامنه، جلفا.

○ آ ص ۸۴۶.

م

از آرامگاه مادر سلطان زین‌العابدین تا آرامگاه نایینی

▣ **مادر سلطان زین‌العابدین،** پادشاه کشمیر، نیم ویران.

○ معماری هند ۸۶ تصویر ۶۰ الف.

▣ **مادر سلیمان،** مشهد مادر سلیمان در پاسارگاد نزدیک آرامگاه کوروش.

○ ا ق ۱۰.

▣ **مادر سهل بن عبدالله،** گور مادر سهل بن عبدالله در خارج شهر شوشتر، سهل بن عبدالله از عارفان بزرگ بوده است. م ۲۸۲ در بصره.

○ د ش ۵۵۶.

▣ **مادر نادرشاه،** در لار فارس.

○ معماری ۸۶/۲.

▣ **مادر هولاکو** ← آرامگاه کبود، گنبد کبود در مراغه.

▣ **مادر هولاکو،** در مراغه، بنایی از سده هفتم.

○ معماری ۸۴/۲.

▣ **ماستری** ← آرامگاه شیخ عبدالصمد در نطنز.

▣ **مالک،** برج مالک در سقز، بنای سلجوقی.

○ معماری ۸۹/۲ + بنای تیموری. چهره ایران ۱۷۴.

▣ **مالک اژدر (اشتر؟)،** در خاکریز قلعهٔ افراسیاب در سمرقند.

○ سمریه ۱۶۷.

▣ **مالک دیلمی،** خوشنویس، مرگ ذی‌حجه ۹۶۹ در قزوین، مدفون در قزوین.

○ خوش ۵۹۹.

▣ **مامقانی،** حاجی شیخ عبدالله، زاده شده ۱۲۹۰ در نجف، فرزند شیخ محمدحسن از علمای بزرگ که در ۱۳۵۱ در نجف درگذشت و در آرامگاه پدر خود به‌خاک سپرده شد. وی مؤلف تنقیح‌المقال فی‌احوال الرجال است.

○ ر ج ۱۴۸/۵.

▣ **مأمون عباسی،** طرسوس م ۲۱۸.

○ التنبیه ۳۳۴ + مجمل فصیحی ۲۸۹.

▣ **مانی شیرازی،** شاعر و خوشنویس عصر شاه اسماعیل، مقتول در تبریز و مدفون در سُرخاب.

○ خوش ۶۱۰ + مقبرةالشعرا، تبریز کارنامه ۶۹۱ + کوی سُرخاب ۴۱۴.

▣ **مبارک شاه سید،** سلطان دهلی ۱۴۳۴ م، دهلی.

○ معماری هند ۲۲ تصویر ۱۶ الف.

▣ **متین‌السلطنه عبدالحمید ثقفی،** فرزند اعتضادالاطبا طبیب معروف عصر قاجارها، اختصاصاً طبیب عزت‌الدوله. زاده شده در تهران اول محرم ۱۲۹۶ که روز اول شعبان ۱۳۳۵ توسط کمیته مجازات کشته شد. متین‌السلطنه مانند برادرش اعلم‌الدوله مردی آزادیخواه و تحصیلکرده و دموکرات بود و چندبار به‌وکالت مجلس انتخاب شد و از مخالفان سیاستهای خشونت‌بار روسیه تزاری در ایران بود. وی را در ابن بابویه شهر ری به‌خاک سپردند. متین‌السلطنه دومین نفر بود که به‌تیر کمیته مجازات کشته شد و

جریان این ترورها را دقیقاً می‌توان در کتاب ایران در جنگ بزرگ سپهر صفحه ۴۱۸ و کتابهای دیگر تاریخ مشروطیت و پی‌آمد آن در آن زمان متین‌السلطنه سردبیر روزنامه عصر جدید بود و طی مقاله‌ای دولت را به‌علت تعلل در ایجاد امنیت مورد سوال و مؤاخذه قرار داده بود. قاتل را که هنگام فرار یک پسر ۱۴ ساله ارمنی را هم کشته بود نتوانستند کشف یا دستگیر کنند. کمیته مجازات پس از قتل متین‌السلطنه بود که اولین بیانیه خود را تدارک و تکثیر و منتشر ساخت.

○ فک مؤلفان ۷۷۸/۲ + ایران در جنگ بزرگ ۴۱۸ + کمیته مجازات.

▣ **مجدالدوله خوانسالار**، (۱۳۱۶-۱۳۵۷ خ)، مهدی قلی‌خان پسر عیسی‌خان اعتمادالدوله قاجار، دایی ناصرالدین‌شاه. مجدالدوله از محارم شاه و بسیار مورداطمینان وی بوده ابتدا غلام بچه اندرون و در سفر ۱۲۸۸ شاه به‌عتبات، از همراهان وی شمرده می‌شد. وی پس از بازگشت از این سفر با فخرالدوله دختر شاه ازدواج کرد و داماد شاه شد و پس از فوت این خانم در جوانی، با دختر دیگر شاه که بیوه اعتضادالملک بود عروسی کرد. مجدالدوله به‌مقتضای شغلی که داشت سالها غذای شاه و دیگر ساکنان دربار را مهر می‌کرد. وی سرانجام در اواخر سال ۱۳۱۶ خ در دزآشیب شمیران جان سپرد و در آرامگاه محمدشاه در قم، به‌خاک سپرده شد.

○ رجال ناصری ۹۸ + ر ج ۱۸۴/۴.

▣ **مجدالدین اسعد**، دومین حکمران فارس، م ۶۸۶، مدفون در مدرسه‌ای به‌نام (مجد رومی) که خود وی ساخته بود.

○ شیرازنامه ۷۳.

▣ **مجدالدین بغدادی**، شیخ، از صوفیان بزرگ در قرن هفتم که در ۶۰۷ یا ۶۱۶ به‌امر سلطان محمد خوارزمشاه در جیحون غرق شد. بدنش را به‌نیشابور آوردند و در سال ۸۳۳ به‌اسفراین منتقل کردند. جامی قصه غرق شدن وی را این‌چنین آورده است:

شیخ مجدالدین در خوارزم وعظ می‌گفت و مادر سلطان محمد عورتی بود به‌غایت جمیله به‌وعظ شیخ مجدالدین می‌آمد و گاه‌گاه به‌زیارت او می‌رفت. مدعیان فرصت جستند تا شبی که سلطان محمد به‌غایت مست بود عرضه داشتند که مادر تو به‌مذهب امام ابوحنیفه و به‌نکاح شیخ مجدالدین درآمده است. سلطان رنجه شد فرمود که شیخ را در دجله (جیحون؟) اندازند، انداختند.

○ تا سخ ۴۲۱.

▣ **مجدالدین، صنیع‌الله**، کوزه کُنانی. عارف و صوفی مشهور قرن نهم و اوایل قرن دهم که در دهم صفر ۹۸۱ فوت کرد ماده تاریخ وفاتش پیرطریقت است و در مقبرةالشعرا در تبریز به‌خاک سپرده شد. به‌قولی وفاتش در ۹۳۱ یک سال پس از فوت شاه اسماعیل اتفاق افتاده است.

○ کوی سُرخاب ۲۰۱. + رجال ناصری ۹۸ ر ج ۱۸۴/۴.

▣ **مجدالکتاب**، شیخ محمد، م ۱۲۹۷ خ هنرمند خوشنویس مدفون در نجف وادی‌السلام.

○ خوش معاصر ۷۲.

▣ **مجدالملک**، میرزامحمد خان سینکی خواهرزادهٔ میرزا آقاخان نوری و پدر میرزاعلیخان امین‌الدوله وزیر وظایف ناصرالدین‌شاه، م ۱۲۹۹، حضرت عبدالعظیم.

○ رهبر ۶۷.

▣ **مجذوب**، حاج محمد جعفر کبودرآهنگی قراگوزلو، مجذوب علی شاه با تألیفات زیاد. م ۱۲۳۹ تبریز، مزار سیدحمزه.

○ ر ج ۳۲۸/۳ و ۱۴۴/۶ + مجذوبعلی شاه همدانی در مقبرهٔ ملاباشی تبریز. آ ذ ۴۵۳ + کوی سرخاب ۱۰۲.

▣ **مجلسی محمد باقر** ← آرامگاه مجلسی ملامحمدتقی

▣ **مجلسی، آخوندملامحمدتقی**، م۱۰۷۰ و فرزندش محمدباقر صاحب بحارالانوار م ۱۱۱۰. اصفهان در گوشهٔ شمال غربی مسجد جامع با دو تصویر قلمی از ملامحمد باقر و کتیبه به‌تاریخ ۱۰۹۲ و سقاخانه مورخ ۱۰۹۳ عصر شاه صفی.

○ د ت ۴۷ + فک مؤلفان ۲۳/۲.

▣ **مجیر**، بقعه سنگی مجیر بن عقیل در دیزج اسکو.

○ آ ذ ۵۸۵.

▣ **مجیرالدین بیلقانی**، ابوالمکارم، ادیب و شاعر که در ۵۶۸ اوباش در اصفهان وی را کشتند مدفون در اصفهان و یا مقبرةالشعرای تبریز.

○ کارنامه ۶۹۳ + کوی سرخاب ۲۷۳ + تا ن ۱۰۷ سال وفات ۵۸۰.

▣ **محب علی مانی**، خوشنویس و دولتمرد عصر شاه طهماسب. مرگ ۹۵۵، مشهد در جوار قبر پدرش.

○ خوش ۹۱۷.

▣ **محبوبعلی شاه سمنانی** ← آرامگاه فانی و محبوب علی‌شاه.

▣ **محتشم‌السلطنه**، حاج ← آرامگاه اسفندیاری، حسن.

▣ **محتشم کاشانی**، مولانا کمال‌الدین پسر خواجه میراحمد نراقی، شاعر و مرثیه‌سرای معروف. مورد احترام شاه طهماسب و مداح وی و شاه اسماعیل و سلطان‌محمدخدابنده ونیز محمداکبر سلطان بابری هند و مرتضی نظام شاه و یوسف عادل شاه بود و چون به‌هند نرفته بود. مدحیات را برای ایشان فرستاده. م ۹۹۶ مزار او در کاشان معروف است.

○ تا ن ۴۴۵ + بقعهٔ کوچک در کربلا + د ت ۴۷.

▣ **محجوبی، رضا**، (۱۲۷۷ـ۱۳۳۳خ) فرزند میرزا عباسعلی‌خان ناظر، نوازنده ویولن مدفون در آرامگاه ظهیرالدوله شمیران.

○ مردان موسیقی ۵۲.

▣ **محجوبی، مرتضی**، فرزند عباسعلی معروف به‌ناظر (۱۲۷۹ـ۱۳۴۴خ) در تهران متولد شد اولین استاد وی مادرش فخرالسادات بود و سپس حسین‌خان هنگ آفرین... محجوبی در نواختن پیانو پیشرفت فراوان کرد و در جایگاه نخست قرار گرفت کار وی این امتیاز را داشت که با ابتکار وی حالت موسیقی ملی به‌خود گرفت، محجوبی با همکاری هنرمندان هم‌عصر خود آثار مهمی برجای گذاشت از جمله نوای نی و کاروان. محجوبی در تهران مرد و در آرامگاه ظهیرالدوله به‌خاک سپرده شد.

○ چهره‌ها ۱۱۴ + مردان موسیقی ۳۲۱.

▣ **محدث دهلوی**، عبدالحق فرزند سیف‌الدین بخاری، صوفی، محدث و شاعر متخلص به‌حقی، از دانشمندان، متصوفه و تاریخ‌نویسان بزرگ هند که در ۹۵۸ در دهلی زاده شد. چندبار به‌حج رفت و سرانجام در دهلی مقیم شد و در ۱۰۵۲ در آن شهر جان سپرد و به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۳۶۹.

◫ **محدث کازرونی**، جلال‌الدین شیخ ابواسحاق، م ۸۲۸ در هرات، مدفون در گازرگاه.

○ تا ن ۷۶۵.

◫ **محسن حکیم**، آیت‌الله حکیم، فرزند سیدمهدی متولد ۱۳۰۶ در نجف، وی پس از فوت آقاسیدابوالحسن مرجع تقلید شد و پس از فوت آقای بروجردی مرجعیت تامه یافت. آیت‌الله حکیم در ۱۳۴۹ خ / ۱۳۹۰ در کاظمین درگذشت و در نجف به‌خاک سپرده شد. از تألیفات اوست: حواشی بر کتاب عروةالوثقی تألیف آقا سیدمحمد کاظم یزدی و مجموعه مستمسک‌العروةالوثقی در ۱۳ مجلد.

○ رج ۱۹۰/۵.

◫ **محسن فانی** ← آرامگاه ملامحسن فانی.

◫ **محقق اوّل**، نجم‌الدین ابوالقاسم محقق حلی، م ۶۰۲-۶۷۶، حِله عراق.

○ فک مؤلفان ۳۰۶/۲۰.

◫ **محقق بهبهانی**، محمدباقر - (۱۱۱۸-۱۲۰۸) متولد اصفهان از عالمان و روحانیان بزرگ قرن دوازدهم و سیزدهم، مدفون در رواق امام حسین(ع).

○ فک مؤلفان ۱۷/۲.

◫ **محقق ترمذی حسینی**، سیدبرهان‌الدین از سادات ترمذ و از مشایخ آن خطه و تربیت شده مولانا بهاءالدین ولد که پس از مهاجرت بهاءالدین در ترمذ ماند، اما وقتی شنید که مرشدش از دنیا رفته، برای تربیت جلال‌الدین به‌قونیه رفت، و نه سال در این شغل بود. وی در خاک روم سیاحتها کرد و سرانجام در ۶۳۸، در قیصریه رحلت کرد و در دارالفتح آن شهر به‌خاک رفت. از او کتابی به‌نام معارف مانده است.

○ تا ن ۷۳۷.

◫ **محقق حلی** ← محقق اول

◫ **محقق خوانساری**، آقا حسین ← آرامگاه آقا حسین خوانساری.

◫ **محقق همدانی**، عالم ربانی و فقیه. م ۹۹۳، ایوان نجف.

○ فک مؤلفان ۴۶۲.

◫ **محمدابراهیم نواب**، خوشنویس قرن ۱۳، نجف.

○ خوش ۶۲۸.

◫ **محمد بن ابوبکر بن عثمان**، یزد، سنگ قبر در انبار مدرسه مصلا.

○ ی ۱۱۶۳.

◫ (مزار) **محمد بن امام جعفر صادق(ع)**، در سمرقند.

○ سمریه ۱۷۵.

◫ **محمد بن جعفر**، بقعهٔ محمد بن جعفر در کنار جاده کوتیول شش کیلومتری دزفول... . محمد بن جعفر رجل عصر خلفای راشدی شوهر دوم ام کلثوم دختر حضرت علی که ابتدا همسر ابوبکر بود. شهید در دزفول، با بنایی شبیه بناهای مقدس شمال ایران.

○ د ش ۳۱۶ + معماری ۸۴/۲.

◫ **محمداسماعیل خان**، فرزند محمدخلیل خان قزوینی ملک‌التجار نماینده سیاسی ایران در بمبئی که در سال ۱۲۱۶ به‌طور ناگهانی کشته شد و دولت انگلستان به‌محمد اسماعیل (متولد ۱۲۰۷) یک لک روپیه (یکصد هزار روپیه) داد و به‌بقیه افراد خاندان مقتول نیز مبالغی به‌طور مقطوع یا مداوم پرداخت. محمداسماعیل با پولی که به‌چنگ آورد در پاریس می‌زیست و در همان

جا نیز مرد و به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۲۱۶/۵.

▣ **محمدباقر**، حاج میرزا، فرزند محمد جعفر متولد در دهکده قهی در کوهپایه اصفهان متولد ۱۲۳۹. وی انشعابی در فرقه شیخیه برای احراز ریاست خود به‌وجود آورد. فوت ۱۳۱۹ در جندق، مدفون در مشهد در یکی از حجره‌های شمال غربی صحن نو.

○ ر ج ۲۱۱.

▣ **محمدباقر خوانساری**، سید، (۱۲۱۶ـ ۱۳۱۳) مؤلف روضات‌الجنّات فی احوال‌العلما والسادات. اصفهان تخت فولاد.

○ ر ج ۲۱۷/۵.

▣ **محمدبدیع**، فرزند سیدمصطفی درب امامی، عالم و ادیب و شاعر و خوشنویس اصفهانی. م ۱۳۱۸، مدفون در تکیه میرسید محمد شهشهانی، اصفهان.

○ آ ص ۲۲۸.

▣ **محمدبهاءالدین خاکی**، در حدود مزار بابا قاسم در سرخاب تبریز. عارفی تابع شریعت معاصر با آق‌قویونلوها.

○ کوی سرخاب ۲۲۴.

▣ **محمدتقی سپهر**، میرزا، میرزا محمدتقی مستوفی فرزند آخوند ملا محمدعلی‌کاشانی، ملقب به‌لسان‌الملک و متخلص به‌سپهر، زاده شده در شهر کاشان در سال ۱۲۰۷ که از برکشیدگان فتحعلی‌خان صبا ملک‌الشعرای دربار ناصری است و به‌تشویق وی به‌نگارش سخنان در علم قافیه شروع کرد. در سال ۱۲۳۸ که صبا فوت کرد وی به‌کاشان برگشت و معاون محمود میرزا پسر فتحعلی‌شاه در حکومت کاشان شد. سپهر در عصر محمدشاه به‌تهران آمد و مداح خاص و منشی و مستوفی دیوان شد و شروع به‌نوشتن بزرگترین تاریخ مدون ایران از هبوط آدم تا ۱۲۳۷ کرد و به‌همین مناسبت از سوی ناصرالدین شاه ملقب به‌لسان‌الملک شد. میرزا محمد تقی در ۱۷ ربیع ثانی ۱۲۹۷ در تهران مرد و در نجف به‌خاک سپرده شد. کنت گوبینو متفکر فرانسوی کتاب وی را ستوده است.

○ ر ج ۳۱۹/۳.

▣ **محمدتقی شیرازی** ← آرامگاه میرزا محمدتقی شیرازی.

▣ **محمدتقی کمالی**، تهران، م ۱۳۳۸، باغچه علی‌جان حضرت عبدالعظیم.

○ خوش معاصر ۱۹.

▣ **محمدتقی لشکرنویس**، وکیل لشکر و دبیرالدوله. در سال ۱۳۱۲ وکیل لشکری را به‌فرزندش انتقال داد و خودش دبیرالدوله شد. مدفون در کربلا رواق حضرت امام‌حسین(ع).

○ ر ج ۲۲۰/۵.

▣ **محمدجعفر خورموجی دشتستانی**، زاده شده در ۱۲۲۵ فرزند میرزا محمدخان حکمران و همه‌کارهٔ خورموج نویسندهٔ تاریخ حقایق‌الاخبار که درنتیجه آن ملقب به‌وقایع نگار شد. وی آخر عمر در عراق مجاور شد و در سال ۱۳۰۱ همان جا درگذشت و به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۲۲۲/۵.

▣ **محمد جلاله**، شش کیلومتری جنوب غربی خرم آباد.

○ معماری ۹۷/۲.

▣ **محمدحسن خان، میرزا**، برادر میرزا تقی‌خان امیرکبیر وفات وی هنگامی اتفاق افتاد که

حکمران عراق بود. در ۱۲۷۵، کربلا مجاور برادرش میرزا تقی خان امیرنظام.
○ امیرکبیر ۲۶.

▣ **محمدحسن‌خان قاجار،** حضرت عبدالعظیم در ناسخ‌التواریخ و گرگان در منتظم ناصری و روایات دیگر. از جمله اینکه وقتی سر محمدحسن خان را پیش کریم خان آوردند کریم‌خان آن سر را با احترام در حضرت عبدالعظیم دفن کرد.
○ ر ج ۳۷۱/۳.

▣ **محمدحسن‌خان مقدم مراغه‌ای** ← آرامگاه اعتمادالسلطنه.

▣ **محمدحسن ممقانی** ← ممقانی شیخ محمدحسن.
○ ر ج ۲۲۸/۵.

▣ **محمدحسن میرزا قاجار،** آخرین ولیعهد قاجاریه در ایران (۱۲۷۹ـ۱۳۲۱ خ) در لندن مرد و در کربلا، حرم حضرت امام حسین(ع) به‌خاک سپرده شد.
○ ر ج ۸۷ + ایران در جنگ ۱۴۶.

▣ **محمد حنفی،** فرزند علی بن ابی‌طالب(ع)، در خارگ تحت عنوان بقعه میرمحمد.
○ ا ق ۱۴۴ + سیراف ۱۴۸ + میرمحمد حنفیه، خارگ ۸۰.

▣ **محمد حنفیه،** فرزند علی(ع) و پسرش هاشم و ابوالقاسم حمزه، فرزند امام موسی کاظم(ع) در دهکده بیورزن فاراب عمارلو با بنای گنبدداری از سنگ و آجر.
○ آ س ۴۹۸.

▣ **محمدخان برادر سیدعلی خان** ← آرامگاه سیدعلی خان.

▣ **محمدخان کرمانشاهی** ← آرامگاه کرمانشاهی کفری.

▣ **محمدرحیم بروجردی،** حاج شیخ، تولد ۱۲۲۴ در بروجرد. وی از علمای بزرگ شیعه در عصر خودش بود. م ۱۳۰۹ مشهد، دارالسیاده رضوی.
○ ر ج ۲۴۷/۵.

▣ **محمدرحیم جهرمی،** خوشنویس عصر فتحعلی شاه.
○ خوش ۷۲۰.

▣ **محمدرحیم خان،** پسر دوم کریم‌خان زند. زاده شده در ۱۱۷۳ که درحیات و سلطنت پدر در ۱۸ سالگی مرد ۱۱۹۱، و از عذابهای جانشینی کریم خان آسوده ماند. مدفون در شیراز.
○ ر ج ۲۳۴/۶.

▣ **محمدرضا،** فرزند هادی (۱۳۰۱ـ۱۳۶۶)، فقیه، ادیب و شاعر از خاندان کاشف‌الغطاء. وی در بیروت درگذشت و در نجف به‌خاک سپرده شد.
○ د ب ۱۰۷/۲.

▣ **محمدرضا تبریزی،** خوشنویس همعصر و هم مشق میرعماد حسنی. م ۱۰۲۷ تبریز.
○ خوش ۷۲۷.

▣ **محمد رضا قمشه‌ای،** (آقا) حکیم و دانشمند معروف. در پنجم محرم ۱۳۰۶ فوت کرد در ۷۲ سالگی، در سر قبر آقا مدفون شد که هنگام خیابان‌کشی استخوانهایش به‌ابن بابویه آورده شد.
○ یا ق ۲۳۵. + ر ج ۲۳۵.

▣ **محمدشاه،** سومین حکمران از سیدها، باغ لودی دهلی.
○ شهرهای مغولی هند. تصویر ۱۲.

▣ **محمدشاه بابری،** سلطان هند هنگام حمله نادر به‌آن دیار. دهلی نظام‌الدین اولیا».

○ د ۲۵۲.

▣ **محمدشاه قاجار**، دوران پادشاهی محمدشاه معروف به‌غازی در تاریخ قاجاریه، یک عصر جالب‌توجه بوده است و در حقیقت دوره مداخلات بیگانگان در امور ایران، بود که با بی‌حالی شاه و بی‌تفاوتی حاج میرزا آقاسی به‌حداکثر رسید. محمدشاه چند وقت مزاج سلامت نداشت و از نقرس آخرین درجه رنج دائم می‌برد. با اخلاق و سجایای سستی که داشت فوق‌العاده غمناک و سودایی شده احتیاج فوق‌العاده به‌محبت داشت و این کمبود را فقط وجود حاجی میرزا آقاسی جبران می‌کرد. فوت در تهران ۱۲۶۴، مدفون در آرامگاه خاصه در مغرب صحن عتیق حرم حضرت معصومه قم، با هشت تصویر از شاهان صفوی و قاجار.

○ سیاستگر ۱۱۲/۲ + د ت ۴۷.

▣ **محمد شفیع قزوینی**، فرزند عبدالجبار شاگرد میرعماد. م ۱۱۲۶ اصفهان بابارکن.

○ خوش ۷۶۲.

▣ **محمد صالح قره‌باغی**، خوشنویس. م ۱۱۲۶ اصفهان مسجد لنبان.

○ خوش ۷۷۲.

▣ **محمدطاهر میرزا**، پسر اسکندر میرزا زاده شده در ۱۲۵۰ مترجم معروف عهد قاجار. ابن بابویه، مقبره ابوالحسن جلوه.

○ ر ج ۹۵۳/۵ + تا فف ۵۴۸.

▣ **محمد عادلشاه**، ۱۶۶۰ م در بیجاپور هند، گل گنبذ (گنبد) بلندترین گنبد در شبه قاره.

○ معماری هند، تصویر ۵۱ الف.

▣ **محمدعلی حب حیدر**، زاده شده در ۱۲۹۵ در اردبیل وی از ۲۶ ماه صفر ۱۳۷۵ جانشین میرزا احمد تبریزی، سی و هشتمین پیشوای فرقه ذهبیه بود و خانقاه فرقه ذهبیه را در شیراز ساخت که بعد از وفات در همان جا مدفون شد م ۱۳۸۲ ← آرامگاه حب حیدر.

○ ر ج ۲۴۴/۶.

▣ **محمدعلی خان مافی** ← آرامگاه نظام‌السلطنه.

▣ **محمدعلی خبوشانی، فقیر** ← آرامگاه فقیر محمدعلی خبوشانی.

▣ **محمدعلی سدیدالسلطنه** ← آرامگاه سدیدالسلطنه.

▣ **محمدعلی شاه قاجار**، که در ۵۴ سالگی در ۱۳۰۴ خ در ساوانای ایتالیا مرد و در کربلا، حرم حضرت امام حسین(ع) به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۴۴۴/۳.

▣ **محمدعلی صفوت**، شیخ، زاده شده در تبریز ۱۲۹۸ روحانی که تبدیل لباس نمود و فرهنگی شد و مشاغل مهم یافت و مدتی بعد دوباره لباس روحانیت پوشید، تا ۱۳۳۵ که به‌رحمت خدا رفت و در قم به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۲۴۴/۶.

▣ **محمدعلی قاینی**، میرزا، از مدرسین نامدار کتب حکمت و علوم معقول و ریاضی که خوشنویس هم بود. م ۱۳۰۵ تهران، امامزاده یحیی.

○ ر ج ۲۴۰/۶.

▣ **محمدعلی میرزا دولتشاه**، با تخلص دولت، پسر بزرگ فتحعلی شاه از زن گرجی او، متولد ۱۲۰۳ وی از شجاع‌ترین سرداران قاجار بود که قابل قیاس است با عباس میرزا نایب‌السلطنه پسر چهارم فتحعلی شاه. دولتشاهی بیشتر عمرش را در مغرب ایران گذراند و در تمام عمر سرگرم

جنگ با عثمانیان بود و تقریباً در همهٔ جنگها پیروزی داشت و می‌رفت که بغداد را تصرف کند امّا دچار اسهال وبایی شد و در ۳۴ سالگی فوت کرد و بدنش را برای کفن ودفن به‌کرمانشاه بردند سال ۱۲۳۰.

○ رج ۴۳۰/۳.

▣ **محمد عماد طاهری**، خوشنویس م ۱۳۵۰خ حضرت عبدالعظیم، آرامگاه ابوالفتوح رازی.

○ خوش معاصر ۱۱۰.

▣ **محمد غوث**، ۱۵۶۴ م درگوالیور، بنایی متأثر از معماری ایرانی اسلامی هند و اسلوب گجراتی هند.

○ معماری هند ۳۰ تصویر ۱۹ ب.

▣ **محمدقلی سلیم**، شاعر که در عصر شاه جهان به‌هند آمد و ملازم اسلام خان وزیر اعظم شد و در تاریخ ۱۰۵۷ رخت به‌دیگر سرای کشید. سنگ گور وی اکنون در موزه دولتی سری‌نگر و قبرش در مزارالشعرای سری‌نگر موجود است.

○ نقش پارسی ۹۵.

▣ **محمدکاظم‌پسر میرزاعباس**، نقاشباشی عباس میرزا. وی اولین جوان ایرانی بود که برای تحصیل به‌اروپا رفت امّا در لندن مرد و به‌خاک سپرده شد، لندن ۲۲ ربیع‌الاول ۱۲۲۸.

○ ایرانگل ۱۴۸.

▣ **محمد مسعود**، روزنامه‌نگار در بیست سالگی از قم به‌تهران آمد و در چاپخانه‌ای که شفق سرخ را چاپ می‌کرد سرگرم کار شد و کتاب تفریحات شب را در پاورقی آن به‌چاپ رساند، مدیر شفق سرخ مقدمات سفر او را به‌فرنگ فراهم کرد و وی در ۱۳۱۴ به‌اروپا رفت و چهار سال در رشته روزنامه‌نگاری در بلژیک تحصیل کرد.

پس از بازگشت به‌ایران به‌علت مقالاتش در اروپا که مربوط به‌سوسیالیزم بود بیکار شد و مدتی مقاطعه‌کاری کرد و در مرداد ۱۳۲۱ به‌انتشار روزنامه معروف مرد امروز سرگرم شد و چون انتقادهای شدید می‌کرد در ۲۲ بهمن ۱۳۲۶ توسط عمال حزب توده کشته شد. از مسعود گذشته از ۱۳۸ شماره مردامروز چند رمان انتقادی: تفریحات شب، در تلاش معاش اشراف مخلوقات، گلهایی که در جهنم می‌روید و بهار عمر برجای مانده است. آرامگاه ظهیرالدوله.

○ چهره‌ها *.

▣ **محمد معصوم میرزا** ← آرامگاه سیدعلی خان برادر محمد معصوم.

▣ **محمد مفید**، روحانی و شاعر متخلص به‌داور، امام جماعت مشهد شاهچراغ و استاد فرصت مؤلف آثار عجم، زاده شده در ۱۲۵۱م و ۱۳۲۵. شیراز قبرستان سلم در جنوب شیراز.

○ رج ۵/۴.

▣ **محمد مهدی طباطبایی**، (۱۱۱۵-۱۲۱۳) تولد در کربلا. عالم و مجتهد، معروف به‌بحرالعلوم فرزند سیدمرتضی که در نجف درگذشت و در آرامگاه ویژه خود خارج از صحن مرتضوی به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۶/۴.

▣ **محمد میرزا ملک آرا**، پسر عباس میرزا ملک‌آرا، نوهٔ محمدشاه متولد ۱۲۷۶ در بغداد و م ۱۳۲۳، قم مقبره محمدشاه نزد پدرش.

○ رج ۱۹۵/۶.

▣ **محمدناصرخان**، پسر امیر حسین خان حکمران قوچان، از ۱۳۱۱ که پدرش کشته شد. مردی ملقب به‌شجاع‌الدوله ولی شیره‌ای و

عــرق‌خور. م ۱۳۲۷ حـرم امـام‌رضا(ع)، نـزدیک ضریح در سردابه‌ای مخصوص امرای قوچان.

○ ر ج ۲۶۵/۵.

▣ **مــحمدهاشم شــیرازی**، صـوفی و شـاعر و خـوشنویس قـرن ۱۱. شـیراز در جـوار خـواجـه حافظ.

○ خوش ۸۵۹.

▣ **محمدیحیی عـلیخان**، حکـمران اَوَد در هـند (۱۱۸۸-۱۲۱۲). وی ملقب به‌آصف‌الدوله بـود و مردی ادب‌پرور و فرهنگی که خود نیز به‌فارسی و اُردو شعر می‌گفت. در امام باره یا حسینیه لکنهو. که خودش ساخته بود به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۴۲۷.

▣ **محمود سلجوقی**، اصفهان.

○ ل ۲۷۹۸.

▣ **محمود مـحمود**، فـرزند مـحمدقلی، پـیش از کودتا مـحمود پـهلوی، نـویسندهٔ تـاریخ روابـط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹ که در ۲۸ آبان ۱۳۴۴ در ۸۴ سالگی در نابینایی مـرد و در شـهر ری، ابن بابویه به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۴۵/۴.

▣ **مــحمود مــحمودی**، دانشـمند مـلقب بـه مشارالملک، کاشف ستاره محمودی. م ۱۳۳۸، قم مسجد بالاسر.

○ فرآ ۴۸۶.

▣ **مخدوم جهانیان جهان‌گشت**، تولد ۷۰۷، سید جلال‌الدین حسین فرزند بزرگ سـیداحـمد کـبیر ســهروردی کــه لقب مــخدوم جــهانیان را قطب‌الاقطاب به‌وی داد. سلطان فیروز شاه تغلق از ارادتـمندان وی بـود، ایـن عـارف پـاکـباز در فرمانروایان معاصر خود نفوذ فوق‌العـاده داشت. ملفوظات وی به‌زبان فارسی به‌نام خلاصةالالفاظ جامع‌العلوم شهرت دارد کـه اخـیراً تـوسط مـرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان طبع و نشر شده است. م ۷۸۵، مدفون در خارج شهر اوچ شریف بهاولپور پاکستان.

○ میراث ۵۲۰/۲.

▣ **مخدوم فراقی**، گرگان.

○ سیما دوم آذر ۱۳۷۲.

▣ **مددعلیشاه هندی**، سید، یکـی از مـرشدهای مرحوم میرزا یوسف مسـتوفی. م ۱۲۹۷، آرامگـاه بابا قلندر، ونک تهران.

○ ر ج ۴۹۰/۴.

▣ **مدرس**، شهید سیدحسن، م دهـم آذر ۱۳۱۷. حـوزهٔ عـلمیه شـهر خـواف روز فـوت وی روز مجلس (۱۰ آذر).

○ ز ۲۰/۳۰

▣ **مدرس تهرانی**، حاج شیخ علی عالم روحانی. م ۱۳۴۹.

○ تاریخچه ۷۸

▣ **مدنی کرمانی**، حاج سیدجواد متولد ۱۲۵۷ در سیرجان واعظ مـبارز و خـوشنویس. م ۱۳۳۹ خ. تهران ابن بابویه.

○ خوش معاصر ۱۰۱.

▣ **مدور، مجاور گنبد سرخ مراغه**، بنایی سـاده و شـبیه بـه‌برجـهای دفـاعی کـه سـقف و گـنبد آن فروریخته و از لحاظ اصـول مـعماری مشـابه بـا گنبدسرخ است که ورودی آن با نقوشی پر و غنی آذین شده است. کتیبه‌های آن بسیار آسیب دیـده ولی تاریخ بنا را در آن می‌توان یافت: سال ۵۶۳ ماه رجب. اما مزار چه کسی است هیچ نمی‌دانیم.

○ آثار ایران ۲۹۶/۳ + معماری ۸۴/۲.

▣ **مرآت، اسماعیل،** وزیر فرهنگ و سرپرست محصلین ایرانی در اروپا در عصر رضاشاه. م ۱۳۲۸ خ شهر ری باغچه علی جان.
○ ر ج ۲۹/۵.

▣ **مرتضی قلی‌خان،** برادر صُلبی آغامحمدخان. م ۱۲۱۲ عتبات.
○ ر ج ۷۴/۴.

▣ **مرتضی محجوبی** ← آرامگاه محجوبی، مرتضی.

▣ **مرداویج زیاری،** که در ۳۲۳ در حمام کشته شد. ابن عمید او را بردوش مردمان از اصفهان به‌ری فرستاد و در شمال جیلاباد ری، امین‌آباد کنونی، در مقبره‌ای که خود ساخته بود مدفون شد.
○ ری ۳۸۲ و ۴۴۵ و ری ۴۲۲/۲.

▣ **مردان پیش از تاریخ،** (۳۸۰۰- ۱۷۰۰ ق.م) در **تل قلعه** حسن‌آباد و تل تیموران در خفرک فارس.
○ ا ق ۲۰.

▣ **مرعشی، میرقوام‌الدین،** میر بزرگ، م ۷۸۱ آمل.
○ د ب ۲۰۶/۲.

▣ **مرند،** برج مرند، پوپ تصویر این آرامگاه را که از کتاب زاره گرفته آورده است امّا درباره شخصی که در آن به‌خاک سپرده شده ساکت است، **گچبریها** به دست نجف مورخ ۷۳۱.
○ هنر ۷۳۱.

▣ **مرندی،** شیخ ابوالحسن، فقیه بزرگ سده سیزدهم ۱۳۴۹ مدفون در آرامگاه ناصرالدین شاه شهر ری.
○ تاریخچه ۷۸.

▣ **مساعد السلطنه** ← آرامگاه آوانس‌خان.

▣ **مساوات،** سیدمحمدعلی شیرازی فرزند سیدمحمد حسن برازجانی، روزنامه‌نگار و آزادیخواه معروف که به‌نام روزنامه‌اش، مساوات، معروف شد. اولین شماره روزنامه در یکشنبه ۵ رمضان ۳۲۱ انتشار یافت، روزنامه‌ای که به‌قول براون یکی از چهار روزنامه مهم انقلاب گردید. وی عضو مجمع آزادگان بود که در ۱۳۲۱ تشکیل شد و قریب چهل نفر از آزادمردان در آن عضویت داشتند که، اغلب روزنامه‌نویس بودند. بعد از کودتای محمدعلی میرزا، مساوات کمیته انقلاب را درست کرد و خود در رأس مبارزان بااستبداد محمدعلی قرار گرفت. ولی محمدعلی میرزا موفق نشد که وی‌را دستگیر کند. مساوات در دوره دوم از آذربایجان و در دوره سوم از تهران وکیل شد. وی روز هفتم شهریور ۱۳۰۴ درگذشت و در امامزاده صالح به‌خاک سپرده شد. مجلس را یک روز به‌احترام وی تعطیل کردند.
○ تا ج ۲۱۰/۴.

▣ **مستشارالدوله** ← آرامگاه میرزا یوسف خان.

▣ **مستوفی‌الممالک،** میرزا حسن خان، از دولتمردان بسیار خوشنام در تاریخ سیاسی ایران که از وی کمتر انتقاد شده و اتهامی نیز به‌وی نسبت داده نشده است. جد اعلای وی محمدکاظم آشتیانی مستوفی عباس میرزای ولیعهد بود و جدش میرزا حسن اولین مستوفی‌الممالک در تاریخ ایران است. پس از وی فرزندش یوسف این لقب را یافت و بدین ترتیب لقب مستوفی‌الممالکی بیش از یک قرن در این خاندان ماند. میرزا یوسف برای اولین بار در ۱۲۷۵ به‌وزارت رسید و جناب آقا شد و در ۱۳۰۱ صدراعظم گردید. از سال ۱۳۰۹ که میرزا یوسف فوت کرد و میرزا حسن در سنین نوجوانی

جانشین وی شد مرحوم مستوفی تا آخر عمر در صحنهٔ مبارزات سیاسی ایران با موفقیت گام برمی‌داشت، حتی چندسالی نیز با سردار سپه که رضاشاه پهلوی شده بود همکاری داشت. روز ششم شهریور ۱۳۱۱ مرحوم مستوفی در منزل سرداز فاخر حکمت در امامزاده قاسم دچار عارضه دل درد شد و به‌رحمت خدا رفت. این مجلس برای وساطت مرحوم مستوفی از سردار عشایر قشقایی تشکیل شده بود که بی‌نتیجه ماند و شایع شد که در این، ماجرا تعمدی درکار بوده و جنایتی رخ داده است.

○ رهبر ۵۲۴ + مستوفی‌الممالک سوم با تصویرها. ر ج ۳۱۸.

▣ **مستوفی، حمدالله** ← آرامگاه حمدالله مستوفی.

▣ **مستوفی میرزاحسن**، پدر میرزا یوسف ← آرامگاه میرزا یوسف مستوفی.

▣ **مستوفی، میرزا حسین خان**، کاتب‌السلطان ۱۳۲۷. مشهد.

○ خوش معاصر ۷۹.

▣ **مستوفی میرزا یوسف** ← آرامگاه میرزا یوسف مستوفی.

▣ **مسعود، محمد** ← آرامگاه محمدمسعود.

▣ **مسکویه** ← آرامگاه ابوعلی مسکویه، ابن مسکویه.

▣ **مسیحی**، با نقش طلیب نسطوری در جزیره خارک.

○ آ ش ۸۵۴.

▣ **مشار، حسن**، مشارالملک، دولتمرد عصر قاجاریه و پهلوی که بارها به‌وزارت رسید. م ۱۳۲۷ خ در ۸۵ سالگی، مدفون در نجف ایران حضرت علی(ع).

○ ر ج ۳۴۷.

▣ **مشتاقعلی شاه**، مشتاقیه در جوار خانقاه وی در کرمان بنای قاجاری، حرم چهارضلعی و گنبد دوپوش مدور.

○ آ ط ۳۶۹ + معماری ۸۸/۲.

▣ **مشتاقی اصفهانی**، روحانی و شاعر م ۱۳۲۸، کربلا ایوان حضرت ابوالفضل.

○ فک مؤلفان ۴۰۰/۴.

▣ **مشتاقیه** ← آرامگاه مشتاقعلی شاه.

▣ **مشرقی**، در کوهسار شمالی شیراز.

○ ا ق ۵۲.

▣ **مشرقی**، شیراز نزدیک آرامگاه خواجو، خواجه عمادالدین محمود وزیر شاه شیخ ابواسحاق با کتیبه به‌تاریخ ۸۲۸، آرامگاه روبه‌روی غار و در کنار سروی کهن در تنگ اللّٰه‌اکبر است.

○ د ت ۴۸.

▣ **مشفق اصفهانی**، (۱۳۱۰-۱۳۶۲) شاعر، مدفون در تکیه سیدالعراقین در تخت فولاد اصفهان.

○ فک مؤلفان ۷۵۴/۳.

▣ **مشکین قلم، جبار** زنجانی، م ۱۳۱۱، زنجان.

○ خوش‌معاصر ۸۸.

▣ **مشهدی سره**، سیدابوالحسن مؤید بالله، در دهکده لنکای تنکابن. از اولاد حضرت امام حسن(ع) که کتابی نیز از او برجای مانده است. م ۴۲۱، مدفون در سرای خود که اکنون آرامگاه اوست.

○ آ س ۸۴/۳.

▣ **مشیرالدوله**، میرزا حسین خان ← آرامگاه سپهسالار قزوینی.

▣ **مشیرالدوله**، میرزا جعفر تبریزی حسینی، مقصود از جعفرخان از فرنگ برگشته همین

شخص است. از نخستین نفرات که در سال ۱۳۲۰ برای تحصیل به‌اروپا اعزام شد. آخرین شغل وی تولیت آستان قدس رضوی بود، فوت در مشهد ۱۲۷۹، مدفون در حرم رضوی.

○ فک مؤلفان ۳۰۲/۲.

▣ **مشیرالدوله**، میرزا حسن خان پیرنیا پسر بزرگ میرزانصرالله خان مشیرالدوله نایینی (۱۲۵۰ ـ آبان ۱۳۱۴خ) وی پس از تحصیل در ایران و روسیه به‌مشاغل سیاسی روی آورد و وقتی پدرش وزیر خارجه شد او را رییس دفتر وزارت خارجه کرد. مشیرالدوله که ابتدا لقب مشیرالملک داشت در سال ۱۳۲۴ هنگام وزارت پدرش مأمور همکاری با عده‌ای شد که مشغول تدوین و تنظیم قانون انتخابات شدند و چون پدرش در ۱۳۲۵ فوت کرد وی لقب مشیرالدوله گرفت. مشیرالدوله برای نخستین‌بار در کابینهٔ احمدخان مشیرالسلطنه به‌وزارت رسید و چندسال بعد در ۱۲۹۳خ رییس‌الوزرا شد. مشیرالدوله روی هم رفته چهاربار نخست‌وزیر، هشت بار وزیر دادگستری، شش بار وزیر جنگ، چهاربار وزیر فرهنگ، چهاربار وزیر خارجه، دوبار وزیر پست و تلگراف، دوبار وزیر کشور و یک‌بار وزیر تجارت شد. وی پس از روی کار آمدن سردار سپه از کار کناره گرفت و بقایای عمر خود را صرف تدوین تاریخ قدیم ایران (ایران باستان) که هنوز هم مهمترین تاریخ مدون ایران پیش از اسلام است، کرد و روز پنج‌شنبه ۲۹ آبان ۱۳۱۴ به‌بیماری سکته درگذشت و در آرامگاه خانوادگی پیرنیا امامزاده صالح تجریش به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۳۲۳ + تلاش ۵۶۳ + ز ۲۱۴/۲.

▣ **مشیرالدوله**، میرزا نصرالله خان نایینی، مصباح‌الملک مشیرالملک و مشیرالدوله، پسر آقامحمد و نواده حاج عبدالوهاب نایینی. در جوانی کتابهای دعایی را که خواهرش می‌نوشت به‌تهران می‌آورد و در خانه‌های اعیان می‌برد و هریک از آن بزرگان وجهی به‌وی می‌دادند و او با آن وجه به‌نایین بازمی‌گشت و با مادر و خواهرش زندگی می‌کرد. در یکی از این سالها به‌روایتی به‌سبب سرمای زیاد و به روایتی به‌علت فروش نرفتن کتابها در تهران ماندگار شد و در قهوه‌خانه باغ ایلچی شاگرد یا محاسب شد. مشیرالدوله به‌علت خط و ربط و سواد و خوی عارفانه موفق شد که به‌وزارت خارجه برود و تا حد وزیر خارجه و صدراعظم ترقی کند. وی در جریان مشروطه آن‌چنان با سیاست و تدبیر عمل کرد که هیچ کس ندانست مشیرالدوله چه‌کاره است: مشروطه‌خواه یا طرفدار محمدعلی، فراماسون یا عارف هرچه بود برای فرزندانش پدر بسیار خوبی بود و بسیار مورد احترام مردم ایران.

○ رج ۳۵۱/۴. تلاش آزادی

▣ **مشیرالدوله یحیی خان**، سومین پسر میرزانبی‌خان قزوینی، شوهر چهارم عزت‌الدوله (خواهر ناصرالدین‌شاه وبیوه امیرکبیر) و برادر حاج میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، سپهسالار اعظم با القاب آجودان مخصوص، معتمدالملک و وزیر مخصوص که در ۱۲۴۷ زاده شد. پدرش وی را همراه با میرزا حسین خان برادر بزرگتر برای تحصیل به‌اروپا فرستاده و یحیی خان پس از بازگشت در ۱۲۷۲ مترجم وزارت امور خارجه شد و از آن به‌بعد مشاغل مهمی یافت. وی در ۱۲۹۷ به‌جای محمودخان ناصرالملک وزیر دارایی شد و مشیرالدوله لقب یافت و سرانجام

به‌آرزوی خود که تصدی وزارت خارجه بود رسید و در جمادی‌الاول ۱۳۰۲ به‌جای ناصرالملک که به‌حکومت خراسان می‌رفت، وزیر خارجه شد. یحیی‌خان روی هم رفته یکی از دولتمردان خوشنام بود. وی سرانجام در ۲۰ جمادی دوم ۱۳۰۹ فوت کرد و جسدش را به‌مشهد برده نزد برادرش سپهسالار به‌خاک سپردند.

○ ر ج ۴۶۷/۴.

◘ **مشیرالسلطنه احمد**، فوت در تهران ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۷. قم آرامگاه اختصاصی. برخی از جملات قصار وی را روی پلاکهای برنجی نوشته در آرامگاهش آویخته‌اند.

○ رهبر ۳۴۰/۲ + در کنار همسرش خانم بهجت‌السلطنه دختر عباسقلی خان قوام‌الدوله + تا ضف ۱۱۳۵.

◘ **مشیر همایون شهردار**، حبیب‌اللّه (۱۳۴۸ـ۱۲۶۵ خ) فرزند نصرالله خان سپهسالار، نوازنده پیانو و با آثاری چون اپرت یوسف و زلیخا، خسرو و پروانه وی مؤسس «ارکستر ویژه» در رادیو بود. مدفون در آرامگاه ظهیرالدوله.

○ مردان موسیقی ۹۶/۲.

◘ **مشیرز**، در بردسیر کرمان، اتاق گنبد از ۷۵۷.

○ معماری ایلخانی ۱۹۸.

◘ **مصاحبی نائینی**، متخلص به‌عبرت شاعر، عارف و جهانگرد. (۱۲۸۵ـ ۱۳۲۱ خ) مدفون در امامزاده عبدالله تهران در جوار وحید دستگردی.

○ ت نفیسی.

◘ **مصدق**، مصدق آرزو داشت و وصیت کرده بود که در جوار شهیدان سی‌تیر دفن شود ولی شاه با این خواهش موافقت نکرد و با تکان دادن انگشت دست گفت: مرده و زنده احمدآباد. بدن پیر محبوب ملّت را در خانه‌اش احمدآباد به‌طور موقت به‌خاک سپردند. تصویر در چهره مصدّق، اواخر آلبوم.*

◘ **مصطفی خان**، پسر حسن خان نوایی، با القاب معتمدالوزاره و نیرالسلطان وزیر فواید عامه در دولت اول قوام‌السلطنه زاده شده در ۱۳۰۰ خ. فوت ۱۳۲۰ خ. قم صحن امین‌السلطنه.

○ ر ج ۲۹۴/۵.

◘ **مصطفی قلی‌خان اعتمادالسلطنه**، در آرامگاه ملاباشی تبریز.

○ آ ذ ۴۵۷.

◘ **مصقلة بن هبیره شیبانی**، سردار مسلمان معاصر با معاویه، که از وی هزار مرد خواست برای فتح طبرستان اما در نخستین جنگ کشته شد و در راه کجور به کندسان و نور به‌خاک سپرده شد.

○ آ س ۱۷۸/۳.

◘ **مطلب خان دامغانی**، یکی از پنج برادر سرداران دامغانی که اصلاً اهل سنگسر و سمنان بوده‌اند. از دولتمردان عصر فتحعلی شاه و محمدشاه که در ذی حجه ۱۲۳۷ در اثر بیماری وبا مرد و در حرم حضرت رضا به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۱۱۹/۴.

◘ **مظفرالدین جهانشاه قراقویونلو**، سومین پادشاه آن خاندان در ۷۰ سالگی روز ۱۲ ربیع الثانی ۸۷۲ توسط اوزون حسن کشته شد و در عمارت مظفریه تبریز در کنار مسجدی معروف که خود ساخته بود، به‌خاک سپرده شد. وی شاعر نیز بوده و در شعر حقیقی تخلص می‌کرده است.

○ تا ن ۷۹۴.

◘ **مظفرالدین شاه قاجار**، متولد ۱۲۶۹ که در ۱۸

دی ۱۳۲۴ در ۵۴ سالگی درگذشت. کربلای معلی.

○ روزشمار ۱۲ + امانت در تکیه دولت و دفن در کربلا حرم حضرت امام حسین(ع). + ر ج ۱۳۵/۴.

▣ **مظفرعلی نقاش تربتی، مولانا**، از مردم تربت پسر مولانا حیدر و خواهرزاده بهزاد نقاش وی خود نقاشی زبردست و استاد صادقی افشار بوده است. مدفون در قبرستان شاهزاده حسین قزوین.

○ تا ن ۵۲۵.

▣ **معاضدالسلطنه**، ابوالحسن پیرنیا، از خانواده حاجی عبدالوهاب و عموزادهٔ پیرنیاها که در شیراز به‌طور مشکوک در ۱۳ آذر ۱۳۱۸ وفات کرد. نایین آرامگاه حاجی عبدالوهاب پیرنیا.

○ رهبر ۶۴۹ + ز ۲۰۸/۲ + ر ج ۴۰.

▣ **معاون‌الدوله غفاری**، ابراهیم پسر فرخ خان امین‌الدوله از دولتمردان عصر ناصری (۱۲۷۷-۱۳۳۶) درگذشت در تهران خاک‌سپاری در آرامگاه طاوس‌العرفا امامزاده حمزه شهر ری.

○ ر ج ۲۰ + رجال ۱۲۵.

▣ **معتمدالحرم** ← آرامگاه آقا جوهر.

▣ **معتمدالدوله**، منوچهر خان ← آرامگاه منوچهرخان معتمدالدوله.

▣ **معزالدوله بویه‌ای**، ابوالحسین احمد، م ۳۵۶، کاظمین.

○ ل ۱۳۶.

▣ **معصوم**، ملامعصوم، در چهارکیلومتری جنوب مراغه با گنبد و حجره‌ها از قرن نهم.

○ س ۳۱۹ + جغ ۱۹۹. + معماری ۸۴/۲.

▣ **معصومه**، بقعهٔ معصومه در دامنه کوهی در شمال غربی کهک، صفویه.

○ معماری ۷۹/۲.

▣ **معیّرالممالک**، حسینقلی خان. م ۱۲۷۴، کربلا.

○ رجال عصر ناصری ۳۹.

▣ **معیرالممالک**، دوست محمدخان (۱۲۷۳-۱۳۳۱). شهر ری امامزاده حمزه.

○ رجال ناصری ۱۵۶.

▣ **معین**، دکتر محمد، دانشمند و استاد دانشگاه، مصحح برهان قاطع و مؤلف فرهنگ معین و همکار صمیم دهخدا در تدوین لغت‌نامه. م ۱۳۵۰خ تهران مدفون در آستانهٔ اشرفیه گیلان.

○ ر ج ۲۰۳.*

▣ **معین‌الدین چشتی**، فرزند خواجه غیاث‌الدین در ۵۳۷ در چشت یا اصفهان زاده شد و در عنفوان جوانی سیر و سیاحت خود را آغاز کرد و هفتادسال آخر عمر را در اجمیر راجستان، در مرکز هند گذراند و در ۶۳۳ یا ۶۳۲ در همان شهر که از مراکز مهم علم و معرفت اسلامی شده بود درگذشت و تاکنون همه‌ساله، از اول تا ششم ماه رجب از اول تا ششم عرس وی (سالروز عروج) با تشریفات مفصل گرفته می‌شود. ریاست سلسله چشتیه پس از وی به‌خواجه عثمان هارونی منتقل شد. وی نخستین کسی است که مبادی تصوف اسلامی را به‌هندوستان آورد و معاصر بود با شهاب‌الدین غوری که سلطنت اسلامی را در شمال هند برقرار کرد. اکبر برای زیارت خواجه معین پیاده از اگره به‌اجمیر رفت. دیگر شاهان بابری نیز در همین حد نسبت به‌خواجه احترام گذشته‌اند.

○ نقش پارسی ۵۲ + تا خ ۶۶ + مغولان (بابریان) بزرگ ۹۴ + تا ن ۱۵۳.

▣ **معین‌الدین صفا**، صوفی بزرگ استاد

اوحدالدین کرمانی، مدفون در حظیره بابامزید، فوت پیش از بابامزید، تاریخ وفات او معلوم نیست.
○ کوی سرخاب ۱۷۸.
▣ **مغربی،** محمدبن عزالدین متوفی در ۸۰۸. تبریز مقبرةالشعرا.
○ آ ذ ۴۰۸ + کارنامه ۶۹۲ + مولانا محمد شیرین م ۸۰۹. کوی سرخاب ۴۰۱.
▣ **مغربی،** در اصطهبانات مقبره‌ای هست که به‌اعتقاد مردم آرامگاه مغربی فیلسوف معروف است.
○ جغ ۸۶۳ + کوی سرخاب ۴۱۲.
▣ **مقام عباس،** بقعه امام عباس در شوشتر با آجرهای تزیین شده و کاشیهای خوب و سقفهای خیمه‌ای، شبیه معماری مغولی و تیموری. در داخل بنا تصویری از معراج پیامبر وجود دارد.
○ د ش ۷۱۹.
▣ **مقام علی،** یا مقوم در کنار جاده دزفول به‌بقعهٔ محمدبن جعفر، بنایی قدیمی از عصر سلجوقی با تعمیرات در قرنهای پس از آن با کتیبه‌ها و تزیینات.
○ د ش ۲۱۲.
▣ **مقبرةالشعرا،** آرامگاه شاعران در تبریز ← کوی سرخاب ← آرامگاه شعرا.
▣ **مقبرةالشعرا یا مدینه‌الشعرای تبریز،** محیط طباطبایی، سیدمحمد.
○ فم ۲۲۱/۴.
▣ **مقدس، ملامحمد بروجردی،** عالم شیعه ساکن همدان که مخالف بابیه و شیخیه و جماعت یهود بود و به‌دعوت شیخیه از همدان به‌نایین رفت و مقیم شد. م ۱۳۱۹ در ۸۰ سالگی، مشهد یکی از حجره‌های صحن نو.
○ ر ج ۱۴۶/۶.
▣ **مقدم مراغه‌ای،** فتح‌الله خان، سردار مؤید ۱۲۲۴ خ فرزند سرتیپ اسکندرخان دولتمرد عصر مظفرالدین شاه، م ۱۳۰۶ خ، تهران گورستان اختیاریه.
○ ر ج ۱۷۳/۵.
▣ **مقوم،** بیرون شهر دزفول، سلجوقی صفوی.
○ معماری ۸۴/۲.
▣ **مکتبی شیرازی،** شاعر معاصر شاه اسماعیل در مجاورت مسجد قصرالدشت شیراز.
○ ا ق ۸۰ + مسجد بردی مزار وی است، م ۸۷۵. + تا ن ۳۱۲.
▣ **ملاآقا دربندی، آخوند،** از ملاهای خرافاتی که در قم و مدتی در عراق می‌زیست و قمه زدن را مجاز کرد و خود نیز قمه می‌زد. م ۱۲۸۶، کربلا.
○ ر ج ۱۳۸/۴.
▣ **ملااسماعیل خواجویی** مازندرانی معاصر با شاه سلطان حسین. اصفهان تخت فولاد.
○ ل ۲۷۹۹.
▣ **ملااسماعیل عقدائی،** یزد جنب مسجد ملاسماعیل.
○ ی ۱۹۷/۲ - با کتیبه‌ای به‌قلم محمدحسین شریف و سنگ قبر با اشعار فارسی و تاریخ ۱۲۳۰. + ی ۳۶۳.
▣ **ملاباشی، مقبره ملاباشی،** حاج میرزا عبدالکریم پسر میرزا ابوالقاسم ایروانی (۱۲۲۰-۱۲۹۴)، تبریز در محاذات دیوارهٔ جنوبی مقبرهٔ قائم‌مقام همراه با مسجد و مدرسه و دارالضیافه و صحن.
○ آ ذ ۴۴۹ + د ت ۴۸ + وی معلم فرزندان عباس میرزا بود، محله سرخاب، سیدحمزه تکیه

اختصاصی.

○ ر ج ۱۴۴/۶.

▣ **ملابمانعلی کرمانی**، متخلص به‌راجی، نویسندهٔ حملهٔ حیدری. پشت دیوار مسجد جامع کرمان که احتمالاً آتشکده بوده است.

○ ت دکتر صوتی + تا ضف ۱۱۵.

▣ **ملاپیرشمس‌الدین**، بقعه ملاپیر شمس‌الدین در دهکده لاشیدان حکومتی لاهیجان با گنبد آجری و صندوق چوبی با نوشته‌های فارسی و سنگ‌نوشته‌های نصب بردیوار به‌تاریخ ۱۲۷۵.

○ آ س ۱۳۷/۲.

▣ **ملاجمالی**، حامد بن فضل‌الله کنبو دهلوی، شیخ جمالی و درویش جمالی از عرفای هند در اواخر سده ۹ و اوایل سده ۱۰ که آثاری به‌فارسی از او مانده است از جمله مثنوی معروف مهر و ماه. م ۹۴۲، مدفون در دهلی جنوب شرقی قطب منار.

○ تا ن ۴۰۵.

▣ **ملاچغندر**، یا شیخ چغندر که نام اصلیش ابراهیم و معروف به‌خالو ابراهیم است؛ مرشد و مراد محمدشاه قاجار به‌حدی که بی‌اجازه به‌اندرون شاه می‌رفت، او را در سیدنصرالدین پهلوی معطرعلیشاه دفن کردند با سنگی به‌نشانه هویت وی ملا چغندر.

○ ر ج ۲۶۷/۶.

▣ **ملاحسن شیرازی**، سلطانیه باگنبدی احتمالاً از عصر فتحعلی‌شاه.

○ د ت ۴۹.

▣ **ملاحسن کاشانی آملی**، در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی سلطانیه.

○ د س ۱۰۲.

▣ **ملاحسن کاشی**، سلطانیه، صفوی.

○ معماری ۹۳/۲.

▣ **ملاحسین بشرویه‌ای**، از سرکرده‌های بابیان در قلعه طبرسی مازندران، در زیر دیوار مرقد شیخ طبرسی در مازندران، وی در جنگهای ربیع‌الاول ۱۲۶۵ کشته شد.

○ باب کیست ۱۲۵ + تابها ۲۰۵.

▣ **ملاحسین تفلیسی**، م ۱۲۹۲ در محله آب بخشان اصفهان.

○ ل ۲۷۹۵.

▣ **ملاحسین کاشفی سبزواری** ← آرامگاه کاشفی.

▣ **ملاحسینقلی**، فرزند رمضان شَوَندی در جزینی همدانی، پدرش رمضان ابتدا چوپان بود و بعد کفش‌دوز شد و آرزو داشت که فرزندانش روحانی شوند، در این میان حسینقلی را که آنوقت ملا شده بود به‌تهران آورد و وی مدتی بعد به‌عتبات رفت و از محضر شیخ مرتضی انصاری و حاج ملاهادی سبزواری بهره‌مندی یافت. وی تا اواخر عمر مقیم نجف بود و در حجره‌ای ماند و به‌تدریس اخلاق وفقه و اصول پرداخت و سرانجام در ۷۲ سالگی در ۱۳۱۱ فوت کرد و در یکی از حجره‌های صحن به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۹۴/۶.

▣ **ملاشاه قادری**، متولد در افغانستان مقیم لاهور، صوفی پاک‌سرشت و معروف شبه‌قاره که در لاهور مرد و در لاهور به‌خاک رفت ۱۰۷۲.

○ میراث مشترک ۴۶۱.

▣ **ملاعباسعلی قزوینی** ← آرامگاه کیوان.

▣ **ملاعبدالله بروجردی**، بروجرد. با اینکه وی معتقد به‌زیارت بقاع متبرکه و آرامگاه‌سازی نبود برایش آرامگاه ساختند.

○ د ت ۱۷.

◘ **ملاعبدالله** فقیه معروف، نویسنده حاشیه ملاعبدالله، مهاباد.

○ سیما سوم مرداد ۱۳۶۸.

◘ **ملاعصام‌الدین ابراهیم**، دانشمند شعرشناس و شاعر و عربی‌دان قرن دهم مدفون در جوار عبیدالله احرار سمرقند.

○ تا ن ۶۲۳.

◘ **ملاعلی قوشچی**، مولانا زین‌الدین یا علاألدین، فرزند علی از بزرگان علم هیئت و معاصر با الغ‌بیک تیموری. م ۸۷۹ در اسلامبول و مدفون در آن شهر.

○ تا ن ۲۶۹.

◘ **ملاعلی محمد** ← آخوند ملاعلی محمد.

◘ **ملاعلی نوری اصفهانی**، حکیم و فیلسوف قرن ۱۳، اصفهان.

○ ل ۲۸۰۰.

◘ **ملا فتح‌الله کاشانی**، مفسر، صاحب تفسیر منهج‌الصادقین با سنگ قبری از ۹۹۸ در کاشان.

○ د ت ۴۹.

◘ **ملامحراب**، عارف گیلانی به‌قول زنان اصفهانی شیخ چادری. اصفهان.

○ ل ۲۸۰۰.

◘ **ملامحسن فانی**، فیلسوف و عارف دانشمند که در دستگاه بابریان هند مقامات ارجمند یافت. وی در کشمیر خانقاهی برای خود ساخت که به‌آن پری محل می‌گفت و با مطالعه کلیه دینهای مهم‌عصرکتاب‌معروف دبستان المذاهب را نوشت. م ۱۰۸۲، در سری‌نگر کشمیر.

○ هنر و مردم ۷۹ اسفند ۱۳۵۰ + فارسی کشمیر ۴۸.

◘ **ملامحسن فیض**، کاشان بیرون دروازه فین.

○ تا کاشان ۴۳۵ و ۵۰۰ + در قبه معروف به‌کرامات. + فک مؤلفان ۷۹۹/۵.

◘ **ملامحمد ایروانی**، م ۱۳۰۰، نجف مدفون در مدینه گورستان بقیع.

○ ث ۲۰۵.

◘ **ملامحمد تنکابنی**، فاضل و فقیه معروف م ۱۱۲۴، اصفهان تخت فولاد، تکیه سراب.

○ ل ۲۷۹۸.

◘ **ملامحمد کاشی**، آخوند ← کاشی، آخوند ملامحمد.

◘ **ملامحمدتقی برغانی** ← آرامگاه برغانی، ملامحمدتقی.

◘ **ملامحمد علی اصفهانی**، پدر میرزا عبدالغفارخان نجم‌الملک. م ۱۲۹۳ وادی‌السلام نجف.

○ سرآمدان ۶.

◘ **ملامحمد علی قدوس**، دربار فروش (بابل) مازندران.

○ باب کیست ۱۲۵. + ر ج ۴۵۴/۳

◘ **ملامعصوم** ← آرامگاه معصوم.

◘ **ملانعمت‌الله نیستانکی**، و چند نفر دیگر، جنب حسینیه سبزوار.

○ شهرها ۲۴۲/۲.

◘ **ملای روم یا ملای رومی** ← آرامگاه مولوی رومی.

◘ **ملک آرا محمد میرزا** پسر عباس میرزا ← آرامگاه محمد میرزا ملک آرا.

◘ **ملک‌الشعراء بهار**، محمدنقی، فرزند میرزا محمد کاظم صبوری، ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی. وی در ۱۲۵۳ در مشهد زاده شد و در

۱۲۸۳ پس از مرگ پدر ملک‌الشعراء شد. شاعر و ادیب و سیاستمدار معروف و مدیر روزنامه نوبهار که پنج دوره وکیل مجلس شد: دوره‌های ۶ و ۵ از تهران دورهٔ ۳ از دره‌گز، دورهٔ ۴ از بجنورد و یک دوره از کاشمر. وی از مخالفان تکوین و ادامهٔ دیکتاتوری سردار سپه و از سران مقاوم و جسور در این مبارزه مقدس، به‌رهبری مرحوم‌مدرس بود و ولی در عصر رضاشاه با اینکه منزوی بود، تحت‌نظر قرار داشت. و به‌کار تحقیق و تصنیف می‌پرداخت و در دانشسرای‌عالی و دانشکده ادبیات تدریس می‌کرد. وی در دولت احمد قوام، ۱۳۲۴خ وزیر فرهنگ بود و مدتها رهبری جمعیت فدائیان صلح را برعهده داشت. وی استاد من بود و در سال ۱۳۳۰ در تهران درگذشت. از بهار آثار مهمی از جمله سبک‌شناسی و تاریخ احزاب سیاسی برجای مانده و تصحیح متون مهمی چون تاریخ بلعمی مجمل‌التواریخ و القصص و تاریخ سیستان نیز از اوست. روز فوت وی (اول اردیبهشت ۱۳۳۰ در ۷۷ سالگی) مردم در تهران از وی تشییع باشکوهی کردند و بدنش را در آرامگاه ظهیرالدوله به‌خاک سپردند.

○ ر ج ۳۵۰/۴ + روزشمار ۳۲۲ + از صبا ۱۲۳/۲. + چهره‌ها ۸۲.

▣ **ملک‌الکتاب**، میرزا مهدی فراهانی عموزاده و داماد میرزا عیسی قائم‌مقام وزیر شاهزاده عباس میرزا نایب‌السلطنه. وی شاعر و خوشنویس و متخلص به‌عشرت بود. م ۱۲۷۰، در زادگاهش آهنگران فراهان.

○ ر ج ۱۷۰/۴.

▣ **ملک‌المتکلمین**، شهید راه آزادی، در قبرستان کوچک واقع در جنوب باغشاه. محمدعلی قاجار پس از توپ بستن مجلس ملک‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان را که با کمک امین‌الدوله دستگیر کرده بود، به‌بدترین وجهی به‌شهادت رساند و عمال وی بدن پاره‌پاره ایشان را در خندقی مجاور باغشاه انداختند، شاید به‌این امید که خوراک سگها شود، اما در دل همان شب شجاع مردانی آمده بدن آن‌دو را برداشتند و با احترام به‌خاک سپردند.

○ تا ق ۷۸۳.

ابراهیم صفایی در باب شهادت و آرامگاه ملک‌المتکلمین می‌نویسد: برای ملک قبری درست نشد و جسدش را مانند سایر کشتگان باغشاه، درنقطه نامعلومی از باغشاه دفن کردند ولی پس از یک سال که تهران فتح شد، در قسمت شمالی باغشاه محلی را به‌یادبود ملک و یارانش ساخته گلریزان کردند، مجسمه او را هم هنگام نخست‌وزیری رزم‌آرا در میدان حسن‌آباد گذاشتند ولی آن را هم شهرداری، مدتی بعد برداشت و به‌پارک شهر برد.

○ رهبر ۳۵۵.

▣ **ملک بهمن**، از پادشاهان استندار در بالا لاریجان اراضی امیرآباد به‌نام برج بیامه‌سی. این بنا را اعتمادالسلطنه نیز توصیف کرده است.

○ آ س ۴۳۵/۳.

▣ **ملکشاه سلجوقی**، در جوار آرامگاه خواجه نظام‌الملک، اصفهان دارالبطیخ.

○ آ ص ۷۹۱ + ل ۲۷۹۵.

▣ **ملک غیاث‌الدین کَرت**، در محوطه ژنده پیل تربت جام.

○ آ خ ۵۴.

▣ **ملکم‌خان ناظم‌الدوله** ← آرامگاه

میرزاملکم‌خان.

▣ **ملکهٔ ایران**، دختر ناصرالدین شاه همسر ظهیرالدوله. م ۱۳۳۵، آرامگاه ناصرالدین شاه.

○ رهبر ۱۶۵ + تصویر ملکه ایران (فروغ‌الدوله) و دو دخترش فروغ‌الملوک و ملک‌الملوک ر ج ۳۶۹/۲.

▣ **ملیجک**، غلامعلی عزیز سلطان ملقب به‌ملیجک یا مَنیجَک، م۱۳۱۹خ. آرامگاه مستوفی ونک.

○ رجال ناصری ۲۴۶.

▣ **ممتازالدوله**، میرزا اسماعیل‌خان افشار رییس مجلس اول، آذر ۱۳۱۲ امامزاده عبدالله شهر ری.

○ ر ج ۱۴۱.

▣ **ممتازالسلطنه صمدخان**، زاده شده در ۱۲۴۸خ تبریز. آخر عمر مقیم پاریس بود. م ۱۳۳۴خ مدفون در پاریس.

○ ر ج ۱۸۱/۲.

▣ **ممتازالملک**، مرتضی مرتضایی برادر سعدالملک، م ۱۳۰۴خ تهران، امامزاده عبدالله شهر ری.

○ ر ج ۶۲/۴.

▣ **ممتاز بانو**، و شوهرش شاه جهان پادشاه بابری در هند، تاج محل.

▣ **(ممتاز بانو و شاه جهان)**، تاج محل.

○ + معماری هند ۱۱۲ تصویر ۸۷. هنر و مردم. ش ۸۱

▣ **ممقانی**، شیخ عبدالله ← آرامگاه مامقانی.

▣ **ممقانی**، شیخ محمد حسن، فرزند شیخ عبدالله از بزرگان امامیه و از مراجع تقلید (۱۲۳۸-۱۳۲۳) نجف.

○ ر ج ۲۲۸/۵.

▣ **ممقانی**، میرزا اسماعیل ← آرامگاه میرزا اسماعیل ممقانی.

▣ **ممقانی**، میرزا حسین ← آرامگاه میرزاحسین ممقانی.

▣ **منجم باشی**، درصحن آقاسید حسین لنگرود.

○ آس ۲۳۳/۲.

▣ **منصور عباسی**، دومین خلیفه از آل عباس، کعبه.

○ التنبیه ۳۲۳.

▣ **منصوری، ابراهیم**، (۱۲۷۸-۱۳۴۸خ) فرزند حسینقلی‌خان و نوه میرزا آقاخان مستوفی اول، نوازنده ویولن با آثاری چون تصنیف پیام عاشق در دستگاه شور. مؤسس اولین کلاس موسیقی با قواعد علمی و تأسیس هنرکده موسیقی ملی، تنظیم و نت‌نویسی آهنگهای محلی.آرامگاه ظهیرالدوله شمیران.

○ مردان موسیقی ۷۵.

▣ **منظوری حقیقی**، علی، خوشنویس قرن ۱۳، قم، حضرت معصومه مقابل ایوان آیینه.

○ خوش ۴۸۶.

▣ **منوچهر شاه‌کیانی**، اصفهان.

○ ل ۲۷۹۸.

▣ **منوچهر خان معتمدالدوله**، خواجه ایچ آقاسی*، ارمنی معروف به‌گرجی، از رجال با کفایت عصر فتحعلی شاه. در سال ۱۲۰۹ آغامحمدخان قاجار وی را همراه دیگر اسیران از تفلیس به‌ایران آورد، منوچهر خان در پناه هوش و استعداد ذاتی از خواجگی حرمسرا، به‌ایشیک

---

* ایچ ترکی و به‌معنای داخله است، ایچ آقاسی ← وزیر داخله در مقابل ایشیک آقاسی، ایشیک به‌معنای خارجه است.

آقاسی‌باشی رسید و برای نخستین‌بار وی را در ۱۲۳۹ وزیر یحیی میرزا کودک هفت ساله، پسر چهل و سوم فتحعلی شاه حکمران گیلان کردند لقب معتمدالدوله پس از مرگ عبدالوهاب نشاط اصفهانی به‌وی داده شد. منوچهر خان در دستگاه قاجارها بسیار ترقی کرد و حکمرانی وی در اصفهان مهمترین مشاغل وی بوده است که تا روی کارآمدن حاجی میرزا آقاسی این شغل را داشت اگرچه حاجی میرزاآقاسی گرگین‌خان را به‌جایش فرستاد، ولی گرگین تا منوچهرخان زنده بود، به‌اصفهان نرفت، فوت ۱۲۶۳ مدفون در قم آرامگاه اختصاصی.

○ ر ج ۱۶۲/۴.

▣ **مؤتمن‌الملک**، میرزا سعیدخان ← آرامگاه میرزا سعیدخان.

▣ **مؤتمن‌الملک**، حسین پیرنیا پسر سوم میرزا نصرالله خان نایینی مشیرالدوله که توسط پدرش برای ادامه تحصیل به‌اروپا فرستاده شده و پس از بازگشت مشاغل مهم‌گوناگونی یافت‌که مهمترین آن مشاغل ریاست مدرسه سیاسی بود. پیرنیا در سال ۱۳۲۵ هنگام توپ بستن مجلس توسط محمدعلی میرزا در کابینه احمدمشیرالسلطنه وزیر تجارت بود. پس‌از حصول آزادی مؤتمن‌الملک به‌یک سیاست‌مآب پارلمانی تبدیل شد که از دوره دوم تا هفتم وکیل شد و به‌مجلس رفت و به‌استثنای چندماه، در تمام این دوران رییس مجلس بود و در دوره هفتم نیز به‌وکالت انتخاب شد اما نمایندگی را قبول نکرد. مرحوم پیرنیا از مبارزان با دیکتاتوری رضاشاه بود و پس از اقتدار یافتن وی به‌کلی از کارهای سیاسی کناره‌گیری کرد، اما رضاشاه همیشه با دیده احترام به‌وی می‌نگریست. پس از سقوط رضاشاه هم ملت ایران وی را به‌نمایندگی مجلس برگزید. وکیل اول تهران. موتمن‌الملک در ۹ شهریور ماه ۱۳۲۶ در ۷۲ سالگی در تهران درگذشت و در امامزاده صالح شمیران آرامگاه پیرنیا به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۳۸۸ + رهبر ۷۲۷ + تلاش ۵۶۳.

▣ **موجی بدخشانی**، محمدقاسم از خاصان بابر پادشاه که ابتدا ملوانی ساده بود و بدین روی به‌موجی ملقب شد، اما در اوایل پادشاهی اکبر به‌امیرالبحری رسید. وی شاعری بود با تخلص موجی که آثاری از وی در دست است. سنگ قبر وی با نوشته فارسی در موزه شهر لکنهو نگه‌داری می‌شود.

○ نقش پارسی ۸۸.

▣ **مؤدب‌الملک**، یوسف خان، (۱۲۸۵-۱۳۵۴) پسر میرزا رضاخان، ژول ریشار فرانسه‌ای، معلم دارالفنون، مانند پدرش. شهر ری امامزاده عبدالله.

○ ر ج ۲۹۶/۶.

▣ **موسی مبرقع**، قم بنایی از سده هفتم.

○ معماری ایلخانان ۱۳۱ + راهنمای قم ۱۳۳ + و سایر سادات رضوی چهل دختران. شهرها ۱۵۱/۲.

▣ **موسی وزیر** ← آرامگاه میرزا موسی وزیر.

▣ **مولاکمال**، در ناحیه مالا در شهر دهار هند که شرح حالش در آیین اکبری و ارمغان شاه جهانی آمده است. این شهر در زمان تغلغیان به‌دست فیروزشاه در ۷۹۲ گشوده شد، و از آن به‌بعد از مراکز عرفان و تصوف اسلامی گردید و کتیبه‌های فارسی بسیار در این رابطه به‌یادگار ماند. مولا کمال مآلوی از شاگردان و مریدان نظام‌الدین اولیاءِ

بوده است.

○ نقش پارسی ۷۴.

▣ **مولانا ابوالکلام آزاد** ← آرامگاه آزاد ابوالکلام.

▣ **مولانا ابوالهادی قزوینی**، خواهرزاده مالک دیلمی خوشنویس، خود ابوالهادی نیز نقاش و موسیقیدان و خوشنویس بود و در مقام حسینی آوازی که بسیار رواج یافته بود. وی در قزوین مرد و در گورستان شاهزاده حسین به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۵۲۶.

▣ **مولانا ابوبکر تایبادی**، جنوب غربی تایباد مورخ ۸۴۸.

○ معماری ۸۹/۲.

▣ **مولانا برهان‌الدین مَرغنانی**، در سمرقند

○ سمریه ۱۷۷.

▣ **مولانا جلال الدین** ← مولوی جلال‌الدین.

▣ **مولانا جمالی**، ملقب به‌امیر خسروثانی، از یاران و شاگردان جامی در هرات که پس از مرگ او به‌هند رفت و در دربار سلطان اسکندر لودی تقرب یافت. از عرفای مشهور هند که در آغاز پادشاهی همایون مرده است ۹۳۷. آرامگاه وی در نزدیک آرامگاه قطب‌الدین کاکی قرار دارد و با مسجد کنار آن توسط خود جمالی ساخته شده است و جلال خان نامی آن را تکمیل کرده است. در گرداگرد این آرامگاه اشعار فارسی گچبری شده است، حاوی دو غزل و یک رباعی از خود او.

○ نقش پارسی ۷۹.

▣ **مولانا خوش محمدعزیزان**، از مشایخ طریقه جهریه از مریدان شیخ خداداد شاعر متصوف، مدفون در باغ خانقاه خودش در بخارا.

○ تا ن ۶۲۰.

▣ **مولانا قضایی هروی**، پسر ملابقایی شاعر پارسی‌سرای و ترکی‌دان موردعلاقه عبیدالله خان شیبانی، قرن دهم، مدفون در آرامگاه احمد خضرویه، بلخ.

○ تا ن ۶۲۷.

▣ **مولانا محمدمزید طبیب**، از پزشکان بخارا ادیب و شاعر و مورخ. مدفون در خانقاه خودش در روستای عرشی بخارا.

○ تا ن ۶۲۰.

▣ **مولانا مسیحی بلخی**، از اعاظم متصوفه و شاعر پارسی‌گوی. م ۹۷۶ در هشتاد سالگی، مدفون در خواجه روشنایی بلخ.

○ تا ن ۵۷۴.

▣ **مولانا یتیمی تبریزی یا هروی**، م ۹۹۵ در بلخ و مدفون در آن شهر.

○ تا ن ۵۸۳.

▣ **مولوی بخارائی**، قرن سیزدهم با تصویر سمنگان.

○ سیمرغ ۱۹۰.

▣ **مولوی، جلال‌الدین بلخی یا رومی**، محمد فرزند بهاءالدین حسینی خطیبی بکری بلخی یا ملای روم یکی از بزرگترین عرفای اسلام و از بزرگترین شاعران درجه اول بود. پدرش بهاءالدین از بلخ بود که نسبش به‌ابوبکر می‌رسید، از دخترزادگان علاءالدین محمد خوارزمشاه، از این‌رو، وی را بهاءالدین ولد می‌نامیدند. جلال‌الدین در ۶۰۴ در بلخ زاده شد و در ۶۰۹ همراه خاندان به‌سوی غرب کوچید. ابتدا در ملاطیه و سرانجام در قونیه پایتخت علاءالدین کیقباد سلجوقی مستقر شد و مورد احترام علاءالدین قرار گرفت. جلال‌الدین بعد از پدر مرید سید برهان‌الدین ترمذی شد، اما پس از فوت

شمس ترمذی در ۶۴۵ خود طریقه‌ای به‌نام مولویه ساخت و خانقاه قونیه را مرکز آن قرار داد، خانقاهی که هنوز بزرگترین مرکز تصوف جهان است. از این بزرگوار غیر از شش دفتر مثنوی، دیوان بزرگ شمس برجای مانده که در آن مولوی گاه خاموش و گاه خموش تخلص داشته‌است. مولوی درپنجم جمادی‌الاخر ۶۷۲ رحلت کرد و در خانقاه خود که توسط مولانا علم‌الدین قیصر ساخته شده بود، به‌خاک سپرده شد. در این آرامگاه که درکنار گور بهاءالدین ساخته شده است عده‌ای از اعاظم صوفیان به‌خاک سپرده شده‌اند و بدان قبه خضرا و حضرت مولانا خطاب می‌کنند و بنا با گنبدی سبز و مخروطی مشخص می‌شود.

○ تا ن ۱۵۸ + ف ۲۳.

▣ **مولوی سیدناصرحسین**، معروف به‌ناصرالمله و شمس‌العلما مؤلف کتاب تتمیم عبقات الشیعه. آگرا در جوار گور شهید ثالث، قاضی نورالله شوشتری.

○ نقش پارسی ۱۰۱.

▣ **مومنه خاتون**، در نخجوان، تاریخ بنای برج ۵۸۲.

○ هنر ۴۴۵/۸.

▣ **مونس**، مونس علیشاه، حاج میرزا عبدالحسین شیرازی، پسر آقا محمد منوّر علیشاه (۱۲۵۲ـ۱۳۳۲خ) قطب سلسلهٔ نعمت‌اللهی. شاعر، نویسنده، واعظ و روزنامه‌نویس فوت در تهران، دفن در خانقاهی که مریدانش در ۱۳۱۶خ در کرمانشاه بنا کرده بودند.

○ ر ج ۱۲۷/۶.

▣ **مؤیدالاسلام**، جلال‌الدین حسینی (۱۲۸۰ـ۱۳۴۹) زاده شده در کاشان. مدیر روزنامه معروف حبل‌المتین و آثار فرهنگی دیگر. مویدالاسلام در آخر عمر نابینا شد و روز ۱۹ آذر ۱۳۰۹ در کلکته درگذشت. برمبنای وصیت، جسدش را به‌ایران آوردند و در ایوان عباسی آستان قدس، صحن کهنه به‌خاک سپردند.

○ ز ۱۰۰/۳ + فرزند محمدرضا مجتهد کاشانی. ر ج ۷۱/۶ + یا ق ۲۴۹ + فک مؤلفان ۳۵۶/۲.

▣ **مؤیدالدوله** ← آرامگاه ابوالفتح میرزا.

▣ **مؤید همایون**، نوه میرزا آقاخان نوری، زیر چنار گُلَندُوَک، وی نیز در لشکرک به‌تیر غیب کشته شد همانند دیگر شخصیتهای خاندان میرزا آقاخان.

○ هزار فامیل ۹۰.

▣ **مهدعلیا**، ملک جهان خانم همسر محمد شاه و مادر ناصرالدین شاه. م۱۲۹۰ قم در جوار گور محمدشاه.

○ رهبر ۴۷۱/۲ + ر ج ۳۲۹/۴.

▣ **مهدی‌خان‌افشار**، معروف به‌قرامهدی از سرداران عهد نادرشاه که همراه برادرش گرفتار جنگهای داخلی شده بود و در همین جنگها هردو نفر کشته شدند. خاک‌سپاری در رضاییه به‌همت برادرشان تقی خان.

○ ر ج ۳۰۲/۵.

▣ **مهدی صالح**، در ۱۴۵ کیلومتری خرم‌آباد روستای ماژین قرن ۸.

○ معماری ۹۷/۲.

▣ **مهدی عباسی**، در شهر ایلام که در سالهای پایانی حکومت پهلوی. آثار آن محو شد.

○ آل ۵۰۵/۲ + بنای سلجوقی. + معماری ۹۶/۲.

▣ **مهدی قلی خان**، پسر ششم محمدحسن میرزا و برادر آغامحمدخان، م ۱۱۹۸، گرگان.

○ ر ج ۱۷۶/۴.

▣ **مـهدی قـلی‌خان مـجدالدوله** ← آرامگاه مجدالدوله خوانسالار.

▣ **مـهرعلی شـاه**، سـید پیر (۱۲۷۵-۱۳۵۶)از فرزندان عارف پزشک شیخ عبدالقادر جیلانی، از سادات گیلانی که در گولره غرب شهرستان اسلام آباد مدرسه‌ای اسلامی تأسیس کرد. گولره در دامنه تپه‌های مارگله شمال شهر اسلام آباد واقع است، اشعار فارسی وی در حد زیبایی عرفانی و بسیار جذاب است، مدفون در گولر، اسلام آباد.

○ میراث ۵۲۴/۲.

▣ **مـهماندوست**، بـرج مـهماندوست دامـغان، مهماندوست از سده پنجم.

○ معماری ۹۶/۲.

▣ **میدانک**، برج مـیدانک در کـیلومتر ۶۰ جـاده کرج به‌چالوس بنای آرامگاهی از قرن هـفتم، بـا نقشه و عکس.

○ معماری ۷۷/۲ و ۱۲۷ + آرامگاه شخص گمنام هنر ۳۵۱/۸.

▣ **مـیدانـی نـیشابوری**، ابـوالفـضل احـمد، صاحب‌السامی فی‌الاسامی. م ۵۱۸، درب میدان زیاد نیشابور.

○ ل ۷۲۰ + فک مؤلفان ۴۷۲.

▣ **میر ابراهیم پسر میرمعصوم**، از علمای قزوین در قـرن ۱۲ مـدفون در قـزوین در جـنوب مـحوطهٔ شاهزاده حسین.

○ د ت ۴۹.

▣ **میرابوالقاسم فندرسکی**، میرفندرسکی، فـرزند میرزا بزرگ موسوی که سفری به‌هند کرد و با یکی از شاگردان آذر کیوان دوست شد و تـحت تأثیر ادیان زرتشتی و هندو و بودایـی در اسـلام شک کرد و اعلام نمود کـه هـرگز بـه‌مکّه کـه رفـتنش مسـتلزم کشـتن بـی‌گناهی است نـخواهـم رفت. م ۱۰۴۵ یا ۱۰۵۰ تخت فولاد.

○ فک مؤلفان ۲۱۰ + آ ص ۸۵۸ + در تکیه میر با ابیاتی به‌خط میرعماد کـه بـخش مـهمی از آن را ضایع کرده‌اند.

○ ل ۲۷۹۸.

▣ **میرابوالوفـای سـمرقندی هـندی**، در زمـان همایون به‌هند رفت، بـه‌فارسی شـعر مـی‌گفت و مـورد تـوجه هـمایون قـرار گـرفت. مـدفون در سمرقند کنار خواجه عبیدالله احرار.

○ تا ن ۶۱۱.

▣ **میرانشاه تیموری** ← آرامگاه گورکانیان.

▣ **مـیرانـویچ، تـنودور**، سـفیر لهسـتان در نـزد صفویان در اصفهان. م ۱۶۸۶.

○ آ ص ۸۴۶.

▣ **میر اویس شیروانشاهی**، از امـرای عـصر شـاه اسماعیل صفوی، اردستان.

○ فج ۹/۱۰.

▣ **میربزرگ**، در آمل، از قرن ۷ تا دوران صفویه.

○ معماری ۸۲/۲.

▣ **میر حامد حسین**، فرزند مـحمدقلی مـوسوی نـیشابوری کـنتوری، صـاحب عـبقات (۱۳۰۷-۱۳۴۶) حسینیه لکهنو.

○ فک مؤلفان ۴۶۵/۲.

▣ **میرحسـین مـعمایی**، فـرزند مـحمد حسـینی نیشابوری شیرازی، شاعر معروف سده نهم که در نیشابور زاده شـد و در هـرات مـقیم شـد. مـورد احترام و توجه امیر عـلی شـیرنوایـی، فـوت در ذی‌قعده ۹۰۴ به‌بیماری اسهال، مدفون در مدرسه اخلاصیه هرات.

○ تا ن ۲۹۳.

▣ **میرحیدر**، در آمل.

○ فج ۲۵/۳.

▣ **میرحیدر**، در جیرفت، روستای دولت آباد، صفویه.

○ معماری ۸۸/۲.

▣ **میرخاتون**، دختر امیر ارغون رادکانی و همسر تاج‌الدین علیشاه در سلماس، سده هشتم.

○ معماری ایلخانی ۱۶۸.

▣ **میرخواند یا میرخوند**، سیدمحمد فرزند امیر برهان‌الدین خاوندشاه، تاریخ‌نویس معروف قرن دهم به‌نام روضة‌الصفا فی سیرة‌الملوک والخلفا که به‌نام امیرعلی‌شیر نوشته و نوه‌اش خوندمیر آن را تکمیل کرده است، م ۹۰۳ در ۶۶ سالگی در خانقاه اخلاصیه هرات.

○ تا ن ۲۳۹.

▣ **میرزا آقاسی** ← آرامگاه آقاسی.

▣ **میرزا ابوالحسن**، پسر سوّم میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، م ۱۳۰۴.

○ ر ج ۱۱/۵.

▣ **میرزا ابوالفضل ساوجی**، پدر ذبیح بهروز، منشی و خوشنویس و دانشمند نامدار. م ۱۳۱۲ خ تهران سر قبر آقا.

○ خوش ۳۱.

▣ **میرزا ابوالفضل نوری**، (۱۲۷۳ـ ۱۳۱۶) از شاگردان میرزای شیرازی. صحن امامزاده حمزه ری.

○ فک مؤلفان ۲۱۸.

▣ **میرزا ابوالقاسم**، فرزند محمد معروف به‌میرزای قمی (۱۱۵۱ـ۱۲۳۱) قم گورستان شیخان.

○ فک مؤلفان ۲۸۰.

▣ **میرزا ابوالقاسم نوری تهرانی**، حاج، فرزند محمدعلی مدرس معروف به‌کلانتر (۱۲۹۲ـ۱۲۳۶) امامزاده حمزه ری.

○ فک مؤلفان ۲۸۴.

▣ **میرزا احمد آشتیانی** ← آرامگاه آشتیانی میرزا احمد.

▣ **میرزا اسماعیل ممقانی**، پسر ملامحمد تقی ممقانی. از این خاندان چهارنفر لقب حجت‌الاسلام داشتند ملامحمد و سه پسرش که به‌نامهای میرزا حسین و میرزا محمدتقی و میرزا اسماعیل جانشینان او بودند از عالمان بزرگ تبریز. میرزا اسماعیل که شاعری هم می‌کرد با تخلص نیاز، مردی متقی و زاهد و گوشه‌گیر بود و در تبریز درگذشت. و در وادی‌الاسلام نجف به‌خاک سپرده شد. میرزا اسماعیل در ۱۳۱۲ از مراجع بزرگ شیخیه تبریز شد.

○ ر ج ۴۱/۶.

▣ **میرزا باباقطب**، سلسله ذهبیه و متولی شاه چراغ. م ۱۲۸۶، مشهد ایوان طلای رضوی.

○ فک مؤلفان ۲۴۷.

▣ **میرزا باقی انجمی بخارایی**، از سرداران پارسی‌گوی اکبربابری که در یک مأموریت جنگی دچار اسهال شد و چون عادت به‌کوکنار داشت مرد و در ناحیه مالوه به‌خاک رفت.

○ تا ن ۵۹۳.

▣ **میرزا بزرگ وزیر**، میرزا عباس نوری فرزند رضاقلی تاکُری از طایفه خواجه در نور که خود را از فرزندان خواجه اباصلت می‌دانند. میرزا بزرگ تحصیل کرده و خوشنویس شد و در یک آزمایش ساده وی با میرعماد مقایسه شد و ملقب به‌میرزا بزرگ گردید و چون وزیر پسران فتحعلی‌شاه از

جمله اماموردی میرزا شد، به‌میرزا بزرگ و وزیر نوری معروف شد. وی ۶ زن گرفت و ۹ پسر و ۵ دختر پیدا کرد که دو نفر از این پسرها میرزا حسینعلی بها و میرزا یحیی صبح ازل بوده‌اند. میرزا بزرگ در تاکُر عمارت مفصلی ساخت که بدان کاخ می‌گفتند، اما با این حالات مورد بغض و کینه درباریان به‌خصوص حاجی میرزا آقاسی قرار گرفت. مشاغل و اموالش را از وی گرفتند و کاخ را آب برد و به‌حدی مستاصل شد که می‌خواست از ایران هجرت کند اما اجل راه بهتری پیش پایش گذاشت، در ۱۲۵۵ فوت کرد و بنا به‌وصیت خودش جنازه‌اش را به‌نجف برده در وادی‌السلام نجف به‌خاک سپردند، از وی آثار هنری چندی برجای مانده است.

○ ر ج ۱۲۷/۶ + خوش ۳۴۶.

▣ **میرزا جانی**، پسر حاج محمدحسن کاشانی. بابی متعصّب نویسنده نقطة‌الکاف در احوال علی محمد باب که در ۱۲۶۸ شمع آجین شد و به‌قتل رسید. مقبره سید ولی در تهران.

○ ر ج ۱۹۰/۴.

▣ **میرزا جبار مشگین قلم**، م ۱۳۱۱، زنجان.

○ خوش معاصر ۸۸.

▣ **میرزا جعفر تبریزی حسینی** ← آرامگاه مشیرالدوله، میرزا جعفر.

▣ **میرزا جهانگیرخان** ← آرامگاه صوراسرافیل.

▣ **میرزا حبیب اصفهانی** ← آرامگاه اصفهانی، میرزا حبیب.

▣ **میرزا حسن**، فرزند محمدتقی طالقانی از مؤلفان نامه دانشوران جلد اول که همکاران دیگر وی در این باب شیخ مهدی شمس‌العلمای عبدالرب آماری، میرزا ابوالفضل ساوجی و ملاآقای قزوینی بودند زیرنظر علیقلی میرزا اعتصادالسلطنه وزیر علوم. چون میرزا حسن به‌فرقهٔ بابیه گروید اخراج شد و در جلدهای دیگر همکاری نداشت. اثر دیگر او لسان‌العجم در دستور زبان است. پس از مرگ وی را در امامزاده معصوم در غرب تهران به‌خاک سپردند.

○ ر ج ۸۰/۶.

▣ **میرزا حسن**، ادیب و خوشنویس (۱۱۸۰-۱۲۳۷) زاده شده در فسا پدر مؤلف فارسنامه، فسا قریه رونیز علیا در جوار پدرش.

○ خوش ۱۳۷.

▣ **میرزا حسن خان**، خبیرالملک ← آرامگاه خبیرالملک.

▣ **میرزا حسن خان نایینی** ← آرامگاه مشیرالدوله.

▣ **میرزاحسین**، فرزند میرزا خلیل، مجتهد و آزادیخواه معروف. م ۱۳۲۶ نجف جنب مدرسه خویش.

○ فک مؤلفان ۷۳۵/۲.

▣ **میرزا حسین**، پسر بزرگ حجت‌الاسلام آخوند ملامحمد ممقانی از عالمان بزرگ شیخیه، در تبریز زاده شد. و در نزد پدر خود و سیدکاظم رشتی درس خواند و عالم شد و پس از درگذشت پدر در ۱۲۶۹ به‌ریاست امامیه تبریز رسید و امام مسجد حجت‌الاسلام شد، وی در حقیقت دومین حجت‌الاسلام در این خاندان است، در عصر وی درگیری میان شیخیه و مخالفانشان شدت یافت و فتحعلی شاه رؤسای هر دو گروه را به‌تهران خواست.فوت ۱۳۰۳ مدفون در کربلا.

○ ر ج ۸۳/۶.

▣ **میرزاحسینعلی** ← آرامگاه بهاء بهاءالله.

▣ **میرزا خانلرخان** اعتصام‌الملک، زاده شده در

۱۲۴۳ فرزند میرزا محمدعلی مازندرانی و برادر بزرگ محمودخان محمودی مشاورالملک، منشی و خوشنویس که موفق شد نظر ناصرالدین شاه را به‌خود معطوف سازد. وی در سراسر زندگی به‌منشی‌گری و خوشنویسی در سطح عالی مشغول بود و چند سفر هم به‌اروپا رفت و سرانجام در ۷۲ سالگی به‌سال ۱۳۱۵ در تهران درگذشت و در قم در رواق حضرت معصومه(ع)، به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۹۴/۵.

◫ **میرزا رضای کرمانی**، قاتل ناصرالدین شاه. وی را در دوم ربیع‌اول ۱۲/۱۳۱۴ اوت ۱۸۹۶، پس از سه ماه واندی زندانی کردن و شکنجه دادن، در میدان مشق تهران او را به‌دار آویختند و نعشش دو روز بردار بود و پس از آن عمال حکومت وی را در قبرستان عمومی دفن کردند.

○ ر ج ۱۹/۲.

◫ **میرزا رضی منشی‌الممالک**، فرزند میرزا شفیع آذربایجانی که منشی نادر بود، میرزا رضی در دولت کریم خان و سپس عصر آقامحمدخان نیز منشی‌گری می‌کرد، اما در عصر فتحعلی شاه ترقی بیشتر کرد و احترام بیشتری نصیب خود ساخت. وی نامه‌ها و فرمانها را به‌زبانهای فارسی و ترکی و جغتایی تحریر می‌کرد و به‌فارسی و ترکی شعر می‌سرود، از وی آثاری برجای مانده است. میرزا رضی در سال ۱۲۲۲ به‌بیماری سل در تهران مرد و در نجف مدفون شد.

○ از صبا ۵۴.

◫ **میرزا رفیعا نایینی**، اصفهان تخت فولاد وی از علمای شیعی و معاصر با شاه صفی و شاه سلیمان بوده است.

○ آ ص ۸۵۶ + دت ۴۹.

◫ **میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک**، پسر میرزا سلیمان شیخ‌الاسلام گرمرود آذربایجان، زاده شده در ۱۲۱۳. میرزا سعید ابتدا به‌ملامحمد سعید معروف بود، هنگام صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر، وی در گرمرود عریضه‌ای به‌امیرکبیر داد که از لحاظ خط و ربط و سواد موردتوجه وزیر واقع شد و در تمام مدت وزارت آن شهید وی منشی مخصوص و سرنگه‌دار وی بود. میرزا سعیدخان مدت سی‌سال در دو نوبت وزیر خارجه شد. اعتمادالسلطنه درباره وی می‌نویسد که پس از مرگش در ۹۷۰ چندین پاکت سربسته را که اغلب نوشتجات مهم بود به‌حضور شاه فرستاد، آنگاه اظهار تأسف می‌کند که بیشتر این نامه‌ها نیاز به‌بررسی و اقدام داشت ولی وزیر خارجه آنها را باز نکرده انبار کرد. مؤتمن‌الملک که از خاندان انصاری گرمرودی ایشلیقی است در ۷ جمادی‌الاول ۱۳۰۱ در تهران درگذشت و در حرم حضرت رضا(ع)، دارالسعاده به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۶۹/۲ + رجال ۱۱۱.

◫ **میرزا سلمان جابری اصفهانی**، از خاندانهای مهم اصفهان. میرزا سلمان وارد خدمات دربارشاه طهماسب شد و تا مرگ وی بر سر کار بود، اما سرانجام مخالفانش وی را در ۹۸۸ کشتند و جسدش را که مدتی در کوچه افتاده بود، به‌خواهش علما به‌مشهد بردند و در آستانه رضوی به‌خاک سپردند. وی مردی شاعر و هنرمند بوده است.

○ تا ن ۴۶۳.

◫ **میرزا سنگلاخ**، محمدعلی قوچانی، شاعر و خوشنویس مقیم اسلامبول که با کوشش بسیار،

سنگی برای مزار حضرت محمد(ص) ساخت و آن را تقدیم محمدعلی پاشا والی بغداد کرد که به‌حجاز حمل شود، ولی او بدان توجهی نکرد و میرزا سنگلاخ سنگ را با زحمت به‌تبریز آورد و در دیوار مزار سیدابراهیم نصب کرد. خود وی را نیز پس از وفات در پای آن سنگ به‌خاک سپردند. م ۱۲۹۴.

○ خوش ۷۹۸ + ر ج ۱۳۰/۲.

◙ **میرزا شفیع** آذربایجانی، خوشنویس و مستوفی نادر. م ۱۲۲۰ تبریز، سرخاب.

○ خوش ۲۱۳ + کوی سرخاب ۱۷۰.

◙ **میرزا صفا**، شیخ‌الاسلام م ۱۲۹۱، چشمه علی شهر ری، امامزاده هادی معروف به‌صفاییه.

○ سیاستگر ۶۶. + ری ۹.

◙ **میرزا عباس نوری** ← آرامگاه میرزا بزرگ وزیر.

◙ **میرزا عبدالباقی**، اعتضادالاطبا پسر حاجی اسماعیل بیگ ثقفی و پدر دکتر خلیل خان اعلم‌الدوله، از مدرسان طب و پزشکان بزرگ عصر ناصری بوده است که حاشیه‌ای نیز برقانون ابن‌سینا نوشته است، پدر وی حاجی اسماعیل بیگ نیز یک مرد فرهنگی و ادب‌پرور بوده است که دیوان یغما را طبع و نشر کرده، میرزا عبدالباقی نیز گنجینه نشاط را به‌طبع رسانده. وی پزشک اختصاصی عزت‌الدوله بوده است. در سال ۱۲۷۷/۱۳۱۵ خ در کربلا به‌رحمت خدا رفته و در همان جا به‌خاک سپرده شده است.

○ ر ج ۱۳۸/۵.

◙ **میرزا عبدالحمید ملک‌الکلامی**، (۱۲۷۴-۱۳۲۸ خ) نویسنده کتیبه آرامگاه حافظ، فوت در تهران، مدفون در امامزاده عبدالله شهر ری.

○ خوش معاصر ۱۱۳.

◙ **میرزا عبدالغفار تویسرکانی**، از فقها و علمای اصفهان. م ۱۳۱۹، تخت فولاد تکیه تویسرکانی.

○ ل ۲۷۹۸.

◙ **میرزا علی**، دولتمرد عصر قاجار از احفاد قائم‌مقام. آرامگاه قائم مقام امامزاده حمزه.

○ تاریخچه ۷۷.

◙ **میرزا علی خان امین‌الدوله** ← آرامگاه امین‌الدوله، میرزاعلی خان.

◙ **میرزا عیسی خان**، در ملکی هیلز هند.

○ معماری هند ۱۱۵۰ تصویر ۹۰.

◙ **میرزا عیسی قائم‌مقام** ← آرامگاه قائم‌مقام.

◙ **میرزا عیسی وزیر تفرشی**، پسر میرزا موسی وزیر و شوهرخواهر میرزا یوسف مستوفی. میرزا عیسی پس از فوت پدر نایب حکمران تهران یعنی مسؤول وزارت تهران و پیشکاری حکومت شد. حکمران تهران کامران میرزای ۱۲ ساله بود ۱۲۸۳. در همین سال قحطی و گرانی فوق‌العاده‌ای رخ داد که برای وی مزاحمت فراهم کرد و سرانجام خود وی نیز در جوانی به‌بیماری وبا درگذشت، ۲۲ صفر ۱۳۱۰. بیمارستان وزیری از ثلث دارایی وی ساخته شده و خود وی نیز در زاویه شمال غربی مسجد آقا شیخ هادی مدفون است. آقا شیخ هادی وصی وی بود.

○ ر ج ۵۱۴/۲.

◙ **میرزا غلامرضا اصفهانی** ← آرامگاه اصفهانی میرزا غلامرضا.

◙ **میرزا غیاث‌الدین تهرانی** ← آرامگاه اعتمادالدوله.

◙ **میرزا قلی** ← آرامگاه میرزامحمد قلی تکلو میلی هروی.

◻ **میرزا کافی**، از بازماندگان خواجه نصیر، شاعر و خوشنویس. م ۹۶۹ در قزوین، مدفون در مشهد.
○ تا ن ۷۰۳.

◻ **میرزا کوچک جنگلی**، در سلیمان داراب رشت. میرزا پس از آنکه نیرویش را از دست داد از جنگل به‌سوی خلخال عزیمت نمود. سردار سپه ضرغام‌السلطنه را مأمور کرد که وی را تعقیب کند، امّا پیش از آنکه نیروهای قزاق به‌پی‌جویی بپردازند، سالار شجاع از رهگذری شنید که دو جنازه یخ‌زده را در حاشیه جنگل دیده است. سالار شجاع که برادر نصرت‌الله خان امیر طالش بود، جنازه‌ها را پیدا کرده و به‌دستور وی مشهدی رضا اسکستانی سر میرزا را برید که به‌تهران فرستاده از سردار سپه جایزه بگیرد. سر بریده را از ماسال به‌رشت بردند و در مسیر جاده سنگر به‌رشت در محل انبار نفت چند روز آویزان کردند. سپس خالوقربان کُرد که از همرزمان سابق میرزا بود، سر را به‌تهران برد و در ازای این خدمت سرهنگ شد. سر میرزا را در قبرستان حسن‌آباد به‌خاک سپردند، چندی بعد مشهدی کاس آقای حسام، با زیرکی سر را از گور درآورد و در پهلوی تن میرزا در سلیمان داراب رشت به‌خاک سپرد.
○ اطلاعات ۱۱ آذر ۱۳۷۱ + سردار جنگل ۳۹۱ + ر ج ۱۸۲/۵.

◻ **میرزا محمد**، زاده شده در ۱۲۳۱ تبریز، پسر بزرگ میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام که ابتدا مغضوب و بعد با کوشش میرزا آقاخان بخشوده و مقیم اراک شد. م ۱۳۰۱، حضرت عبدالعظیم نزدیک پدرش.
○ ر ج ۱۹۰/۶.

◻ **میرزا محمداکمل بدخشی**، معاصر با اکبر و از سرداران نامدار وی، همدرس دارالشکوه و مقیم دهلی، عارف بزرگ و صاحب برخی تألیفات از جمله تاریخ اعظمی فوت در سری‌نگر و مدفون در همین شهر کشمیر سال ۱۱۳۱.
○ هنر و مردم ۸۲ بهمن و اسفند ۱۳۵۰.

◻ **میرزا محمدتقی رازی** ← آرامگاه آقانجفی.

◻ **میرزا محمدتقی شیرازی**، زاده شده در ۱۲۷۰ از علمای بزرگ، و روحانی وارسته و شایسته عالم تشیع که پس از فوت سید کاظم یزدی صاحب عروة‌الوثقی، در ۱۳۲۷ مرجع تقلید شد. میرزا محمدتقی از شاگردان میرزای شیرازی (میرزا محمدحسن) و فاضل اردکانی بود و حوزه درس میرزا را در سامره پس از وی اداره کرد. چون در جنگ جهانی اول بر ضد انگلستان اعلان جهاد داد، در جهان اسلام بیش از پیش شهرت یافت. وی طبع شعر هم داشت و در ۱۳۳۸ در نجف درگذشت و با تشییع‌جنازه مفصل در کربلا به‌خاک سپرده شد.
○ ر ج ۲۱۹/۵.

◻ **میرزا محمدحسین**، مدرسه‌ای نطنزی، حاج - روحانی، مجتهد، عارف و خوشنویس متعهد معاصر نطنز در سده چهاردهم، وی از آقانجفی اجازه اجتهاد داشت و در غوغای نایب حسین و یاغیان دیگر از عوامل مهم امنیت و آرامش به‌شمار می‌رفت. م ۱۳۰۵خ مدفون در امامزاده یحیی، مزدآباد نطنز. وی پدربزرگ من بود و با کمک پدرم حاج سیدعبدالعزیز وزیری غروی، نظام‌العلما نخستین مدرسه را در نطنز تأسیس کرد.

◻ **میرزا محمدخلیل مرعشی صفوی** ← آرامگاه شاه سلیمان ثانی.

◻ **میرزا محمدرضا کلهر** ← آرامگاه کلهر.

◙ **میرزا محمدرضا همدانی**، فرزند میرزا علینقی زاده شده در همدان ۱۲۶۱، واعظ معروف و مورد توجه مردم. در ۱۳۱۸ فوت کرد و در حضرت عبدالعظیم به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۶/۲۳۶.

◙ **میرزا محمدعلی**، فرزند میرزا عبدالغنی تفرشی برادر بزرگ میرزا یحیی خان سرخوش، متولد ۱۲۵۵ در طرخوران تفرش و از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری. خود وی نیز از حکما و عرفای فاضل بود که در ۱۳۰۷ فوت کرد، مدفون در سبزوار.

○ ر ج ۶/۲۴۰.

◙ **میرزا محمدعلی شاه آبادی**، از عالمان و روحانیون عصر حاضر در تهران. م ۱۳۶۹.

○ تاریخچه ۷۸.

◙ **میرزا محمدعلی شوشتری**، از دانشمندان سده سیزدهم م ۱۳۰۶.

○ تاریخچه ۷۷.

◙ **میرزا محمدعلی قاینی** ← آرامگاه قاینی.

◙ **میرزا محمدقلی تکلومیلی هروی**، معروف به‌میرزاقلی ابتدا در دستگاه سلطان محمد خدابنده بود. سرانجام در ۹۷۹ به‌هند رفت و مقیم آن دیار شد و تحت حمایت اورنگ خان زندگی کرد تا اینکه توسط همین ولی‌نعمت مسموم و کشته شد، بدنش را پس از مرگ به‌مشهد آورده‌اند و سنگ قبرش اکنون با تاریخ مرگ وی ۹۸۵ در مشهد موجود است.

○ تا ن ۴۲۱.

◙ **میرزا محمدکلانتر**، پسر میرزا ابوالقاسم شریفی حسنی، خواهرزاده محمدحسین شریفی صاحب اختیار (۱۱۳۲-۱۲۰۰). میرزا محمد در دستگاه کریم‌خان زند ترقی کرد و به‌مقام کلانتری فارس رسید و در طی ۱۴ سال که این مقام را داشت، از ملاکان بزرگ فارس شد. حاج ابراهیم کلانتر جانشین وی بود. میرزا محمد وقایع سالهای ۱۱۴۳ تا ۱۱۹۹ را تحت عنوان روزنامهٔ میرزا محمد کلانتر نوشته که در ۱۳۲۵ خ به‌چاپ رسید. میرزا محمد در ۱۲۰۰ در اصفهان مرد و بدنش را به‌نجف فرستاده به‌خاک سپردند.

○ ر ج ۳/۲۸۱.

◙ **میرزا محمود شیخ‌الاسلام**، از سادات طباطبایی تبریز مردی باسواد و دیندار که در سال ۱۳۱۰ به‌مکه رفت و در همان جا در ۷۰ سالگی درگذشت.

○ ر ج ۵/۲۸۷.

◙ **میرزا مسلم ارومی یا اُرموی**، از عارفان سده سیزدهم و از خلفای حاج محمد جعفر کبودر آهنگی، در ۱۲۶۰ به‌رحمت خدا رفت و در سید حمزه تبریز، کنار مرشدش مجذوب علیشاه به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۶/۲۶۲.

◙ **میرزا مسیح اصفهانی**، پسر میرزا باقر چهارسویی از مراجع بزرگ مقیم اصفهان. م ۱۳۲۵ در هفتاد سالگی. مدفون در مقبره صاحب روضات اصفهان.

○ ر ج ۶/۲۶۲.

◙ **میرزا مسیح تهرانی**، استرآبادی زاده شده در ۱۱۹۳، قهرمان مبارزه بازورگویان روسی از جمله گری بایدف، م ۱۲۶۳ عتبات.

○ ر ج ۴/۱۰۱.

◙ **میرزا مصطفی لشکرنویس** ← آرامگاه وکیل لشکر.

▣ **میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله**، پسر میرزا یعقوب از ارامنه جلفا، زاده شده در ۱۲۴۹، پدرش او را برای تحصیل به‌پاریس فرستاد و وی در ۱۲۶۸ به‌ایران بازگشت. اولین شغل وی سرهنگ اتاماژور و مترجم مخصوص سفارتخانه دولت علیه در اسلامبول بود، اما وی همراه فرخ خان به‌پاریس رفت و در همین زمان بود که وارد فراماسون شد. پس از این سفر، در تهران با همکاری جلال‌الدین میرزا و در خانهٔ وی اولین لژ فراماسونی را به‌طور سری تشکیل داد که پس از علنی شدن، از سوی ناصرالدین شاه، ازهم پاشیده شد. از این به‌بعد ملکم گاه موافق و گاه مخالف با دولت ایران، در خارج از کشور سرگرم بود و از هیچ عملی برای تدارک پول ابا نداشت. میرزا ملکم‌خان در ۷۷ سالگی در ۱۳۲۶ در لوزان سویس درگذشت، جنازه را طبق وصیت به‌برن برده سوزاندند و خاکسترش را در کوزه ریختند و کوزه را همراه با چهل هزارپوندی، که ملکم از کمپانی لاتاری انگلیس رشوه گرفته و به‌هیچ قیمت پس نداده بود، به‌وارثان وی دادند. ملکم پسرش فریدون را به‌علت خاصی از ارث محروم کرده بود. ۱۳۲۶ / تابستان ۱۹۰۸. از پرنس ملکم خان آثار مکتوب چندی برجای مانده است و برخی از شماره‌های روزنامه‌های قانون.

○ سیاستگر ۱۲۷ + ر ج ۱۳۹/۴.

▣ **میرزا موسی وزیر**، مستوفی تفرشی، زاده شده در ۱۱۹۸ پسر میرزا ابوالقاسم و پدر میرزا عیسی وزیر و سید عبدالله خان انتظام‌السلطنه، مستوفی کل آذربایجان در عصر حکمرانی ناصرالدین میرزای ولیعهد، که در مجلس محاکمه باب نیز حضور داشت. در سال ۱۲۶۹ که ناصرالدین شاه از تهران به‌خارج از شهر سفر کرد، معین‌الدین میرزا پسر شیرخواره خود را حکمران تهران و میرزاموسی را وزیر او کرد، از این زمان میرزا موسی به‌وزیر معروف شد، آب انبار میرزا موسی وزیر در جنب سید اسماعیل در خیابان سیروس یادگار اوست. میرزا موسی در ۸۴ سالگی مرد و در آرامگاه مجلل و وسیعی که خود در مشرق حرم امام‌حسین تدارک کرده بود به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۱۶۴/۴.

▣ **میرزا موسی خان**، برادر کهتر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، در کمال پاکی و طهارت، چهارده سال متولی آستان‌قدس بود. م ۱۲۶۲ در ۴۲ سالگی، مشهد حرم مطهر امام رضا(ع).

○ ر ج ۱۶۵/۴ + ت دکتر جهانگیر قائم‌مقامی.

▣ **میرزا مهدی**، یا محمدمهدی از عالمان بزرگ خراسان شاگرد آقا باقر بهبهانی یا آقای بهبهانی، متولد در ۱۱۵۲ که در مشهد نفوذ فراوان داشت و به‌اشاره وی بود که مشهد در مقابل نیروی فتحعلی شاه تسلیم شد. اما نادر میرزا پسر شاهرخ که راضی به‌تسلیم نبود پیش از دستگیر شدن با میرزا مهدی ملاقات و پس از گفتگو و ناسزاگویی بسیار، تیمور نسق‌چی باشی به‌اشاره وی چند ضربت تبرزین به‌سر و بدن وی نواخت و خود نادر میرزا نیز چند لگد محکم به‌وی زد و آن پیرمرد محترم دو روز بعد مرد. در آن موقع میرزامهدی ۶۶ ساله بود و پس از فوت باعزت و احترام در حرم امام رضا به‌خاک سپرده شد و پس از فوت به‌شهید ثالث معروف شد و اعقابش شهید را نام خانوادگی خود قرار دادند.

○ ر ج ۸/۴.

▣ **میرزا مهدی نوری**، حاجی میرزا محمد برادرزن و پسرعم میرزا آقاخان نوری و متصدی امور مربوط به‌وی هنگامی که از سوی ناصرالدین شاه مغضوب شده و در تبعید بسر می‌برد، میرزا مهدی در ۱۲۸۳ به‌مکه رفت و در همان جا مرد.

○ رج ۹/۴.

▣ **میرزا میرانشاه**، پسر امیر تیمور که در ۸۱۰ در جنگ با قرایوسف به‌دست غلامی ترک، نادانسته کشته شد، آن غلام جامه‌اش را برداشت و سرش را برای قرایوسف برد، ولی وی با احترام سر و تن را در سرخاب دفن کرد و مدتی بعد شمس‌الدین غوری استخوانها را به‌قبةالخضرای‌کش برد و دفن کرد.

○ کوی سرخاب ۱۵۹.

▣ **میرزا نصرالله خان نایینی** ← آرامگاه مشیرالدوله، میرزا نصرالله.

▣ **میرزا نصرالله خان نوری** ← آرامگاه میرزا آقاخان نوری.

▣ **میرزا نعمت‌الله**، پسر میرزا محمد آقا پسر میرفتاح. تفلیس قبرستان مسلمانان که از آثار شاه عباس است. میر فتاح همان روحانی خیانتکاری است که پیش از بسته شدن قرارداد ترکمانچای، روسها را به‌تبریز دعوت کرد و مدّت کوتاهی بعد از ایران فراری شد و به‌تفلیس رفت.

○ رج ۵۱/۳.

▣ **میرزا نعیم**، دولتمرد عصر صفوی، حکمران بم مدفون در یکی از بناهای جنبی ارگ بم.

○ سیما ۷۲/۱/۲۸.

▣ **میرزا هاشم خان امین‌الدوله**، و امین خلوت برادر فرخ خان کاشانی دولتمرد عصر ناصری، م ۱۲۹۳ در قم، مدفون در قم.

○ رج ۴۱۵/۴.

▣ **میرزای شیرازی**، حاجی میرزا حسن یا محمدحسن پیشوای معروف شیعیان، فوت در ۱۳۲۴ در ۸۲ سالگی در سامره که روی دوش مردم به‌نجف برده شد و در یکی از حجره‌های صحن در مقبرهٔ خاص دفن شد، در تمام شهرهای ایران برایش ختم گذاشتند.

○ رج ۳۳۹.

▣ **میرزا یعقوب ارمنی** ← آرامگاه یعقوب ارمنی.

▣ **میرزا یوسف مستوفی**، پسر میرزا حسن مستوفی‌الممالک آشتیانی و پدر میرزا حسن آخرین مستوفی‌الممالک، میرزا حسن اول از زمان فتحعلی‌شاه مستوفی‌الممالک و خواهرش همسر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام بوده است، از این رو میرزا تقی خان امیرکبیر به‌این خانواده ارادت می‌ورزیده، اما در جریان عزل وقتل امیرکبیر میرزا یوسف در جبهه مقابل امیرکبیر قرار داشته است. پس از عزل میرزا آقاخان، میرزا یوسف به‌جای وی صدراعظم شد. از این زمان به‌بعد میرزا یوسف، همیشه مقامات عالی داشته و با رقیبانی همچون میرزا حسین خان سپهسالار، در کشمکش بوده است. میرزا یوسف مردی حکیم و عارف و خیر و اهل آباد کردن بلاد بوده و نامش هم‌اکنون نیز در تهران بر روی محلات است مانند، حسن‌آباد و یوسف آباد. میرزا یوسف در ۱۳۰۳ فوت کرد و در آرامگاه پدرش در صحن عتیق قم به‌خاک سپرده شد. حسن‌آباد به‌نام پدر یا پسرش.

○ سیاستگر ۱۴۹.

▣ **میرزا یوسف خان**، مستشارالدوله بازرگان آزادیخواه تبریز در عصر قاجاریه.م ۱۳۱۳ در سر

قبر آقا بنابر وصیت خود وی.

○ تا ضف ۵۷۲.

▣ **میر** ← آرامگاه میرفندرسکی.

▣ **میرسید بهرام**، قرن چهارم با تصویر.

○ سیمرغ ۱۷۴.

▣ **میرسید حسن مدرس**، عالم و فقیه اصفهانی. م ۱۲۷۳، محلهٔ نو مسجد رحیم خان اصفهان.

○ ل ۲۷۹۷.

▣ **میرسید علی رضوی طوسی**، از عالمان عارف شیعه در سده یازدهم. که از خراسان به‌بلتستان (در کشمیر) رسید و در حقیقت مقدمات کار میرسیدعلی را فراهم آورد. وی نخستین حسینیه بلتستان را در کواردو بنا نهاد. میرزا سیدعلی شاعری خوش‌ذوق و عارف بود که بیت نخستین یک غزل وی این است.

«اگر زماومنی دل صفا توانی کرد چومردمک به‌دل دیده جا توانی کرد»

○ میراث ۹۹/۲.

▣ **میرسید علی همدانی**، معروف به‌امیرکبیر که از مشایخ بزرگ اسلام بود. وی در ۷۱۴ متولد و در عصر ترکتازی امیر تیمور، از همدان عازم کشمیر شد و در ۷۷۴ به‌کشمیر رسید. پس از مدتی به‌ایران بازآمد و دوباره در ۷۸۱ به‌کشمیر رفت و در آنجا ساکن شد. میرسیدعلی در ۷۸۵ بار دیگر عزم سفر کرد و به‌شمال کشمیر، محلی به‌نام تاخلی نزدیک کونار رسید و در ماه ذی‌حجه ۷۸۶ در این نقطه از دنیا رفت و در همان جا، که امروز در خاک تاجیکستان است، یعنی تاخلی، وفات یافت و در خانقاه خودش، خانقاه محلی یا (مسجدامام) همدان که توسط پسرش ساخته شده و در محلهٔ علاءالدوله سری‌نگر زیارتگاه است به‌خاک سپرده شد.

○ نقش پارسی ۶۷ + علی ثانی، تا ن ۱۹۵.

▣ **میر شمس‌الدین لاهیجانی**، لاهیجان با تاریخ ۱۰۱۷.

○ معماری ۸۲/۲.

▣ **میر صدرالدین**، یا بقعه کاشفیه در شهر دزفول روی تپه با نوشته‌هایی در روی کاشی که‌وی را از اولاد امام موسی کاظم می‌داند، قرن ۱۳.

○ د ش ۳۹۱.

▣ **میرعبدالواسع منزوی**، پهلوانی که در آخر عمر عارف و در کاشان منزوی شد و در همان جامرد. کاشان آرامگاه ملامحسن فیض.

○ تاکاشان ۴۳۶.

▣ **میرعبدالوهاب**، پیر نایینی و جد مشیرالدوله نایینی. نایین عمارت مصلی که توسط محمدشاه ساخته شده است.

○ تلاش ۱۷.

▣ **میرعبیدالله**، در شمال شاکوه. اورامانات کُردستان.

○ جغ ۴۰۵.

▣ **میرعلی حسینی هروی**، معروف به‌میرعلی سلطانی یا کاتب‌السلطانی، از معروفترین خوشنویسان که نسخ تعلیق وی معروف است. از جوانی به‌دستگاه سلطان حسین بایقرا راه یافت، سپس عبدالرحمان ازبک او را بازور به‌بخارا برد و وی سرانجام در آنجا به‌سال ۹۶۰ درگذشت و در فتح آباد بخارا به‌خاک سپرده شد.

○ تا ن ۴۶۳ + تا هنر ۸۸.

▣ **میرعماد** ← آرامگاه خواجه عماد.

▣ **میرعماد حسنی**، در مسجد مقصود بیک محله تکیه ظلمات اصفهان م ۱۰۲۴ با این رباعی:

«تا کلک تو در نوشتن اعجازنماست
برمعنی اگر لفظ کند ناز رواست
هردایرهٔ تو را فلک حلقه به‌گوش
هرمد تو را مدت ایام بهاست»

○ ل ۲۷۹۶ + خوش ۵۲۷.

▣ **میرعماد غلام شاهی**، میرفندرسکی. م ۱۳۲۴ خ امامزاده عبدالله ری.

○ خوش معاصر ۱۰۵.

▣ **میرفندرسکی**، ابوالقاسم فرزند میرزابیگ، اصفهان تخت فولاد تکیه میر.

○ د ت ۵۰.

▣ **میر قوام‌الدین مرعشی**، مؤسس سلسله‌ای از سادات که از ۷۶۰ـ۹۸۹ در مازندران حکومت کردند. آمل سبزه میدان در شمال شرقی شهر.

○ مازندرانس ۷۲.

▣ **میرمجدالدین**، اسماعیل باب‌الدشتی، اصفهان خیابان امام (شاه)
مسجد قطبیه، صفه شمالی با کتیبه مورخ ۹۵۵.

○ آ ص ۸۵۶.

▣ **میرمحمد حنفیه**، مقبره‌منسوب‌به‌وی‌درخارک‌با گنبدی‌مضرس مشابه با گنبد دانیال شوش وگنبدی دیگر نیمدایره وکوتاه درپشت‌آن ومقصورهٔ مقرنس کاری و کاشی‌پوش و هزاره داخلی با کاشیهای هشت‌پر با کتیبه‌ای در داخل بنا از اوایل سده ۸.

○ خارگ ۱۳۰ + ا ق ۳۲۱ + میرمحمد از ۷۴۰.

○ معماری ۹۷/۲ و ۱۲۸.

▣ **میرمحمد عباس**، ابن علی اکبر موسوی شوشتری لکهنوی (۱۲۲۴ـ۱۳۰۶) در حسینیه سید دلدار علی لکهنو.

○ فک مؤلفان ۶۴۳/۲.

▣ **میرمرتضی‌شریفی‌شیرازی**، نبیرهٔ‌میرسیدشریف گرگانی، دانشمندمعروف.خودوی نیزازدانشمندان سده دهم‌بوده بویژه‌درریاضیات وحکمت و منطق و کلام که به‌مکه و سپس به‌دَکَن رفت و در آگره مرد ۹۷۴. بدنش را در دهلی جوار مرقد نظام‌الدین به‌خاک سپردند و پس از چندی بازماندگانش آن استخوانها را به‌مشهد برده خاک کردند.

○ تا ن ۵۵۲.

▣ **میر معزالدین محمدفیضی اصفهانی**، عالم و دانشمند که شاه اسماعیل به‌وی منصب صدارت داد. م ۹۵۲ در راه حج در بصره مرد و در کربلا دفن شد. وی در شاعری نیز دست داشته است.

○ تا ن ۶۷۸.

▣ **میرنظام دستغیب شیرازی**، از شاعران نامی قرن ۱۱ که در ۱۰۲۹ درگذشته و در حافظیه به‌خاک سپرده شده است.

○ تا ن ۴۴۶.

ن

از آرامگاه نایینی تا آرامگاه آرامگاه‌سازی در ایران

▣ **نایینی** ← آرامگاه میرزا رفیعا.

▣ **نایینی حاج عبدالوهاب**، جد پیرنیاهای نایین که با اعانه اهدایی محمدشاه قاجار در باغ خاندان پیرنیا، بر سر گور حاج محمدحسن کوزه‌کُنانی

جانشین و شوهر نوه وی ساخته شد.
○ ر ج ۳۷۲/۳ + رجال ۴۴.

▣ **نایینی مشیرالملک،** میرزا محمدباقرخان منشی و مشاور ظل‌السلطان پیرو فرقه شیخیه باقری. م ۱۳۳۸ اصفهان، دفن در کربلا.
○ ر ج ۲۰۸/۶.

▣ **نایینی، میرزا محمدحسین** غروی (۱۲۷۷ـ۱۳۵۵) از اعاظم مراجع تقلید. نجف حجره جنوب شرقی صحن.
○ فک مؤلفان ۷۷۳/۲.

▣ **نادر،** در مشهد تقاطع خیابانهای نادری و شاهرضای سابق بنای اصلی در عصر خود وی ساخته شد و در عصر حکمرانی قوام‌السلطنه تعمیر شد. بناهای جدید را انجمن آثار ملی در (۱۳۳۶ـ۱۳۴۰ خ) برمبنای طرح ابوالحسن صدیقی همراه مجسمه‌ای که وی ساخته است پی افکند.
○ ف۲۳+ ساخته شده در ۱۳۳۳ـ۱۳۴۰ خ با تصویر از آرامگاه پیشین. + کارنامه ۲۱۳.

▣ **نادر،** بنایی، در سطح شاهکارهای جاودانی جهان، مجله امروز **Aujourd'hui** چاپ پاریس که مخصوص معرّفی شاهکارهای هنری و معماری جهان است در شماره ۲۵ خود این بنا و مجسمه‌ها را به‌تفصیل معرفی کرده و آن را از لحاظ صلابت و استواری و فن معماری مورد توجه قرار داده و آن را از ساختمانهای برجستهٔ عصر حاضر دانسته است.
○ کارنامه ۲۲۸.

▣ **نادر در نجف اشرف نیست،** سرجان ملکم در تاریخ خود می‌نویسد که آقامحمدخان استخوانهای نادر را نیز از جوار آستان قدس خارج کرده مانند استخوانهای کریم‌خان زند به‌تهران آورد و در کریاس خلوت کریم‌خانی دفن کرد. در فارسنامه نیز این مطلب تأیید شده ولی اضافه شده است که فتحعلیشاه استخوانهای نادر را خارج و به‌نجف فرستاد. انجمن آثار ملّی در ششم شهریور ۱۳۲۸ طی نامه‌ای این مطلب را به‌مجله یادگار که در این باب به‌فارسنامه استناد کرده بود نوشت. هنگام جابه‌جایی استخوانهای نادر نیز ثابت شد که آن استخوانها متعلق به‌شهریار افشار بوده‌است، بر مبنای نحوهٔ کشته شدن و زخمهای وی.
○ کارنامه ۲۳۵.

▣ **نادر، هزینه و اعتبار،** اعتبار ۵۵/۳۰۰/۰۰۰، هزینه ۵۵/۳۲۹/۰۰۰ هزینه ساختن پیکره وی در ایتالیا با احتساب حمل آن به‌ایران ۴/۳۰۴/۸۷۷ ریال.
○ کارنامه ۲۷۰.

▣ **نادر که خود وی ساخت،** در سال ۱۱۴۵ که نادر مقام سپهسالاری ایران را داشت و والی خراسان بود دستور دارد که برایش آرامگاهی بسازند بسیار عالی و محکم این بنا را آغا محمدخان قاجار در ۱۲۱۰ منهدم کرد و پس از آن آرامگاه و اراضی اطراف آن به‌مزبله تبدیل شد.
○ ر ج ۲۱۱/۴.

▣ **نادر و آرامگاه ناپلئون،** آرامگاه رضاشاه را مشابه با آرامگاه ناپلئون (سنگ گور وی) ساختند که خراب شد و از میان رفت. در حالی که بهتر بود گور نادر را مشابه با گور ناپلئون می‌ساختند، چه گوبینو مورخ فرانسوی مطلب جالبی را در این باب ارائه می‌کند: «سلطنت نادر در ایران عیناً نظیر سلطنت ناپلئون در فرانسه است، یعنی همان گونه که ناپلئون بر افتخارات سیاسی و نظامی فرانسه

افزود، نادر هم ایران را از تجزیه و افتراق نجات داد و در تاریخ جهانگیری باب جدیدی را گشود، اما عملیات هردونفر باعث فقر و تنگدستی رعیت و خرابی کشور شد.» مورخ دیگر شارل پیکِلت نیز نادر را با سرداران بزرگ تاریخ مقایسه و وی را برتر از همه می‌شمارد.

○ ر ج ۱۹۳/۴.

▣ **نازنین فرشته**، ابرقو گنبد علی، از قرن پنجم در آرامگاه شوهرش عمیدالدین شمس‌الدوله هزار اسب.

○ ا ق ۳.

▣ **ناصح بروجردی**، ناصح‌الممالک اسماعیل (۱۲۴۸ـ۱۳۲۲خ) مؤلف ناصح‌الاطفال از نخستین مؤسسان کودکستان در ایران در سال ۱۳۱۰خ مدفون در امامزاده حمزه.

○ فک مؤلفان ۶۱۵.

▣ **ناصرالحق**، آمل مازندران.

○ مازندرانس ۷۳ + فج ۲۵/۳.

▣ **ناصرالدین بطحایی**، قم از قرن ۱۲.

○ معماری ۷۸/۲.

▣ **ناصرالدین‌شاه**، که در سال ۱۳۱۳ سال پنجاهمین سلطنت در حرم حضرت عبدالعظیم کشته شد. اطاقی مخصوص در جوار حضرت عبدالعظیم.

○ تا ضف ۴۸۸.

▣ **ناصرالدین شاه**، یکی از پرماجراترین بناهای آرامگاهی ایران است، پس از کشته شدن وی با اجازهٔ علما، محل ممتازی را در کنار مزارحضرت عبدالعظیم برای این منظور درنظر گرفتند و سنگ عظیم یک پارچهٔ مرمرینی را در یزد فراهم آوردند که می‌بایستی به‌همت و در حقیقت شکنجه و بیگاری مردم دهات بین راه به‌تهران برسد. پدرم که در آن موقع ۱۴ ساله و مقیم نطنز بود تعریف می‌کرد که حاکم، نایب‌الحکومه و کدخدا و اعیان هر آبادی مجبور بودند که در دو طرف مسیر سنگ صف بکشند و کشاورزان به‌انتقال سنگ که با غلطاندن آن روی تیرهای چوبی صورت می‌گرفت مشارکت کنند، حال معلوم است که علاوه بر شکنجه تحمل سنگینی و فشار سنگ: چه لطمه‌هایی به‌آن مردم ساده‌دل بی‌گناه وارد آمد. آمار دقیقی از کشته شدگان و زخمیها در دست نیست، اماپدرم‌می‌گفت‌خود شنیده است که تعداد کشته‌شدگان عددی میان ۳۰ و ۵۰نفر بوده است.*

▣ **ناصرالدین کوسویی**، از مشایخ متصوف اهل کوسویهٔ هرات م ۸۲۸ مدفون درهرات حظیرهٔ امام فخرالدین رازی وی شعر عارفانه‌ای سروده است.

○ تا ن ۷۹۹.

▣ **ناصرالملک**، میرزا ابوالقاسم خان قراگوزلو در ۱۴ ذی‌قعده ۱۲۷۲ در تهران زاده شد، وی پسر احمدخان سرتیپ و نوه میرزا محمودخان ناصرالملک اول است، ناصرالملک موفق شد که در انگلستان تحصیل کند و در دانشگاه دوستانی همچون سرادواردگری‌بیابدوف توجه و اطمینان دولت بریتانیا را به‌خود جلب کند. وی از وزارت تا نیابت سلطنت، همیشه مشاغل مهم داشت و پیش از پایان کار نیابت سلطنت در اروپا مقیم شد و سرانجام در اردیبهشت ۱۳۰۶ به‌دعوت رضاشاه به‌ایران بازگشت و در خانهٔ کوچه برلن و قصر چالمرز خود استقرار یافت اما چندماه بعد در ۴ دی ۱۳۰۶ در تهران درگذشت و در آرامگاه پدربزرگش ناصرالملک اول در شهر ری، مقبره

خانوادگی به‌خاک سپرده شد.

○ رهبر ۱۴۳/۲.

▣ **ناصرخسرو علوی قبادیانی**، (۳۹۴-۴۸۱) ملقب به‌حجت، در قبادیان بلخ یا مرو زاده شد و در دره یمگان از جهان رخت بربست. وی از شاعران و دانشمندان بزرگ عصر خویش و از مبلغان بزرگ آیین شیعه (اسماعیلی) بوده است و دیوان اشعارش و چند کتاب دیگر که از وی به‌جای مانده، معرف شخصیت علمی و ادبی وی در تاریخ علوم و ادبیات ایران است. ولی شهرت وی بیشتر به‌خاطر سفرنامه وی است.

○ دیوان مقدمه + تا ن ۵۹.

▣ **ناظم‌الاسلام کرمانی**، میرزا محمدپسر علی محمد شریف کرمانی، زاده شده در کرمان، ۱۲۸۰، در بیست ونه سالگی برای تکمیل تحصیلات به‌تهران آمد و سپس به‌عراق رفت و در بازگشت مقیم تهران شد و با آقاسیدمحمد طباطبایی آشنایی یافت، آقا سیدمحمد وی را به‌نظامت مدرسه اسلام که تازه تأسیس کرده بود گماشت از این رو لقبش ناظم‌الاسلام شد، پس از انقلاب وی معلمی را رها کرد و وارد سیاست شد و به‌نوشتن تاریخ آن دوره، تحت عنوان تاریخ بیداری ایرانیان پرداخت. ناظم‌الاسلام مقامات حریری را هم به‌فارسی برگرداند که موفق به‌چاپ آن نشد وی در سال ۱۳۳۲ با شغل قضا به‌کرمان رفت و در اواخر صفر ۱۳۳۷ در آنجا درگذشت و در آرامگاه سیدعلویه کرمان به‌خاک سپرده شد.

○ تا بیداری مقدمه صفحه سی وچهار + از صبا ۱۱۸/۲.

▣ **ناظم الاطباء** ← آرامگاه میرزا عبدالباقی.

▣ **ناظم‌الاطباء، میرزا موسی خان**، فرزند سیدعقیل اصفهانی از پزشکان معروف اصفهان. م ۱۳۰۴، تخت فولاد اصفهان.

○ ر ج ۲۶۹/۶.

▣ **ناظم‌الدوله** ← آرامگاه میرزا ملکم خان.

▣ **ناظم‌الملک**، جهانگیر مرندی (۱۲۷۵-۱۳۵۲) حرم حضرت معصومه در قم.

○ فک مؤلفان ۴۴۷/۲.

▣ **نایب‌التوالیه عرب** ← آرامگاه آل ثابت.

▣ **نایب‌الولایه**، وحیدالاولیا، میرزا احمد تبریزی از اقطاب سلسلهٔ ذهبیه. م ۱۳۷۵ در ۸۹ سالگی شیراز، آرامگاه اختصاصی.

○ ز ۲۵۲/۲.

▣ **نبی اکرم(ص)**، رحلت روز دوشنبه دوم یا هفتم یا دوازدهم ربیع‌الاوّل سال ۲۳ هجری، مطابق شانزدهم اسفند از سال صدم پادشاهی کسری انوشیروان رخ داد. توسط علی(ع) و عباس عم پیامبر غسل داده شد و به‌قولی حضرت را در سه جامه پیچیدند سه روز بعد از وفات در اطاق عایشه به‌خاک سپردند.

○ التنبیه ۲۵۸.

▣ **نبی آقا موسوی** ایلخچی. متوفی ۸۱۰ در ایلخچی اسکو، آذربایجان.

○ آ ذ ۳۲۰.

▣ **نبی‌الله**، بقعه نبی‌الله در شوشتر با کاشی سردر که به‌روی آن نوشته شده: بسم‌الله الرحمن الرحیم بقعه نبی‌الله.

○ د ش ۷۴۸.

▣ **نجفقلی خان دنبلی**، پسر شهبازخان، صاحب تاریخ مآثر سلطانیه متخلص به‌مفتون، دولتمردی که از اهتمام‌کنندگان در ساختن بنای حضرت قائم

در تبریز است. مفتون در سال ۱۱۹۹ هنگام استحمام در گرمابه درگذشت، نعش او را به‌نجف برده در حرم حضرت علی(ع) به‌خاک سپردند.
○ ر ج ۳۳۴/۴.
▣ **نجم آبادی، مرتضی**، خوشنویس، م ۱۳۲۶خ در هفتاد سالگی، مقبره حاج شیخ هادی نجم آبادی.
○ خوش معاصر ۹۶.
▣ **نجم‌الدوله**، حاج میرزا عبدالغفار از اجلّه علمای ریاضی و نجوم فوت ۲۴ خرداد ۱۲۸۷، صفاییه قم.
○ روزشمار ۲۹ + ر ج ۲۷۴/۲ + نزدیک چشمه علی شهر ری تا ضف ۱۲۶۷ + یا ق ۲۵۳.
▣ **نجم‌الدین بنایی**، در قاقزن قزوین مشابه با آرامگاه حمدالله مستوفی.
○ آ ق ۱۹۹.
▣ **نجم‌الدین دایه**، نجم‌الدین ابوبکر عبدالله پسر محمد شاهور اسدی رازی، اهل ری که به‌خوارزم رفت و از مریدان نجم‌الدین کبرا شد تا ۶۱۸ که استادش در غوغای مغولی کشته شد، وی نیز از خراسان به‌سوی مغرب گریخت و سرانجام در قونیه به‌خدمت جلال‌الدین بلخی مولوی و صدرالدین قونیوی رسید و مدت ۳۶ سال در آن محل بسر برد و سرانجام در سال ۶۳۲ در ۹۳ سالگی در بغداد مرد و در محله وردیه بغداد به‌خاک سپرده شد وی پیشوای فرقهٔ معروف سهروردیه بوده است.
○ تا ن ۱۴۱ و (۳۷) + هنر و مردم شهریور ۱۳۴۶ + سیمرغ ۱۸۷.
▣ **نجم‌الدین زرکوب**، ابوبکر محمد فرزند مودود ظاهری، م ۷۱۲، گورستان کجیل.
○ تا ن ۱۷۶ + شیخ‌الاسلام مودود بن محمد م ۶۶۳ شیراز خانقاه خودش شیرازنامه ۱۲۰.
▣ **نجم‌الدین سمساری**، مزارش زیر قدم نظام‌الدین یحیی در سرخاب تبریز است، صوفی صاحب کرامت. م ۷۸۷ در عصر سلطان احمد جلایر.
○ کوی سرخاب ۲۰۵.
▣ **نجم‌الدین محمود** ← آرامگاه طبیب شیرازی.
▣ **نجم‌الملک**، آخوند ملاعلی محمد اصفهانی. عالم عصر قاجاریه. (م ۱۲۹۳ دارالسلام نجف).
○ ر ج ۴۸۲/۲.
▣ **نخجوانی**، صلاح‌الدین حسن بلغاری زاده شده در نخجوان در ۶۰۳ که چند سال اسیر بلغاریان بود و از نیروی بلغاری شد. مدتی نیز در کرمان بسر برد و سپس به‌تبریز رفت و سرانجام در ۶۷۲ یا ۶۹۸ در تبریز درگذشت و در محله سرخاب به‌خاک رفت. وی شاعری صوفی مآب بوده است که آثاری نیز برجای گذاشته است.
○ تا ن ۷۴۴.
▣ **نراقی، شهید آقاعلی**، پیشنماز کاشان از خاندان معروف نراقی، چون نایب حسین در کاشان ظلم و بیداد می‌کرد وی نامه‌ای به‌مرحوم مدرس نوشت، نامه به‌دست عین‌الدوله افتاد که خود با نایب حسین سر وسری داشت. وی آن را برای نایب حسینی به‌کاشان فرستاد شجاع لشکر پسر نایب حسین آقاعلی را به‌خانهٔ خود خواست و دیگر معلوم نشد که چه به‌سر وی آمد، کسروی در تاریخ مشروطه ۱۰/۲ می‌نویسد: «آقا علی نراقی در خانه نایب علی معروف به‌شجاع لشکر پسر نایب حسین، کشته شد و جسد او را برای نایب حسین به‌مزرعه دوک بردند و در آنجا به‌چاه افکندند. پس از پایان غائله جنازه را از چاه بیرون

آورده‌اند و در آرامگاه خاندان نراقی، مدرسهٔ آقابزرگ به‌خاک سپردند». استاد فقید نظام وفا دراین باره گفته است:

هزاروسیصد وسی ویک از جفای فلک
مهی‌فتاد به‌ناگاه در محاق زوال
علی سرآمد افراد عصر آزادی
که در شهامت و آزادگی نداشت همال
درآن زمان که به‌کاشان شهر شادی و قهر
نبود هیچ جز از محنت و بلا و وبال
به‌تیغ غدر و خیانت شهید گشت کسی
که‌غیرحق وحقیقت نداشت نقش خیال

○ کاشان با تصویر شهید آقاعلی ۳۱۱.

▣ **نراقی کاشانی،** آخوند ملا محمد جعفر، صاحب درجه اجتهاد از صاحب جواهر، متهّم به‌بهایی بودن، زندانی شدن در انبار (زندان دولتی) و فوت در اثر مسمومیت یا خفگی در ۱۲۸۶، تهران سر قبر آقا.

○ ر ج ۲۲۲/۶.

▣ **نراقی ملامهدی،** از مجتهدان معروف متولد نراق ۱۱۴۹ با آثار فراوان. وی پدر حاجی ملااحمد نراقی بوده است. م ۱۲۰۹ نجف.

○ ر ج ۳۰۲/۵.

▣ **نزاری قُهستانی،** حکیم سعدالدین فرزند جمیل‌الدین، حکیم و شاعر نامدار سده‌های ۷ و ۸ (۶۴۵ـ۷۲۰) متولد در فوراج از روستاهای بیرجند. مدفون در بیرجند ساختمان آرامگاه جدید از ۱۵ خرداد ۱۳۵۴ آغاز شد.

○ کارنامه ۶۵۳.

▣ **نزاری قهستانی، حکیم،** کاظم غنی.

○ فم ۴۱۷/۴.

▣ **نسیم شمال** ← آرامگاه اشرف‌الدین گیلانی.

▣ **نسیمی شیرازی،** نام درستش سیدعمادالدین یا نسیم‌الدین ابوسعید است، از مریدان شاه فضل‌الله نعیمی حروفی. به‌روایتی او را در حلب کشتند و پوستش را کندند، اما آرامگاه وی اکنون در زرقان شیراز وجود دارد و روایت نخستین را سُست می‌کند سال ۸۲۱.

○ تا ن ۷۸۹.

▣ **نصر، دکتر ولی‌الله خان** ← آرامگاه ولی‌الله خان نصر.

▣ **نصرآباد،** خانقاه و مدرسه‌ای در آبادی نصرآباد در مغرب اصفهان در راه نجف‌آباد که به‌عقیده اهل محل آرامگاه شیخ ابوالقاسم است. تاریخ بنا در کتیبه‌ها ۸۵۴ و ۸۵۷ است.

○ آثار ایران ۲۳۳/۴.

▣ **نصرالله خان،** پسر امیرخان سردار قاجار دولو برادر سرهنگ محمدخان سپهسالار، فوت در شیراز هنگام والی‌گری ۱۲۵۷، شهر ری بقعهٔ حضرت عبدالعظیم.

○ ر ج ۲۴۵/۴.

▣ **نصرالله‌خان نایینی** ← آرامگاه مشیرالدوله.

▣ **نصرالله خان نوری** ← آرامگاه آقاخان نوری، میرزا.

▣ **نصرالله طبیب،** از خطاطان معروف و شاگرد بلاواسطه یاقوت مستعصمی. شاگردان وی نیز خود خوشنویسانی به‌نام‌اند. وی اهل قندهار بوده است م ۷۰۲، مدفون در سرخاب تبریز.

○ کوی سرخاب ۲۳۰.

▣ **نصیرالدین طوسی، خواجه** ـ پدرش اهل ساوه بوده است و وی در طوس زاده شد (۱۱ جمادی‌الاول ۶۰۷.) حکیم و عالم و دولتمرد بزرگ معاصر با هولاگوخان و مشاور وی که موفق

شد هزاران کتاب را از شر کفر و جهل مغولان نجات دهد، با آثار فراوان. در ۱۸ ذی حجه ۶۷۲ مرد و در کاظمین به‌خاک رفت.
○ تا ن ۱۳۷ و تصویر خیالی وی از ابوالحسن صدیقی‌تان (۳۹).
▣ **نظام‌الدین**، در تربت حیدریه بنای سلجوقی.
○ معماری ۸۹/۲.
▣ **نظام‌الدین اولیاء**، در ۶۳۴ در قصبه بدایون هند زاده شد، نامش محمدبن احمد بخاری و لقبش سلطان‌المشایخ و سلطان الاولیاء بود و، جانشین فریدالدین گنج شکر. نظام‌الدین در سیزدهم ربیع آخر ۷۲۵ جان به‌جان‌آفرین داد و در دهلی به‌خاک سپرده شد، امروزه درگاه وی از مقدس‌ترین مکانهای شبه قاره‌ای است و در محوطه آرامگاه وی یک مجموعه بنای مهم تاریخی جای گرفته، از آن جمله است: مسجد جماعت‌خانه، که در همان سال فوت وی گنبدی به‌روی گورش ساختند و فیروز شاه تغلق، صندوقی از چوب صندل برای مزار او برپا کرد که قندیلها با زنجیر طلا از آن آویزان بود و از آن سال تا به‌بعد تا زمان شاه جهان مرتب بر آبادی و تکمیل بناهای بارگاه نظام‌الدین اهتمام شد. در روز هفدهم ربیع‌الثانی که سالگرد وفات اوست هرساله مجلس تذکر مفصلی که بدان عُرس گویند در کنار آرامگاهش برپا می‌شود.
○ نقش پارسی ۵۷ + آثار صنادید + تا ن ۲۱۸ + دهلی ۳۴.
▣ **نظام‌الدین کسروی**، صوفی بزرگ در کَدکَن نیشابور.
○ نقد حال ۳۳۲ + یادگار ۸/۳.
▣ **نظام‌الدین یحیی غوری**، از بزرگان صوفیه و عرفاست که در جوار بابامزید در سرخاب تبریز دفن شده م ۷۵۲ در عصر پادشاهی ملک اشرف پسر تیمورتاش بن امیر چوپان.
○ کوی سرخاب ۲۰۳ + آ ذ ۴۰۰.
▣ **نظام‌السلطنه اول**، حسینقلی خان مافی (۱۲۴۲-۱۳۲۶)، از ایل مافی یکی از خوشنام‌ترین و پاک‌ترین و خردمندترین دولتمردان سده‌های اخیر در ایران، که هیچ تهمت یا افترایی را با خود حمل نمی‌کند. شاید به‌علت استخوانداری خانوادگی و دانش پژوهی و فرهنگ‌پروری بی‌اندازه‌اش. وی در انجام فرایض مذهبی کوشا بود و در سیاست غرور و شخصیت ملی و مذهبی خود را نشان می‌داد و ضمناً ادیب و خوشنویس بود، فارسی و عربی و منطق و فقه و اصول را آموخته بود و نقشه‌برداری و جغرافیا را در دارالفنون یاد گرفته و مردی به‌تمام معنا ایران‌شناس وایران‌دوست بود. مهمترین خدمت وی تنظیم امور گمرکات جنوب بود و زندگیش نشیب و فراز بسیار داشت و در حکومت بختیاری با عمال انگلیس مقابله نمود و تا به‌جایی ترقی کرد که به‌ریاست و صدارت کشور نائل شد. سرانجام پنج ماه پس از مرگ تنها پسرش حسین خان؛ در ۲۲ سالگی از جهان رفت و در امامزاده عبدالله آرامگاه خانوادگی به‌خاک سپرده شد.
○ ر ج ۴۵۵ + رهبر ۹/۲.
▣ **نظام‌السلطنه دوم**، رضاقلی خان (۱۲۴۶خ - ۱۳۰۳خ) برادرزاده حسینقلی‌خان و پسر برهان‌الدوله حیدرقلی‌خان. میر پنج کشیک‌خانه سلطنتی وی از از ۱۲۹۵ بیگلربیگی و رییس دیوان عدالت بود. حیدرقلی خان برادر کوچک

نـظام‌الســلطنه اول بــود و چـون در ۱۲۹۹ در روسـتای جـرندق قـزوین مـقیم و مـنزوی شـد، سرپرستی رضاقلی‌خان را به‌حسینقلی خان واگذار کرد و آن عمو از برادرزاده مـردی را سـاخت کـه الحق جانشین امین و مطمئن وی شد. اگرچه در آغاز رضاقلی خان چون سایه دنبال عمو بود، اما به‌تدریج توانست از رجال صدیق و وطن‌پرست گردد که همانندش در تاریخ سده‌های اخیر بسیار کمیاب است. وی نیز مانند حسینقلی خان مردی دانشمند و ادیب و خـوشنویس بـود و تـا مـقام ریـاست وزرا تـرقی کـرد. نـظام‌السـلطنه دوم از ۱۳۱۰خ خانه‌نشین شد و سرانـجام شب جـمعه ۱۵ فـروردین ۱۳۰۳ بـه‌رحـمت خـدا رفت و در آرامگاه خانوادگی خود در امامزاده عبدالله به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۳۱/۲ + رهبر ۲۱۱/۲.

▣ **نظام‌السلطنه سوم**، محمدعلی‌خان مافی، فرزند ارشد رضاقلی خان که پس از تحصیل ادبـیات و علوم قدیمه و عربی در تهران، در ژنو و لنینگراد تا درجهٔ دکترا به‌تحصیل حـقوق پـرداخت و پس از مراجعت به‌ایران در خدمت پدر بود و مدتی وزیر خارجه وی شد. در عصر حکـومت پـهلوی اول خـانه‌نشین شـد و پس از آن در ۱۳۲۷ در کـابینه هژیر وزیر دادگسـتری گـردید. مـیرزا مـحمدعلی خان چند دوره وکیل و سه دوره سناتور انتصابی و انـتخابی شـد و سـرانـجام در پـنجم آبـان مـاه ۱۳۵۸ در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله در آرامگاه خانوادگی به‌خاک سـپرده شـد. مـرحـوم نظام‌السلطنه مردی متواضع و فـرهنگ‌دوست و بسیار خوش‌زبان و مهربان بود و مـن در هـنگام دبیری در آبادان برای تهیه کتاب کوچک از شوشتر تا آبادان به‌ایشان مراجعه کردم و در نهایت لطف به‌بنده در این بـاب کـمک فـرمود و تـصویری از نظام‌السلطنه اول به‌من داد که در آن کتاب گنجانده شده است.

○ رهبر ۲۱۸ + ر ج.

▣ **نظام‌العلماء حاج سیدعبدالعزیز وزیری غروی**، (۱۳۰۱-۱۳۹۶) فرزند حـاج مـیرزا مـحمدحسین مدرسه‌ای نطنزی عالم روحانی مـؤسس و مـدیر اولین مدرسه جدید در نطنز که در سال نـخست جنگ جهانی اول بر مبنای یک نـقشه جـهان‌نما به‌زبان فرانسه اولین کره جـغرافـیایی جـدید را در ایران سـاخت و بـه‌تدوین چـند کـتاب جـغرافـیا مبادرت کرد که همانند چند اثر تاریخی دینی وی طبع و نشـر نشـده، پـدر نـویسنده و مـدفون در امامزاده یحیی مزدآباد نطنز.*

▣ **نظام الملک طوسی**، خواجه، معروفترین وزیر ایران در سراسر تاریخ اسلامی که مدت سـی‌سال وزارت آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی را داشت و امـپراتـوری وسـیعی را بـر الگـوی دولتـهای ساسانی و عباسی در ایران بزرگ تأسیس و اداره کـرد و سـرانـجام در ۴۸۵ تـوسط یک فـدایی اسماعیلی در نزدیک نهاوند کشته شد. اثر ادبـی مهم وی سـیرالمـلوک یـا سیاست‌نامه است کـه دستورالعمل حکومتگری اسلامی است. آرامگـاه وی در اصفهان است در محله دارالبطیخ بنای آل بویه سلجوقی.

○ معماری ۷۷/۲ و ۱۰۵. + انـجمن ۱۹ + آ ص ۷۸۹ + تان (۲۳).

▣ **نظام الملک نوری**، عبدالوهاب‌خان نوه مـیرزا آقاخان نوری از دولتمردان عصر ناصری پای چـنار گلندوک.

○ ر ج ۳۲۳/۲ + تصویر در ایران و جنگ بزرگ ۱۴۰.

▣ **نظامی گنجوی**، نظام‌الدین الیاس فرزند یوسف، یکی از معروفترین شاعران زبان فارسی، زاده شده در گنجه (که بعد از انقلاب ۱۹۱۷، هاکیراُف‌آباد نام گرفت) به‌سال ۵۴۰. برخی نیز وی را از روستای تا نزدیک تفرش دانسته‌اند. از وی آثار مهمی برجای مانده است که از همه مهمتر خمسه یا پنج گنج است. تاریخ مرگ او درست معلوم نیست از ۵۷۶ تا ۶۰۶، آرامگاهش در گنجه آذربایجان است.

○ تا ن ۱۰۴ + تا در ۷۹۸/۲.

▣ **نظامی گنجوی**، در شهر گنجه که در عصر روسها الیزابت پُل یا یلیزابت پُل شده بود با این هوّیت: شیخ نظامی گنجعلی ایلیاس یوسف اوغلی به‌خط روسی و زبان ترکی، این نظر استاد باستانی است امّا خط روسی نیست و لاتین است و یادگار آن دوران کوتاه حکومت خودمختار آذربایجان پیش از تسلّط بلشویکها، عصر تسلط بریتانیا و عواملشان است در قفقاز.

○ شاهنامه آخرش ۹۵.

▣ (مدفن) **نظامی**، میرعباس میرباقرزاده.

○ فم ۴۱۶/۴.

▣ **نظیری نیشابوری**، حاج ملامحمدحسین از معروفترین غزل‌سرایان دربار اکبر در هندوستان بوده است که در جوانی از نیشابور به‌آن دیار سفر کرد. نظیری در آخر عمر به‌حج رفت و پس از بازگشت در احمدآباد گجرات ساکن شد. م ۱۰۲۳ در احمدآباد گجرات، آرامگاهش در تاج پوره احمد آباد است که زیارتگاه شد. وی در دربار اکبر تخلص نظیری داشت و چون نظیری دیگری هم در آن زمان در هند بود با پرداخت ۱۰۰۰ روپیه رقیب را مجبور ساخت که تخلص خود را نظیر کند و وی نظیری بماند.

○ تا ن ۴۲۹.

▣ **نعمت‌الله ولی** ← آرامگاه شاه نعمت‌الله.

▣ **نعیم، عزیزالله (حاجی)**، رییس یهودیان تهران که با مسلمانها خیلی گرم می‌گرفت ودو روز پیش از فوت خودش برای آقاسیدابوالحسن صدراصفهانی مجلس ختم در معبد یهودیان گذاشت.نعیم در ۲۴ آبان ۱۳۲۵ مرد.

○ یا ق ۲۵۴ + مدفون در قبرستان یهودیان تهران + ت نفیسی.

▣ **نقاره خانه**، برج نقاره‌خانه ← آرامگاه اینانج.

▣ **نقوی ونکی، سیدمحمد**، عالم و روحانی بزرگ طرفدار شهید شیخ فضل‌الله م ۱۳۵۲ رواق حضرت موسی مبرقع قم.

○ ز ۲۷۵/۲.

▣ **نوائی** ← آرامگاه امیرعلیشیر نوائی.

▣ **نواب شیرازی**، حاجی اکبر یا علی‌اکبر متولد ۱۱۸۷ در شیراز مجتهد و ادیب و شاعر. م ۱۲۶۳، شیراز امامزاده سیدمیر محمد.

○ ر ج ۱۶۶/۶.

▣ **نواب صمصام‌الدوله**، شاهنواز خان (۱۱۱۱-۱۱۷۱) شاعر و مؤلف مآثرالامرا اورنگ آباد آرامگاه خانوادگی.

○ فک مؤلفان ۳۹۹/۲.

▣ **نواب عضدالدوله**، جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجو مؤلف فرهنگ جهانگیری م ۱۰۳۵ آگرا.

○ تا ن ۳۹۷.

▣ **نورالدین ولی**، صوفی مقیم کشمیر معروف

بەریشی و مؤسس سلسله ریشیه در کشمیر، متولد ۷۷۹ فوت ۸۴۳ مدفون در چرار شریف کشمیر، معاصر با سلطان زین‌العابدین.

○ هنر و مردم ۷۳ بهمن و اسفند ۱۳۵۰.

▣ **نوراللّه اصفهانی، حاج آقا** ← آرامگاه حاج آقانوراللّه.

▣ **نورعلیشاه**، حاجی علی، پسر بزرگ سلطانعلی گنابادی زاده شده در ۱۲۸۸ در بیدخت. در ۲۶ سالگی خلیفه پدر شد و در ۳۹ سالگی جانشین وی، در ۱۳۳۷ مسموم شد و در امامزاده حمزه جنب حضرت عبدالعظیم مقبره طاووس‌العرفا محمدکاظم اصفهانی به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۱۶۱/۵.

▣ **نوری، آخوند ملاعلی**، فرزند جمشید مازندرانی عالم روحانی و شاعر مقیم اصفهان. م ۱۲۴۶، نجف.

○ ر ج ۱۵۵/۶.

▣ **نوری**، حاج شیخ عبدالنبی از عالمان و روحانیان نامدار تهران. م ۱۳۴۴ مدفون در آرامگاه ناصرالدین شاه.

○ تاریخچه ۷۹.

▣ **نوری، میرزا مهدی** ← آرامگاه میرزامهدی نوری.

▣ **نوری اصفهانی**، حاج میرزا محمدتقی، م ۱۳۲۹ تکیه باباركن‌الدین تخت فولاد اصفهان.

○ رجا ۳۱۷.

▣ **نویدی کلنگ**، از مردم بلخ شاعر لطیفه‌سرای، م ۹۷۰ آرامگاهش در بازارچه بلخ در مشرق مزار مولانا محمدامین زاهد.

○ تا ۵۷۰.

▣ **نیر**، میرزا محمدتقی مشهور به‌حجت‌الاسلام پسر دوّم ملامحمد ممقانی متولد ۱۲۴۸ در تبریز. م ۱۳۱۲ در تبریز. مدفون در نجف.

○ ر ج ۳۲۵/۳.

▣ **نیرالدوله، پرویز میرزا**، پسر پنجاه‌و سوم فتحعلی شاه، حکمران برخی شهرهای خراسان. م ۱۳۰۵ حرم مطهر حضرت رضا(ع)، مشهد.

○ ر ج ۲۰۱.

▣ **نیرالسلطان نوایی**، مصطفی خان پسر حسن خان، در ۱۳۰۰ خ در دولت قوام وزیر فواید عامه بود. م ۱۳۲۰ خ قم صحن امین‌السلطان.

○ ر ج ۳۴۸/۳.

▣ **نیریزی، سیداحمد**، خوشنویس معروف قرن دوازدهم. محله سادات نیریز در جنوب امامزاده میرشهاب‌الدین احمد، آغاز ساختن آرامگاه جدید در ۱۳۵۴.

○ کارنامه ۶۲۶.

▣ **نیشابوری، لطف‌اللّه**، از شاعران سده هشتم مقیم نیشابور و مُعاصر و مداح امیر تیمور و پسرش میرانشاه، م ۸۱۰ یا ۸۱۶ در قریه اسفریس که امروز قدمگاه نام دارد.

○ تا ن ۲۱۰.

▣ **نیشابوری، سلیم خوشنویس**، اصلاً حبشی، مقیم مشهد، م ۹۹۰ مشهد.

○ خوش ۲۸۳.

▣ **نیما یوشیج**، در تهران بود در سال ۱۳۷۲ به‌یوش زادگاهش در نور برده شد.

○ روزنامه‌ها و صدا و سیما.*

و

از آرامگاه و آرامگاه سازی در ایران تا آرامگاه هاتف اصفهانی

◻ **آرامگاه و آرامگاهسازی در ایران**، با ظهور صفویه دچار انحطاط شد اما اثرات این سبک معماری در همین عصر به‌خارج از فلات ایران راه یافت و قلمرو امپراطوری عثمانی و پهنه گستردهٔ شبه‌قاره هند جولانگاه این سبک معماری شد.

○ معماری ۲۵.

◻ **واعظ کاشفی** ← آرامگاه کاشفی.

◻ **واعظ کجوری**، حاج ملامحمد باقر، واعظ و فاضل معروف و محبوب در عصر ناصری. م ۱۳۱۳، مشهد آرامگاه شیخ بهایی.

○ فک مؤلفان ۱۶/۲.

◻ **واعظ همدانی**، حاج میرزا، خطیب و نویسنده. م ۱۳۵۰ تهران حضرت عبدالعظیم.

○ یا ق ۱۸۵/۸.

◻ **واله**، آقا محمد کاظم شاعر و خوشنویس. م ۱۲۲۹ اصفهان خیابان فیض تکیه والهیه.

○ آ ص ۸۶۱ + ل ۲۷۹۸ + خوش ۲۶۵.

◻ **والی** ← آرامگاه قاسم خان والی.

◻ **وثوق‌الدوله**، میرزا حسن خان وثوق، فرزند میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه فرزند میرزا محمدخان قوام‌الدوله آشتیانی از مستوفیان دوران ناصری بوده است. میرزا حسن خان در ربیع‌اول ۱۲۹۲ در تهران زاده شد، مادرش خواهر میرزا علی خان امین‌الدوله بود. وثوق‌الدوله با تحصیلات خوبی که کرد موفق شد که به‌مقامات عالی و صدارت برسد و سرانجام با قبول کارگردانی قرارداد ۱۹۱۹ دچار ورشکستگی سیاسی شد، اگر چه در عصر پهلوی اول نیز یک بار وزیر شد و دو دوره بر وکالت مجلس رسید. آخرین سمت مهم وی ریاست فرهنگستان بود در بدو تأسیس که در آن هم دوام و بقایی حاصل نشد و به‌واسطه انتقاد از رژیم در لفافه، ناگزیر شد که از ایران برود. از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۱ در پاریس ماند و پس از بازگشت به‌ایران نیز موفقیتی نصیب وی نشد و در ملک خود در خاور تهران به‌نام سلیمانیه منزوی بود، تا اینکه در بهمن ۱۳۲۹ مرد و در آرامگاه خانوادگی در قم، حضرت معصومه به‌خاک سپرده شد. گرفتن شناسنامه در زمان وی و به‌ابتکار نصرت‌الدوله معمول شد و اولین شناسنامه به‌نام خود وی صادر شد.

○ رهبر ۴۵۱ + رج ۳۵۲.

◻ **وجیه‌الله میرزا**، زاده شده در ۱۲۷۱ پسر احمد میرزا معروف به‌مجول پسر چهل و هشتم فتحعلیشاه، از رجال بدنام عصر قاجاریه. باغ سپهسالار به‌نام وی است که می‌خواست در آن بیمارستان بسازد ولی بیمارستان را در یوسف‌آباد ساخت. احمد میرزا در سال ۱۳۲۲ با ۵۱ سال سن در تهران مُرد. باغ جیران حضرت عبدالعظیم آرامگاه اختصاصی.

○ ر ج ۴۰۵/۴ + رجال ناصری ۸۳.

◻ **وحدت کرمانشاهی**، طهماسب‌قلی پسر رستم (۱۲۴۱-۱۳۱۱) شاعر. ابن بابویه شهر ری.

○ تاضف ۱۹۴.

▣ **وحشی بافقی**، تا قصر فتحعلی‌شاه در یزد، برج پنج، اکنون نامعلوم، از وی بنای یادبودی در پارک شهر یزد وجود دارد.

○ ی ۶۱ + در ۹۹۱.

▣ **وحید دستگردی اصفهانی**، تهران امامزاده عبدالله.

○ تا ج ۱۳۵.

▣ **وزیر**، میرزا عیسی تفرشی ← آرامگاه میرزاعیسی وزیر.

▣ **وزیر**، میرزا موسی مستوفی تفرشی، زاده شده در ۱۱۹۸، پدر میرزا عیسی. وی در ۱۲۸۲ در ۸۴ سالگی در تهران مرد و در کربلا، مشرق صحن حضرت امام حسین(ع) در مقبره وسیع و مجللی که خود بنا کرده بود دفن شد.

○ رج ۱۶۴/۴.

▣ **وزیر نظام**، میرزا حسن خان برادر کهتر میرزا تقی‌خان، نایب وزیر نظام در عصر وزیر نظامی برادرش و وزیر نظام در عصر صدارت برادر، مأمور اجرای حکم اعدام باب و از سرکردگان قوای دولتی در جنگهای زنجان با بابی‌ها. م ۱۳۷۶ در اراک، مدفون در کربلا نزد برادر.

○ رج ۳۵۳.

▣ **وصاف**، مؤلف تاریخ وصاف در قبرستان شمالی آرامگاه حافظ م. یکتایی.

○ اق ۳۸۴.

▣ (خاندان) **وصال**، شیراز بقعه سید میراحمد، حضرت شاه چراغ ※.

▣ **وصال**، محمد شفیع (۱۱۹۷-۱۲۶۳) مشهور به‌میرزا کوچک، فرزند محمد اسماعیل که در شیراز زاده شد، شاعر و هنرمند. شش پسر وی نیز همه هنرمند و شاعر و خوشنویس بودند. وصال در شیراز درگذشت و در بقعهٔ سیدمیراحمد نزدیک گور مرشدش میرزا ابوالقاسم سکوت به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۲۳۸/۶ + سبک شعر در عصر قاجاریه + از صبا ۳۲.

▣ **وفایی**، شیخ زین‌الدین خوافی ـ شاعری که نخست در خدمت بابر بود و مقام صدارت داشت و در آگره مدرسه و مسجد ساخت. م ۹۴۰، در مدرسه خود وی به‌خاک سپرده شده.

○ تا ن ۴۱۱.

▣ **وقار**، احمد فرزند میرزا کوچک وصال (۱۲۳۲-۱۲۹۸)، عالم و حکیم و خوشنویس که سفری به‌هند نیز رفت و در شیراز فوت کرد و در جوار سید میراحمد شاه چراغ در آرامگاه پدرش به‌خاک سپرده شد.

○ فک مؤلفان ۴۹۳ + تا صنف ۱۰۳.

▣ **وقایع نگار خورموجی** ← آرامگاه محمد جعفر خورموجی.

▣ **وکیل، سیدهاشم**، متولد ۱۲۶۵ در قم، وکیل دعاوی و دولتمرد متمول و وکیل مجلس، فوت در ۸۳ سالگی ۳۰ خرداد ۱۳۴۸، در تهران، امامزاده حمزه.

○ رج ۳۲۸/۵.

▣ **وکیل‌الملک** ← آرامگاه عبدالحسین خان.

▣ **وکیل لشکر**، میرزا مصطفی لشکرنویس که بعدها امیرالدوله هم شد. م ۱۲۸۰ کربلا، حرم حضرت امام حسین(ع).

○ رج ۲۲۰/۵.

▣ **ولی‌الله خان نصر، دکتر** ـ فرزند نصیرالاطبا کاشانی (۱۲۵۵-۱۳۲۴خ) فارغ‌التحصیل طب از

دارالفنون، فرهنگی و هنرشناس که در پیاده‌رو زیر دوچرخه رفت و چندماه بعد مرد. امامزاده عبدالله، شهر ری.

○ ر ج ۳۲۵/۵ با تصویر.

⊡ **ولی قلندر**، مولانا ـ از شاعران خراسان در سده نهم. م ۸۹۶ مدفون در شیراز.

○ تا ن ۲۰۶.

⊡ **وهسودان و مملان**، مقبره امیر وهسودان و امیرمملان سرداران عصر قائم که در مرقد علی بن مجاهد پسر زید، نوادهٔ حضرت سیدالشهدا(ع) مدفون‌اند.

○ آ ذ ۴۶۰.

⊡ **ویس**، محمدامین اویسی یا میربابا فرزند سیدحسین بهمنی برادرزن زین‌العابدین سلطان کشمیر، سده نهم. دولتمرد و شاعر پارسی‌سرای کشمیر آرامگاه وی در محله عالی کدل کنار رود جهلم در سری‌نگر است.

○ پارسی کشمیر ۱ با تصویر.

ه

از آرامگاه هاتف اصفهانی تا آرامگاه یوسف گردیزی

⊡ **ها مقاله**، از ربرت هیلمن ترجمه کرامت‌الله افسر.

○ معماری ۲۳ (عنوان اصلی مقاله مقابر است).

⊡ **هاتف اصفهانی**، سیداحمد که اصالتاً اردوبادی است و پدر زنش از آذربایجان به‌اصفهان آمده ساکن شده‌اند و وی در نیمه اول سده دوازدهم در اصفهان به‌دنیا آمده است. هاتف از شاگردان و از پیشگامان نهضت ادبی بوده است و دیوانش حدود ۲۰۰۰ بیت است. سید احمد هاتف بیشتر در شهرهای اصفهان و کاشان بسر می‌برد و در سال ۱۲۲۳ در قم به‌رحمت خدا رفت و به‌خاک سپرده شد.

○ اقبال، عباس ۳۱۳ + م ۱۱۹۸ قم صحن حضرت معصومه. آ ص ۱۸۰.

⊡ **هاتفی**، حاج شیخ هادی هادوی عالم و مجتهد معروف بیرجند متولد ۱۲۷۷ در گورستان عمومی بیرجند، آغاز تعمیرات ۱۳۵۴.

○ کارنامه ۶۵۷.

⊡ **هاتفی جامی**، مولانا عبدالله از شاعران نامی اواخر سده نهم خواهرزاده عبدالرحمن جامی مدفون در باغ خودش در خرجود خراسان فوت محرم ۹۲۷.

○ تا ن ۳۱۴.

⊡ **ها در دایره‌المعارف تشیع**، یا بیش‌ازهزار آستانه و آرامگاه و بقعه و مزار بیش از هر منبع دیگر.

○ د ت ۲۳.

⊡ **هادی تهرانی (شیخ)**، اصولی معروف. م ۱۳۲۱ نجف.

○ یا ق ۲۶۰. + ذریعه ۱۲۲.

⊡ **هادی نجم آبادی** ← آرامگاه آقا شیخ هادی نجم آبادی.

⊡ **هادی و مهدی** جمکران قم، قاجاریه.

○ معماری ۷۹/۲.

⊡ **هارون‌الرشید عباسی**، سناباد در طوس

خراسان ۱۹۲.
○ التنبیه ۳۲۷.
▣ **هارون فرزند موسی بن جعفر یا امامزاده پنجه شاه**، در کاشان، سلجوقی.
○ چهره ایران ۱۱۴.
▣ **هارون، ولایت** در اصفهان نزدیک منار مسجدعلی، آرامگاه هارون ولایت را مسلمانان و مسیحیان و یهودیان از خود می‌دانند و تاکنون درست معلوم نشده که این هارون چه کسی است قدیمترین تاریخ موجود در بنا ۹۱۸ است و به‌احتمال قوی بنا روی گور یکی از پسران حضرت امام موسی کاظم بنا شده است، اصفهان میدان کهنه.
○ آثار ایران ۲۴۶/۴ و آثار ۲ـ۱/۶۳ + آص ۷۷۷ + معماری ۹۰/۲ + هنر ۴۷۸/۸.
▣ **هارونیه**، تقلیدی استوار از گنبد و بارگاه سنجر در آسیای مرکزی، منسوب به‌غزالی واقع در طوس.
○ ایران یک ۱۵۰ + معماری ۸۹/۲ و ۱۳۰.
▣ **هارونیه**، بقعه هارونیه. مولوی، عبدالحمید.
○ فم ۲۳۵/۴.
▣ **ها و بناهای یادبودکشتگان راه آزادی** در تبریز.
○ آ ذ ۱۸۴.
▣ **ها و خانقاهها و برجها و منارەهای تاریخی**، (دوران اسلامی) در ایران که تاکنون مورد اطلاع است. جمعاً ۷۱ بنا.
○ آ ط ۳۳۲.
▣ **ها و دخمه‌های سنگی**، در نواحی سیراف، درهٔ سیر و درهٔ شیلو، گورستانهای متعدد حاوی دخمه‌های سنگی.
○ سیراف ۱۱۴،و تصویرهای شماره ۴۶ تا ۵۵.
▣ **ها و طرحهای مقایسه‌ای آنها**،
○ معماری ۳۶.
▣ **ها و قبور هفت تپه**، دکتر عزت‌الله نگهبان.
○ فرهنگ ایران زمین ۲۶.
▣ **ها و مقبره‌های مهم در ایران**،
○ تا مهندسی ۱۸۰.
▣ **ها و مقبره‌هایی** که در اصفهان وجود داشته و اکنون از میان رفته و اسمی از آن باقی است.
○ آ ص ۱۹.
▣ **ها و مقبره‌ها و مزارات نیشابور از قرار** نوشته ابوعبدالله الحاکم در کتاب.مشایخ نیشابور.
○ آ خ ۱۲۸.
▣ **های اسماعیل آقا قلعه‌سی** در ارومیه، قریه اسماعیل آقا، صفویه.
○ معماری ۸۴.
▣ **های اسماعیل آباد**، قزوین.
○ آ ق ۱۶ و ۲۴.
▣ **های اشکانی**، در جاده هروآباد اردبیل که مورد دستبرد قرار گرفته است.
○ آ ذ ۵۱۹/۲ و ۳۵۶.
▣ **های اشکانی**، در جاده هروآباد اردبیل که مورد دستبرد قرار گرفته است.
○ آ ذ ۵۱۹/۲ و ۳۵۶.
▣ **های اقطاب**، و عارفان مدفون در طالش را تربه که مخفف تربت است می‌گویند. از تربه امام سلطان محمودشاه دینوری تا تربه سیدنیکی.
○ آ س ۳۹ تا ۴۸.
▣ **های انفرادی**، و دسته‌جمعی اشکانیان با تصویرها.
○ ری ۳۷۰.
▣ **های باستانی**، در نزدیکی بندر طاهری و در

شمال غربی آن، گورهای کنده شده در سنگ که چون دارای جهت شرقی غربی است متعلق به‌مسلمان است.

○ ا ق ۴۸۱.

▣ **های باستانی ری**، برمبنای سنتهای گوناگون، زرتشتی، اشکانی، ساسانی و اسلامی که در اعصار پیش از اسلامی برمبنای نهادن در دخمه سرپوشیده یا باز بوده و در قسمت اسلامی دفن در گورهای انفرادی.

○ ری ۳۶۶.

▣ **های باستانی در دهستان**، کلخوران اردبیل.

○ آ ذ ۳۳۸/۲.

▣ **های باستانی**، در کوهستان جزیرهٔ خارگ.

○ ا ق ۱۴۶ مصور و ۳۲۲.

▣ **های باستانی**، در کوهستان خفر فارس.

○ ا ق ۸۶.

▣ **های بزرگان**، خانقاهها.

○ آ ط ۴۳۷.

▣ **های بزرگان**، در کازرون.

○ آ ق ۱۱۰.

▣ **های پادشاهان ساسانی**، در ری و حوالی آن، نویسنده ری باستان نوشته است که از میان شاهان ساسانی، استخوان هرمز پسر یزدگرد دوم و سه تن از خاندان او در ری نهاده شده است و پس از بحث درباب روایات عربی دربارهٔ این آرامگاهها می‌نویسد: آیا نمی‌توان دخمهٔ هرمز و خاندان وی را همان آرامگاه بی‌بی شهربانو دانست. روایتی نیز هست که محل فوت ودفن قباد را ری می‌نویسد.

○ ری ۳۸۰.

▣ **های پالمیرایی**، در جزیره خارگ، به‌علت اینکه خارگ سر راه کشتیهای اجاره‌ای متعلق به‌پالمیرها قرار داشت این ترتیب آرامگاه‌سازی در این جزیره معمول شده و دو دخمه بزرگ آن فعلاً موجود است که در یکی نقش مردی خوابیده را ارائه می‌کند.

○ آ ش ۸۵۵.

▣ **های تاریخی در حومه اصفهان**، ۱۲ بنا.

○ آ ص ۸۱۴.

▣ **های تبریز**، مقابر تبریز.

○ آ ذ ۳۹۱.

▣ **های جلکون**، درگتوند شوشتر، بقعه‌های علی ولی و قبنرعلی و چند آرامگاه دیگر.

○ د ش ۷۶۷.

▣ **های چغازنبیل**، در هفت تپه خوزستان، در زیگورات چغازنبیل آثاری دال بر آرامگاه بودن به‌دست آمده و دیودور سیسیلی هم در کتابش از آرامگاه شوهر ملکه سمیرامیس نام برده است، احتمالاً این بنا معبد ـ آرامگاه است.

○ د ش ۱۶۴.

▣ **هـای خـارگ**، مقبره‌های خارگ به‌نامهای: میرمحمد حنفیه، نک زن، ابوبکر، علمدار، دیده‌بان و دودخمهٔ کنده شده در سنگ.

○ خارگ ۱۳۱.

▣ **های خارگ**، گورستانهای گوناگون از اقوام مختلف در ادوار تاریخی و پیش از آن.

○ خارک ۱۳۱.

▣ **های خرقان**، برجهای دوگانه در یک کیلومتری آبادی حصار قوشه امام یا حصار ارمنی، یکی از برجها از برج دیگر قدیم‌تر است، هر دو از قرن پنجم، آجری با تزیینات داخلی و نوشته‌ها.

○ آ ق ۳۱۵ + ایران یک ۸۲..

▣ **های دزفول**، درکتاب اشعار محلی خوزستان

چـاپ ۱۳۴۹ بـالهجهٔ محلی دزفـولی، تـألیف ملامحمد تقی ناهیدی دزفولی.
○ د ش ۴۵۴.
◫ **هـای دسـته‌جمعی نـطنز**، دخـمه زیـر رواق سیدواقف.
○ ت حاج سیدعبدالحمید اعظم واقفی
◫ **های دورافتاده**، از آبـادیهای خـرقان، یـادآور تأثیر و نفوذ خـاکسپاری تـرکان آسـیای مـرکزی است.
○ معماری ۲۷.
◫ **های دوران اسلامی**،
○ آ ط ۳۳۲.
◫ **دوگانه رامند قزوین**، امامزاده صالح و امامزاده سلیمان از سده ششم.
○ آ ق ۳۸۱.
◫ **های دیـلمیان**، در ری و وجـود پـارچـه‌های زربفت در این آرامگاهها، از جمله پارچـه‌های بـا نقش انسانی که بال دارد و به‌روی عـقابی سـوار به‌آسمان می‌رود، بسیار پرمعناست.
○ ری ۳۷۵ + آ ط ۱۳۹۱.
◫ **های دیواری**، در جزیره خارگ،
○ خارگ تصویر ۱۲.
◫ **هـای زردشـتی**، در اطـراف سیوند فـارس، استودانها با نوشته‌های پهلوی. استودانـها مـحل سپردن استخوان مرده‌ها بوده است.
○ ا ق ۱۷.
◫ **های ساسانی**، استودانهای زرتشتی در اقلید.
○ آ ق ۲.
◫ **هـای، سـلجوقیان** در ری، در اطـراف بـرج نقاره‌خانه.
○ آ ط ۱۳۹.
◫ **های سنگی**، شاه‌کوه
○ آ ق ۲۴۷ در شـاه کـوه در آن سـوی شـاهرود تصویرها سیراف. + سیراف.
◫ **های سنگی جزیره خارک**، احتمالاً از اواخـر عصر ساسانی و شاید پس از این، در گور مـردان چـیزی نـهاده نشـده بـوده ولی در گـور زنـان شیشه‌های عطر و اشیای تزیینی ارزان‌قیمت یافت شده است.
○ آ ش ۸۷۱ + خارک ۷۳ و ۷۴.
◫ **های سنگی سیراف**،
○ آ ش ۲۵۳.
◫ **های سنگی سیراف** و مقایسهٔ آن با انواع مشابه آن در سواحل خلیج فـارس و مـقایسه بـا انـواع مشابه در میمند و تخت جمشید.
○ سیراف ۱۱۷ و ۱۷۳.
◫ **های سنگی عظیم**، در بلندیهای شمالی دره لیل سیراف.
○ آ ش ۳۷۳.
◫ **های سنگی** کلخوران اردبیل.
○ آ ذ ۳۳۰/۲.
◫ **هـای سـنگی** (بـرجـهای سـنگی)، شـمیران سفیدرود و رابطه آن با بنای استودانهای ساسانی، پـرویز ورجـاوند مـجله بـاستان‌شناسی و هـنر تابستان ۱۳۴۸.
○ آ ق ۱۲۹.
◫ **های سنگی سیراف** و مقایسه آن، انواع مشابه در میمند و تخت جمشید.
○ سیراف ۱۷۳.
◫ **هـای شـاودار سـمرقند**، مـزارات عـده‌ای از اولیاءالله از جمله خواجه زکریا، خواجه ابوالقاسم تبریزی، سـید نـعمت‌الله ولی تـبریزی و عـده‌ای

دیگر، شاودار در هفت فرسنگی سمرقند است.

○ قندیه ۱۳۹.

▣ **های شاهان پس از اسلام در ری**، مرداویج زیاری، فخرالدوله دیلمی و پسرش مجدالدوله، طغرل اول سلجوقی و طغرل سوم از قرار نوشته ابن اثیر.

○ ری ۳۸۲.

▣ **های شخصیتهای بزرگ** اسلامی در ری با نقشه.

○ ری ۳۸۳.

▣ **های شوشتر**، مقابر شوشتر از ایلامی و زرتشتی و ساسانی و اسلامی.

○ د ش ۸۰۶.

▣ **های عارفان** در بنیس، قریه‌ای واقع میان سیس و شبستر.

○ آ ذ ۵۳۴.

▣ **های عارفان، شادباد مشایخ**، در قریه شادباد شش کیلومتری جنوب شرقی تبریز.

○ آ ذ ۶۱۹.

▣ **های عارفان بزرگ در شیراز**، سعدی فرماید:

«هزار پیرو ولی خفته‌اند در شیراز
که کعبه بر سر ایشان همی کند پرواز»

○ ا ق ۷۰.

▣ **های عارفان در شیراز**، در شیرازنامه ابوالعباس احمدبن ابوالخیر زرکوب شیرازی قرن هشتم، به‌کوشش بهمن کریمی، تهران، ۱۳۱۰.

▣ **های عارفان** در کازرون، بقعه‌ها.

○ ا ق ۳۸۹.

▣ **های عارفان** در کجحال، سردرود بخش اسکو.

○ آ ذ ۵۹۳.

▣ **های عارفان**، گورستان مشایخ در روستای اورنق، سردرود اسکو.

○ آ ذ ۶۰۸.

▣ **های عارفان**، در مزارهای سمرقند از جمله: ابونصر قصاب، امیر خراسان، خواجه ابوالحسن، خواجه محمد سنگ‌رسان.

○ سمریه ۱۶۷.

▣ **های** (مزاراتِ)، عده‌ای از صلحا و عرفای آسیای مرکزی در سمرقند از جمله درویش خان، یعقوب ابولیث، مولانا درویش، خواجه اولیا، سید عاشق مولانا ابوالمکارم، خواجه رضی، ابوالفضل بلخی ره، خواجه دانیال، خواجه مرغان، خواجه احرار، خواجهٔ خواجگان، ابوطالب‌سرمست، حضرت‌غوث، خواجه‌کوهک.

○ سمریه ۱۷۸-۱۹۹.

▣ **های عزیزان**، قبرستانهای عزیزان در سمرقند.

○ قندیه ۳۰.

▣ **های عقیلی**، بقعه‌های واقع در بلوک عقیلی شوشتر: علی‌سماله، سیدسعید و بشران.

○ د ش ۷۷۲.

▣ **های قدیمی**، در میان آب شوشتر، بقعه‌های علی حسین، شعیب نبی، چارگاوه امیرالمؤمنین.

○ د س ۸۰۵.

▣ **های قدیمی نور**، گورستانهای قدیمی در کوهستان نور.

○ آ س ۲۴۶/۳.

▣ **های قدیمی داودختر**، (مادر و دختر) در ممسنی.

○ ا ق ۱۳۸.

▣ **های قدیمی دسته‌جمعی**، در گورهای گرد، بیضی و چهارگوش کلارستان مازندران بر سر تپه‌ای نزدیک گرمابک بیرون بشم.

○ آس ۱۱۹/۳.

▣ **های قم (مقبره‌های قم)،**

○ معماری ایلخانی ۱۲۵.

▣ **های قم،** سه بنای مشابه به‌نام گنبد سبز به‌صورت برجهای هشت‌ضلعی، مدفن شخصیتهای مهم با گچبری و تزیینات خوب که گنبد یکی از آنها فروریخته است.

○ آ ط ۴۳۸.

▣ **های کشتگان خاندان ابوطالب،**

○ التنبیه ۲۷۴.

▣ **های کشف شده،** در تپه موشه لانل اسماعیل آباد.

○ آ ق ۱۵.

▣ **های کشف شده،** در خوروین قزوین.

○ آ ق ۲۴.

▣ **های** (گورستانهای)، مانده از دوران اسلامی که ویرانه شده فقط نام و محل آنها موجود است ۱۹ مورد در اصفهان.

○ آ ص ۱۲۴.

▣ **های محمدبن موسی کاظم،** و خواهرش حدیده خاتون در خرقان قزوین، یک کیلومتری حصار ارمنی یا قوشه امام. احتمالاً از عصر آل بویه.

○ آ ق ۳۱۵.

▣ **های مراغه،** تکمله از آندره گدار.

○ آثار ۱ـ۱/۵۴.

▣ **های مراغه،** مقاله به‌زبان فرانسه در آثار ایران سال ۱۹۳۶.

▣ **های مشکین‌شهر،** سنگهای افراشته.

○ آ ذ ۴۴۹/۲.

▣ **های مربوط به‌سده‌های ۴ تا ٦،**

○ تا هنر ۲۳۴.

▣ **های موجود در اِشکِلِت،** ماسوله.

○ آ س ۱۳۹.

▣ **های موجود در لرستان،** که آثار مکتوبی ندارد و معلوم نیست چه بر جسدهای مدفون در آن آرامگاهها و سنگهای قبرها آمده است.

○ آ ل در فصول مختلف کتاب از جمله بقعه مهدی صالح از قرن هشتم.

▣ **های موجود در مقبرهٔ ملاباشی،** تبریز.

○ آ ذ ۴۵۴.

▣ **های موجود در گورستان،** روستای کلجاه واقع در شمال غربی اسکو.

○ آ ذ ۶۰۵.

▣ **های مهّم در ری باستان،** نقشه.

○ ری ۳۸۲.

▣ **های نیشابور،** گورستانها، ۱۶ فقره از آن جمله حیره و شادیاخ و عبدالله طاهر که همگی معروف‌اند.

○ آ خ ۱۲۲.

▣ **هجده تن از سادات صفوی،** در الموت، قبرستان گازرخان در پانصدمتری صخرهٔ‌الموت، مجموعه‌ای که بنابر سنگ نوشته مسجد که در ۸۵۳ به‌بعد بنا شده، نویسنده کتاب نیز آن را مقبره گروهی از شاهزادگان صفوی که به‌امر شاه اسماعیل دوم کشته شدند می‌داند.

○ آ ق ۸۰.

▣ **هجویری،** ۴۰۰ـ۴۸۱ و ۵۰۰، علی فرزند عثمان هجویری جلابی غزنوی معروف به‌داتا گنج بخش. در عصر غزنویان از غرنه به‌لاهور آمد و مقیم شد، وی نویسنده نخستین تذکره فارسی حاوی شرح حال عرفاست به‌نام

کشف‌المحجوب. اولین بار نام هُجویری در نفحات‌الانس جامی (۸۸۳) آمده است، پیش از آن نیز ذکر نام هجویری را در ملفوظات نظام‌الدین اولیاء می‌توان یافت، مزار داتا گنج بخش در لاهور است که نوسازی شده و بسیار مفرح و باصفاست.

○ میراث ۴۵۴/۲.

▣ **های هخامنشی**، استودانها و دخمه‌های موجود میان کوه رحمت و صفهٔ تخت‌جمشید و خیرآباد در آبادی فلانک.

○ ا ق ۴۳.

▣ **های هزارهٔ اول**، محتوای آن پس از حفاری، استخوانها، اغلب جسد را به‌پهلوی چپ می‌خواباندند، همراه با ظروف سفالینی که حاوی مواد غذایی بوده است. در پری ملایر و تپهٔ حسنلو نمونه‌ای از این آرامگاهها را می‌توان دید.

○ سیراف ۲۴۲.

▣ **هخامنشیان و ساسانیان** در نقش رستم، مجموعه.

○ انجمن ۲۳.

▣ **هدایت**، تکیه رضاقلی خان در خیابان اسلامبول، جنب مسجد هدایت.*

▣ **هدایت**، آرامگاه خانوادگی در دروس.

○ ر ج ۴۹۵.

▣ **هدایت**، کمال حسنعلی پسر حسینقلی‌خان فخرالدوله دولتمرد عصر پهلوی و قاجار م ۱۳۳۵ خ. در ۸۴ سالگی، تهران مدفون در آرامگاه خانوادگی خیابان اسلامبول.

○ ر ج ۳۵۸.

▣ **هدایت رضاقلی‌خان**، صاحب فرهنگ انجمن آرا، مدفون در تکیهٔ رضاقلی خان در خیابان اسلامبول تهران.

○ ث ۲۵۷ + ر ج ۴۵۵ + ملقب به‌فخرالدوله ولله باشی + رهبر ۴۴۹/۲.

▣ **هدایت صادق** ← آرامگاه صادق هدایت.

▣ **هدایت، علی قلی‌خان**، پسر بزرگ رضاقلی خان، امیرالشعرا (۱۲۴۵-۱۳۱۵) دولتمرد و فرهنگی معروف عصر ناصری، مدفون در تکیه رضاقلی خان در خیابان اسلامبول تهران.

○ ر ج ۴۵۹/۲

▣ **هدایت، مرتضی قلی‌خان** ← آرامگاه ضیع‌الدوله.

▣ **هدایت، مهدی قلی خان مخبرالسلطنه**، فرزند علی قلی‌خان و نوه رضاقلی خان هدایت (صاحب مجمع‌الفصحاء) در ۱۲۸۰ در خانه چالمیدان زاده شد و پس از احراز مقامات مهم، از جمله نخست‌وزیری طولانی، در عصر رضاشاه روز ۲۲ شهریور ۱۳۳۴ در اثر سقوط از پله در دروس مرد و در همان جا، آرامگاه خانوادگی به‌خاک سپرده شد.

○ رهبر ۴۶۷/۲ + رجا ۱۸۳ + ر ج ۴۵۹ + ر ج ۱۸۴/۴.

▣ **هدایت‌الله خان**، پسر حاج جمال فومنی پسر امیردباج که پس از قتل نادر، در گیلان ادعای استقلال کرد و در عصر کریم‌خان قدرتش افزون شد و با خاندان زند وصلت کرد. دختر وی را کریم خان برای پسر دوم خود گرفت. با قدرت یافتن آغا محمدخان کار هدایت‌الله خان مشکل شد وسرانجام در ۱۲۰۱ در جنگ میان وی و مصطفی خان دَوَلو سردار آغامحمدخان درگرفت، وی هنگامی که در کشتی عازم باکو بود لیز خورد و به‌دریا افتاد، بدنش را که غرق شده بود از آب گرفته در بندر انزلی دفن کردند و سرش را برای آغا

محمدخان فرستادند.

○ ر ج ۴۲۹/۴ و ۳۲۹/۵.

▣ **هرثمة بن أعیُن**، خواجه مراد راوی.

○ د ت ۵۰.

▣ **هرندی، عبدالعلی**، معروف به‌نحوی، ادیب و عربی‌دان (۱۲۲۲ـ۱۳۰۶) در هرند که در اصفهان بخش کوهپایه واقع است، زاده شد و در اصفهان مرد و به‌خاک رفت.

○ ر ج ۱۴۲/۶.

▣ **هژیر**، عبدالحسین، (۱۳۲۲ـ۱۳۶۹) ایوان بقعه ناصرالدین شاه، شهر ری.

○ فک مؤلفان ۶۴/۲.

▣ **هفت‌برادران**←آرامگاه شیخ‌امین‌الدین‌جبرییل.

▣ **هفت‌تن**، آرامگاه هفت مبلّغ بودایی که در ترکستان شرقی کشته شدند در مشرق کاشغر.

○ سیمرغ ۷۲.

▣ **هفت‌تن**، در شمال محوطه حافظیه با هفت سنگ قبر یک شکل، آرامگاه شاه شجاع در بیرون از باغ حافظیه در شمال غربی هفت‌تن.

○ ا ق ۵۴.

▣ **هفت‌تنان**، در شیراز تخت ضرابی، زندیه.

○ معماری ۸۶.

▣ **هفت‌تنان**، یِدّی لَر در سه راه چرنداب به‌تبریز. آرامگاه خواجه شمس‌الدین محمد جوینی، صدراعظم ۶۶۰ تا ۶۸۳ و پسرانش.

○ آ ذ ۴۶۵.

▣ **هفت خواهران**، از فرزندان امام موسی کاظم حوالی درب اعلی در سرخاب نزدیک باغ بیشه تبریز. اکنون اثری از آن نیست.

○ کوی سرخاب ۱۲۴.

▣ **هفت شهیدان**، در مسجد سلیمان روستای هفت شهیدان، قاجاریه.

○ معماری ۸۵/۲.

▣ **هفت‌گنبد**، بنایی معظم در گلبرگه دکن آرامگاه شاهان بهمنی جنوب هند.

○ معماری هند ۷۳.

▣ **هفتادو دوتن**، اراک ساروق قرن ششم.

○ معماری ۸۱/۲.

▣ **هفده تن**، با بنای صفوی در گلپایگان.

○ د س ۹۲۶ + با تاریخ ۱۰۳۲ + معماری ۹ + آثار ایران ۱۱۸/۳ تصویر + آ ص ۸۹۹.

▣ **هفتاد ملا**، در دامنه کوه تفتان، گورگروهی عالم شیعه که در دوران صفوی به‌این منطقه آمده بودند.

○ سیما ۱۳۶۸/۵/۲۰.

▣ **همایی**، استاد جلال‌الدین ـ متولد ۱۳ بهمن ۱۲۷۸ فوت ۲۹ تیر ۱۳۵۹ تخت فولاد اصفهان. مزار لسان‌الارض تکیه پا قلعه‌ایها.

○ آینده + ت ادیب برومند.

▣ **همام تبریزی**، خواجه همام‌الدین محمد، از شاعران سده هفتم تبریز مقبرة‌الشعرا.

○ آ ذ ۴۰۹ + کارنامه ۶۹۲ + در ۱۱۰ سالگی در حمام مرد. فک مؤلفان ۸۸۱/۵ + ۶۳۶ـ۷۱۴ تولد وی در ۵۹۸ درست نیست + کوی سرخاب ۳۷۲.

▣ **همایون پادشاه در دهلی**، محلّهٔ نظام‌الدین. همایون دومین پادشاه بابری بود که با کمک و مساعدت شاه طهماسب صفوی تخت و تاج خود را باز یافت، نخستین نفر بابر بود که با حمایت نظامی شاه اسماعیل در مقابل ازبک‌ها ایستاد و هند شمالی را گرفت همایون با کمک شاه طهماسب سلطنت از دست رفته را بازیافت، آرامگاه وی توسط همسرش حمیده بانو بیگم مادر اکبر شاه جانشین وی پس از مرگش ساخته شد.

○ آ خ ۱۰۳، ۱۰۴ + هنر و مردم مصور اردیبهشت ۴۹ + معماری هند ۸۶ تصویر ۶۲.

▣ **همایون پادشاه در دهلی**، مهدی غروی هنر و مردم ۸۸ اردیبهشت ۱۳۴۹.

▣ **همدانی** ← آرامگاه میرسید علی همدانی.

▣ **همسر مصری کبوجیه**، در راهرو هرم خئوپس.

○ ج ۸۵۲.

▣ **هنگ آفرین، حسین.** (۱۲۹۳- ۱۳۳۱ خ) از نخستین نوازندگان ویولون. مدفون در مقبره ظهیرالدوله.

○ مردان موسیقی ۸۲/۲.

▣ **هوشنگ**، م ۱۴۴۰ م درماندوی هند.

○ معماری هند در فصل گجرات، تصویر ۴۳ ب. + هوشنگ آلب خان فرزند دلاورخان از شاهان مالوه. نخ ۴۲۱.

▣ **هوشیار**، دکتر محمدباقر ـ متولد شیراز ۱۲۸۳ خ تحصیل کرده آلمان استاد دانشگاه در علوم تربیتی دانشمند ملی‌گرای متعهد م ۱۳۳۶ خ. شمیران آرامگاه ظهیرالدوله.

○ فک مؤلفان ۶۹/۲ + چهره‌ها ۴۰.

▣ **هولاکو میرزا**، ملقب به‌بهادرخان پسر حسنعلی‌میرزا شجاع‌السلطنهٔ، پسرششم فتحعلی‌شاه، خوشنویس وادیب وشاعر با تخلص عشق از ۱۲۵۰ در عتبات فراری بود و در همان جا مرد و دفن شد.

○ ر ج ۴۳۰/۴.

▣ **هولاکوخان، هلاکوخان مغول**، درکوه‌شاهو مقابل دهخوارقان.

○ تا غ ۱۹۸ + در جزیره شاهی، در دریاچه ارومیّه، قلعه آق گنبد. + آ ذ ۵۴۱ + و چند سردار دیگر. آ س ۱۷۲ + خرابه‌های صخره سرا، قرن هفتم و نیز گور اباقاومنگو. معماری ایلخانی ۱۱۸.

ی

از آرامگاهی... تا آخر کتاب

▣ **هی از** ۴۴۰۰ تا ۴۲۰۰ قبل از میلاد در بین‌النهرین، ساختمانی کوچک برای مردگان. امروز حاوی یک اسکلت همراه با ظرف کوچکی از سنگ ماسه.

○ هنر و مردم ۵۹/۸۱ تیر ۱۳۴۸.

▣ **هی از دوران ایلام جدید**، در ارجان بهبهان. عباس علیزاده.

○ شهرها ۳۰۷/۲.

▣ **یاحقی**، حسین. متولد سال ۱۲۸۲ خ نوازنده ویولن و کمانچه و هنرآموز ویولن در هنرستان هنرهای زیبا. با آثاری چون برق غم، جوانی. مدفون در آرامگاه ظهیرالدوله.

○ مردان موسیقی ۲۱۹.

▣ **یاری هروی کاتب**، قرن دهم. هرات.

○ خوش ۹۶۵.

▣ **پیرم خان ارمنی**، که در جمادی دوم ۱۳۳۰، در جنگهای غرب ایران هنگام قیام سالارالدوله کشته شد در مدرسه ارامنه روبه‌روی پارک امین‌السلطان

ـاکنون سفارت روسیه ـ مجسمه وی نیز در این محل نصب شده است.

○ رهبر ۲۹+۵۵۷ اردیبهشت ۱۲۹۱ + مدرسه کوشش خیابان نادری تهران، وی هنگام فوت ۴۰ ساله بود.

○ روزشمار ۶۲ + ر ج ۴/۴۷۶.

▣ **یحیی بن زیدعلوی**، امامزاده فرنگی امام، گرگان.

○ جغ ۱۱۵۱ + ۱۴۴ + ل ۱۸۶۹ + مازندرانس.

▣ **یحیی بن زید**، بقعه یحیی بن زید.

○ فم ۴/۲۲۴.

▣ **یحیی بن زید**، در جوزجان شمال افغانستان.

○ فم ۴/۲۲۹.

▣ **یحیی دولت‌آبادی** ← آرامگاه دولت‌آبادی حاج میرزا یحیی.

▣ **یحیی، مدرس بیدآبادی اصفهانی**، معروف به‌کاشی، زاده شده در ۱۲۵۴ اصفهان م ۱۳۴۹ اصفهان تخت فولاد.

○ ر ج ۶/۲۹۴.

▣ **یحیی نوری**، صبح ازل ← آرامگاه صبح ازل.

▣ **یحیی پسر حسنعلی خان امیرنظام**، که در جوانی در وبای ۱۲۸۷ کرمان درگذشت، وی را در آرامگاه شاه نعمت‌الله دفن کردند.

○ ر ج ۵/۳۳۳.

▣ **یحیی خان مشیرالدوله** ← آرامگاه مشیرالدوله، یحیی خان.

▣ **یزدانی**، میرزا عبدالوهاب ششمین فرزند وصال شیرازی، زاده شده در ۱۲۵۲ در شیراز، خوشنویس و موسیقیدان و دانشمند، م ۱۳۲۸ در شیراز بقعهٔ سیدمحمد.

○ ر ج ۶/۱۵۲.

▣ **یزدی، مشهدی ملااحمد**، روحانی خوشنویس که تمام بحارالانوار را به‌خط خوش نوشته و به‌آستان قدس تقدیم کرده م ۱۳۱۰ در جوار حضرت رضا(ع).

○ فک مؤلفان ۴۹۸.

▣ **یزید پسر معاویه**، دومین خلیفه اموی حوازین دمشق فوت در سال ۶۴ در ۳۳ سالگی.

○ التنبیه ۲۸۳.

▣ **یعقوب ارمنی**، میرزا ـ پدر میرزا ملکم‌خان که در لندن درگذشت م ۱۳۰۰ چون ملکم ادعای مسلمانی و شیعی‌گری داشت وی را در گورستان ایرانیان به‌آداب مسلمانان دفن و دور قبرش نرده‌ای نصب کردند.

○ ر ج ۴/۴۷۵.

▣ **یعقوب چرخی**، عارف سده نهم درکالخوز لنین در ۵ کیلومتری شهر دوشنبه مرکز تاجیکستان در وادی چغانیان.

○ تا ن ۷۷۸.

▣ **یعقوب لیث صفاری**، روایتهای گوناگون. به‌احتمال قوی بقعهٔ شاه ابوالقاسم در سمت راست جاده دزفول به‌شوشتر، در دوازده کیلومتری جاده خاکی، پس از عبور از آبادی که در آن بقعهٔ پیر یادغیب وجود دارد.

○ د ش ۳۳۷ + در منطقه جنوب غربی خرابه‌های ایوان کرخه در میان تپه‌های تاریخی، طاق شکسته‌ای به‌نام هورمَش پاره‌ماست که احتمالاً آرامگاه یعقوب بوده است. د ش ۲/۸۴۷ و ۸۲۳ + به‌احتمال شیراز برابر بقعهٔ شیخ جعفر، واقعاً در جندی‌شابور. هزار مزار ۳۲۸ و حاشیه ص ۳۳۰ نظر مرحوم قزوینی + شعری که بر آن نوشته‌اند. + شاهنامه آخرش ۳۶.

▣ **یعقوب لیث صفاری**، تحقیقی درباره گور یعقوب لیث صفاری. اقتداری، احمد.
○ فم ۳/۲۲۶.
▣ **یعقوب بن لیث**، از راست نیکلا.
○ فم ۳۷۱.
▣ **یغمایی، ابوالحسن**، در بقعهٔ داوود در خور، سنگ آن در سال ۱۳۵۳ خ تهیه و نصب شد.
○ آثار ملی ۳ و ۱۰۲/۴.
▣ **یغمایی حبیب**، در شوره‌زار خور که خود ساخته است. چسبیده به‌آن کتابخانه و خانه‌ای برای نگهبانان کتابخانه. این کتابخانه شش هزار جلدی کتابخانه شخصی خود استاد است.
○ آینده ۳۴۱/۱۶.
▣ **یغمای جندقی**، م ۱۲۷۶ در ده خور نزدیک مقبره سید داود.
○ از صبا ۱۱۲ + تدارک سنگ قبر و نصب آن. کارنامه ۷۸۲ + تا ضف ۷۰.
▣ **یک امیر ایرانی از خاندان سورَن**، در شهر چینی سیان که احتمالاً از شاهزادگان ساسانی است که در آن تاریخ مقیم چین بودند. سالهای ۸۷۲-۸۷۴ م.
○ تا س ۱۲۹۹.
▣ **یکی از سادات کیایی**، در جنوب مهمانخانه و شمال حمام آب گرم رامسر که در ۱۳۱۱ خ آن را به‌کلی خراب کرده شمشادهای قدیمی و قطور آن را ریشه‌کن کرده‌اند.
○ آ س ۳۵/۴.
▣ **یله گنبد**، یله گنبد کیلومتر ۲۷ جاده رشت قزوین سلجوقی.
○ معماری ۹۴/۲ + آ ق ۲۹۶.
▣ **یوسف بن موسی**، اراک شاهسواران.
○ معماری ۸۱/۲.
▣ **یوسف چرخی**، در چرتک ۴۰ کیلومتری دوشنبه با گنبدی شبیه آرامگاه تیمور لنگ در جوار خانقاهی که در سنگ کرده‌اند.
○ تا ن ۷۷۸.
▣ **یوسف مستوفی** ← آرامگاه میرزایوسف.
▣ **یوسف گردیزی** ← آرامگاه شاه یوسف گردیزی.
▣ **یوشع نبی**، اصفهان تخت فولاد. لسان الارض.
○ ل ۲۷۹۹.